



جمهوری اسلامی افغانستان

د افغانستان اسلامی جمهوریت

ادارهٔ مستقل ارگان‌های محلی د سیمه ییزو اورگانونو خپلواکه اداره

پالیسی ادارات محلی افغانستان

د سیمه ییزو ادارو پالیسی

بهار ۱۳۸۹ - د ۱۳۸۹ کال پسرلی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست

۱۴ ابراز سپاس
۱۵ خلاصه پالیسی ادارات محلی افغانستان
۶۸ متن کامل پالیسی ادارات محلی افغانستان
۶۸ بنیاد
۶۹ اساسات پالیسی ادارات محلی
۷۴ اهداف
۷۵ دورنمای پالیسی
۷۷ اداره ولایت
۷۷ والی
۷۹ نهادهای حکومتی در ولایت
۸۰ تعیینات رتبه‌ها و بست‌های ۳ تا ۸
۸۰ کمیته انکشافی ولایت
۸۲ مجلس اداری ولایت
۸۲ شورای ولایتی
۸۵ محاکم
۸۵ اداره ولسوالی
۸۵ ولسوال‌ها
۸۷ شورای ولسوالی
۸۸ نهادهای حکومتی در ولسوالی
۸۸ اسمبلی انکشافی ولسوالی
۸۹ اداره قریه
۸۹ شورای قریه
۸۹ شورای انکشافی قریه
۹۱ ادارات غیر رسمی حکومت‌داری در سطح قریه
۹۴ پولیس ملی افغانستان
۹۶ شماروالی‌ها
۹۸ خلاصه چارچوب قانون فعلی شماروالی‌ها
۱۰۱ ارائه تسهیلات و امکانات دفتری برای ادارات محلی

۱۰۱	جامعه مدنی و رسانه‌ها
۱۰۳	وضعیت عرضه خدمات عامه در سطح محلی
۱۰۸	پلان‌گذاری و امور مالی در سطح محلی
۱۱۰	روند تدوین پالیسی ادارات محلی
۱۱۴	دورنمای زمانی پالیسی
۱۱۵	پالیسی برای ادارات محلی
۱۱۵	حکومت‌داری در سطح ولایت
۱۱۵	نهادهای حکومت‌داری در سطح ولایت
۱۱۶	وظایف کلی ادارات ولایت، ولسوالی و قریه
۱۱۷	وظایف و مسئولیت‌های نهادهای دولتی در سطح ولایت
۱۱۹	شیوه‌های حساب‌دهی در سطح ولایت
۱۲۰	نهادهای حکومت‌داری حساب‌ده به مردم
۱۲۱	حضور مردم در ولایت
۱۲۱	تعیین و توظیف کارمندان ملکی در ولایت
۱۲۲	والی
۱۴۷	معاون والی
۱۵۱	شوراهای ولایتی
۱۵۶	نهادهای دومی حکومت در ولایات
۱۵۸	کمیته انکشافی ولایت
۱۵۹	مجلس اداری ولایت
۱۶۲	وظایف و مسئولیت‌های ادارات حکومت‌داری در سطح ولسوالی
۱۶۴	شیوه‌های حساب‌دهی در سطح ولسوالی
۱۶۵	حضور مردم در سطح ولسوالی
۱۶۵	تعیین و توظیف کارمندان ملکی در سطح ولسوالی
۱۶۵	ولسوال
۱۸۶	شورای ولسوالی
۱۹۴	واحد‌های سومی (آمریت‌ها و مدیریت‌ها) وزارت‌های سکتوری در سطح ولسوالی
۱۹۷	اسمبلی انکشافی ولسوالی
۱۹۸	مجلس اداری ولسوالی
۱۹۸	ساختارهای حکومت‌داری در سطح قریه

۱۹۹ وظایف و مسئولیت ها در سطح قریه
۲۰۰ شیوه های حسابدهی در سطح قریه
۲۰۱ نهادهای حکومتداری حسابده به مردم
۲۰۱ نمایندگی در سطح قریه
۲۰۱ شورای قریه
۲۰۵ شوراهای انکشافی قریه
۲۰۶ انتخابات شوراهای ولسوالی، قریه، شاروالها و شاروالیها
۲۰۶ رهنمای انتخابات
۲۰۷ منبع تمویل برای انتخابات
۲۰۷ دوره خدمت
۲۰۷ تعداد دوره
۲۰۸ ریزرف کرسی برای زنان
۲۰۹ شرایط سنی
۲۰۹ حوزه انتخابات
۲۱۰ سیستم انتخابات
۲۱۱ احکام انتخابات مختلف
۲۱۵ اصول وظایف داخلی کارمندان انتخابی و انتصابی محلی
۲۱۵ بهبود امنیت در سطح محلی
۲۱۶ بهبود و تقویت روابط بین والیها و قوماندانان امنیه
۲۱۷ ماده چهارم قانون پولیس
۲۱۷ قانون ادارات محلی
۲۱۷ بهبود مؤثریت کاری پولیس ملی افغانستان
۲۱۷ بهبود حسابدهی پولیس به مردم
۲۱۸ استقلال عمل خرنوالان
۲۲۰ ارائه تسهیلات و امکانات به ادارات محلی و دولتی
۲۲۰ تفویض مسئولیتها در ولایات، ولسوالیها و قریهها
۲۲۲ تقسیمات اداری موجود در سطح محلی
۲۲۵ پالیسی برای ایجاد واحدهای اداری جدید
۲۲۵ زونها و منطقهها
۲۲۵ ایجاد واحدهای جدید اداری و یا تغییر آنها
۲۲۵ پالیسی در مورد ایجاد ولایتیهای جدید

۲۲۵پالیسی در مورد ایجاد ولسوالی‌ها
۲۲۶همکاری میان ولایات
۲۲۶تیم بازسازی ولایتی (PRT)
۲۲۷اداره شاروالی
۲۲۷قواعد و مقررات تطبیقی
۲۲۸ایجاد، ادغام و انحلال شاروالی‌ها
۲۲۹شرایط انحلال شاروالی‌ها
۲۲۹دسته‌بندی شاروالی‌ها
۲۳۰وظایف شاروالی‌ها
۲۳۳ساختارهای نهادی و میکانیزم‌های اداری برای شاروالی‌ها
۲۳۳شاروالی کابل
۲۳۴چارچوب اداری شاروالی‌ها
۲۳۴سیستم‌های مدیریت
۲۳۵اداره امور انکشافی شاروالی‌ها
۲۳۶خدمات شاروالی
۲۳۷طرح‌های پیشنهادی پالیسی
۲۳۸سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی شاروالی
۲۴۱بلند بردن ظرفیت و قابلیت شاروالی‌ها
۲۴۳ساختارهای اداری و حکومت‌داری و وظایف آنها
۲۴۳اداره شاروالی به صورت کل
۲۴۵ شاروال
۲۴۶معیارهای اهلیت برای شاروال‌ها
۲۴۷وظایف فرعی شاروال
۲۴۷وظایف انتظامی
۲۴۷اداره و مدیریت
۲۴۸ معاون شاروال
۲۵۰وظایف فرعی معاون شاروالی
۲۵۰تعیینات کارمندان و مسئولان انتصابی شاروالی
۲۵۱ شوراهای شاروالی
۲۵۴ مجلس اداری شاروالی
۲۵۵وظایف مجلس اداری شاروالی

۲۵۶.....	نواحی شاروالی
۲۵۸.....	چارچوب مالی و محاسباتی
۲۵۸	ایجاد چشمه‌های عایداتی برای شاروالی‌ها
۲۶۰	بودجه‌سازی شاروالی و پلان‌گذاری برای سرمایه‌گذاری عامه.....
۲۶۲.....	ارتباطات مالی بین ادارات دولتی و دسترسی شاروالی‌ها به منابع خارجی
۲۶۴	مدیریت مالی و گزارشدهی.....
۲۶۶.....	روابط بین ادارات دولتی
۲۶۶.....	روابط شاروالی با ادارات مرکزی
۲۶۸	نظارت (نظارت، ارزیابی و سرپرستی از روند پیشرفت)
۲۶۹	وظایف وزارت انکشاف شهری
۲۷۰	وظایف اداره مستقل ارگان‌های محلی
۲۷۰	وزارت مالیه
۲۷۱	روابط با مقامات ولایتی
۲۷۲	روابط شاروالی‌ها با شوراهای ولایتی.....
۲۷۲	روابط با کمیته‌های انکشافی ولایتی
۲۷۲	روابط شاروالی با والی و اداره ولایت
۲۷۳	روابط با قومندان امنیه ولایت
۲۷۳	روابط با سایر شاروالی‌ها و ولسوالی‌ها
۲۷۴	روابط با شوراهای ولسوالی
۲۷۴	روابط شاروالی با ولسوال و اداره ولسوالی
۲۷۵	روابط با قومندانی امنیه ولسوالی
۲۷۵	روابط شورای شاروالی با شورای قریه
۲۷۵	رابطه با سایر شاروالی‌ها
۲۷۶	انجمن شاروالی‌ها.....
۲۷۶	رابطه با شاروالی‌های خارجی
۲۷۶	اشتراک عامه مردم در امور شاروالی
۲۷۷.....	اشتراک جامعه مدنی، جوانان و زنان در شاروالی
۲۸۰	نقش سکتور خصوصی در انکشاف اقتصادی شاروالی
۲۸۲.....	پیشرفت در امور اداره شاروالی.....
۲۸۲	وضع قوانین لازم
۲۸۲	قانون شاروالی‌ها

۲۸۳ قانون شوراهای شاروالی
۲۸۴ قانون انتخابات
۲۸۴ اقدامات استراتژیک لازم
۲۸۵ نهادهای ساخته شده چارچوب پالیسی حکومت داری شاروالی
۲۸۵ نظارت بر تطبیق پالیسی و ارزیابی آن
۲۸۵ سیستم مراقبت و ارزیابی شاروالی ها
۲۸۶ شیوه نظارت
۲۸۶ مسائل و موضوعات مشترک پالیسی
۲۸۶ جنسیت (جندر)
۲۹۰ تصویب و عملی ساختن یک استراتژی جامع رهبری و رشد ظرفیتها برای زنان
۲۹۲ افزایش فرصتها و میکانیزمها برای رهبری توسط زنان و مشارکت اجتماعی آنها
۲۹۲ مشارکت جوانان
۲۹۴ مشارکت جامعه مدنی و رسانهها در حکومت داری محلی
۲۹۴ میکانیزمهای مشارکت نهادهای جامعه مدنی
۲۹۷ مبارزه با فساد
۲۹۹ اصلاحات ادارات عامه
۳۰۲ تعیینات رتبهها و بستهای ۳ تا ۸
۳۰۳ ارتقای ظرفیتها در سطح محلی
۳۰۳ ارائه آموزش به کارمندان دولتی در سطح محلی
۳۰۵ آموزش و انکشاف کارمندان ادارات محلی
۳۰۶ ترتیبات آموزش و انکشاف برای مقامات انتصابی و مأمورین خدمات ملکی
۳۰۹ آموزش و پژوهش در حکومت داری شهری و محلی
۳۱۰ کار عملی برای فارغ التحصیلان جدید پوهنتونها
۳۱۰ ارزیابی عملکرد، معیارهای خدمات عامه و آشنایی با خدمات مراجعین در سکتور خدمات عامه
۳۱۲ تفتیش عملکرد ادارات محلی
۳۱۲ تفتیش خارجی
۳۱۳ اداره عمومی کنترل و تفتیش
۳۱۳ تفتیش داخلی
۳۱۵ در مورد تفتیش عملکرد در ادارات محلی
۳۱۸ انکشاف اقتصاد محلی
۳۱۹ تقویت مهارتها و آموزش متشبهین

۳۲۰	نظام توزیع و دانش و مهارت‌ها
۳۲۱	بهبود دسترسی به سرمایه
۳۲۳	ایجاد خدمات حمایت از تجارت، تأسیسات و زیربنای لازم
۳۲۵	اصلاح محیط تجاری
۳۲۶	سیستم پلانگذاری و ایجاد هماهنگی
۳۲۷	هماهنگی با برنامه معیشت بدیل
۳۲۸	اداره منابع طبیعی توسط مردم
۳۳۰	حفاظت از محیط زیست
۳۳۱	تعیین حدود قریه‌ها
۳۳۲	اداره اراضی
۳۳۲	ثبت اراضی
۳۳۵	جلوگیری از غصب اراضی شخصی و دولتی
۳۳۵	مبارزه با مواد مخدر
۳۳۹	استراتژی ارتباطات
۳۴۳	روش های مبتنی بر حقوق بشر در ادارات محلی
۳۴۴	روش های مبتنی بر حقوق بشر در حاکمیت محلی
۳۴۴	پلان گذاری محلی و امور مالی محلی
۳۴۴	تحلیل وضعیت فعلی
۳۴۴	پلانگذاری و بودجه سازی ولایتی
۳۴۴	راهکار سنتی پلانگذاری و بودجه سازی محلی
۳۴۶	ابتکار پلان گذاری انکشافی ولایات
۳۴۷	پروژه ترتیب پلان های انکشافی ولایتی
۳۴۹	ابتکار بودجه سازی ولایتی
۳۵۱	تفویض صلاحیت مصارف
۳۵۳	تخصیص بودجه ولایتی
۳۵۵	مدیریت مالی
۳۵۶	طرح پیشنهادی پالیسی برای پلان گذاری ولایتی
۳۵۶	اهداف پالیسی
۳۵۷	اجزای پالیسی
۳۵۷	چگونگی تخصیص وجوه مالی برای پلان گذاری ولایتی
۳۵۸	میزان بودجه تمویل پلان ولایتی

۳۵۹	تفاوت بین پلان‌های مردمی و پلان‌های ریاست‌های سکتوری ولایتی
۳۶۰	معیارهای تعیین تخصیص ولایتی
۳۶۴	زنجیره پلان‌گذاری سالانه
۳۶۴	نقش‌ها و مسئولیت‌ها
۳۶۵	زمان‌بندی
۳۶۶	تطبيق پلان ولایتی و بودجه ولایتی
۳۶۷	تفویض صلاحیت مصارف به ادارات ولایات:
۳۶۸	انتقال پول به شاروالی‌ها
۳۶۹	تخصیص وجوه مالی به قریه‌ها
۳۷۰	مدیریت مالی
۳۷۰	حساب‌دهی مالی
۳۷۱	تطبيق اصلاحات مدیریت مالی
۳۷۱	اصلاح سیستم مدیریت مالی ادارات محلی
۳۷۴	ترتیبات نهادی برای تطبيق پالیسی
۳۷۴	کمیته پلان‌گذاری و مالی کابینه
۳۷۵	نقش‌ها و مسئولیت‌های کمیته
۳۷۷	تطبيق، نظارت و ارزیابی
۳۷۷	تطبيق پالیسی ادارات محلی
۳۷۸	تدوین یک چارچوب تطبیقی مفصل برای پالیسی ادارات محلی
۳۸۰	مقرر ههایی که باید تعدیل گردند:
۳۸۱	مقرر هها و رهنمودهایی که باید از نو تدوین گردند:
۳۸۳	حکومت‌داری، ساختارهای تشکیلاتی و میکانیزم‌های نهادی شاروالی‌ها
۳۸۳	مدل‌های صنف‌بندی شاروالی‌ها
۳۸۳	سیستم‌های مدیریتی
۳۸۳	مدیریت توسعه
۳۸۳	نهادهای اقتصادی شاروالی
۳۸۴	مدیریت کارکرد
۳۸۴	ارتقای ظرفیت
۳۸۴	شاروال‌ها و معاون‌های شاروالی‌ها
۳۸۵	مسئولان انتصابی
۳۸۵	شوراهای شاروالی

۳۸۵	ایجاد چشمه‌های عایداتی برای شاروالی‌ها
۳۸۶	بودجه‌سازی و پلانگذاری شاروالی
۳۸۶	روابط مالی دولتی و قرضه‌دهی بین ادارات
۳۸۷	مدیریت مالی و گزارش‌دهی
۳۸۷	روابط با اداره ولایت
۳۸۷	روابط با شاروالی‌ها ولایت و ولسوالی
۳۸۷	سهام‌گیری و اشتراک مردم در امور شاروالی‌ها
۳۸۸	نقش بخش خصوصی در توسعه اقتصاد شاروالی
۳۹۱	اصول رهنمودی برای تطبیق پالیسی ادارات محلی
۳۹۳	ساختار تطبیق پالیسی
۳۹۹	ایجاد بنیادهای لازم برای تطبیق پالیسی ادارات محلی افغانستان
۴۰۱	مبارزه با مواد مخدر
۴۰۱	مدیریت حوادث
۴۰۲	توسعه اقتصاد محلی
۴۰۳	نظارت و ارزیابی از تطبیق پالیسی ادارات محلی
۴۰۳	ضمیمه‌ها
۴۰۳	اصول رفتاری برای مقامات انتصابی ادارات محلی
۴۰۴	اصول رفتاری کارمندان دولتی
۴۰۸	اصول رفتاری برای اعضای شوراهای انتخابی محلی و شاروال‌ها
۴۱۱	اصول رفتاری اعضای شوراهای ولایتی
۴۱۵	اصول رفتاری شاروالی‌ها
۴۱۹	لیست ولایات و ولسوالی‌ها
۴۴۹	لیست شاروالی‌ها
۴۵۸	تعداد نواحی
۴۵۹	روند کار گروهی
۴۶۰	معیارهای مورد مشترک نظارت و انسجام
۴۶۰	معیارهای حکومت‌داری، حاکمیت قانون و حقوق بشر
۴۶۲	تقسیم اوقات جلسات گروه‌های کاری برای ماه‌های جون و جولای
۴۸۳	لایحه وظایف گروه‌های کاری
۴۹۷	جدول (۱): موضوعات پالیسی ادارات محلی

٤٩٧.....	طرح کلی موضوعات در طول روند تدوین پالیسی
٥٠٠.....	جدول (٢): موضوعات پالیسی ادارات محلی
٥٠٤.....	گروه کاری در زمینه ادارات شاروالی‌ها*
٥٢٦.....	گروه کاری سهم‌گیری جامعه مدنی

پیام اداره مستقل ارگان های محلی

به تاسی از ماده یکصد و سی و هفتم قانون اساسی و حکم شماره ۱۰۴۷ مورخ ۲۲ ثور ۱۳۸۷ مقام عالی ریاست جمهوری و با همکاری ۲۵ وزارت و اداره مستقل، تلاش های کمیته تدوین و تدقیق پالیسی تحت رهبری معینیت پالیسی و انسجام اداره مستقل ارگان های محلی به ثمر نشست و برای نخستین بار پالیسی ادارات محلی افغانستان تدوین شد.

پالیسی ادارات محلی افغانستان طی دو سال کار فشرده در قالب جلسات کمیته تدوین پالیسی، گروه های کاری و کمیته تدقیق پالیسی با شرکت تمام وزارت ها، کمیسیون ها و ادارات مستقل تدوین شده است. این پالیسی در تاریخ ۲ حمل ۱۳۸۹ توسط شورای وزیران به تصویب رسید.

پالیسی ادارات محلی افغانستان با بهره گیری از تجربیات کشورهای دارای سیستم حکومتداری محلی و مشاوره کارشناسان داخلی و خارجی و با در نظرداشت چشم انداز پنجاه ساله آینده افغانستان تدوین شده است.

اهداف اساسی این پالیسی تطبیق احکام قانون اساسی بر ادارات محلی، ایجاد پالیسی واحد برای سیستم تشکیلاتی واحدهای اداری، ایجاد هماهنگی بیشتر بین نهادهای ملی و تنظیم پالیسی واحدهای اقتصادی، اجتماعی و امنیتی برای ولایات، ولسوالی ها و قریه ها می باشد.

همچنین قرار است این پالیسی، حکومتداری خوب را از طریق تفویض صلاحیت های اداری، مالی و پلانگذاری به ادارت محلی و ایجاد و تقویت نهادهای دولتی در سطح محلی فراهم نماید و مؤثریت و کارایی عرضه خدمات را از طریق نزدیک سازی امور تصمیم گیری به مردم و حسابه ساختن تصمیم گیرندگان به مردم افزایش دهد.

با تطبیق این پالیسی، کارهای اداری در سطح محلات تسریع و مشارکت مستقیم مردم در امور حکومتداری محلی، منتج به اعتمادسازی و کم شدن فاصله بین حکومت و مردم خواهد شد.

اداره مستقل ارگان های محلی، بدینوسیله مراتب سپاس و قدردانی خویش را از مقام عالی معاونیت دوم ریاست جمهوری، وزارتخانه ها، کمیسیون ها و ادارات مستقل که در امر تدوین پالیسی ادارات محلی سهم گرفته اند، ابراز می دارد. همچنین اداره مستقل ارگان های محلی از نهادهای خارجی که در امر تدوین این پالیسی، مشاوره و کمک های شان را در اختیار کمیته تدوین و تدقیق پالیسی قرار داده اند، قدردانی می نماید.

غلام جیلانی پوپل

رئیس عمومی اداره مستقل ارگان های محلی

ابراز سپاس

اداره مستقل ارگان‌های محلی، افتخار دارد از تمام وزراء، معینان و نهادهای جمهوری اسلامی افغانستان، که در تدوین این پالیسی سهم فعال گرفته و همکاری همه‌جانبه کرده‌اند، به‌خصوص "وزارتخانه‌ها و نهادهای محترم زیر، تشکر و قدردانی کند:

«وزارت زراعت، مالداري و آبياري»، «وزارت اقوام، قبائل و سرحدات»، «وزارت تجارت و صنايع»، «وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی»، «وزارت مبارزه با مواد مخدر»، «وزارت اطلاعات، فرهنگ و جوانان»، «وزارت اقتصاد»، «وزارت معارف»، «وزارت انرژی و آب»، «وزارت مالیه»، «وزارت حج و اوقاف»، «وزارت تحصيلات عالی»، «وزارت داخله»، «وزارت عدلیه»، «وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین»، «وزارت معادن»، «وزارت صحت عامه»، «وزارت فواید عامه»، «وزارت احیاء و انکشاف دهات»، «وزارت انکشاف شهری»، «وزارت امور زنان»، «وزارت مهاجرین و عودت کنندگان»، «وزارت ترانسپورت و هوانوردی ملکی»، «کمیسیون مستقل انتخابات»، «ریاست شاروالی کابل»، «اداره جیو‌دیزی و کارتوگرافی»، «اداره مرکزی احصائیه»، «اداره امور و دارالانشای شورای وزیران»، «کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی»، «ریاست کوچی‌ها»، «اداره آمادگی و مقابله با حوادث»، و «دفتر لوی خرنوالی و ستره محکمه» می‌کند.

همچنین، اداره مستقل ارگان‌های محلی، از معلومات ارزشمند واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، بانک جهانی، بنیاد آسیا و برنامه حاکمیت محلی افغانستان، که در تدوین این پالیسی نقش ارزنده‌ای داشته‌اند، ابراز امتنان می‌کند. همچنین، این اداره تمنا دارد تا حمایت‌ها و کمک‌های تخنیکی نهادهای دولتی و خارجی در تطبیق پالیسی ادارات محلی ادامه پیدا کند.

خلاصه پالیسی ادارات محلی افغانستان حکومت‌داری در ولایات، ولسوالی‌ها، قریه‌ها و شاروالی‌ها

تطبیق، نظارت و ارزیابی این پالیسی

این پالیسی شیوه حکومت‌داری محلی را در درازمدت بهبود قابل ملاحظه‌ای خواهد بخشیده و با تدوین قوانین و مقررات جدید و نیز اصلاح قوانین و مقررات فعلی، تغییرات عمده‌ای را در ساختار نهادهای محلی و نحوه خدمت‌رسانی به مردم ایجاد خواهد کرد. تدوین قوانین و مقررات جدید و تغییرات ساختاری نهادها در سال ۱۳۸۹ آغاز شده و قرار است در مدت پنج سال (۱۳۸۹-۱۳۹۳)، طی روند تدریجی و مرحله‌وار تطبیق شود. دولت افغانستان به منظور کمک در تطبیق پالیسی، از میکانیزم‌های مطرح در این پالیسی پشتیبانی می‌کند.

بناست دولت افغانستان در سال ۱۳۹۳ بررسی همه‌جانبه‌ای از این پالیسی انجام دهد تا نتایج تطبیق پنج ساله آن را ارزیابی کند و در صورت نیاز، کمیته‌های تدوین و تدقیق و تنظیم پالیسی را یک بار دیگر برای ویرایش و عیار نمودن پالیسی مطابق با نیازهای عصر، به کار بگمارد. همچنین دولت یک کمیته فرعی را، تحت عنوان "گروه کاری تخنیکی اصلاح قوانین"، در بخش سیستم حکومت‌داری محلی ایجاد خواهد کرد. ریاست تقنین وزارت عدلیه به حیث رئیس، و ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی به حیث منشی این کمیته خواهند بود. وزارت‌هایی که در تدوین قوانین تازه، یا اصلاحات در آنها نقش دارند، اعضای دایمی این کمیته فرعی خواهند بود. مسئولیت عمده این کمیته فرعی، تدوین قوانین تازه و اصلاح قوانین موجود به منظور تطبیق پالیسی ادارات محلی و ارائه آن به پارلمان در سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ خواهد بود. دولت افغانستان تدوین همه قوانین و مقررات لازم را، به منظور تطبیق پالیسی ادارات محلی، یکی از اولویت‌هایش دانسته و به صورت جدی روی آنها، در جریان سال ۱۳۸۹، کار خواهد کرد.

حساب‌دهی به مردم

نهادهای دولتی و شوراهای محلی در سطح ولایت، ولسوالی، شاروالی و قریه به مردمی که در آن مناطق زندگی می‌کنند، حساب‌ده هستند. ایجاد ادارات دولتی در سطوح مختلف تنها به منظور ارائه خدمات به مردم خواهد بود. شوراهای منتخب محلی که از نظریات و خواست‌های مردم نمایندگی می‌کنند، در سلسله‌مراتب سیستم حکومت‌داری در سطح محلی، بعد از مردم قرار دارند. نهادهای دولتی در سطح محلی از طریق شوراهای محلی به مردم حساب‌ده هستند.

نقش و مسئولیت های نهادهای دولتی در سطح ولایت، ولسوالی و قریه

نقش و مسئولیت های نهادهای دولتی در سطح ولایت، ولسوالی و قریه به قرار ذیل است:

۱. تأمین صلح و ثبات و امنیت؛
۲. تأمین حاکمیت قانون؛
۳. تحقق، حفظ، ترویج و توسعه حقوق انسانی شهروندان افغانستان؛
۴. انکشاف امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تعلیم و تربیه؛
۵. عرضه خدمات به مردم. خدماتی که حکومت باید به مردم عرضه نماید، عبارت اند از:
تأمین عدالت، امنیت، سلامتی جان و مال مردم هنگام مسافرت در راه های عمومی، تنویر راه ها، آبرسانی و ایجاد سیستم فاضلاب، صحت و تغذی، معارف، برق، سرک ها، حمل و نقل محلی، زیربناهای شهری و دهاتی، زراعت و آبیاری، مدیریت منابع طبیعی، ثبت املاک غیرمنقول، مصونیت اجتماعی، توزیع کارت شناسایی ملی (تذکره)، انکشاف سکتور خصوصی، خدمات شهری مانند مدیریت زباله ها و ضایعات و بازیافت آنها، مدیریت ترافیک شهری و راه های مواصلاتی ولایات، تسهیلات تفریحی، ایجاد کتابخانه ها، و ارائه سایر خدمات ارزشمند مورد نیاز مردم؛
۶. حصول اطمینان از تطبیق اصول حکومت داری خوب، مانند شفافیت، حساب دهی به مردم، مشارکت مردم، به خصوص زنان و جوانان، مشارکت جامعه مدنی و بخش خصوصی، دموکراسی مشارکتی در محلات، مؤثریت و کارایی، برابری جنسیتی، تسلسل و پیوستگی، تساوی و شمولیت همگانی، تأمین حاکمیت قانون و ایجاد سیستم های قانونی در تمام سطوح جامعه؛
۷. کاهش فقر و امراض و تطبیق اهداف انکشافی هزاره سوم در افغانستان؛
۸. مدیریت و مبارزه با حوادث طبیعی؛
۹. محو کشت خشخاش، تدوین و ترویج برنامه های معیشت بدیل؛
۱۰. حفظ محیط زیست، استفاده مثبت و پایدار از منابع طبیعی؛
۱۱. حمایت از ارزش های اسلامی و برگزاری شعایر و مناسبت های دینی؛
۱۲. کمک و همکاری در تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان و برنامه های دارای اولویت ملی.

حکومت داری در سطح ولایت

نهادهای ذی ربط در حکومت داری در سطح ولایت عبارت اند از:

- دفتر والی
- شاروالی

• نهادهای حکومتی در ولایت‌ها به شمول دفتر ولایتی کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، مستوفیت، خازن‌والی ولایت، قوماندانی امنیه و ریاست امنیت ملی:

• شورای ولایتی

• محاکم

• دفتر ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

• سکتور خصوصی

• جامعه مدنی به شمول شوراهای انکشافی و غیر رسمی

• رسانه‌ها و مطبوعات

• نهادهای مردمی

• کمیته انکشافی ولایت

• مجلس اداری ولایت

نهادهای حکومت‌داری در سطح ولسوالی:

• ولسوالی

• شاروالی‌ها*

• مجلس اداری ولسوالی

• نهادهای حکومتی در ولسوالی، به شمول قوماندانی امنیه و مدیریت امنیت ملی

• محکمه ابتدائی

• سکتور خصوصی

• جامعه مدنی به شمول شوراهای انکشافی و غیر رسمی

• رسانه‌ها و مطبوعات

* در ولسوالی‌هایی که شاروالی وجود دارد

حکومت‌داری در سطح قریه

نهادهای حکومت‌داری در سطح قریه در برگیرنده شورای قریه، جامعه مدنی به شمول شوراهای انکشافی قریه و شوراهای غیر رسمی، کوپراتیف‌ها و اتحادیه‌های زراعتی، رسانه‌ها و مطبوعات، اشخاص غیر حکومتی مانند ملک، ارباب، قریه‌دار، خان، ریش‌سفیدان، ملک‌گذر، کلانتر، میراب، علما، ملامان، مساجد، قوماندان و غیره می‌باشند. شورای انتخابی قریه یگانه نهاد رسمی در سطح قریه خواهد بود.

شیوه‌های حساب‌دهی در ولایت و ولسوالی

شوراهای ولایتی و ولسوالی به مردم حساب‌ده هستند، زیرا توسط انتخابات آزاد و در نتیجه رای مستقیم مردم به وجود می‌آیند. اعضای شوراهای ولایتی و ولسوالی، باید به طور منظم، با مردم حوزه‌های انتخابی شان در تماس باشند.

نهادهای دولتی در سطح ولایت به شورای ولایتی، و نهادهای ولایتی در سطح ولسوالی به شورای ولسوالی حساب‌ده هستند. واحدهای دومی و سومی، به شمول نهادهای امنیتی و مستوفیت‌ها و ولسوال‌ها، همه به مقام ولایت حساب‌ده می‌باشند. واحدهای سومی در سطح ولسوالی به ولسوال و شورای ولسوالی حساب‌ده هستند.

اداره ولایت و شورای ولایتی با محکمه، برای دسترسی آسان و به موقع شهروندان به خدمات عدلی در سطح ولایت، همکار خواهند بود. همین طور، اداره ولسوالی و شورای ولسوالی با محکمه، برای دسترسی آسان و به موقع شهروندان به خدمات عدلی در سطح ولسوالی، همکاری همه‌جانبه خواهند نمود.

استقلال عمل خارنوالان

خارنوالی ولایت و ولسوالی بخشی از اداره ولایت و ولسوالی محسوب می‌شوند، ولی در وظیفه استقلال عمل دارند. همچنین، در تصمیم‌گیری نیز، بر مبنای قوانین و صلاحیت‌های اداره لوی خارنوالی کشور، مستقل می‌باشند. این پالیسی با در نظر داشت اهمیت نقش و وظیفه خارنوالان، استقلال عمل آنها در انجام وظایف‌شان را به رسمیت شناخته و بر آن تاکید می‌نماید. خارنوالی‌ها در ولایت و ولسوالی از اجراءات اداری‌شان به والی، ولسوال، شورای ولایتی و شورای ولسوالی گزارش‌ده‌اند، ولی در عملکرد مسلکی خود مستقل خواهند بود.

مسئولیت‌های والی و ولسوال

- تأمین صلح و ثبات و امنیت؛
- تأمین حاکمیت قانون؛
- تحقق، حفظ، ترویج و توسعه حقوق انسانی شهروندان؛
- ترویج و انکشاف فرهنگ، معارف، اجتماع و اقتصاد؛
- عرضه خدمات به مردم مانند تأمین عدالت، امنیت و حفظ جان و مال شهروندان در شاهراه‌های عمومی؛
- آبرسانی و فاضلاب؛
- صحت و تغذی؛
- معارف؛
- برق؛
- سرک‌ها؛
- ترانسپورت محلی؛
- زیرساخت‌های شهری و دهاتی؛
- زراعت و آبیاری؛
- مدیریت منابع طبیعی؛
- ثبت املاک غیرمنقول؛
- مصونیت اجتماعی؛
- توزیع تذکره؛
- انکشاف سکتور خصوصی؛
- خدمات مدنی مانند جمع‌آوری زباله‌ها و ضایعات و بازیافت آنها؛
- مدیریت ترافیک؛
- تنویر راه‌ها؛
- تسهیلات تفریحی؛
- کتابخانه‌ها؛
- تطبیق اصول حکومت‌داری خوب؛
- کاهش فقر و امراض و تطبیق اهداف انکشافی هزاره سوم در افغانستان؛
- مدیریت و مبارزه با حوادث طبیعی؛
- محو کشت خشخاش؛
- ترویج برنامه‌های معیشت بدیل؛
- حفاظت از محیط زیست و استفاده مثبت و پایدار از منابع طبیعی؛
- کمک و همکاری در تطبیق استراتیژی انکشاف ملی افغانستان و برنامه‌های دارای اولویت ملی برای افغانستان؛

وظایف والی و ولسوال

والی مسئول اول اجراءات ادارات دولتی در سطح ولایت است و موارد زیر نکات برجسته لایحه وظایفش می‌باشد:

۱. تأمین صلح، ثبات، امنیت و حاکمیت قانون؛
۲. تطبیق، حفظ، ترویج و توسعه حقوق انسانی شهروندان افغانستان؛
۳. انکشاف فرهنگ، معارف، اجتماع و اقتصاد؛
۴. ریاست جلسات کمیته انکشافی ولایت؛
۵. ریاست جلسات امنیتی ولایت؛
۶. تنظیم پروسه‌های پلان‌گذاری، بودجه‌سازی و انسجام در سطح ولایت؛
۷. بررسی و نظارت بر فعالیت‌های تمامی نهادهای دومی وزارت‌ها؛
۸. نظارت بر تطبیق اصلاحات اداری و انکشاف خدمات ملکی در سطح ولایت؛
۹. نظارت بر برنامه‌ها و فعالیت‌های نهادهای امنیتی ولایت و ولسوالی‌ها؛
۱۰. بررسی و نظارت بر امور کاری ولسوالی‌ها و شاروالی‌ها؛
۱۱. طرح، تدوین و تطبیق پلان‌های مبارزه با موادمخدر، حوادث طبیعی و سایر فعالیت‌هایی که از حیطة مسئولیت‌های واحدهای دومی خارج است؛
۱۲. ریاست کمیته ولایتی مبارزه با حوادث و مواد مخدر در ولایت. (کمیته مبارزه با حوادث، مسئولیت نظارت و مدیریت مبارزه با حوادث طبیعی در سطح ولایت را به عهده خواهد داشت).

ولسوال مسئول اول اجراءات ادارات دولتی در سطح ولسوالی است. نقش ولسوال در سطح ولسوالی شبیه نقش والی در سطح ولایت است. ولسوال مسئولیت رهبری، پلان‌گذاری و انسجام، نظارت و ارزیابی امور کاری نهادهای سومی حکومت در سطح ولسوالی را به عهده خواهد داشت. ولسوال کمیته‌های کاری ولسوالی را در بخش‌های مبارزه با مواد مخدر و مدیریت حوادث طبیعی رهبری خواهد نمود. کمیته ولسوالی مدیریت حوادث طبیعی، مسئولیت نظارت، مدیریت آمادگی‌ها، واکنش و مبارزه با حوادث طبیعی را در سطح ولسوالی رهبری خواهد کرد.

معاون والی

معاون والی یک کارمند عالی‌رتبه دولتی در سطح ولایت است. در حالی که والی روی امور استراتژیک ولایت تمرکز کاری خواهد داشت، معاون والی بر تطبیق امور استراتژیک و اداری توجه خواهد کرد. این عمل فرصت لازم را برای والی خواهد داد تا روی پلان‌های استراتژیک امنیتی، انکشافی و حکومتی فکر و برنامه‌های مؤثری را برای ولایت طرح و رهبری کند. در صورت تفویض صلاحیت از طرف والی، معاون والی می‌تواند مسئولیت‌های زیر را به عهده بگیرد:

- پلان‌گذاری و اداره امور روزانه در سطح ولایت؛

- تنظیم فعالیت ادارات ولایتی براساس قانون؛

- ترغیب کارمندان ملکی بر پیروی کامل از قوانین؛

- ایجاد شرایط سازگار برای فعالیت منظم نهادهای اداری در سطح ولایت؛

معاون والی در نبود والی، وظایف و صلاحیتهای والی را در اختیار خواهد داشت.

پست معاون والی، به اساس حکم شماره ۲۱۱۳ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۹ ریاست جمهوری افغانستان، به یک پست خدمات ملکی تبدیل شد. معاون والی از طریق کمیسیون اصلاحات اداری توسط یک مکانیزم شفاف رقابتی، مبتنی بر اصل شایسته‌سالاری، استخدام می‌گردد. همچنین، معاون والی به حیث مسئول اجرایی ولایت، ایفای وظیفه می‌کند. چون پست رئیس اجرائیه به اساس این پالیسی از تشکیل اداره ولایت خارج می‌شود، معاون والی تمام وظایف و مسئولیت‌های رئیس اجرائیه را، انجام می‌دهد.

تقرر در سطح ولایت

منظوری مقرری‌ها و انفصال بست‌ها و رتبه‌های ۵ و ۸ کارمندان ملکی در سطح ولایت، بعد از شناسایی و انتخاب توسط کمیته بررسی مقرری‌های ولایتی، بر اساس اصل شایسته‌سالاری و پروسه تقرر رقابتی، از صلاحیت‌های والی خواهد بود.

منظوری تقرر و انفصال بست‌های ۳ و ۴ واحدهای دومی ولایت‌ها از صلاحیت‌های وزارت‌های مربوطه می‌باشد. والی‌ها صلاحیت رد مقرری‌هایی را که به‌طور قانون‌مند، بر اساس روند رقابت آزاد و اصل شایسته‌سالاری از سوی وزارت‌های مربوطه صورت می‌گیرد ندارند. همین‌طور وزارت‌ها، خارج از روند رقابت آزاد، کسی را در ولایات مقرر کرده نمی‌توانند، ولی صلاحیت تقرر و انفصال کارمندان رتبه ۳ و ۴ را، که تا تکمیل روند رقابتی مقرر می‌شوند، دارند.

تقرر در سطح ولسوالی

منظوری تقرر و انفصال بست‌ها و رتبه‌های ۷ تا ۸ کارمندان ملکی در سطح ولسوالی، بعد از شناسایی و انتخاب توسط کمیته بررسی مقرری‌های ولسوالی، براساس اصل شایسته‌سالاری و پروسه تقرر رقابتی، از صلاحیت‌های ولسوال خواهد بود.

شوراهای ولایتی و شوراهای ولسوالی

شورای ولایتی به منظور تسهیل کار مشترک با نهادهای دولتی در سطح محلی ساختاری را ایجاد و مشارکت مردمی و جامعه مدنی را در روند کاری نهادهای دولتی ترویج خواهد کرد. شورای ولایتی همواره در باره تمام مسائل مربوط به ولایت با مردم و نهادهای جامعه مدنی، به شمول شوراهای، مشورت خواهد کرد. رئیس شورای ولایتی عضو کمیته انکشافی ولایت نیز خواهد بود. شورای ولایتی در روند پلان گذاری انکشافی ولایتی سهیم بوده و موافقت خود را با آن اعلام می دارد. والی صلاحیت تصویب نهایی پلان انکشافی برای ولایت مربوطه را خواهد داشت. شورای ولایتی صلاحیت دارد از والی و واحدهای دومی در امور کاری شان حساب بخواهد. این امر از عمده ترین مسئولیت شوراهای ولایتی خواهد بود. والی و واحدهای دومی ولایت ها مکلف به گزارش دهی به شورای ولایتی، در مورد چگونگی تکمیل و تطبیق پلان های انکشافی ولایتی، می باشند. والی ها قانوناً مکلف به گزارش دهی ماهانه به شوراهای ولایتی و جواب به سوالهای شورای ولایتی، تا حد امکان، خواهند بود. شورای ولایتی عرضه خدمات را نظارت و ارزیابی خواهد نمود. شورای ولایتی برای انجام این امور از شیوه های متعدد، به شمول سیستم های نظارت و ارزیابی امور کاری، استفاده خواهد کرد. یک سیستم ارزیابی عملکرد ادارات محلی تحت نظارت شورای ولایتی ایجاد خواهد شد که توسط ادارات محلی زمینه نظارت بر عرضه خدمات به مردم و تأمین حداقل معیارهای خدمات را فراهم خواهد کرد. معلوماتی را که شورای ولایتی در جریان نظارت و ارزیابی از امور کاری والی و نهادهای دولتی جمع آوری می کند، در اختیار مردم قرار خواهد داد. شورای ولایتی مسئولیت نشر و شریک سازی معیارهای عرضه خدمات واحدهای دومی در سطح ولایت را به عهده خواهد داشت. همچنین شورای ولایتی مسئولیت بررسی شکایات عامه را نیز می تواند بر عهده داشته باشد. والی و واحدهای دومی، در قبال این شکایات و رسیدگی به موقع، به شورای ولایتی جوابده خواهند بود.

شورای ولایتی نماینده اصلی مردم در نهادهای دولتی در سطح ولایت می باشد. شورای ولایتی جلسات منظمی را، به منظور ارائه معلومات به مردم، در سطح ولایت برگزار خواهد کرد. شرکت در این جلسات برای همه مردم آزاد خواهد بود. شورای ولایتی در جریان پروسه های پلان گذاری، بودجه سازی و مسایل انکشافی، با نهادهای جامعه مدنی مشورت خواهد نمود.

شورای ولایتی زمینه پلان گذاری و بودجه سازی به اشتراک مردم را فراهم می سازد. این شورا پلان ها و بودجه ولایتی را بررسی و تصامیم نهایی را، بعد از رأی گیری، تأیید می کند. والی، در پایان، پلان ها و بودجه ولایت را در سطح ولایت امضاء می کند. تأیید بودجه از سوی شورای ولایت یک گام میانه می باشد. بودجه ولایتی بخش جداناپذیر بودجه ملی است که از سوی وزارت های سکتوری، وزارت مالیه، شورای وزیران و شورای ملی، به عنوان بخشی از بودجه ملی، تصویب می شود و مقام ریاست جمهوری آن را توشیح می کند. تصامیم تأیید شده توسط شورای ولایتی، در اسرع وقت، به مردم اعلام خواهد شد.

شورای ولایتی در حل منازعاتی که دارای ماهیت ملکی باشد، اگر طرفین دعوی بخواهند، میانجی خواهد شد. شورای ولایتی در همکاری و هماهنگی با نهادهای دیگر ولایتی، در راستای محو رسم و رواج های غیر قانونی و خلاف حقوق بشر و شریعت اسلام، مانند ازدواج های اجباری و تبادل دختران، تمام کوشش خود را به کار

خواهد گرفت. این شوراها برنامه‌های نظارتی، تحقیقی و تعلیمی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را هماهنگ خواهند ساخت و نیز از عرضه خدمات به اقشار منزوی، فقیر و آسیب‌پذیر، سالمندان، اطفال و یتیمان اطمینان حاصل خواهند کرد.

شورای ولسوالی عین وظایف و مسئولیت‌های شورای ولایتی را در سطح ولسوالی خواهد داشت. به همان شیوه که والی به شورای ولایتی جوابده است، ولسوال و واحدهای سومی به شورای ولسوالی جوابده خواهد بود. شورای ولسوالی با شورای قریه، شهروندان محل و نهادهای جامعه مدنی، در امور پلان‌گذاری و انکشافی مشورت و پلان انکشافی ولسوالی را تأیید خواهد کرد. همچنین شورای ولسوالی پیرامون تصمیم لازم در امور اداری ولسوالی بحث و معیارهای حداقل خدمات عامه را مشخص خواهد کرد. شورای ولسوالی، به منظور مشورت با مردم محل، به سرتاسر ولسوالی سفر و میکانیزم رسیدگی به شکایات مردم را نظارت خواهد نمود. ولسوال‌ها قانوناً مکلف به گزارش‌دهی ماهانه به شورای ولسوالی خواهند بود. شورای ولسوالی فعالیت کاری ولسوالی و واحدهای سومی نهادهای دولتی را نظارت و ارزیابی خواهد کرد. شوراهای ولایتی و ولسوالی نهادهای دولتی را تفتیش نخواهند کرد. بر عکس، نهادهای دولتی، به شمول ولایت و ولسوالی، در ماه یک بار به پرسش‌های شوراهای مربوطه‌شان جواب خواهند داد.

حکومت افغانستان، از طریق اداره مستقل ارگان‌های محلی، وجوه مالی لازم را در اختیار شوراهای ولایتی، ولسوالی، قریه و شاروالی قرار خواهد داد تا آنها بتوانند، به بهترین وجه، مسئولیت‌های‌شان را در قبال شهروندان افغانستان انجام دهند. اداره مستقل ارگان‌های محلی ظرفیت شوراهای محلی را تقویت و معلومات لازم را با آنان شریک خواهد ساخت تا آنها بتوانند وظایف محوله‌شان را به نحو شایسته انجام دهند.

تفویض صلاحیت‌ها

هر وزارت باید پالیسی مناسبی برای تفویض صلاحیت‌ها و منابع مالی برای واحدهای دومی و سومی‌شان، در ولایت‌ها و ولسوالی‌ها، تدوین نماید. واحدهای دومی و سومی باید دوباره انسجام یابند و نیز یک سیستم برای تقسیم صلاحیت‌ها و منابع مختلف میان مرکز و ولایت‌ها، به منظور بهبود کیفیت خدمات، ایجاد شود. هر وزارت صلاحیت‌های لازم را به نهادهایی که به مردم نزدیک‌تر هستند و وظایف‌شان را بهتر می‌توانند انجام دهند، تفویض خواهد نمود. یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای بهبود کیفیت عرضه خدمات، تفویض صلاحیت‌ها به واحدهای دومی و سومی در سطح ولایت و ولسوالی است. شریک‌ساختن مردم در تصمیم‌گیری، مؤثریت و حساب‌دهی را در عرضه خدمات بالا می‌برد. وزارت‌ها، صلاحیت‌ها و منابع لازم را در اختیار واحدهای دومی و سومی‌شان قرار خواهند داد. صلاحیت‌های تدارکاتی و عقد قرارداد واحدهای دومی، واحدهای سومی، والی و ولسوال به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت و وزارت تصمیم‌گیری‌ها و تهیه تدارکات به نمایندگی از ولایت را به تدریج کاهش خواهد داد. واحدهای دومی و سومی وزارت‌ها، والی‌ها و ولسوال‌ها صلاحیت‌های جداگانه تدارکات و عقد قراردادها را دارا خواهند بود. مرکز اعتماد لازم را به ولایت‌ها و وزارت‌های سکتوری و

به واحدهای دومی خود خواهد داشت و به آنها اجازه خواهد داد تا با در نظر داشت اولویت‌ها و نیازهای محلی تصمیم بگیرند. وزارت‌ها برای بهتر شدن ظرفیت کاری واحدهای دومی و سومی، برنامه‌های ارتقای ظرفیت‌ها را تدوین و اجرا می‌نمایند و صلاحیت تطبیق پلان‌های خود را به واحدهای دومی و سومی‌شان تفویض خواهند نمود.

این تصمیم بر این واقعیت استوار است که تا زمانی که واحدهای دومی مسئولیت‌های لازم را به‌دوش نگیرند، ظرفیت کاری‌شان بهتر نخواهد شد. واحدهای دومی نقش فعال‌تری در ابتکار بودجه‌سازی ولایتی ایفا خواهند کرد و بودجه‌سازی ولایتی تدریجاً وسعت یافته، همهٔ ولایت‌ها و وزارت‌ها را در بر خواهد گرفت. صلاحیت پالیسی‌سازی همچنان برای مرکز محفوظ خواهد بود، ولی صلاحیت‌های تطبیقی در بخش‌های آب‌رسانی و فاضلاب، صحت و تغذی، معارف، مدیریت منابع طبیعی ولایتی، ثبت املاک غیرمنقول، مصونیت اجتماعی، توزیع تذکره، انکشاف سکتور خصوصی، خدمات شهری مانند جمع‌آوری زباله‌ها و ضایعات و بازیافت آنها، مدیریت ترافیک، تنویر راه‌ها، تسهیلات تفریحی، ایجاد کتابخانه‌ها و خدمات ارزشمند دیگری که مردم به آنها نیاز دارند، به ولایت‌ها، ولسوالی‌ها و شاروالی‌ها تفویض خواهد شد. دولت به منظور ایجاد و تقویت هماهنگی میان وزارت‌ها در کابل و والی‌ها در ولایت‌ها و نیز ترغیب بیشتر تفویض صلاحیت‌ها به ولایت‌ها، کنفرانس‌های سالانهٔ وزارت‌ها و والی‌ها را برگزار خواهد کرد. وزارت‌ها از امتیازات، حمایت و رهنمود مداوم دولت در این پروسه برخوردار خواهند بود. در درازمدت و با در نظر داشت امکانات، همهٔ وزارت‌های مربوطه باید در ولسوالی‌ها، واحدهای سومی‌شان را به منظور عرضهٔ بهتر خدمات به مردم ایجاد نمایند.

نهادهای حکومتی در ولایت

نهادهای حکومتی ولایت به شوراهای ولایتی و والی، و از طریق آنها به مردم حساب‌ده هستند. واحدهای دومی باید به طور منظم و در صورت تقاضا در شرایط خاص نیز گزارش کاری خود را به شورای ولایتی ارائه کنند. رئیس‌های نهادهای حکومتی که نتوانند معیار لازم عرضهٔ خدمات را تکمیل کنند، باید مورد مجازات قرار بگیرند. هرگاه در نتیجهٔ ارزیابی اجراءات، ثابت گردد که رؤسای نهادهای حکومتی معیارهای لازم خدمات رسانی به مردم را تکمیل نکرده‌اند، سه مرحلهٔ زیر بالای آنها تطبیق خواهد شد:

۱. آموزش مجدد برای ارتقای ظرفیت هایش؛

۲. تعیین دورهٔ آزمایشی و کارآموزی تا زمان رسیدن به هدف (رسیدن به معیارهای لازم عرضهٔ خدمات)؛

۳. پیشنهاد انفصال از وظیفه؛

صلاحیت تصمیم در این موارد را والی پس از مشوره با دفتر مرکزی وزارت مربوطه داشته و مشخص می‌کند که رئیس مربوطه باید تحت کدام تعزیرات قرار گیرد. این که مسئول ریاست مورد نظر نیاز به اصلاح نهادی یا ارتقای ظرفیت بیشتر دارد یا خیر، از مسئولیت‌های دفتر مرکزی وزارت مربوطه است.

کمیته انکشافی ولایت، مجلس اداری ولایت، اسمبلی انکشافی ولسوالی و مجلس اداری ولسوالی

کمیته انکشافی ولایتی به حیث یک نهاد پلانگذار، بودجه ساز و انسجامبخش امور چندسکتوری، به فعالیت هایش ادامه خواهد داد. جلسات این کمیته هر ماه یک بار برگزار خواهد شد.

مجلس اداری ولایت شامل والی به حیث رئیس مجلس و رئیس شورای ولایتی، رئیس‌های نهادهای حکومتی به شمول پولیس و امنیت، دفتر څارنوالی در سطح ولایت، مستوفیت و معاون والی به حیث اعضا می‌باشد. ولسوال‌ها می‌توانند در صورت دعوت از طرف مجلس، در جلسات آن شرکت کنند.

مجلس اداری ولایتی برای نخستین بار، ۴۵ سال پیش، در ماه جدی سال ۱۳۴۲ تأسیس شد.

هدف از ایجاد این مجلس، انسجام امور اداری ولایت و واحدهای دومی در سطح ولایت است. این جلسات باید یک بار در هفته برگزار شود. مجلس اداری ولایتی را می‌شود با حضور ۵۰ فی صد اعضای آن برگزار کرد و تصمیم‌گیری با تأیید آرای ۵۰+۱ صورت می‌گیرد. مجلس اداری ولایتی وظایف محول‌شده را بر اساس قوانین نافذة کشور انجام می‌دهد. این مجلس به والی در انسجام امور اداری نهادهای ولایتی کمک می‌کند. مجلس اداری ولایتی از عین موقعیتی که کمیته انکشافی ولایت دارد، برخوردار است. چون هر دو، نهادهای هماهنگ‌کننده هستند، امکان دارد در برخی موارد تداخل کاری داشته باشند، اما وظایف‌شان کاملاً از یکدیگر متفاوت است. مجلس اداری ولایتی مسئولیت انسجام امور اداری، و کمیته انکشافی ولایت مسئولیت انسجام امور انکشافی را به عهده دارد. مسئولیت مجلس اداری ولایتی، تطبیق، و مسئولیت کمیته انکشافی ولایتی، پلان‌گذاری است. کمیته‌های انکشافی ولایت، همچنین، مسئولیت پلان‌گذاری و بودجه‌سازی پروژه‌های انکشافی ولایتی و ارتباط دادن آنها با پلان‌ها و بودجه‌های ولایتی را به دوش دارند. جلسات مجالس اداری ولایتی هفته‌ای یک بار، و جلسات کمیته انکشافی ولایت ماه یک بار برگزار می‌گردند. در حقیقت، مجلس اداری ولایتی، بخش کوچکی از کمیته انکشافی ولایت است و کمیته انکشافی ولایت، فعالیت‌های وسیع‌تری، مانند پلان‌گذاری و بودجه‌سازی ادارات را، در سطح ولایت انجام می‌دهد. مجلس اداری ولایتی و کمیته انکشافی ولایتی، هر دو در آخرین تحلیل، از طریق شورای ولایتی به مردم حساب‌ده هستند. در سطح ولسوالی، مجالس اداری، همانند مجالس اداری ولایت، ایجاد خواهند گردید که دارای وظایف یکسان می‌باشند.

اسمبلی‌های انکشافی ولسوالی‌ها، نقش و مسئولیت‌های فعلی‌شان را تا انتخابات شوراهای ولسوالی در سال ۱۳۸۹ و همچنین، مسئولیت‌های پلان‌گذاری شوراهای ولسوالی را تا زمان ایجاد آنها ایفا خواهند کرد. این مجالس پلان‌های انکشافی ولسوالی را بر اساس نیازها و اولویت‌های محلی تدوین می‌کنند. بعد از ایجاد شوراهای انتخابی ولسوالی‌ها، اسمبلی انکشافی ولسوالی به عنوان سازمان‌های جامعه‌مدنی فعالیت خواهند داشت و با توجه به اولویت‌های شهروندان، ولسوالی‌ها در روند تدوین پلان‌های انکشافی کمک خواهند کرد. مسئولیت‌های اسمبلی انکشافی ولسوالی شامل شناسایی اولویت‌های ولسوالی، تدوین استراتژی‌های مبتنی بر

نیازها و اولویتهای مردم محل و قریه‌ها و نیز کمک به شوراهای ولسوالی در راستای تدوین پلان انکشافی ولسوالی می‌باشد.

شورای قریه و شورای انکشافی قریه

انتخابات شورای قریه احتمالاً در ۱۳۹۰ برگزار خواهد شد. شورای قریه مسئولیت تدوین پلان‌های انکشافی قریه، ایجاد چشمه‌های عایداتی برای این پلان‌ها، مدیریت و تطبیق پلان‌ها، نظارت و ارزیابی پلان‌های انکشافی، نظارت و ارزیابی عرضه خدمات دولتی، اداره و مدیریت وجوه مالی، همکاری در تولید و عرضه کالاها و خدمات، تنظیم مقررات ساختمانیو امنیتی و ساحوی، ایجاد رابطه با مردم محل، و مطبوعات را به عهده دارد.

شورای قریه در تأمین صلح و امنیت، حاکمیت قانون، حقوق انسانی شهروندان افغانستان، حصول اطمینان از تطبیق اصول حکومت‌داری خوب، کاهش فقر، تطبیق اهداف انکشافی هزاره سوم در افغانستان، حفظ محیط زیست، محو رسم‌ورواج‌های غیر قانونی و خلاف شریعت، تلاش خواهد کرد. شورای قریه در مبارزه علیه مواد مخدر، مدیریت حوادث طبیعی، حفظ محیط زیست، مصونیت اجتماعی، حل منازعات، آشتی ملی، مدیریت امور قریه، مدیریت منابع طبیعی، ثبت اراضی و تعیین سرحدات قریه‌ها، شمارش نفوس، تهیه آمار حیاتی و ایجاد هماهنگی با نهادهای حکومت‌داری در سطوح بالاتر نقش مهمی را ایفا می‌کند. شوراهای قریه، پلان‌های انکشافی را طرح و تطبیق خواهند کرد. شورای قریه با واحدهای سومی، ولسوال، شورای ولسوالی و نهادهای سطح بالاتر حکومت‌داری، امور مربوط به پلان‌گذاری و عرضه خدمات را هماهنگ خواهد ساخت. شورای قریه پلان انکشافی قریه را از طریق شورای ولسوالی، برای منظوری، به ولسوال ارائه خواهد کرد. شورای قریه در راستای مشارکت هرچه وسیع‌تر مردم در پلان‌گذاری و شناسایی اولویتهای قریه کوشش خواهد نمود. والی و ولسوال تا زمان انتخاب شوراهای قریه‌ها، در صورت لزوم، از شوراهای انکشافی موجود در قریه‌ها برای ایفای نقش و مسئولیتهای فوق استفاده خواهند کرد. بر اساس نیازهای مردم قریه، شورای قریه کمیته‌های فرعی را در امور مختلف مانند تعلیم و تربیه، احیای جنگلات و سایر موضوعات مربوطه بر مبنای نیازهای مردم ایجاد خواهد کرد.

دولت از اینکه هماهنگ‌سازی برنامه‌ها در سطح قریه از طریق شورای قریه صورت می‌گیرد، حصول اطمینان خواهد نمود. حکومت از شوراهای قریه حمایت‌های مالی لازم را خواهد کرد تا آنها بتوانند مستقلانه به نمایندگی از قریه، به عقد و تطبیق قرارداد و موافقت‌نامه‌ها بپردازند. حکومت، از طریق وزارت مالیه، زمینه دریافت وجوه اعطایی انکشافی توسط شوراهای قریه و صلاحیت مصارف وجوه اعطایی توسط این شوراهای را، توسط وزارت احیاء و انکشاف دهات، فراهم خواهد ساخت. وزارت‌ها نیز فیصدی مناسبی از بودجه‌شان را در سطح قریه به مصرف خواهند رساند. حضور حکومت در همه نقاط افغانستان، بعد از انتخاب بیش از ۸۳۰۰۰ شورای قریه، توسعه خواهد یافت.

شوراهای انکشافی قریه در شرایط کنونی در باره منابع مالی شان به مردم قریه و وزارت احیاء و انکشاف دهات حسابده می‌باشند. شوراهای انکشافی قریه‌ها، حین انجام وظایف شوراهای قریه، به مردم قریه حسابده خواهند بود. بعد از سال ۱۳۹۰، شوراهای انکشافی قریه صلاحیت خواهند داشت، که به عنوان سازمان‌های جامعه مدنی، به فعالیت‌شان ادامه دهند.

اداره مستقل ارگان‌های محلی اطمینان حاصل می‌کند که ادارات دولتی در سطح ولایت، ولسوالی و قریه وظایف شان را، به وجه احسن، انجام می‌دهند. این کار به اداره مستقل ارگان‌های محلی کمک می‌کند که عرضه خدمات و وضعیت امنیتی در سطح محلی را به نحو محسوسی بهبود بخشد.

انتخابات محلی

جدول زیر چوکات زمانی انتخابات محلی را شرح می‌دهد:

شورا	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم
شورای ولایتی	۱۳۸۸ هجری شمسی	۱۳۹۲ هجری شمسی	۱۳۹۶ هجری شمسی	۱۴۰۰ هجری شمسی	۱۴۰۴ هجری شمسی

شورا	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم
شورای ولسوالی	۱۳۸۹ هجری شمسی	۱۳۹۲ هجری شمسی	۱۳۹۵ هجری شمسی	۱۳۹۸ هجری شمسی	۱۴۰۱ هجری شمسی
شورای قریه	۱۳۹۰ هجری شمسی	۱۳۹۳ هجری شمسی	۱۳۹۶ هجری شمسی	۱۳۹۹ هجری شمسی	۱۴۰۲ هجری شمسی
شاروال	۱۳۸۹ هجری شمسی	۱۳۹۳ هجری شمسی	۱۳۹۷ هجری شمسی	۱۴۰۱ هجری شمسی	۱۴۰۵ هجری شمسی
شورای شاروالی	۱۳۸۹ هجری شمسی	۱۳۹۳ هجری شمسی	۱۳۹۷ هجری شمسی	۱۴۰۱ هجری شمسی	۱۴۰۵ هجری شمسی

دولت بودجه مصرفی برای انتخابات شوراهای ولایتی، ولسوالی و قریه را از طریق بودجه ملی تأمین می‌کند، ولی بودجه مصرفی انتخابات شاروالی و شوراهای شاروالی‌ها را از بودجه خود شاروالی‌ها به دست می‌آورد.

نظر به قانون اساسی افغانستان، دوره کاری شورای ولایتی چهار سال و دوره کاری شورای ولسوالی و قریه سه سال است. شاروال و شورای شاروالی به مدت چهار سال انتخاب خواهند شد. هیچ‌کس نمی‌تواند بیشتر از دو بار شاروال شود.

بیست و پنج فیصد کرسی‌های شورای ولایتی به زنان تخصیص داده شده است. این حداقل درصد حضور زنان در شورای ولایتی است. زنان، در صورت اخذ رای بیشتر، می‌توانند زیادتر از بیست و پنج فیصد کرسی‌های شورا را اشغال کنند. بیست و پنج فیصد کرسی‌های شوراهای ولسوالی نیز برای زنان اختصاص داده خواهد شد. در صورت عدم تمایل زنان برای کاندیدا شدن در یک ولسوالی، کرسی‌های باقی‌مانده را در همان محل، مردها اشغال خواهند کرد. در شوراهای قریه و پست‌های شاروال هیچ کرسی برای زنان به صورت ریزرفی اختصاص داده نخواهد شد. البته در راستای ارتقای ظرفیت زنان برای شرکت در انتخابات شوراهای قریه و پست‌های شاروال، گام‌های اساسی برداشته خواهد شد، اما حداقل بیست و پنج فیصد کرسی‌های شورای شاروالی به زنان تخصیص داده شده است. حکومت افغانستان، در جریان اولین بررسی از تطبیق پالیسی ادارات محلی در سال ۱۳۹۳، موضوع تخصیص فیصدی مشخصی از کرسی‌های شورای قریه را برای زنان مورد بررسی قرار خواهد داد.

حداقل سن برای کاندیداها در انتخابات شوراهای محلی، ۲۲ سال، و برای پست شاروالی ۳۰ سال خواهد بود.

انتخابات شوراهای ولایتی، ولسوالی و قریه بر اساس شیوه حوزه‌های چندگانه و از طریق رأی واحد غیر قابل انتقال صورت خواهد گرفت. کاندیداهایی که بیشترین رأی را به دست بیاورند، انتخاب خواهند شد. در مرحله اول انتخابات شوراهای ولایتی، یک چهارم کرسی‌ها برای زنانی که بیشترین رأی را به دست آورند، اختصاص خواهد یافت. در مرحله دوم، کاندیداهایی که بیشترین رأی را به دست آورند، سایر کرسی‌ها را اشغال خواهند کرد.

در مرحله اول انتخابات شوراهای ولسوالی، یک چهارم کرسی‌ها برای زنانی که بیشترین رأی را به دست آورند، اختصاص خواهد یافت. در مرحله دوم، کاندیداهایی که بیشترین رأی را به دست آورند، انتخاب خواهند شد. در صورت نبود فیصدی خاص کاندیداهای زن، کرسی‌های ریزرفی عمومی خواهند شد.

در انتخابات شاروال‌ها، کاندیدایی که بیشتر از ۵۰ فیصد رأی‌ها را به دست آورده است، برنده اعلان خواهد شد. اگر در دور اول انتخابات هیچ کاندیدایی بیش از ۵۰ فیصد رأی‌ها را به دست نیاورد، بعد از دو هفته، میان دو کاندیدایی که بیشترین رأی را در مرحله اول به دست آورده باشند، یک دور دیگر انتخابات برگزار خواهد شد. در ختم دور دوم، کاندیدایی که بیشترین رأی را به دست آورد، برنده اعلان می‌شود.

سیستم رای‌گیری شورای شاروالی براساس رای واحد غیرقابل انتقال می‌باشد و تمام شهر، حوزه انتخاباتی کاندیداها محسوب می‌شود.

لایحه کاری و اصول و وظایف داخلی

همه نمایندگان انتخابی و کارمندان محلی باید مطابق لایحه کاری و اصول و وظایف داخلی اجرای وظیفه کنند. در این زمینه قراردادهایی ترتیب خواهد شد تا این اشخاص، قبل از شروع کار، آنها را امضاء کنند. ضمیمه‌های ۱ و ۲ سند پالیسی، شرح مفصل این اصول را ارائه می‌کند.

شیوه‌های تقرر والی، معاون والی و ولسوال‌ها

مقام ولایت یک پست سیاسی است و پیشنهاد تقرر و انفصال آن توسط اداره مستقل ارگان‌های محلی، و منظوری و تصمیم نهایی آن توسط مقام ریاست جمهوری افغانستان صورت می‌گیرد. تعیین و سبکدوشی والی مطابق به «قرارداد لندن» و احکام شماره ۲۰۰۶/۲۴۲۱ و ۲۰۰۸/۶۷۷ مقام ریاست جمهوری، مبنی بر ایجاد میکانیزم مشورتی برای تعیینات مقامات ارشد دولتی، توسط بورد عالی مشورتی تعیینات افراد عالی‌رتبه، صورت خواهد گرفت.

بورد عالی تعیینات مقامات عالی‌رتبه، کاندیداهای پست‌های ارشد را، مطابق به قرارداد لندن و احکام مقام ریاست جمهوری بررسی خواهد کرد. این عمل کمک می‌کند تا اطمینان حاصل آید که والی دارای توانایی و شرایط لازم و کمال صداقت فردی برای انجام وظایف محوله می‌باشد. بورد عالی مشورتی تعیینات مقامات عالی‌رتبه، مطابق آیین‌نامه‌ها و طرزالعمل‌های کاری که مورد تصویب مقام ریاست جمهوری قرار گرفته‌اند، فعالیت می‌کند. این شیوه باعث اخذ تصمیم بهتر و انتخاب افراد مناسب در این پست خواهد شد. این بورد بر اساس قوانین و مقرره‌های تصویب‌شده از جانب مقام ریاست جمهوری فعالیت خواهد نمود.

پروسة تقرر والی‌ها به نحو و ترتیب زیر انجام خواهد شد:

۱. تهیه لیست کاندیداهای بالقوه، توسط اداره ارگان‌های محلی، برای بورد عالی مشورتی تعیینات افراد عالی‌رتبه؛
۲. بررسی لیست، توسط بورد عالی مشورتی تعیینات افراد عالی‌رتبه، طی ۳۰ روز؛
۳. پیشنهاد کاندیدهای معرفی شده، به مقام ریاست جمهوری؛
۴. مشورت اداره ارگان‌های محلی با رئیس جمهور در مورد کاندیدهای واجدالشرایط پیشنهادی بورد؛
۵. منظوری تقرر والی از جمع کاندیدهایی که از سوی بورد پیشنهاد شده است، توسط رئیس جمهور.

روند تعیینات والی بر اساس ارائه معلومات موثق به بورد عالی مشورتی تعیینات مقامات عالی رتبه، شفافیت روند، حداقل معیارهای لازم، عینیت، بی طرفی و اصول واحد تعیینات، صورت خواهد گرفت.

پست‌های معاون والی و ولسوال، پست‌های خدمات ملکی می‌باشد. به اساس حکم شماره ۲۱۱۳ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۶ رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، معاون والی و ولسوال، از طریق کمیسیون اصلاحات اداری با مکانیزم شفاف، رقابتی و مبتنی بر اصل شایسته‌سالاری، استخدام می‌شوند.

بهبود امنیت

پولیس ملی افغانستان برای بهبود امنیت وظایف ذیل را انجام می‌دهد:

- قانون اساسی و قوانین نافذ کشور را تطبیق و از حقوق مردم افغانستان دفاع خواهد کرد؛
- وظایفش را به شیوه مسلکی، حساب‌ده و بدون تبعیض و با حفظ امانت‌داری انجام خواهد داد؛
- در همکاری با مردم علیه جنایات، به خصوص جنایت علیه زنان، اطفال، سالمندان، اقلیت‌ها، اخلاص نظم عامه، جلوگیری از فعالیت‌های تروریستی و فعالیت‌های غیرقانونی توسط گروه‌های مسلح، کشت، تولید و قاچاق موادمخدر و فساد مبارزه خواهد کرد.
- از سرحدات افغانستان دفاع و تمامیت ارضی کشور را حمایت خواهد کرد؛
- به شیوه‌ای کار خواهد کرد که اعتماد، احترام و همکاری مردم را جلب نماید؛
- وظایفش را بدون تبعیض و مطابق با شرایط، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی افغانستان، دین مبین اسلام، ارزش‌های حقوق بشر و برابری مرد و زن، ایفا خواهد کرد؛
- وظایفش را مطابق با قوانین و اساسات جهانی حقوق بشر، ارزش‌های دموکراتیک و حاکمیت قانون، که دولت افغانستان به آنها متعهد است، انجام خواهد داد؛
- از تمام امکانات و صلاحیت‌های خود مطابق قانون استفاده خواهد کرد؛

پولیس در امور کاری خود و در رابطه به منابعی که در اختیارش قرار داده شده است، به شکل شفاف و مردمی جوابده خواهد بود. قوماندانان امنیه و سایر فرماندهان پولیس علیه کارمندی که از لایحه کاری مسلکی و اصول وظایف داخلی‌شان تخلف می‌کنند، اقدامات جدی انضباطی را اتخاذ خواهند کرد. پولیس ملی باید الگوی روشنی از ارزش‌هایی، مانند برخورد مسلکی و توأم با دسپلین، صداقت، عینیت، بی طرفی، حساب‌دهی، شفافیت و نزدیکی با مردم باشد.

والی در تقرر کارمندان پولیس هیچ نقشی نخواهد داشت. تمام تقرر کارمندان پولیس بر اساس اصل شایسته‌سالاری و اصول استخدام کارمندان پولیس انجام خواهد شد و به هیچ کسی اجازه مداخله در این پروسه داده نخواهد شد. در بررسی کاندیداهای پست‌های پولیس هیچ‌کس دخالت نخواهد کرد و در صورت وقوع چنین امری، فرد مداخله‌گر مجازات خواهد شد.

بهبود سیستم حساب‌دهی پولیس در بهبود مؤثریت و کارایی آن بسیار نقش دارد. اصول رفتاری جدید، مطابق با قانون، برای کارمندان پولیس در حال تهیه است. در این اصول نقش پولیس به حیث یک نهاد خدمت‌رسان به مردم تنظیم می‌شود. همچنین، این اصول که در شعاع قانون جدید پولیس و قانون اساسی افغانستان تدوین می‌شود، حساب‌دهی پولیس را به مردم نیز در بر خواهد گرفت.

همکاری سایر نهادها با محاکم

اداره ولایت و شورای ولایتی با محاکم جهت دسترسی آسان و به‌موقع مردم به خدمات عدلی همکاری جدی می‌کنند.

تشکیلات و نفوس

افغانستان در مرکز آسیا موقعیت و ۶۲۵۸۶۴ کیلومتر مربع، مساحت دارد. افغانستان ۳۴ ولایت، ۳۶۴ ولسوالی و ۳۴ مرکز ولایت دارد. ضمیمه سوم این پالیسی تفصیل کامل را در این مورد ارائه می‌کند. جدول اول در برگیرنده اسامی ولایات و ولسوالی‌ها و نفوس تخمینی آنها بر اساس شمارش ۱ جولای سال ۲۰۰۴ اداره مرکزی احصائیه و نیز تعداد قریه‌ها در هر ولسوالی می‌باشد. جدول دوم در برگیرنده اسامی شاروالی‌ها و معلومات اساسی در مورد شاروالی‌ها، در سال ۱۳۸۶ هجری خورشیدی، می‌باشد. جدول سوم تعداد ناحیه‌های شاروالی‌ها را در جاهایی که ناحیه‌های شاروالی موجود می‌باشند، در بردارد. ناحیه، یک واحد اداری فرعی شاروالی است. تنها ۲۷ شاروالی دارای ۱۱۷ ناحیه هستند و بقیه آنها دارای هیچ ناحیه‌ای نمی‌باشند.

بر اساس شمارش تخمینی خانوارها توسط اداره مرکزی احصائیه در ۱۰ سرطان سال ۱۳۸۳ هجری خورشیدی، نفوس افغانستان ۲۳۵۶۵۲۰۰ نفر برآورد شده است. ۱۳,۹ فیصد نفوس در کابل ۷ فیصد در هرات، ۶ فیصد در هلمند، ۵,۷ فیصد در ننگرهار، ۴,۹ فیصد در بلخ و ۴,۷ فیصد، در غزنی زندگی می‌کنند. بر اساس همین سرشماری، ۸۰,۶ فیصد نفوس در دهات و ۱۹,۴۰ فیصد در شهرها زندگی می‌کنند. نفوس در مناطق دهاتی افغانستان ۱۸۹۸۵۲۰۰ نفر است که در ۳۸۵۷۹ منطقه مسکونی زندگی می‌کنند. نسبت جمعیت در مناطق مختلف متفاوت است. حدوسطی که برای آن می‌توان در نظر گرفت ۳۰۹ نفر می‌شود؛ یعنی اینکه بیش از نصف نفوس در قریه‌هایی با نفوس کمتر از ۳۰۹ نفر و نصف دیگر در قریه‌هایی با نفوس بیشتر از ۳۰۹ نفر

زندگی می‌کنندمی‌باشد. اوسط نفوس هر قریه ۴۸۱ نفر است. بر اساس آمار خانوار اداره مرکزی احصائیه، هر خانوار مشتمل بر ۶,۳ نفر است. تفصیل بیشتر در ضمیمه درج است.

ایجاد واحدهای جدید اداری و تغییرات آن

قانون اساسی افغانستان تقسیمات بالاتر از ولایت، مانند «زون» یا «منطقه» را اجازه نمی‌دهد. البته وزارت‌ها، به منظور تأمین اهداف ویژه و تطبیق هرچه مؤثرتر پلان‌ها و برنامه‌های‌شان، افغانستان را به مناطق یا زون‌های مختلف تقسیم می‌کنند. به‌طور مثال، وزارت انکشاف شهری، برای تطبیق برنامه‌های انکشاف اقتصادی، از شیوه تقسیم‌بندی منطقی استفاده می‌کند. وزارت زراعت و آبیاری نیز به شیوه‌ای ضرورت دارد که افغانستان را از لحاظ خصوصیات زراعتی و زیست‌محیطی به زون‌های مختلف تقسیم کند. دولت افغانستان از اهمیت این اقدامات به‌خوبی آگاه است و استفاده از آنها را در شرایط معین و به‌منظور حصول اهداف انکشافی، امنیتی و دفاعی درست می‌داند، اما دولت هرگز این تقسیم‌بندی‌ها را به معنای تصویب این تقسیم‌بندی‌ها ندانسته و به‌حیث واحدهای خاص سیاسی یا ساحوی و اداری، به‌رسمیت نمی‌شناسد.

ولایات در نتیجه فرایندهای سیاسی و تاریخی به وجود می‌آیند. کوشش جهت تعریف تخنیکی یک ولایت شاید بی‌جا باشد. افغانستان امروز به ۳۴ ولایت تقسیم شده است. تقاضا برای ایجاد واحدهای جدید (ولایت، ولسوالی و شاروالی) همواره وجود داشته است، اما دولت افغانستان برای ایجاد واحدهای جدید، نیازهای مردمی و عواقب سیاسی، اجتماعی و امنیتی را در نظر می‌گیرد. ۳۴ ولایت افغانستان به ۳۶۴ ولسوالی و ۳۴ مرکز ولایت تقسیم شده است (به جز کابل، مزار شریف، هرات، جلال آباد و میمنه همه ۲۹ مرکز ولایت دیگر در برگیرنده تعداد وسیعی از قریه‌ها در حدود قلمرو خود هستند).

تیم‌های بازسازی ولایتی

مقام ریاست جمهوری افغانستان، با صدور حکم ریاست جمهوری شماره ۲۶۴۱ به تاریخ ۲۷ سرطان ۱۳۸۷، کمیسیونی را با عضویت معین امور سیاسی وزارت امور خارجه، معین‌های وزارت‌های انکشاف شهری و مسکن، فواید عامه و احیاء و انکشاف دهات، تحت ریاست رئیس عمومی اداره مستقل ارگان‌های محلی ایجاد نمود.

این کمیسیون موظف است، میکانیزم دقیق هماهنگی و انسجام امور بازسازی و نوسازی تیم‌های بازسازی ولایتی، نیروهای ائتلاف بین‌المللی و نهادهای محلی را تدوین و تدقیق نموده، از جریان تطبیق برنامه‌های تیم‌های بازسازی ولایتی مراقبت دوامدار کند. این کمیسیون باید از چگونگی هماهنگی و اجراات این تیم‌ها به مقام ریاست جمهوری گزارش دهد. پروسه تدوین پالیسی ادارات محلی به مسائل مربوط به امور تیم‌های بازسازی ولایتی نپرداخته است، زیرا کمیسیون فوق هماهنگی و رهبری همه امور مربوطه را به دوش دارد.

پلان‌گذاری در سطح ولایت، ولسوالی و قریه

نهادهای محلی نقش بسزایی در شناسایی نیازها و اولویتهای محلی و انعکاس آنها در پلان‌های انکشافی محلی ایفا خواهند کرد. هر ولایت سالانه یک پلان ولایتی را ترتیب خواهد داد که دو شیوه جداگانه «پلان‌گذاری مردمی» و «پلان‌گذاری وزارتی» را به رهبری ریاست‌های مربوطه طی خواهد کرد. در پروسه پلان‌گذاری مردمی، کمیته‌های انکشافی ولایتی پیشنهادات قریه‌ها را، که از طریق ولسوالی به آنها برسد، بررسی، قیمت‌گذاری و اولویت‌بندی خواهند نمود. در نتیجه این پروسه، یک پلان واحد برای هر سکتور، که بودجه آن از قبل تعیین شده است، به وجود خواهد آمد. در پروسه پلان‌گذاری وزارتی به رهبری ریاست‌های مربوطه، هر وزارت پلان خود را برای ولایت مذکور مطابق با پلان‌های مرکزی و استراتژی انکشاف ملی افغانستان طرح‌ریزی خواهد کرد. در ختم این پروسه، هر دو پلان در پلان‌های سکتوری ولایتی، و همه پلان‌های سکتوری ولایتی در یک پلان انکشافی ولایتی مدغم خواهند شد.

به منظور تطبیق موفقانه این پروسه پلان‌گذاری و تسهیل در اعمال صلاحیت‌های اجرایی که به نهادهای دولتی در سطح محلی تفویض شده است (شامل پلان‌های مردمی و پلان‌های وزارتی به رهبری دپارتمنت‌های مربوطه)، یک فیصدی مشخصی از مجموع منابع در هر سکتور، به پلان‌گذاری در سطح ولایت اختصاص داده خواهد شد. وزارت مالیه فیصدی مشخص از بودجه ولایتی را، در سکتور مشخصی که کمتر از ۲۵ فیصد نباشد، از طریق واحدهای دومی و سومی وزارت‌ها، برای "پلان انکشافی سالانه مردم" که انعکاس‌دهنده ضروریات و اولویتهای مردم در سطح ولایت است، اختصاص خواهد داد. کمیته پلان‌گذاری و بودجه‌سازی ولایتی فیصدی این تخصیص را، به طور منظم، در طول دوره پلان‌گذاری، اعلام خواهد نمود.

منابع مالی که در اختیار ولایات قرار داده می‌شود، باید بر اساس معیارهای حکومت مرکزی و متناسب با نیاز مالی باشد که صلاحیت آن به ولایات تفویض شده است. بودجه پلان‌های مردمی مخصوص پروژه‌های انکشافی خواهد بود. بودجه پلان‌های وزارتی، به رهبری دپارتمنت‌های مربوطه، می‌تواند از عهده مصارفی مانند معاشات، مصارف اپراتیفی، حفظ، مراقبت و امور انکشافی برآید.

پروسه پلان‌گذاری سالانه، پروسه‌های پلان‌گذاری استراتژییک میان‌مدت را به‌همراه خواهد داشت. این پروسه اهداف و مقاصد استراتژییک ولایت را در میان‌مدت روشن خواهد ساخت. این اهداف و مقاصد در تطابق با استراتژی‌های ملی، مانند استراتژی انکشاف ملی افغانستان و چارچوب استراتژییک اداره ارگان‌های محلی قرار خواهند داشت.

تطبیق پروسه پلان‌گذاری در سطح ولایت، ولسوالی و قریه

بعد از تأیید و منظوری هر پلان، هر واحد دومی بخش مربوط به خود در پلان‌های انکشافی را به وزارت‌های مربوطه‌اش ارسال خواهد کرد. وزارت‌های مربوطه بعد از بحث و آوردن تغییرات ضروری، آن پلان را به حیث

بخشی از بودجه درخواستی سالانه، به وزارت مالیه ارائه می‌کند. سرانجام وزارت‌های سکتوری بعد از طی مراحل عادی وزارت‌ها بودجه تضمین شده را برای تطبیق پلان‌های انکشافی ولایتی دریافت می‌کنند.

در مرکز، وزارت‌ها با حفظ کنترل، نظارت، پالیسی‌سازی و تطبیق برنامه‌هایی که توسط ولایت تطبیق آنها ممکن نیست، تطبیق پلان‌های انکشافی مردمی را به ریاست‌های ولایتی خود محول می‌نمایند. جهت تحقق این موضوع، مسئولیت‌های مصرفی مرتبط به پلان‌های انکشافی مردمی به ریاست‌های ولایتی این وزارت‌ها تفویض می‌گردد. ریاست‌های ولایتی در مورد استفاده وجوه به وزارت‌های سکتوری، والی‌ها و شورای ولایتی پاسخ‌گو خواهند بود.

تخصیص وجوه ولایتی

ظرفیت‌های بودجه‌سازی در ولایات و وزارت‌ها ارتقا داده شده تا به زودی همه ولایت‌ها و وزارت‌ها در این برنامه سهیم گردند. هر وزارت مجموعه وجوهی را به منظور حمایت مالی پلان‌های انکشافی مردمی در بین ولایات تقسیم خواهد کرد. این تقسیم‌بندی بر اساس یک فرمول واضح و مبتنی بر اصل عدالت، پاسخ‌گوبودن به ضروریات مردم و در پیوند با اولویت‌های ملی خواهد بود. وزارت‌ها فرمول خاص خود را بر اساس رهنمودهای عمومی و مشروط به منظوری از مرکز طرح‌ریزی می‌کنند.

انتقال وجوه مالی به نهادهای انکشافی قریه‌ها

پروسه انتقال وجوه مالی به نهادهای انکشافی قریه، به شکل فعلی‌اش، تا آینده‌های قابل پیش‌بینی ادامه خواهد یافت. اعطای این گونه وجوه مبتنی بر تعداد فامیل‌ها در هر قریه خواهد بود. البته این کار بستگی به سقف بودجوی در هر قریه دارد. این وجوه به منظور حمایت مالی از پلان‌های انکشافی مردم مورد استفاده قرار خواهد گرفت و از طریق برنامه‌های مختلف وزارت‌ها عملی خواهد شد.

انتقال وجوه به شاروالی‌ها

شاروالی‌ها وجوهی را از مرکز جهت ارتقای ظرفیت‌ها و عرضه خدمات بهتر به مردم دریافت خواهند کرد. شاروالی‌ها در مورد استفاده از این وجوه صلاحیت‌های لازم را در اختیار خواهند داشت. یک فرمول واضح و عادلانه برای تقسیم و انتقال وجوه برای شاروالی‌ها مورد استفاده قرار خواهد گرفت که مبتنی بر اصول عدالت، پاسخ‌گویی به ضروریات و ارائه مشوقها خواهد بود. بخشی از این وجوه در راستای ارتقای ظرفیت‌ها و افزایش عواید شاروالی‌ها، به شکل وجوه اعطایی، به آنها داده خواهد شد.

ترتیبات اداری برای پلان‌گذاری و امور مالی محلی

یک کمیته شورای وزیران در رابطه با پلان‌گذاری و تخصیص بودجه‌های محلی تشکیل خواهد شد تا تمام سیستم مالی محلی را بررسی و رهنمایی کند. ریاست این کمیته به عهده یکی از معاونین رئیس جمهور خواهد بود. وزارت مالیه، وزارت اقتصاد و اداره مستقل ارگان‌های محلی معاونیت این کمیته را به عهده خواهند داشت. همچنین، وزارت اقتصاد مسئولیت سکرتریت امور این کمیته را نیز به عهده خواهد داشت. این کمیته سه بار در سال نشست دارد و توسط گروه کاری بین‌الوزارتی برای پلان‌گذاری و بودجه‌سازی محلی حمایت می‌گردد. این گروه کاری، دو بار قبل از هر جلسه کمیته، جهت تهیه مسوده و مرور تخنیک‌های آن، با هم نشست خواهند داشت. این کمیته در همکاری نزدیک با کمیته بودجه کار خواهد کرد. به منظور جلوگیری از تکرار و تداخل پرونده‌ها، هماهنگی میان این دو کمیته نهادینه خواهد شد.

کمیته پلان‌گذاری و امور مالی محلی مسئولیت‌های زیر را به عهده خواهد داشت:

- تمویل وجوه مالی و تطبیق پروژه‌ها در ولایات،
- تعیین فیصدی مجموعه منابع سکتوری ملی که باید به ولایات تخصیص داده شود،
- تعیین فیصدی بودجه‌های سکتوری جهت استفاده در تطبیق پلان‌های انکشافی مردم،
- تعیین سطح کلی وجوه برای انتقال به نهادهای انکشافی قریه‌ها و وجوه قابل انتقال به شاروالی‌ها،
- منظوری فرمول تخصیص ولایتی پیشنهاد شده توسط وزارت‌ها،
- مرور و منظوری فرمولی برای وجوه مالی که در قریه‌ها و شاروالی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد،
- نظارت بر تفویض صلاحیت‌های فوق‌العاده مصرف وجوه مالی به والی‌ها، و
- ارزیابی مؤثریت وزارت‌ها در پاسخ‌گو قراردادن ریاست‌های‌شان به والی و شورای ولایتی و نظارت و ارزیابی تمام عملکرد سیستم پلان‌گذاری و مالی در سطح محل.

اصلاحات سیستم مدیریت مالی محلی

مدیریت مؤثر وجوه مالی عامه و تطبیق سیستم حساب‌دهی مالی نیاز به بهبود ظرفیت مدیریت مالی واحدهای دومی در سطح ولایات دارد. با تفویض صلاحیت‌های مصرفی به ولایات، نهادهای دولتی در سطح ولایت نیاز به بهبود همزمان ظرفیت کاری و مدیریت مصارف خواهند داشت. پیشنهاد تقویت ظرفیت این نهادها در این پالیسی به سه بخش عمده مربوط است:

- کنترل امور مالی؛
- سیستم محاسبه معیاری؛ و
- مدیریت امور کاری.

از آنجایی که مدیریت امور مالی در نهادهای دولتی در ولایات فعلاً در سطح نازلی قرار دارد، این اصلاحات مرحله به مرحله و تدریجی تطبیق خواهند شد.

هدف **بخش اول** این اصلاحات کنترل امور مالی و ایجاد سیستمی است که اطلاعاتی را در مورد امور مالی جمع آوری کند و به آسانی در دسترس قرار دهد و این نهادها را به تدریج برای مطابقت کامل با معیارهای مناسب آماده بسازد. این بخش حداقل در برگیرنده میکانیسمهای کنترل ابتدایی، حصول اطمینان از محاسبه پرداختهای نقدی، بیلانس موجود نقدی و ایجاد سیستم بودجه‌سازی ابتدایی خواهد بود.

هدف **بخش دوم** این اصلاحات مبنی بر محاسبه معیاری و بهبود سیستمهای کهنه مدیریت امور مالی موجود و تغییر آنها به سیستمی است که روشهای سالم محاسبه را تطبیق نماید. این سیستم شاید نتواند بهترین روشها را تطبیق کند، اما میتواند باعث شفافیت و حسابدهی مالی گردد. این امر شامل ایجاد سیستم محاسبات مضاعف، بودجه‌سازی برنامه‌ها، بهبود سیستم برآوردی در پروسه‌های بودجه‌سازی، روشمند کردن بودجه‌سازی اپراتیفی و حفظ و مراقبت، و ایجاد سیستم همه گیر تفتیش خواهد بود. نهادهای دولتی در سطح محلی مورد تفتیش منظم داخلی و خارجی قرار خواهند گرفت و مدیران این نهادها مسئول تطبیق پیشنهادهای مقتضین به منظور بهبود سیستمها خواهند بود.

هدف **بخش سوم** این اصلاحات مبنی بر مدیریت امور کاری و ایجاد سیستمهای مدیریت امور مالی است که بتوانند روابط میان اطلاعات مالی و امور کاری نهادی را تقویت کند. این فعالیتها در برگیرنده ایجاد سیستم قراردادهای منوط به عملکرد کاری، بالا بردن حسابدهی مسئولان مدیریتی، تطبیق سیستم بودجه‌سازی بر اساس عملکرد و نتایج کاری، استفاده از سیستم ادغام یافته مدیریت امور مالی، ایجاد سیستم بودجه‌سازی جداگانه برای مصارف درازمدت و ارزیابی و تقویت سیستم استفاده کارا و مؤثر بودجه‌ها خواهد بود.

تنظیم امور شاروالی ها

قانون جدید شاروالی ها

تدوین قانون جدید شاروالی‌ها و مقررات تطبیقی آن در جریان است. این قانون در موارد ذیل به شکل مشروح بحث خواهد کرد:

تعریف شاروالی، معیار ایجاد، ادغام و انحلال شاروالی، اهداف و فعالیت‌های اساسی شاروالی‌ها، سرپرستی سیاسی و اداری شاروالی‌ها در راستای تعریف و تعیین صلاحیت‌های نهادهای مرکزی مانند اداره مستقل ارگان‌های محلی و مقام ولایت بالای شاروالی‌ها، مقررات تطبیقی قانون جدید شاروالی‌ها، شاروالی‌ها را به صنف‌های مختلف تقسیم‌بندی نموده و ضمناً تعریفی مشخصی از هر صنف، پروسه ایجاد، ادغام یا انحلال شاروالی‌ها ارائه خواهد داد.

تعریف، ایجاد، ادغام و انحلال شاروالی‌ها

شاروالی را می‌توان به شکل زیر تعریف نمود:

شاروالی یک نهاد مشخص قانونی و اداری است که سرحد مشخص جغرافیایی و ساحوی دارد و به منظور عرضه خدمات عامه به مردم آن منطقه ایجاد شده است.

در سلسله‌مراتب اداری، شاروالی واحد اداری ولایت است. شاروالی‌های مقیم در ولسوالی‌ها به نام شاروالی ولسوالی یاد می‌شوند. همه این واحدها نظر به سلسله مراتب، سرحدات مشخص و واضح ساحوی، سیاسی و اداری خواهند داشت. شاروالی نهادی است که صلاحیت پیشبرد فعالیت‌های تجارتي مانند خرید و فروش جابجاء، عقد قراردادهای دایر نمودن دعوای قانونی و برعکس، استفاده از یک نام قانونی و مدیریت تشبثات اقتصادی عامه را دارد. یک شاروالی جدید در صورت کسب شرایط و معیارهای لازم، ایجاد خواهد شد. ایجاد، ادغام و منحل کردن شاروالی‌ها بر اساس سلسله قوانین و مقررات جدید صورت خواهد گرفت.

وظایف شاروالی‌ها

قانون، وظایف اصلی و فرعی شاروالی‌ها را به‌طور مفصل شرح خواهد داد. وظایف اصلی شاروالی‌ها شامل حداقل خدماتی است که آنها باید عرضه نمایند. وظایف فرعی شاروالی‌ها شامل خدماتی می‌گردد که در کنار خدمات عمده باید عرضه گردند.

ساختار و میکانیزم نهادی شاروالی‌ها

شاروالی‌ها در میکانیزم ایجاد نهادی خود، صلاحیت ایجاد ساختار نهادی مشخصی را بر اساس رهنمودهای دولت دارا خواهند بود. دولت نمونه‌های نهادی را برای هر صنف از شاروالی‌ها مشخص خواهد ساخت. رهنمودهای چگونگی استفاده از این نمونه‌ها، صنف‌بندی معیاری و نام‌های آنها، سیستم معاشات و تفصیل نقش و مسئولیت‌های کارمندان نیز ضمیمه خواهد بود.

شاروالی کابل

شاروالی کابل به حیث یک شاروالی مرکزی صنف‌بندی شده است، اما چون کابل پایتخت کشور است، شاروالی کابل باید وظایف، صلاحیت‌ها و مسئولیت‌های بیشتری داشته باشد. شاروالی کابل یک نهاد مستقل است و باید به وظایفش در خدمت‌رسانی به مردم شهر عمل کند. در کنار قوانین دیگری که برای تنظیم امور شاروالی کابل تدوین می‌شود، قانون شاروالی‌ها نیز باید امور شاروالی کابل را تنظیم نماید. دولت نیز می‌تواند مقررات ویژه‌ای را جهت تنظیم امور شاروالی کابل وضع نماید.

چارچوب نهادی شاروالی‌ها

دولت باید معیارهای سیستم مدیریت شاروالی‌ها را طرح نماید. این سیستم باید بر اساس پالیسی‌های ملی، قوانین و مقررات و تا حد امکان، معیارهای و تجارب بین‌المللی استوار باشد. در صورت تخلف و یا عدم موفقیت در تطبیق این سیستم، شاروالی‌ها و کارمندان آنها باید منتظر عواقب جدی باشند. به همان شکلی که تطبیق موفق آن سزاوار تشویق و پاداش می‌باشد، عدم تطبیق امور متذکره منجر به برطرفی و مجازات خواهد گردید. دولت قوانین، مقررات و میکانیزم‌هایی را در مواردی مانند: برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری، پلان‌گذاری انکشافی، بودجه‌سازی، محاسبه، تدارکات و مدیریت تجهیزات لوژستیک، مدیریت دارایی‌هایی که بیشتر از یک سال مورد استفاده باشند، مسئولیت‌های دولت در بخش نظارت و ارزیابی پروسه تطبیق، ترتیبات دوره انتقالی و فعالیت‌های لازم برای انتقال به سیستم جدید، پاداش و مجازات در زمینه عملکرد بهینه بر اساس این سیستم را تدوین و ارائه خواهد کرد.

اداره امور انکشافی در شاروالی

پلان‌های انکشافی شاروالی بر اساس روند از پائین به بالا استوار خواهند بود تا اولویت‌ها و نیازهای مردم شهر را به درستی انعکاس دهند. بودجه‌سازی این پلان‌ها نیز بر اساس شیوه از بالا به پائین استوار خواهد بود. برنامه‌ها و پلان‌های شاروالی در برنامه‌ها و پلان‌های ولایتی و ملی مدغم خواهند شد تا بیانگر نیازهای مبرم جامعه باشند.

خدمات شاروالی‌ها

شاروالی‌ها مسئولیت عرضه خدماتی را به دوش خواهند داشت که به بهترین شکل ممکن در سطح محلی طرح ریزی و تطبیق گردند. همچنین شاروالی‌ها با نهادهای دیگر دولتی، سکتور خصوصی و مردم محل در شناسایی، اولویت بندی نیازهای محلی و دستیابی به رشد اقتصادی مورد نظر، بسیج سازی منابع مورد نیاز و بهبود خدمات‌دهی، همکاری نزدیک خواهند داشت.

تفویض صلاحیت‌ها به نهادهای محلی، بسته به میکانیزم‌های حساب‌دهی و موفقیت در ایجاد معیارهای خدمات‌دهی خواهد بود. نهادهای مرکزی منابع مربوطه را به شمول ایجاد ساختارهای مؤثر برای برنامه‌های پلان شده انتقال خواهند داد. سیستم و میکانیزم هماهنگی و همکاری را در عرضه خدمات سکتوری برای جلوگیری از هر نوع خلاء یا تداخل وظیفوی ایجاد خواهند کرد. اصل حیاتی در خدمات‌دهی، کیفیت و بهبود خدمات است.

دولت احکام لازم را برای تفویض صلاحیت‌های ابتدایی عرضه خدمات و نیز رهنمودهایی را در حمایت لازم دولت از این پروسه، برنامه‌های ارتقای ظرفیت، رهنمودهای اساسی، معیارهای عرضه خدمات، تولید در سطح شاروالی و رهنمودهای ملی را برای واگذاری خدمات شاروالی به نهادهای قراردادی تدوین و نشر خواهد نمود.

تشبثات اقتصادی شاروالی

شاروالی‌ها صلاحیت‌های تجارتي را به منظور عرضه خدمات عامه دارا می‌باشند. شمولیت شاروالی‌ها در این بخش نباید سبب کاهش نقش سکتور خصوصی در این عرصه گردد. خدمات شاروالی که توسط تشبثات اقتصادی عرضه می‌گردد، باید در بدل فیس و عوارض در اختیار عامه قرار گیرد. تعیین فیس و عوارض در بدل این خدمات، تداوم و بقای این خدمات را ضمانت می‌کند. تعیین مقادیر این فیس و عوارض از طریق پروسه‌های مشورتی و مشارکتی سه‌جانبه با شرکت‌های متقاضی این خدمات صورت می‌گیرد.

مدیریت اجرایی شاروالی‌ها

ارزیابی اجراءات شاروالی‌ها در مقایسه با اهداف انکشافی ملی و محلی نهادینه خواهد شد. این سیستم در برگیرنده یک سلسله اقدامات تشویقی و مجازاتی خواهد بود. ارزیابی و مدیریت عملکرد شاروالی‌ها، پروسه‌های تصمیم‌گیری در قبال پلان‌گذاری انکشافی، برنامه‌های سرمایه‌گذاری عامه، بودجه‌سازی سالانه، عرضه خدمات و ارتقای ظرفیت‌ها را رهبری خواهد نمود.

ارتقای ظرفیت‌ها در شاروالی‌ها

برنامه‌های سیستماتیک با هدف مشخص ارتقای ظرفیت در شاروالی‌ها تطبیق خواهند شد. مصارف این برنامه‌ها از بودجه شاروالی تأمین خواهد شد. در کنار انکشاف و مدیریت نیروی بشری نهادهای، اصلاحات اداره عامه در شاروالی‌ها تطبیق خواهد شد. دولت قوانین و مقررات لازم را در زمینه مسئولیت‌های فردی و نهادی در زمینه ارتقای ظرفیت در سطح شاروالی و رهنمودهای لازم در مورد تخصیص بودجه ملی به شاروالی‌ها، برای ارتقای ظرفیت شاروالی‌ها و پروسه‌های تطبیق اصلاحات اداره عامه در سطح شاروالی، تدوین و نشر خواهد کرد.

ساختارهای حکومت‌داری در سطح شاروالی‌ها

چارچوب قانونی، پالیسی و مقرره‌های شاروالی‌ها از ایجاد نهادهای کارا و مؤثر شاروالی‌ها پشتیبانی خواهند نمود. شاروالی‌ها صلاحیت ایفای همه وظایف‌شان را خواهند داشت. وظایف حتمی و احتمالی‌شان به وضاحت شرح داده خواهد شد. الگوهای سازمانی که در بردارنده معیارهای سازمانی باشند، برای هر یک از صنف‌بندی‌های شاروالی‌ها تدوین خواهد گردید تا رهنمای آنها در زمینه طرح ساختارهای تشکیلاتی باشند. رهنمودهای لازم برای اتخاذ یک الگو، دو یا چند مدل، براساس انتخاب مناسب‌ترین مدل، ارائه خواهد شد.

شارووال‌ها

شارووال‌ها براساس انتخابات و مطابق به احکام قانون اساسی انتخاب خواهند شد. به منظور حصول اطمینان از کیفیت بالای مدیریت و رهبری در شاروالی، معیارهای تحصیلی و تجربی شارووال‌ها تعیین و نشر خواهد شد. دولت قوانین و مقررات مربوطه را در قالب‌های زیر تدوین و نشر خواهد کرد:

قانون انتخابات، لایحه وظایف کارمندان انتخابی شاروالی‌ها، رهنمودهای لازم در مورد دوره‌های کاری، برطرفی، انتخاب دوباره این کارمندان، معیارهای تحصیلی و تجربی شارووال‌ها.

شارووال مسئول اول اجرایی شاروالی است. وظایف شارووال در برگیرنده عرضه خدمات، تنظیم امور کاری، اداره و مدیریت و هماهنگی با حکومت و مردم است.

معاون شارووال

وظایف و معیارهای تحصیلی و تجربی معاون شارووال به وضاحت شرح داده خواهد شد تا سلسله مراتب و حساب‌دهی در شاروالی واضح باشد. برنامه‌های ارتقای ظرفیت در شاروالی، به منظور بهبود کیفیت مدیریت و در نتیجه عرضه خدمات، تطبیق خواهند شد. وظایف معاون شارووال، برقراری و حفظ رابطه میان شورای شاروالی و

ادارهٔ شاروالی، رهبری امور شاروالی به حیث فرد مسئول درجه دوم و انجام وظایفی است که شاروال به او محول می‌کند.

شورای شاروالی

قانون شوراهای شاروالی در سال ۲۰۰۹ تدوین و انتخابات شوراهای شاروالی در سال ۲۰۱۰ برگزار خواهد شد. این قانون و مقررات اصول وظایف، ساختار و رابطهٔ شورای شاروالی را با نهادهای دیگر شرح خواهد داد. شورای شاروالی در انجام وظایفش، از لحاظ نهادی و نیروی بشری، تقویت خواهد شد.

شورای شاروالی وظایف زیر را اجرا خواهد کرد:

وضع طرزالعمل‌ها و مقرره‌های مربوط به شاروالی‌ها در مورد تصویب بودجهٔ سالانه، تعیین فیس و عوارض خدمات شاروالی، نمایندگی از نیازهای مردم محل، نظارت و ارزیابی کار ادارهٔ شاروالی، همکاری در تعیین اهداف و مقاصد انکشافی و اولویت‌ها، نظارت بر تطبیق برنامه‌های انکشافی شاروالی و ارزیابی آنها، برگزاری جلسات مشورتی منظم با مردم محل و فراهم ساختن فرصت‌های مناسب برای جمع‌آوری نظریات مردم و ارائهٔ معلومات به آنان.

شورای شاروالی صلاحیت حساب‌خواهی از حساب‌دهکارمندان شاروالی را در مورد وظایف محول شده به آنان دارد.

مجلس اداری شاروالی

شاروال، رئیس، معاون شاروال، معاون رئیس، و مدیران بخش‌های شاروالی، اعضای این مجلس خواهند بود. وظایف مجلس اداری شاروالی به طور واضح مشخص خواهد گردید. وظایف مجلس اداری شاروالی انسجام و ادارهٔ امور دیگر بخش‌های شاروالی می‌باشد. این مجلس جهت ایفای وظایفش به‌حیث یک نهاد مؤثر در انکشاف شاروالی‌ها باید صلاحیت لازم را دارا باشد. این وظایف در برگیرندهٔ موارد زیر است: ارزیابی پلان‌ها و برنامه‌های شاروالی، ارزیابی و تصویب پلان‌ها و برنامه‌های انکشاف اجتماعی - اقتصادی شاروالی، پلان‌های سرمایه‌گذاری سالانه و بودجهٔ سالانهٔ شاروالی، نظارت بر تطبیق برنامه‌های شاروالی، تأیید تصامیم مدیریت در مورد ادارهٔ شاروالی‌ها، تصویب پالیسی‌ها و قوانین و مقرراتی که امور شاروالی را تنظیم می‌کنند.

مجلس اداری شاروالی به شاروال و شاروال به شورای شاروالی حساب‌ده خواهد بود.

مسئولان انتصابی و سایر کارمندان شاروالی

سیستم مدیریت و انکشاف نیروی بشری شاروالی، مسئولیت رهبری، مدیریت و اداره پرسونل را مطابق با اصل شایسته‌سالاری به عهده خواهد داشت. همچنین دولت مسئولیت اصول رفتاری کارمندان شاروالی و پرسونل آن، تعیین مجازات لازم در صورت عدم انجام وظایف و پاداش در صورت انجام وظایف را به نحو شایسته به عهده خواهد داشت. مجلس اداری شاروالی برای جذب همکاری مردم در تطبیق سیستم جدید کمک‌های لازم را خواهد کرد. حکومت آیین‌نامه‌ها و اصول رفتاری را بر اساس اصل انتخاب شایسته‌سالارانه، مدیریت پرسونل بر اساس اصل شایسته‌سالاری به شمول پاداش، مجازات، دسته‌بندی معیاری موقوف‌ها، معیاری‌سازی تقسیم اوقات، جبران خساره و برنامه ارتقای ظرفیت را به عهده خواهد داد.

ناحیه‌ها

ناحیه‌ها واحدهای اداری شاروالی‌ها هستند که بنا بر نیازهای اداری و انکشافی و مطابق به معیارهای تنظیم‌شده به وجود می‌آیند. ناحیه‌ها، که تحت سرپرستی شاروالی فعالیت می‌کنند، در ایفای وظایف‌شان منابع لازم را در اختیار خواهند داشت. وظایف ناحیه‌ها عبارت‌اند از: همکاری در تعمیر و حفظ و مراقبت ساختارهای عامه شاروالی، عرضه خدمات اجتماعی-اقتصادی، تنفیذ قانون، راه‌اندازی سروی‌های نفوس شماری، ثبت نام، ترویج مشارکت عامه در پروژه‌های تصمیم‌گیری شاروالی‌ها و رسیدگی به شکایات، خواهش‌ها و منازعات عامه.

چارچوب مالی و سیستم عواید شاروالی‌ها

قانون، به شاروالی‌ها اجازه خواهد داد که بتوانند از عواید خود استفاده کنند. همچنین، بر اساس این پالیسی فیصدی مشخصی از تکس اماکن به حیث منبع عایداتی شاروالی به رسمیت شناخته خواهد شد؛ یعنی وزارت مالیه در بدل جمع‌آوری تکس اماکن توسط شاروالی‌ها، فیصدی مشخصی از آن را به شاروالی می‌پردازد که می‌کانبیزم آن در ذیل تبیین شده است.

شاروالی‌ها صلاحیت تعیین اجرت، فیس و تکس را به رهبری مرکز و با در نظر داشت شرایط محلی و آمادگی و توانایی مردم محل در پرداخت آنها دارا خواهند بود. همچنین، شاروالی‌ها صلاحیت ایجاد و استفاده از منابع عایداتی را در چارچوب قانون خواهند داشت. تشبثات اقتصادی محلی را که توسط شاروالی‌ها ایجاد شده‌اند، باید به مثابه منابع قانونی عایداتی آنها به رسمیت شناخت. تعیین فیس و عوارض، تنها بعد از مشورت با دریافت‌کنندگان خدمات باید صورت گیرد. شاروالی‌ها باید یک سیستم اداره و گزارش‌دهی عواید را ایجاد نمایند که حساب‌دهی آنها را به مردم و مقامات بالایی تضمین کند. تخلف از قوانین و مقررات شاروالی‌ها، فیس و عوارض و اداره گزارش‌دهی شاروالی‌ها، باید عواقب جدی را در پی داشته باشد. دولت قوانین و مقررات مربوط به تطبیق تکس اماکن (به شمول قیمت‌گذاری جایداد و تعیین مالیه)، مسئولیت‌های فردی و جمعی در قبال

تطبيق قانون ماليه بر جايداد در سطح ملي، ولايتي و شاروالي، معيارهاي تحصيلي و تجربوي براي آرزيايي كندگان شارواليها، رهنمودها در مورد تعيين عوارض و استفاده از منابع عايداتي، سيستم اداره و گزارشدهي عوايد شاروالي، و عواقب جدي در صورت تخلف از قوانين و مقررات را تصويب و در اختيار همگان قرار خواهد داد.

جمع آوري تكس اماكن

شارواليها با اجازه وزارت ماليه تكس اماكن را جمع آوري و به حساب وزارت وماليه واريز مي كنند. در عوض، وزارت ماليه فيصدي مشخصي از وجوه فوق را مطابق به قانون، به شارواليها اعطا مي كند.

هر شاروالي بايد ارزش املاك را بر مبناي ارزش فعلي بازار املاك تعيين كند و تكس املاك را نيز بر همان مبنا تنظيم و جمع آوري نمايد. وزارت ماليه بايد بر روند آرزشيايي و جمع آوري تكس املاك نظارت نمايد. مقررههاي لازم جهت امور متذكرة از سوي دولت طرح خواهد شدمي كند.

فيس و اجرت شاروالي

هر شاروالي بايد انواع فيس، اجرت و كرايه يا اجاره املاك شاروالي را بر اساس شرايط محلي و حكم قانون شاروالي تنظيم نمايد. همچنين، هر شاروالي بايد صلاحيت وضع و تطبيق جريمه بر اشخاص يا نهادهائي را داشته باشد كه از پرداخت تكس املاك، فيس، عوارض يا كرايه و اجاره املاك شاروالي سر باز مي زنند و يا از قوانين و مقررههاي شاروالي تخطي مي ورزند.

بودجه سازي شاروالي و طرح ريزي سرمايه گذاري عامه

بودجه سازي شارواليها بايد به شيوه اي سازماندهي گردد كه فرصت مداخله در جريان بودجه سازي، بررسي و تصويب آن مساعد نگردد. به اين منظور، دولت بايد يك سيستم بهبوديافته بودجه سازي را براي شارواليها ايجاد و فعال سازد. اين سيستم بايد بر اساس ميكانيزم پايين به بالا، شناسايي و انعكاس نيازها و اولويتهاي محلي و پلانهاي طولاني مدت و ميانه مدت استوار باشد. اين سيستم بايد رسيدگي و واكنش به حوادث و وضعيتهاي عاجل را توسط ادارات شارواليها را تسهيل نمايد. برنامه ها و پروژه هاي سرمايه گذاري شارواليها بايد بر اساس مطالعات و بررسيهاي مالي، تخنيكي، نهادي و محيطي استوار باشد. شارواليها بايد، به طور منظم، در مورد اجراء بودجه گزارش بدهند. دولت قوانين و مقررات مربوط به موارد آتي را تصويب و در اختيار همگان قرار خواهد داد: اصلاحات در سيستم بودجه سازي، پروسه ها، ميكانيزم، تقسيم وظائف و سلسله مراتب مشخص و مشروح به منظور تدوين، بررسي و تصويب بودجه ها، زمان اجراء، مسؤليت هاي فردي و جمعي در

قبال نظارت و ارزیابی و گزارش‌دهی در مورد اجراءات بودجوی، پرونده‌ها، اسناد و شواهد از نظرسنجی های پایین به بالا در جریان بودجه‌سازی، فعالیت‌ها، مسئولیت‌های فردی و جمعی در قبال انتقال به سیستم جدید بودجوی، رهنمودها برای به راه‌اندازی مطالعات و بررسی پیشنهادات سرمایه‌گذاری شاروالی‌ها و عواقب جدی در صورت تخلف از قوانین و مقررات.

روابط مالی میان نهادهای دولتی و دسترسی شاروالی‌ها به منابع بیرونی

دولت مسئولیت مالی و حمایت از شاروالی‌ها را می‌پذیرد. شاروالی‌ها باید اجازه داشته باشند تا در چارچوب قانون، به منظور عرضه خدمات اولیه به مردم، به سرمایه‌های بیرونی دسترسی پیدا کنند تا در صورت لزوم، کمبود بودجه نداشته باشند. البته مشروط بر اینکه، در مدت زمان قانونی، بتوانند با تکیه بر سرمایه‌های بیرونی و عواید شاروالی، کمبود را جبران نمایند. همچنین شاروالی‌ها باید به منظور عرضه خدمات عامه، از مردم قرضه بگیرند؛ البته در چارچوب قوانین و مقررات دولت و توانایی تثبیت شده بازپرداخت شاروالی مذکور بر اساس نسبت پوشش خدمات قرضه‌دهی-قرضه‌گیری. شاروالی‌ها می‌توانند به قرضه‌های بیرونی تنها از طریق وزارت مالیه دسترسی داشته باشند. دولت، قوانین و مقررات در مورد معیار، میکانیزم، رهنمودها و پرونده‌های انتقال منابع مالی را از دولت به شاروالی‌ها، رشد سکتور خصوصی و عرضه خدمات اولیه به مردم، موارد و پرونده‌های بیرون‌رفت از کسر بودجه، معیار، میکانیزم، رهنمودها و پرونده‌های قرضه‌گیری محلی و خارجی توسط شاروالی‌ها را به شمول نسبت پوشش خدمات قرضه‌دهی-قرضه‌گیری و دشواری‌های دیگر مالی را تصویب و در اختیار همگان قرار خواهد داد.

مدیریت امور مالی و گزارش‌دهی در شاروالی‌ها

قانون باید به وضاحت موارد حساب‌دهی مالی شاروالی‌ها را شرح دهد. به‌طور عموم، شاروالی‌ها به دولت و نهادهای مربوطه آن و حوزه‌های محلی حساب‌ده خواهند بود. دولت باید یک جدول معیاری محاسبات، قوانین و مقررات مالی، سیستم‌ها و جداول گزارش‌دهی و میکانیزم‌های مدیریت امور مالی را برای شاروالی‌ها ترتیب دهد. امور مالی شاروالی‌ها باید منظم‌اً تفتیش گردد و عدم پیروی از قوانین باید عواقب جدی را به دنبال داشته باشد. دولت در مورد مسئولیت‌های فردی و نهادی برای تدوین، تطبیق و نهادینه‌سازی سیستم مدیریت امور مالی شاروالی‌ها، سیستم راپوردهی مالی شاروالی‌ها، جداول محاسبات مضاعف، قوانین مالی، سیستم‌ها و جداول گزارش‌دهی، سیستم داخلی کنترل شاروالی‌ها، پرونده‌ها و معیارهای تفتیش داخلی و خارجی، و عواقب جدی در صورت تخلف از این قوانین، مقررات و سیستم‌ها، قوانین و مقرراتی را تصویب و در اختیار همگان قرار خواهد داد. همچنین، اداره تفتیش و کنترل حساب‌های مالی و امور مالی، شاروالی‌ها را، به‌طور منظم، مورد تفتیش قرار خواهد داد.

روابط شاروالی‌ها با نهادهای دولتی

روابط با دواير حكومتی

دولت رهنمودهای لازم را در مورد تفویض نوعیت و چگونگی صلاحیت‌های عرضه خدمات سکتوری مرکزی به شاروالی‌ها، تقسیم وظایف میان دولت و شاروالی‌ها در بخش پالیسی‌سازی، نظارت، تطبیق و ارزیابی تأثیرات و پیامدها، طرح خواهد نمود. وزارت انکشاف شهری به منظور انکشاف روند شهرسازی و پلان‌گذاری، پالیسی‌ها و لویجی را در سطح کشور وضع خواهند نمود تا شاروالی‌ها در تطبیق این برنامه‌ها کمک نموده و بر روند کار عملی آن نظارت نمایند. به علاوه، این وزارت معیارهای خدمات حداقل را برای شاروالی‌ها در چگونگی عرضه خدمات وضع خواهد نمود. وزارت انکشاف شهری با شاروالی‌ها در روند تدوین ماسترپلان شهری کمک می‌کند تا در جریان به وجود آوردن پلان‌های میان‌مدت و درازمدت رهنمای آنها باشد. کمک در تطبیق ماسترپلان شاروالی نیز از وظایف این وزارت می‌باشد.

اداره مستقل ارگان‌های محلی، باید روند فعالیت شاروالی‌ها را رهنمایی و نظارت نماید. همچنین هماهنگی لازم را بین وزارت‌های حکومتی، ادارات عمومی و کمیسیون‌های مستقل، جهت تطبیق قانون جدید شاروالی‌ها، به وجود آورد. روند ایجاد پالیسی و قوانین مربوط به شاروالی‌ها را مطابق به نیازهای مردم رهبری نماید و ظرفیت‌های شورا و اداره شاروالی‌ها را بالا ببرد تا بتوانند وظایف و مکلفیت‌های‌شان را، به صورت درست، اجرا کنند.

روابط با نهادهای ولایتی

قانون جدید شاروالی‌ها روابط کاری و حساب‌دهی میان ادارات ولایتی و شاروالی‌ها را به روشنی شرح خواهد داد. به منظور اتخاذ بینش وسیع‌تر، برنامه‌های انکشافی اجتماعی-اقتصادی شاروالی‌ها با برنامه‌های ولایتی مدغم خواهند شد.

دولت قوانین و مقررات لازم را در مورد تقسیم وظایف میان اداره شاروالی‌ها و ادارات ولایتی، تعریف حساب‌دهی و مسئولیت گزارش‌دهی شاروالی‌ها به نهادهای ولایتی، و نیز رهنمودهای لازم در مورد ادغام برنامه‌های شاروالی‌ها در پلان‌های انکشافی ولایتی و نیز رابطه میان شاروالی‌ها و ولسوالی‌ها را طرح و اعلان خواهد کرد.

شاروالی‌ها برای اتخاذ بینش واحد و انسجام‌یافته در قبال دولت‌سازی، حکومت‌داری خوب و اداره امور انکشافی در انجمن شاروالی‌ها، خود را منسجم خواهند ساخت. حکومت انجمن شاروالی‌ها را به مثابه همکار انکشافی خود به رسمیت شناخته و حمایت خواهد کرد و منابع لازم را در اختیارش قرار خواهد داد.

دولت قوانین، مقررات و رهنمودهای لازم را در مورد سرپرستی اداری شاروالی‌ها در سطح ولایت و ولسوالی و همچنین اساسنامه انجمن شاروالی‌ها را طرح و اعلان خواهد کرد.

مشارکت عامه در پروسه‌های تصمیم‌گیری شاروالی‌ها

مشارکت جامعه مدنی، جوانان، زنان و علما

نشر معلومات در مورد اجراءات شاروالی‌ها و دسترسی عامه به آنها، مردم را در تصمیم‌گیری و حمایت از تصامیم و برنامه‌های شاروالی تقویت می‌کند. شاروالی‌ها باید حق مسلم مردم در دسترسی به معلومات را - که قانون اساسی افغانستان تأیید می‌کند - به رسمیت بشناسند. البته در این زمینه می‌شود معلومات را به معلومات قابل نشر و محرم طبقه‌بندی نمود. مشارکت عامه، در عین حال که حق مردم است، یک مسئولیت نیز می‌باشد و این را هر دو جانب، یعنی مردم و نهادهای شاروالی، باید به رسمیت بشناسند. شاروالی‌ها باید میکانیزم‌های مشارکت عامه در امور شاروالی‌ها را ایجاد کنند. برای مشارکت فعال و سازنده، مردم محل باید نمایندگان خود را انتخاب کنند. دولت چارچوب تنظیم‌کننده شاروالی‌ها را برای نهادینه‌سازی مشارکت عامه، چارچوب نهادی و تطبیقی برای مشارکت عامه در امور شاروالی‌ها، فعالیت‌های لازم در راستای تقویت این مشارکت، سکتورهای مشارکت عامه، نقطه آغاز پروسه، حدود و معیارهای لازم برای شاروالی‌ها، مشارکت مردم محل در این پروسه و میکانیزم نشر معلومات و دسترسی مردم به آنها را طرح و اعلان خواهد کرد.

نقش سکتور خصوصی در انکشاف اقتصادی شاروالی‌ها

نقش سکتور خصوصی در انکشاف اقتصادی باید به وضاحت شرح داده شود و یک چارچوب تنظیم‌کننده مشوق سرمایه‌گذاری و نقش سکتور خصوصی در امور شاروالی‌ها ایجاد گردد. دیوان‌سالاری و ظرفیت شاروالی‌ها معطوف جلب و جذب سرمایه‌گذاری خصوصی و کاهش هزینه خدمات خواهد گردید. هر شاروالی باید دارای پلان اولویت‌های سرمایه‌گذاری در شاروالی باشد. این پلان‌ها باید از فعالیت‌ها و برنامه‌های انکشافی شاروالی‌ها حمایت کند. کوشش‌ها در راستای بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری در شاروالی‌ها باید روی جلب سرمایه برای صنایع کوچک و متوسط تمرکز داشته باشد که تشبثات موجود را حمایه و راه را برای فرصت‌های جدید اقتصادی هموار سازد. شاروالی‌ها باید در تأمین و تقویت رابطه میان تشبثات بزرگ ملی و بین‌المللی و تشبثات کوچک محلی کوشا باشند و میکانیزم شرکت عامه و سکتور خصوصی در امور شاروالی‌ها را ایجاد کنند. دولت قوانین و مقررات لازم را در زمینه ایفای نقش سکتور خصوصی در انکشاف اقتصاد محلی، چارچوب مشوق و تنظیم‌کننده و سیستم اداری و تطبیقی شاروالی‌ها را که سرمایه‌گذاری بیرونی در آن را تشویق و قیمت این سرمایه‌گذاری را کاهش دهد، طرح و در اختیار همگان قرار خواهد داد.

اداره شاروالی می‌تواند سکتور خصوصی را در امور خدمات رسانی و اجرای پروژه‌های انکشافی با خود سهیم سازد؛ اما این روند باید از طریق داوطلبی و شفاف انجام گردد.

موضوعات پیرامونی در پالیسی ادارات محلی

مساوات جنسیتی در ادارات محلی

برنامه عمل ملی برای زنان افغانستان کاملاً در سطح محلی تطبیق خواهد شد. طوری که در استراتژی انکشاف ملی افغانستان ذکر شده است، تا جدی سال ۱۳۸۹، نقش زنان در مطابقت با اهداف انکشافی هزاره سوم در افغانستان، در همه نهادهای اداری افغان، به شمول نهادهای منتخب و منتصب و خدمات ملکی، توسط اختصاص کرسی برای زنان بر اساس قانون تبعیض مثبت تقویت خواهد شد.

این پالیسی از طرح ابتکاری وزارت امور زنان مبنی بر بودجه‌سازی بر مبنای جنسیت، به صورت کامل حمایت می‌کند.

مشارکت جوانان در ادارات محلی

میکانیسم‌های لازم برای مشارکت جوانان در سیستم حکومت‌داری ملی، ولایتی و محلی ایجاد خواهد شد. به منظور تشویق مشارکت وسیع‌تر جوانان در سیستم حکومت‌داری در سطح محلی، سن معیاری برای شرکت در انتخابات شوراهای محلی، ۲۲ سال تعیین شده که این امر زمینه‌های سهم‌گیری فعالانه آنان را، به مثابه مسولان انتخابی در نهادهای حکومت‌داری محلی، فراهم خواهد ساخت. با این امکان جوانان به طور مستقیم در روندهای تصمیم‌گیری ادارات محلی سهم خواهند داشت. مکاتب، پوهنتون‌ها و مؤسسات تعلیمی، جوانان را برای شرکت در سیستم حکومت‌داری آماده خواهند ساخت. تعلیمات شهروندی نیز شامل سیستم درسی آنها خواهد شد. نهادهای دولتی در سطح ولایت، ولسوالی، شاروالی و دهات از انجمن‌ها و شوراهای جوانان و مباحث و تصامیم‌شان در امور مربوط به آنان پشتیبانی نموده، منابع مالی لازم را در اختیار آنان قرار خواهند داد، و از طریق این انجمن‌ها با صنوف مختلف جوانان روی مسائل حکومت‌داری محلی بحث و تبادل نظر خواهند نمود. این انجمن‌ها می‌توانند مراکز پلان‌سازی و برنامه‌سازی را نیز ایجاد نموده و در برنامه‌سازی و تطبیق پروژه‌ها سهم ارزنده بگیرند. نهادهای دولتی در سطح ولایات، ولسوالی‌ها، قریه‌ها و شاروالی‌ها، جوانان را در پلان‌گذاری برای انکشاف محلی سهم خواهند ساخت. همچنان میان نهادهای دولتی در سطوح مختلف روی امور مربوط به جوانان مانند معارف، صحت، کاریابی، مبارزه با مواد مخدر، سرپناه و محیط زیست، تبادل نظر و در فراهم‌سازی شرایط کار برای جوانان کوشش خواهد شد. همچنین این نهادها روی آموزش تخنیکی جوانان به مثابه یکی از تاکتیک‌ها تأکید خواهند ورزید.

حق دسترسی به اطلاعات

دولت افغانستان، ماده ۵۰ قانون اساسی افغانستان را، که بر حق غیر محدود (تا جایی که موجب ضایع شدن حقوق دیگران نشود)، دسترسی شهروندان افغانستان به اطلاعات ادارات دولتی در چارچوب قانون تأکید دارد، تطبیق خواهد کرد. دولت شرایط عملی تطبیق حق قانونی دسترسی به اطلاعات توسط جامعه مدنی و شهروندان افغانستان را توسط تدوین قانون دسترسی به اطلاعات دولتی فراهم خواهد نمود. حق دسترسی به اطلاعات نهادهای دولتی اساس حساب‌دهی را تشکیل داده و باعث شفافیت در پرونده‌های دولتی و در نتیجه تطبیق اصول حکومت‌داری خوب می‌گردد. این قانون در برگیرنده یک طرزالعمل ساده، سلسله مراتب مسئولیتی برای پاسخ‌گویی به مردم، جهت معلومات درخواست‌شده، مشخص نمودن صلاحیت‌های قانونی مقامات دولتی در راستای حفظ معلومات خاص و کم و کیف حفاظت از این معلومات، می‌باشد.

مشارکت جامعه مدنی و مطبوعات در ادارات محلی

نهادهای دولتی در سطح محلی اصول حکومت‌داری خوب را تطبیق خواهند نمود. برای مردم، جامعه مدنی و مطبوعات زمینه بحث آزاد و انتقاد سازنده را فراهم نموده، به نظریات و اولویت‌های آنان ارجحیت قایل خواهند شد.

نهادهای دولتی اشتراک فعال جامعه مدنی را تشویق خواهند کرد. به طور مشخص، این نهادها در شریک‌سازی معلومات در مورد بودجه‌سازی و عرضه خدمات، برگزاری نظرسنجی‌های آزاد با نهادهای جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی، شوراها، جرگه‌ها و انجمن‌ها به منظور جمع‌آوری نظریات مردم و آگاهی از اولویت‌های آنان، فراهم‌سازی فرصت‌های تصمیم‌گیری مشترک، کنترل مستقیم مردم بر پرونده‌های تدوین و پلان‌گذاری، جمع‌آوری عواید، تطبیق، نظارت و ارزیابی پالیسی‌ها و پروژه‌های انکشافی، مانند برنامه همبستگی ملی شوراها، انکشافی قریه‌ها، نقش فعال ادا خواهند نمود.

نهادهای دولتی در سطح محلی، برنامه‌هایی را که مشارکت و کنترل فعال مردم روی وجوه مالی انکشافی را تأمین و تضمین می‌کند، ترجیح خواهند داد و نهادهای جامعه مدنی را در پلان‌گذاری، تطبیق و نظارت و ارزیابی برنامه‌ها شامل خواهند ساخت. قانون، شرایط را برای تفتیش شهروندان و تفتیش اجتماعی امور کاری ادارات محلی آماده خواهد ساخت.

نهادهای دولتی در سطح ولایات، ولسوالی‌ها، قریه‌ها و شاروالی‌ها جامعه مدنی را در نظارت و ارزیابی امور کاری خود نقش خواهند داد و به این منظور در ایجاد رابطه مستحکم با جامعه مدنی کوشش خواهند نمود. فعلا نهادهای رسمی و غیر رسمی حکومت‌داری با هم رابطه دارند و لازم است این ارتباط نه تنها حفظ، بلکه از طریق نظرسنجی‌ها و مباحث آزاد با مجامع غیر رسمی مستحکم‌تر گردد.

دولت افغانستان میکانیزم پلان‌گذاری و بودجه‌سازی اشتراکی را در ولایات، ولسوالی‌ها، قریه‌ها و شاروالی‌های افغانستان ایجاد خواهد نمود که باعث فراهم‌سازی زمینه مشارکت در پرونده‌های تصمیم‌گیری و اصلاح برنامه‌ها به مردم خواهد شد. دولت افغانستان پرونده‌ها و اسناد بودجه‌سازی را در اختیار همه قرار خواهد داد. پلان‌گذاری و بودجه‌سازی اشتراکی، باعث شفافیت و حساب‌دهی بیشتر و کاهش عدم مؤثریت و فساد در ادارات دولتی را خواهد شد. این اقدام همچنین باعث مشارکت اقلیت‌ها و گروه‌های منزوی در پرونده‌های تصمیم‌گیری در ادارات محلی و انعکاس خواسته‌های آنان در برنامه‌های انکشافی خواهد شد. نهادهای دولتی از ایجاد انجمن‌های تخنیکی و نقش فعال و مشوره دهنده آنها پشتیبانی نموده و از فعالیت‌های شان در راستای آگاهی‌دهی به مردم در مورد نقش آنان در پرداخت مالیات به دولت، حمایت خواهند کرد.

از طریق مشوره با مردم محل، دولت افغانستان نقشه برداری اداری و سیاسی کشور را - که قریه‌ها و گذرها واحد اساسی آن هستند - آغاز و تکمیل خواهد کرد. استراتژی انکشاف ملی افغانستان روی پرونده مردمی ثبت زمین در همه واحدهای اداری تأکید ورزیده، آغاز ثبت قبالة‌ها را در ماه جدی ۱۳۸۷ اعلان داشته است. دولت افغانستان، در مشوره با شوراهای مردمی، حدود جغرافیایی قریه‌ها، واحدهای داخل قریه‌های بزرگ و گذرها را در مناطق شهری تعیین خواهد کرد.

مدیریت منابع طبیعی بر اساس مشوره و نظرسنجی با مردم محل، به شمول اقلیت‌های قومی و بر اساس ارزش‌های محلی صورت خواهد گرفت. استفاده از محیط زیست به شیوه مؤثر و بر اساس ارزش‌ها و نیازمندی‌های محل انجام خواهد شد. نهادهای محلی و جامعه مدنی نقش مهمی را در تصمیم‌گیری و مدیریت منابع قابل احیاء ایفا خواهند نمود. نهادهای دولتی محلی از میکانیزم‌ها و پرونده‌هایی که حقوق و منافع نهادهای ذی‌ربط محلی را تأمین می‌کنند، پشتیبانی خواهند کرد.

نهادهای محلی به مردم جواب‌گو خواهند بود. مجالس نظرسنجی، مشارکت وسیع عامه، اتخاذ شیوه‌ها و معیارها و خدمات قابل ارزیابی و قبول‌شده، نشر اطلاعات و معلومات لازم به مردم و رسیدگی به شکایات‌شان جواب‌گو بودن این نهادها را تضمین خواهد کرد. آنها، تحت نظارت مستقیم شورای منتخب محلی مربوطه، یک میکانیزم رسیدگی به شکایات عامه را ایجاد خواهند کرد که بتواند رضایت مردم را کسب، حقوق مردم را به رسمیت شناخته و حفاظت کند و نیز از شیوه‌های آسان، عام‌فهم، شفاف و مؤثر برای رسیدگی به شکایات استفاده کند. همچنین، در مورد پرونده‌های رسیدگی به شکایات به مردم معلومات فراهم سازد. قابل دید، قابل دسترسی و جواب‌گو باشد. در مورد اینکه در کجا و چگونه باید شکایت خود را درج نمود، معلومات فراهم کند و زمینه نظارت بر این پرونده‌ها و بهبود آنها را مساعد سازد.

این میکانیزم از یک طرف موقع نظردهی به مردم و از طرف دیگر میکانیزم شنیدن رای مردم را به این نهادها میسر خواهد ساخت. این میکانیزم باید به مردم اطمینان دهند که نه تنها از شکایات آنها استقبال می‌شود، بلکه به طور جدی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. جنبه عملی رسیدگی به شکایات در بهبود شیوه‌های عرضه خدمات بر اساس نظریات مردم خواهد بود. مسئولیت جمع‌آوری و رسیدگی به شکایات عامه را مسئولین بالارتبة دولتی به عهده خواهند داشت. این میکانیزم منابع مالی لازم را در اختیار خواهد داشت و صلاحیت تعیین و تطبیق

جبران خساره‌های مالی و جنسی به مردم را دارا خواهد بود. شوراهای ولایتی، ولسوالی، قریه و شاروالی پروسه رسیدگی به شکایات را در سطوح مختلف نظارت و ارزیابی خواهند کرد.

مبارزه با فساد در سطح حکومت‌داری محلی

کمیسیون تدوین استراتیژی مبارزه با ارتشاء و فساد اداری به رهبری رئیس ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان، مسوده استراتیژی مبارزه با فساد و اصلاحات اداری را تهیه نموده است. کابینه گزارش کمیسیون را مورد قبول قرار داده و شورای ملی قانونی را برای نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه با فساد اداری به تصویب رسانیده است. همچنین اداره عالی نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه با فساد اداری ایجاد شده است تا بر تطبیق این استراتیژی نظارت نماید.

استراتیژی و قانون مذکور، ادارات محلی را در مبارزه با فساد کمک خواهد کرد. این استراتیژی دارای یک روش و شیوه مدون برای مبارزه با فساد اداری در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت در سطح ملی و محلی می‌باشد. ادارات ولایتی، ولسوالی و شاروالی‌ها باید اصلاحاتی را که این استراتیژی از آنها توقع دارد و در وقت مشخص شده‌ای که در این استراتیژی ذکر شده، تطبیق کنند. ولایات و ولسوالی‌ها قانون نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری را، مطابق نص و روح قانون، تطبیق خواهند کرد.

ادارات محلی و نهادهای انتخابی، نهادهایی نظیر جامعه مدنی، شوراهای انتخابی و رسانه را به نظارت بر کارکردهای شان تشویق خواهند نمود.

نهادهای ادارات محلی، سکتور خصوصی، سازمان‌های جامعه مدنی، رسانه‌ها و مردم را در راستای اطلاع‌دهی در مورد فساد و پیامدهای آن و همچنین آسیب‌پذیری‌های ناشی از فساد، یاری می‌کند. این اطلاع‌دهی شامل روند مبارزه با فساد و اقداماتی که در جهت یافتن راه حل‌های مناسب برای این پدیده شوم است، خواهد بود. دولت میکانیزم‌های نظارتی نهادهای نمایندگی را از طریق ارائه کمک به رشد ظرفیت‌های شوراهای ولایتی، شوراهای ولسوالی‌ها، شورای قریه و شورای شاروالی‌ها در مورد مبارزه با فساد، تقویت می‌کند.

ادارات محلی با این نهادها در راستای شفاف‌سازی کارکردها و مباحث مربوطه کار خواهند نمود. حکومت رسانه‌ها و جامعه مدنی را در افزایش آگاهی و آموزش عمومی، از طریق جریان آزاد معلومات در بین ادارات دولتی و مردم در سراسر کشور، تقویت خواهد کرد. حکومت میکانیزم‌هایی را برای ایجاد هماهنگی با ساختارهای مردمی، جهت افزایش آگاهی مردم در باره مبارزه با فساد، ایجاد خواهد کرد. حکومت، امور برنامه ریزی، اجرای برنامه‌ها و نظارت از آنها را شفاف‌تر، اشتراکی و حساب‌ده خواهد ساخت.

جامعه مدنی به شمول جرگه‌ها و شوراهای سنتی ترغیب خواهند شد تا از ادارات محلی تقاضای شفافیت و پاسخ‌گویی بیشتر کند تا فساد کاهش یابد. ادارات محلی میکانیزم‌هایی را تحت نظارت شوراهای انتخابی محلی جهت سمع شکایات ایجاد و تطبیق خواهد کرد. طبق این میکانیزم، شکایات مربوط به فساد را می‌توان تسلیم مسئولین ذی‌ربط نمود. ادارات محلی اقدام به نصب و عیار نمودن وسایل کمپیوتری جهت کاهش فساد و

افزایش کارایی‌شان خواهند کرد. ادارات محلی سطح دستگیری و پیگردهای قانونی قاچاقچیان، مأمورین فاسد و افزایش معلومات در مورد آنانی را که به تجارت مواد مخدر آلوده‌اند، افزایش خواهد داد. برای مقامات انتصابی و انتخابی محلی اصول وظایف داخلی تهیه خواهد گردید. دولت افرادی را که در پست‌های بالای دولتی استخدام و انتخاب شوند، ملزم می‌سازد تمام دارایی‌های شان را قبل از تصدی پست مربوطه اعلام نمایند. دولت در فواصل معین زمانی دارایی‌های آنها را بررسی خواهد کرد تا منابع درآمد آنها به صورت درست شناسایی گردد. دولت اقدامات لازم قانونی را جهت محافظت از جان کسانی که موارد ارتکاب فساد را به مقامات مربوطه گزارش می‌دهند، قبلاً در نظر گرفته است. حکومت سیستم حساب‌دهی عامه را از طریق نهادینه‌سازی یک سیستم قوی تفتیش محلی (به شمول تفتیش داخلی و خارجی) تقویت خواهد نمود.

دولت بخش بازرسی (تفتیش) داخلی را در ادارات محلی قوی‌تر ساخته تا بازرسی مسائل مالی و کاری، به حیث یک وسیله حساس جهت اطمینان از حساب‌دهی مردمی، مورد استفاده قرار گیرد.

حکومت سیستم مالی عامه را در راستای ایجاد مدیریت مؤثر و حسابدۀ منابع عامه در سطح ادارات محلی تقویت خواهد کرد. این سیستم توانایی آن را خواهد داشت تا جلو هر نوع فرصت سرپوش‌گذاشتن بر فساد توسط کارمندان دولتی را بگیرد. در مورد مدیریت مصارف عامه در سطح محل، دولت یک سیستم کمپیوتری اداری مالی را در ولایات برای مدیریت مصارف، ارائه قیمت‌های دقیق، چوکات زمانی، و همچنین یک لایحه برای خدمات کلیدی دولت، از قبیل آب و برق در وقت مناسب، به صورت شفاف، آسان و قابل دسترس ایجاد خواهد کرد. دولت همچنین فعالیت‌های بازرسی مالی را مطابق با معیارهای بین‌المللی عیار می‌سازد. حکومت یک سیستم معیاری و یکپارچه تهیه و تدارکات را بر مبنای قانون تهیه و تطبیق خواهد نمود. حکومت ظرفیت کارمندان محلی در بخش تهیه و تدارکات را افزایش خواهد داد. دولت به محاکم ولایتی اجازه بررسی تمام اجراء اداری را خواهد داد و همچنین یک سیستم شفاف تعیینات برای تفرقات کارمندان در ادارات محلی ایجاد خواهد کرد.

اصلاحات اداره عامه و رشد ظرفیت‌ها در ادارات محلی

اصلاحات ادارات عامه

اصلاحات اداری تا سال ۱۳۹۲ در تمام وزارت‌ها و دفاتر در سطح ملی و محلی -به شمول شاروالی‌ها- تطبیق خواهد شد. ساختار تشکیلاتی در مطابقت با نیازهای جامعه و بخش‌های خدماتی تجدید و بخش‌های خدمات عامه دوباره اصلاح شده تا انعکاس دهنده فعالیت‌ها و مسئولیت‌های اصلی باشند تا به این ترتیب پروسه‌های مدیریتی ساده‌تر شوند. وزارت‌ها، پروسه‌های کاری خویش را ساده‌تر خواهند ساخت. پست‌ها دوباره درجه‌بندی شده و بر مبنای اصل شایسته‌سالاری استخدام خواهند شد.

کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی یک چوکات جامع و قانونی را (به شمول مقرره های مدیریت منابع بشری، پرداخت و ترفیعات، تقاعد و دیگر امتیازات) در مطابقت با اداره عامه و تطبیق آن توسط وزارت های مربوطه در دفاتر در سطح ملی و محلی ایجاد خواهد کرد.

بررسی و ارزیابی امور کاری

بررسی و ارزیابی امور کاری کارمندان ملکی ادارات محلی، به طور سالانه، انجام خواهد یافت. روند ارزیابی کارکنان جدید، بعد از گذراندن دوره آزمایشی، صورت می گیرد، تا معلوم گردد که آیا آنها مستحق آن هستند که وظایف شان را، به عنوان کارمند خدمات ملکی، انجام دهند یا خیر. وزارت ها معیارهای حداقل خدمات را مشخص خواهند ساخت و بررسی و ارزیابی امور کاری کارمندان ملکی بر اساس آن معیارهای حداقل صورت خواهد گرفت. حکومت از طریق اداره مستقل ارگان های محلی کارکردهای والی ها، معاونین والی ها و ولسوال ها را ارزیابی خواهد نمود.

آموزش

یک پالیسی آموزشی برای تمام کارمندان ملکی در سطح ادارات محلی طرح و تطبیق خواهد شد. در این زمینه ترتیبات نهادی لازم ایجاد خواهد شد تا اطمینان حاصل گردد که تمام کارمندان ملکی در سطح محلی، علاوه بر دریافت آموزش های عمومی، حد اقل در هر دو سال یک بار، تحت آموزش های مخصوص سازمانی و وظیفوی نیز قرار خواهند گرفت.

آکادمی اداره ارگان های محلی افغانستان

آکادمی اداره محلی افغانستان، به حیث یک نهاد آموزشی ملی برای کارمندان نهادهای ولایت ها تأسیس خواهد شد. این نهاد برنامه های آموزشی را برای ادارات محلی تدوین و تطبیق خواهد کرد. اداره مذکور تحت نظر اداره مستقل ارگان های محلی برای توسعه و رشد منابع بشری و آموزش کارمندان ادارات محلی فعالیت خواهد کرد. آکادمی اداره ارگان های محلی افغانستان نخستین نهاد آموزشی و انکشافی، برای رشد و توانایی حاکمیت محلی مؤثر و مدرن خواهد بود. این آکادمی برنامه های مناسب آموزشی و تعلیمی را برای کارمندان ادارات مختلف، مطابق با وظایف شان، طرح ریزی و تطبیق خواهد کرد. قبل از ایجاد آکادمی اداره ارگان های محلی افغانستان، اداره مستقل ارگان های محلی فرصت های آموزشی بین المللی را برای کارمندان بخش های مختلف در نهادهای آموزشی مشهور بین المللی در مورد حاکمیت محلی فراهم خواهد نمود تا آنها را برای تطبیق، نظارت و ارزیابی مؤثر این پالیسی آماده سازد.

آموزش‌های مسلکی برای فارغین جدید

کمیسیون اصلاحات اداری برنامه‌های کارآموزی را برای جذب بیشتر فارغین جدید پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی طرح‌ریزی و تطبیق خواهد کرد. این برنامه‌ها کارآموزان را قادر می‌سازد تا مسئولیت‌های اداری، تخنیکی و مدیریتی را در خدمات ملکی به عهده گیرند. نهادهای محلی نقش مرکزی خواهند داشت تا در جلب و جذب این فارغین سعی بیشتر به خرج داده و زمینه‌های کار و فعالیت را برای‌شان به نحو احسن فراهم سازند. هدف این فرصت آموزشی که در برگیرنده آموزش‌های شش‌ماهه در مراکز ولایتی و دفاتر دواپر ولایتی است، کمک به فارغین جدید برای تکمیل دانش تئوریک با تجربه کار عملی در عرصه‌های مختلف اداره از طریق آموزش در حین وظیفه و یادگیری از طریق آزمون و خطا می‌باشد. این برنامه کارآموزی در استخدام کارآموزان تازه فارغ‌التحصیل شده مؤسسات تحصیلات عالی، در ادارات محلی و تسهیل کسب مهارت‌ها و تجارب کاری آنان و نیز فراهم آوردن کارمندان مسلکی جوان و واجدالشرايط جهت تطبیق برنامه‌های این ادارات، بسیار مؤثر و مفید می‌باشد. هدف این برنامه افزایش مهارت‌های فارغ‌التحصیلان جدید می‌باشد تا آنها بتوانند برای پست‌های مختلف در سطح محلی خود را نامزد کنند.

ارزیابی اجراءات در ادارات محلی

نهادهای ادارات محلی به شمول شوراها و وزارت‌های سکتوری باید در جمع‌آوری، تدوین و تحلیل گزارش‌ها، به صورت سیستماتیک، سهم فعال بگیرند و گزارش‌های مربوط به عرضه خدمات را به طور شفاف ارائه کنند.

یک سیستم مناسب سنجش و بررسی اجراءات، نهادهای ادارات محلی را قادر می‌سازد تا از چگونگی کارکردهای‌شان آگاه شده و گزارش‌های خود را بر اساس شواهد و مدارک استوار نمایند. شورای ولایتی این سیستم را هماهنگ ساخته و تا چند سال آینده تمام تلاشش بر این خواهد بود که کلیه نهادهای دولتی را در سطح ولایت شامل این سیستم بسازد. متعاقباً این کار در سطح ولسوالی و قریه انجام خواهد شد.

این سیستم بر مبنای نتایج استوار خواهد بود، ولی شاخص‌های اجراءات، نه تنها براساس نتایج، بلکه بر اساس بازدهی کاری نیز عیار می‌گردند. ارتباطات بین پروسه پلان‌گذاری و بودجه‌سازی و سیستم بررسی و سنجش اجراءات ایجاد خواهد گردید. دولت برای ولایت‌هایی که بهترین نتایج اجراءات را ارائه کنند، برنامه‌های تشویقی در نظر خواهد گرفت.

کمیسیون مستقل اصلاحات اداری، وزارت‌ها، اداره مستقل ارگان‌های محلی و نهادهای دیگر محلی، مشترکاً روی توسعه و انکشاف منابع بشری، که قادر به تطبیق سیستم بررسی و سنجش اجراء باشند، کار خواهند کرد. نحوه ایجاد و تطبیق این سیستم، به شمول ایجاد و نظارت حداقل معیارهای خدمات عامه، در برنامه آموزشی و انکشافی گنجانیده خواهد شد. اداره مستقل ارگان‌های محلی و وزارت‌های سکتوری ظرفیت‌های تکنالوژیکی را ایجاد کرده تا از معلومات در مورد عملکردها به صورت درست استفاده گردد. سیستم بررسی و سنجش اجراء طوری بنا نهاده خواهد شد که یک رقابت سالم را بین نهادهای دولتی ایجاد نماید. دسترسی به معلومات ادارات محلی در خدمت سیستم بررسی امور کاری آنها بوده، پرونده‌های گزارش‌دهی و حصول اطمینان از صحت معلومات ارائه شده را حمایت می‌کند. ایجاد ساختارهای امتیازی در ادارات محلی، خدمت به مردم را بهبود بخشیده، حفظ معیار حداقل عرضه خدمات را تضمین می‌کند.

معیارهای خدمات عامه و ایجاد نگرش مشتری‌گرایانه در خدمات عامه (بازنگری خدمات قابل عرضه به مردم)

دولت نهادهای ادارات محلی را ملزم به پیروی از روش‌های مشخص در رابطه با عرضه خدمات مؤثر و پاسخ‌گو به نیازهای شهروندان، مخصوصاً مردم فقیر، می‌سازد. تمام وزارت‌ها و نهادهای محلی، به خصوص ریاست‌های سکتوری، ملزم خواهند گردید تا معیارهای عرضه حداقل خدمات را در راستای بهبود عرضه خدمات عامه اتخاذ و تطبیق نمایند. شوراهای ولایتی، ولسوالی، قریه و شاروالی مسئولیت بررسی و نظارت بر تطبیق معیارهای حداقل خدمات را به عهده خواهند داشت. تمام وزارت‌ها معیارهای حداقل عرضه خدمات را تطبیق و بررسی خواهند کرد. شوراهای محلی معیارهای حداقل عرضه خدمات را طرح، تطبیق و نظارت خواهند کرد. معیارهای حداقل عرضه خدمات به گونه‌ای تنظیم خواهند گردید که بتوانند متضمن نتایجی باشند که باید توسط کارمندان ملکی برآورده گردند. در صورتی که این معیارهای خدمات توسط کارمندان ملکی برآورده شوند، آنان یا از برنامه‌های ارتقای عملکرد و ارتقای ظرفیت برخوردار خواهند گردید، یا بر اساس اصل شایسته‌سالاری ترفیع خواهند یافت. حکومت حقوق و مسئولیت‌های شهروندان را در راستای درخواست خدمات از هر نهاد دولتی در سطح محلی، به طور واضح، مشخص خواهد ساخت. در تمام ادارات محلی سیستم رسیدگی به شکایات عامه ایجاد خواهد گردید. شوراهای ولایتی، ولسوالی، قریه و شاروالی مسئولیت نظارت بر رسیدگی به شکایات عامه را به عهده خواهند داشت.

جهت اصلاح و بازنگری نوعیت خدمات عامه، یک بخش جدید در تشکیل کارمندان در وزارت‌های سکتوری ایجاد خواهد شد. این بخش، تنها مسئولیت عرضه و بررسی خدمت‌رسانی به مردم را خواهد داشت. دولت به صورت واضح مسئولیت دارد که برای شهروندان خدمات لازم را در هر اداره دولتی در سطح محلی و ملی عرضه نماید. تمام نهادهای دولتی میکانیزم رسیدگی به شکایات مردم را ایجاد خواهند کرد. شوراهای ولایتی، ولسوالی و شاروالی‌ها، به صورت نزدیک، شامل پروسه رسیدگی به شکایات خواهند شد. وزارت‌ها حداقل معیارات عرضه خدمات را در هر سکتور ایجاد خواهند کرد. شوراهای محل بر حداقل معیارهای عرضه خدمات

در نهادهای دولتی نظارت خواهند کرد. حداقل معیارهای عرضه خدمات، طوری تنظیم می‌گردد که به شکل تولید و یا بازدهی برای کارمندان ملکی ارائه گردد.

تفتیش عملکرد ادارات محلی

تفتیش خارجی

انجام تفتیش توسط یک نهاد مستقل، یکی از مهم‌ترین اساسات مدیریت امور مالی عامه است. اداره تفتیش و کنترل، که بالاترین نهاد تفتیش در کشور است و بر اساس قانون تفتیش عمل می‌کند، مسئولیت انجام تفتیش‌های خارجی یا نهایی را به دوش دارد. اداره مستقل ارگان‌های محلی و وزارت‌ها همکاری‌های لازم و گزارش‌های تفتیش‌های داخلی را در اختیار اداره تفتیش و کنترل قرار خواهند داد. همچنین می‌توانیم برای رسیدگی به مواردی که از طرف اداره تفتیش و کنترل مطرح می‌شود، ایجاد خواهد شد. اداره کنترل و تفتیش عالی‌ترین نهاد تفتیشی در کشور بوده و مطابق با قانون تفتیش وظایف خود را انجام می‌دهد. رئیس عمومی اداره تفتیش و کنترل، مفتش عمومی افغانستان است. قانون جدید تفتیش افغانستان در حال تدوین است که به وسعت و جدیت کار اداره تفتیش و کنترل خواهد افزود. این اداره تفتیش خارجی حساب‌های حکومت، نهادهای دولتی در سطح ولایات، مقامات محلی، نهادهای مستقل دیگر، تشبثات عامه، و برنامه‌ها و پروژه‌هایی را که توسط حکومت افغانستان تطبیق یا کمک مالی شده‌اند، انجام می‌دهد. رئیس عمومی اداره تفتیش و کنترل ابلاغیه‌های مالی نهادهای دولتی را، که مورد تفتیش این اداره قرار گرفته‌اند، تصدیق می‌کند. از آنجا که دولت افغانستان، به دلیل سالها جنگ داخلی و ناآرامی، با کمبود منابع مالی و تخنیکی برای حمایت از برنامه‌های خود مواجه است، جامعه بین‌المللی در بخش‌های مالی، تخنیکی و مدیریت کشور به آن کمک می‌کند. این کمک‌ها از طرف دولت‌ها به صورت مستقیم یا از طریق ارگان‌های دوجانبه یا چندجانبه، یا نهادهای غیر دولتی در اختیار دولت قرار می‌گیرند. مصارفی از این قبیل که برای منافع عامه صورت می‌گیرند، در چارچوب نظارت توسط اداره تفتیش و کنترل می‌آیند. همه این نهادها و دپارتمنت‌های دولتی حسابها و اطلاعات مالی‌شان را در اختیار اداره تفتیش و کنترل خواهند گذاشت.

تفتیش داخلی

از آنجایی که قوانین موجود دارای احکام واضح در مورد تفتیش داخلی نمی‌باشند، قانون تفتیش به منظور حتمی‌ساختن تفتیش داخلی در وزارتخانه‌ها، اصلاح خواهد شد. تا زمان اصلاح این قانون، تفتیش داخلی بر اساس تصمیم اجرائیه صورت خواهد گرفت. ماده ۶۱ قانون مدیریت امور مالی و مصارف عامه بیان می‌کند که وزارت مالیه باید یک واحد تفتیش داخلی را ایجاد و مفتشینی را مقرر نماید که مسئولیت تفتیش امور مالی و

حساب‌های بانکی همهٔ نهادهای دولتی را به عهده داشته باشد. تا مدتی اجراءات براساس این ماده صورت می‌گرفت، ولی بعداً این روند متوقف گردید. ریاست تفتیش داخلی وزارت مالیه ظرفیت مفتشینش را تا حد زیادی از طرق ذیل بالا برده است:

۱. استخدام فارغین تعلیم‌یافته از پوهنتون‌ها

۲. میسرسازی زمینهٔ آموزش چهارماهه در صنوف محاسبات و تفتیش و به تعقیب آن امتحانات و اعطای اسناد تکمیل کورس‌های آموزشی

۳. آموزش در جریان کار در بخش تفتیش داخلی، تحت مراقبت متخصصین خارجی

همهٔ وزارت‌ها واحدهای تفتیش داخلی را تحت رهنمایی تخنیکی وزارت مالیه ایجاد خواهند کرد. مانند وزارت‌های دیگر، تفتیش داخلی نهادهای مربوط به ادارهٔ مستقل ارگان‌های محلی توسط مفتشین داخلی این اداره صورت خواهد گرفت. بخش تفتیش داخلی دفتر والی مسئولیت و صلاحیت تفتیش دیگر نهادهای، به جزء دفتر والی، دفتر ولسوال و شاروالی‌ها را نخواهد داشت.

تفتیش اجراءات در ادارات محلی

یک سیستم منظم تفتیش اجراءات برای نهادهای دولتی ایجاد خواهد شد. تفتیش اجراءات، در واقع، محکی است برای آزمودن اینکه «آیا برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت نتایج متوقعه را به دست آورده است یا خیر؟». تفتیش داخلی مؤثریت اقتصادی، کارایی و مؤثریت فعالیت‌های نهادهای دولتی را مورد بررسی و آزمون قرار خواهد داد.

مدیریت مبارزه با حوادث

کمیته ملی مبارزه با حوادث در سطح ولایت، مسئولیت نظارت و آمادگی برای مقابله با حوادث در سطح ولایت و واکنش سریع در مقابل این حوادث را به عهده دارد.

این کمیته توسط والی رهبری شده و نماینده‌های کمیتهٔ ملی مبارزه با حوادث، شورای ولایتی، رؤسای واحدهای دومی وزارت خانه‌ها در ولایت، قوماندان امنیه و واحدهای ولایتی اردوی ملی، گروه‌های جامعه مدنی، سرهمیاشت و سایر نهادهای ذی‌ربط، اعضای آن خواهند بود. این کمیته مسئولیت طرح یک پلان عمومی را در مبارزه با حوادث، حصول اطمینان از تکمیل پلان‌های واکنش مرکزی و ولایتی وزارت‌های ذی‌ربط و ایجاد هماهنگی میان آنها را خواهد داشت. مرکز کنترل ولایتی در مورد حادثهٔ واقع شده هشدار داده، تمام نهادهای ذی‌ربط را بسیج نموده و ارتباطات لازم را میان آنها ایجاد و در نشر و پخش معلومات در مورد شیوه‌های واکنش به حادثه، نقش ایفا خواهد کرد.

یک شبکه از مراکز پاسخ‌دهی و اجناس مورد ضرورت ایجاد خواهد شد تا انبار اجناسی مانند کمپل‌ها، آب آشامیدنی، تیل و غذا باشد. کمیته مدیریت مبارزه با حوادث در سطح ولایات، دارای یک کمیته فرعی خواهد بود که مسئولیت تدوین استراتژی برای کاهش خطرات حوادث طبیعی را به عهده خواهد داشت. تشکیلات و ساختار این کمیته و شبکه‌های واکنش به حوادث در سطح ولسوالی، شبیه سیستم ولایتی خواهد بود. کمیته مدیریت مبارزه با حوادث در سطح ولسوالی توسط ولسوال رهبری می‌شود و واحدهای سومی وزارتخانه‌ها در سطح ولایت، اعضای آن خواهند بود. هر قریه باید دارای یک کمیته مبارزه با حوادث باشد. نمایندگان شوراهای قریه، نهادهای کلیدی جامعه مدنی، از قبیل شوراهای غیر رسمی، شوراهای انکشافی و جمعی از رضاکاران عضو آن خواهند بود.

شورای ولایتی مسئولیت نظارت و ارزیابی مبارزه با حوادث طبیعی را به عهده دارد. نتایج حاصله از این پروسه نظارت، در اختیار مردم و کمیته ولایتی مبارزه با حوادث و اداره ارگان‌های محلی قرار داده خواهد شد. به این ترتیب، شورای ولسوالی و قریه عین نقش شورای ولایتی در سطح ولایت را در سطح ولسوالی و قریه ایفا خواهد نمود.

اداره مستقل ارگان‌های محلی برای رشد ظرفیت و حمایت تخنیکی کمیته در تدوین پلان‌های مؤثر برای ولایات، برنامه‌های لازم را طرح و تطبیق خواهد کرد.

در مورد انکشاف اقتصاد محلی

دولت در راستای کاهش فقر و انکشاف اقتصاد ولایات، برنامه چهارگانه زیر را روی دست خواهد گرفت. والی با هماهنگی و همکاری وزارت تجارت و صنایع، ابتکارات ولایتی در بخش انکشاف اقتصاد محلی را رهبری خواهد نمود. برنامه چهارگانه انکشاف اقتصادی محلی عبارت‌اند از:

آموزش‌های مسلکی اقتصادی: این برنامه آموزش و معلومات مربوط به تجارت را از طریق مکاتب، پوهنتون‌ها، مراکز مخصوص آموزش حرفوی و خدمات مشورتی تقویت می‌کند. این کار مهارت‌های لازم را به مردم می‌دهد تا تجارت‌های کوچک را آغاز کنند و با شیوه‌های جدید تجارت آشنا شوند. این برنامه تجارت را در محلات رونق بخشیده و باعث ازدیاد فرصت‌های کاریابی نیز می‌گردد.

ارتقا و مدیریت سرمایه: این برنامه در ایجاد و انکشاف سرمایه در تجارت، از طریق فعالیت‌هایی، مانند رشد سرمایه‌های محلی، ایجاد سرمایه در سطح ولایت، آموزش مردم در استفاده از خدمات بانکی و ارائه

قرضه‌های کوچک برای‌شان، کمک خواهد کرد. تمام این فعالیت‌ها مقدار سرمایه در سیستم را افزایش می‌دهد که در نتیجه به افزایش بازدهی اقتصادی انجامیده و زمینه‌ها و فرصت‌های شغلی بیشتر را ایجاد می‌کند.

انکشاف خدمات حمایتی تجارت، سهولت‌ها و زیرساخت‌ها: این برنامه باعث کاهش هزینه تجارت از طریق ایجاد زیرساخت‌های ضروری برای تجارت می‌گردد. همچنین، این برنامه در شروع تجارت‌های خصوصی مؤثر به نظر می‌رسد. این قبیل کارها باعث افزایش تولیدات بزرگ و رشد مناسب اقتصادی، افزایش روی آوری به فعالیت‌های اقتصادی، شروع تجارت‌های جدید و گسترش تجارت‌های دیگر می‌شود. نتیجه این کار روی آوردن بیشتر مردم به بازار و افزایش بازدهی کار خواهد بود.

اصلاح محیط تجارتي: این برنامه به منظور بهبود محیط قانونی و اداری برای تشبثات و متشبثین در سطح ولایت، گروپ کاری ولایتی را ایجاد و برنامه‌هایی را که در حمایت از پلان‌های مرکزی طرح‌ریزی شده‌اند، تطبیق خواهد کرد. این ابتکار باعث ایجاد تشبثات تازه و انکشاف یافته‌ها و ازدیاد و تقویت نیروی کار در سیستم می‌گردد. به منظور تقویت نیروی کار، استراتژی مشخصی جهت سهیم‌سازی وسیع‌تر زنان در پروسه‌های کاری تدوین خواهد شد، که نه تنها انکشاف اقتصادی را رونق خواهد بخشید، بلکه باعث ایجاد یک سیستم رشد اقتصادی برای زنان نیز خواهد شد. از این رو، هر یک از چهار برنامه مذکور دارای بخش‌های تساوی زن و مرد خواهد بود.

حفاظت از محیط زیست

محیط زیست در سه دهه اخیر بسیار آسیب دیده است. وضعیت محیط زیست در کشور ما موجب نگرانی فراوان است و حفظ آن یکی از اولویت‌های حکومت افغانستان است. حفظ محیط زیست به وضاحت در ماده ۱۵ قانون اساسی شرح داده شده است. حفظ محیط زیست یکی از اساسی‌ترین وظایف و مسئولیت‌های نهادهای دولتی در سطح محلی می‌باشد.

به موجب ماده ۱۱ قانون حفظ محیط زیست، شورای مشورتی ملی، به منظور حفظ محیط زیست ایجاد می‌شود. این شورا در برگیرنده والی‌ها، رؤسای شوراهای ولایتی، یک نماینده از شورای ولسوالی، علمای مذهبی و بزرگان محلی می‌باشد. این شورا باید سالی یک بار، به رهبری رئیس اداره ملی حفظ محیط زیست، تشکیل جلسه دهد. اولین جلسه این شورا به تاریخ ۱۴ و ۱۵ ثور ۱۳۸۷ در کابل برگزار شد. شورای مشورتی ملی با توافق آراء یک قطعنامه ۲۴ ماده‌ای را به تصویب رساند که به طور واضح و مشروح وظایف و مسئولیت‌های نهادهای دولتی در سطح محلی را بیان کرده است. این پالیسی قطعنامه ۲۴ ماده‌ای فوق را تأیید می‌کند.

به موجب ماده ۱۲ قانون حفظ محیط زیست، شورای مشورتی محلی را برای حفظ محیط زیست با شمولیت رؤسای شوراهای ولایتی و شورای ولسوالی، ولسوال، رئیس اداره ملی حفظ محیط زیست در ولایت مربوطه،

علمای مذهبی و بزرگان محلی، نمایندگان نهادهای جامعه مدنی، دهاقین و کوچی‌ها، ایجاد می‌شود. این شورا باید هر شش ماه یکبار جلسه‌اش را دایر نماید. شورای مشورتی ولایتی در مورد محیط زیست باید چنین شورای مشورتی را در سطح ولسوالی نیز ایجاد نماید.

نهادهای دولتی در سطح محلی، در راستای احیاء و استفاده مؤثر و مداوم جنگلات و چراگاه‌ها، آب و باتلاق‌ها، حفظ گوناگونی بیولوژیک مناطق حفاظت‌شده، و حفظ محیط زیست در شهرها، باید اقدامات عملی را صورت دهند. این امر در استفاده مؤثر منابع طبیعی در کشور و شرکت وسیع مردم در برنامه‌های حفظ محیط زیست کمک خواهد کرد.

اداره و حفاظت از منابع طبیعی با همکاری مردم

جهت بهبود میکانیزم محافظت محیط و منابع طبیعی و ایجاد یک میکانیزم مدیریت پایدار برای آنها، دولت و نهاد های محلی موارد ذیل را در نظر خواهند گرفت:

- (۱) ایجاد فرصت گفت‌وگو و بحث برای مردم محل در مورد اداره و حفاظت از منابع طبیعی؛
- (۲) حصول اطمینان از هماهنگی میان ادارات تطبیق‌کننده و پالیسی‌ساز در راستای ایجاد فرصت‌های کار مشترک و داشتن روش مشخص در رابطه با مدیریت منابع طبیعی؛
- (۳) افزایش همکاری با مردم از طریق شریک‌سازی معلومات در مورد چالش‌هایی که کارمندان نهادهای مدیریت با منابع طبیعی با آنها رو به رو هستند؛
- (۴) ارتقای ظرفیت شهروندان جهت اداره پایدار منابع طبیعی؛
- (۵) ایجاد آگاهی در مورد حقوق و مسئولیت های مردم براساس قوانین و میثاق‌های مربوط به محیط زیست که دولت افغانستان آنها را امضا کرده و متعهد به تطبیق آن می‌باشد؛
- (۶) تأسیس شبکه‌های حمایت از مشارکت نهادهای جامعه مدنی، جهت نمایندگی از مردم و بیان دیدگاه‌های آنان در زمینه مدیریت منابع طبیعی و ارتقای ظرفیت نهادهای جامعه مدنی؛
- (۷) مدیریت منابع طبیعی با تکیه بر میکانیزم‌های مردمی که حمایت ادارات قانونی دولت را با خود دارند؛
- (۸) مدیریت منابع طبیعی براساس نظرسنجی مردم محل به شمول گروه‌های منزوی‌شده، از قبیل مردمان بومی و روستایی که باعث انعکاس مناسب ارزش‌های محلی در پروسه‌های مدیریت خواهد شد؛
- (۹) استفاده پایدار از محیط و رفع نیازهای محلی، در تطابق با ارزش‌های فرهنگی محلی؛

۱۰) نهادهای دولتی محلی و جامعه مدنی (گروه‌های کاری، اتحادیه‌های تولیدکنندگان و غیره) می‌توانند در پروژه‌های تصمیم‌گیری و اداره منابع طبیعی قابل تجدید، نقش اساسی داشته باشند؛

۱۱) نهادهای محلی دولت پروسیجر و میکانیزم‌هایی را ایجاد خواهند کرد که حقوق و منافع تمام نهادهای ذی‌ربط را تأمین نماید.

تعیین حدود قریه‌ها

حکومت، حدود جغرافیایی موجود قریه‌ها و گذرها را به مثابه واحدهای اداری و سیاسی، بررسی و تعیین خواهد نمود. نقشه‌های سیاسی و اداری در تمام سطوح طرح و جهت استفاده در پروژه‌های انتخاباتی، پلان‌گذاری اجتماعی-اقتصادی و تطبیق پالیسی ادارات محلی، در اختیار همگان قرار داده خواهد شد. تقویت ساختارهای حکومت‌داری در سطح قریه بسیار مهم است. نخستین قدم در این امر، شناسایی حدود جغرافیایی و تعیین تعداد خانواده‌های ساکن در آن قریه می‌باشد. در گذشته وزارت مالیه و املاک به منظور جمع‌آوری مالیه، مناطق روستایی را به واحدهای مالیاتی تقسیم کرده بود. این تقسیمات اکثراً با آنچه مردم محل آن را «قریه» می‌نامیدند، مطابقت داشت. در عین حال روش دیگر شناسایی قریه‌ها روشی است که ولسوالی‌ها برای تسهیل امور احصائیوی و اداری در پیش می‌گرفتند. بر اساس تجارب گذشته جهت تعیین حدود قریه‌ها، فاکتورهای را می‌شود در نظر گرفت، مانند تعداد حداقل خانوارها، مجاورت جغرافیایی، داشتن ملک یا ارباب مشترک، شامل بودن در حقاچه‌ها، شامل بودن در عین گروپ‌های مالیاتی، و ثبت بودن در ولسوالی به حیث یک قریه‌می‌شود.

قابل یادآوری است که قریه‌ها قبلاً توسط اداره مرکزی احصائیه تعریف گردیده‌اند. اجتماعات محلی با توافق یکدیگر می‌توانند حدود قریه‌های‌شان را مشخص کنند. بعداً دفتر مرکزی جیودیزی و کارتوگرافی افغانستان حدود تعیین شده توسط مردم را، در مشوره با شوراهای قریه ولسوالی‌ها و املاک، به رسمیت خواهد شناخت. توافق مردم در این مورد شرط اساسی پنداشته می‌شود. این حدود جغرافیایی به کمک تصویربرداری ستلایت، با مقیاس مناسب بر مبنای اندازه فیزیکی قریه‌ها، مشخص می‌گردد. تصویربرداری از حدود قریه‌ها توسط تیم ساحوی و با تأیید شوراهای همجوار، به شمول ثبت اسامی، امضاها و نشان‌های انگشت آنان که حاکی از موافقت‌شان در مورد حدود جغرافیایی تعیین شده می‌باشد، صورت می‌گیرد. کاپی اول این تصاویر و تصدیق امضاشده، به ریش‌سفیدان قریه داده می‌شود و کاپی دوم آن به منظور شمولیت در سیستم معلومات حدود سیاسی و اداری، به اداره مرکزی احصائیه ارائه می‌گردد.

اداره املاک

چنانچه در استراتژی سکتور حکومت‌داری، اداره عامه و حقوق بشر بیان شده‌است، پروژه مردمی جهت ثبت املاک در تمام واحدهای اداری و ثبت قباله‌جات به تمام مناطق شهری و روستایی تطبیق خواهد شد. دولت

قابلیت و توانایی ثبت و آرشیف معلومات دربارهٔ قبایلهجات عرفی در قریه‌ها را که ریش سفیدان می‌توانند آنها را سرپرستی و بازرسی نموده و از صحت و سقم معلومات مربوط به حقوق ملکیت مردم اطمینان دهند، ایجاد خواهد کرد. همچنان که این کار در پروژه "ادارهٔ زمین‌های دهاتی" وزارت زراعت و مالداري صورت می‌گیرد. در مورد شاروالی‌ها، "گذرها" می‌توانند واحد محلی ثبت اسناد باشند.

بررسی آرشیف اسناد املاک در شاروالی کابل، نشان می‌دهد که اسناد ثبت‌شده از نظر حقوقی، نسبت به اسنادی که ثبت نگردیده‌اند، دارای ارجحیت می‌باشند. تصاویر دقیق گرفته‌شده توسط ستلایت از طرف دولت برای شورای قریه‌ها و گذرها داده خواهد شد تا از آنها در پروسه‌های تعیین حدود علفچرها، جنگلات، قطعات کوچک زمین و همچنین تعیین حدود مرزی قریه‌ها و گذرها در ساحات شهری، استفاده شود. یک سیستم عادلانه برای حل منازعات مربوط به زمین ایجاد خواهد شد. والی‌ها و ولسوال‌ها مسئولیت حصول اطمینان از تطبیق قوانین و مقررات را در این زمینه به عهده خواهند داشت.

استملاک املاک برای اهداف عامه

حکومت در بدل استملاک زمین‌هایی که برای اهداف عامه صورت می‌گیرد، قیمت‌شان را به مالکین آنها خواهد پرداخت. وزارت‌ها و نهادهای دولتی قانوناً پابند به شمولیت قیمت استملاک زمین در بودجهٔ پروژه‌های‌شان خواهند بود. پروسهٔ استملاک زمین باید به طور مناسب در قانون استملاک اراضی اصلاح گردد.

مبارزه با مواد مخدر

استراتژی مبارزه با مواد مخدر، به شمول استراتژی‌های ولایتی، باید دارای چهار بخش ذیل باشد: محو کشت کوکنار، کاهش تقاضا، معیشت بدیل و تنفیذ قانون.

محو به معنی جلوگیری از کشت مواد مخدر توسط تطبیق برنامه‌های محو و تدویر کمپاین قبل از کشت مواد مخدر است. کاهش تقاضا توسط تداوی و ارتقای آگاهی در مورد جوانب منفی استفاده از مواد مخدر صورت می‌گیرد. فراهم‌آوری معیشت بدیل در برگرندهٔ بهبود سیستم معیشت قانونی برای دهقانان فقیر است. تنفیذ قانون به معنی تطبیق قوانین جنایی بر افراد دخیل در کشت و قاچاق مواد مخدر است.

جهت حصول اطمینان از محو مناسب کشت خشخاش در هر ولایت، در پروسهٔ تعیین اهداف محو، با والی مشورت صورت خواهد گرفت. با توجه به اینکه مبارزه با مواد مخدر، یک مسئلهٔ ملی است، نهادهای ملی صلاحیت تعیین اهداف و اتخاذ تصمیم‌هایی در مورد را دارند. از آنجایی که ممکن است والی‌ها معلومات بهتر دربارهٔ شرایط و اوضاع محلی داشته باشند، لازم است که در روند پلان‌گذاری شامل گردند. دادن فرصت به والی‌ها برای سهم‌گیری در پلان‌های محو کشت خشخاش، سبب افزایش مالکیت آنها بر این پلان‌ها شده و در

نتیجه سبب افزایش مسئولیت و حساب‌دهی شان در زمینه تطبیق پلان‌های یادشده می‌گردد. با انجام مشوره با والی در زمینه پلان‌های محو کشت کوکنار، گروه کاری محو کشت کوکنار، نه تنها خواهد توانست پلان بهتری را برای محو کشت کوکنار در ولایت مربوطه طرح کند، بلکه این امر سبب تشویق هرچه بیشتر والی برای همکاری با این گروه کاری نیز خواهد شد. همچنین، سهم‌گیری والی سبب می‌گردد که گروه کاری محو کشت کوکنار بتواند ساحاتی را که باید کشت کوکنار در آنها محو شود، به نحو بهتری شناسایی و انتخاب نماید.

در ساحات کشت تریاک، والی‌ها نقش مرکزی را در زمینه اجرای برنامه‌های معیشت بدیل، به حیث بخشی از برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت ایفا می‌کنند. والی در این مورد با رئیس ولایتی وزارت زراعت، آبیاری و مالداري ولایت مشورت خواهد کرد.

تنفیذ قانون، آخرین بخش اساسی استراتژی مبارزه با مواد مخدر در سطح ولایات است. والی مسئولیت نظارت بر تطبیق قانون مبارزه با مواد مخدر در سطح ولایت را به عهده دارد. اجرای قانون، مسئولیت وزارت‌ها و نهادهایی مانند دفتر لوی‌خارنوال، وزارت عدلیه و وزارت داخله می‌باشد. والی به تنفیذ قانون از طریق نظارت بر فعالیت‌ها و نتایج کاری آن کمک خواهد نمود. والی کمیته اجرای قانون در سطح ولایت را رهبری می‌کند. کمیته مذکور متشکل از نمایندگان ولایتی خارنوالی، وزارت مبارزه با مواد مخدر، پولیس مبارزه با مواد مخدر و همچنین قوماندان امنیه ولایت می‌باشد.

این کمیته مسئولیت گزارش‌دهی در مورد حمله بر کاروان مواد مخدر، انتقال مواد مخدر، کشف لابراتوارهای مواد مخدر و همچنین تعقیب و گرفتاری فعالان تجارت مواد مخدر را به عهده دارد. همچنین این کمیته مسئولیت نظارت بر جزای قانونی و سپری نمودن مدت حبس تعیین شده را به دوش دارد. گزارش این کمیته با نمایندگان وزارت‌های سکتوری، وزارت مبارزه با مواد مخدر و اداره ارگان‌های محلی شریک ساخته خواهد شد.

اداره مستقل ارگان‌های محلی، نقش حمایت‌کننده تخنیکي و ارائه‌کننده خدمات ارتقای ظرفیت برای دفاتر والی‌ها را ایفا نموده و زمینه عرضه خدمات حمایتی دیگر نهادها را برای والی مهیا می‌سازد. به عنوان مثال، اداره مستقل ارگان‌های محلی والی‌ها را در طرح برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای ولایات‌شان کمک کرده و زمینه جلب همکاری نهادهای بین‌المللی را مساعد می‌سازد. حصول اطمینان از گزارش‌دهی و پاسخ‌گویی مکمل والی‌ها به مقامات ملی، به شمول وزارت مبارزه با مواد مخدر و وزارت داخله، در رابطه با فعالیت‌های کاهش مواد مخدر و سازگاری استراتژی‌ها و پالیسی‌های ولایتی با استراتژی‌ها و پالیسی‌های ملی، به عهده اداره مستقل ارگان‌های محلی خواهد بود.

استراتژی ارتباطات

دولت از مشارکت وسیع شهروندان در پرونده‌های حکومتی حمایت خواهد کرد. بهبود میکانیزم‌های تأمین ارتباطات دوجانبه میان دولت و سایر مسئولین از طریق ارتقای آگاهی‌های عامه، تسهیل مباحثات عامه، شریک‌سازی آموخته‌ها و حصول اطمینان از انعکاس معلومات جمع‌آوری شده در سطوح پائین و نیز در تصامیم مقامات بالایی برای طرح پلان‌های موثق، می‌تواند مشارکت وسیع مردم را تضمین کند. حکومت از موجودیت و دسترسی به معلومات در بارهٔ تطبیق اصلاحات حکومت‌داری اطمینان حاصل می‌کند.

همچنین دولت، از طریق ارتقای آگاهی عامه و تأسیس کانال‌های ارتباطی و معلوماتی، امکان دسترسی به معلومات در مورد تطبیق اصلاحات حاکمیت محلی را فراهم خواهد کرد. این عمل موجب می‌شود که مسئولان، در مورد حاکمیت محلی، جلسات مباحثه برگزار کنند مسئولی گردد. برای نشر و پخش معلومات به مردم، از وسایل ارتباط جمعی استفاده خواهد شد. وسیله‌های ارتباطات جمعی شامل رسانه‌های جمعی، نشریات دولت، شبکه‌های اینترنتی و فرستادن نمایندگان برای شرکت در جلسات شوراها می‌گردد. به این طریق مردم برای از خوددانشتن پلان‌های دولتی و ایفای نقش مورد نظر، تشویق می‌شوند و ظرفیت آنها در دسترسی به معلومات ارتقا می‌یابد و زمینه‌های ارایهٔ نظریات برای آنان فراهم می‌گردد.

استراتژی ارتباطات دولت برای تطبیق پالیسی ادارات محلی مشتمل بر موارد ذیل است:

۱. ارائهٔ معلومات به نهادهای کلیدی ذی‌ربط در مورد اهداف، محتویات و همچنین دست‌آوردهای پالیسی؛
۲. تقویت میکانیزم‌های متضمن شفافیت و حساب‌دهی، با استفادهٔ وسیع‌تر از رسانه‌ها، جهت نشر و پخش معلومات در مورد فعالیت‌های دولت به مردم؛
۳. ارائهٔ معلومات به کارمندان دولتی در مورد اهداف، محتویات و همچنین دست‌آوردهای پالیسی، تا آنان بتوانند پالیسی را به بهترین وجه ممکن، تطبیق و شیوه‌های اصلاح آن را پیشنهاد نمایند؛
۴. ارائهٔ معلومات به مردم و نهادهای دولتی در مورد پرونده‌ها و مراحل تطبیق پالیسی ادارات محلی؛
۵. نهادینه‌سازی میکانیزم ارتباطات دوجانبه که آگاهی مردم را از پالیسی ادارات محلی و پرونده‌های تطبیق آن تضمین کند؛
۶. برقراری ارتباطات با مردم در ولایات، نیاز به تلاش‌های نظام‌مند دفاتر والی‌ها در قالب سیستم ارتباطات عامه ولایتی دارد. هدف اساسی این سیستم ارائهٔ صحیح معلومات به مردم و از بین بردن فاصله میان دولت و مردم خواهد بود.

اهداف سیستم ارتباطات عامه عبارت اند از:

۱. ارتقای مهارت‌های دفاتر والی، شورای ولایتی، ولسوال، شوراهای ولسوالی و شاروالی‌ها به منظور ایجاد یک سیستم مؤثر ارتباطات عامه؛
۲. ارتقای مهارت‌های تخنیکی و مادی دفاتر والی، شورای ولایتی، ولسوال، شوراهای ولسوالی و شاروالی‌ها و ایجاد یک سیستم مؤثر ارتباطات عامه؛
۳. ارتقای مهارت‌های فنی رسانه‌ها و جامعه مدنی در سطح ولایت به منظور حمایت از تطبیق مؤثر پالیسی ارتباطات عامه؛
۴. پشتیبانی از ایجاد یک ساختار دائمی ولایتی که به حیث یک نهاد مشورتی در امور معلومات عامه و نهاد تطبیقی استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی برای دفتر والی فعالیت کند؛
۵. ارائه و معرفی سیستم‌های جدید ارتباطات به منظور تسهیل تطبیق استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی؛
۶. تشویق مشارکت وسیع مردم، به خصوص گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان و جوانان در استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی.

کمیته ارتباطات عامه ولایتی مسئولیت مشوره‌دهی به دفتر والی در امور معلومات عامه و تدوین و تطبیق سیستم ارتباطات عامه ولایتی را به عهده خواهد داشت. ریاست این کمیته به عهده رئیس واحد دومی وزارت اطلاعات و فرهنگ خواهد بود. اعضای این کمیته در برگیرنده رؤسای واحدهای کلیدی، مانند صحت عامه، احیاء و انکشاف دهات، امور زنان، امور مذهبی، کار و امور اجتماعی، معارف، زراعت، نماینده تعیین شده شورای ولایتی از طرف رئیس آن شورا، نمایندگان رادیو و تلویزیون ولایتی، نماینده مطبوعات آزاد و نماینده جامعه مدنی خواهد بود. این کمیته بر پروسه تدوین و تطبیق استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی در ولایت و ولسوالی نظارت خواهد کرد و در مورد تجربیات مثبت ارتباطات عامه معلومات لازم را به همه نهادهای ذی‌ربط ولایتی انتقال خواهد داد.

استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی، شرح تفصیلی اهداف و مقاصد، تحلیل وضعیت فعلی معلومات و ارتباطات عامه، شیوه‌های تطبیق این استراتیژی در سطح ولایت، شرکای پروسه تدوین و تطبیق این استراتیژی و نقش و مسئولیت‌های آنان را در بر خواهد داشت. واحد دومی وزارت اطلاعات و فرهنگ پروسه تدوین استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی را به کمک اعضای دیگر کمیته ارتباطات عامه ولایتی به عهده خواهد داشت. مسئولیت تصویب این استراتیژی به دوش والی خواهد بود، البته مشروط بر تأیید شورای ولایتی. این استراتیژی اساس پلان‌های سالانه ارتباطات عامه ولایتی را خواهد ساخت.

کارمندان نهادهای ولایتی، ولسوالی و شاروالی‌ها برای استفاده از شیوه‌ها و تخنیک‌های ارتباطات عامه آموزش خواهند دید. یک متخصص در بخش خدمات سکتوری و تخنیکی دفتر والی، یک کارمند همکار شورای ولایتی، یک نماینده از هر واحد دومی در سطح ولایت، یک نماینده از هر ولسوالی و یک نماینده از شاروالی ولایتی در این آموزش‌ها شرکت خواهد کرد. همچنین، فعالان جامعه مدنی، رهبران محلی، و نمایندگان مطبوعات، در بخش‌های استفاده از تخنیک‌های ارتباطات عامه و شیوه‌های مؤثر نشر و انتقال پالیسی‌ها و دستاوردهای دولت آموزش خواهند دید. دولت به منظور شناسایی نیازهای عاجل و امکانات رسیدگی به آنها، تجهیزات و ظرفیت‌های موجود در بخش ارتباطات و معلومات عامه در سطح ولایت را بررسی خواهد کرد.

دولت از تخنیک‌ها و شیوه‌های ارتباطات عامه ذیل در سطح ولایت پشتیبانی خواهد کرد:

- کمپاین‌های اطلاعات و آگاهی‌دهی؛
- حساب‌دهی و مشارکت عامه به شمول آگاهی‌های مدنی؛
- جلسات عامه و دیدارها از مراکز کار دولتی؛
- معلومات مصور در مراکز عامه؛
- استفاده از مطبوعات چاپی و برقی؛
- استفاده از شیوه‌های مداوم مشارکت و ارتباطات عامه توسط مطبوعات و جامعه مدنی، مانند میزگردها، کنفرانس‌ها، مصاحبه‌ها، نظرسنجی‌های مردمی، پخش ورقه‌های معلوماتی، نصب بوردهای معلوماتی؛
- پشتیبانی از ایجاد رسانه‌های جدید دولتی و غیر دولتی چاپی و برقی، مثل نشر و پخش هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها از طرف مقام ولایت و شاروالی؛
- ایجاد تیم‌های متحرک معلوماتی که کمپاین‌های تعلیمی و معلوماتی را در ولسوالی‌ها و قریه‌ها به راه اندازند؛
- چاپ و نشر راپورهای سالانه توسط شورای ولایتی و شاروالی؛
- استفاده از تکنالوژی معلوماتی و ارتباطات و دیزاین صفحه انترنت ولایتی.

در راستای وصل نمودن دولت با ولایات، ولسوالی‌ها و قریه‌ها تلاش‌های بیشتری صورت خواهد گرفت. این کوشش‌ها به هدف تضمین نشر و پخش مؤثر معلومات در سرتاسر کشور خواهد بود. وجود چنین میکانیزمی، رابطه میان ۳۴ ولایت، ۳۶۴ ولسوالی و مرکز را تضمین خواهد کرد. به این منظور، تمام مراکز ولایتی و ولسوالی‌ها دارای سهولت انترنت و دسترسی به آن خواهند بود تا جریان معلومات میان ولسوالی‌ها، شاروالی‌ها و ولایات و دولت مرکزی تأمین گردد. تمام وزارت‌ها و دفاتر عالی دولت افغانستان، صفحه‌های انترنتی خویش را جهت دسترسی مردم و جامعه جهانی به معلومات در مورد پالیسی‌ها و برنامه‌های دولتی، به زبان‌های دری،

پشتو و انگلیسی ایجاد خواهند کرد. صفحات انترنتی دولتی باید دارای میکانیزم‌هایی باشد که درج نظریات و شکایات را تسهیل نماید. البته پیش‌بینی می‌شود که در آغاز، به دلیل سطح پایین سواد و دسترسی محدود به انترنت، شاید تعداد مراجعه‌کنندگان به صفحات انترنتی محدود باشد.

متن کامل پالیسی ادارات محلی افغانستان

متن کامل پالیسی ادارات محلی افغانستان

بنیاد

نداشتن یک پالیسی جامع و فراگیر برای تنظیم امور ادارات محلی، از مشخصات بارز حکومت‌داری محلی در افغانستان به حساب می‌آید. چارچوب کاری ادارات محلی فاقد یک پالیسی، استراتژی یا اصول اساسی برای ساختارمندساختن وظایف و مسئولیت‌های ادارات محلی می‌باشد.

بنابراین، ادارات رسمی موجود در سطح محلی دارای ساختار اجرایی یک‌پارچه و مؤثری که بتواند نیازهای مردم در سطح محلی را برآورده سازد، نمی‌باشند. ادارات محلی متشکل از یک سلسله نهادهایی می‌باشد که وظایف و مسئولیت‌های آنان به طور مناسب و روشن تعریف نشده و در اکثر موارد این نقش‌ها و مسئولیت‌ها با یکدیگر تداخل دارند. روابط بین ادارات ولایت، ولسوالی و قریه نیز واضح نمی‌باشد. همچنین، روابط این ادارات با دولت و شهروندان افغانستان که این ادارات برای آنان خدمات عرضه می‌کنند، نیز واضح نیست.

نفوذ گروه‌های مسلح غیر مسئول و قوماندانان در برخی از ساحات محلی همچنان به قوت خود باقی مانده است. میزان سهم‌گیری مردم در اداره محلی و اداره شاروالی‌ها محدود بوده و زنان و جوانان تقریباً در مدیریت

ادارات محلی و شاروالی‌ها سهمیم نمی‌باشند. علاوه بر این، هیچ نوع نمایندگی دموکراتیک در سطح قریه‌ها، شاروالی‌ها و ولسوالی‌ها وجود ندارد. هیچ پالیسی یا احکام قانونی مشخص برای سهم‌گیری بخش خصوصی در سطح محلی وجود ندارد. بنا بر دلایل فوق، کیفیت خدماتی که در سطح محلی عرضه می‌گردند، بسیار نازل است. صلاحیت، اختیار و منابع ادارات محلی ناچیز بوده و بنا بر این، حساب‌دهی و شفافیت سکتور عامه در سطح محلی، بسیار محدود است و این ادارات به مردم حساب‌ده نمی‌باشند. از این رو، سطح پاسخ‌گویی، مؤثریت و کارایی در ادارات محلی و شاروالی بسیار پایین می‌باشد. از طرف دیگر، قوانین ادارات محلی مبهم و گنگ بوده و تقسیمات وظایف بین این ادارات روشن و واضح می‌باشند نیست. وجود دست‌اندرکاران مختلف و میکانیزم‌های هماهنگی متعدد در سطح محلی، بر ابهام و عدم انسجام هر چه بیشتر موضوعات محلی می‌افزاید. مهم‌تر اینکه، جامعه مدنی، بخش خصوصی و ادارات دولتی در سطح محلی دارای ظرفیت پایین می‌باشند.

با درنظرداشت این وضعیت، حکومت، پالیسی ادارات محلی را با هدف رفع نواقص کنونی ادارات محلی کشور تدوین نموده است. لازم به یادآوری است که هدف نهایی این پالیسی، طرح یک چارچوب کاری فراگیر برای ادارات محلی می‌باشد، تا بتواند هدف اولیه و اساسی دولت را در سطح محلی گسترش داده و برآورده سازد. این هدف، بهبود همه‌جانبه وضعیت زندگی مردم در سطح محلی می‌باشد.

اساسات پالیسی ادارات محلی

قانون اساسی افغانستان، قرارداد افغانستان (Afghanistan Compact) استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، برنامه ملی افغانستان برای زنان، نتایج تحقیقات پیرامون ادارات محلی و تحلیل چارچوب قانونی فعلی، اساس این پالیسی را تشکیل می‌دهند. قانون اساسی افغانستان دارای برخی احکام پیرامون حکومت‌داری ملی می‌باشد. این احکام به ترتیب ذیل است:

ماده اول: افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه می‌باشد.

ماده دوم: دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است.

پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی‌شان در حدود احکام قانون آزاد می‌باشند.

ماده سوم: در افغانستان هیچ قانونی نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.

ماده چهارم: حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد، که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می‌کند.

ماده ششم: دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می‌باشد.

ماده هفتم: دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین‌الدول، میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آنها ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند.

دولت از هر نوع اعمال تروریستی، کشت و قاچاق مواد مخدر، تولید و استعمال مسکرات جلوگیری می‌کند.

ماده دهم: دولت، سرمایه‌گذاری‌ها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار دانسته، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن را تضمین می‌کند.

ماده هفدهم: دولت برای ارتقای معارف در همه سطوح، انکشاف تعلیمات دینی، تنظیم و بهبود وضع مساجد، مدارس و مراکز دینی تدابیر لازم اتخاذ می‌کند.

ماده بیست و دوم: هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان، اعم از زن و مرد، در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند.

ماده سی و سوم: اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می‌باشند. شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده سی و پنجم: اتباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی و یا معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیت‌ها تأسیس نمایند.

اتباع افغانستان حق دارند، مطابق با احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند؛ مشروط بر اینکه مرامنامه و اساسنامه حزب، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزش‌های مندرج در قانون اساسی نباشد، همچنین تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد، اهداف و تشکیلات نظامی و شبه‌نظامی نداشته باشد، وابسته به حزب سیاسی یا دیگر منابع خارجی نباشد.

تأسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان، و مذهب فقهی جواز ندارد.

جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می‌شود، بدون موجبات قانونی و حکم محکمه باصلاحیت منحل نمی‌شود.

ماده پنجاهم: دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید. اداره، اجراءات خود را با بی‌طرفی کامل و مطابق به احکام قانون عملی می‌سازد.

اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را، در حدود احکام قانون، دارا می‌باشند. حدود قانونی این حق تا جایی است که صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه وارد نکند.

اتباع افغانستان بر اساس لیاقت و بدون هیچ‌گونه تبعیض و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می‌شوند.

ماده پنجاه و سوم: دولت به منظور تنظیم خدمات طبی و مساعدت مالی برای بازماندگان شهدا و مفقودین و برای بازتوانی معلولین و معیوبین و سهم‌گیری فعال آنان در جامعه، مطابق به احکام قانون، تدابیر لازم اتخاذ می‌کند.

دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده، برای کهنسالان، زنان بی‌سرپرست، معیوبین و معلولین و ایتم بی‌بضاعت، مطابق به احکام قانون، کمک می‌کند.

ماده هفتاد و پنجم: حکومت دارای وظایف ذیل می‌باشد:

۱- تعمیم احکام این قانون اساسی و سایر قوانین و فیصله‌های قطعی محاکم؛

۲- حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین‌المللی؛

۳- تأمین نظم و امن عامه و از بین بردن هر نوع فساد اداری؛

۴- ترتیب بودجه، تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت از دارایی عامه؛

۵- طرح و تطبیق پروگرام‌های انکشافی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی؛

۶- رایه گزارش به شورای ملی در ختم سال مالی در باره امور انجام شده و نیز پروگرام‌های عمده سال مالی جدید؛

۷) انجام سایر وظایفی که به موجب این قانون اساسی و قوانین دیگر، از وظایف حکومت دانسته شده است.

ماده یکصد و سی و هشتم: اداره جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس واحدهای اداره مرکزی و ادارات محلی، طبق قانون تنظیم می‌گردد.

اداره مرکزی به تعدادی واحد اداری تقسیم می‌گردد که در رأس هر کدام یک نفر وزیر قرار دارد.

واحد اداره محلی، ولایت است. تعداد، ساحه، اجزا و تشکیلات ولایات و ادارات مربوط، بر اساس تعداد نفوس، وضع اجتماعی و اقتصادی و موقعیت جغرافیایی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و سی و هفتم: حکومت با حفظ اصل مرکزیت به منظور تسریع و بهبود امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سهم‌گیری هر چه بیشتر مردم در انکشاف حیات ملی، صلاحیت‌های لازم را مطابق به احکام قانون، به اداره محلی تفویض می‌کند.

ماده یکصد و سی و هشتم: در هر ولایت یک شورای ولایتی تشکیل می‌شود.

اعضای شورای ولایتی، طبق قانون، به تناسب نفوس، از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم، از طرف ساکنین ولایت برای مدت چهار سال انتخاب می‌گردند.

شورای ولایتی یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس انتخاب می‌کند.

ماده یکصد و سی و نهم: شورای ولایتی در تأمین اهداف انکشافی دولت و بهبود امور ولایت، به نحوی که در قوانین تصریح می‌گردد، سهم گرفته و در مسایل مربوط به ولایت مشوره می‌دهد.

شورای ولایتی وظایف خود را با همکاری اداره محلی اجرا می‌کند.

ماده یکصد و چهلم: برای تنظیم امور و تأمین اشتراک فعال مردم در ادارهٔ محلی در ولسوالی‌ها و قریه‌ها، مطابق به احکام قانون، شوراها تشکیل می‌گردند.

اعضای این شوراها از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین محل برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند. سهمگیری کوچیان در شوراهای محلی مطابق به احکام قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و چهل و یکم: برای اداره امور شهری، شاروالی تشکیل می‌شود.

شاروال و اعضای مجالس شاروالی، از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌شوند.

امور مربوط به شاروالی‌ها توسط قانون تنظیم می‌گردند.

ماده یکصد و چهل و دوم: دولت به مقصد تعمیم احکام و تأمین ارزشهای مندرج این قانون اساسی، ادارات لازم را تشکیل می‌دهد.

ماده یکصد و پنجاه و ششم: کمیسیون مستقل انتخابات برای اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آراء عمومی مردم در کشور، مطابق به احکام قانون، تشکیل می‌گردد.

مقام عالی ریاست جمهوری در تاریخ ۱۹ ثور ۱۳۸۷ (۸ می ۲۰۰۸) حکمی را در بارهٔ آغاز روند تدوین و تدقیق پالیسی ادارات محلی صادر نمود. در این حکم آمده است که کمیتهٔ تدوین پالیسی و کمیتهٔ تدقیق و تنظیم پالیسی، به منظور ایجاد هماهنگی بیشتر بین نهادهای محلی و تنظیم پالیسی واحد اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و سیستم تشکیلاتی واحدهای اداری، پالیسی ادارات محلی را طرح خواهد نمود.

حکومت افغانستان تلاش می‌کند تا اصولی را که بر اساس قرارداد افغانستان ملزم به ارتقای آنها گردیده است، از طریق پالیسی ادارات محلی توسعه بدهد. اصولی که بر اساس قرارداد افغانستان مربوط به بخش حکومت‌داری می‌شوند، عبارت‌اند از:

- احترام به فرهنگ کثرت‌گرا، ارزش‌ها و تاریخ افغانستان مبتنی بر دین مبین اسلام؛
- احترام به سنت‌های دیرینهٔ مردم افغانستان برای سهمگیری و اشتیاق شان به حق مالکیت؛
- ایجاد ظرفیت‌های پایدار در میان نهادهای افغان، اعمار نهادهای مؤثر حکومتی و جامعهٔ مدنی، با تأکید خاص بر ظرفیت‌های بشری زنان و مردان به‌طور یکسان؛
- حصول اطمینان از تخصیص متوازن و منصفانهٔ منابع داخلی و بین‌المللی در سراسر افغانستان برای تأمین آیندهٔ با سعادت و مرفه برای مردم؛
- مبارزه با فساد اداری و تأمین شفافیت و حساب‌دهی در ادارات دولتی.

همچنین، حکومت افغانستان در قرارداد افغانستان (Afghanistan Compact) متعهد گردیده است که: «ظرفیت خویش را جهت ارائه خدمات اساسی به مردم در سرتاسر کشور به طور سریع ارتقا خواهد بخشید. حکومت، اشخاص مسلکی با کفایت و قابل اعتماد را در ادارات خدمات ملکی بر اساس شایستگی استخدام می‌کند. یک اداره مؤثر، جواب‌ده و شفاف را در همه سطوح حکومت ایجاد می‌نماید، اصلاحات قابل ارزیابی را در امر مبارزه با فساد انجام می‌دهد، از عدالت و حاکمیت قانون حمایت می‌کند و رعایت از حقوق تمام افغان‌ها را تقویت می‌بخشد.

«حکومت افغانستان به ایجاد نهادهای هماهنگ و کارا در هر ولایت اولویت خواهد داد. این نهادها شامل ادارات ملکی، پولیس، زندان‌ها و نهادهای عدلی می‌باشند. این نهادها دارای چارچوب‌های مناسب قانونی و طرزالعمل‌های استخدام مأمورین آموزش‌دیده، معاشات کافی، منابع زیربنایی لازم و ظرفیت‌های نظارت خواهند بود.

«حکومت افغانستان و جامعه بین‌المللی تعهد خود را نسبت به حمایت و ارتقای حقوقی که در قانون اساسی و قوانین رایج بین‌المللی، از جمله میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر و دیگر معاهدات امضا و از جانب افغانستان نیز پیش‌بینی شده، مجدداً ابراز می‌نمایند.»

حکومت مطابق به استراتژی انکشاف ملی افغانستان در رابطه با استراتژی سکتور حکومت‌داری مکلف به انجام موارد ذیل است:

- حکومت‌داری خوب از طریق ایجاد و تقویت ادارات دولتی در مرکز و ولایات برای فراهم آوردن شفافیت، مشارکت ملی، حساب‌دهی، مؤثریت، کارایی، تسلسل، مساوات و برابری زن و مرد بر اساس اصول مسلم توافق عامه، دموکراسی و حاکمیت قانون در سطح مرکزی و محلی؛
- دستیابی به پیشرفت‌ها و بهبودی‌های قابل اندازه‌گیری و ملموس در عرضه خدمات عامه و حفظ حقوق انسانی تمام شهروندان کشور، از طریق سهم‌گیری مردم در اداره کشور؛
- ایجاد یک اداره عامه مدرن، پاسخ‌ده، آزاد و دموکراتیک، مبتنی بر اصول برابری جنسیتی، شفاف و حساب‌ده، با داشتن ظرفیت عرضه خدمات مناسب که توان اداره منابع عامه به طور مؤثر و کارآمد را در راستای عرضه خدمات بهتر به نحو عادلانه داشته باشد؛
- از بین بردن تبعیض علیه زنان، انکشاف نیروی انسانی آنان و بهبود سهم‌گیری و رهبری زنان در راستای تضمین مشارکت کامل و برابرشان در همه ابعاد زندگی در افغانستان؛
- ایجاد یک جامعه فراگیر و همه‌شمول که در آن حقوق انسانی تمام اتباع کشور به رسمیت شناخته شده، حفاظت، احترام و توسعه یابد؛
- از بین بردن فساد در سکتورهای عامه و خصوصی در راستای بهبود مؤثریت، شفافیت و حساب‌دهی دولت و ایجاد نمودن یک محیط مساعد برای سرمایه‌گذاری.

اسناد فوق‌الذکر مبنای پالیسی ادارات محلی بوده و اهدافی را که پالیسی ادارات محلی باید به آنها دست یابد، مشخص می‌کنند.

اهداف

هدف از طرح پالیسی ادارات محلی رفع خلاءها و نقاط ضعف موجود در چارچوب کنونی ادارات محلی و طرح یک دیدگاه جامع برای دستیابی به اهداف ذیل می‌باشد:

۱. تطبیق احکام قانون اساسی بر ادارات محلی؛

۲. ایجاد هماهنگی بیشتر بین نهادهای محلی،

۳. پیشرفت همزمان در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی؛

۴. ایجاد سیستم تشکیلاتی واحدهای اداری؛

۵. عملی ساختن تعهدات حکومت و ریاست‌جمهوری مطابق به استراتیژی سکتور حکومت‌داری، اداره عامه و حقوق بشر؛

۶. تطبیق تعهدات اداره مستقل ارگان‌های محلی که در چارچوب استراتیژی و پلان کاری آن تسجیل یافته است.

حکومت‌داری خوب در سطح محلی سبب نهادینه سازی موارد آتی می‌گردد:

- شفافیت؛
- حساب‌دهی به مردم؛
- سهم‌گیری مردم، به خصوص زنان و جوانان، جامعه مدنی و بخش خصوصی؛
- دموکراسی؛
- مؤثریت و کارایی؛
- تساوی فراگیر؛
- عدالت جنسیتی؛
- همخوانی برنامه‌ها و قوانین؛

- ایجاد یک سیستم مبتنی بر قانون در سطح تمام ادارات دولتی؛
- بهبود عرضه خدمات عامه؛
- تقویت انکشاف محلی؛
- کاهش فقر؛

نزدیک‌تر ساختن تصمیم‌گیری به مردم و حساب‌ده ساختن تصمیم‌گیران به مردم

عرضه خدمات زمانی می‌تواند به وجه احسن، مؤثر و مفید صورت گیرد که این خدمات از طریق نزدیک‌ترین نهادها برای مردم عرضه گردند. این امر متضمن حساب‌ده ساختن تصمیم‌گیرندگان در مقابل مردم می‌باشد. حکومت وظایف و مسئولیت‌های مربوطه را به ادارات مختلف دولتی بر اساس اصل عرضه بهترین خدمات از طریق نزدیک‌ترین ادارات به شهروندان تفویض و واگذار خواهد کرد.

دورنمای پالیسی

ادارات مؤثر محلی در افغانستان با چالش مهمی مواجه است که عبارت‌اند از: نبود یک چارچوب واضح و منسجم پالیسی و چارچوب حقوقی اداره محلی که متضمن فراهم آوری شفافیت، سهم‌گیری، حساب‌دهی، مؤثریت و کارایی در سطح ادارات محلی. این امر منجر به پیچیدگی و ابهام در وظایف و مسئولیت‌های ادارات ولایت، ولسوالی و قریه با یکدیگر و نیز روابط مبهم این ادارات با مرکز گردیده است.

با اینکه قوانینی پیرامون وضاحت و روشن نمودن وظایف برخی از ادارات محلی، به شمول وظایف والی‌ها، ولسوال‌ها و شوراهای ولایتی و نیز روابط آنها با یکدیگر وجود دارند، نتوانسته‌اند وظایف این ادارات را به طور مطلوب روشن سازند تا به این وسیله سبب تقویت اصول حکومت‌داری خوب گردند. بخشی از این ناکارایی ناشی از این امر است که این قوانین به طور انتزاعی و بدون در نظر داشت مکلفیت‌های این ادارات طرح گردیده‌اند و با یک ساختار که ادارات محلی را قادر به دستیابی به اهداف متذکره کنند، سازگار نمی‌باشند. همچنین، این قوانین نمی‌توانند سبب تقویت و عملی ساختن اصول قرارداد افغانستان (Compact) شوند.

این قوانین دارای پیوند لازم با یکدیگر نمی‌باشند؛ آنها فقط به گونه‌ای با هم مرتبط می‌باشند که از طریق آن بتوانند یک پیوند را با مرکز فراهم سازند. یکی از مشخصه‌های مشترک این قوانین، آن است که حاوی احکامی

هستند که متضمن حساب‌دهی به بالا، یعنی مرکز و مقام رئیس جمهوری می‌باشند. ولی این قوانین دارای هیچ شرایطی پیرامون ملزم‌سازی یا حتی تشویق این ادارات به حساب‌دهی به مردم نمی‌باشند؛ در این قوانین، هیچ احکامی پیرامون این امر که مردم یا نمایندگان آنان می‌توانند ادارات محلی را حساب‌ده سازند، وجود ندارد. از آنجایی که این قوانین، ادارات محلی را ملزم به حساب‌دهی به مردم نمی‌کنند، در نتیجه این ادارات به مردم جواب‌ده نمی‌شوند.

همچنین بین آنچه که مطابق قانون باید در سطح محلی اجراءات صورت بگیرد، با آنچه که در عمل توسط این ادارات اجرا می‌گردد، تفاوت و تناقض وجود دارد.

افغانستان یکی از کشورهای دارای متمرکزترین نظام‌های حکومتی در دنیاست. به عبارت دیگر، این کشور از نظر سیاسی، مالی و اداری دارای سیستم متمرکز می‌باشد. در نتیجه، تمام تصمیم بودجوی و تقرر کارمندان در کابل صورت می‌گیرد و ریاست‌های سکتوری ولایتی و دفاتر والی‌ها در واقع دارای هیچ بودجه‌اختیاری نبوده و به طور محدود نظریات آنان در پلان‌گذاریپلان‌گذاری‌های ولایتی درج و گنجانیده می‌شود. اجراءات مستقیم رسمی و صلاحیت بودجوی برای عرضه‌اکثر خدمات در ولایات توسط وزارت‌های سکتوری شدیداً متمرکز، صورت می‌گیرد. این ساختار شدیداً متمرکز حکومتی، سبب عدم جواب‌دهی ادارات دولتی به نیازهای مردم و جلوگیری از عرضه‌خدمات مناسب به آنان می‌گردد. تفویض صلاحیت به ادارات محلی، در صورتی که با دقت پلان‌گذاری و به طور مؤثر تطبیق و به طور شایسته مدیریت گردد، می‌تواند منجر به تغییرات و بهبودهای قابل ملاحظه در تأمین رفاه مردم در سراسر کشور شود.

در این بخش، وظایف و مسئولیت‌های فعلی نهادهای حکومت‌داری محلی-که برخی از آنها ایجاد گردیده و برخی دیگر بر اساس قانون اساسی باید ایجاد گردند - تشریح شده است. همچنین در این بخش نقاط قوت و ضعف وظایف فعلی نهادهای متذکره و نیز روابط آنها با دیگر ادارات محلی مورد بحث قرار گرفته است. در سطح ولایت، این امر شامل دفاتر والی‌ها، شوراهای ولایتی، مجالس اداری ولایتی و نیز کمیته‌های انکشافی ولایت می‌گردد. در سطح ولسوالی این ادارات شامل دفاتر ولسوال‌ها و شوراهای ولسوالی می‌گردد. در سطح قریه‌ها این نهادها شامل شوراهای قریه و شوراهای انکشافی قریه می‌گردد. بحث مختصری پیرامون جامعه مدنی در افغانستان، وضعیت فعلی سیستم مالی ادارات محلی و نیز عرضه‌خدمات در سطح محلی در این بخش صورت گرفته است. شما می‌توانید نظریات رؤسای پالیسی وزارت‌های مختلف سکتوری را که در نشست‌های روند تدوین پالیسی ادارات محلی اشتراک نموده بودند، در فصل ۸، بخش ۵، تحت عنوان «تحلیل کار گروهی» مطالعه نمایید.

والی

وظایف، مسئولیت‌ها و لایحه وظایف رسمی والی‌ها در قانون ادارات محلی مشخص گردیده است. در عین حال، ارزش احکام مواد قانون ادارات محلی که وظایف و مسئولیت‌های والی‌ها بر اساس احکام آنها تبیین گردیده‌اند، محدود می‌باشد؛ زیرا لایحه وظایف والی‌ها، فقط یک لیست طویل از فعالیت‌هایی را که والی‌ها در آنها دخیل می‌باشند، ارائه نموده، ولی شرح دقیق وظایف و مسئولیت‌های والی‌ها را بیان نکرده است. چنین لیست طویلی، در واقع، سبب ابهام در نقشی می‌گردد که والی باید ایفا نماید. در احکام این قانون، وظایف والی‌ها به طور معنی‌دار دسته‌بندی نشده‌اند. مزید بر تمام نواقص برشمرده‌شده، برخی از وظایف والی‌ها کاملاً منسوخ شده‌اند.^۱

۱. وظایف و صلاحیت‌های والی مطابق ماده ۱۴ قانون ادارات محلی:

- رهبری اداره و شعبات تحت اثر مطابق احکام قانون.
- تأمین امنیت منطقه و صیانت از حقوق اتباع مطابق احکام قانون.
- رعایت اصل تساوی حقوق اتباع، مطابق احکام قانون.
- تحکیم وحدت ملی و رفع خصومت‌های قومی و منطوقی.
- جلب همکاری ادارات، مؤسسات و تصدی‌های شامل ساحة ولایت در فراهم‌آوری تسهیلات جهت انجام امور مفید اجتماعی.
- تنظیم روابط مثبت و فعال بین سایر ادارات ذی‌ربط.
- تدویر مجالس تربیوی و مجالس علمی (سمینارها، کنفرانس‌ها) و سایر جلسات فرهنگی و سهمگیری در آن.
- فروش املاک دولتی و خرید املاک برای دولت، مطابق به احکام قانون.
- تجلیل مراسم مذهبی و تاریخی مطابق با مقررات شرعی.
- تطبیق طرح "پلان" های منظور شده ادارات، تصدی‌ها و مؤسسات دولتی شامل ساحة ولایت و فراهم‌آوری تسهیلات در این زمینه.
- ارائه پیشنهاد از طریق اداره مستقل ارگان‌های محلی به شورای وزیران در مورد ایجاد و تعدیل واحدهای اداری محلی.
- دعوت مجلس اداری ولایت در صورت لزوم.
- اعطای پاداش و تادیب کارکنان در حدود صلاحیت، طبق احکام قانون.
- قبول احترام قطعات عسکری در مراسم رسمی که توسط قوماندانان قطعه تقدیم می‌شود، مطابق شریعت.
- اتخاذ تدابیر عاجل در زمینه سفر بری عمومی، به منظور سرعت عمل و تأمین اهداف دولت.
- منظوری اجرای مصارف بودجوی تأدیبات نقدی، پیشنهادات تعدیلات بودجوی و انتقالات مجرای اسناد قراردادهای و اجاره‌های دولت در حدود صلاحیت، مطابق با احکام قانون.
- تعیین هیأت خریداری، معاینه و مناقصه در حدود صلاحیت مطابق با احکام قانون.
- امر تهیه و خریداری اشیای مورد ضرورت ادارات، مؤسسات و تصدی‌های شامل ساحة ولایت مطابق اسناد تقنینی مربوطه.
- نظارت (کنترول) و مراقبت از مصارف بودجوی ادارات و مؤسسات تحت اثر و حراست از بانک‌ها و خزائن.
- تحصیل مالیات قانونی محصولات شهری، باقیات نقدی و جنسی و تصفیه حسابات مربوط به آن توسط شعبات مربوطه مطابق به احکام قانون در روشنی احکام شریعت.
- تعمیم و تطبیق اوزان و مقایسات سیستم متریک.
- نظارت بر قیمت‌های مواد ارتزاقی و استهلاکی از طریق شاروالی مربوطه.
- مراقبت از امور بندرهای کشور در حوزه ولایت.
- تطبیق طرح (پلان) تهیه و خریداری غله، انتقال و توزیع مواد ارتزاقی.
- تطبیق برنامه‌های معارف و بذل مساعدت در این زمینه.
- جلب همکاری مردم و مؤسسات در تأسیس مدارس علمی و عرفانی، کتابخانه‌ها و سایر مراکز فرهنگی و تطبیق برنامه‌های انکشافی و عرفانی در ساحة مربوطه.
- جلب همکاری مردم و مؤسسات در ایجاد بازار (مارکیت)‌های عمده و پرچون مطابق طرح‌های شهری.
- جلب همکاری مردم و مؤسسات در مورد حفظ محیط زیست و جنگلات.
- حفظ و مراقبت سرک‌ها در ساحة ولایت توسط شعبات مربوطه.
- نظارت و مراقبت از امور ساختمانی تعمیرات ادارات و مؤسسات دولتی.
- پیشنهاد تعدیل در نقشه‌های شهری بر اساس ضرورت.
- اصلاح و انکشاف شبکه‌های مخابراتی، فعال نگهداشتن آنها و تسریع امور پوسته رسانی و مخابرات.
- جلوگیری از فروش ادویه تقلبی و طبابت اشخاص غیر مسلکی در ساحة ولایت.
- ارائه پیشنهاد لازم به مقامات ذی‌صلاح حین بروز مشکلات صحتی و شیوع امراض ساری و ساحة ولایت.
- نظارت و مراقبت از معادن و جلوگیری از استخراج و تجارت غیرقانونی مواد معدنی.
- جلوگیری زرع تریاک، چرس و سایر بوته‌های مخدره با همکاری مؤظفین مربوطه مطابق با قانون مبارزه علیه مواد مخدر.

والی‌ها رؤسای قوه اجرائیه در سطح محلی هستند و از این رو احکام و دستورهای صادره از مرکز را به ادارات محلی ابلاغ می‌کنند. والی‌ها به طور رسمی وظیفه ایجاد هماهنگی بین ادارات ولایت را داشته و دارای برخی مسئولیت‌های اداری نیز می‌باشند. آنان وظایف خویش را در راستای ایجاد هماهنگی بین ادارات محلی، بیشتر از طریق مجلس اداری ولایتی یا کمیته‌های انکشافی ولایتی، اجرا می‌کنند. با آنکه مجالس اداری ولایتی از نظر تعداد اعضا و وظایف در ولایات مختلف با یکدیگر فرق دارند، ولی هر مجلس اداری در کل به حیث یک مرکز مدیریت انجام وظیفه می‌کند. والی نیز از طریق آن به طور قابل ملاحظه‌ای بالای فعالیت‌های ریاست‌های سکتوری وزارت‌ها در ولایت اعمال نفوذ می‌کند. در عین حال، والی‌ها در رأس کمیته‌های انکشافی ولایتی قرار دارند که وظیفه ایجاد هماهنگی و برقراری ارتباطات بین ریاست‌های سکتوری، شوراهای ولایتی و تیم‌های بازسازی ولایتی را به عهده دارند. ساختار، وظایف و کیفیت عملکرد کمیته‌های انکشافی ولایتی نیز در ولایات مختلف با یکدیگر متفاوتندمی‌باشد. کمیته‌های انکشافی ولایت، با همکاری دیگر ادارات ولایت، وظیفه پلان‌گذاری طرح‌های ولایتی را به عهده دارند. والی‌ها بر اساس قانون ادارات محلی باید، حداقل ماه یک بار، با مسئولان ریاست‌های سکتوری ولایتی تشکیل جلسه بدهند. مجالس اداری ولایتی و کمیته‌های انکشافی ولایت در حال حاضر به والی‌ها در انجام این فعالیت‌ها کمک می‌کنند.

والی‌ها به طور رسمی به مقام ریاست جمهوری و اداره مستقل ارگان‌های محلی پاسخ‌ده می‌باشند. در حکم تأسیس اداره مستقل ارگان‌های محلی آمده است که: «این اداره جدید مسئولیت نظارت بر امور مربوط به والی‌ها، ولسوال‌ها و دفاتر آنان و نیز امور شاروالی‌ها را (به استثنای شاروالی کابل) به عهده داشته و از کارکردهای خود به مقام ریاست جمهوری گزارش‌دهنده می‌باشد». والی، به حیث یک مقام سیاسی که توسط مقام ریاست جمهوری تعیین می‌گردد، به طور مستقیم، به مقام ریاست جمهوری حساب‌ده می‌باشد. از آنجایی که هیچ حکم رسمی در زمینه حساب‌ده‌ساختن والی در مقابل مردم وجود ندارد، این نوع روابط ممکن است سبب تأکید بیش از حد بر اهمیت قوه اجرائیه به جای تمرکز بر نیازهای شهروندان ولایات مربوطه گردد. با آنکه قانون شوراهای ولایتی در این اواخر تعدیل گردیده تا صلاحیت‌های لازم به شوراهای ولایتی داده شود تا

-
- نظارت بر حفظ و نگهداشت اموال و زمین‌های دولتی، جنگلات، علفچرها، منابع آب و سایر ثروت‌های طبیعی و استفاده معقول از آنها.
 - تثبیت علفچرها از طریق اداره زراعت و مالداری با در نظر داشت ضرورت اهالی مطابق با مقررات شرعی.
 - جلب توجه وزارت‌های سکتوری در طرح و تهیه پلان‌های انکشافی محل.
 - جلب توجه وزارت اقتصاد در ارتباط با طرح پروژه‌های کوچک و زودرس منطوقی که از لحاظ ضرورت و احتیاج مردم ایجاب فوریت را می‌کند.
 - مساعدت در تهیه معلومات و ارقام احصائیهی در حوزه ولایت و تشویق اهالی در ارایه معلومات مؤثق احصائیهی به گروه‌های موظف.
 - همکاری در تأمین تولید محصولات باکیفیت و افزایش مشمریت آن.
 - مساعدت به علماء و روحانیون در انجام امور محوله و همکاری در حفظ، مراقبت، ترمیم و اعمار مساجد و سایر اماکن متبرکه.
 - فراهم‌آوری تسهیلات برای تکمیل اسناد پاسپورت حجاج و زائرین ۱ سایر اماکن متبرکه.

آنها بتوانند والی‌ها را در قبال عملکردشان به مردم حساب‌ده بسازند، ولی هیچ مدرک و شواهدی که شوراها و ولایتی موفق به چنین کاری شده باشند، یا نشانه‌ای از بهبود برقراری ارتباطات بین مردم و حکومت در سطح محلی، مشاهده نشده است.

والی‌ها دارای صلاحیت مستقیم بالای ولسوال‌ها بوده. صلاحیت والی‌ها بالای ولسوال‌ها سبب تقویت « تسلط روابط » می‌گردد.

روابط بین والی‌ها و پولیس به طور خاص مبهم می‌باشد. در ماده چهار قانون پولیس آمده است: «پولیس وظایف خود را در مرکز، تحت رهبری وزیر امور داخله و در ولایت‌ها و ولسوالی‌ها، تحت اوامر والی یا ولسوال مربوطه انجام می‌دهد». دوگانگی در این قانون زمینه این سؤال را فراهم می‌سازد که میزان صلاحیت واقعی که والی‌ها بالای پولیس دارند و باید اعمال نمایند، تا چه اندازه می‌باشد. بر اساس هدایت وزارت امور داخله والی‌ها از دادن هدایت در امور «تاکتیکی و اوپراتیفی» به پولیس منع گردیده است. والی‌ها مسئول انتقال فرمان‌های اجرایی به پولیس می‌باشند، که این امر خود بر ابهام مربوط به روابط بین والی‌ها و پولیس می‌افزاید.

نهادهای حکومتی در ولایت

چارچوب کاری فعلی ریاست‌های سکتوری بسیار ناکارآمد است. با اینکه اکثر وزارت‌های سکتوری در ولایت‌ها حضور دارند، ریاست‌های سکتوری دارای ساختار حکومت‌داری مرکز محور و نیز ساختار عرضه خدمات متمرکز می‌باشند. ریاست‌های سکتوری دارای صلاحیت اندکی در زمینه برنامه‌ریزی یا بودجه‌سازی در ولایت می‌باشند. این ساختار منجر به این شده که وزارت‌ها صلاحیت اجراءات را در مرکز در قبضه خود داشته باشند؛ در حالی که این امر می‌تواند در سطح محلی با کارایی بیشتری صورت گیرد.

منابعی که به ریاست‌های سکتوری داده می‌شود، بر اساس برآورد نیازهای ولایتی که توسط ریاست سکتوری صورت گرفته باشد، عرضه نمی‌گردند. و حتی این منابع بر اساس برآورد نیازهای ولایت که توسط ادارات ولایت صورت گرفته باشد نیز عرضه نمی‌گردند. ریاست‌های سکتوری و وزارت‌ها، تخصیصات ربع‌وار خود را که از طریق بودجه وزارت‌های مربوطه تعیین گردیده است، دریافت می‌کنند و دارای هیچ نوع صلاحیت برای تغییر نوع مصارف آنها نیست و باید صرفاً در زمینه‌هایی که از طریق مرکز تعیین گردیده است به مصرف برسانند. مصرف سرانه وزارت‌ها در سرتاسر ولایت‌ها با یکدیگر بسیار تفاوت دارد. وزارت مالیه، طرح ابتکاری بودجه‌سازی ولایتی را معرفی نموده که هدف آن افزایش نقش ریاست‌های سکتوری در تصمیم‌گیری نسبت به وزارت‌ها می‌باشد.

تعیینات رتبه‌ها و بست‌های ۳ تا ۸

منظوری تفرقات و انفصال بست‌ها و رتبه‌های ۵ و ۶ کارمندان ملکی در سطح ولایت، بعد از شناسایی و انتخاب توسط کمیته بررسی تفرقی‌های ولایت، بر اساس اصل شایسته‌سالاری و پروسه تقرر رقابتی، از صلاحیت‌های والی خواهد بود.

منظوری تقرر و انفصال بست‌های ۳ و ۴ واحدهای دومی ولایت‌ها از صلاحیت‌های وزارت‌های مربوطه می‌باشد. والی‌ها صلاحیت رد مقررایی را که به طور قانون‌مند، براساس روند رقابت آزاد و اصل شایسته‌سالاری از سوی وزارت‌های مربوطه صورت می‌گیرد، ندارند و همچنان وزارت‌ها خارج از روند رقابت آزاد کسی را در ولایت‌ها مقرر کرده نمی‌توانند.

منظوری تمام بست‌های ۵، ۶، ۷ و ۸ در سطح ولایت از صلاحیت والی و بست‌های ۳ و ۴ دفاتر اداری ولایت از صلاحیت‌های اداره مستقل ارگان‌های محلی می‌باشد.

منظوری تفرقات و انفصال بست‌ها و رتبه‌های ۷ تا ۸ کارمندان ملکی در سطح ولسوالی، بعد از شناسایی و انتخاب توسط کمیته تفرقات ولسوالی، بر اساس اصل شایسته‌سالاری و پروسه تقرر رقابتی، از صلاحیت‌های ولسوال خواهد بود.

با اینکه شورای ولایتی نقش حساب‌ده ساختن ادارات ولایتی دارند، وظایفشان محدود به جمع‌آوری معلومات پیرامون فعالیت‌های ریاست‌های سکتوری در ولایت‌ها می‌گردد. شوراهای ولایتی دارای قدرت اجرایی در مورد معلوماتی که از این ریاست‌ها گردآورده‌اند، نمی‌باشند. علاوه بر این، در قانون شوراهای ولایتی ذکر گردیده است که: «یکی از وظایف اساسی شوراهای ولایتی کسب معلومات پیرامون اجراء ادارات ولایت و بخش‌های تابعه آنان و ارائه گزارش کتبی به مقام ریاست جمهوری و شورای ملی می‌باشد»؛ ولی در این قانون در صورتی که ریاست‌های سکتوری و بخش‌های تابعه آنان حاضر به ارائه معلومات خواسته‌شده به شورای ولایتی نگردند، هیچ تدبیری برای مقابله با این موضوع در نظر گرفته نشده است.

کمیته انکشافی ولایت

کمیته‌های انکشافی ولایتی با حکم مقام ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۵ ایجاد گردیدند. نقش اصلی کمیته‌های انکشافی ولایتی عبارت است از: (۱) ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌های ریاست‌های سکتوری وزارت‌ها، (۲)

تدوین پلان‌های انکشافی ولایتی، ۳) تقویت هماهنگی میان تمویل‌کنندگان، ۴) نظارت بر تطبیق پروژه‌های انکشافی، ۵) ارتقای ظرفیت اداری ولایت و بهسازی عرضه خدمات عمومی.

مثل بسیاری از دیگر ساختارهای ولایتی، نقش‌ها و وظایف کمیته‌های انکشافی ولایتی نیز در ولایت‌های مختلف با یکدیگر فرق دارند. مجلس اداری ولایتی و کمیته انکشافی ولایتی تنها نهادهایی می‌باشند که می‌توان از طریق آنها پلان‌گذاری سرتاسری ولایتی و ایجاد هماهنگی‌های لازم را در سطح ولایت انجام داد. با اینکه کمیته‌های انکشافی ولایتی، یک میکانیزم اساسی برای ایجاد هماهنگی جهت فعالیت‌های انکشافی و پلان‌گذاری در سطح ولایت می‌باشند، ولی چون رابطه قوی بین کمیته‌های انکشافی ولایتی و روند بودجه‌سازی وجود ندارد، فعالیت‌های آنان تأثیر چندانی بالای آنچه که عملاً در ولایت صورت می‌گیرد، نداشته است.

متمرکزسازی تمام تصامیم بودجوی در کابل تمام تلاش‌ها را برای درج نظریات ولایت در پلان‌گذاری انکشافی توسط شوراهای ولایتی و کمیته‌های انکشافی ولایتی تحت الشعاع قرار داده است. عرصه برنامه آزمایشی بودجه‌سازی ولایتی شدیداً محدود بوده است، زیرا این بودجه محدود به بودجه‌سازی وزارتی با مشوره کمیته‌های انکشافی ولایتی می‌باشد.

در زمینه نظارت و بررسی نیز بین وظایف کمیته‌های انکشافی ولایت و شوراهای ولایتی تداخل وظیفوی وجود دارد. علاوه بر آن، نحوه ارتباط کمیته‌های انکشافی با شوراهای ولایتی مشخص نمی‌باشد.

به طور خلاصه می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که کمیته‌های انکشافی ولایتی که سکرتریت آنها توسط ریاست‌های ولایتی وزارت اقتصاد صورت گرفته و تحت ریاست مقام ولایت یا نماینده مقام ولایت قرار دارند، وظیفه هماهنگی و برقراری ارتباطات با ریاست‌های سکتوری در ولایت، شورای ولایتی، مؤسسات غیر دولتی، سازمان‌های بین‌المللی و تیم‌های بازسازی ولایتی را به عهده دارند. وظیفه آنها پلان‌گذاری در سطح ولایت به شمول طرح بودجه ولایتی می‌باشد. وظیفه کمیته‌های انکشافی ولایت تصویب پلان‌های انکشافی، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری خصوصی و عامه و نظارت بر فعالیت‌های مبارزه با مواد مخدر می‌باشد. امکان بالقوه تداخل وظیفوی بین وظایف کمیته‌های انکشافی ولایت و شوراهای ولایتی وجود دارد و نحوه عضویت و مؤثریت کلی این کمیته‌ها در سراسر کشور یکسان نمی‌باشد. کمیته‌های انکشافی ولایتی شدیداً به والی وابسته بوده و نقش آنان در امور پلان‌گذاری و بودجه‌سازی فراتر از سطح هماهنگی، نامشخص مانده است. روند پلان‌گذاری با روند بودجه‌سازی به علت متمرکز بودن آن پیوند نیافته است.

مجلس اداری ولایت

مجلس اداری ولایت ۴۵ سال پیش، در تاریخ ۱۸ دسمبر سال ۱۹۶۴ میلادی، تأسیس شد. هدف از تأسیس این مجلس ایجاد یک میکانیزم هماهنگی بین ریاست های سکتوری برای والی ها بود. بر اساس قانون ایجاد مجالس اداری، ترکیب اعضای مجالس اداری عبارتند از: والی، معاون والی، مستوفی، قومندان امنیه ولایت، خازنوالان و رؤسای نهادهای حکومت در ادارات. مجالس اداری ولایت در هر هفته یک بار تشکیل جلسه می دهند. جلسه در صورتی دایر می گردد که حداقل نصف اعضای مجلس اداری بتوانند در جلسه شرکت کنند. تصمیم با رأی اکثریت (۵+۱) اعضا اتخاذ می گردد و در صورتی که آراء مساوی باشد، تصمیم نهایی با رئیس جلسه می باشد خواهد بود. امور سکرتریتی مجالس اداری ولایت توسط بخش اداری دفتر مقام ولایت تنظیم می گردد. مجلس اداری ولایت وظایف خود را براساس قوانین نافذه انجام می دهد. این وظایف عبارتند از: اجاره دادن و فروختن زمین های دولتی، تقسیم بدهی های دولت به اقساط، لغو قراردادهایی که مطابق شرایط قانونی صورت نگرفته اند و بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات ریاست های سکتوری، در صورتی که رئیس های این ریاست ها چنین موضوعاتی را مطرح نمایند.

شورای ولایتی

ماده ۱۳۸ قانون اساسی حکم می کند که در هر ولایت، یک شورای ولایتی ایجاد گردد. این شورا یگانه نهاد انتخابی در سطح ولایت می باشد که می تواند بر اجراء ادارات حکومتی نظارت داشته باشد. در عین حال، نبود وضاحت در زمینه نقش شوراهای ولایتی همچنان باقی می ماند. حتی صلاحیت انجام آن وظایف شورای ولایتی، که در قانون به طور واضح مشخص گردیده اند، نیز، هنوز به این شوراها داده نشده است. علی رغم آنچه در بالا بدان اشاره گردید، در قانون اساسی آمده است که شوراهای ولایتی باید وظایف خود را در همکاری با اداره ولایت انجام دهند. لحنی که در قانون شوراهای ولایتی به کار رفته است، در بردارنده احکام لازم در مورد تأمین همکاری ادارات دیگر ولایت با این شوراها نمی باشد. شوراهای ولایتی، بر اساس مکلفیت های خود، باید خدمات نظارتی و مشورتی در سطح ولایت عرضه نمایند، ولی قانون شوراهای ولایتی صلاحیت لازم را به این شوراها، جهت اطمینان از همکاری والی و ریاست های سکتوری وزارت های سکتوری، نداده است. در ماده ۴ فقره ۱ قانون شوراهای ولایتی آمده است که "این شوراها مشوره با ساکنین ولایت را از طریق جلسات مشورتی عمومی، حداقل هر سه ماه یک بار، و با مسئولین ادارات مربوط، حداقل هر ماه یک بار، دایر خواهند نمود. و نیز این شوراها، حداقل در هر ماه، یک بار با والی و ادارات ولایت تشکیل جلسه خواهند داد." در عین

حال، این احکام، والی یا مقامات محلی را در برابر شورای ولایتی حسابده نساخته است. به عبارت دیگر، قانوناً مکلف به در نظر گرفتن نظریات شورای ولایتی نگردانیده است. همزمان با آن، ماده ۱۸ قانون شوراهای ولایتی، واحدهای دومی وزارت‌های سکتوری و دیگر ادارات دولتی در سطح محلی را، ملزم به ارائه معلوماتی کرده که شوراهای ولایتی از این ادارات درخواست کرده است. درخواست ولی هیچ میکانیزم ویژه‌ای را، در صورت عدم ارائه معلومات خواسته‌شده از این ادارات، در نظر نگرفته است. در نتیجه این احکام غیر قابل تطبیق بوده و شورای ولایتی را از انجام وظایف نظارتی آن بازداشته است.

در ماده ۲ قانون شوراهای ولایتی آمده است: «شورای ولایتی، به حیث یک مجمع انتخابی، به هدف ایجاد ساختاری که مشارکت و سهمگیری مردم و نهادهای جامعه مدنی را با ادارات دولتی در سطح ولایت تأمین کند و ادارات ولایتی را در امور مربوطه مشوره دهد، فعالیت می‌کند». بدون داشتن احکامی که شورا بتواند والی یا ادارات ولایتی را حسابده سازد، داشتن چنین نقش نظارتی یا مشارکتی، در عمل دارای مفهوم و اهمیت چندانی نمی‌باشد. مزید بر آن، چگونگی به کارگیری صلاحیت نظارتی توسط شورای ولایتی، که منجر به بهبود اجراء آن در این نقش گردد، نیز مهم تلقی می‌گردد.

این قانون آن قدر مبهم است که نمی‌تواند شورای ولایتی را قادر به انجام مکلفیت قانونی آن، یعنی «تعیین اهداف انکشافی دولت در ولایت‌ها» کند. برای کمک به شوراهای ولایتی، که بتوانند نقش خویش را در پلان‌گذاری به نحو شایسته انجام دهند، لازم است که این امر به طور واضح در قانون شوراهای ولایتی تعریف گردد. در فقره «۴» ماده «۴» قانون شوراهای ولایتی فقط به «ارائه مشوره در مورد طرح پلان انکشافی ولایت و پلان پیش‌بینی‌شده قبل از پیشنهاد به حکومت»، اشاره شده است. در قانون شوراهای ولایتی در این مورد که این شوراها چگونه باید در این روند پلان‌گذاری دخیل باشند، توضیح داده نشده است. در حال حاضر تداخل کاری در بین وظایف کمیته‌های انکشافی ولایت و شوراهای ولایتی وجود دارد. بر اساس حکم شماره ۴۱۱۶ ریاست جمهوری، والی‌ها باید در زمینه طرح، سازماندهی و تطبیق برنامه‌های ولایتی، اقدامات لازم را با همکاری شوراهای ولایتی اتخاذ نمایند، ولی بدون داشتن میکانیزم‌های تطبیقی لازم، شوراهای ولایتی به سهولت منزوی خواهند شد.

ابهام در مورد دریافت وجوه تمویلی برای اجراءات روزمره می‌تواند، به طور بالقوه، هر نوع صلاحیت شوراهای ولایتی را تحت الشعاع قرار دهد. مطابق ماده ۱۷ قانون شوراهای ولایتی «امور اداری و خدماتی شورا از طرف ولایت مربوطه تهیه و تنظیم می‌گردد». در این قانون مشخص نشده است که ولایت چگونه این امور را تهیه و تنظیم خواهد نمود. شوراهای ولایتی در زمینه مصارف اجرایی خویش وابسته به والی‌ها می‌باشند. شوراهای ولایتی در امور بودجوی و مسائل مربوط به تعیینات کارمندان خویش از اداره ولایتی، که باید آنها را نظارت

نمایند، مستقل نیستند. از این رو، شوراهای ولایتی برای انجام وظایف روزانه خود با کمبود منابع مواجه می‌باشند.

نبود یک چارچوب جامع و فراگیر برای نهاد شورای ولایتی یک ضعف عمده محسوب می‌شود. این امر منجر به آن شده که شهروندان کشور نتوانند صدای خود را، آن گونه که باید، از طریق مجراهای حکومتی به گوش مقامات ذی‌ربط برسانند.

یکی از وظایف اساسی شوراهای ولایتی ایجاد هماهنگی و همکاری مردم و جامعه مدنی با اداره ولایت می‌باشد. در عین حال، این سوال که آیا این شوراها به نحو شایسته از موکلین خود نمایندگی می‌توانند یا نه، به قوت خود باقی مانده است. ارتباطات بین شوراهای ولایتی و شهروندانی که اعضای این شوراها را انتخاب نموده‌اند، به طور محدود باقی مانده است. علاوه بر این، سیستم انتخاباتی رأی واحد غیر قابل انتقال چندحوزه‌ای، متضمن حضور نمایندگان تمام ولسوالی‌ها در شورای ولایتی نمی‌باشد. انتخابات شوراهای ولایتی بر اساس رأی واحد غیر قابل انتقال می‌گردد استوار است. در این انتخابات سراسر ولایت، حوزه انتخاباتی نمایندگان محسوب می‌شود. در این سیستم هیچ تضمینی برای اینکه در شورای ولایتی نمایندگان تمام ولسوالی‌ها حضور داشته باشند، وجود ندارد. اعضای فعلی شوراهای ولایتی، به تناسب کل جمعیت ولایت، از تعداد کمی نمایندگی می‌کنند. این نمایندگان اغلب از مردم منطقه خود نمایندگی می‌کنند و نماینده کل ولایتی که حوزه رسمی انتخاباتی آنان می‌باشد، نیستند. بین اعضای شوراهای ولایتی و موکلینی که باشندگان ولسوالی‌های غیر از ولسوالی منطقه خود این نمایندگان می‌باشد، رابطه ضعیفی وجود دارد.^۲

به‌طور خلاصه می‌توان نتیجه‌گیری نمود که شوراهای ولایتی باید به مردم حساب‌ده باشند، زیرا اعضای این شورا توسط مردم انتخاب می‌شوند. شوراهای ولایتی به مردم جواب‌ده می‌باشند، زیرا این شوراها نهادهای انتخابی هستند. نقش فعلی آنان عبارت است از اشتراک در طرح و برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی دیگر ادارات ولایتی، سهمگیری در حل منازعات و اختلافات، زدودن عنعنات منافی با قانون و شریعت و معیارهای حقوق بشر، حفظ محیط زیست و کاهش فعالیت‌های غیر مشروع در زمینه مواد مخدر.

ابهام در روابط بین شوراهای ولایتی، کمیته‌های انکشاف ولایتی و دفاتر والی‌ها کاملاً ملموس و مشهود می‌باشد. این نهادها در زمینه هزینه‌های عملیاتی (معاشات و...) متکی به والی می‌باشند. بودجه و تقرر کارمندان شوراهای ولایتی، مستقل از ادارات ولایتی نمی‌باشد؛ در حالی که این ادارات توسط همین افراد باید نظارت گردند. این نهادها دارای منابع کافی برای انجام امور و کارهای یومیه خود نیستند. قانون فعلی متضمن همکاری

^۲. نیکسون، همیش، دولت سازی در سطح محلی، سند سنتر مرکز تحقیق و ارزیابی افغانستان، اپریل ۲۰۰۸.

بخش اداری ولایت با شوراهای ولایتی نمی‌باشد، زیرا در قانون فعلی، بخش اداری در زمینه ملزم‌سازی بخش اداری و نهادهای مجری قانون جهت اشتراک در جلسات شوراهای ولایتی و ارائه معلومات به این شورا، هیچ نوع تعهدی ندارد. هیچ میکانیزم مشخصی در زمینه درج پیشنهادات شوراهای ولایتی در روند برنامه‌ریزی ولایتی وجود ندارد. شوراهای ولایتی نمی‌توانند، آن گونه که لازم است، بخش اداری ولایت را حساب‌ده بسازند و از آنان در امور مختلف جواب بخواهند.

موضوعات حل‌ناشده زیادی پیرامون شوراهای ولایتی وجود دارد، از قبیل منابعی که در اختیار آنان قرار دارد، و این که آنها به طور مؤثر از موکلین خود نمایندگی می‌کنند یا خیر و این که روابط آنها با اداره ولایت و ادارات پلان‌گذاری ولایت چگونه است.

شوراهای ولایتی می‌توانند نقش اساسی را در نمایندگی از موکلین خود، سهمگیری در پلان‌گذاری انکشافی، نظارت بر فعالیت‌های ادارات ولایت و حساب‌ده ساختن آنان در قبال عملکردهای‌شان ایفا نمایند. در صورتی که، قانون فعلی شوراهای ولایتی چنین صلاحیت و قدرتی را در اختیار آنها قرار نداده است.

محاکم

محاکم، مطابق به قانون اساسی و قانون تشکیلات و صلاحیت قوه قضائیه در ولایات ایجاد می‌گردند.

اداره ولسوالی

ولسوالی در حال حاضر پایین‌ترین سطح اداره رسمی شناخته‌شده در افغانستان می‌باشد. اداره ولسوالی شامل ولسوال و تعدادی از واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری می‌باشد. در عین حال، قوماندانی امنیه، خرنوالی و محکمه ابتدائیه ولسوالی نیز در تشکیل اداره ولسوالی وجود دارد. علیرغم حضور اداره و حکومت‌داری رسمی در سطح ولسوالی، یک چارچوب واحد برای حکومت‌داری در این سطح وجود ندارد.

ولسوال‌ها

پست ولسوال پست خدمات ملکی می‌باشد. به اساس حکم شماره (۲۱۱۳) مورخ (۱۳۸۸/۱۲/۲۶) رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، معاون والی و ولسوال، از طریق کمیسیون اصلاحات اداری توسط مکانیزم شفاف، رقابتی و مبتنی بر اصل شایسته‌سالاری استخدام می‌گردد.

ولسوال نه تنها نماینده قوه اجرائیه در سطح ولسوالی، بلکه نماینده اول دولت در سطح ولسوالی نیز می باشد؛ زیرا دولت پایین تر از سطح ولسوالی، اداره دیگری ندارد. از این رو ولسوالها نقش مهمی در زمینه رویه با شهروندان ایفا می کنند. ولسوالها ممکن است مستقیماً عرایض را از شهروندان دریافت و حل و فصل نمایند یا به مقامات ذی ربط ارجاع دهند.

ولسوالها به طور رسمی به مقام ولایت گزارش دهنده می باشند، ولی دوری ولسوالیها سبب محدودیت در ارتباطات ولسوالها با والیها می گردد. چنین چالشهایی ممکن است سبب پیچیدگی هر نوع تلاش در راستای حسابه ساختن ولسوالها گردد.

مطابق فقره «۲» ماده «۴» قانون ادارات محلی، بین صلاحیتهای ولسوالها و والیها هیچ تفاوتی وجود ندارد، ولی در عمل، ولسوالها دارای صلاحیتهای بسیار محدود نسبت به والی می باشند. این در حالی است که ولسوال شخص اول در سطح اداره ولسوالی می باشد. ولسوالها دارای تعدادی وظایف اداری به شمول ثبت ملکی تولدها، وفاتها و ازدواجها می باشند. با اینکه ولسوالها به طور مستقیم بالای قوماندانی امنیه ولسوالی دارای صلاحیت نمی باشند، در اغلب موارد نقش برجسته ای در مسائل و موضوعات امنیتی ایفا می کنند.

ولسوالها اغلب قادرند از طریق روابط خود در امور ولسوالی اعمال نفوذ نمایند. بخشی از این امر ناشی از قوت روابط شخصی ولسوالها نسبت به صلاحیتهای رسمی آنان می شود، که با تکیه به آن، می توانند بالای فعالیتهای مختلف در سطح ولسوالی خود اعمال نفوذ کنند. ولسوالها نقش مهمی در حل منازعات و تشکیل جلسه با بزرگان محلی در راستای حل موضوعات محلی ایفا می کنند. در اکثر ولسوالیها ممکن است ولسوال با اشتراک ادارات تابعه، شوراهایی را برای مشوره در باره موضوعات محلی یا انتقال اوامر به نهادهای مربوطه ایجاد نماید.

ولسوالی، در حال حاضر، پایین ترین سطح رسمی شناخته شده اداره در افغانستان می باشد و ولسوال نقش هماهنگ کننده بین ارگانهای مختلف در سطح ولسوالی را ایفا می نماید. ولسوال بلندترین مقام دولتی در سطح ولسوالی به حساب می آید. نقش غیر رسمی ولسوال شامل حل منازعات و دیگر مشکلات، بر اساس روابط با مقامات ولایت و منفذین سنتی می باشد. ولسوالها دارای شوراهای مشورتی نیمه رسمی با ملکها، اربابها و قریه داران می باشند که نقش خاص خود را در ولسوالی ایفا می کنند. نقش ولسوال با نقش والی دارای برخی مشترکات می باشد. ولسوال علی رغم صلاحیتهای رسمی محدودی که در سطح ولسوالی دارد، شخص بسیار مهم تلقی گردیده و نقش تعیین کننده ای در سطح اداره ولسوالی ایفا می کند. وی علاوه بر انجام وظایف اداری، نظیر ثبت تولدها، وفاتها و ازدواجها، نقش قابل ملاحظه ای در حل منازعات محلی و تعیین محل حل و فصل منازعات، تدویر جلسات سنتی برای بحث و تبادل نظر بالای موضوعات محلی و دریافت عرایض از باشندگان

ولسوالی را نیز به عهده دارد. ولسوال نقش سیاسی مهمی را در حفظ روابط حکومت‌داری در سطح ولسوالی ایفا می‌کند. ولسوال در حقیقت اولین نقطه تماس اداره محلی با مردم به حساب می‌آید.

ولسوال، به مثابه رابط بین جامعه و دولت در سطح ولسوالی، می‌تواند در مورد هر عریضه‌ای که به اولین نهاد رسمی دولتی می‌رسد، تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.^۳ با اطمینان از دسترسی مردم به ولسوال، وی تأثیر زیادی بر نحوه برخورد و رویه دولت با مردم دارد. ولسوال با کنترل زمان و چگونگی رسیدگی دولت و نهادهای غیردولتی به مشکلات، منازعات محلی، تولید و قاچاق مواد مخدر و اعمال نفوذ شدید بر موارد فوق، نقشی به مراتب فراتر از دامنه صلاحیت‌های رسمی خویش ایفا می‌کند. از مصادیق اعمال نفوذ ولسوال این است که او افراد ذی‌دخل در این امور را خود تعیین می‌کند. طبق دیدگاهی که وجود دارد، ولسوال می‌تواند به منابع دسترسی پیدا کند و از طریق مبادرت به فساد، روی امور مختلف اعمال نفوذ نماید. افرادی که در این پست ایفای وظیفه می‌نمایند، به تناوب تبدیل می‌شوند. تعیین، تبدیل و جابجایی ولسوال‌ها از طریق قوه اجرائیه صورت می‌گیرد. البته متنفذین محلی نیز در این امر بی‌نقش نیستند.

ولسوال‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در حل منازعات ایفا می‌کنند. این امر ناشی از تمایل مردم به حل منازعات از طریق ساختارهای عنعنوی می‌باشد. ولسوال می‌تواند تعیین کند که یک شکایت برای حل و فصل، دوباره به مردم - ساختارهای سنتی مردمی - ارجاع گردد، یا توسط خود وی حل شود، یا اینکه به مراجعی نظیر پولیس، خائنوالی و محکمه سپرده شود. در حل منازعات، تعاملات زیاد بین ساختارها و نهادهای سنتی و رسمی دولتی وجود دارد. این تعاملات از طریق ولسوال صورت می‌گیرد. در حال حاضر، دسترسی بهتر مردم به خدمات پولیس، خائنوالی و محکمه بستگی تام به نفوذ ولسوال‌ها دارد.

شورای ولسوالی

با اینکه این نهاد در قانون اساسی پیش‌بینی شده، هنوز ایجاد نگردیده است. طبق احکام قانون اساسی، این شوراها مکلف‌اند که «فعالیت‌های مردمی را سازماندهی نموده و فرصت سهمگیری فعال آنان را در امور اداره محلی فراهم نمایند». قرار است که انتخابات شوراهای ولسوالی هر سه سال یک بار، به شکل آزاد، سری و مستقیم برگزار شود. بر مبنای ماده «۸۴» قانون اساسی کشور «از بین اعضای شوراهای ولسوالی‌های هر ولایت، یک نفر، به انتخاب شوراهای مربوطه، به مدت سه سال، به حیث عضو مشرانو جرگه انتخاب می‌گردد.»

^۳ نیکسون، همیش، دولت‌سازی در سطح محلی، سند مرکز تحقیق و ارزیابی افغانستان، اپریل ۲۰۰۸.

نهادهای حکومتی در ولسوالی

با توجه به برخی از عوامل، وزارت‌های داخله، احیاء و انکشاف دهات، معارف، زراعت، آبیاری و مالداري از جمله وزارت‌هایی می‌باشند که حضوری گسترده در سطح ولسوالی دارند. با این حال، واحدهای سومی این وزارت‌ها دارای مسؤلیت‌های تطبیقی اندک بوده و در زمینه تصمیم‌گیری دارای استقلال عمل نمی‌باشند. در ولسوالی‌هایی که واحدهای سومی وزارت‌های معارف یا صحت عامه وجود ندارند، پرسونل مکاتب در قریه‌ها و کارمندان کلینیک‌های صحتی مستقیماً گزارش فعالیت‌های خود را به واحدهای دومی این وزارت‌ها در ولایت ارائه می‌کنند. در حال حاضر هماهنگی چندانی بین واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری در سطح ولسوالی وجود ندارد.

اسمبلی انکشافی ولسوالی

اسمبلی‌های انکشافی ولسوالی به عنوان بخشی از برنامه ملی انکشاف ساحوی وزارت احیاء و انکشاف دهات ایجاد گردیدند. در ولسوالی‌هایی که اسمبلی‌های انکشافی ولسوالی وجود دارند، مجالس اداری ولسوالی مرکب از رئیس‌ها و معاونین رئیس‌های اسمبلی‌ها می‌باشند. در ولسوالی‌هایی که اسمبلی‌های انکشافی ولسوالی وجود ندارند، سران غیر انتخابی محل در انتخابات مجالس اداری رأی می‌دهند و اعضای آن را انتخاب می‌کنند. از این رو، انتخابات مجالس اداری ولسوالی به طور کامل دموکراتیک نمی‌باشند.

وظایف اساسی اسمبلی‌های انکشافی ولسوالی، مطابق به رهنمودهای وزارت احیاء و انکشاف دهات در زمینه ایجاد اسمبلی‌های انکشافی ولسوالی و پلان‌گذاری جامع انکشاف دهات، عبارت‌اند از: کمک به ولسوالی در راستای پلان‌گذاری، مدیریت، تطبیق پلان‌ها و نظارت بر پیشرفت آنها، ارزیابی و بسیج منابع در سطح ولسوالی. اسمبلی‌های انکشافی ولسوالی دارای سلسله مسؤلیت‌های پلان‌گذاری، انسجام و مشورتی می‌باشند. مسؤلیت‌های این اسمبلی‌ها شامل شناسایی اولویت‌های ولسوالی و استراتژی‌هایی می‌باشد که منافع اجتماعات و قریه‌ها را در روند پلان‌گذاری و رهبری پلان‌های انکشاف ولسوالی بازتاب بدهند. همچنین، در لایحه وظایف اسمبلی‌های انکشافی ولسوالی آمده است که آنها مسئول ایجاد هماهنگی مؤثر بین تمام مؤسسات، برنامه‌ها و پروژه‌های انکشافی در سطح محلی می‌باشند. با توجه به این مطلب، توقع می‌رود که این نهادها در امور طرح‌ریزی، بسیج منابع، تطبیق، نظارت و ارزیابی پروژه‌های انکشافی در سطح ولسوالی، کمک و همکاری نمایند.

اداره قریه

ملک‌ها، قریه‌داران یا اربابان، هم نمایندگان عرفی قریه‌ها نزد دولت محسوب می‌شوند و هم اشخاص منتخب مردم برای حل معضلات آنان می‌باشند. این شکل غیر رسمی حکومت‌داری قریه‌ای، در سراسر کشور بسیار با یکدیگر متفاوت می‌باشد. برخی از ولسوال‌ها ملک را نماینده دولت در سطح قریه می‌دانند. در عین حال، هیچ نوع صلاحیت داده شده به ملک‌ها رسمی تلقی نمی‌گردد.

شورای قریه

با اینکه دولت، مطابق قانون اساسی کشور، مکلف به ایجاد شوراهای قریه گردیده تا «فعالیت‌های مردم در سطح قریه را سازماندهی و فرصت‌های مناسب را برای سهمگیری فعال آنان در امور محلی فراهم سازد»، هنوز انتخابات این نهادها را برگزار نکرده است.

شورای انکشافی قریه

وزارت احیاء و انکشاف دهات روند ایجاد شوراهای انکشافی قریه را، به مثابه بخشی از برنامه همبستگی ملی، در سال ۲۰۰۳ آغاز نمود. دو هدف عمده برنامه همبستگی ملی افغانستان عبارت‌اند از:

(۱) عرضه پروژه‌های انکشافی محلی

(۲) بهبود و تقویت اداره قریه. شوراهای انکشافی قریه مبلغ شصت هزار دالر امریکایی را صرف تمویل برنامه‌های محلی برای امور زیربنایی یا انکشاف منابع بشری نموده‌اند.

در طول دو سال اول فعالیت‌های برنامه همبستگی ملی، وزارت احیاء و انکشاف دهات توانست ده هزار و چهارصد شورای انکشافی قریه را ایجاد نماید. این وزارت فعالیت‌های این برنامه را، در سال سوم ایجاد این برنامه وسعت بخشید و تعداد شش هزار و نه صد شورای انکشافی دیگر را نیز ایجاد نمود که تعداد مجموع شوراهای انکشافی، فقط در طی سال سوم، از مرز هفده هزار شورا گذشت. شوراهای انکشافی قریه در حال حاضر بیشتر از نیمی از دهات افغانستان را تحت پوشش قرار داده‌اند.

شوراهای انکشافی قریه مسئولیت طرح پلان‌های انکشافی قریه را به عهده دارند. این پلان‌ها ترکیبی از پروژه‌هایی می‌باشند که توسط مردم محل اولویت‌بندی گردیده‌اند. شوراهای انکشافی قریه وجوه اعطایی جهت

کمک به تطبیق پروژه‌های مربوطه را از طریق برنامه همبستگی ملی دریافت می‌دارند. در عین حال، وجوه اعطایی برنامه همبستگی ملی فقط یک بار پرداخت می‌گردد و هیچ تمویل مستمر دیگری برای این شوراها از طرف این وزارت وجود ندارد و خود مسئول وجه‌یابی می‌باشند.

برنامه همبستگی ملی، مردم را در زمینه انتخاب پروژه‌های مورد نظر در سطح قریه و سهمگیری آنان در تطبیق این پروژه‌ها تشویق و ترغیب می‌کند. برنامه همبستگی ملی دارای مجموعه‌ای از معیارهای پیشرفته پیرامون شیوه‌های تطبیق مردمی پروژه‌ها می‌باشد. نوع پروژه‌هایی که توسط این برنامه در سطح قریه‌های کشور تطبیق گردیده‌اند، متفاوت می‌باشد. پروژه‌های برنامه همبستگی ملی افغانستان توسط مؤسسات غیردولتی تطبیق می‌گردد. برنامه همبستگی ملی اولاً یک ابتکار انکشافی محلی به حساب می‌آید و ثانیاً یک ابتکار حکومت‌داری در سطح قریه می‌باشد. سلسله انتخابات مختلف که منجر به ساختارهای فعلی شوراهای انکشافی قریه گردیده‌اند، در سراسر ولایات افغانستان صورت گرفته است. در اکثر قضایا، همکاران تسهیل‌کننده این برنامه، طرزعمل‌های انتخابات را به نحوی تنظیم نموده‌اند که زمینه سهم‌گیری زنان در این شوراها فراهم گردد. در زمینه انتخاب اعضای رهبری شوراهای انکشافی تفاوت‌های زیادی وجود دارد.

شوراهای انکشافی قریه توانسته‌اند تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در انکشاف منابع قابل‌دسترس در سطح قریه‌ها و در جاهایی که این منابع به پروژه‌های موفق انکشافی قریه تبدیل گردند، به وجود بیاورند. پذیرش و مشروعیت این برنامه و دولت در سطح قریه‌ها، بر اثر فعالیت‌های برنامه همبستگی ملی گسترش یافته است. شوراهای انکشافی قریه نهادهای مردمی در سطح محل می‌باشند.

تطبیق بسیاری از مراحل برنامه همبستگی ملی به اشکال مختلف صورت گرفته است، مثل ترکیب شوراهای انکشافی قریه و قالب‌بندی آن، توسعه شوراهای انکشافی محل و عرضه فعالیت‌های خارج از انتخاب پروژه و تطبیق آن می‌گردد.^۴ بسیاری از اعضای شوراهای انکشافی قریه ادعا می‌کنند که در دیگر کارکردهای دولتی، نظیر حل اختلافات مردم، دخیل می‌باشند، در حالی که این اجراء کلی نیست و در صورتی که چنان موضوعی رخ دهد، معمولاً از طریق ترکیب با ساختارهای سنتی و دخیل‌سازی افراد، که نوعی صلاحیت ترکیبی را تشکیل می‌دهد، حل می‌گردد. سهم‌گیری حقیقی و بایسته زنان در انکشاف شوراهای انکشافی قریه و وظایف اداره محل با مشکلاتی مواجه می‌باشد. می‌توان گفت که میزان سهم‌گیری زنان بستگی به تسهیل شرایط سهم‌گیری آنها دارد. در عین حال، سهم‌گیری آنان منحصر و محدود به وظایف اداره اجتماع یا مسائل مربوط به حکومت‌داری محل می‌گردد و در انتخاب پروژه‌ها دخیل نمی‌باشد.

^۴ . نیکسون، همیش، تغییر در سطح حکومت‌داری محلی، شورای انکشافی قریه در افغانستان، مرکز تحقیق و ارزیابی افغانستان، پرسشنامه مرکز تحقیق و ارزیابی افغانستان.

بسیاری از مردم ابراز داشته‌اند که از شوراهای انکشافی قریه برای مقاصد فراتر از برنامه‌ریزی استفاده نموده‌اند. شوراهای انکشافی قریه، به طور مکرر، در امور سازماندهی حشر سهم فعال داشته‌اند. برخی دیگر از شوراهای انکشافی قریه در فعالیت‌های تنظیم امور آمادگی و مقابله با حوادث سهم فعال گرفته‌اند و تعدادی دیگر در ایجاد فرصت‌های شغلی برای گروه‌های آسیب‌پذیر و جمع‌آوری پول برای خانواده‌های بی‌بضاعت همکاری نموده‌اند.

شوراهای انکشافی قریه سهم بارزی را در زمینه رفاه مردم و اجتماعات محل در سراسر کشور ایفا نموده و تلاش‌های بی‌وقفه‌ای، در راستای کمک به سهم‌گیری مردم در شناسایی و تشخیص اولویت‌های انکشافی آنان، انجام داده‌اند.

برای حفظ جایگاه شوراهای انکشافی قریه به مثابه نهادهای حاکمیت محلی، وزارت احیاء و انکشاف دهات طرزالعملی را تهیه نموده که مبنایی را برای تداوم کار و فعالیت این شوراها در آینده فراهم می‌آورد. طرزالعمل یادشده، در نوامبر سال ۲۰۰۶، توسط مقام عالی ریاست جمهوری به امضا رسید. این طرزالعمل یک رهنمود اداری برای فعالیت‌های وزارت احیاء و انکشاف دهات بوده و برای وزارت‌های دیگر الزام‌آور نمی‌باشد. این طرزالعمل نقش شوراهای انکشافی قریه را توسعه داده و وظایف هماهنگی و اداری بیشتری، فراتر از گستره اصلی فعالیت‌های‌شان را به آنها محول نموده است. در طرزالعمل شوراهای انکشافی قریه موضوعات حساس و مهمی، از قبیل اینکه آیا این شوراها نهادهای جامعه مدنی یا نهادهای اداره محلی می‌باشند، بی‌پاسخ مانده است. همچنین، این سوال که شوراهای انکشافی قریه فعالیت‌ها و وظایف خود را با شوراهای قریه و نیز ولسوال‌ها و شوراهای ولسوالی چگونه هماهنگ خواهند نمود، نیز مبهم مانده است. علاوه بر این، نقش حل منازعات قریه که به شوراهای انکشافی قریه سپرده شده است، نیز مبهم می‌باشد.

در عین حال، سؤالاتی پیرامون ظرفیت شوراهای انکشافی قریه در سراسر کشور مطرح می‌باشد. همچنین، سؤالاتی نظیر اینکه "ظرفیت شوراهای انکشافی قریه برای انجام فعالیت‌های حکومت‌داری چگونه باید ارتقا یابد و برای تداوم اکثریت این شوراها، در صورت ادامه‌نیافتن برنامه همبستگی ملی، به چه چیزها و منابعی نیاز است"، بی‌پاسخ مانده‌اند.

مخالفت‌هایی در برابر شوراهای انکشافی قریه از طرف ساختارهای سنتی قدرت، نظیر ملک‌ها، شوراهای عرفی و نیز ولسوال‌ها وجود داشته است.

ادارات غیر رسمی حکومت‌داری در سطح قریه

ملک، ارباب، قریه‌دار

این افراد مسئول برقراری ارتباطات بین مردم و دولت می‌باشند. آنان در راستای حل و فصل منازعات و حفظ منابع و جایزاده‌های عامه قریه فعالیت می‌کنند. "ملک" یا "قریه‌دار"، اساساً حلقه وصل بین مردم و اداره ولسوالی می‌باشد. ملک دارای نقش مسلط در قریه بوده و صلاحیت و جایگاه خاص خود را در سطح قریه دارد. وظایف، حوزه انتخاب و روش تعیین ملک، در بخش‌های مختلف کشور، بسیار متفاوت می‌باشد. نقش ملک‌ها نسبت به دیگر نهادهای قریه بسیار تفاوت دارد. در برخی نقاط کشور این نهاد کاملاً از بین رفته است؛ ولی در نقاط دیگر، ملک‌های قریه هنوز هم نقش خود را، به حیث یک شخص محوری در سطح محل، حفظ نموده‌اند. ملک‌ها پل ارتباطی بین مردم و اداره ولسوالی می‌باشند. آنها با اشتراک در جرگه‌ها، ثبت تولدها، ازدواج‌ها، و حاضر ساختن خانواده‌ها در مراسم عقد نکاح و... فعالیت می‌کنند. ملک‌ها یا توسط مردم قریه انتخاب می‌شوند و یا این مقام را به طور خانوادگی به ارث برده‌اند. ملک‌های جدید با اجماع سران خانواده‌های قریه انتخاب می‌شوند. میزان نفوذ ملک نیز بسیار متفاوت می‌باشد. ملک تنها می‌تواند با یک اجتماع و یا یک بخش کوچک قریه در ارتباط باشد. در برخی حوزه‌ها و ناحیه‌ها، یک سیستم پذیرفته‌شده ناحیه‌ها یا حوزه‌های فرعی به نام "منطقه" وجود دارد که هر یک دارای تعداد مشخصی ملک می‌باشد. ملک‌ها برای پستی که احراز نموده‌اند و فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، هیچ نوع حمایت مالی از مردم یا دولت دریافت نمی‌کنند. در برخی از ولایات عبارت "ارباب" مشخص‌کننده اشخاص بانفوذ در اجتماعات محلی می‌باشد. ارباب‌ها چنین نفوذی را از مجرای مالکیت بر زمین به دست می‌آورند. سازماندهی و تنظیم امور حکومت‌داری در سطح قریه در نقاط مختلف کشور فرق دارد.

خان

"خان" کسی است که زمین زیادی دارد و منابع اجتماع را کنترل می‌کند. خان زمینه کار برای کارگران قریه را فراهم می‌نماید و همچنین، زمین زراعتی در اختیار دهقانان قرار می‌دهد و در حل منازعات و اختلافات به مردم قریه کمک می‌کند.

ریش سفید، ملک گذر، کلانتر

رهبران اجتماع عموماً از طبقه ذکور و گروپ‌های قبیلوی اند، که به نام "ریش سفید" از آنها یاد می‌گردد.

میراب

مسئول کنترل آب کانال‌های عمومی می‌باشد و مسئول مراقبت از این کانال‌ها به عهده اوست.

علما و ملامامان

رهبران مذهبی که وظیفه امامت جماعت و ارائه خطبه به مردم را به عهده دارند و دارای صلاحیت قضاوت در زمینه امور اخلاقی می‌باشند. همچنین آنان در حل منازعات، از منظر قوانین شرع، نیز با مردم همکاری می‌کنند.

تعیین والی و ولسوال

تجربه کشورهای مختلف در حال گذار از کشمکش‌ها و بحران‌ها نشان می‌دهد، وقتی رهبری این کشورها وسایل و سیستم‌های مدیریتی مناسب، شفاف و حساب‌ده را ایجاد و آنها را به طور عادلانه و درست اجرا کرده‌اند، اجزای کلیدی و اساسی صلح و انکشاف پایدار، بیشتر قابل حصول و دستیابی گردیده است. از این طریق مشروعیت دولت و اعتماد مردم نسبت به آن به دست می‌آید. حکومت افغانستان برای رسیدن به این هدف لازم است سیستم‌ها و ابزارهای مدیریتی لازم را برای تعیین والی‌ها و ولسوال‌ها طرح نماید. تعیین والی‌ها بر اساس اصل شایسته‌سالاری یکی از لازمه‌های تشویق و تأمین صلح پایدار در کشور به حساب می‌آید.

پالیسی و قوانین فعلی در زمینه تعیینات والی‌ها و ولسوال‌ها تا حد زیادی واضح می‌باشد. مطابق با قرارداد لندن و احکم شماره ۲۴۲۱، صادره در ۱۶ سپتمبر ۲۰۰۸ مقام ریاست جمهوری، مبنی بر ایجاد یک میکانیزم مشورتی برای تعیینات مقامات عالی‌رتبه دولتی، این مقامات قبل از تعیین باید مورد بررسی قرار گیرند. با آنکه وضاحت قانونی در مورد نحوه تعیینات مقامات ارشد دولتی وجود دارد، پروسه طرح‌شده در مورد تعیینات والی‌ها و ولسوال‌ها مراعات و پیگیری نشده است.

بر اساس "قرارداد افغانستان" که در جنوری سال ۲۰۰۶ میلادی روی آن توافق صورت گرفت، «در خلال ۶ ماه یک میکانیزم برای تعیینات شفاف ملی ایجاد خواهد گردید (تا اگست ۲۰۰۶) و طی ۱۲ ماه این میکانیزم تطبیق خواهد شد. (الی فبروری ۲۰۰۷)، و تا ۲۴ ماه، به طور کامل، برای تعیینات تمام بست‌های عالی مرکزی و قضایی و نیز برای تعیینات والی‌ها، قوماندانان امنیه، ولسوال‌ها و رئیس‌های امنیت ملی در سطح ولایت به اجرا در خواهد آمد.» هدف از ایجاد میکانیزم تعیینات ملی، داشتن یک میکانیزم بررسی و ارزیابی تمام تعیینات پست‌های عالی دولتی و اجرای اصل شایسته‌سالاری در این تعیینات می‌باشد.

مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان، در پاسخ به قرارداد افغانستان، حکمی را در سپتامبر ۲۰۰۶ برای ایجاد یک میکانیزم مشورتی برای تعیینات پست‌های عالی دولتی صادر نمود. در ماده «۴» این حکم آمده است: «پست‌های ارشد تحت این حکم، شامل والی‌ها، معینان وزارت‌ها، قوماندانان امنیه، رئیس‌های امنیت در سطح ولایت و اعضای کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، از طریق بورد عالی تعیینات برای افراد عالی‌رتبه، و معاون والی و ولسوال از طریق بورد تعیینات مستقل خدمات کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی تعیین گردند.»

مطابق حکم مقام ریاست جمهوری، بورد عالی تعیینات ملی مکلف می‌باشد که نظریات خود را در باره هر یک از کاندیداهای پست‌های ارشد ملکی، که در بالا به آنها اشاره شد، (والی‌ها، معینان وزارت‌ها، قوماندانان امنیه، رئیس‌های امنیت در سطح ولایت، اعضای کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی) به طور کتبی به مقام ریاست جمهوری ارائه نمایند.

مقام ریاست جمهوری، در عقرب ۱۳۸۶، حکمی را امضا کرد (حکم شماره ۱۲۹۷) که بعد از آن به جای کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، اداره مستقل ارگان‌های محلی در زمینه تعیینات معاونین والی‌ها و ولسوال‌ها با مقام ریاست جمهوری کار خواهد نمود.

در عین حال، مقام ریاست جمهوری حمل ۱۳۸۷ حکم شماره ۶۷۷ را در باره طرزالعمل کاری بورد عالی تعیینات ملی صادر نمود. بر اساس این طرزالعمل کاری، بورد عالی تعیینات ملی مسئول بررسی کاندیداهای پست والی‌ها و ولسوال‌ها می‌باشد. در ماده اول این طرزالعمل کاری آمده است: «این حکم به منظور حمایت مؤثر از اداره ملکی و بهبود ظرفیت کاری در سطح رهبری وزارت‌ها و ادارات دولتی، ایجاد شفافیت در استخدام و رعایت اصل سپردن کار به کاردان انفاذ یافته است.»

بالاخره، مقام ریاست جمهوری، در ماه حوت ۱۳۸۸، حکم شماره ۲۱۱۳ را در باره تبدیلی پست معاون والی و ولسوال به پست‌های خدمات ملکی صادر نمود. به اساس این حکم، ولسوال از طریق کمیسیون اصلاحات اداری توسط مکانیزم شفاف، رقابتی و مبتنی بر اصل شایسته‌سالاری استخدام می‌گردد.

پولیس ملی افغانستان

امنیت یکی از پیش‌شرط‌های لازم برای انکشاف می‌باشد. حاکمیت نظم و قانون فضای لازم را برای حصول صلح و انکشاف در گستره وسیع‌تر آن فراهم می‌آورد. از این رو، داشتن یک نیروی پولیس قوی و با انگیزه، برای تقویت امور حکومت‌داری در کشور یک امر لازم می‌باشد. پولیس ملی افغانستان اولین نقطه اتصال

حکومت با مردم در ولایات می‌باشد. با آنکه در راستای تطبیق اصلاحات در وزارت داخله و بخش پولیس طی دو سال گذشته پیشرفت جریان داشته است، موانع متعددی از جمله فساد، در مقابل تطبیق اصلاحات در این وزارت هنوز هم وجود دارد. یکی از موانع اساسی در برابر تطبیق اصلاحات در بخش پولیس، عدم تقویت، کارایی و حساب‌دهی پولیس ملی است که منجر به این شده که حکومت جمهوری اسلامی افغانستان نتواند به گسترش حاکمیت قانون، رشد اقتصادی، ثبات سرتاسری و مشروعیت دست یابد.

برای اصلاح بسیاری از مشکلاتی که در بخش پولیس وجود دارد، روند تطبیق رتبه‌ها و معاشات در اوایل سال ۱۳۸۴ آغاز گردید. اهداف عمده این اصلاحات عبارت اند از:

۱. اصلاح ساختار پست‌های عالی، از طریق کاهش تعداد پست‌های عالی؛
۲. نهادینه‌سازی یک روند برای امتحان و انتخاب افسران پولیس، بر اساس اصل شایسته‌سالاری، به جای انتخاب بر اساس روابط شخصی و حزبی و یا از راه‌های غیر مشروع دیگر؛
۳. افزایش معاشات برای تسهیل و زمینه‌سازی برای استخدام و حفظ کارمندان و کاهش فساد.

مهم‌ترین بخش اصلاحات رتبه‌ها و معاشات ایجاد روندی برای تقرر افسران پولیس برای کاهش تعداد زیادی از بست‌های عالی بود. تطبیق روند اصلاحات رتبه‌ها و معاشات از اوایل سال ۱۳۸۴ شروع و در اواسط سال ۱۳۸۶ به پایان رسید.

یکی از موانع جدی فراروی تطبیق اصلاحات پولیس، اطمینان‌یافتن از این امر است که تعیینات و ترفیعات به طور درست و بر اساس شایسته‌سالاری صورت گیرد و از آن عدول نگردد.

تا سال ۱۳۸۴ میان وزارت امور داخله و جامعه بین‌المللی نسبت به ارائه آموزش‌های بیشتر و تجهیز نیروهای پولیس، که تحت اصلاحات قرار نگرفته بود، اجماع و درک بهتری به وجود آمد. از آن زمان تا کنون منابع و توجه بیشتری به اصلاح اداری و اصلاح پولیس معطوف گردیده است.

اصلاحات اداری شامل موارد آتی می‌باشد:

۱. ایجاد ۵ قوماندانی ساحوی پولیس بر اساس مدل ساختار ساحوی اردوی ملی افغانستان؛
۲. بررسی سلسله‌مراتب قومنده برای شامل‌سازی مراکز فرماندهی ساحوی؛
۳. تجدید توازن بین قوای پولیس و سوق نیروهای پولیس بیشتر به مناطق جنوب کشور، برای کمک به عملیات مقابله با ناآرامی‌ها؛
۴. حذف برخی از نیروهای پولیس (پولیس شاهراه افغانستان و پولیس ضد حوادث و ایجاد پولیس ملی کمکی افغانستان و پولیس حفظ نظم عامه)؛

۵. اصلاح تشکیک و افزایش تعداد نیروهای پولیس افغانستان نسبت به آنچه که در قرارداد افغانستان مورد توافق قرار گرفته بود. (از ۶۲ هزار به ۸۲ هزار).

ناتوانی در اتخاذ یک شیوه مؤثر و جامع برای اصلاحات اداری در وزارت داخله، یکی از کوتاهی‌های عمده در بخش اصلاح پولیس در افغانستان، از سال ۱۳۸۱ تا به حال می‌باشد؛ ولی از سال ۱۳۸۱ تا کنون پیشرفت‌های چشمگیری در دو بخش اصلاحات اداری (اصلاح معاشات و اصلاح رتبه‌ها و معاشات) صورت گرفته است.

شاروالی‌ها

قانون شاروالی‌ها اساس ساختار تشکیلاتی شاروالی را بیان و نیز انعطاف‌پذیری لازم جهت ایجاد تغییر و تعدیل چنین ساختار تشکیلاتی را به منظور دستیابی به اهداف تعیین شده تصریح می‌نماید. در حالی که ساختارهای تشکیلاتی کنونی شاروالی‌ها نمی‌توانند این ادارات را قادر سازند تا خدمات ضروری را، با در نظر داشت سطح کنونی شهرنشینی و منابع موجود، عرضه کنند. وظایف مقامات شاروالی، از قبیل شاروال و معاون شاروالی، و ساختارهای کلیدی، چون شوراهای شاروالی‌ها و شوراهای اداری شاروالی‌ها، در قانون شاروالی‌ها تعریف نشده اند. بسیاری از فرآیندهای حکومت‌داری، از قبیل طرح پالیسی و وظیفوی، قوانین محلی، تطبیق پلان، مراقبت و ارزیابی، تنظیم کارکردهای شاروالی، تفتیش و کنترل داخلی در اداره شاروالی نهادینه نشده‌اند. مشارکت دولت و اجتماعات محلی، در حالی که در چارچوب‌های قانون و پالیسی تجویز و حکم شده، در حد یک ویژگی دورنمای معیاری اداره باقی مانده است. نظارت بر شاروالی‌ها یکی از وظایف اساسی اداره مستقل ارگان‌های محلی می‌باشد. همین طور، توقع می‌رود که شاروالی‌ها تحت نظارت مستقیم مقام ولایت قرار داشته باشند. اما چگونگی و شیوه‌های نظارت بر ادارات شاروالی‌ها مغشوش است. اداره مستقل ارگان‌های محلی از طریق ریاست امور شاروالی‌های خویش، بعضی اوقات، مستقیماً امور شاروالی‌ها را با اعزام هیئت تفتیش مورد بررسی قرار می‌دهد و از شاروال‌ها و سایر مقامات ذی‌ربط خواهان معلومات می‌گردد. اکثر شاروالی‌های ولایتی یا ولسوالی، مستقیماً به والی، و یا طوری که بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت، به مجلس اداری ولایت - که والی در رأس آن بوده و رئیس‌های سایر ادارات ولایتی و وزارتخانه‌ها در آن عضویت دارند - گزارش‌دهنده می‌باشند. قضایا و مواردی وجود دارد که شاروالی‌های ولسوالی‌ها آنها را به شاروالی ولایتی که تحت نظارت آن قرار دارند، گزارش می‌دهند. در این توافق و ترتیبات، شاروالی ولایتی حتی عواید شاروالی‌های ولسوالی‌ها را جمع‌آوری نموده و بودجه مصارف آنها را ترتیب می‌نماید تا بعداً در بودجه شاروالی ولایتی گنجانیده شود. عده‌ای از شاروال‌های ولسوالی‌ها تحت نظر ولسوال‌ها کار می‌کنند. این امر شاید مبین این حقیقت باشد که قلمرو شاروالی‌های ولسوالی از قلمرو شاروالی‌های ولایتی گرفته شده است.

شاروالی کابل وضعیت متفاوتی با سایر شاروالی‌ها دارد. وضعیت آن شبیه یک اداره مرکزی است که مستقیماً به حکومت مرکزی گزارش‌ده می‌باشد. این شاروالی به ادارات سکتوری سطح مرکز دسترسی مستقیم دارد. سایر

شاروالی‌ها اکثراً، یا به صورت مستقیم از طریق وزارت‌ها یا از طریق ریاست‌های ولایتی آنها، با ادارات سکتوری ارتباط برقرار می‌نمایند.

شاروالی‌ها مأموریت دارند تا نیازهای ساکنین تحت پوشش‌شان را از طریق منابع عایداتی خویش و با در نظر داشت رهنمودها و پالیسی‌های ادارات مرکزی ذی‌ربط تأمین کنند. چنان‌که در قانون شاروالی‌ها تصریح شده است، شاروالی مسئولیت عرضه خدمات آتی را دارد:

- خدمات اساسی اجتماعی-اقتصادی در امر تهیه و توزیع غذا، جلوگیری از شیوع امراض، معیشت، امور فرهنگی، ورزشی، سوادآموزی و آموزش مسلکی؛
- خدمات اجتماعی، از قبیل تکفین و تدفین اموات، حمایت حقوقی و غیره؛
- احداث، تنظیم و حفظ و مراقبت از زیربنای عامه، مثل آب، سیستم فاضلاب، جاده‌ها، تسهیلات ورزشی، تشناب‌ها و حمام‌های عمومی، مارکیت‌ها، مراکز فرهنگی و تاریخی، مراکز مدنی، باغ‌های عمومی، منازل مسکونی و تجارتي و تسهیلات باربری عمومی.

خدماتی از قبیل خدمات زراعتی، مخابراتی، تکنالوژی معلوماتی، خدمات زیربنایی، تجارت و امثال اینها، به عهده ادارات مرکزی می‌باشند و مستقیماً توسط خود آنها پلان‌گذاری، برنامه‌ریزی و عرضه می‌گردند. شاروالی‌ها در تطبیق این پلان‌ها با این ادارات همکاری نموده و بعضاً به نمایندگی از اداره مرکزی بر پیشرفت کار پلان‌ها نظارت می‌نمایند. شاروالی‌ها، به علت نداشتن منابع لازم، هم از لحاظ شناسایی نیازمندی‌های واقعی و هم از لحاظ حمایت مالی از عرضه خدمات، دچار محدودیت و مشکل می‌باشند. سیستم‌های خدمات‌رسان در اداره شاروالی، جهت پاسخ‌دهی به نیاز واقعی یا تمرکز توجه به عرصه‌های شدیداً نیازمند، نهادینه نشده‌اند.

پلان‌گذاری اجتماعی-اقتصادی در ارتباط به پلان‌گذاری انکشافی در سطح اداره محلی تا هنوز نهادینه نشده است. در بسیاری از حالات، شاروالی‌ها حتی ارقام و معلومات لازم برای طرح پلان انکشافی پاسخ‌ده را ندارند. دولت، ماسترپلان‌ها را طرح، تأیید و تصویب می‌نماید و شاروالی‌ها مسئول پیشنهاد ماسترپلان‌ها به دولت و تطبیق آنها می‌باشند. در واقع شاروالی‌ها این ماسترپلان‌ها را تحت نظارت مرکز تطبیق می‌نمایند. در اغلب موارد، ساختارها و میکانیزم‌های نهادی لازم برای همخوانی با روند پلان‌گذاری-بودجه‌سازی تا کنون در سطح شاروالی‌ها ایجاد نگردیده است. در ضمن، به سهم‌گیری مردم به مثابه بخش غیر قابل انکار این روند نگرسته نمی‌شود.

با این وصف، قانون شاروالی‌ها، شورای اداری شاروالی را ملزم به تصویب پلان‌ها و بودجه‌های شاروالی مطابق با نیازهای مردم و دیدگاه‌های شاروالی می‌نماید.

شاروالی‌ها دارای صلاحیت مالی می‌باشند، چون به آنها اختیار داده شده است تا برای خود عواید تولید نموده و تا حدی در استفاده از این عواید دارای استقلال باشند. انتقال وجوه بین ادارات حکومتی قانوناً مجاز است، ولی به صورت عموم، عملی نمی‌گردد. بودجه‌های شاروالی‌ها در صورت عدم کفایت، باید از جانب حکومت مرکزی تکمیل و افزایش یابد. زمانی که پروژه‌های حکومت مرکزی به شاروالی انتقال می‌یابد، بودجه آن نیز باید همزمان به شاروالی منتقل گردد. بودجه‌های شاروالی‌ها از جانب شاروال ترتیب می‌شود و شورای اداری شاروالی آن را تأیید و پس از ارزیابی وزارت مالیه، در بودجه ملی شامل و برای منظوری به شورای وزیران تقدیم می‌شود. بودجه شاروالی‌ها متشکل از بودجه عادی و انکشافی است، که ۴۵ فیصد عواید ثابت شاروالی‌ها برای تمویل بودجه عادی و ۵۵ فیصد باقی‌مانده، به عنوان عواید ثابت و عواید غیرثابت، برای تمویل بودجه انکشافی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورتی که عواید ثابت نتواند بودجه عادی را تمویل کند، با موافقت وزارت مالیه، کسر آن از ۵۵ فیصد باقی‌مانده عواید ثابت و عواید غیر ثابت جبران می‌گردد.

خلاصه چارچوب قانون فعلی شاروالی‌ها

- قانون شاروالی‌ها سه سال قبل از توشیح قانون اساسی جدید، در سال ۱۳۷۹ وضع و تصویب شد. از این رو، این قانون مطابقت کامل با قانون اساسی ندارد.
- برخلاف احکام قانون اساسی در رابطه با تفویض صلاحیت‌های لازم به اداره محلی به منظور بهبود شرایط محلی از طریق سهم‌گیری مردم، در قانون شاروالی‌ها و سایر قوانین، تفویض صلاحیت یا مسئولیت‌ها تصریح نگردیده است.
- قانون اساسی در مورد انتخاب شاروال و اعضای شورای شاروالی صراحت دارد و قانون شاروالی در مورد انتصاب و مقرری آنها صراحت دارد.
- قانون شاروالی‌ها، با وجود اینکه شاروالی‌ها را ملزم به استقلال مالی و خودکفایی مالی نموده است، به آنها صلاحیت‌های کافی برای تولید عواید را نداده است.
- در حال حاضر، در تعریف حقوقی شاروالی‌ها، شخصیت حقوقی و ویژگی‌های آنها به طور واضح تبیین نشده است.
- این تعریف، نواحی شاروالی را که هم‌سطح با شاروالی‌ها در سلسله‌مراتب موجود قرار دارند، شامل نمی‌گردد. وجود دو نوع متفاوت از واحدهای اداره محلی موجب اغتشاش در امر بررسی، نظارت و گزارش‌دهی و گزارش‌گیری می‌گردد.
- شاروالی کابل از یک وضعیت خاص و مشابه با وزارتخانه‌های حکومت مرکزی برخوردار است.
- شرایط ایجاد شاروالی‌ها ناکارا و بحث‌برانگیز است، زیرا این شرایط غیر قابل سنجش بوده و عواملی مانند ساحات اراضی، حدود جغرافیایی، ظرفیت مالی، عرضه خدمات و تقسیم اداری در آن نادیده گرفته شده است.

• قانون شاروالی‌ها قادر به تبیین واضح صلاحیت‌ها و تعریف مسئولیت‌های شاروالی‌ها نیست تا این ادارت بر اساس آنها بتوانند وظیفه و مأموریت خود را که عبارت از «تأمین رفاه عمومی مردم می‌باشد» به انجام برسانند. همچنین در این قانون، وظایفی از قبیل پلان‌گذاری انکشافی، ایجاد چشمه‌های عایداتی، عرضه خدمات اساسی، تقویت اجتماعات محلی و وضع مقرره‌های محلی، یا از قلم افتاده، یا مبهم می‌باشد.

با در نظر داشت ناهمخوانی‌ها و نواقص مذکور، موانع قانونی و ساختاری ذیل به قوت خود در حکومت‌داری و اداره شاروالی‌ها باقی خواهند ماند:

۱. چهارچوب ضعیف قانونی و پالیسی؛
۲. شاروالی‌هایی که به طور غیر رسمی ایجاد شده‌اند، نزد حکومت مرکزی دارای اعتبار نمی‌باشند.
۳. انتقال مبهم صلاحیت از حکومت مرکزی به اداره محلی؛
۴. کمبود منابع بشری مسلکی؛
۵. صلاحیت‌ها و مسئولیت‌های مبهم؛
۶. تمرکزگرایی شدید، به خصوص در تصمیم‌گیری؛
۷. محیط بازدارنده که سبب محدودیت فعالیت‌های سکتور خصوصی و مشارکت عامه می‌گردد.
۸. نظارت و بررسی ضعیف حکومت مرکزی؛
۹. وجود قدرتمندان فراقانونی و فساد اداری؛
۱۰. نبود صلح و ثبات؛
۱۱. وجود قدرتمندان بیشتر بر مبنای قانون اساسی و فساد اداری؛
۱۲. ظرفیت بسیار پایین در میان نهادها و ادارات همکار؛
۱۳. ظرفیت پایین خدمات‌رسانی که منجر به کیفیت پایین و غیرجوابده ساختن خدمات شاروالی می‌گردد.
۱۴. عدم شفافیت و حساب‌دهی مستقیم به مقامات ذی‌صلاح ادارات حکومتی و مردم؛
۱۵. نبود پلان‌های درازمدت که رهنمای رشد و توسعه شاروالی‌ها باشد.
۱۶. نبود میکانیزم‌ها و ساختارهای نظام‌مند نهادی و کم مصرف؛
۱۷. منابع غیرکافی برای تحقق مقاصد انکشافی؛
۱۸. تولید ناکافی عواید و مدیریت ضعیف مالی؛
۱۹. نبود دموکراسی نمایندگی؛
۲۰. مشارکت محدود زنان؛

درچارچوب قانونی فعلی، شاروالی‌ها قادر به ارائه رهنمود کافی برای اداره محلی، به شمول شاروالی‌ها و نواحی، نمی‌باشد. شرح عمودی وظایف از سطح حکومت مرکزی تا پایین‌ترین سطح سلسله‌مراتب حاکمیت مبهم است

که بخشی از این ابهام به تفکیک نواحی شاروالی از ولسوالی‌ها بر می‌گردد، حتی اگر هر دوی آنها در یک سلسله‌مراتب قرار داشته باشند. افزون بر آن، اساس قانونی کافی برای شاروالی‌ها جهت خدمات‌رسانی به طور کامل و مسئولانه و مدیریت مؤثر و کارای فعالیت‌های مربوط به شاروالی‌ها فراهم نشده است.

در حقیقت قانون شاروالی‌ها ۳ سال قبل از توشیح قانون اساسی جدید وضع گردید. از این رو، لازم است تا قانون شاروالی‌ها جهت همخوانی و مطابقت با احکام قانون اساسی، مورد بازنگری قرار گیرد. در ضمن، بعضی از مواد این قانون واضح نبوده و نمی‌تواند اساسات کافی را برای طرح پالیسی اداره شاروالی و ایجاد استراتژی شاروالی در اختیار قرار دهد. بعضی از این موضوعات عبارت‌اند از:

- نبود تعریف واضح از شاروالی‌ها و نواحی آنها؛
- نبود احکام لازم برای طبقه‌بندی شاروالی‌ها؛
- نبود احکام لازم برای ایجاد و انحلال شاروالی‌هایی که دوام مالی ندارند یا شاروالی‌هایی که به طور غیر رسمی ایجاد گردیده‌اند و نبود احکام لازم برای ادغام شاروالی‌ها؛
- وظایف اساسی و اختیاری شاروالی‌ها به طور واضح تعریف نگردیده است.
- نبود احکام لازم در باره میکانیزم‌ها و ساختارهای نهادی نظیر کارکردها، اداره شاروالی‌ها، روابط بین ادارات دولتی، نظارت اداری، مدیریت انکشافی، مدیریت مالی، شبکه‌سازی و مشارکت شاروالی با سایر ادارات؛
- احکام لازم برای مجازات و تأدیب کارمندانی که از قانون سرپیچی کنند وجود نداشته و یا به طور واضح تعریف نشده‌اند.

در پالیسی شاروالی باید سعی شود یک چارچوب قانونی ایجاد گردد که به طور کامل با قانون اساسی افغانستان، به مثابه قانون مادر، مطابقت داشته باشد، تا اطمینان حاصل آید که در این چارچوب قانونی می‌تواند نوع و ماهیت وظایف شاروالی‌ها تعریف گردد. همچنین بر مبنای این پالیسی‌ها باید میکانیزم‌هایی برای ایجاد، ادغام و انحلال شاروالی‌ها شناسایی گردد. این چارچوب باید دارای اساس قانونی کافی جهت سازماندهی شاروالی‌ها و به عهده‌گیری وظایف حکومت‌داری و تحقق اهداف شاروالی‌ها باشد. این قانون باید اساس تدوین قواعد و مقررات متمم برای اداره امور شاروالی‌ها را فراهم سازد.

ارائه تسهیلات و امکانات دفتری برای ادارات محلی

در حال حاضر زیربناهای کافی برای اسکان ادارات محلی برای ایفای وظایف و نقش های محوله آنان وجود ندارد. در سطح ولایت فقط ۲۹ ولایت از ۳۴ ولایت دارای دفتر برای والی ها بوده و از میان آنان فقط ۲۴ اداره دارای سیستم آب و برق می باشند. فقط برای ۱۵ والی از ۳۴ والی از طرف دولت اقامتگاه فراهم گردیده است. علاوه بر آن، فقط برای ۵ شورای ولایتی از ۳۴ شورای ولایتی، از طرف دولت تعمیر محل کار داده شده است. در سطح ولسوالی کمبودهای یاد شده بیشتر است. فقط ۱۸۰ ولسوال از ۳۶۴ ولسوال دارای دفاتر کار می باشند که از طرف دولت برای آنها فراهم شده است. همچنین برای ۱۱۷ ولسوال از ۳۶۴ ولسوال از طرف دولت منزل رهائشی داده شده است.

نبود زیرساخت برای حمایت از والی ها و ولسوال ها و نیز شوراهای ولایتی، یک مانع جدی برای استفاده مؤثر از توان و قابلیت های شان در انجام وظایف و مسئولیت های سپرده شده می باشد.

جامعه مدنی و رسانه ها

جامعه مدنی به حوزه ای از فعالیت های اجتماعی غیر اجباری اطلاق می گردد که بر محور مصالح، اهداف و ارزش های مشترک می چرخد. جامعه مدنی، از نظر ساختار اداری از دولت، خانواده و بازار متمایز می باشد؛ این در حالی است که مرزهای بین دولت، جامعه مدنی، خانواده و بازار اغلب پیچیده، نامشخص و قابل مذاکره می باشد. حوزه جامعه مدنی اغلب عرصه ها، عاملین و ساختارهای اداری متنوعی را در بر می گیرد که از نظر درجه رسمیت، صلاحیت و اختیار با یکدیگر فرق دارند. جامعه مدنی، اغلب، ترکیبی است از سازمان های، نظیر نهادهای خیریه ثبت شده، مؤسسات انکشافی غیر دولتی، گروه های اجتماعی، سازمان های زنان، سازمان های مذهبی، نهادهای تخصصی، اتحادیه های تجاری، گروه های همیاری، اصناف تجاری، ائتلاف ها و گروه های دادخواهی می باشد.^۵

^۵. پوهنځی اقتصاد لندن، مرکز جامعه مدنی، http://www.lse.ac.uk/collections/CCS/what_is_civil_society.htm

جامعه مدنی مجموعه‌ای از سازمان‌های داوطلب مدنی و اجتماعی و نهادهایی می‌باشد که اساس یک جامعه فعال را، که مغایر با ساختارهای اجباری دولت و نهادهای تجاری می‌باشد، پی‌ریزی می‌کند. جامعه مدنی شامل ادارات دولتی، احزاب سیاسی و بازار (بخش خصوصی) نمی‌گردد. در افغانستان، جامعه مدنی شامل شوراهای جرگه‌ها، جلسه‌ها، شوراهای اجتماعی، نهادهای علمی، سازمان‌های اجتماعی، گروه‌های اجتماعی، گروه‌های همیاری، سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌های مسلکی، سازمان‌های مذهبی، شوراهای علماء، اصناف تجاری، کوپراتیف‌ها، گروه‌های فرهنگی، اتحادیه‌های تجاری، گروه‌های زنان، گروه‌های فعال، سازمان‌های خیریه، گروه‌های مدنی، کلب‌ها (کلب‌های ورزشی، اجتماعی و...) و نیز گروه‌های طرفدار محیط زیست می‌شود.

برای برخورداری از حکومت‌داری آزاد و دموکراتیک محلی، لازم است مردم و جامعه مدنی حق ابراز نظر و ظرفیت اعمال نفوذ را بالای موضوعات تصمیم‌گیری که بر زندگی آنها تأثیرگذار می‌باشد است، داشته باشند. در عین حال، اگر تعهد قوی از طرف دولت برای رفع نیازها و توجه به نقطه نظرات مردم وجود نداشته باشد، تنها اعتراض مردم از عملکرد ادارات دولتی و یا ابراز نظر پیرامون اجراءات ادارات دولتی نمی‌تواند مؤثر واقع شود. مشروعیت دولت - حداقل تا حدودی - بستگی به واکنش دولت به خواست‌های مردم دارد. علاوه بر این، سهم‌گیری جامعه مدنی در روندهای تصمیم‌گیری دولت، یکی از لازمه‌های اداره سالم و ابتکارات انکشافی حمایتی از اقشار فقیر می‌باشد. دادن حق ابراز نظر به جامعه مدنی، اغلب، بستگی به تقویت میکانیزم‌های حساب‌دهی دارد که دولت را ترغیب به پاسخ‌دهی و برآورده کردن خواسته‌های مردم می‌نماید. دولت‌های موفق، کنترل بیرونی رسمی بالای عملکرد قوای مجریه، قضائیه و مقننه و نیز کنترل غیر رسمی از طریق بررسی جامعه مدنی و رسانه‌ها را مثبت و ضروری می‌دانند.

مؤسسات غیردولتی در افغانستان در امور عرضه خدمات، ارائه کمک‌های بشردوستانه و آموزش مدنی و دیگر فعالیت‌های مربوط به جامعه مدنی فعالیت می‌کنند. در عین حال، مؤسسات غیر دولتی نقش «دیده‌بان» دولت را ایفا و تلاش نموده‌اند، حساب‌دهی دولت را تقویت نمایند. همچنین، مؤسسات غیر دولتی بیشتر در نقش عرضه‌کننده خدمات ظاهر شده‌اند، نه به مثابه مدافع حساب‌دهی به مردم. مؤسسات غیر دولتی تا کنون ظرفیت کمی را در مورد نظارت بر دولت و ایجاد لابی با شورای ملی یا قوه اجرائیه از خود به نمایش گذاشته‌اند.

بخشی از ضعف‌های نهادهای جامعه مدنی در افغانستان ناشی از ارتباط بسیار ضعیف آنها با رسانه‌های رسمی‌گردد است. باید اعتراف کرد که در افغانستان، برای سهم‌گیری مردم در تصمیم‌گیری سیاسی یا طرح‌ریزی انکشافی در سطح ملی و محلی، هیچ مکانیزمی وجود نداشته و یا اگر وجود هم داشته، بسیار ضعیف بوده است.

ساختارهای غیر رسمی حکومت‌داری نیز می‌توانند به مثابه نهادهای جامعه مدنی مورد استفاده قرار گیرند. شوراها، جرگه‌ها، علما و نیز ملک‌ها وسیله ارتباط بین مردم و حکومت می‌باشند. مقام‌های محلی، نظیر والی‌ها، با بسیاری از این عاملان غیر رسمی در امور مربوطه مشوره می‌نمایند، ولی هیچ ترتیبات رسمی و منسجمی برای ساختارهای غیر رسمی جهت برقراری ارتباط با دولت وجود ندارد. به نظر می‌رسد که شوراها سنتی و جرگه‌ها توان چندان برای انعکاس صدای مردم و ایفای وظیفه به عنوان نهادهای جامعه مدنی ندارند. شوراها یا جرگه‌هایی که تحت رهبری ملک‌ها قرار دارند، ممکن است توسط زورمندان قبضه گردند، یا در اجراء خود، به جای مردم، از جناح خاصی حمایت کنند. علاوه بر آن، اقشار منزوی، نظیر زنان که دارای قدرت بسیار کمی می‌باشند، به ندرت در این شوراها شامل اند و منافع آنها اغلب در نظر گرفته نمی‌شود.

وضعیت عرضه خدمات عامه در سطح محلی

هرچند طی هفت سال گذشته، تلاش‌هایی در راستای تقویت ادارات محلی صورت گرفته است؛ اما این ادارات هنوز در ابتدای راه قرار دارند. سطح پاسخ‌دهی این ادارات به مردم پایین بوده و ظرفیت منابع بشری آنها ضعیف می‌باشد. مجموع این عوامل سبب می‌گردند که ادارات محلی خدمات بی‌کیفیت و سطح پایین را به مردم عرضه کنند. عدم توفیق افغانستان در عمل به تعهدات توافق‌نامه بین‌المللی اقتصاد، حقوق اجتماعی و فرهنگی (ICESCR)، شاخص‌های پایین انکشاف نیروی انسانی و پیشرفت محدود در راستای دستیابی به اهداف انکشافی هزاره سوم، نشان‌دهنده آن است که کیفیت عرضه خدمات در افغانستان نسبت به کشورهای دیگر جهان در پایین‌ترین سطح قرار دارد.

در گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در رابطه با حقوق اقتصادی و اجتماعی مردم، آمده است که «علی‌رغم کوشش‌هایی که دولت افغانستان تا کنون انجام داده است، موفق نگردیده است تا حداقل تعهدات اساسی خود را مبنی بر دستیابی به حقوق اقتصادی و اجتماعی افغان‌ها تحت کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برآورده سازد».^۶ برخی از دلایل اساسی که دولت نتوانسته است به تعهدات خویش عمل کند، عبارت‌اند از: ظرفیت پایین دولت برای عرضه خدمات که ناشی است از اتخاذ تمام تصامیم در سطح مرکزی باشد. همچنین، عوامل دیگری، نظیر عدم مؤثریت و ضعف مدیریتی ادارات محلی که ریشه در بودجه و صلاحیت شدیداً متمرکز دارد، در پایین بودن سطح حساب‌دهی ادارات محلی به مردم، دخیل می‌باشند.

^۶ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، حقوق اقتصادی و اجتماعی در افغانستان، بخش ۲، اگست ۲۰۰۷.

رهبران جهان، در سال ۲۰۰۰ میلادی، طرح اهداف هزارهٔ سوم را اعلان نمودند که بر مبنای آن کشورها برای تقویت تلاش‌های صلح جهانی، حقوق بشر، دموکراسی، حکومت‌داری قوی، ثبات محیطی، ریشه‌کن‌سازی فقر، ترویج اصول انسانی و برابری انسانی متعهد شدند. هشت هدف انکشافی هزارهٔ سوم، بر مبنای اعلامیهٔ هزارهٔ سوم، به عنوان اهداف قابل قیاس برای پیشرفت، انکشاف و ریشه‌کن‌سازی فقر طرح گردیده است. این اهداف کشورهای عضو را برای به‌ترسازی وضعیت بشری، از طریق ریشه‌کن کردن گرسنگی و فقر، فراهم‌آوردن تعلیم و تربیه، توجه به صحت، ایجاد تساوی جنسیتی و حفاظت محیط زیست متعهد می‌سازد. در مارچ سال ۲۰۰۴ افغانستان نیز اعلامیهٔ هزارهٔ سوم را امضا کرد و خود را برای دستیابی به اهداف انکشافی هزارهٔ سوم، به علاوهٔ هدف دستیابی به امنیت تا سال ۲۰۲۰، متعهد دانست.^۷

طوری که اهداف انکشافی هزارهٔ سوم افغانستان، در گزارش سال ۲۰۰۵، توضیح داده شده است، ارتباط نزدیک بین تعهد دولت برای حمایت از حقوق بشر و دستیابی به اهداف انکشافی هزارهٔ سوم می‌باشد وجود دارد؛ زیرا بسیاری از اهداف آنها با هم مطابقت دارند. کوشش‌های اخیر برای اندازه‌گیری پیشرفت دولت جمهوری اسلامی افغانستان به سوی دستیابی به اهداف انکشافی هزارهٔ سوم نشان می‌دهد که اگر این کوشش‌ها تسریع نگردد، دولت به اهداف خود تا سال ۲۰۲۰ دست نخواهد یافت. پیشرفت‌های قوی در عرضهٔ خدمات، برای رسیدن به اهداف انکشافی هزارهٔ سوم در طی این مدت، ضروری می‌باشد.^۸

سطح انکشاف در افغانستان و پیشرفت به سوی دستیابی به اهداف انکشافی هزارهٔ سوم منعکس‌کنندهٔ دسترسی ناچیز مردم افغانستان به خدمات می‌باشد.^۹ شاخص انکشاف بشری افغانستان ۰/۳۴۵ می‌باشد. افغانستان، از بین ۱۷۸ کشور، در ردیف ۱۷۴ قرار می‌گیرد. وضعیت انکشاف زنان در افغانستان به شکل قابل ملاحظه‌ای پایین می‌باشد.

کوشش‌هایی که برای اندازه‌گیری سطح انکشاف بشری، مطابق با اهداف انکشافی هزارهٔ سوم، و نیز سنجش تعهدات اجراشدهٔ دولت، مطابق با کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد انجام شده است، آشکار می‌سازد که با وجود مشکلات زیاد در افغانستان، پیشرفت‌هایی برای دستیابی به انکشاف و ریشه‌کن‌سازی فقر صورت گرفته است؛ ولی هنوز انکشاف در عرصهٔ اقتصادی و اجتماعی کافی نیست. دولت به منظور اجرای تعهدات خویش، باید اصلاحات لازم را به وجود آورد و نیز خدمات لازم را برای بهبود وضعیت

^۷ اهداف انکشافی هزارهٔ سوم افغانستان به قرار ذیل است: (۱) از بین بردن فقر شدید و گرسنگی، (۲) دستیابی به معیارهای جهانی تعلیم و تربیه در سطح ابتدائی، (۳) تقویت عدالت جنسیتی و زنان، (۴) کاهش مرگ و میر اطفال، (۵) بهبود صحت مادران، (۶) مقابله با امراض مهلک ایدز، مالاریا و سایر امراض، (۷) حصول اطمینان از استفادهٔ مؤثر از محیط و حفظ آن، (۸) توسعهٔ همکاری‌های انکشافی در سطح بین‌المللی، (۹) تأمین امنیت.

^۸ لطفاً برای کسب معلومات بیشتر به گزارش اهداف انکشافی هزارهٔ سوم افغانستان مراجعه نمایید.

^۹ لطفاً برای کسب معلومات بیشتر به گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و گزارش توسعهٔ بشری افغانستان مراجعه نمایید.

صحنی و تعلیمی، به شمول آب آشامیدنی صحنی، سیستم فاضلاب و ترانسپورت در اختیار مردم قرار بدهد. ضعف فعلی حکومت‌داری محلی و عرضه خدمات ناکافی، نقش مهمی را در پایین بودن سطح انکشاف بشری، کاهش امید مردم به تأمین امنیت و ثبات بهتر و کاهش چانس‌های دستیابی افغانستان به اهداف انکشافی هزاره سوم، ایفا می‌کند.

یکی از مهم‌ترین موانع تقویت حکومت‌داری محلی و عرضه خدمات بهتر در افغانستان، نبود پالیسی منظم برای ساختار ادارات محلی می‌باشد. نقش‌ها و روابط ساختارهای ادارات محلی مبهم و حتی با هم در تناقض می‌باشند. این امر به مانعی در راستای انجام وظایف این نهادها و انکشاف یک سیستم برای عرضه خدمات بهتر مبدل گردیده است. نبود یک پالیسی یا استراتژی یکپارچه سبب می‌گردد که اداره متمرکز و ساختار خدمات‌رسانی ذات‌البینی، مانند گذشته، شدیداً ناکارآمد باقی بماند. یکی از اهداف اساسی این پالیسی، اصلاح حکومت‌داری و اداره به شیوه‌ای می‌باشد که منجر به عرضه خدمات مؤثر و بهتر گردد.

روابط حساب‌دهی، در چارچوب فعلی حکومت‌داری، در سطح محلی بسیار ضعیف می‌باشد. نبود شفافیت و حساب‌دهی، به خصوص حساب‌دهی به مردم، در ادارات دولتی یکی از موانع عمده و اساسی می‌باشد که فراروی عرضه خدمات بهتر به مردم قرار دارد. زیرا روابط قوی حساب‌دهی یکی از عوامل تعیین‌کننده در عرضه خدمات مؤثر به حساب می‌آید. ایجاد سیستمی که بتواند چنین روابطی را تأمین نماید، برای بهبود انکشاف و توسعه انسانی یک امر انکارناپذیر است.

اقتصاد افغانستان

اقتصاد افغانستان همچنان ضعیف باقی مانده است. تولید اقتصادی چندصد دلری سرانه برای ایجاد عواید کافی شخصی، تداوم یک سکتور عامه مؤثر یا تمویل انبوه واردات کالاها و خدمات ناکافی می‌باشد. علاوه بر ادامه مشکل امنیت، عوامل عمده دیگر در زمینه تولید پایین اقتصادی عبارت‌اند از: سطح پایین اشتغال، بازدهی ضعیف کار، نبود سرمایه و بازدهی اندک سرمایه و نبود یک پالیسی جامع برای تشویق متشبثین برای سرمایه‌گذاری در افغانستان. حداقل، علت بخشی از این عوامل به سطح پایین آموزش و مهارت‌ها، محیط نامساعد سرمایه‌گذاری بر می‌گردد و عامل دیگر اینکه در افغانستان سرمایه‌گذاری بسیار مشکل و گران تمام می‌شود.

در عین حال، افغانستان از نقطه نظر رشد اقتصادی (با نرخ رشد دو رقمی) در مقایسه با اکثر کشورهای آسیایی (با وجود میزان رشد کند) دارای چشم‌انداز خوبی می‌باشد. عملکرد افغانستان در زمینه جذب مستقیم

سرمایه‌گذاری خارجی نیز خوب بوده است. با نگاهی عمیق تر به موضوع، در می‌یابیم که اقتصاد افغانستان دارای مشخصه‌هایی است که مشکل آفرین هستند. اولاً، اندازه و سبب اقتصاد افغانستان بر مبنای درآمد سرانه می‌باشد. درآمد سرانه سال ۲۰۰۵ افغانستان حدود ۲۱۸ دالر بوده است. در مقایسه با آن، درآمد سرانه کشور نپال ۲۷۰ دالر امریکایی، درآمد سرانه جمهوری قرقیزستان ۴۵۰ دالر امریکایی و درآمد سرانه ترکمنستان ۱،۱۸۶ دالر امریکایی بوده است. دومین خاصیت مشکل آفرین اقتصاد افغانستان آن است که تولید اصلی این کشور محصولات زراعتی، سنگ‌های معدنی، گوشت گوسفند، پشم و سمنت می‌باشند. با این وجود، افغانستان مقدار کمی محصولات کم‌ارزش در بازار را تولید می‌کند؛ در حالی که باید محصولات با ارزش بالای صادراتی را که در کشور وجود دارند، تولید کند. در عین حال تراز یا بیلانس تجاری منفی آن ۲،۱ میلیارد دالر در سال ۲۰۰۵ بوده است.

سهم‌گیری پایین نیروی کار (Low inputs of labour) را می‌توان با در نظر داشت دو پدیده شرح داد: اولاً، سطح بلند بیکاری. در سال ۲۰۰۵ میزان بیکاری در افغانستان در حدود ۴۰ فیصد تخمین زده شده بود.^{۱۰} ثانیاً، زنان هنوز هم به طور گسترده از نیروی کار کنار گذاشته می‌شوند. این دو عامل شدیداً سبب محدودیت فرصت‌های سهم‌گیری مردم افغانستان در فعالیت‌های مفید اقتصادی شود.

کیفیت پایین کار در افغانستان ناشی از چند عامل است. چندین دهه جنگ و بی‌توجهی سبب تضعیف شرایط آموزشی نهادهای آموزشی رسمی و غیر رسمی گردید و بسیاری از شاگردان نتوانستند از تعلیمات یا آموزش‌های موجود بهره‌مند شوند که زنان با مشکلات ویژه‌ای در این زمینه مواجه بوده‌اند. این امر سبب گردیده است که بسیاری از مردم از دانش و مهارت‌های مؤثر کاری یا تجارت‌پیشگی محروم بمانند. بسیاری از کسانی که دارای مهارت‌های تجارتی یا صنعتی هستند، مهارت‌های آنان بسیار کهنه و قدیمی می‌باشد، زیرا آنان فرصت فراگیری مهارت‌ها و اندیشه‌های نو و انکشاف تکنولوژیکی را در عرصه‌های کاری‌شان نداشته‌اند.

سطح پایین سرمایه‌گذاری (Low input of capital) ناشی از چندین عامل است:

(۱) امنیت: بدون تردید، وضعیت امنیتی در افغانستان سبب می‌گردد که سرمایه‌گذاری در افغانستان پرهزینه شود و سرمایه‌گذاران برای کسب منفعت، مخاطرات و ریسک را قبول کنند که این امر خود سبب می‌گردد که تمایلی برای سرمایه‌گذاری در کشور نداشته باشند.

(۲) تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه مطمئن نیستند که انواع قرضه‌های موجود شرعی باشند. به هر حال، مهمترین مانع سرازیر شدن سرمایه به افغانستان ممکن است چارچوب کاری اداری و حقوقی برای

^{۱۰} منبع: سازمان استخباراتی امریکا، گزارش حقایق سال ۲۰۰۶ (Fact Book).

سرمایه‌گذاری باشد. در جدیدترین گزارش بانک جهانی آمده است:^{۱۱} «افغانستان از ۱۰ امتیاز در زمینه قدرت قوانین محافظتی خود برای حفاظت از قرضه‌دهندگان، هیچ امتیازی کسب نکرده است. همچنین از ۱۰ امتیاز برای قوانین حفظ تساوی سرمایه‌گذاران فقط ۷ امتیاز را از آن خود نمود. این وضعیت سبب گردید تا افغانستان در این عرصه، مقام یک صد و هفتاد و هفتم را در بین یکصد و هفتاد و هشت کشور به دست آورد. (این بدان معنا است که فعلاً در زمینه حفاظت حقوقی از سرمایه‌گذاران، افغانستان در لیست ضعیف‌ترین کشورها در تمام دنیا قرار دارد). با در نظر داشت اینکه افغانستان هیچ قانونی برای ورشکستگی ندارد و سیستم قضایی مناسب هم موجود نیست، ضعف این حفاظت‌های حقوقی مضاعف می‌گردد. البته کار بالای یک برنامه که بتواند این مشکلات را رفع نماید جریان دارد. مثلاً دولت توانسته است در سال گذشته قانون جدیدی را در برای حمایت از شرکت‌های تجاری تصویب کند. لازم به یادآوری است که این قانون دارای مجموعه‌ای از احکام جامع برای حمایت از سرمایه‌گذاران می‌باشد؛ و نیز یک قانون که اجازه قرضه مشترکِ مصون (collateral-secured borrowing) را می‌دهد، تدوین شده و بحث بالای مندرجات آن جریان دارد.

۳) موقعیت محاط به خشکی افغانستان سبب گردیده است که سرمایه‌گذاران بالقوه خارجی تمایل کمتری برای سرمایه‌گذاری روی صنایع تولیدی تخصص‌گرا (نوع ممتاز سرمایه‌گذاری خارجی که دیگر کشورهای رو به انکشاف از جاذبه‌های آن برخوردارند) در افغانستان داشته باشند.

نبود بازدهی سرمایه (Lack of capital productivity) در افغانستان را می‌توان ناشی از این حقیقت دانست که افغانستان برای انجام کارهای تجاری، کشوری پرهزینه است و هم پروسه‌های کاری در آن بسیار کند می‌باشد. با اینکه ممکن است یک شرکت تجاری را بتوان در طی یک یا دو روز ثبت نمود، ولی این شرکت پس از شروع کار، برای انواع کارهای تجاری، به مجوزهای سکتوری مختلف نیاز دارد که ممکن است صدور این جوازها بیشتر از یک سال طول بکشد. زیربنای ضعیف و نداشتن کارگران ماهر سبب شده است که سرمایه‌گذاری سود چندانی نداشته باشد.

تصویر کلی اقتصادی افغانستان دلگرم‌کننده نیست. به کارگیری ابتکارات انکشافی در سطح محلی که سبب انکشاف اقتصاد محلی شوند، می‌تواند تا حد زیادی منجر به تقویت اقتصاد افغانستان گردد.

^{۱۱} انجام تجارت (Doing Business)، گزارش تجارت افغانستان.

پلان‌گذاری و امور مالی در سطح محلی

نهادهای محلی فعلاً صلاحیت بودجوی ندارند. ولایات در حال حاضر «واحد‌های اداری» می‌باشند نه «واحد‌های اول بودجوی». این وضعیت سبب محرومیت ولایات از داشتن بودجه مخصوص به خود گردیده و یا به عبارت دیگر نمی‌توانند به طور مستقیم از وزارت مالیه وجوه دریافت کنند. اداره مستقل ارگان‌های محلی واحد اول بودجوی می‌باشد که وجوه مالی خود را از طریق وزارت مالیه دریافت می‌کند. دفاتر والی‌ها در واقع واحد‌های فرعی بودجوی اداره مستقل ارگان‌های محلی به حساب می‌آیند. در صورت نیاز دفاتر والی‌ها، مقداری وجوه ناچیز به این ادارات تأدیه می‌گردد، ولی تمام امور مربوط به تهیه و خریداری آنان از طریق مرکز صورت می‌گیرد.

در اصل، بودجه‌ای تحت عنوان بوجه ولایتی وجود ندارد و مقدار مشخصی از وجوه برای کل ولایت تخصیص نمی‌یابد. به جای آن، وزارت‌های سکتوری مقداری بودجه را به هر ولایت تخصیص داده و مطابق آن به ولایات وجوه مالی ارائه می‌دارند. پس از آنکه این پول اعطا (گرانته) می‌گردد، باز هم قسمت عمده آن در کابل باقی می‌ماند. با آنکه ۶۹ فیصد پول تخصیص داده شده در ولایات، در شاروالی‌ها و قریه‌ها مصرف می‌گردد، فقط ۱۷ فیصد آن به صورت پول نقد به ولایات پرداخت می‌شود. اکثریت عمده پول ارسال شده به ولایات مربوط به معاشات معلمان می‌گردد که برای توزیع به ریاست‌های معارف ولایات فرستاده می‌شود. علاوه بر آن، اکثر تصامیم مربوط به تهیه و تدارکات و قراردادهای در مرکز (کابل) گرفته می‌شود.

از نواقص عمده در روند تخصیص فعلی بودجه به ولایات، می‌توان به مواردی از قبیل عدم مشوره با ولایت در زمینه تخصیص بودجه و در نظرنگرفتن یا عدم انعکاس اولویت‌ها و نیازهای ولایات در امور بودجوی اشاره نمود. وزارت‌های سکتوری از مقدار بودجه سال مالی خود واقف نمی‌باشند و نیز بودجه‌های ولایتی با پلان‌های انکشافی ولایتی همخوانی ندارند. برنامه آزمایشی بودجه‌سازی ولایتی اولین گام در راستای مشوره با مقامات ولایت پیرامون تخصیص منابع به ولایات به شمار می‌آید.

تفاوت زیادی بین مصارف بودجه عادی و بودجه انکشافی وجود دارد. اختلاف مصارف در ولایات، نشان‌دهنده این است که منابع، به طور عادلانه، به ولایات تخصیص نمی‌یابد. علاوه بر این، تخصیص افقی وجوه یا توزیع منابع مالی در بین ولایات و ولسوالی‌ها بسیار ناچیز می‌باشد. معیارهای توزیع وجوه به ولایات کاملاً واضح

نمی‌باشند. در بین دفاتر ساحوی، کمیسیون‌ها و ادارات دولتی -برعکس ریاست های سکتوری وزارت‌ها- شیوه‌های معیاری برای حسابداری یا بودجه‌سازی استفاده نمی‌شود.

تصمیم‌گیری و تمویل تمام مصارف ولایات، ولسوالی‌ها و قریه‌ها در بودجه ملی صورت می‌گیرد. دولت مرکزی فقط دارای یک سطح بودجوی می‌باشد. صلاحیت بودجوی و روند طرح بودجه بسیار متمرکز است، ولی چارچوب کاری تطبیق بودجوی، کمتر متمرکز و حساب‌دهی ضعیف می‌باشد. چهار بخش بودجه (بودجه معاشات، بودجه عادی و مراقبت، بودجه انکشافی داخلی و خارجی) هر کدام به‌طور متفاوت طرح می‌گردد؛ تنها وجه مشترک آنها این است که به‌نحو بسیار متمرکز طرح می‌شوند.

شاروالی‌ها، ادارات بودجوی جداگانه اند که دارای صلاحیت بودجوی می‌باشند. صلاحیت بودجوی آنان، از طریق روند تصویب مرکزی و دیگر مداخلات مقامات بالا، با موانع متعددی مواجه می‌باشد. قابل یادآوری است که شاروالی‌ها دارای یک چارچوب کاری مالی مناسب نیز نمی‌باشند. شوراهای انکشافی قریه بودجه و منابع خود را از برنامه همبستگی ملی دریافت می‌نمایند.

صلاحیت در سیستم مالی و کنترل آن بین ادارات دولتی متمرکز می‌باشد. این امر سبب می‌گردد که منابع عامه، مطابق شرایط و نیازهای محلی به مصرف نرسند. واضح است که این امر تنها یک موضوع روند بودجوی نیست، بلکه اعطای صلاحیت بودجوی در تمام سطوح ادارات دولتی را نیز در برمی‌گیرد.^{۱۲}

ابتکارات فعلی پیرامون بودجه‌سازی محلی می‌تواند به‌نحو پاسخ‌گوی این معضلات باشد. برای بهبود عرضه خدمات در سطح محلی، بهبود جوابدهی وزارت‌های سکتوری به اولویت‌های مردم و حصول اطمینان از تنظیم بهتر بودجه‌ها با پلان‌های انکشافی ولایتی، وزارت مالیه، در سال ۱۳۸۵، برنامه بودجه‌سازی ولایتی را طرح نمود. این برنامه در سه وزارت معارف، وزارت احیاء و انکشاف دهات و وزارت زراعت، آبیاری و مالداري و در سه ولایت پنجشیر، بلخ و قندهار به‌طور آزمایشی آغاز گردید.

طرز العمل بودجه‌سازی ولایتی به قرار ذیل می‌باشد: وزارت مالیه سقف‌های بودجوی را جهت استفاده از منابع قابل دسترس، برای سال مالی مورد نظر، به وزارت‌های سکتوری ارائه می‌نماید. آن گاه، وزارت‌ها از واحدهای دومی خود در ولایات می‌خواهند تا طرح‌های پیشنهادی بودجوی را برای ولایات مربوطه تهیه نمایند. رؤسای ولایتی ابتدا طرح‌های پیشنهادی خود را، برای بحث و تصمیم‌گیری، به کمیته‌های انکشافی ولایتی تسلیم می‌کنند. طرح‌های پیشنهادی بودجوی ولایت، پس از آنکه مورد تأیید کمیته انکشافی ولایت قرار گیرد، جهت تأیید به وزارت‌های سکتوری مربوطه تسلیم می‌شود. وزارت‌های سکتوری بودجه‌های ولایتی را جمع‌بندی، و

^{۱۲}. بانک جهانی، روابط مالی ذات‌البینی و مصارف ادارات محلی در افغانستان، سنبله ۱۳۸۷ (اگست ۲۰۰۸).

جهت دفاع بودجه، به وزارت مالیه تسلیم می‌کنند. در صورتی که لازم باشد، در طرح‌های پیشنهادی بودجه ولایتی تغییراتی اعمال گردد، وزارت مالیه این طرح‌ها را دوباره به وزارت‌های مربوطه ارسال می‌دارد تا تغییرات مورد نیاز را وارد نمایند. متعاقباً، وزارت‌های سکتوری با واحدهای دومی خویش در ولایات و کمیته‌های انکشافی ولایتی، برای نهایی‌سازی بودجه ولایتی مشوره می‌نمایند. آن‌گاه، این وزارت‌ها طرح‌های پیشنهادی مربوطه را، جهت تأیید شورای ملی و کابینه، به وزارت مالیه تسلیم می‌کنند. از این بودجه پس از تصویب شورای ملی ثقبال استفاده می‌شود. وزارت‌های سکتوری و وزارت مالیه، برای مطلع ساختن آنان از تأیید بودجه ولایتی و ارسال اسناد لازم برای تخصیص بودجه به آنان، با ریاست‌های سکتوری و کمیته‌های انکشافی به تماس می‌شوند. در نهایت، رؤسای ولایتی می‌توانند از بودجه ولایتی، مطابق قواعد و مقررات مربوطه، استفاده نمایند.

بودجه‌سازی ولایتی، در سال ۱۳۸۶، در ۷ ولایت دیگر، به طور آزمایشی، تطبیق گردید که در نتیجه، تا کنون برخی از نقاط ضعف آن مشخص شده است. ارتباطات ضعیف بین وزارت‌های سکتوری و ریاست‌های سکتوری و نیز ظرفیت پایین ریاست‌های سکتوری از مشکلات بودجه ولایتی به حساب می‌آیند که البته این مشکلات تأثیرات سوء بالای نهایی‌سازی ابتکارات بودجوی ولایتی داشته‌اند. همچنین ابتکار بودجه‌سازی ولایتی نتایج مثبتی نیز داشته است؛ از جمله اینکه وزارت‌های سکتوری توانستند بودجه‌های مرکز را با بودجه‌های ولایتی جمع کنند. همچنین، ارتباطات بین وزارت‌های سکتوری و ریاست‌های سکتوری بهبود یافت و علاوه بر آن، کمیته‌های انکشافی ولایتی در زمینه تحلیل و تدقیق بودجه، تجارب ارزنده‌ای حاصل نمودند.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت، لازم است که در جریان تدوین پالیسی ادارات محلی، توزیع صلاحیت بودجوی بین سطوح مختلف حکومت و طرح یک پالیسی برای تخصیص منابع مالی به ولایات، تحقیق و بررسی شود.^{۱۳}

روند تدوین پالیسی ادارات محلی

اداره مستقل ارگان‌های محلی، بر اساس فرمان مورخ ۸ سنبله سال ۱۳۸۶ (۳۰ اگست سال میلادی ۲۰۰۷) مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان ایجاد شد. برنامه‌های کاری آن عبارت‌اند: بهبود حکومت‌داری و اصلاح ادارات محلی و شاروالی‌ها در راستای رسیدن به ثبات، امنیت و انکشاف در کشور. اداره مستقل ارگان‌های محلی برای انجام مکلفیت‌های سپرده شده و به پیروی از مواد قانون اساسی کشور، پیشنهاد ساختن پالیسی

^{۱۳}. بانک جهانی، روابط مالی ذات البینی و مصارف ادارات محلی در افغانستان، سنبله ۱۳۸۷ (اگست ۲۰۰۸)

ادارات محلی افغانستان را با همکاری نزدیک وزارت‌ها، ادارات و کمیسیون‌های مستقل، تقدیم مقام عالی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان نمود. متعاقباً، کابینه و مقام عالی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان موافقت خویش را با این طرح اعلان داشتند.

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، به پیروی از احکام مواد شماره ۱۳۶ و ۱۳۷ قانون اساسی و مصوبه شماره ۴۶ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۹ شورای وزیران جمهوری اسلامی افغانستان، به منظور ایجاد هماهنگی بیشتر بین نهادهای محلی و تنظیم پالیسی واحد اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و سیستم تشکیلاتی واحدهای اداری، کمیته‌های تدوین و تدقیق پالیسی ادارات محلی افغانستان را منظور نمود.

کمیته تدوین پالیسی مرکب از معینان وزارت‌ها و معاونان ادارات دولتی زیر است:

- معینان وزارت‌های امور داخله، مالیه، عدلیه، اقتصاد، احیاء و انکشاف دهات، انکشاف شهری، فواید عامه، مخابرات، زراعت و آبیاری، مبارزه با مواد مخدر، صحت عامه، معادن، کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین و امور زنان به حیث اعضا؛
- معاونین کمیسیون مستقل انتخابات، اداره مرکزی جیودیزی و کارتوگرافی، اداره مستقل مبارزه با ارتشاء و فساد اداری، ریاست عمومی احصائیه مرکزی و شاروالی کابل به حیث اعضا،
- نماینده با صلاحیت ریاست عمومی اداره امور و دارالانشای شورای وزیران به حیث عضو؛
- رئیس دارالانشای کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی به حیث عضو.

کمیته تدقیق و تنظیم پالیسی ادارات محلی افغانستان تحت ریاست معاون دوم ریاست جمهوری دایر گردید که تمام وزرا، رؤسای ریاست‌های مستقل و رؤسای کمیسیون‌ها در آن عضویت داشتند.

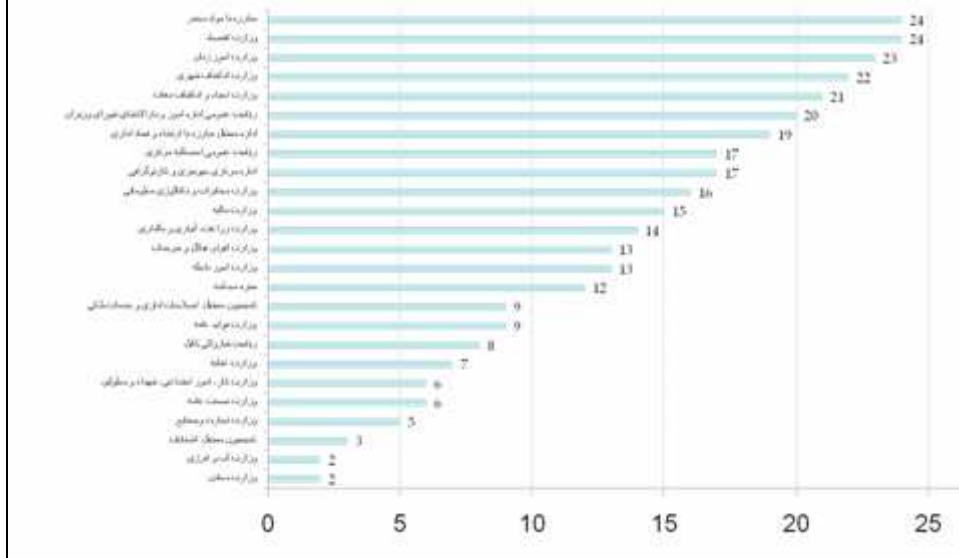
در این راستا، چهار گروه کاری برای تدوین پالیسی دایر گردید تا روی گزینه‌های پالیسی به‌طور همه‌جانبه بحث و تبادل نظر نمایند. این گروه‌های کاری به چهار بخش موضوعی تقسیم شدند:

۱. گروه کاری حکومت‌داری؛
۲. گروه کاری جامعه مدنی، بخش خصوصی، زنان و جوانان؛
۳. اداره شاروالی‌ها؛
۴. پلان‌گذاری و امور مالی محلی.

این گروه‌های کاری طی ۲۴ روز (۱۵ جون تا ۲۷ اگست ۲۰۰۸ میلادی) در جلسات تدوین پالیسی ادارات محلی شرکت کردند.

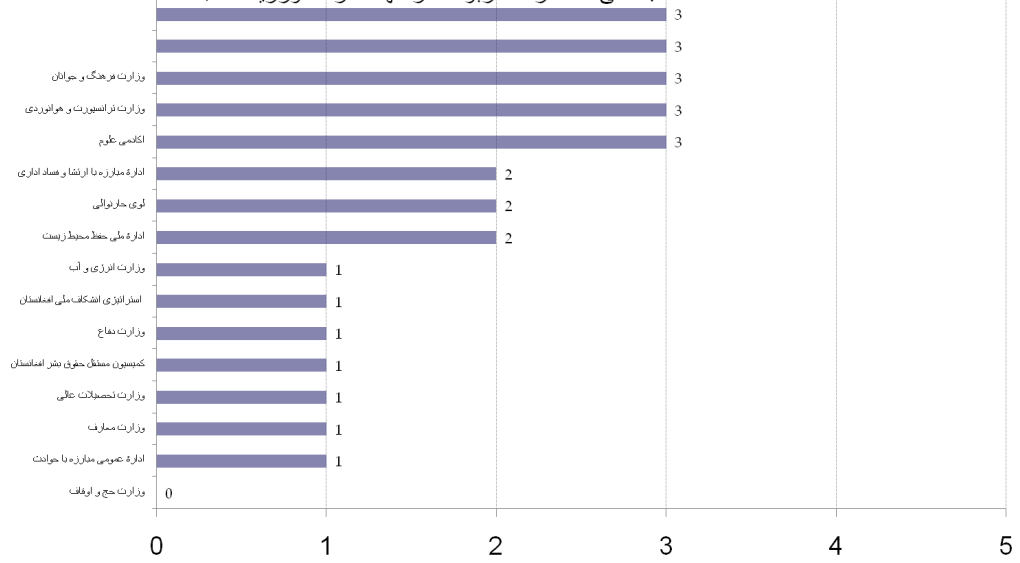
سه‌گرمی وزارت‌ها، کمیسیون‌ها و ادارات مستقل در روند کار گروهی، چهار گروه کاری برای تدوین پالیسی ادارات محلی ایجاد گردیدند: (۱) گروه کاری حکومتهای محلی، (۲) گروه کاری اداره شلوالبها، (۳) گروه کاری سه‌گرمی زنان، جوانان، جامعه مدنی و بخش خصوصی، (۴) گروه کاری پانچگرمی و امور محلی

مجموع جلسه های گروه های کاری - ۲۴ جلسه
تعداد جلساتی که گروه های کاری در جلسات اشتراک ورزیده اند

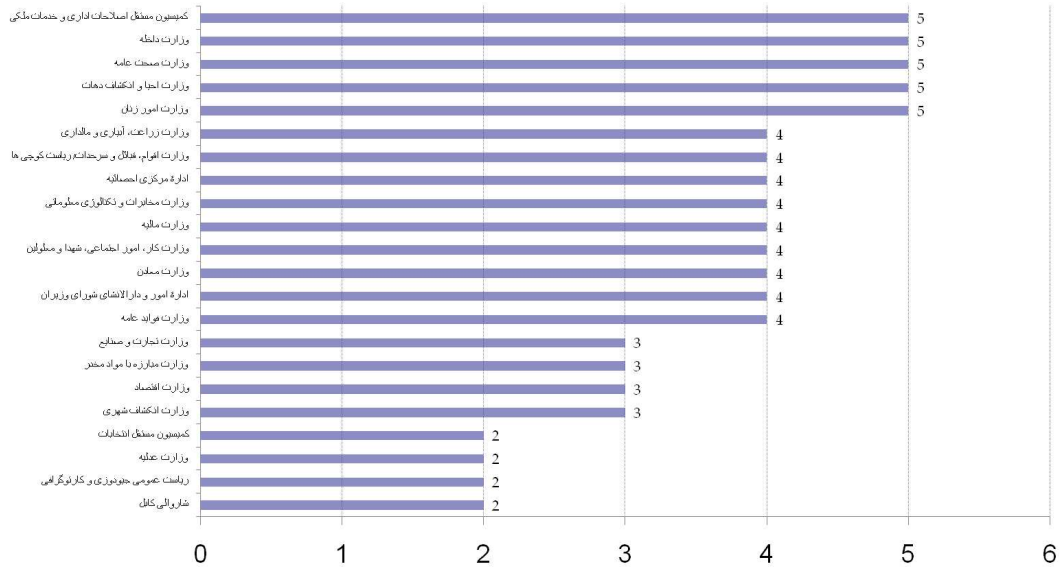


این پالیسی در نتیجه ۲۴ دور جلسه گروه‌های کاری در سطح رئیس‌های پالیسی وزارت‌ها، کمیسیون‌ها و ادارات مستقل و نیز جلساتی که به تاریخ ۱۲ جون، ۱۰ سپتمبر، ۲۰ سپتمبر، ۲۸ سپتمبر و ۱۵ اکتوبر ۲۰۰۸ میلادی، در سطح کمیته تدوین مسوده پالیسی برگزار شد، به وجود آمد. اداره مستقل ارگان‌های محلی، پس از تدوین این پالیسی، مشوره‌های عامه را در سطح ملی و محلی با مردم و نیز ادارات جامعه بین‌المللی انجام داد. همچنین کمیته تدوین پالیسی اکثر نظریات و پیشنهادات ارائه شده توسط شرکای محلی، ملی و بین‌المللی را در مسوده پالیسی ادارات محلی شامل ساخت. شرکای محلی، ملی و بین‌المللی طی نظرخواهی‌هایی که از آنان صورت گرفت از تدوین پالیسی استقبال و به طور همه‌جانبه حمایت خود را از آن ابراز داشتند. لازم به یادآوری است که تمام وزارت‌ها و ادارات دولتی در روند تدوین این پالیسی سهم‌گیری فعال و همه‌جانبه داشتند.

مجموع جلسات تدویر شده کمیته تدوین پالیسی = 5
تعداد جلساتی که ادارات مربوطه در آنها اشتراک ورزیده اند .



مجموع جلسات تدویر شده کمیته تدوین پالیسی = 5
تعداد جلساتی که ادارات مربوطه در آنها اشتراک ورزیده اند .



دور اول نشست کمیته تدقیق و تنظیم پالیسی تحت ریاست مقام محترم معاونت دوم ریاست جمهوری، محمدکریم خلیلی، و با عضویت وزراء، رؤسای ریاستها و کمیسیونهای مستقل در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۷ برگزار گردید. اعضای کمیته تدقیق و تنظیم پالیسی، طی این نشست، در ابتدا از زحمات مقامات اداره مستقل ارگانهای محلی در راستای تهیه مسوده پالیسی ادارات محلی، که حاصل یک روند اشتراکی با دخالت تمام

ادارات بود، ابراز تشکر و قدردانی کردند. سپس، مسوده پالیسی ادارات محلی را به طور همه‌جانبه مورد تدقیق و بازنگری قرار دادند و نظریات و پیشنهاداتشان را در راستای ایجاد تغییرات و اصلاحات لازم در بخش‌های حکومت‌داری محلی، شاروالی، پلان‌گذاری مالی و موضوعات مهم و مشترک مسوده پالیسی، ابراز داشتند.

دومین دور نشست کمیته تدقیق و تنظیم پالیسی ادارات محلی، به تاریخ ۱۵ ثور ۱۳۸۸، تحت ریاست محترم محمدکریم خلیلی، معاون دوم ریاست جمهوری در قصر گلخانه برگزار شد و اعضای کمیته یک بار دیگر روی موضوعات پالیسی به طور مفصل و همه‌جانبه بحث و تبادل نظر کردند. در پایان این نشست، محترم محمدکریم خلیلی برای دو هفته دیگر فرصت داد تا بالای موضوعات پالیسی کار کرده و نظریات ادارات مربوطه خود را به اداره مستقل ارگان‌های محلی به طور کتبی ارسال کند. بر همین مبنای، روند مشورتی بین‌الوزارتی در زمینه پالیسی ادارات محلی بر اساس هدایت جلال‌ت‌مآب، محمدکریم خلیلی برای دو هفته دیگر نیز ادامه یافت.

دورنمای زمانی پالیسی

دولت، پالیسی ادارات محلی را برای مدت پنجاه سال آینده طرح می‌کند، زیرا ایجاد تغییرات در قوانین و ساختارهای اداری، به طور مکرر، امکان‌پذیر نمی‌باشد. در عین حال، بدون تردید گستره اصلاحات بسیار وسیع بوده و دولت نمی‌خواهد تمام اصلاحات را در یک زمان تطبیق نماید، زیرا، به نظر دولت، این امر سبب اختلال در امور کاری خواهد گردید. دولت بر آن است که یک راهکار تدریجی یا مرحله‌وار را برای اصلاحات محلی اتخاذ نماید. این پالیسی یکی از بخش‌های عمده و ویژه اصلاحات در سطح ادارات محلی است که بر اساس تسلسل مناسب و منطقی و بر مبنای گسترش تدریجی دامنه تطبیق آن طی پنج سال آینده (۱۳۸۹-۱۳۹۳)، طرح گردیده است. این مدت‌زمان مصادف با دوره زمانی تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان است، که طی این دوره، حکومت افغانستان مکلف است اصلاحات عمده‌ای را در سکتورهای مختلف تطبیق نماید. دولت این پالیسی را، از سال (۱۳۸۹-۱۳۹۳) بر اساس یک تسلسل منطقی و بر مبنای یک روند گسترش تدریجی طی پنج سال آینده، تطبیق خواهد نمود. حکومت افغانستان یک سیستم حمایتی تمویل را، در راستای حمایت از تطبیق این پالیسی، ایجاد خواهد کرد. حکومت افغانستان در سال ۱۳۹۳ یک بررسی همه‌جانبه از نتایج تطبیق آن به عمل خواهد آورد. بر اساس نتایج این بررسی، دولت، اولین دور بازنگری اساسی خویش را از پالیسی ادارات محلی انجام خواهد داد. دومین دور اصلاحات ادارات محلی در سال ۱۳۹۳ آغاز خواهد شد و بدون تردید در سال‌های آتی اصلاحات بیشتری صورت خواهد گرفت.

پالیسی برای ادارات محلی

حکومت‌داری در سطح ولایت

بدون داشتن یک قانون که به طور واضح و روشن وظایف و مسئولیت‌های ادارات محلی را تشریح نماید، نقش این ادارات همچنان مبهم باقی خواهد ماند. چنین ابهامی در نقش‌ها و مسئولیت‌های ادارات محلی، منجر به تداوم ضعف اداره در سطح محلی خواهد شد. مشخصه چنین اداره، بی‌کفایتی، حساب‌دهی ضعیف و هماهنگی ناکارآمد در بین ادارات محلی خواهد بود. تداوم چنین امری دولت را از عرضه خدمات مؤثر و باکیفیت به مردم و برآورده ساختن خواسته‌های آنان باز می‌دارد. در قانون، باید به طور صریح و روشن مشخص گردد که دولت از ادارات ولایت و نهادهای شخصی در سطح محلی چه انتظاراتی دارد.

نهادهای حکومت‌داری در سطح ولایت

- والی
- شورای ولایتی
- محاکم ولایت
- کمیته انکشافی ولایت
- مجلس اداری ولایت
- قومندانی امنیه
- واحدهای دومی وزارت‌ها در ولایات
- سکتور خصوصی
- جامعه مدنی به شمول شوراها، رسانه‌ها و اجتماعات

از میان نهادهای حکومت‌داری مذکور، نهادهای ذیل شامل اداره ولایتی می‌باشند:

- والی
- کمیته انکشافی ولایت
- مجلس اداری ولایت
- قومندانی امنیه ۱
- نهادهای دومی وزارت‌ها

وظایف کلی ادارات در ولایات

وظایف کلی ادارات ولایت، ولسوالی و قریه

۱. تأمین صلح، امنیت، نظم و ثبات
 ۲. تأمین حاکمیت قانون
 ۳. ترویج، گسترش و حفاظت از حقوق بشری شهروندان
 ۴. توسعه اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و فرهنگی مردم
 ۵. عرضه خدمات به مردم
- این خدمات در برگیرنده موارد زیر می‌باشد: تأمین عدالت، امنیت، سلامتی جان و مال مردم هنگام مسافرت در راه‌های عمومی، آب‌رسانی و فاضلاب، صحت و تغذیه، معارف، برق، سرک‌ها، حمل و نقل محلی، زیربنای شهر و دهاتی، زراعت و آبیاری، مدیریت منابع طبیعی، ثبت املاک غیرمنقول، مصونیت اجتماعی، صدور کارت شناسایی ملی (تذکره)، انکشاف سکتور خصوصی، خدمات شهری مانند مدیریت زباله‌ها و ضایعات و بازیافت آنها، مدیریت ترافیک شهری و راه‌های مواصلاتی ولایات، تنویر راه‌ها، تسهیلات تفریحی، ایجاد کتابخانه‌ها و ارائه سایر خدمات ارزشمند و مورد نیاز مردم می‌باشد.
۶. زدایش فقر و بیماری و دستیابی به اهداف انکشافی هزاره سوم برای مردم ولایت
 ۷. کاهش و مدیریت حوادث و بلایای طبیعی
 ۸. از بین بردن کشت کوکنار و بهبود معیشت بدیل
 ۹. حفظ محیط زیست و استفاده مدبرانه از منابع طبیعی و حفظ آن برای نسل‌های آینده
 ۱۰. حمایت از برگزاری و بزرگداشت مراسم و شعائر اسلامی
 ۱۱. کمک در تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان و برنامه‌های دارای اولویت ملی
- برای اطمینان از ترتیبات حکومت‌داری خوب در سطح محلی، نهادینه‌سازی موارد آتی الزامی می‌باشد:

- شفافیت؛
- حساب‌دهی به مردم؛
- مشارکت مردم، به خصوص زنان و جوانان؛
- مشارکت جامعه مدنی و بخش خصوصی؛
- دموکراسی مشارکتی در محلات؛
- مؤثریت و کارایی؛
- برابری جنسیتی؛
- تسلسل و پیوستگی؛

- تساوی و شمولیت همگانی؛
- تأمین حاکمیت قانون و ایجاد سیستم‌های قانونی در تمام سطوح جامعه؛
- ایجاد یک سیستم قانونمند در سطح تمام ادارات دولتی.

وظایف و مسئولیت‌های نهادهای دولتی در سطح ولایت

نقش و مسئولیت‌ها	نهاد
<p>۱- مراقبت از کیفیت خدمات، ارزیابی عملکرد ادارات ولایت، تنظیم روابط ادارات ولایت با اجتماعات محلی، جامعه مدنی و رسانه‌ها</p> <p>۲- همکاری در تأمین امنیت، نظم عامه و حاکمیت قانون</p> <p>۳- از بین بردن آداب و رسوم مغایر با شریعت و قانون.</p> <p>۴- حفظ، تقویت و گسترش حقوق بشر</p> <p>۵- حفظ محیط زیست و مبارزه با مواد مخدر</p>	شورای ولایتی

<p>۱- مسئول اول اجرایی اداره ولایت</p> <p>۲- منظوری پلان‌های انکشافی و بودجوی ولایت</p> <p>۳- امنیت، نظم عامه، صلح و ثبات تأمین حاکمیت قانون اساسی و قوانین عادی</p> <p>۴- حفظ، تقویت و گسترش حقوق بشر</p> <p>۵- بررسی، ارزیابی، تأمین کیفیت، و مدیریت اجرایی عرضه خدماتی که در سطح محلی ارائه می‌گردند</p> <p>۶- رهبری پلان‌گذاری انکشافی ولایت، بودجه‌سازی ولایتی، توسعه اقتصاد محلی، انکشاف بخش خصوصی و اداره سالم</p> <p>۷- تطبیق اصلاحات اداره عامه و ارتقای ظرفیت ادارات دولتی در سطح ولایت</p> <p>۸- تلاش برای کاهش فقر</p> <p>۹- دستیابی به اهداف انکشافی هزاره سوم</p> <p>۱۰- مقررات، هماهنگی، انسجام و مدیریت امور مربوطه</p> <p>۱۱- صلاحیت مصارف مالی و مدیریت مالی</p> <p>۱۲- حفظ محیط زیست</p> <p>۱۳- مبارزه با مواد مخدر</p> <p>۱۴- مدیریت حوادث</p> <p>۱۵- ثبت اراضی و استملاک اراضی برای استفاده عامه</p>	والی
<p>تأمین امنیت، نظم عامه، ثبات، صلح، تنفیذ قانون، کاهش میزان جرایم، صیانت از حقوق بشر، مبارزه با قاچاق و تولید مواد مخدر</p>	قوماندان امنیه
<p>عرضه خدمات، اعتلای تسهیلات خدماتی، طرح مقرره‌ها، ارائه معلومات به مرکز در زمینه</p>	واحدهای

پالیسی سازی و عرضه حداقل استندرد خدمت‌رسانی	دومی وزارت‌های سکتوری
بررسی امور قضایی ولایات	محاكم ولایت
تحقیق و تعقیب عدلی و قضایی	دفتر خارنوالی ولایت
انجام خدمات بازسازی و انکشافی از طریق هماهنگی با ادارات ولایت و نهادهای حکومت‌داری محلی	تیم‌های بازسازی ولایتی
نظارت، تأمین کیفیت، مدیریت کارکرد خدمات عامه که در سطح محلی عرضه می‌شوند. ارائه خدمات مشترک و تولید کالاهای مشترک خدماتی	جامعه مدنی، شوراهای غیرانتخابی و انتخابی، رسانه‌ها، ریش سفیدان قومی، رهبران مذهبی

شیوه‌های حساب‌دهی در سطح ولایت

تمام ادارات دولتی در سطح ولایت به مردم ولایت حساب‌دهنده خواهند بود.

تمام ادارات دولتی در سطح ولایت، ولسوالی، قریه، ادارات شاروالی و نیز شوراهای ولایتی، ولسوالی و شوراهای شاروالی‌ها باید به مردم ساحات مربوط به فعالیت‌های خودشان حساب‌ده باشند. هدف از ایجاد ادارات دولتی در سطوح مختلف، ارائه خدمات مناسب و مطابق با نیازهای مردم می‌باشد. از آنجایی که شوراهای انتخابی محلی

از خواسته‌ها و آرمان‌های مردم نمایندگی می‌کنند، از نظر سلسله مراتب قدرت از همه نهادهای دیگر به مردم نزدیک‌تر می‌باشند. ادارات محلی از طریق شوراهای محلی مربوطه به مردم محل حساب‌ده می‌باشند.

شوراهای ولایتی، ولسوالی و قریه از آن رو به مردم حساب‌ده می‌باشند که با رأی مستقیم آنان انتخاب می‌گردند. اعضای شوراهای مذکور در باره موضوعات مربوطه باید با موکلین خود به طور منظم مشوره نمایند.

اداره ولایت از طریق شورای ولایتی به مردم حساب‌ده می‌باشد. به همین شکل اداره ولسوالی از طریق شورای ولسوالی به مردم حساب‌ده می‌باشد. علاوه بر آن، قوماندان امنیه، مستوفیت، واحدهای دومی وزارت‌ها و ولسوال‌ها به والی‌ها و به مردم، از طریق شوراهای ولایتی حساب‌ده خواهند بود. واحدهای سومی وزات‌های سکتوری و قوماندانی امنیه ولسوالی به ولسوال و شورای ولسوالی حساب‌ده می‌باشد.

شیوه‌های حساب‌دهی در سطح ولایت

نهادهای حکومت‌داری حساب‌ده به مردم:

- شورای ولایتی
- اداره ولایت

نهادهای حکومت‌داری محلی حساب‌دهنده به مقام ریاست جمهوری و نهادهای اولی در کابل:

- والی ولایت
- اداره ولایت

ادارات دولتی حساب‌ده به مردم از طریق شورای ولایتی:

- والی ولایت
- قوماندان امنیه
- واحدهای دومی حکومت در ولایات

ادارات دولتی حساب‌ده به والی:

- قوماندان امنیه
- واحدهای دومی حکومت در ولایات
- ولسوال‌ها

حضور مردم در ولایت

اعضای شوراهای ولایتی توسط مردم و با رأی مستقیم آنان انتخاب می‌شوند.

تعیین و توظیف کارمندان ملکی در ولایت

منظوری تفرقات و انفصال بست‌ها و رتبه‌های ۵ و ۶ کارمندان ملکی در سطح ولایت، بعد از شناسایی و انتخاب توسط کمیته بررسی تفرقی‌های ولایت بر اساس اصل شایسته‌سالاری و پروسه تقرر رقابتی، از صلاحیت‌های والی خواهد بود.

منظوری تقرر و انفصال بست‌های ۳ و ۴ واحدهای دومی ولایات از صلاحیت‌های نهادهای مربوطه می‌باشد. والی‌ها صلاحیت ندارند مقرری‌هایی را رد کنند که به طور قانونمند، بر اساس روند رقابت آزاد و اصل شایسته‌سالاری از سوی وزارت‌های مربوطه صورت می‌گیرد. همچنین، وزارت‌ها، خارج از روند رقابت آزاد، کسی را در ولایات مقرر کرده نمی‌توانند.

منظوری تمام بست‌های ۵، ۶، ۷ و ۸ در سطح ولایت و بست‌های ۳ و ۴ دفاتر اداری ولایت از صلاحیت‌های اداره مستقل ارگان‌های محلی می‌باشد.

منظوری تفرقات و انفصال بست‌ها و رتبه‌های ۷ تا ۸ کارمندان ملکی در سطح ولسوالی، بعد از شناسایی و انتخاب توسط کمیته تفرقات ولسوالی، بر اساس اصل شایسته‌سالاری و پروسه تقرر رقابتی، از صلاحیت‌های ولسوال خواهد بود.

اصلاحات در سطح ادارات محلی با هدف تأمین و بهبود امنیت، حکومت‌داری، اقتصاد و رفاه کلی شهروندان افغانستان به شیوه آتی به منصفه اجرا نهاد خواهد شد:

والی

وظایف و مسئولیت‌ها:

- وظایف اصلی والی‌ها و ولسوال‌ها در سطح ولایت و ولسوالی عبارت‌اند از: تأمین صلح، امنیت، نظم عامه، ثبات، تأمین حاکمیت قانون، حفظ و حمایت از حقوق بشر و ترویج آن، توسعه اجتماعی، اقتصادی و تعلیمی، حصول اطمینان از ارائه خدمات عامه مناسب، با کیفیت کافی و مورد نیاز، ایجاد ترتیبات لازم جهت تأمین اداره سالم در سطح ولایت، کاهش تلفات و خسارات ناشی از حوادث طبیعی و مدیریت حوادث غیر مترقبه طبیعی، محو کشت کوکنار و تقویت معیشت بدیل، کاهش فقر، ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌های ادارات مرکزی و محلی، تنظیم امور عامه، بهبود اداره امور مالی و تهیه و تدارکات، حصول اطمینان از انکشاف اداری و اداره مؤثر، حمایت از فعالیت‌های مربوط به تجلیل مراسم و شعائر اسلامی، کمک در راستای تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان و سایر برنامه‌های دارای اولویت ملی.
- والی مسئول اول اجرایی اداره ولایت می‌باشد. مقام ولایت مسئولیت رهبری امور پلان‌گذاری، بودجه‌سازی و هماهنگی امور اداری، انکشافی و امنیتی مربوطه را در سطح ولایت به عهده دارد. تقویت جایگاه مقام ولایت و اعطای صلاحیت‌های لازم به وی، امکان پلان‌گذاری بهتر و ایجاد هماهنگی در میان دیگر ادارات ولایت به شمول واحدهای دومی وزارت‌های سکتوری، شوراهای ولایتی و کمیته‌های انکشافی ولایت را برای والی فراهم می‌سازد. در نتیجه، این امر می‌تواند سبب طرح پلان‌هایی گردد که توان رفع نیازهای شهروندان ولایت را به وجه بهتری داشته باشند. هماهنگی هر چه بیشتر با وزارت‌های سکتوری سبب تقویت فعالیت‌های پلان‌گذاری اداره ولایت می‌شود. فعالیت‌هایی که شامل بودجه‌سازی جهت تمویل برنامه‌های لازم و تقویت والی‌ها در راستای نظارت بر فعالیت‌های واحدهای دومی وزارت‌های سکتوری است. همچنین، هماهنگی با وزارت‌های سکتوری باعث کسب این اطمینان می‌شود که این ریاست‌ها برنامه‌ها و فعالیت‌های مطروحه را مطابق پلان‌گذاری قبلی اجرا می‌نمایند.
- جلسات کمیته‌های انکشافی ولایت، حداقل هر ماه یک بار، تحت ریاست مقام ولایت دایر می‌شوند. هدف از تدویر این جلسات اطمینان یافتن از این امر است که امور پلان‌گذاری و بودجه‌سازی ولایتی، به طور منظم و به موقع پیش رفته و اداره ولایت از نزدیک ناظر بر این روند است می‌کند. برگزاری این گونه جلسات باعث ایجاد هماهنگی هر چه بیشتر در میان ادارات دولتی در سطح محلی می‌گردد.
- والی طی جلسات کمیته انکشاف ولایتی، هماهنگی‌های لازم را با نهادهای ولایتی، برای طرح پلان‌های ولایتی و تدوین بودجه‌های مربوطه جهت حمایت از چنین پلان‌هایی، به عمل خواهد آورد. جلسات کمیته انکشافی ولایتی، حداقل ماهانه یک بار، باید دایر شوند.
- والی نیازهای انکشافی ولایت را با همکاری و مشوره با ادارات ولایت، به خصوص ریاست‌های سکتوری، تعیین خواهد نمود.

- والی در صورت لزوم در زمینه مدیریت و تطبیق پلان‌های ولایتی با دیگر ادارات ولایت همکاری‌های لازم را خواهد نمود. والی گزارش پیشرفت فعالیت‌های صورت گرفته در ولایت را، به ویژه گزارش آن دسته فعالیت‌هایی را که در راستای تطبیق پلان‌های انکشاف ولایتی صورت گرفته است، به طور منظم به اداره مستقل ارگان‌های محلی ارائه می‌نماید.
- والی به عنوان مسئول اول اجرایی اداره ولایت و رئیس کمیته انکشاف ولایتی، وظیفه دارد عدالت جنسیتی در مورد شاملین پلان‌های انکشاف ولایتی و دیگر فعالیت‌ها و اقدامات سطح ولایت، ولسوالی، شاروالی و قریه‌رعایت کند. والی باید از تأمین و گنجاندن اهداف تساوی جنسیتی در استراتژی‌ها و پلان‌های ریاست‌های سکتوری وزارت‌ها اطمینان حاصل نماید.
- والی‌ها از حساب‌دهی ادارات محلی به مردم و شورای ولایتی اطمینان حاصل می‌نمایند و برای این که مطمئن شوند که آیا ادارات مذکور حداقل معیارهای خدماتی را رعایت و طرح‌های انکشافی خود را در موعد مقرر تطبیق و اجرا مینمایند، بر فعالیت‌های آنها نظارت می‌کنند. داشتن چنین صلاحیتی به والی‌ها فرصت آن را می‌دهد تا ریاست‌های سکتوری را در قبال برنامه‌های خود، مطابق توافقات انجام شده در زمینه تأمین حداقل معیارهای خدماتی، حساب‌ده بسازند. در صورتی که ریاست‌های سکتوری وزارت‌های ذی‌ربط با تأمین حداقل معیارهای خدماتی فاصله داشته باشند، مردم می‌توانند شکایات نامه‌های خود را از ادارات مذکور به والی‌ها و شورای ولایتی ارائه نمایند. پس از این که از موثق بودن شکایات اطمینان حاصل گردید، شکایات ارائه‌شده به ریاست‌های سکتوری مربوطه، جهت اتخاذ اقدامات لازم ارجاع خواهند شد. در صورتی که اداره مربوطه اقدامات لازم را جهت اصلاح و رفع مشکلات برشمرده‌شده اتخاذ ننماید، شورای ولایتی یا نهادی که شکایات واصله را دریافت نموده است، آن را به مقام ولایت ارسال و مقام ولایت نیز با ریاست‌های وزارت مربوطه در مرکز مکاتبه خواهد نمود. والی مؤلف است اقدامات لازم را در راستای حل منطقی مشکلات و موضوعات مربوطه و حصول اطمینان از رفع چنین معضلاتی به عمل آورد.
- در راستای تطبیق برنامه‌هایممثل مبارزه با مواد مخدر و مقابله با حوادث، که خارج از صلاحیت واحدهای دومی وزارت‌های سکتوری می‌باشد، صلاحیت‌های لازم به والی اعطا خواهد شد. در این عرصه‌ها، والی‌ها نقش مرکزی و رهبری امور پلان‌گذاری، بودجه‌سازی و مصارف را به عهده خواهند داشت. همچنین والی دارای نقش خطیری خواهد بود در روند تمام امور مربوط به فعالیت‌ها و برنامه‌های مبارزه با مواد مخدر به شمول پلان‌گذاری، ایجاد هماهنگی و انسجام، نظارت و ارزیابی. والی در فعالیت‌های هر چهار عرصه مربوط به مبارزه با مواد مخدر، به ویژه آگاهی‌دهی عامه پیش از کشت خشخاش، معیشت بدیل، از بین بردن کشت خشخاش و تنفیذ قانون، به طور همه‌جانبه دخیل می‌باشد. در هر ولایت یک کمیته مدیریت حوادث ایجاد خواهد شد. این کمیته مسئولیت نظارت و اداره موارد مربوط به آمادگی و مقابله و کاهش خسارات و تبعات حوادث در سطح ولایت را به عهده خواهد شد.
- والی ریاست کمیته مدیریت مبارزه با حوادث و حالات اضطرار را به عهده خواهد داشت. این کمیته مسئولیت نظارت و اداره امور آمادگی، واکنش و مقابله، اسکان مجدد (Rehabilitation) و فعالیت

های کاهش تلفات و خسارت‌های ناشی از حوادث در سطح محلی را به عهده خواهد داشت. نماینده اداره عمومی آمادگی و مقابله با حوادث، نماینده شورای ولایتی، نمایندگان تمام ریاست‌های سکتوری ولایت، نماینده اردوی ملی، پولیس ملی و گروه‌های جامعه مدنی نظیر جمعیت هلال احمر افغانی، اعضای این کمیته را تشکیل می‌دهند.

اهداف، مقاصد و نتایج کاری والی

اهداف کاری والی	مقاصد کاری والی	نتایج کاری والی
۱- تأمین صلح، امنیت، نظم عامه و ثبات در ولایت مربوطه	حصول اطمینان از تأمین امنیت عامه، نظم و ثبات	<ul style="list-style-type: none"> ● تحکیم وحدت ملی و رفع خصومت‌های قومی و منطقوی؛ ● ایجاد زمینه برای اقوام مختلف که بتوانند در کنار یکدیگر با صلح و تفاهم زندگی نمایند؛ ● تأمین همه‌جانبه امنیت منطقه و ولایت؛ ● صیانت از حقوق شهروندان و تأمین امنیت جانی و مالی آنها مطابق احکام قانون؛ ● تأمین امنیت جاده‌ها در مسیر ولایت برای عبور و مرور افراد و کالاها؛ ● نبودن پوسته‌های تلاشی غیر قانونی، عدم اخاذی و اجحاف در پوسته‌های تلاشی دولتی، تأمین امنیت سرک‌ها و پاک نمودن سرک‌ها از وجود سارقین و گروه‌های مسلح غیر قانونی؛ ● حفاظت از مکاتب، دفاتر و ساختمان‌های دولتی در ولایت در مقابل حملات مسلحانه؛ ● حفظ و مراقبت از میدان‌های هوایی ملکی در ساحه

<p>ولایت و تأمین امنیت آن‌ها از طریق شعبات مربوطه؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ● رعایت قوانین پولیس توسط نیروهای پولیس ملی؛ ● هماهنگی مداوم و به موقع با اردو و پولیس ملی در امور مربوط به تأمین امنیت عامه؛ ● اتخاذ تدابیر عاجل در موقع سفربری عمومی نیروهای مسلح کشور، به منظور سرعت عمل و تأمین اهداف دولت؛ ● پرداختن تمام ادارات مدیریتی دولتی به رفع چالش‌های امنیتی، به مثابه یک نهاد واحد؛ ● دخیل‌ساختن شوراهای ولایتی، اجتماعات محلی، جامعه مدنی و رسانه‌ها در تأمین امنیت و نظم عامه؛ ● قبول احترام قطعات عسکری مطابق شریعت در مراسم رسمی که توسط قوماندانان قطعه تقدیم می‌شود. 		
<ul style="list-style-type: none"> ● اعمال احکام قانون اساسی، اوامر و هدایات قانونی مقامات ذی‌صلاح در ساحت مربوطه و نظارت دوامدار بر اجرای آن؛ ● رعایت اصل تساوی حقوق شهروندان، مطابق احکام قانون اساسی و دیگر قوانین کشور؛ ● تطبیق قانون بر کسانی که حقوق شهروندان را نادیده گرفته و از آنها تخطی نمایند؛ ● تعقیب قانونی قضایای مربوط به دستگیری و توقیف خودسرانه، شکنجه، اخاذی، غصب دارایی‌های مردم؛ ● اتخاذ تضامیم در ولایت مطابق به قوانین و ضوابط، نه 	<p>حصول اطمینان از رعایت قانون اساسی و حاکمیت قانون</p>	<p>۲- تأمین حاکمیت قانون در ولایت</p>

<p>از طریق شبکه‌های غیررسمی، از قبیل روابط شخصی و واسطه‌بازی؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ● عملکردهای فریبکارانه و واسطه‌بازی در تصمیم‌سازی‌های امور عامه ولایت جایی نخواهند داشت؛ ● تعلیم عامه و آگاهی‌دادن به آنان در مورد مسئولیت‌های شان در قبال حفظ و تأمین حاکمیت قانون. 		
<ul style="list-style-type: none"> ● اتخاذ اقدامات عاجل در زمینه جلوگیری از نقض حقوق بشر؛ ● رعایت اصل تساوی حقوق اتباع کشور، مطابق احکام قانون در ساحت ولایت؛ ● رعایت اصول حقوق بشر توسط نهادهای غیر رسمی؛ ● تحقق و حمایت از حقوق بشری اطفال، زنان و اشخاص دارای معلولیت؛ ● جلوگیری از ازدواج دختران زیر سن قانونی، خشونت‌های خانوادگی، بد دادن زنان و آزار جنسی آنان؛ ● همکاری اداره ولایت با ریاست ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر و شورای ولایتی در راستای تحقق اهداف این نهادها در امور مربوط به نظارت، بررسی، حمایت و گسترش حقوق بشر. 	<p>حصول اطمینان از تحقق، حمایت و توسعه حقوق بشری شهروندان ولایت مربوطه</p>	<p>۳- تحقق، حمایت و توسعه حقوق بشری شهروندان ولایت مربوطه</p>

<ul style="list-style-type: none"> ● ایجاد فرهنگ مشارکت از طریق پلان‌گذاری و بودجه‌سازی سالانه ولایت به صورت مشارکتی؛ ● ایجاد هماهنگی مؤثر با شوراهای ولایتی، جامعه مدنی و واحدهای اداری وزارت‌ها و ادارات دولتی در ولایت، درج به موقع طرح‌ها و برنامه‌های وزارت‌ها و ادارات دولتی و اولویت‌های مردم در پلان‌انکشافی ولایتی و تطبیق برنامه‌های سرمایه‌گذاری عامه؛ ● پلان‌های انکشافی ولایتی با در نظر داشت علایق و اولویت‌های مردم طرح و تدوین گردیده و سپس جهت تصویب به شورای ولایتی پیشکش می‌گردند؛ ● تشویق و هماهنگ‌سازی روند مشارکت وزارت‌های سکتوری در تهیه پلان‌های انکشاف محلی؛ ● تخصیص منابع مطابق به خواسته‌ها و نیازهای مردم محل؛ ● تهیه طرح‌های پیشنهادی در راستای تأمین برق در تمام شهرها و قریه‌های ولایت؛ ● حمایت از مساعی و تلاش‌هایی که در راستای استخراج معادن ولایت مربوطه صورت می‌گیرند. 	<p>رهبری طرح پلان سالانه و پلان استراتژیکی ولایت در راستای انکشاف ولایت، جمع‌بندی نیازمندی‌های شهروندان ولایت</p>	<p>۴- افزایش رشد اجتماعی، اقتصادی، تعلیمی و فرهنگی ولایت</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● ایجاد پیوند و ارتباط مناسب بین پلان‌های انکشافی ولایت و بودجه‌سازی ولایت؛ 	<p>ایجاد پیوند و ارتباط بین پلان انکشافی ولایت</p>	

<ul style="list-style-type: none"> • بودجه‌سازی با اشتراک مردم. 	<p>با بودجهٔ ولایت</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • تطبیق به موقع پلان‌های تصویب‌شده توسط ریاست‌های سکتوری و مؤسسات دولتی موجود در ولایت و حمایت از تطبیق این گونه پلان‌ها؛ • ایجاد زمینه‌های مساعد و مؤثر جهت تطبیق پلان‌های انکشافی شهری و روستایی؛ • تکمیل به موقع پروژه‌های عام‌المنفعه و ساختمانی مطابق با معیارهای پذیرفته‌شده و کیفیت مناسب. 	<p>تطبیق به موقع پلان‌های انکشافی ولایت</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • تشویق سکتور خصوصی به سرمایه‌گذاری در عرصه‌های تجارت، ساختمانی، حمل و نقل، زراعت، صحت، معارف و دیگر خدمات مفید اجتماعی؛ • بررسی طرح پروژه‌های کوچک با هدف برآورده نمودن نیازهای مبرم مردم محل و تشویق ریاست‌های سکتوری و دیگر ادارات دولتی در تطبیق این گونه پروژه‌ها؛ • تأسیس مراکز و مجتمع‌های عمده‌فروشی و پرچون فروشی توسط ادارات شاروالی‌ها. 	<p>جذب و تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در ولایت</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • تطبیق برنامه‌های آموزشی برای مردان و زنان، دختران و پسران و تأمین کمک‌های لازم جهت تطبیق چنین برنامه‌ها؛ 	<p>رشد قوای بشری مردم ولایت</p>	

<ul style="list-style-type: none"> ● جلب همکاری مردم، ادارات دولتی و شاروالی‌ها در راستای ایجاد مکاتب و مدارس مذهبی، مؤسسات علمی، کتابخانه‌ها و سایر مراکز فرهنگی و نیز تطبیق برنامه‌های انکشافی و آموزشی؛ ● سازماندهی و تدویر جلسات آموزشی و علمی (سمینارها، کانفرانس‌ها) با هدف تشویق و تسهیل انکشاف منابع بشری در سطح ولایت و اشتراک در آنها؛ ● حفظ فرهنگ افغانی و غنی‌سازی هر چه بیشتر آن. 		
<ul style="list-style-type: none"> ● تشویق و بسیج مردم در حفر و پاک‌کاری مجراهای آب (کانال‌ها و کاریزها)، تحکیم سربندها و سایر شبکه‌های آبیاری از طریق حشرهای مردمی؛ ● تشویق و بسیج مردم در احداث سرک‌های فرعی، اعمار پل‌ها، نگهداری سرک‌ها و ساختمان‌های عام‌المنفعه؛ ● جلب همکاری مردم و ادارات دولتی در احیاء و انکشاف ورزش‌های باستانی محلی و بین‌المللی از طریق احداث و توسعه میدان‌های ورزشی و باشگاه‌های (کلپ) ورزشی. 	<p>تشویق و بسیج مردم جهت تطبیق برنامه‌ها، پروژه‌ها و فعالیت‌های انکشافی در سطح ولایت</p>	
<ul style="list-style-type: none"> ● بررسی تسهیلات تعمیرها و تجهیزات شوراهای ولایتی، ادارات دولتی و شاروالی‌ها؛ ● تجهیز تمام شوراهای محلی، تأسیسات دولتی 	<p>تسهیل اعمار ساختمان‌های دولتی و نظارت و مراقبت از امور</p>	

<p>شاروالی‌ها با تسهیلات اساسی به شمول دفاتر کار، تشناب‌ها، کمپیوترها، وسایل مخابراتی و ارتباطی و فرنیچر؛</p> <ul style="list-style-type: none"> • در اختیار قراردادن وسایل حمل و نقل برای تمام کارمندان انتصابی و انتخابی در راستای برقراری ارتباطات با مردم و فراهم نمودن خدمات لازم برای آنان؛ • حفظ و مراقبت از دارایی‌های عامه، نظیر سرک‌ها و ساختمان‌های دولتی، با حمایت ادارات و مؤسسات دولتی و با همکاری اجتماعات محلی؛ • نظارت بر پروژه‌های ساختمانی تأسیسات دولتی؛ • حفظ و بهبود تماس‌ها و ارتباطات بین ادارات دولتی با یکدیگر و بین ادارات دولتی و مردم. 	<p>ساختمانی تعمیرات ادارات و مؤسسات دولتی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • عرضه خدمات مناسب توسط مراجع دولتی برای مردم؛ • مردم خدمات مورد نیاز خود را از مراجع دولتی دریافت می نمایند؛ • مردم خدمات مورد نیازشان را از ادارات دولتی به موقع و بدون دادن رشوه دریافت می دارند؛ • هزینه نمودن بالای خدمات عامه رابطه مستقیم با دست آوردها [رضایت مردم از حکومت] دارد؛ • دریافت مقدار مناسب امکانات مالی توسط اداراتی که در خط اول عرضه خدمات به مردم قرار دارند؛ 	<p>سرپرستی، ارزیابی، کنترل کیفیت و مدیریت کارکرد خدمات عمومی که به مردم ولایت عرضه می گردند.</p>	<p>۵- حصول اطمینان از دریافت خدمات عامه مناسب و کافی و با کیفیت و مورد نیاز مردم ولایت</p>

<ul style="list-style-type: none"> ● والی مسئولیت نظارت بر امنیت، انتقال مصون کالاها و عبور و مرور از سرک‌های عامه، آب و فاضلاب، صحت و تغذیه، تعلیم و تربیه، برق، جاده‌هایی که در مسیر ولایت قرار دارند، حمل و نقل محلی، زیربنای شهری و روستایی، مدیریت منابع طبیعی، زراعت و آبیاری، مصونیت اجتماعی، توزیع کارت شناسایی ملی (تذکره)، انکشاف بخش خصوصی، خدمات ملکی از قبیل مدیریت جمع آوری و بازیافت زباله‌ها و ضایعات، مدیریت ترافیک، تنویر سرک‌ها، ایجاد اماکن و پارک‌های تفریحی، ایجاد کتابخانه‌ها و سایر تسهیلات لازم و مراقبت از آنها؛ ● شاروالی‌ها خدمات لازم را در چارچوب مکلفیت‌های سازمانی خودشان ارائه خواهند داشت؛ ● رهبری روند ثبت اراضی با همکاری مردم در ساحات شهری و روستایی؛ ● رهبری نقشه‌برداری سیاسی و اداری قریه‌های موجود در ولایت در مشوره با اجتماعات محلی و همکاری ادارات ذی‌ربط؛ ● توجه خاص به اقشار فقیر، زنان و مناطق دور افتاده از نظر جغرافیایی؛ ● اخذ مالیات و فیس با توجه به استطاعت مردم و استفاده‌کنندگان از خدمات دولتی. 		
<ul style="list-style-type: none"> ● ارائه حمایت‌های لازم به شوراهای ولایتی جهت پیشبرد وظایف محوله، به شمول نظارت بر فعالیت‌های تنفیذ قانون، انکشاف متوازن، عرضه خدمات و امور 	<p>حمایت از ایجاد و انکشاف نهادهای منتخب و جامعه</p>	<p>۶- ایجاد ترتیبات لازم جهت تأمین حکومت‌داری خوب</p>

<p>مربوط به حقوق بشر؛</p> <ul style="list-style-type: none"> • ایجاد زمینه مناسب و فراهم‌آوری فرصت‌های لازم برای اشتراک فعال شورای ولایتی در پلان‌گذاری انکشافی و بودجه‌سازی ولایتی؛ • ارائه معلومات درخواست‌شده از دفتر والی و ادارت دولتی به شورای ولایتی، بدون هیچ نوع تأخیر؛ • تدویر نشست‌های مشورتی منظم بین دفتر والی و شورای ولایتی، طرح نظرات و پیشنهادهای شورای ولایتی که در محدوده صلاحیت کاری‌شان ارائه گردیده است، توسط مقام ولایت لحاظ گردیده و با جدیت و سرعت اقدامات لازم در این زمینه صورت خواهد گرفت. 	<p>مدنی</p>	<p>در سطح ولایت</p>
<ul style="list-style-type: none"> • اداره ولایت و والی در برابر مردم ولایت از طریق شورای ولایتی و نهادهای جامعه مدنی حساب‌ده می‌باشند و مراجع ذکرشده حق دارند بر کارکرد والی و اداره ولایت نظارت نمایند. 	<p>حمایت از روند حساب‌دهی به مردم</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • تطبیق فعالانه قانون و حق دسترسی مردم به معلومات ادارات دولتی؛ <p>سیستم‌های لازم برای شهروندان و جامعه مدنی جهت استفاده از این حق ایجاد خواهد گردید. بر اساس احکام قانون اساسی، اتباع کشور حق دسترسی به معلومات ادارات دولتی را دارند. دسترسی به معلومات ادارات دولتی و شفافیت در فعالیت‌ها و کارکردهای ادارات دولتی و حساب‌دهی این ادارات به مردم می‌گردد.</p>	<p>حمایت از ایجاد شفافیت و حق دسترسی مردم به معلومات دولتی</p>	

<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد زمینه مشارکت فعال زنان و جوانان در امور تصمیم‌گیری ولایت. 	<p>حمایت از مشارکت مردم، به خصوص زنان و جوانان، در امور اداره ولایت</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد زمینه مشارکت جامعه مدنی در امور حکومت‌داری ولایت؛ • تجویز و تقویت شریک‌سازی معلومات (ادارات مرکزی و ارگان‌های محلی معلومات مربوط به بودجه و عرضه خدمات عامه را در دسترس مردم قرار خواهند داد.) حکومت و ادارات محلی، پیش از اتخاذ هر نوع تصمیم مهم، با شوراها، مجالس، جرگه‌ها، جامعه مدنی و مؤسسات غیر دولتی مشوره‌های گسترده و همه‌جانبه‌ای را در زمینه خواست‌ها و اولویت‌های مردم انجام خواهند داد. تصمیم‌گیری مشترک (بر اساس این روند شهروندان نه تنها نظریات و پیشنهادات خود را پیرامون علایق و اولویت‌های شان بیان خواهند داشت، بلکه در روند تصمیم‌گیری نیز به طور عملی دخیل و سهیم خواهند بود)؛ • ابتکار عمل و کنترل پروژه‌ها توسط جوانب ذی‌دخل (شهروندان در پروسه‌های طرح پروژه، جمع‌آوری پول برای تمویل، تطبیق پالیسی‌های مربوطه کنترل خواهند داشت. این روند تا کنون در برنامه همبستگی ملی و شوراها، انکشافی قریه یا سایر پروژه‌های انکشافی که توسط مردم تطبیق شده‌اند، در عمل پیاده 	<p>حمایت از مشارکت جامعه مدنی در امور حکومت‌داری محلی</p>	

<p>گردیده است.)</p> <ul style="list-style-type: none"> ● نهادهای جامعه مدنی از توان و ظرفیت نظارت بر کارکرد ادارات محلی برخوردار خواهند شد؛ ● ایجاد زمینه فعالیت آزادانه رسانه‌ها و نشر گزارش‌های مربوط به عرضه خدمات عامه توسط ادارات محلی؛ ● تمام معلومات مربوط به بودجه به طور واضح در اختیار مردم قرار داده خواهد شد؛ ● تسهیل میکانیزم و سازوکار رسیدگی به شکایات مردم توسط والی؛ ● به کارگیری شیوه‌های حساب‌ده‌سازی مردمی، از قبیل بررسی مصارف عامه، بررسی اجتماعی، تفتیش و بررسی توسط شهروندان با استفاده از کارت سنجش نظریات مردم و تقویت چنین میکانیزم‌هایی توسط مقام ولایت؛ ● والی رهبری روند پلان‌گذاری و بودجه‌سازی مشارکتی ولایت را به عهده خواهد داشت؛ ● مدیریت منابع طبیعی بر اساس مشوره گسترده با اجتماعات محلی (به شمول کوچی‌ها و گروه‌های بومی صورت خواهد گرفت.) ● مدیریت منابع طبیعی بازتاب دهنده منافع و اولویت‌ها و ارزش‌های مردم خواهد بود؛ ● با انجمن‌های مسلکی پیرامون موضوعات مربوطه مشوره صورت خواهد گرفت؛ 		
--	--	--

<ul style="list-style-type: none"> ● توسعه تجارت در ساحاتی که از اولویت بالا برخوردار هستند؛ ● تقویت مهارت‌های تجارتي مردم؛ ● در اختيار قراردادن وجوه بيستر به بنگاه‌های تجاري کاهش موانع قانونی و اداری که بنگاه‌های تجاري در حال حاضر با آنها مواجه می‌باشند؛ ● فراهم نمودن زیرساخت‌های بيستر برای مؤسسات تجاري؛ ● از بين بردن موانع تجاري در سطح محلی که بنگاه‌های تجاري برای انجام امور تجاري یا رشد تجارت خود با آنها مواجه می‌باشند و نیز از بين بردن موانعی که تجار در زمینه ایجاد شرکت‌های تجاري با آنها مواجه می‌باشند 	<p>حمایت از مشارکت سکتور خصوصی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> ● ادارات دولتي نتایج فعالیت‌ها و خدمات مورد نیاز را، با استفادهٔ بهینه از منابعی که در اختیارشان قرار دارد، در زمان مناسب، در اختيار مردم قرار خواهند داد؛ ● تضامیم از طریق نزدیک‌ترین ادارات به مردم، اتخاذ خواهند شد 	<p>تقویت کارایی و مؤثریت ادارات دولتي</p>	
<ul style="list-style-type: none"> ● باید برای تمام گروه‌ها، به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر، زمینهٔ دستیابی به امور رفاهی لازم و بهبود آن فراهم گردد؛ ● تسهیلات صحتی و آموزشی لازم برای همهٔ مردم - به شمول گروه‌های محروم - فراهم خواهد گردید؛ 	<p>تقویت برابری و اشتراک همگانی</p>	

<ul style="list-style-type: none"> • در زمینه‌های فوق توجه ویژه به گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر، نظیر زنان و اطفال، خواهد شد؛ • ادارات دولتی در سطح ولایت و ولسوالی و شاروالی‌ها، به طور منظم، معلومات مربوط به تعداد و هویت اشخاص دارای معلولیت، بازماندگان شهدا، تعداد و هویت اشخاص غیر شاغل و نوع مهارت‌های آنها و نیز تعداد سال‌مندان و مشخصات آنها را جمع‌آوری خواهند نمود. 		
<ul style="list-style-type: none"> • هر دو جنسیت (مردان و زنان) اجزای لاینفک در همه مباحثات، ابتکارات و توافقات عمومی در امور مهم و سرنوشت‌ساز کشور به حساب می‌آیند؛ • باید تلاش‌های پیگیر و مستمر در راستای زدودن فاصله تاریخی که بین این دو جنسیت (مردان و زنان) وجود دارد، صورت گیرد؛ • ایجاد محیط و شرایط مساعد که جواب‌گوی نیازهای اساسی و استراتژیک زنان و مردان باشد؛ • زنان و مردان باید هر دو به مثابه منابع ارزشمند بشری ولایت به حساب آیند. 	<p>حمایت و تقویت برابری جنسیتی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • والی برای یافتن راهکار یک‌پارچه‌ها درون ساختار پیچیده حکومت‌داری ولایت، باید دارای مهارت‌های قوی رهبری و ارتباطات شفاف باشد؛ • وجود یک‌پارچگی و نظم سبب ایجاد اعتماد بیشتر 	<p>حمایت و تقویت یک‌پارچگی و تسلسل</p>	

<p>مردم به دولت می‌گردد.</p>		
<ul style="list-style-type: none"> • ادارات ولایت، ولسوالی‌ها، شاروالی‌ها و قریه‌ها به مثابه سیستم واحد قانونی عمل خواهند نمود، نه به حیث ادارات مبتنی بر سیستم قیمومیتی. 	<p>ایجاد سیستم‌های قانونی مورد نیاز در تمام ادارات</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • والی ریاست کمیته مبارزه با حوادث و حالات اضطرار ولایت را به عهده دارد؛ • این کمیته پلان کاری مبارزه با حوادث و حالات اضطراری ولایت را، با همکاری نهادهای دومی، جامعه مدنی و اجتماعات محلی، طرح می‌نماید؛ • کمیته متذکره مسئولیت ایجاد هماهنگی امور مربوط به آمادگی و مقابله با حوادث را به عهده دارد؛ • نهادهای دولتی مسئولیت تطبیق برنامه‌های اساسی مقابله با حوادث طبیعی را به عهده دارند؛ • ساختار کمیته اداره حوادث طبیعی شامل شبکه‌های اتاق کنترل، کمیته‌های ایجاد هماهنگی و مؤسسات تطبیق کننده به سطح ولایت و ولسوالی و شاروالی می‌گردد؛ • کمیته مبارزه با حوادث و حالات اضطراری نقش‌ها و وظایف ریاست‌ها را مشخص و هماهنگی‌های لازم را در زمینه آمادگی این ادارات برای مقابله با حوادث می‌کند تعیین می‌کند؛ • حصول اطمینان از تطبیق استراتژی‌های کاهش 	<p>کمیته مبارزه با حوادث و حالات اضطراری</p>	<p>۷- کاهش تلفات و خسارات و مدیریت حوادث غیر مترقبه</p>

<p>تلفات و خسارات ناشی از حوادث غیر مترقبه توسط نهادهای دولتی؛</p> <ul style="list-style-type: none"> • طرح یک سیستم نظارتی برای نظارت بر حوادث طبیعی و غیر طبیعی؛ • جلب همکاری مردم در تسکین آلام، بازسازی و کاهش تلفات ناشی از حوادث غیر مترقبه؛ • این کمیته مراکز تدارکاتی را جهت مقابله به موقع و ارائه کمک‌های عاجل ایجاد می‌نماید 		
<ul style="list-style-type: none"> • آمادگی ولایت برای رفع نیازهای صحتی و جلوگیری از شیوع امراض ساری؛ • اقدامات عاجل در جلوگیری از فروش داروهای تاریخ‌گذشته و تقلبی؛ • پیگرد عدلی داکتران قلبی و دواهای تقلبی؛ • در اختیار گذاشتن بسته‌های اساسی خدمات صحتی برای شهروندان. 	<p>حصول اطمینان از اقدام به موقع در زمینه ارائه کمک‌های مربوط به صحت عامه</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • جلوگیری از کشت خشخاش، چرس و سایر بوته‌های مخدره، با حمایت مراجع دولتی ذی‌ربط؛ • تعیین ساحاتی که باید کشت خشخاش آنها تخریب گردد. این کار وظیفه‌ی والی است، زیرا والی نسبت به وضعیت و شرایط محلی و وضعیت اقتصادی مردم 	<p>محو کشت کوکنار و تقویت معیشت بدیل</p>	<p>۸- محو کشت کوکنار و تقویت معیشت بدیل</p>

<p>محل بهتر معلومات دارد؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ● پلان نهایی محو کشت کوکنار باید توسط والی به امضا برسد؛ ● والی ریاست «کمیته رهبری کاهش تقاضای مواد مخدر» را به عهده خواهد داشت. اعضای این کمیته عبارت اند از: وزارت صحت عامه، وزارت معارف و دیگر مراجع ذی ربط، مانند وزارت اطلاعات و فرهنگ و جوانان؛ ● این کمیته در مورد فعالیت‌های برنامه کاهش تقاضای مصرف مواد مخدر (مانند اعمار و فعال‌سازی کلینیک‌ها، فعال‌سازی برنامه‌های درمانی اجتماعی، کاهش تقاضا و غیره) ، مؤثریت و کارایی برنامه‌ها (مانند نتیجه هزینه برنامه‌ها) باید به مراجع ذی ربط گزارش بدهد. این کمیته، همچنین، نظر خود را در مورد کارکردهای کلی که برای کاهش مصرف مواد مخدر صورت گرفته است، ارایه می‌نماید؛ ● والی مسئولیت اداره برنامه‌های کوتاه‌مدت معیشتی را برای دهقانان فقیری که کشت خشخاش آنها باید طبق جدول زمان‌بندی تخریب گردد، به عهده دارد. این برنامه‌ها، شامل کمک‌های نقدی، حمایت‌های تخنیکی، فراهم‌سازی دسترسی این کشاورزان به بازارها می‌گردد؛ ● کمک به کشاورزان بخشی از کمپاین مرحله‌بندی شده مبارزه با مواد مخدر است که شامل کمپاین‌های قبل از کشت خشخاش، معیشت‌های بدیل، تخریب ساحات کشت کوکنار و تنفیذ قانون می‌شود؛ 		
---	--	--

- والی، به مثابه شخص اول روند پلان‌گذاری ولایت، مسئولیت دارد از تطبیق موفقیت‌آمیز برنامه‌های معیشت بدیل اطمینان حاصل نمایند. مثلاً برنامه‌هایی از قبیل ارائه آموزش‌های زراعی و بهبود کیفیت محصولات زراعی توسط وزرات زراعت و توسعه راه‌های مواصلاتی توسط وزارت فواید عامه؛
- والی و شورای ولایتی بر عرضه خدمات مربوط به معیشت بدیل نظارت و هماهنگی‌های لازم را اعمال می‌کنند؛
- مؤسسات بین‌المللی مطابق به پلان ولایتی و روش تطبیق آن فعالیت می‌نمایند. این مؤسسات خدماتی، برنامه‌هایی مانند ارتقای ظرفیت و همکاری‌های تخنیکی را ارائه نموده و هزینه‌شان را از طریق وزارت مالیه و بودجه آنکشافی تامین خواهند نمود؛
- والی رهبری «کمیته رهبری تنفیذ قانون مبارزه با مواد مخدر» را به عهده دارد؛
- اعضای این کمیته شامل خازنوالی، ریاست‌های سکتوری وزارت مبارزه با مواد مخدر، پولیس مبارزه با مواد مخدر، گروه کاری مبارزه با مواد مخدر، وزارت داخله و سایر ارگان‌های ذی‌ربط می‌باشند. این کمیته از عملیات و فعالیت‌هایی که در راستای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر، جلوگیری از انتقال مواد خام مخدر و جلوگیری از فعالیت لابراتوارها، دستگیری و تعقیب قانونی کسانی که در صنعت مواد مخدر فعالیت دارند، انجام می‌شود، به مراجع ذی‌ربط گزارش می‌دهد. این کمیته، همچنین، در مورد پیشرفت کار و مؤثریت کلی

این برنامه‌ها نظر خود را ارائه می‌کند.		
<ul style="list-style-type: none"> ● والی نه تنها مسئول ایجاد ترتیبات لازم برای عملی سازی ادارهٔ سالم در سطح ولایت می‌باشد، بلکه باید ادارات دولتی در سطح ولایت را در برابر مردم و به ویژه اقشار فقیر جامعه جوابده بسازد؛ ● والی متعهد است که نه تنها تدابیر و ترتیبات لازم را برای حکومت‌داری خوب تهیه نماید، بلکه نهادهای حکومت‌داری را در مقابل مردم فقیر حساب‌ده بسازد؛ ● والی تلاش می‌کند تا منابع بیشتری را به آن تعداد از خدمات اجتماعی که در راستای زدایش فقر نقش اساسی دارند، تخصیص دهد؛ (مثلاً تعلیم و تربیه، صحت، آب، فاضلاب) و در عرضهٔ این خدمات اقشار آسیب‌پذیر، از قبیل زنان، کودکان، اشخاص دارای معلولیت، خرده زمین داران و کارگران بی‌زمین در مناطق شهری و افراد فقیر روستانشین را در اولویت قرار می‌دهد؛ ● ادارهٔ ولایت، امور حکومت‌داری را در راستای عرضهٔ خدمات مناسب به اقشار فقیر بیش از پیش تقویت می‌کند؛ ● والی تلاش خواهد ورزید تا حد امکان نظریات و نیازهای اقشار فقیر را در تصامیم مربوطه لحاظ نماید؛ ● والی کمک‌های لازم را در راستای انسجام و سازمان‌دهی هرچه بیشتر اقشار فقیر فراهم خواهد آورد؛ 	<p>فق‌رزدایی و دست‌یابی به «اهداف انکشافی هزارهٔ سوم»</p> <p>فق‌رزدایی و دست‌یابی به «اهداف انکشافی هزارهٔ سوم» در ولایت</p>	<p>۹- فق‌رزدایی و دست‌یابی به «اهداف انکشافی هزارهٔ سوم»</p>

<ul style="list-style-type: none"> • والی حاکمیت قانون را با در نظر داشت روندهای حمایت از اقشار فقیر تقویت خواهد نمود؛ • والی مشارکت مؤسسات غیر دولتی (NGO) را که از قشر فقیر حمایت می‌کند، تقویت نموده و گسترش خواهد داد؛ • والی تلاش خواهد نمود تا ابعاد مختلف فقر ناشی از تمایزات جنسیتی را درک و شناسایی نموده و اقدامات لازم را در جهت زدودن آنها انجام دهد. 		
<ul style="list-style-type: none"> • استراتژی انکشاف ملی افغانستان (ANDS) به شکل مؤثر و به موقع در ولایت تطبیق می‌شود؛ • برنامه‌های دارای اولویت ملی به شکل مؤثر تطبیق می‌شوند؛ • والی از انجام شمارش نفوس، برگزاری انتخابات و ثبت امور شهری در سطح ولایت کاملاً حمایت می‌نماید. 	<p>۱۰- کمک و همکاری در تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان و برنامه‌های دارای اولویت ملی و فعالیت‌های حکومت مرکزی در ولایت</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • والی ها مسئولیت نظارت و ارزیابی و تطبیق اصلاحات اداره عامه و ارتقای ظرفیت کارمندان ملکی را در ساحة ولایت به عهده خواهند داشت؛ • راهنمایی مستمر ریاست‌های سکتوری، ادارات دولتی و شاروالی‌ها در زمینه تطبیق برنامه‌ها و فعالیت‌های آنان؛ • تأمین روابط مسالمت‌آمیز و فعال بین نهادهای دولت مرکزی و حاکمیت محلی؛ • تسهیل و هماهنگی فعالیت‌های کارمندان دولت در 	<p>۱۱- ایجاد هماهنگی در بین فعالیت‌های ادارات محلی و مرکزی</p> <p>هماهنگ‌سازی تلاش‌های ادارات محلی و مرکزی</p>	

<p>سفرهای رسمی شان به ولایت؛</p> <ul style="list-style-type: none"> ● فروش املاک دولتی و خرید املاک برای دولت، با در نظر داشت منافع عمومی مردم، مطابق با احکام قانون؛ ● جبران خساره زمیندارانی که به خاطر منافع عمومی، دولت به زور زمین شان را گرفته است؛ ● در سطح ولایت هیچ زمین دولتی و یا زمین شخصی به زور از کسی گرفته نخواهد شد. ● جلب همکاری مردم و مؤسسات دولتی در راستای حفظ محیط زیست و جنگلات؛ ● ارائه طرح‌های پیشنهادی معقول و موجه به شعبات و ادارات تحت امر و مقامات ذی ربط، جهت رفع نیازهای مردم و عرضه خدمات مورد نیاز به آنان؛ ● همکاری نزدیک با نمایندگی جمعیت هلال احمر افغانی به منظور ارتقای عواید و تقویت بنیه مالی آن و جلب همکاری های مردم به صورت رضاکارانه. 		
<ul style="list-style-type: none"> ● پلان خریداری و حمل و نقل غله‌جات و سایر مواد اولیه و توزیع آنها به مردم بر اساس پالیسی حکومت صورت خواهد گرفت. ● حفظ ملکیت‌های دولتی؛ ● نظارت بر حفظ اموال و زمین‌های دولتی ، جنگلات، منابع آب و سایر ثروت‌های طبیعی و استفاده معقول از آنها؛ ● نظارت بر معادن و جلوگیری از استخراج و تجارت غیر 	<p>تنظیم امور منافع عامه</p>	<p>۱۲- تنظیم امور منافع عامه</p>

<p>قانونی مواد معدنی؛</p> <ul style="list-style-type: none"> • همکاری با کوچی‌ها و مالداران برای استفاده مؤثر و منصفانه از مالچرها؛ • تثبیت علفچرها از طریق ریاست زراعت و مالداري با در نظر داشت ضرورت اهالی منطقه و مطابق با احکام شرعی؛ • حمایت از تطبیق روش متریک برای اندازه‌گیری‌ها؛ • مساعدت در تهیه معلومات و ارقام احصائیوی در حوزه ولایت و تشویق در ارایه معلومات موثق احصائیوی به تیم‌های موظف دولتی؛ • ارائه پیشنهاد از طریق اداره مستقل ارگان‌های محلی به شورای وزیران در مورد ایجاد و تعدیل واحدهای اداری محلی. 		
<ul style="list-style-type: none"> • تعمیم احکام اسناد تقنینی، اوامر و هدایات قانونی مقامات ذیصلاح در ساحة مربوطه و نظارت بر اجرای آنها. 	<p>اعمال صلاحیت‌های قانونی در سطح محلی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • پرداخت پول نقد، تغییرات در لایحه پیشنهادی بودجه، طی مراحل قراردادها و توافقنامه‌ها به شمول اجاره املاک دولتی توسط دفاتر والی‌ها و ولسوال‌ها؛ • ایجاد کمیته مزایده و تهیه و تدارکات مطابق قوانین مربوط برای ارائه کالاها و خدمات با قیمت مناسب به دفاتر والی‌ها و ولسوال‌ها؛ 	<p>روندهای بودجه‌سازی و تخصیص و حساب‌دهی مالی در سطح ولایت.</p>	<p>۱۳- بهبود اداره امور مالی و تهیه و تدارکات در ولایت.</p>

<ul style="list-style-type: none"> • تهیه و تدارک کالا توسط دفاتر والی‌ها و ولسوال‌ها مطابق به قوانین مربوطه و در موعد مقرر؛ • تفتیش و نظارت بر مصارف بودجه‌ای دفاتر والی‌ها، ولسوال‌ها، ادارات و تأسیسات دولتی مطابق با قوانین مربوطه. 		
<ul style="list-style-type: none"> • جمع‌آوری به‌موقع تمام عواید و مالیات قانونی حکومت؛ • حمایت از نهادهای جامعه مدنی که آگاهی مردم را در زمینه وظایف و مکلفیت‌های‌شان در پرداخت مالیات، افزایش می‌دهند. 	ایجاد عواید برای دولت و ادارات شاروالی‌ها	
<ul style="list-style-type: none"> • والی‌ها مسئولیت نظارت و ارزیابی و تطبیق اصلاحات اداره عامه و ارتقای ظرفیت کارمندان ملکی را در ساحت ولایت به عهده خواهند داشت؛ • استخدام کارمندان واجدالشرايط برای تمام پست‌های رتبه ۵ الی رتبه ۸ در اداره ولایت؛ • تشکیلات جدید دفاتر والی‌ها، مطابق با رهنمود و تصمیم کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، به طور کامل فعال خواهد شد و مطابق با لایحه وظایف‌شان عمل خواهند کرد؛ • فراهم‌آوری دفاتر کار و تجهیزات لازم برای والی‌ها و ولسوال‌ها؛ • تطبیق اصلاحات اداره عامه و اصلاح رتبه‌ها و معاشات در تمام دفاتر دولتی در ولایات و ادارات شاروالی‌های ولایت، مطابق رهنمودهای کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی. 	تطبیق ساختارهای جدید تشکیلاتی	۱۴- حصول اطمینان از انکشاف اداری و اداره مؤثر

<ul style="list-style-type: none"> • ارائه آموزش‌های لازم به تمام کارمندان بخش خدمات ملکی، از قبیل آموزش‌های تخصصی جهت مجهز نمودن آنان به دانش و مهارت‌های لازم برای اجرای شایسته وظایف‌شان؛ • برای تمام کارمندان بخش خدمات ملکی دوره آموزشی اساسات و مبانی کمپیوتر برگزار خواهد گردید. برای کارمندی که نیاز به فراگیری برنامه‌های ویژه و تخصصی کمپیوتری داشته باشند نیز دوره‌های آموزشی لازم دایر خواهد شد؛ • برای کارمندی که امور کاری آنان مشابه می‌باشد، دوره‌های مشترک آموزش کمپیوتر دایر خواهد شد؛ • ایجاد سیستم مدیریت کارآمد منابع بشری، به شمول ارزیابی عملکرد کارمندان. 	<p>ایجاد اداره خدمات ملکی کارآمد و مؤثر</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • معرفی و تطبیق طرزالعمل‌های مؤثر اداری و اجرایی؛ • معرفی و تطبیق مقررها و طرزالعمل‌های ساده و مؤثر کاری؛ • آموزش کارمندان برای فراگیری مقررها و طرزالعمل‌های جدید کاری. 	<p>معرفی روش‌های مؤثر اداری و اجرایی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • برگزاری مراسم مذهبی، تاریخی و ملی مطابق مقررات شرعی؛ • مساعدت به علما و روحانیون در انجام امور محوله و همکاری در حفظ، مراقبت، ترمیم و اعمار مساجد و سایر اماکن متبرکه. 	<p>حمایت از برگزاری مراسم و شعائر اسلامی</p>	<p>۱۵- حمایت از برگزاری مراسم و شعائر اسلامی</p>

<ul style="list-style-type: none"> • فراهم آوری تسهیلات لازم در تکمیل اسناد پاسپورت حجاج و زائران سایر اماکن متبرکه. 	فراهم آوری تسهیلات مربوط به حج و دیگر سفرها به قصد زیارت	
---	--	--

معاون والی

در قانون ادارات محلی جزئیات وظایف معاون والی مشخص نگردیده است. در این قانون فقط آمده است که والی وظایف و مسئولیت های معاون والی را تعیین می کند (ماده ۱۹ قانون ادارات محلی)

وظایف و مسئولیت های معاون والی

پست معاون والی پست خدمات ملکی می باشد. چون پست رئیس اجرائیه، به اساس این پالیسی، از تشکیل اداره ولایت از بین می رود، معاون والی تمام وظایف و مسئولیت هایی را که توسط رئیس اجرائیه انجام داده می شد، انجام می دهد.

معاون والی تمام فعالیت های خود را تحت رهبری و نظر والی انجام می دهد.

وظایف و مسئولیت های معاون والی به قرار ذیل است:

- معاون والی در غیاب والی صلاحیت های والی را در اختیار خواهد داشت.
- معاون والی یک کارمند عالی رتبه ملکی و مسئول امور اجرایی ولایت است.
- معاون والی، تحت رهبری والی مسئول پروسه پلان گذاری و تطبیق امور کاری استراتژیک و اداری ولایت است.
- معاون والی، مسئول اجرایی ساختن دیدگاه والی در تمام امور مربوط به دفتر مقام ولایت، از طریق طرح برنامه های اجرایی، پلان ها و فعالیت های مؤثر و عملی است. به منظور تسهیل در استفاده از

صلاحیت‌های اجرایی در سطح محلی، به شمول پلان‌های مردمی و پلان‌های وزارتی به رهبری رؤسای واحدهای دومی، معاون والی با تمام ادارات ذی‌ربط در طرح و تدوین این پلان‌ها همکاری‌های لازم را انجام می‌دهد.

- معاون والی، تحت رهبری والی، مسئول مدیریت جریان بودجه عادی سالانه دفتر والی، به شمول نظارت بر اجرای بودجه، ارزیابی و گزارش‌دهی است.
- معاون والی مسئول هماهنگی، جمع‌آوری و نظارت بر روند پیشنهادات پلان‌های سالانه از قریه توسط ولسوالی‌ها و مدغم‌ساختن آنها در سطح محلی است. او مدیریت روند تطبیق پلان‌های سالانه ولایتی و نیز مدیریت روند اولویت‌بندی، قیمت‌گذاری و طرح نهایی پلان سالانه ولایتی را با سایر ریاست‌های سکتوری ذی‌دخل در ولایت (آمریت در صورت نبود ریاست) به عهده دارد. در عین حال، معاون والی مسئول فراهم‌سازی تسهیلات لازم برای برنامه‌های ارتقای ظرفیت نهادهای دولتی در سطح ولایت است.
- معاون والی مسئول هماهنگی امور مهم و موضوعات مشترک استراتژی انکشافی ملی افغانستان (عدالت جنسیتی، مبارزه با مواد مخدر، همکاری منطقه‌ای، مبارزه با فساد و مراقبت از محیط زیست) و امتزاج آنها در پلان‌گذاری، بودجه‌سازی و اداره امور روزمره در سطح ولایت است و به منظور حصول اطمینان از تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان در سطح ولایت می‌گردد، از آن حمایت می‌کند.
- معاون والی بر روند تطبیق فعالیت‌های ادارات محلی، ریاست‌های سکتوری و تخنیکی ولایت کنترل و نظارت می‌کند و مسئول مستقیم امورات مالی اجرایی و اداری دفتر والی می‌باشد.
- معاون والی قبل از برگزاری جلسات کمیته انکشافی ولایتی، جلسات اداری و تخنیکی در ولایت، مسئول نظارت بر تطبیق روند امور مالی و اداری ولایت می‌باشد و در تطبیق پلان ولایتی ریاست‌های سکتوری سهم بارز دارد.
- معاون والی مسئولیت تنظیم فعالیت منظم ادارات ولایتی را بر اساس قانون به عهده دارد و مراقب است که کارمندان ملکی از قوانین به طور کامل پیروی کنند و شرایط لازم کار (فضای مناسب، وسایل و تجهیزات، خدمات اداری، کتابخانه) جهت فعالیت منظم نهادهای اداری در سطح ولایت، مهیا باشد.
- معاون والی باید از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و کارهای حکومتی در سطح ولایت آگاهی داشته باشد. این امر شامل آگاهی از پلان‌های اقتصادی سالانه ولایتی، پلان استراتژیک ولایتی، پلان‌های انکشاف ولایتی و تمام برنامه‌های انکشافی و اقتصادی نهادهای ولایتی می‌شود. در

بخش سیاسی، معاون والی مکلف است تا از فعالیت‌های گروه‌های سیاسی آگاهی داشته باشد و از انجام این فعالیت‌ها در چهارچوب قانون اطمینان حاصل کند. مزید بر آن، معاون والی باید از اوضاع اجتماعی، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و فعالیت‌های نهادهای جامعه مدنی که با هدف تقویت زیرساخت‌های مثبت اجتماعی و اصلاح زیرساخت‌های غیر مؤثر، آگاهی داشته باشد و از آنان در حد لازم حمایت کند.

- تمام بخش‌های اجرایی دفتر مقام ولایت به معاون والی گزارش‌ده هستند. معاون والی برای تحقق این امر، یک سیستم منظم گزارش‌دهی و مدیریت معلومات را در سطح ولایت ایجاد می‌کند. بر اساس این سیستم، سلسله‌مراتب گزارش‌دهی در بین هر اداره مشخص است و کارهای اداری به صورت منظم توزیع و اجراات آنها به طور منظم پیگیری می‌شود. سیستم گزارش‌دهی و مدیریت معلومات شامل جمع‌آوری معلومات و ایجاد بانک معلوماتی، تحلیل و تجزیه معلومات و تولید گزارش‌ها و طرزالعمل‌های مشخص برای جمع‌آوری، تحلیل و تجزیه گزارش‌ها می‌باشد. این سیستم بر مبنای گزارش‌دهی از بالا به پایین و بالعکس استوار خواهد بود. بر این اساس مسئولان تصمیم‌گیرنده از وضعیت عملکرد ادارات و مشکلات آنها آگاهی دقیق داشته و هدایات لازم را به کارمندان صادر خواهند کرد و خود نیز در برابر کارمندان و مردم حساب‌ده خواهند بود.
- معاون والی برای بهبود پلان‌گذاری و اداره امور روزانه ولایت، یک سیستم مؤثر پلان‌گذاری را طرح می‌نماید که شامل پلان کاری روزانه، هفته‌وار و ماهوار کارمندان ولایت خواهد بود. این سیستم با سیستم گزارش‌دهی و مدیریت معلومات مرتبط خواهد بود تا از طریق آن میزان پیشرفت پلان کاری روزانه، هفته‌ای و ماهوار کارمندان، نظارت و ارزیابی شود.
- معاون والی بر عملکرد کارمندان دفتر مقام ولایت نظارت می‌کند و هدایات لازم را جهت بهبود کیفیت اجراات آنان ارائه می‌کند.
- معاون والی، در صورت لزوم به مقام ولایت در امور تأمین صلح، امنیت، نظم و ثبات، حاکمیت قانون، توسعه و تقویت حقوق بشری شهروندان، توسعه امور اجتماعی، اقتصادی، تعلیمی و فرهنگی، ایجاد اداره سالم، کاهش فقر، مبارزه با امراض، مقابله با حوادث، مبارزه با کشت خشخاش، حفظ محیط زیست و تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان و اهداف انکشافی هزاره سوم افغانستان، مشوره می‌دهد.

- معاون والی، تحت رهبری والی، مسئول پلان‌گذاری، هماهنگی، بازنگری، ارزیابی، مدیریت و عملکرد بخش‌های اجرایی دفتر مقام ولایت و بهبود روندها و طرزالعمل‌های کاری است. او این کار را از طریق وضع پروسیجرها و طرزالعمل‌های مدیریت مبتنی بر نتایج انجام خواهد داد. این امور براساس سیستم پاداش (سفرهای مطالعاتی به خارج از کشور و تشویق مادی) و مجازات (آموزش‌های اجباری و کسر معاش) استوار خواهد بود که طبق آن کارمندان در صورت اجراءات خوب تشویق و در صورت کوتاهی در انجام وظایف‌شان بازخواست خواهند شد. این امر سبب مسئولیت‌پذیری، تعهد، حساب‌دهی، افزایش بازده و کاهش فساد اداری خواهد شد.

- معاون والی به مسئولان ادارات دولتی در سطح ولایت در در زمینه‌های نوگرایی، تطبیق سیستم‌ها، شیوه‌های نوین مدیریتی، مدیریت تغییر برای بهبود کارایی این ادارات و تطبیق استراتژی‌ها و پالیسی‌های دولت مشوره‌های لازم را ارائه می‌کند. همچنین معاون والی به مسئولان دفاتر ساحوی کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، کمیته‌های تعیینات ولایتی، کمیته‌های بررسی ولایتی، گروه‌های ارتقای ظرفیت ولایتی و کمیته‌های همکاری ولایتی در راستای انجام مصاحبه دقیق و مسلکی، تدوین مسلکی لایحه وظایف، آشنایی با محیط کار و اصول نهادی، انتخاب، استخدام، تقرر کارمندان ملکی بر اساس اصل شایسته‌سالاری و تعیین معیارهای تحریری ارزیابی کارمندان برای انتخاب مجدد و ترفیع آنها، مشوره لازم را ارائه می‌کند. مزید بر آن معاون والی در زمینه‌های تأمین نظم مدیریتی، شناسایی و تدویر ورکشاپ‌های آموزشی و حمایت از کارمندان در امور امنیت شغلی، حمایت از رشد مسلکی، استیناف (دادخواهی) در برابر تصامیم غیر منصفانه، در مشوره‌دهی کارمندان به مسئولین، مشوره ارائه نموده و گزارش‌های لازم را برای مقامات دولتی تهیه و ارائه می‌کند.

حساب‌دهی

والی‌های ولایات به مقام ریاست جمهوری و اداره مستقل ارگان‌های محلی حساب‌ده می‌باشند. والی‌ها در مورد فعالیت‌های جاری ولایت، مخصوصاً فعالیت‌هایی که به مثابه بخشی از پلان‌های انکشافی ولایتی و همچنین فعالیت‌های مربوط به امور امنیتی، حکومت‌داری، انکشافی و اقتصادی ولایت می‌باشد، به اداره مستقل ارگان‌های محلی باید گزارش ارائه کنند. والی‌ها به مقام ریاست جمهوری، که ایشان را منصوب می‌کند، نیز حساب‌ده می‌باشند.

والی‌ها به شوراهای ولایتی و از طریق شوراهای ولایتی به مردم ولایت حساب‌ده هستند.

والی‌ها مطابق قانون مکلف خواهند بود هر ماه یک بار به شورای ولایتی اسناد و مدارک مورد نیاز را ارائه دهند. والی‌ها مکلفیت خواهند داشت تا در حد توان، به سؤالات شوراهای ولایتی پیرامون معلومات خواسته شده پاسخ دقیق دهند.

والی، شورای ولایتی را در جریان پیشرفت تطبیق پلان‌های ولایتی، که در راستای نیل به اهداف انکشافی، امنیتی، حقوق بشر، اداره سالم و حاکمیت قانون صورت گرفته اند، قرار خواهد داد. دفتر والی معلومات ذکر شده را با سنجش دقیق از کارکردهای انجام شده تهیه و در اختیار شورای ولایتی قرار خواهد داد. شورای ولایتی جلسات علنی ماهوار خویش را دایر و مسئولیت دارد مردم را از پیشرفت تطبیق پلان‌های ولایتی و پیشرفت در امور انکشافی، امنیتی، حقوق بشر، حکومت‌داری خوب و حاکمیت قانون و سایر فعالیت‌های مهم ولایت آگاه سازد.

شورای ولایتی می‌تواند والی را به علت برگزار نکردن جلسات ماهوار کمیته انکشافی ولایت و به خاطر عدم فعالیت این کمیته و نیز عدم انجام وظایف قانونی که به وی تفویض گردیده است، مورد پرسش قرار دهد. شورای ولایتی می‌تواند مراتب عدم رضایت خود را در مورد نحوه کارکرد والی و نیز رفتار مغایر با هنجارهای اخلاقی او به اداره مستقل ارگان‌های محلی و دفتر مقام ریاست جمهوری ابراز نماید. شورای ولایتی پیش از گزارش این عمل، به والی فرصت خواهد داد تا توضیحات لازم را در این زمینه ارائه و از خود دفاع نماید.

منابع

منابع مالی برای مخارج عادی دفتر والی از جانب اداره مستقل ارگان‌های محلی عرضه می‌گردد.

وجوه لازم برای برنامه‌هایی مثل مبارزه با مواد مخدر و مبارزه با حوادث و حالات اضطراری، که از حوزه فعالیت و صلاحیت ریاست‌های سکتوری خارج است، از طریق بودجه اداره مستقل ارگان‌های محلی تمویل خواهند شد.

شوراهای ولایتی

وظایف و مسئولیت‌ها

- شورای ولایتی ساختاری را جهت همکاری و مشارکت مردم و نهادهای جامعه مدنی با اداره ولایت ایجاد خواهد کرد. شورای ولایتی به شکل منظم جلسات مشورتی را با شهروندان و نهادهای جامعه

- مدنی به شمول شوراهای سنتی و جرگه‌ها دایر خواهد نمود. شورای ولایتی مردم و جامعه مدنی را تشویق به سهم‌گیری در امور حکومت‌داری محلی می‌نماید.
- شورای ولایتی با مؤکلین خود به طور منظم مشوره می‌نماید.
- رئیس شورای ولایتی عضو کمیته انکشاف ولایتی می‌باشد و زمینه طرح اشتراکی پلان‌گذاری و بودجه‌سازی ولایتی را تسهیل خواهد نمود.
- شورای ولایتی در روند پلان‌گذاری ولایتی سهیم است و موافقت خود را با آن اعلان می‌دارد. والی صلاحیت تصویب نهایی پلان انکشافی برای ولایت مربوطه را خواهد داشت.
- مؤثریت این شیوه در زمینه گنج‌اندیدن اولویت‌های مردم در پلان‌های انکشافی به اثبات رسیده است. از طریق این ابتکار نهادهای جامعه مدنی می‌توانند پروژه‌هایی را پیشنهاد نمایند که بعداً بتوان با مردم درباره آنها مشوره نمود. طرح‌های پیشنهادی در بردارنده ارزیابی تخنیکی و طرز‌العمل‌های مکرر برای تصمیم‌گیری در مورد تخصیص بودجه نهایی خواهند بود.
- شورای ولایتی جهت بهبود حساب‌دهی، نقش برجسته‌تری را در بررسی و حساب‌ده‌سازی اداره ولایت ایفا خواهد نمود. روابط حساب‌دهی اساس عرضه خدمات مؤثر به شهروندان به حساب می‌آید.
- وظیفه اساسی شورای ولایتی حساب‌ده ساختن ادارات و مؤسسات ولایت در مقابل مردم می‌باشد. والی شورای ولایتی را در جریان پیشرفت تطبیق پلان‌های ولایتی که در راستای نیل به اهداف انکشافی، امنیتی، حقوق بشر، اداره سالم و حاکمیت قانون صورت گرفته است، قرار خواهد داد. شورای ولایتی مسئولیت دارد اطمینان حاصل کند که ریاست‌های سکتوری خواهند توانست برنامه‌های انکشافی ولایت را به موقع اجرا نمایند و در عین حال خدمات آنها از حداقل معیارهای تعیین شده توسط وزارت‌های مربوطه، برخوردار است یا نه. همچنین شوراهای ولایتی در راستای حصول اطمینان از این که والی‌ها نقش‌ها و مسئولیت‌های خویش را در چارچوب صلاحیت‌های قانونی خود ایفا می‌کند و از این چارچوب فراتر نمی‌رود، نیز تقویت خواهند شد.
- والی‌ها تا حد امکان مکلف به گزارش‌دهی ماهوار به شوراهای ولایتی و جواب‌دهی به سوال‌های شورای ولایتی خواهند بود. والی به طور قانونی مکلف می‌باشد در هر ماه معلومات لازم را در اختیار شورای ولایتی قرار دهد. والی‌ها موظف‌اند به سوالات مطرح‌شده از طرف شورای ولایتی، به طور همه‌جانبه، پاسخ ارائه کنند. والی مکلف است شورای ولایتی را در جریان پیشرفت‌های پلان‌های انکشافی و ولایتی و پیشرفت‌های حاصله در زمینه‌های انکشاف، امنیت، اداره سالم، حقوق بشر و حاکمیت قانون قرار دهد.
- شورای ولایتی می‌تواند گزارشی را مبنی بر عدم رضایت خود از کارکرد والی یا تخطی والی از قانون به اداره مستقل ارگان‌های محلی و دفتر مقام عالی ریاست جمهوری ارائه نماید. این شورا پیش از ارسال گزارش خود، به والی فرصت خواهد داد تا در این زمینه توضیحات لازم را ارائه یا از خود دفاع نماید.

- شوراهای ولایتی توضیحات والی را استماع و معلومات لازم را به طور ماهوار در باره پیشرفت و تطبیق پلانهای انکشافی ولایتی در زمینههای انکشاف، امنیت، اداره سالم، حقوق بشر و حاکمیت قانون جمع‌آوری خواهند نمود.

- شوراهای ولایتی بر عرضه خدمات نظارت و آن را ارزیابی خواهند نمود. بهسازی نقش نظارتی و بررسی شوراهای ولایتی اساس تقویت روابط ارگانهای محلی و حساب‌دهی آنان و درعین حال تأمین بهبود عرضه خدمات به شهروندان محلی به حساب می‌آید. با آنکه وزارت‌های سکتوری وظایف و صلاحیت‌های بیشتری را در سطح ولایت به واحدهای سومی خودشان اعطا می‌نمایند، لازم است که شوراهای ولایتی نیز از نقش ویژه‌ای در نظارت و بررسی عرضه خدمات برخوردار شوند. این نقش در راستای حصول این اطمینان خواهد بود که عرضه‌کنندگان، خدمات محلی کافی را با در نظرداشتن شاخص‌های کیفیت، مؤثریت و کارایی به شهروندان عرضه می‌نمایند.

شوراهای ولایتی از برخی ابزارها برای نظارت و ارزیابی کارکردهای واحدهای سکتوری در سطح ولایتی استفاده نموده و مردم را از میزان و نوع خدماتی که باید از این ادارات توقع داشته باشند، مطلع خواهند ساخت. استفاده از ابزارهایی که ذیلاً توضیح آنها ارائه خواهد شد، می‌تواند سبب ایجاد یک نظام حکومت‌داری نتیجه‌ده در سطح محلی گردد. یک سیستم برای ارزیابی کارکردها، تحت نظر شورای ولایتی، ایجاد و مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این سیستم شوراهای ولایتی را قادر خواهد ساخت تا بتوانند بر عرضه خدمات در سطح محلی نظارت کنند و اطمینان حاصل نمایند که این خدمات بر مبنای معیارها و اهداف ارائه می‌گردند. تمام معلوماتی که شورای ولایتی از این طریق جمع‌آوری می‌کند، در دسترس عامه قرار داده می‌شود. در حال حاضر این سیستم چیزی جز نتایج فعالیت‌ها را ارزیابی نمی‌کند.

- به این منظور شورای ولایتی از شیوه‌های متعددی که در برگیرنده سیستم‌های ارزیابی و بررسی امور کاری خواهد بود، استفاده خواهد کرد.

معلومات جمع‌آوری شده پس از نظارت و ارزیابی امور کاری والی و نهادهای دولتی توسط شورای ولایتی در اختیار مردم قرار داده خواهد شد. شورای ولایتی مسئولیت نشر و شریک‌سازی معیارهای عرضه خدمات واحدهای دومی در سطح ولایت را به عهده خواهد داشت. همچنین شورای ولایتی مسئولیت بررسی شکایات عامه را خواهد داشت. والی و واحدهای دومی در قبال این شکایات و چگونگی رسیدگی به آنها از طریق شورای ولایتی به مردم جوابده می‌باشند.

- شوراهای ولایتی مسئولیت نظارت بر عرضه خدمات را به عهده خواهند داشت. بهسازی نقش نظارتی شوراهای ولایتی نقطه ثقل تقویت روابط ارگانهای محلی و حساب‌دهی آنان و در عین حال بهبود عرضه خدمات به شهروندان محلی به حساب می‌آید. همزمان با آنکه وزارت‌های سکتوری وظایف و صلاحیت‌های بیشتری را به ریاست‌های سکتوری خودشان اعطا می‌کنند، لازم است که شوراهای ولایتی نیز از نقش ویژه‌ای در نظارت و بررسی عرضه خدمات برای برخوردار شوند تا اطمینان حاصل کنند که عرضه‌کنندگان خدمات محلی، خدمات کافی را مطابق با شاخص‌های کیفیت، مؤثریت و

کارآیی به شهروندان ارائه می‌کنند. شوراهای ولایتی از برخی ابزارها برای نظارت و ارزیابی کارکردهای ریاست‌های ولایتی استفاده نموده و مردم را از میزان و نوع خدماتی که باید از این ادارات توقع داشته باشند، مطلع خواهد ساخت.

- یک سیستم ارزیابی کارکردها تحت نظر شورای ولایتی ایجاد و مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این سیستم شوراهای ولایتی را قادر خواهد ساخت که بتوانند بر عرضه خدمات در سطح محلی نظارت و اطمینان حاصل نمایند که این خدمات بر مبنای معیارها و اهداف ارائه می‌گردند. تمام معلوماتی که شورای ولایتی از این طریق جمع‌آوری می‌کند، در دسترس عامه قرار داده می‌شود.^{۱۴}

- شورای ولایتی مسئولیت خواهد داشت تا گزارش ارزیابی کارکردها و حد اقل معیارهای کاری تعیین شده را برای ریاست‌های ولایتی نشر نماید. نشر این موضوع می‌تواند از طریق کتاب‌های رهنمای حاکمیت محلی صورت گیرد. این کتاب‌های رهنما ابزارهای انتقال معلومات مهم در مورد خدمات ادارات دولتی و روندهای کاری آنان می‌باشد. شوراهای ولایتی مسئولیت نشر و توزیع این کتاب‌ها را به عهده دارند. از وسایل لازم برای توزیع این معلومات استفاده خواهد شد.

شورای ولایتی، همچنین مسئول توزیع کارت‌هایی است که شهروندان محلی برای درج میزان رضایت کلی خودشان از عملکرد ریاست‌های ولایتی و وزارت‌های سکتوری و دیگر عرصه‌های کارکردی ادارات محلی، از آنها استفاده خواهند کرد. شورای ولایتی مسئولیت دارد مردم را از موجودیت این کارت‌ها مطلع نموده و معلومات لازم را در باره نحوه خانه‌پری کردن این کارت‌ها در اختیار مردم قرار دهد. سپس معلومات مندرج در این کارت‌ها را جمع‌آوری نموده و موضوعات مربوطه را، به شکل مستقیم یا از طریق والی با وزارتخانه‌های مربوطه در میان گذاشته و تعقیب نماید. شورای ولایتی نتایج حاصله از این کارت‌ها را در اختیار والی، اداره مستقل ارگان‌های محلی و وزارت‌ها قرار خواهد داد تا آنها بتوانند زنجیره حساب‌دهی را تکمیل و از معلومات مربوط به عملکرد خدماتی نهادهای ولایت آگاهی حاصل نمایند. مرکز، بررسی‌های لازم را از ادارات نهادهای ولایت که خدمات‌شان با حداقل معیارهای خدماتی فاصله دارد، انجام خواهد داد. نتایج حاصله از این بررسی‌ها در اختیار عموم مردم نهاده خواهد شد. شورای ولایتی از فعالیت‌های ادارات و وزارت‌های سکتوری در سطح ولایت مراقبت می‌نماید تا اطمینان حاصل کند که ادارات یاد شده اقدامات لازم را در راستای تأمین هرچه بیشتر برابری جنسیتی انجام می‌دهند و نیز از پیشرفت آنها جهت رسیدن به اهداف تعیین‌شده، در راستای برابری جنسیتی استفاده به عمل می‌آورند.

- شورای ولایتی مسئولیت نظارت بر میکانیزم رسیدگی به شکایات شهروندان را به عهده دارد. این شکایات می‌تواند در مورد کیفیت عرضه خدمت و یا دیگر موضوعات مورد علاقه شهروندان باشد. والی و ریاست‌های ولایتی برای پاسخ به موقع به این شکایات، با شورای ولایتی همکاری خواهند کرد. در صورتی که شورای ولایتی به این نتیجه برسد که واحدهای دومی وزارت‌ها مطابق اصل عرضه حد اقل خدمات معیاری وزارت‌های مربوطه عمل نمی‌کنند، این شورا می‌تواند مرکز و والی را در جریان قرار

^{۱۴}. برای اجرایی شدن این سیستم لازم است تمام وزارت‌های سکتوری معیارهای حداقلی را وضع نمایند.

دهد تا اقدامات مقتضی جهت رفع مشکلات مطرح شده اتخاذ گردد. چنین معلوماتی از طریق کتاب‌های رهنمای ولایت و سایر وسایل دیگر در اختیار مردم قرار داده خواهد شد.

- شورای ولایتی نماینده اصلی باشندگان ولایت در ساختار حاکمیت محلی می‌باشد. شورای ولایتی نشست‌های منظمی را با مردم در باره موضوعات مربوطه برگزار می‌کند و آنها را در جریان کارکردهای اداره ولایت قرار می‌دهد. به صورت مشخص‌تر، شورای ولایتی به مردم در مورد پیشرفت‌های والی و واحدهای دومی وزارت‌های سکتوری در زمینه تطبیق پلان انکشافی، امنیت، حقوق بشر، حکومت‌داری خوب و حاکمیت قانون گزارش خواهد داد. پس از طرح حد اقل معیارهای خدماتی توسط وزارت‌های سکتوری، شورای ولایتی مکلف است در مورد پیشرفت واحدهای دومی وزارت‌های سکتوری برای دستیابی به حد اقل استندرد خدماتی معلومات جمع‌آوری کند و آنها را در اختیار عموم مردم قرار دهد. همچنین، رئیس شورای ولایتی نیازها و خواست‌های مردم را در زمان برگزاری جلسات کمیته انکشافی ولایت مطرح خواهد کرد.

- شورای ولایتی معلومات جمع‌آوری شده در جلسات مشورتی را با مردم در اتخاذ تصمیم مهم مد نظر می‌گیرد. شورای ولایتی با نهادهای جامعه مدنی پیرامون موضوعات پلان‌گذاری، انکشاف، حکومت‌داری و امنیتی مشوره می‌نماید.

- شورای ولایتی می‌تواند در حل و فصل منازعاتی که ماهیت مدنی دارند، در صورت موافقت طرفین، میانجیگری کند.

- شورای ولایتی با هماهنگی با مقامات مربوطه برای از بین بردن آداب و سنن مغایر با احکام شریعت، قانون و آموزه های حقوق بشر، از قبیل ازدواج های اجباری، بد دادن زنان، فعالانه سهم‌گیری می‌نماید.

- شورای ولایتی مسئول تدقیق و بررسی اقدامات و واکنش‌های انجام‌شده برای مقابله با حوادث طبیعی و غیر طبیعی می‌باشد. نتایج این گونه بررسی‌ها در اختیار مردم، کمیته مبارزه با حوادث ولایت، اداره مستقل ارگان‌های محلی و اداره ملی آمادگی و مقابله با حوادث، قرار داده خواهد شد.

- حکومت بودجه کافی را از طریق اداره مستقل ارگان‌های محلی در اختیار شوراهای ولایتی قرار خواهد داد تا با استفاده از آن بتوانند وظایف خودشان را به نحو شایسته به پیش برده و مکلفیت‌های خود را به انجام برسانند.

- اداره مستقل ارگان‌های محلی، شورای ولایتی را در راستای انجام وظایف محوله و عملی ساختن مسئولیت‌هایی که در قبال مردم (مؤکلین شان) دارند تقویت خواهد کرد.

- اداره مستقل ارگان‌های محلی ظرفیت کاری شوراهای ولایتی را ارتقا داده، از شریک سازی معلومات و تجارب در میان آنان حمایت می‌نماید.

نهادهای دومی حکومت در ولایات نقش و مسئولیت‌ها^{۱۵}

- وظیفه بنیادی ریاست‌های سکتوری وزارت‌ها عرضه خدمات می‌باشد و از این رو این ادارات از هیچ کوششی در راستای اعطای تسهیلات خدماتی به مردم نباید کوتاهی نمایند.
- هر وزارت باید پالیسی مناسبی را برای تفویض صلاحیت‌ها و منابع لازم برای واحدهای دومی و سومی‌شان در ولایات و ولسوالی‌ها تدوین نماید. واحدهای دومی باید از لحاظ تشکیلات و تقسیم صلاحیت‌ها و وظایف مختلف مورد بازبینی قرار گیرند و یک سیستم تقسیم وظایف و صلاحیت‌ها میان مرکز و ولایات به منظور بهبود کیفیت و مؤثریت خدمات به میان آید. هر وزارت صلاحیت‌های وظیفوی را تا سطحی که در انجام آن وظایف مزایای مقایسوی داشته باشد، به نهادهایی که به مردم نزدیک‌تر هستند و به وجه بهتر می‌توانند وظایف‌شان را انجام دهند، تفویض خواهد نمود. تفویض صلاحیت‌ها به واحدهای دومی و سومی در سطوح ولایتی و ولسوالی، یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای بهبود کیفیت و مؤثریت خدمات خواهد بود. نزدیک‌تر بودن تصمیم‌گیری به مردم، مؤثریت و حساس‌دهی را در عرضه خدمات بالا می‌برد. با تقسیم وظایف بین ادارات مرکز و واحدهای دومی آنها در سطح ولایات، وزارت‌ها منابع کافی و صلاحیت‌های لازم را در راستای انجام وظایف محوله به ادارات ولایتی خودشان اعطا خواهند کرد. تفویض صلاحیت‌های تدارکاتی و عقد قرارداد با واحدهای دومی و سومی، دفاتر والی‌ها و ولسوال‌ها به تدریج افزایش خواهد یافت و وزارت‌های مرکزی اخذ تصمیم و تهیه تدارکات به نمایندگی از ولایت را به تدریج کاهش خواهند داد. مرکز به ولایات، و وزارت‌های مرکزی به واحدهای دومی اعتماد لازم را خواهند داشت و به آنها اجازه خواهند داد تا با در نظر داشت اولویت‌ها و نیازهای محلی تصمیم بگیرند. با آن که صلاحیت تصمیم‌گیری سیاسی و پالیسی در سطح مرکز حفظ خواهند شد، ولی به تدریج صلاحیت‌های وظیفوی در باره آب و فاضلاب، صحت و تغذیه، معارف، راه‌های مواصلاتی محلی، حمل و نقل محلی، زیربنای شهری و دهات، زراعت و آبیاری، مدیریت منابع طبیعی، ثبت اراضی، مصونیت اجتماعی، توزیع کارت شناسایی ملی (تذکره)، انکشاف بخش خصوصی، و خدمات مدنی نظیر مدیریت جمع‌آوری انواع زباله‌ها و ضایعات و بازیافت آنها، مدیریت ترافیک شهری و برون‌شهری، چراغ‌های شاهراه‌ها، تسهیلات تفریحی، کتابخانه‌ها و خدماتی ارزشمند دیگری که مردم به آنها نیاز دارند، به ادارات دولتی در سطح ولایت، ولسوالی و شاروالی‌ها تفویض خواهد شد.
- دولت هر ساله کنفرانس سالانه وزارت‌های سکتوری و والی‌ها را در راستای ایجاد هماهنگی هرچه بیشتر بین وزارت‌های سکتوری و والی‌ها برگزار خواهد نمود تا از این طریق بتواند زمینه تفویض صلاحیت‌های بیشتر را به ادارات دولتی در سطح ولایت، ولسوالی و شاروالی‌ها فراهم سازد. دولت مزایا و مشوق‌های قابل توجه و قوی، همچنین حمایت و رهنمودهای لازم را به آنان ارائه خواهد نمود.

۱۵. این وظایف و مسئولیت‌ها وظایف جانبی می‌باشند که این ریاست‌ها در کنار خدمات عمومی که برای مردم فراهم می‌نمایند، باید انجام دهند.

- وزارت‌های مرکزی برای بهتر شدن ظرفیت کاری واحدهای دومی و سومی و برای تفویض صلاحیت‌ها به این واحدها، برنامه ارتقای ظرفیت‌ها را تدوین و اجرا خواهند کرد و اصلاحات اداره عامه و سیستم رتبه‌ها و معاشات را تا سال ۱۳۹۲ هجری شمسی (۲۰۱۳ میلادی) در این ادارات تطبیق خواهد نمود. از طریق اصلاحات اداره عامه ساختار اداری این ادارات اصلاح، روند مدیریتی این ادارات ساده، و مهارت‌های ضروری و دانش پایه کارمندان خدمات ملکی، انکشاف خواهد یافت.
- وزارتخانه‌ها یک سیستم مدیریت عملکرد را ایجاد و فعال خواهند ساخت. این سیستم شامل طرح «حداقل معیار خدمات می‌گردد. نهادهای دومی نه تنها باید شورای ولایتی را در جریان معلومات مربوط به حداقل معیارهای خدمات بگذارند، بلکه باید شورای ولایتی را مطلع کنند که آیا توانسته‌اند حداقل معیارهای خدمات را تأمین کنند یا نتوانسته‌اند، یا این که از حداقل معیارهای خدمات پیشی گرفته‌اند، و تا چه حد از آن فراتر رفته‌اند.
- وزارت‌های سکتوری میزان همکاری خودشان را در طرح ابتکاری بودجه ولایتی افزایش خواهند داد. طرح ابتکاری بودجه ولایتی در طول روند تطبیق این پالیسی به تمام وزارت‌ها و ولایات گسترش داده خواهد شد. ریاست‌های سکتوری به طور همه‌جانبه با شورای ولایتی، کمیته انکشافی ولایت و والی‌ها همکاری خواهند کرد.
- ریاست‌های سکتوری در ولایت مربوطه خویش باید اهداف و استراتژی‌هایی را جهت تقویت تساوی جنسیتی (جندر) طرح نمایند و همچنین شاخص‌های مورد نیاز را در راستای ارزیابی پیشرفت برای رسیدن به این اهداف نیز ایجاد نمایند.

حساب‌دهی

- واحدهای دومی به شکل «از پایین به بالا» به ادارات مرکزی وزارتخانه‌های ذی‌ربط حساب‌ده می‌باشند.
- واحدهای دومی به شوراهای ولایتی و از طریق آنها به مردم حساب‌ده هستند. واحدهای دومی باید به طور منظم و در هر ماه یک بار معلومات کاری خود را به شورای ولایتی ارائه نمایند. شورای ولایتی صلاحیت درخواست معلومات از واحدهای دومی را دارد و می‌تواند در صورت لزوم آنها را برای ارائه گزارش‌های شان در جلسات شورای ولایتی دعوت کند. حساب‌دهی واحدهای دومی به شورای ولایتی، در حقیقت حساب‌دهی به مردم است که باعث بالارفتن کیفیت عرضه خدمات خواهد شد.
- رؤسای واحدهای دومی که نتوانند معیار لازم عرضه خدمات را تکمیل نمایند، باید مورد مجازات قرار گیرند. هرگاه در نتیجه ارزیابی اجراء ثابت گردد که رؤسای واحدهای دومی معیارهای لازم خدمات‌رسانی به مردم را تکمیل ننموده‌اند، سه مرحله ذیل بالای آنها تطبیق خواهد شد:
 - آموزش مجدد برای ارتقای ظرفیت
 - تعیین دوره آزمایشی الی حصول هدف (رسیدن به معیار لازم عرضه خدمات)

○ پیشنهاد انفصال

صلاحیت تصمیم‌گیری در این مورد را والی در مشوره با شورای ولایتی و وزارت مربوطه خواهد داشت. همچنین وزارت مربوطه مسئولیت ارزیابی اداره مربوطه را در قسمت نیاز بیشتر به اصلاح اداری یا ارتقای ظرفیت به عهده خواهد داشت.

- واحدهای دومی وزارت‌ها گزارش کاری خود را به والی ولایت ارائه می‌کنند.

منابع تمویل

ریاست‌های ولایتی از طریق بودجه ملی (بودجه برنامه) تمویل می‌گردند.

کمیته انکشافی ولایت

وظایف و مسئولیت‌ها

کمیته انکشافی ولایتی به فعالیتش به حیث یک نهاد پلان‌گذاری، بودجه‌سازی و انسجام چندسکتوری ادامه خواهد داد. جلسات این کمیته ماه یک بار برگزار خواهد شد. در کمیته انکشافی ولایت والی رئیس مجلس است و رئیس شورای ولایتی یکی از اعضای کمیته. والی، تاریخ، وقت، مکان و دستور کار جلسه این کمیته را تعیین می‌کند. رئیس شورای ولایتی، رؤسای واحدهای دومی وزارت‌های سکتوری در سطح ولایت مکلف‌اند در جلسات کمیته شورای ولایتی اشتراک ورزند. شاروال مرکز ولایت عضو کمیته انکشافی ولایت می‌باشد. ولسوال‌ها می‌توانند، در صورت دعوت از طرف والی، در جلسات شرکت ورزند، ولی اشتراک آنها در تمام جلسات الزامی نمی‌باشد. کمیته انکشافی در صورت لزوم می‌تواند مراجع دیگر، از جمله نهادهای جامعه مدنی، تیم‌های بازسازی ولایتی یا مؤسسات تمویل‌کننده را برای شرکت در جلسات این کمیته دعوت نماید. اصول و مقرره‌های کمیته‌های انکشافی در سراسر کشور لازم‌الاجرا می‌باشند.

کمیته‌های انکشافی ولایتی، بودجه ریاست‌های سکتوری را نیز تصویب می‌نماید که این بودجه به حیث بخشی از لایحه ابتکاری تخصیص بودجه ولایتی تقدیم می‌گردد.

حساب‌دهی

شورای انکشافی ولایتی یک نهاد انسجام‌دهنده است و نیاز به حساب‌دهی ندارد.

منابع

- بودجه ملی (بودجه بر اساس برنامه) منبع تمویل وجوه مورد نیاز کمیته انکشافی ولایتی می باشد.
- کمیته انکشافی ولایتی از طرف واحد دومی وزارت اقتصاد سکرتریت می گردد.

مجلس اداری ولایت

وظایف و مسئولیتها

مجلس اداری ولایتی مشتمل بر والی به حیث رئیس مجلس، رئیس شورای ولایتی، رؤسای واحدهای دومی، دفتر لوی څارنوال در سطح ولایت، قوماندان امنیه ولایت، مستوفیت و معاون والی به حیث اعضا می باشد. ولسوالها می توانند در صورت دعوت از طرف مجلس، در جلسات آن شرکت ورزند.

برای اولین بار مجلس اداری ولایتی ۴۵ سال پیش در ماه جدی سال ۱۳۴۲ تاسیس شد. هدف از ایجاد این مجلس انسجام امور ولایت و واحدهای دومی در سطح ولایت بود.

جلسات اداری ولایت در هر هفته یک بار برگزار می شده است. مجلس اداری ولایتی با حضور ۵۰ فیصد از اعضای آن برگزار می شود و تصمیم گیری با تأیید آرای ۱+۵۰ صورت می گیرد. مجلس اداری ولایتی وظایف خود را براساس قوانین نافذ انجام می دهد؛ که این وظایف به ترتیب ذیل است: تأیید خرید و فروش زمین های دولتی در سطح ولایت، تبدیل دیون دولت به اقساط، فسخ قرارداد در صورت عدم مطابق با احکام قانون کار، و بحث روی امور مربوط به واحدهای دومی، در صورت تصویب آجندا توسط رئیس مجلس اداری در آینده به مجمعی تبدیل خواهد شد که والی می تواند انسجام امور اداری واحدهای سکتوری و ادارات ولایتی را از طریق آن انجام دهد. آرای ۱+۵۰ اعضای حاضر در جلسه منجر به تصمیم گیری خواهد شد. از نظر اهمیت تسلسل نهادهای هماهنگ کننده، مجالس اداری ولایت بعد از شوراهای انکشافی ولایتی در مرتبه دوم قرار دارند. چون هر دوی آنها نهادهای هماهنگ کننده هستند و امکان دارد در مواردی وظایفشان یکسان باشند؛ اما مکلفیت های شان کاملاً از یکدیگر متفاوت هستند. مجلس اداری ولایت مسئولیت انسجام امور اداری، و کمیته انکشافی ولایت مسئولیت انسجام امور انکشافی را به عهده دارد.

تطبیق پلان های انکشافی ولایتی وظیفه مجلس اداری ولایت می باشد؛ در حالی که وظیفه طرح این پلانها و بودجه سازی و ارتباط برقرار نمودن بین پلانها و بودجهها به عهده کمیته انکشاف ولایتی می باشد. مجلس اداری ولایت هفته ای یک بار تشکیل جلسه می دهد؛ در حالی که کمیته انکشافی ولایتی ماهی یک بار تشکیل جلسه می دهد. در حقیقت مجلس اداری بخش جانبی کمیته انکشافی ولایتی می باشد، زیرا کمیته انکشافی روی

موضوعات عمده‌ای از قبیل پلان‌گذاری و بودجه‌سازی در سطح ولایت کار می‌کند. مجلس اداری ولایتی و کمیتهٔ انکشافی ولایتی، هر دو از طریق شورای ولایتی به مردم حساب‌ده هستند. علاوه بر این، مجلس اداری ولسوالی در سطح ولسوالی ایجاد خواهد شد که کارکرد آن مانند مجلس اداری ولایت خواهد بود.

حکومت‌داری در سطح ولسوالی

بدون داشتن یک قانون که به طور واضح وظایف و مسئولیت‌های ادارات دولتی در سطح ولسوالی را تشریح نماید، نقش این ادارات همچنان مبهم باقی خواهد ماند. چنین ابهامی در نقش‌ها و مسئولیت‌های ادارات ولسوالی منجر به تداوم ضعف اداره در سطح محلی خواهد شد. مشخصهٔ چنین اداره‌ای بی‌کفایتی، حساب‌دهی ضعیف و هماهنگی ناکارآمد در بین ادارات ولسوالی خواهد بود. تداوم چنین امری دولت را از عرضهٔ خدمات مؤثر و باکیفیت به مردم و برآورده‌ساختن خواسته‌های آنان باز می‌دارد. در قانون باید به طور صریح و روشن مشخص گردد که دولت از ادارات ولسوالی و نهادهای خصوصی در سطح محلی چه انتظاراتی دارد.

نهادهای حکومت‌داری در سطح ولسوالی شامل نهادهای ذیل است:

- ولسوال
- شورای ولسوالی
- قوماندان امنیه
- واحدهای سومی وزارت‌ها در ولسوالی
- محکمهٔ ولسوالی
- سکتور خصوصی
- جامعهٔ مدنی به شمول شوراهای انکشافی و شوراهای غیر رسمی
- مطبوعات
- نهادهای مردمی
- مجلس اداری ولسوالی

از جمله ادارات دولتی ذکر شده در بالا، ادارهٔ ولسوالی، شامل ارگان‌های ذیل می‌باشد:

- ولسوال
- مجلس اداری ولسوالی
- قومندانی امنیه

- واحدهای سومی وزارت‌ها
- محکمه

وظایف کلی ادارات ولسوالی شامل موارد ذیل است:

۱. تأمین صلح، امنیت، نظم و ثبات در ولسوالی مربوطه
 ۲. برقراری حاکمیت قانون در سطح ولسوالی
 ۳. تحقق، حمایت، توسعه و تقویت حقوق انسانی شهروندان ولسوالی مربوطه
 ۴. توسعه امور اجتماعی، اقتصادی، تعلیمی و انکشاف فرهنگی ولسوالی مربوطه
 ۵. عرضه خدمات به شهروندان ولسوالی مربوطه
- این خدمات شامل امور ذیل می‌شود: عدلی، امنیتی، فراهم‌آوری انتقال مصون افراد و کالاها از طریق جاده‌های عمومی، آب‌رسانی و امور فاضلاب، صحت و تغذیه، تعلیم و تربیه، برق‌رسانی، اعمار و حفظ و مراقبت سرک‌ها، حمل و نقل محلی، ایجاد زیربنای شهری و روستایی، زراعت و آبیاری، اداره منابع طبیعی، ثبت اراضی، مصونیت اجتماعی، توزیع کارت شناسایی (تذکره)، انکشاف سکتور خصوصی، عرضه خدمات شهری مانند مدیریت انواع زباله‌ها و ضایعات و بازیافت آنها، امور ترافیکی، تنویر سرک‌ها، تسهیلات تفریحی، ایجاد کتابخانه‌ها و مراقبت از آنها و سایر خدمات مورد نیاز مبرم مردم
۶. ساخت اداره سالم در ولایات از طریق تأمین موارد آتی صورت می‌گیرد: شفافیت و حق دسترسی به معلومات، پاسخ‌دهی به مردم، مشارکت مردم به خصوص جوانان و زنان، سهم‌گیری نهادهای مدنی و بخش خصوصی در امور حکومت‌داری محلی، دموکراسی محلی، مؤثریت و کارایی، مساوات و همه شمولی، برابری جنسیتی، یک‌پارچگی، تسلسل، طرح سیستم‌های قانونی
 ۷. کاهش فقر، مبارزه با امراض و نیل به اهداف انکشافی هزاره سوم در راستای بهبود وضعیت زندگی مردم
 ۸. کاهش خسارات و کنترل حوادث در ساحه ولسوالی
 ۹. نابودی کشت خشخاش و تقویت معیشت بدیل کشاورزان در ساحه ولسوالی
 ۱۰. حفظ محیط زیست و وادار ساختن استفاده‌کنندگان از محیط زیست به نحو مطلوب و حفظ آن برای نسل‌های آینده
 ۱۱. حمایت از برگزاری و بزرگداشت مراسم و شعائر اسلامی
 ۱۲. کمک در تطبیق استراتیژی انکشاف ملی افغانستان و برنامه‌های دارای اولویت ملی در ساحه ولسوالی مربوطه

وظایف و مسئولیت‌های ادارات حکومت‌داری در سطح ولسوالی

نقش و مسئولیت‌ها	نهاد
<ul style="list-style-type: none"> • توافق روی پلان انکشافی ولسوالی و بودجه ولسوالی، بررسی، نظارت و ارزیابی، تأمین کیفیت، ارزیابی عملکرد ادارات ولسوالی، تنظیم روابط ادارات ولسوالی با اجتماعات محلی، جامعه مدنی و رسانه‌ها • همکاری در تأمین امنیت، نظم عامه و حاکمیت قانون • از بین بردن آداب و رسوم مغایر با شریعت و قانون • حفظ، حمایت و توسعه حقوق بشر • حفظ محیط زیست، مبارزه با مواد مخدر 	شورای ولسوالی
<ul style="list-style-type: none"> • مسئول اول اجرایی اداره ولسوالی • تأمین امنیت، نظم عامه، صلح و ثبات • تأمین حاکمیت قانون و قانون اساسی • حفظ، حمایت و گسترش حقوق بشر • بررسی، ارزیابی، تأمین کیفیت و مدیریت عملکرد عرضه خدماتی که در سطح محلی صورت می‌گیرند. • پلان‌گذاری انکشافی ولسوالی • توسعه اقتصاد محلی • انکشاف بخش خصوصی • اداره سالم • تطبیق اصلاحات اداره عامه و ارتقای ظرفیت ادارات دولتی در سطح ولسوالی • تلاش در کاهش فقر • دستیابی به اهداف انکشافی هزاره سوم • تطبیق مقررات • هماهنگی و اداره امور • صلاحیت مالی مصارف و مدیریت مالی • حفظ محیط زیست • مدیریت حوادث طبیعی و غیر طبیعی • ثبت و استملاک اراضی برای استفاده عامه • کمک در تهیه نقشه قریه‌ها 	ولسوال

<ul style="list-style-type: none"> • حمایت از برگزاری و بزرگداشت مراسم و شعائر اسلامی • برقراری ارتباطات با اجتماعات محلی، جامعه مدنی، رسانه‌ها و مطبوعات 	
<p>تأمین امنیت، نظم عامه، ثبات، صلح، تنفیذ قانون، کاهش میزان جرائم، صیانت حقوق بشر، مبارزه با قاچاق و تولید مواد مخدر</p>	<p>قومندانی امنیه</p>
<p>عرضه خدمات، اعطای تسهیلات خدماتی، طرح دستورالعمل‌ها، ارائه معلومات به مرکز جهت پالیسی‌سازی</p>	<p>واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری</p>
<p>تحقیق و تعقیب عدلی و قضایی</p>	<p>مقام خرنوالی ولسوالی</p>
<p>انجام خدمات بازسازی از طریق هماهنگی با ادارات دولتی در سطح ولایت، ولسوالی و نهادهای حکومت‌داری محلی</p>	<p>تیم‌های بازسازی ولایتی</p>
<p>بررسی، نظارت، تأمین کیفیت، اداره خدمات عامه‌ای که در سطح محلی عرضه می‌شوند، ارائه خدمات مشترک و تولید کالاهای مشترک خدماتی</p>	<p>جامعه مدنی، شوراهای غیرانتخابی و انتخابی، رسانه‌ها، ریش سفیدان قومی، رهبران مذهبی</p>

شیوه‌های حساب‌دهی در سطح ولسوالی

تمام ادارات ولسوالی به مردم ولسوالی حساب‌دهنده می‌باشند.

تمام ادارات دولتی در سطح ولسوالی و شوراهای ولسوالی، در ساحات مربوط به فعالیت‌های خودشان به مردم حساب‌ده می‌باشند. هدف از ایجاد ادارات دولتی در سطوح مختلف، ارائه عرضه خدمات مناسب و مطابق با نیازهای مردم می‌باشد. مردم (ملت) جوهره دولت است و دولت اقتدار و مشروعیت خود را از آن کسب می‌کند. از آنجایی که شوراهای انتخابی ولسوالی از خواسته‌ها و آرمان‌های مردم نمایندگی می‌نمایند، تنها نهادهایی می‌باشند که از نظر سلسله مراتب قدرت از همه نهادهای دیگر به مردم نزدیک‌تر هستند. ادارات ولسوالی از طریق شوراهای ولسوالی مربوطه به مردم حساب‌ده می‌باشند.

شوراهای ولسوالی از آن رو به مردم حساب‌ده می‌باشند که با رأی مستقیم آنان انتخاب می‌شوند. اعضای شوراهای مذکور درباره موضوعات مربوطه باید با موکلین خود به طور منظم مشوره نمایند. قوماندانی امنیه ولسوالی و ادارات دولتی در سطح ولسوالی به شورای ولسوالی حساب‌ده می‌باشد.

ادارات دولتی که در سطح ولسوالی مستقیماً به مردم حساب‌ده می‌باشند:

- شورای ولسوالی
- اداره ولسوالی

ادارات حکومت‌داری در سطح ولسوالی که به مقام ولایت و وزارت‌های سکتوری حساب‌ده می‌باشند:

- ولسوال
- اداره ولسوالی

ادارات دولتی که به شورای ولسوالی حساب‌ده می‌باشند:

- ولسوال
- قوماندان امنیه

- واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری

ادارات دولتی حساب دهنده به ولسوال:

- قوماندان امنیه
- واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری در ساحه ولسوالی

حضور مردم در سطح ولسوالی

- اعضای شوراهای ولسوالی توسط مردم انتخاب می‌شوند.

تعیین و توظیف کارمندان ملکی در سطح ولسوالی

تمام تعیینات مربوط به ولسوالی به شمول رتبه‌های ۷ تا ۸ کارمندان ملکی در سطح ولسوالی بعد از شناسایی و انتخاب آنها توسط کمیته استخدام ولایتی و به تأسی از طرز‌العمل توظیف کارمندان ملکی بر اساس اصول شایسته‌سالاری و رقابت آزاد، توسط ولسوال منظور می‌گردد.

ولسوال

وظایف و مسئولیت‌ها

وظایف اصلی ولسوال‌ها در سطح ولسوالی عبارت‌اند از: تأمین صلح، امنیت، نظم عامه و ثبات، تأمین حاکمیت قانون، حفظ، حمایت و توسعه حقوق بشر، توسعه اجتماعی، اقتصادی و تعلیمی، حصول اطمینان از ارائه خدمات عامه مناسب و باکیفیت مورد نیاز مردم، ایجاد ترتیبات لازم جهت تأمین اداره سالم در سطح ولایت، کاهش تلفات و خسارات و مدیریت حوادث طبیعی، محو کشت کوکنار و تقویت معیشت بدیل، زدودن فقر، ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌های ادارات مرکزی و محلی، تنظیم امور عام‌المنفعه، بهبود اداره امور مالی و تهیه و تدارکات، حصول اطمینان از انکشاف اداری و اداره مؤثر، حمایت از برگزاری و بزرگداشت مراسم و شعائر اسلامی، و کمک در راستای تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان و سایر برنامه‌های دارای اولویت ملی

- ولسوال، مسئول اول اجرایی اداره ولسوالی می‌باشد. ولسوال مسئولیت رهبری امور پلان‌گذاری، بودجه‌سازی و هماهنگی امور اداری، انکشافی و امنیتی مربوطه را در سطح ولسوالی به عهده دارد. تقویت جایگاه ولسوال و اعطای صلاحیت‌های لازم به وی، امکان پلان‌گذاری بهتر و ایجاد هماهنگی

در میان دیگر ادارات ولسوالی به شمول واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری و شوراهای ولسوالی پس از تشکیل آنها و نیز کمیته‌های انکشافی ولسوالی را برای ولسوال فراهم می‌سازد. در نتیجه، این امر می‌تواند منجر به پیامدهای ذیل شود:

بازتاب علائق و نیازهای مردم در پلان‌های انکشافی ولسوالی، مرتفع‌سازی نیازهای اجتماعات محلی و مردم قریه، طرح و تطبیق به موقع پلان‌های انکشافی ولسوالی

هماهنگی نزدیک با واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری، سبب تقویت فعالیت‌های پلان‌گذاری می‌شود که از طریق اداره ولسوالی اجرا می‌گردند. ولسوال به آن دسته از اولویت‌های قریه که می‌توان آنها را فوراً به کمیته انکشافی ولایت تقدیم نمود، ارجحیت خواهد داد.

- صلاحیت‌های لازم به ولسوال در راستای تطبیق برنامه‌هایی از قبیل مبارزه با مواد مخدر و مقابله با حوادث که خارج از صلاحیت واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری می‌باشد، اعطاء خواهد شد. در این عرصه‌ها ولسوال نقش مرکزی رهبری امور پلان‌گذاری، بودجه‌سازی و مخارج را به عهده خواهد داشت. همچنین ولسوال در روندهای تمام امور مربوط به فعالیت‌ها و برنامه‌های مبارزه با مواد مخدر به شمول پلان‌گذاری، ایجاد هماهنگی و انسجام، نظارت و ارزیابی، نقش خطیری را به دوش دارد. ولسوال در تمام فعالیت‌های هر چهار عرصه مربوط به مبارزه با مواد مخدر، به ویژه آگاهی‌دهی عامه پیش از کشت خشخاش، معیشت بدیل، از بین بردن کشت خشخاش و تنفیذ قانون به طور همه‌جانبه دخیل می‌باشد. علاوه بر آن، در هر ولسوالی یک کمیته مدیریت حوادث ایجاد خواهد شد. این کمیته مسئولیت نظارت و اداره موارد مربوط به آمادگی و مقابله و کاهش خسارات و تبعات حوادث در سطح ولسوالی را به عهده خواهد شد.

- ولسوال‌ها دارای وظایف اداری، مانند جمع‌آوری معلومات در مورد تولدات، وفات‌ها و ازدواج‌ها را به عهده دارند. با برگزاری انتخابات شوراهای قریه، این شوراها مسئولیت ثبت تولدات، وفات‌ها و ازدواج‌ها را در قریه‌ها به دوش خواهند داشت. آن‌گاه، دفتر ولسوالی مسئولیت جمع‌آوری و توحید این معلومات را به عهده خواهد داشت.

- ولسوال در جلسات کمیته‌های انکشافی ولسوالی اشتراک می‌کند. هدف از تدویر این جلسات اطمینان‌یافتن از این امر است که امور پلان‌گذاری و بودجه‌سازی ولسوالی به طور منظم و به موقع پیش رفته و ولسوال از نزدیک پلان‌های ولسوالی را در راستای حصول اطمینان از این امر که این پلان‌ها به طور مؤثر و در موعد مقرر انجام می‌پذیرند، نظارت می‌کند. برگزاری این گونه جلسات باعث ایجاد هماهنگی هرچه بیشتر در میان ادارات دولتی در سطح ولسوالی می‌گردد.

- ولسوال در امر نظارت و تطبیق پلان انکشافی ولسوالی کمک می‌کند.

- ولسوال در راستای طرح و تطبیق پلان انکشافی ولسوالی، طبق ضرورت با دیگر نهادهای ولسوالی همکاری و هماهنگی‌های لازم را ایجاد می‌کند. با برگزاری انتخابات شوراهای ولسوالی، این امر شامل این نهادها نیز می‌گردد.

- ولسوال به طور ماهوار گزارش فعالیت‌های خود را به شورای ولسوالی ارائه می‌کند (بعد از انتخاب شورای ولسوالی در سال ۲۰۱۰). این امر سبب افزایش حساب‌دهی ولسوال به مردم می‌گردد و در

نتیجه باید سبب بهبود جواب‌دهی ادارات دولتی گردد. ولسوال بر اساس قانون، مکلف خواهد بود. مطابق به درخواست شوراها ولسوالی و به طور ماهوار گزارش فعالیت‌ها و اسناد مربوطه را در اختیار شورای ولسوالی قرار دهد.

- ولسوال‌ها مسئولیت سرپرستی و نظارت بر فعالیت‌های واحدهای سکتوری در ولسوالی‌ها را به عهده دارند. داشتن چنین صلاحیتی به ولسوال فرصت این را می‌دهد تا اطمینان حاصل نماید که واحدهای سکتوری برنامه‌های خود را مطابق توافقات انجام شده در پلان‌های انکشافی ولسوالی انجام می‌دهند. همچنین، با در اختیار داشتن این معلومات، ولسوال‌ها واحدهای سومی را در قبال توافقات انجام شده پیرامون برآورده نمودن حداقل معیارهای خدمات جوابده می‌سازند. عامه مردم حق دارند در صورتی که خدمات عرضه‌شده توسط وزارت‌ها با حداقل معیارهای خدماتی مطابقت نداشته باشند، از ریاست‌های سکتوری به طور کتبی به دفتر مقام ولسوالی و شورای ولسوالی شکایت نمایند. پس از کسب اطمینان از معتبر بودن شکایات انجام شده، ولسوال باید شکایت را به اداره مربوطه ارجاع داده، اقدامات لازم را مبذول و توضیحات و معلومات لازم را ارائه نماید. ولسوال موظف است برای حل منطقی مشکلات و موضوعات مربوط و حصول اطمینان از رفع چنین معضلاتی اقدامات لازم را انجام دهد.

اهداف، مقاصد و نتایج کاری ولسوال

اهداف کاری ولسوال	مقاصد کاری ولسوال	نتایج کاری ولسوال
۱- تأمین صلح، امنیت، نظم عامه و ثبات در ساحة ولسوالی	حصول اطمینان از تأمین امنیت عامه، نظم و ثبات	<ul style="list-style-type: none"> • تحکیم وحدت ملی و رفع خصومت‌های قومی و منطوقی • تأمین امنیت منطقه و صیانت از حقوق شهروندان مطابق احکام قانون • ایجاد زمینه برای اقوام مختلف که بتوانند در کنار یکدیگر با صلح و صفا زندگی نمایند. • تأمین امنیت جاده‌ها در مسیر ولسوالی برای عبور و مرور افراد و کالاها • جلوگیری از ایجاد پوسته‌های تلاشی غیرقانونی، عدم اخاذی و اجحاف در پوسته‌های تلاشی دولتی، تأمین امنیت سرک‌ها و پاک نمودن سرک‌ها از وجود سارقین و گروه‌های مسلح غیر قانونی

<ul style="list-style-type: none"> ● حفاظت از مکاتب، دفاتر و ساختمان‌های دولتی در ولایت در مقابل حملات مسلحانه ● حفظ و مراقبت میدان‌های هوایی ملکی در ساحه ولسوالی و تأمین امنیت آن از طریق شعبات مربوطه ● رعایت قوانین پولیس توسط نیروهای پولیس ملی ● هماهنگی مداوم و به‌موقع با اردو و پولیس ملی در امور مربوط به تأمین امنیت عامه ● اتخاذ تدابیر عاجل در موقع سفر بری عمومی، به منظور سرعت عمل و تأمین اهداف دولت 		
<ul style="list-style-type: none"> ● تعمیم احکام، اسناد تقنینی، اوامر و هدیای قانونی مقامات ذی‌صلاح در ساحه مربوطه و نظارت بر اجرای آن ● رعایت اصل تساوی حقوق شهروندان، مطابق احکام قانون اساسی و دیگر قوانین کشور ● تعقیب قانونی قضایای مربوط به دستگیری و توقیف خودسرانه، شکنجه، اخاذی و غصب دارایی‌های مردم ● اتخاذ تصامیم در ساحه ولسوالی مطابق به قوانین و ضوابط و نه از طریق راه‌های غیررسمی از قبیل روابط شخصی و واسطه بازی ● عدم استفاده از شیوه‌های فریبکارانه و واسطه‌بازی در تصمیم‌سازی‌های امور عامه ● تعلیم عامه و آگاهی دادن به آنان در مورد مسئولیت‌های‌شان در قبال حفظ و تأمین حاکمیت عامه 	<p>حصول اطمینان از رعایت قانون اساسی و حاکمیت قانون</p>	<p>۲- تأمین حاکمیت قانون در ولسوالی</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● اتخاذ اقدامات عاجل در زمینه جلوگیری از 	<p>حصول اطمینان از تحقق،</p>	<p>۳- تحقق، حمایت،</p>

<p>نقض حقوق بشر</p> <ul style="list-style-type: none"> ● رعایت اصل تساوی حقوق شهروندان، مطابق احکام قانون ● رعایت اصول حقوق بشر توسط نهادهای غیر رسمی عدلی ● تحقق و حمایت از حقوق بشری اطفال، زنان و اشخاص دارای معلولیت ● جلوگیری از ازدواج های اجباری دختران کم سن و سال، خشونت های خانوادگی، بد دادن زنان و آزار جنسی آنان ● همکاری اداره ولایت با ریاست ولایتی کمیسیون مستقل حقوق بشر و شورای ولسوالی در راستای تحقق اهداف این نهادها در امور مربوط به نظارت، تحقیق، حمایت و گسترش حقوق بشر 	<p>حمایت و توسعه حقوق بشر</p>	<p>و توسعه حقوق بشری شهروندان ولسوالی مربوطه</p>
<ul style="list-style-type: none"> ● پلان گذاری و بودجه سازی سالانه ولسوالی با اشتراک مردم ● ایجاد هماهنگی مؤثر با شوراهای ولسوالی، جامعه مدنی و واحدهای اداری وزارت ها و ادارات دولتی در ولسوالی، درج به موقع طرح ها و برنامه های وزارت ها و ادارات دولتی و اولویت های مردم در پلان انکشافی ولسوالی و تطبیق برنامه های سرمایه گذاری عامه. ● پلان های انکشافی ولسوالی با در نظر داشت علایق و اولویت های مردم طرح و تدوین گردیده و سپس جهت تصویب به شورای ولایتی پیشکش می گردند. ● تشویق و هماهنگ سازی روند مشارکت واحدهای سومی وزارت های سکتوری در تهیه پلان های انکشاف محلی 	<p>رهنبری طرح پلان سالانه و پلان استراتژیک ولسوالی در راستای انکشاف ولسوالی، جمع بندی نیازمندی های شهروندان ولسوالی</p>	<p>۴- توسعه اجتماعی، اقتصادی، تعلیمی و فرهنگی در ساحة ولسوالی</p>

<ul style="list-style-type: none"> • ارائه طرح های پیشنهادی برای تمدید شبکه برق، حفظ و اعمار جاده های مواصلاتی، سیستم آب برای تمام شهرها و قریه ها در ساحه ولسوالی • حمایت از فعالیت های استخراج معادن 		
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد پیوند بین پلان انکشافی ولسوالی و بودجه ولایتی 	ایجاد پیوند بین پلان انکشافی ولسوالی و بودجه ولایتی	
<ul style="list-style-type: none"> • تطبیق به موقع پلان های تصویب شده توسط واحدهای های سکتوری و مؤسسات دولتی موجود در ولایت و تقویت و تطبیق این پلان ها • ایجاد زمینه های مساعد جهت تطبیق پلان های انکشافی شهری و روستایی • تکمیل به موقع پروژه های عام المنفعه و ساختمانی مطابق با معیارهای پذیرفته شده و با کیفیت مناسب 	تطبیق به موقع پلان های انکشافی ولایت	
<ul style="list-style-type: none"> • تشویق سکتور خصوصی به سرمایه گذاری در عرصه های تجارت، ساختمانی، حمل و نقل، زراعت، صحت، معارف و دیگر خدمات مفید اجتماعی • بررسی طرح پروژه های کوچک با هدف برآورده نمودن نیازهای مبرم مردم محل و تشویق واحدهای سکتوری و دیگر ادارات دولتی در تطبیق این گونه پروژه ها • تأسیس مجتمع های عمده فروشی و پرچون فروشی توسط ادارات شاروالی ها 	جذب و تشویق بخش خصوصی جهت سرمایه گذاری در ولسوالی مربوطه	

<ul style="list-style-type: none"> ● تطبیق برنامه‌های آموزشی برای مردان و زنان، دختران و پسران و تأمین کمک‌های لازم جهت تطبیق این برنامه‌ها ● جلب همکاری مردم، ادارات دولتی و شاروالی‌ها در راستای ایجاد مکاتب و مدارس مذهبی، مؤسسات علمی، کتابخانه‌ها و سایر مراکز فرهنگی و نیز تطبیق برنامه‌های انکشافی و آموزشی ● سازماندهی و تدویر جلسات آموزشی و علمی (سمینارها و کنفرانس‌ها) با هدف تشویق و تسهیل انکشاف منابع بشری در سطح ولسوالی و اشتراک در آنها ● حفظ فرهنگ ملی و غنی‌سازی هر چه بیشتر آن 	<p>انکشاف منابع بشری در ولسوالی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> ● تشویق مردم در حفر و پاک‌کاری مجراهای آب (کانال‌ها) و کاریزها، تحکیم سربندها و سایر شبکه‌های آبیاری از طریق حشرهای مردمی در این زمینه ● تشویق و ترغیب مردم در احداث سرک‌های فرعی، اعمار پل‌ها، ترمیم سرک‌ها و ساختمان‌های عام‌المنفعه ● جلب همکاری مردم و ادارات دولتی در احیاء و انکشاف ورزش‌های باستانی، محلی و بین‌المللی از طریق احداث توسعه و انکشاف میدان‌های ورزشی و باشگاه‌های (کلپ) ورزشی 	<p>تشویق مردم جهت تطبیق برنامه‌ها، پروژه‌ها و فعالیت‌های انکشافی در سطح ولسوالی</p>	

<ul style="list-style-type: none"> ● بررسی تسهیلات تعمیرها و تجهیزات شوراهای ولسوالی، ادارات دولتی و شاروالی‌ها ● در اختیار قراردادن وسایل حمل و نقل برای کارمندان انتصابی و انتخابی در راستای برقراری ارتباطات با مردم و فراهم نمودن خدمات لازم برای آنان ● حفظ و مراقبت از دارایی‌های عامه نظیر سرک‌ها و ساختمان‌های دولتی توسط ادارات ولسوالی با حمایت ادارات و مؤسسات دولتی و با همکاری اجتماعات محلی ● نظارت بر پروژه‌های ساختمانی تأسیسات دولتی ● حفظ و بهبود تماس‌ها و ارتباطات بین ادارات دولتی با یکدیگر و بین ادارات دولتی و مردم 	<p>تسهیل اعمار ساختمان‌های دولتی و نظارت و مراقبت از امور ساختمانی تعمیرات ادارات و مؤسسات دولتی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> ● عرضه خدمات مناسب توسط مراجع دولتی برای مردم ● مردم خدمات مورد نیاز خود را از مراجع دولتی دریافت می نمایند. ● مردم خدمات مورد نیازشان را از ادارات دولتی به موقع و بدون دادن رشوه دریافت می دارند. ● میزان هزینه‌ای که صرف خدمات عامه می‌گردد، رابطه مستقیم با رضایت مردم از حکومت دارد. ● دریافت مقدار مناسب امکانات مالی توسط اداراتی که در خط اول عرضه خدمات به مردم قرار دارند. ● ولسوال مسئولیت نظارت بر موارد ذیل را به عهده دارد: امنیت، انتقال مصون کالاها و عبور و مرور از سرک‌های عامه، آب و فاضلاب، صحت و تغذی، تعلیم و تربیه، برق، جاده‌هایی که در مسیر ولایت قرار دارند، 	<p>سرپرستی، ارزیابی، کنترل کیفیت و مدیریت کارکرد خدمات عمومی که به مردم ولسوالی عرضه می‌گردد.</p>	<p>۵- حصول اطمینان از دریافت خدمات عامه مناسب، کافی، با کیفیت و مورد نیاز مردم ولسوالی</p>

<p>حمل و نقل محلی، زیربناهای شهری و روستایی، مدیریت منابع طبیعی، زراعت و آبیاری، مصونیت اجتماعی، توزیع کارت شناسایی ملی (تذکره)، انکشاف بخش خصوصی، خدمات ملکی از قبیل مدیریت بازیافت زباله‌ها و ضایعات، مدیریت ترافیک، تنویر سرک‌ها، ایجاد اماکن و پارک‌های تفریحی، ایجاد کتابخانه‌ها و مراقبت از آنها</p> <ul style="list-style-type: none"> • رهبری روند ثبت اجتماعی اراضی در ساحات شهری و روستایی • رهبری نقشه برداری سیاسی و اداری قریه‌های موجود در ولایت از طریق مشوره با اجتماعات محلی و همکاری ادارات ذی‌ربط • بذل توجه خاص به اقشار فقیر، زنان و مناطق دورافتاده از نظر جغرافیایی • اخذ مالیات و فیس با توجه به استطاعت مردم و استفاده‌کنندگان از خدمات دولتی 		
<ul style="list-style-type: none"> • ارائه حمایت‌های لازم به شوراهای ولسوالی جهت پیشبرد وظایف محوله به شمول نظارت بر فعالیت‌های تنفیذ قانون، انکشاف متوازن، عرضه خدمات و امور مربوط به حقوق بشر. • ایجاد زمینه مناسب و فراهم‌آوری فرصت‌های لازم برای اشتراک فعال شورای ولسوالی در پلان‌گذاری انکشافی و بودجه‌سازی ولایتی • ارائه معلومات درخواست‌شده از دفتر ولسوالی و ادارات دولتی به شورای ولسوالی بدون هر نوع تأخیر • تدویر نشست‌های مشورتی مداوم بین دفتر ولسوالی و شورای ولسوالی صورت می‌گیرد. نظرات و طرح‌های پیشنهادی شورای ولسوالی که در محدودیت صلاحیت کاری‌شان ارائه گردیده است، توسط مقام 	<p>حمایت از ایجاد و انکشاف نهادهای منتخب و جامعه مدنی</p>	<p>۶- ایجاد ترتیبات لازم جهت تأمین اداره سالم در سطح ولسوالی</p>

<p>ولسوالی لحاظ گردیده و اقدامات لازم و به موقع در زمینه صورت خواهد گرفت.</p>		
<ul style="list-style-type: none"> • اداره ولسوالی و ولسوال در برابر مردم ولسوالی از طریق شورای ولسوالی حسابده می‌باشند و مراجع ذکرشده حق دارند بر کارکرد ولسوال و ادارات ولسوالی نظارت نمایند. 	<p>حمایت از روند حسابدهی به مردم</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • تطبیق فعالانۀ قانون حق دسترسی مردم به معلومات ادارات دولتی. سیستم‌های لازم برای شهروندان و جامعه مدنی جهت استفاده از این حق ایجاد خواهند گردید. بر اساس احکام قانون اساسی شهروندان کشور حق دسترسی به معلومات ادارات دولتی را دارند. دسترسی به معلومات ادارات دولتی سبب شفافیت در فعالیت‌ها و کارکردهای ادارات دولتی و حسابدهی این ادارات به مردم می‌گردد. 	<p>حمایت از ایجاد شفافیت و حق دسترسی مردم به معلومات دولتی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد زمینه مشارکت فعال زنان و جوانان در امور تصمیم‌گیری ولایت 	<p>حمایت از مشارکت مردم به خصوص زنان و جوانان در امور اداره ولایت</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد زمینه مشارکت جامعه مدنی در امور حکومت‌داری ولسوالی • تجویز و تقویت شریک‌سازی معلومات. ارگان‌های محلی معلومات مربوط به بودجه و عرضه خدمات عامه را در دسترس مردم قرار 	<p>حمایت از مشارکت جامعه مدنی در امور حکومت‌داری محلی</p>	

خواهند داد. حکومت و ادارات محلی با شوراها، مجالس، جرگه‌ها، جامعه مدنی و مؤسسات غیردولتی مشوره‌های گسترده و همه جانبه‌ای را در زمینه خواست‌ها و اولویت‌های مردم پیش از اتخاذ هر نوع تصمیم مهم انجام خواهد داد.

- تصمیم‌گیری مشترک. بر اساس این روند شهروندان نه تنها نظریات و پیشنهادات خود را پیرامون علایق و اولویت‌های‌شان بیان خواهند داشت، بلکه در روند تصمیم‌گیری نیز به طور عملی دخیل و سهیم خواهند بود.

- ابتکار عمل و کنترل پروژه‌ها توسط جوانب ذی‌دخل

(شهروندان در پروسه‌ها و طرح‌های جمع‌آوری پول برای تمویل، تطبیق یا پالیسی‌های مربوطه دخیل خواهند بود. این روند تا کنون در برنامه همبستگی ملی و شوراها، انکشافی قریه یا سایر پروژه‌های انکشافی که توسط مردم تطبیق شده‌اند در عمل پیاده گردیده است)

- تقویت نهادهای جامعه مدنی با هدف نظارت بر کارکرد ادارات محلی

- ایجاد زمینه فعالیت آزادانه رسانه‌ها و نشر گزارشات مربوط به عرضه خدمات عامه توسط ادارات محلی

- به کارگیری شیوه‌های حساب‌ده‌سازی مردمی از قبیل بررسی مصارف عامه، بررسی اجتماعی و استفاده از سنجش نظریات مردم و تقویت این میکانیزم‌ها

- ولسوال، رهبری روند پلان‌گذاری و بودجه سازی مشارکتی ولسوالی را به عهده خواهد داشت.

- مدیریت منابع طبیعی بر اساس مشوره

<p>گسترده با اجتماعات محلی، به شمول کوچی‌ها و گروه‌های منزوی، صورت خواهد گرفت.</p> <ul style="list-style-type: none"> • مدیریت منابع طبیعی بازتاب دهنده منافع و اولویت‌ها و ارزش‌های مردم خواهد بود. • با انجمن‌های مسلکی پیرامون موضوعات مربوطه مشوره صورت خواهد گرفت. 		
<ul style="list-style-type: none"> • توسعه تجارت در ساحاتی که از اولویت بالا برخوردار هستند. • تقویت مهارت‌های تجارتي مردم • فراهم نمودن زیرساخت‌های بیشتر برای مؤسسات تجاری • از بین بردن موانع تجاری که بنگاه‌های تجاری برای انجام امور تجاری و یا رشد تجارت خود با آنها مواجه هستند و نیز از بین بردن موانعی که تجار در زمینه ایجاد بنگاه‌ها و شرکت‌های تجاری با آنها مواجه می‌باشند. 	<p>حمایت از مشارکت سکتور خصوصی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • ادارات دولتی نتایج و خدمات مورد نیاز را با استفاده بهینه از منابعی که در اختیارشان قرار دارد، در زمان مناسب، در اختیار مردم قرار خواهند داد. • تمام تصامیم از طریق نزدیک‌ترین ادارات به مردم، اتخاذ خواهند شد. 	<p>تقویت کارایی و مؤثریت ادارات دولتی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • برای تمام گروه‌ها، به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر باید زمینه دستیابی و بهبود امور رفاهی لازم فراهم گردد. • تسهیلات صحتی و آموزشی لازم برای همه مردم، به شمول گروه‌های آسیب‌پذیر، فراهم خواهد گردید. • در زمینه‌های فوق توجه ویژه عطف گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر، نظیر زنان و اطفال خواهد شد. 	<p>تقویت برابری و مشارکت همگانی</p>	

<ul style="list-style-type: none"> • ادارات دولتی در سطح ولسوالی و قریه معلومات مربوط به تعداد و هویت اشخاص دارای معلولیت، بازماندگان شهدا، تعداد و هویت اشخاص غیر شاغل و نوع مهارت‌های آنها را به طور منظم جمع‌آوری خواهند نمود. 		
<ul style="list-style-type: none"> • هر دو جنسیت (مردان و زنان) در امور مهم و سرنوشت‌ساز کشور اجزای لاینفک در همهٔ مباحثات، ابتکارات و رسیدن به توافق عمومی به حساب می‌آیند. • در راستای زدودن فاصلهٔ تاریخی که بین این دو جنسیت (مردان و زنان) به ملاحظه می‌رسد، باید تلاش‌های پیگیر و مستمر صورت گیرد. • ایجاد محیط و شرایط مساعد که جواب‌گوی نیازهای اساسی و استراتژیک زنان و مردان باشد. • زنان و مردان باید هر دو به مثابهٔ منابع ارزشمند انسانی ولسوالی به حساب آیند. 	<p>حمایت و تقویت برابری جنسیتی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • ولسوال در راستای تأمین یک راهکار یکپارچه در بین ساختار پیچیدهٔ حکومت‌داری ولسوالی باید دارای مهارت‌های قوی رهبری و ارتباطات شفاف باشد. • وجود یکپارچگی و نظم سبب ایجاد اعتماد بیشتر مردم به دولت می‌گردد. 	<p>حمایت و تقویت یکپارچگی و تسلسل</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • شاروالی‌ها و ادارهٔ قریه به مثابهٔ یک سیستم واحد قانونی عمل خواهند نمود؛ نه به حیث ادارات مبتنی بر سیستم رابطهٔ قیمومیتی 	<p>ایجاد سیستم های قانونی مورد نیاز در تمام ادارات</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • آماده سازی ولایت برای رفع نیازهای عاجل 	<p>مدیریت حوادث و ارائه کمک‌های عاجل</p>	<p>۷- کاهش تلفات و خسارات و مدیریت</p>

<ul style="list-style-type: none"> • آماده‌سازی ولسوالی جهت رفع نیازهای صحتی عامه و جلوگیری از شیوع امراض ساری • اتخاذ اقدامات لازم در زمینه جلوگیری از فروش داروهایی که تاریخ آنها منقضی گردیده و نیز داروهای تقلبی • جلوگیری از فروش ادویه تقلبی و طبابت اشخاص غیرمسلکی در ساحه ولایت • عرضه بسته خدمات اساسی صحتی به مردم ولسوالی 	<p>حصول اطمینان از واکنش عاجل در امور مربوط به صحت عامه</p>	<p>حوادث</p>
<ul style="list-style-type: none"> • جلوگیری از کشت خشخاش، چرس و سایر بوته‌های مخدره با کمک سایر نهادهای ذی‌ربط • تعیین ساحاتی که باید کشت خشخاش آنها تخریب گردد؛ زیرا ولسوال معلومات بهتری نسبت به وضعیت و شرایط محلی و وضعیت اقتصادی مردم محل دارد. • پلان نهایی محو کشت کوکنار باید توسط والی به امضا برسد. • ولسوال ریاست «کمیته رهبری کاهش تقاضای مواد مخدر» را به عهده خواهد داشت. اعضای این کمیته عبارت‌اند از: وزارت صحت عامه، وزارت معارف و دیگر مراجع ذی‌ربط، مانند وزارت اطلاعات و فرهنگ و جوانان • این کمیته در مورد فعالیت‌های برنامه کاهش مصرف مواد مخدر، مانند اعمار و فعال سازی کلینیک‌ها، فعال سازی برنامه‌های درمانی اجتماعی، مؤثریت و کارایی برنامه‌ها برنامه‌ها، باید به مراجع ذی‌ربط گزارش بدهد. این کمیته، همچنین، نظر خود را در مورد کارکردهای کلی که در زمینه کاهش مصرف 	<p>محو کشت کوکنار و تقویت معیشت بدیل</p>	<p>۸- محو کشت کوکنار و تقویت معیشت بدیل</p>

<p>مواد مخدر صورت گرفته است، ارائه می کند.</p> <ul style="list-style-type: none"> • ولسوال مسئولیت اداره برنامه های کوتاه مدت معیشتی را برای دهقانان فقیری که کشت خشخاش آنها باید طبق جدول زمان بندی تخریب گردد، به عهده دارد. این کمک ها شامل کمک های نقدی، حمایت های تخنیکی و فراهم سازی دسترسی این کشاورزان به بازارها می گردد. • کمک به کشاورزان بخشی از کمپاین مرحله بندی شده مبارزه با مواد مخدر، که شامل کمپاین های قبل از کشت خشخاش، تخریب، معیشت های بدیل و تنفیذ قانون می باشد. • ولسوال به مثابه شخص اول روند پلان گذاری ولسوالی مسئولیت دارد از تطبیق موفقیت آمیز برنامه های معیشت بدیل اطمینان حاصل نمایند. مثل برنامه ها ارائه آموزش های زراعی و بهبود کیفیت محصولات زراعی توسط وزارت زراعت و توسعه راه های مواصلاتی توسط وزارت فواید عامه • ولسوال و شورای ولسوالی بر عرضه خدمات مربوط به معیشت بدیل نظارت و هماهنگی های لازم را اعمال می کنند. • مؤسسات بین المللی مطابق به پلان ولایتی و روش تطبیق آن فعالیت می نمایند. این مؤسسات خدماتی برنامه هایی مانند ارتقای ظرفیت و همکاری تخنیکی را ارائه و منابع مالی را از طریق وزارت مالیه و بودجه انکشافی عرضه خواهند نمود. • والی رهبری «کمیته رهبری تنفیذ قانون مبارزه با مواد مخدر» را به عهده دارد. 		
--	--	--

<ul style="list-style-type: none"> • اعضای این کمیته شامل نماینده لوی خرنوالی، وزارت مبارزه با مواد مخدر، پولیس مبارزه با مواد مخدر، گروه کاری مبارزه با مواد مخدر، وزارت داخله و سایر ارگان‌های ذی‌ربط می‌باشد. کمیته از عملیات و فعالیت‌هایی که در راستای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر، جلوگیری از انتقال مواد خام مخدر و جلوگیری از فعالیت لابراتوارها، دستگیری و تعقیب قانونی کسانی که در صنعت مواد مخدر فعالیت دارند، به مراجع ذی‌ربط گزارش ارائه می‌کند. این کمیته همچنین در مورد پیشرفت کار و مؤثریت کلی این برنامه‌ها نظر خویش را ارائه می‌کند. 		
<ul style="list-style-type: none"> • ولسوال نه تنها مسئول ایجاد ترتیبات لازم برای عملی سازی اداره سالم در سطح ولسوالی می‌باشد، بلکه باید ادارات دولتی در سطح ولسوالی را نیز در برابر مردم، به ویژه اقشار فقیر جامعه جوابده بسازد. • ولسوال متعهد است که نه تنها تدابیری برای حاکمیت بهتر بسنجد، بلکه حکومت را برای مردم محل نیز حساب‌ده سازد. • ولسوال بیشتر منابع را به اهدافی اختصاص خواهد داد که می‌توانند سبب کاهش فقر در ولسوالی شود، مثل معارف، صحت، آب و فاضلاب. اقشار آسیب‌پذیر، از قبیل زنان، کودکان، اشخاص دارای معلولیت، زمین‌داران کوچک و کارگران بی‌زمین در مناطق شهری و افراد فقیر روستانشین، برای دریافت این خدمات اولویت دارند. • اداره ولسوالی امور حکومت‌داری را در راستای عرضه خدمات مناسب به اقشار فقیر بیش از پیش تقویت می‌کند. 	<p>کاهش فقر و دستیابی به اهداف انکشافی هزاره در ولایت</p>	<p>۹- کاهش فقر و دستیابی به اهداف انکشافی هزاره سوم»</p>

<ul style="list-style-type: none"> • ولسوال تلاش خواهد ورزید، تا حد امکان، نظریات و نیازهای اقشار فقیر را در تصامیم مربوط لحاظ نماید. • ولسوال کمک‌های لازم را در راستای انسجام و سازماندهی هرچه بیشتر اقشار فقیر فراهم خواهد آورد. • ولسوال از فساد جلوگیری می‌کند. • ولسوال حاکمیت قانون را با در نظرداشت روندهای حمایت از اقشار فقیر تقویت خواهد نمود. • ولسوال مشارکت مؤسسات غیر دولتی (NGO) را که از قشر فقیر نمایندگی می‌نمایند، تقویت نموده و گسترش خواهد داد. • ولسوال تلاش خواهد نمود تا ابعاد مختلف فقر ناشی از تمایزات جنسیتی را درک و شناسایی نموده و اقدامات لازم را در جهت زدودن آنها انجام دهد. 		
<ul style="list-style-type: none"> • استراتژی انکشاف ملی افغانستان (ANDS) به شکل مؤثر و به موقع در ولایت تطبیق می‌شود. • برنامه‌های دارای اولویت ملی به شکل مؤثر تطبیق می‌شوند. • ولسوال از انجام شمارش نفوس، برگزاری انتخابات و ثبت امور شهری در سطح ولسوالی کاملاً حمایت می‌کند. • امور سرحدات مطابق قانون تنظیم می‌شود. • تسهیل پروسه صدور اسناد سفری افغان‌ها (تذکره و پاسپورت) به خارج از کشور و سفر حج 	<p>۱۰- کمک و همکاری در تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان، برنامه‌های دارای اولویت ملی و فعالیتهای حکومت مرکزی در ولایت</p>	<p>تطبیق مؤثر استراتژی انکشاف ملی افغانستان، برنامه‌های دارای اولویت ملی و فعالیتهای حکومت مرکزی در ولایت</p>

<ul style="list-style-type: none"> • ولسوالان مسئولیت نظارت بر تطبیق اصلاحات اداره عامه و انکشاف ظرفیت کارمندان ملکی را در ساحه ولسوالی به عهده دارند. • ارائه رهنمودهای مستمر به ریاست‌های سکتوری، ادارات دولتی و شاروالی‌ها در زمینه تطبیق برنامه‌ها و فعالیت‌های آنان. • تأمین روابط مسالمت‌آمیز و فعال بین نهادهای دولت مرکزی و حاکمیت محلی. • به هیچ کس اجازه داده نمی‌شود که زمین‌های دولتی یا زمین‌های شخصی مردم را به طور غیر قانونی غصب نماید. • تسهیل و هماهنگ نمودن فعالیت‌های کارمندان دولت در سفرهای رسمی شان به ولایت • فروش املاک دولتی و خرید املاک برای دولت با در نظر داشت منافع عمومی مردم، مطابق به احکام قانون • جلب همکاری مردم و مؤسسات دولتی در راستای حفظ محیط زیست و جنگلات • ارائه طرح‌های پیشنهادی معقول و موجه شعبات و ادارات تحت اثر، به مقامات ذی‌ربط، جهت رفع نیازهای مردم و عرضه خدمات مورد نیاز به آنان • همکاری نزدیک با نمایندگی جمعیت هلال احمر افغانی (سره میاشت) به منظور ارتقای عواید و تقویت بنیه مالی آن و جلب همکاری‌های مردم به صورت رضاکارانه 	<p>هماهنگ سازی تلاش های مراجع حکومت مرکزی و محلی در ولایت</p>	<p>۱۱- هماهنگ نمودن فعالیت های دولت مرکزی و ادارات محلی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • پلان خریداری و حمل و نقل غله‌جات و سایر مواد اولیه و توزیع آنها به مردم بر اساس پالیسی حکومت صورت خواهد گرفت. • حفظ ملکیت‌های دولتی 	<p>تنظیم امور منافع عامه</p>	<p>۱۲- تنظیم امور منافع عامه</p>

<ul style="list-style-type: none"> • نظارت بر حفظ و نگهداشت اموال و زمین‌های دولتی، جنگلات، منابع آب و سایر ثروت‌های طبیعی و استفاده معقول از آنها • نظارت و مراقبت از معادن و جلوگیری از استخراج و تجارت غیرقانونی مواد معدنی • همکاری با کوچی‌ها و مالداران برای استفاده مؤثر و منصفانه از مالچرها • تثبیت علفچرها از طریق ریاست زراعت و مالداری با در نظر داشت ضرورت اهالی منطقه • حمایت از تطبیق روش متریک برای اندازه‌گیری‌ها • مساعدت در تهیه معلومات و ارقام احصائیوی در حوزه ولسوالی و تشویق در ارایه معلومات موثق احصائیوی به گروه‌های مؤلف 		
<ul style="list-style-type: none"> • تعمیم احکام اسناد تقنینی، اوامر و هدیای قانونی مقامات ذیصلاح در ساحة مربوطه و نظارت بر اجرای آنها 	<p>اعمال صلاحیت‌های قانونی در سطح محلی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • جمع‌آوری به‌موقع تمام عواید و مالیات قانونی حکومت • حمایت از نهادهای جامعه مدنی که سطح آگاهی عامه مردم در زمینه وظایف و مکلفیت‌های‌شان در قبال تادیه مالیات را افزایش می‌دهند. 	<p>ایجاد عواید برای ادارات دولتی و ادارات شاروالی‌ها</p>	<p>۱۳- بهبود امور مالی و تهیه و تدارکات در ولسوالی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • ولسوالان مسئولیت نظارت بر تطبیق اصلاحات اداره عامه و انکشاف ظرفیت کارمندان ملکی را در ساحة ولسوالی به عهده دارند. • استخدام کارمندان واجدالشرايط برای تمام پست‌های رتبه ۷ الی ۸ در اداره ولسوالی • تشکیلات جدید دفتر ولسوال، مطابق با 	<p>تطبیق ساختارهای جدید تشکیلاتی</p>	<p>۱۴- حصول اطمینان از انکشاف اداری و اداره مؤثر</p>

<p>رهنمود و تصمیم کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی به طور کامل فعال و وظایف محوله را مطابق با لایحه وظایف شان اجرا خواهند کرد.</p> <ul style="list-style-type: none"> • فراهم آوری دفاتر کار و تجهیزات لازم برای دفاتر ولسوالها جهت اجرای تمام وظایف محوله این ادارات • تطبیق اصلاحات اداره عامه و اصلاحات رتب و معاشات در تمام دفاتر دولتی در ولایت و ادارات شاروالیهای ولایت مطابق رهنمودهای کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی 		
<ul style="list-style-type: none"> • ارائه آموزش های لازم به شمول آموزشهای تخصصی برای تمام کارمندان بخش خدمات ملکی در راستای مجهز نمودن آنان به دانش و مهارت های لازم جهت اجرای شایسته وظایف محوله برای این کارمندان • برگزاری دوره های آموزشی اساسات و مبانی کمپیوتر برای تمام کارمندان بخش خدمات ملکی، برای کارمندانی که نیاز به فراگرفتن برنامه های ویژه و تخصصی کمپیوتر داشته باشند نیز دوره های آموزشی لازم دایر خواهد شد. • برای کارمندانی که امور کاری آنان مشابه می باشد دوره های مشترک آموزش کمپیوتر دایر خواهد شد. • ایجاد سیستم مدیریت کارآمد منابع بشری به شمول ارزیابی عملکرد منابع بشری 	<p>ایجاد اداره خدمات ملکی کارآمد و مؤثر</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • معرفی و تطبیق طرز العمل های مؤثر اداری و اجرایی • معرفی و تطبیق مقرره ها و طرز العمل های 	<p>معرفی روش های مؤثر اداری و اجرایی</p>	

ساده و مؤثر کاری • آموزش کارمندان در فراگیری مقرره‌ها و طرزالعمل‌های جدید کاری		
• حمایت از تجلیل مراسم مذهبی، تاریخی و ملی مطابق با اصول شرعی • کمک به علما و روحانیون در انجام امور محوله و همکاری در حفظ، مراقبت، ترمیم، اعمار مساجد و سایر اماکن متبرکه		۱۵. حمایت از برگزاری و بزرگداشت مراسم و شعائر اسلامی
• فراهم‌آوری تسهیلات لازم در تکمیل اسناد پاسپورت حجاج و زائران سایر اماکن متبرکه	فراهم‌آوری تسهیلات مربوط به حج و دیگر سفرها به قصد زیارت	

حساب‌دهی

- ولسوال‌ها به والی و اداره مستقل ارگان‌های محلی و مقام ریاست جمهوری حساب‌ده می‌باشند. آنها در مورد فعالیت‌های جاری در سطح ولسوالی، به‌ویژه فعالیت‌هایی که بخشی از پلان‌های انکشافی ولایتی و همچنین فعالیت‌های مربوط به امور امنیتی، حکومت‌داری، انکشافی و اقتصادی ولایت می‌باشد، باید به مراجع ذی‌ربط گزارش دهند.
- ولسوال‌ها به شوراهای ولسوالی و از طریق این شوراها به مردم ولایت حساب‌ده هستند.
- ولسوال‌ها، مطابق قانون، مکلف خواهند بود تا به شکل ماهوار اسناد و مدارک مورد نیاز را به شورای ولسوالی ارائه دهند. ولسوال‌ها مکلفیت خواهند داشت تا معلومات خواسته‌شده را در اختیار شوراهای ولسوالی قرار بدهند. ولسوال، شورای ولسوالی را در جریان پیشرفت و تطبیق پلان‌های ولایتی که در راستای نیل به اهداف انکشافی، امنیتی، حقوق بشر، اداره سالم و حاکمیت قانون صورت گرفته است، قرار خواهد داد. دفتر ولسوال معلومات ذکرشده را، با سنجش دقیق از کارهای انجام شده، تهیه و در اختیار شورای ولسوالی قرار خواهد داد. شورای ولسوالی جلسات ماهوار خویش را، که شرکت مردم در آن بلا مانع می‌باشد، دایر خواهد کرد و مسئولیت دارد تا مردم را از پیشرفت تطبیق پلان‌های ولایتی و پیشرفت در امور انکشافی، امنیتی، حقوق بشر، حکومت‌داری خوب و حاکمیت قانون و سایر فعالیت‌های مهم ولایت آگاه سازد.

- نقش نظارت، بررسی و ارزیابی برای شورای ولسوالی یک امر اساسی در بهبود حساب‌دهی و حصول اطمینان از عرضه خدمات بهتر می‌باشد. زمانی که وزارتخانه‌ها مسئولیت بیشتری را در سلسله عرضه خدمات متقبل می‌گردند، اهمیت نقش شورای ولسوالی در ارزیابی، نظارت و بررسی اجراءات عرضه‌کنندگان خدمات محلی جهت کسب اطمینان از عرضه خدمات کافی و مفید برجسته تر می‌گردد. شورای ولسوالی جهت بررسی عملکرد مدیریت‌ها و همچنین، برای آگاهی عامه از سطح خدماتی که آنها می‌توانند از این ادارات توقع داشته باشند، یک سیستم ارزیابی عملکرد کارمندان را طراحی می‌کند و همراه کتاب رهنمای خدمات حاکمیت محلی و کارت گزارش ارزیابی شهروندان از خدمات عرضه‌شده توسط ادارات ولسوالی، در اختیار مردم قرار می‌دهد.
- شورای ولسوالی می‌تواند ولسوال را به خاطر برگزار نکردن جلسات ماهوار کمیته انکشافی ولسوالی و عدم عملکرد صحیح این شوراها و نیز انجام ندادن وظایف قانونی که به وی تفویض گردیده است، مورد بازخواست قرار دهد. شورای ولسوالی از طریق شورای ولایتی می‌تواند مراتب نارضایتی خود را به دفتر والی، اداره مستقل ارگان‌های محلی و دفتر مقام ریاست جمهوری در مورد نحوه کارکرد ولسوال و رفتار غیر اخلاقی وی ابراز نماید. پیش از این گزارش، ولسوال فرصت خواهد یافت توضیحات لازم را در این زمینه ارائه و از خود دفاع نماید.

منابع:

منابع مالی برای مخارج عادی دفتر ولسوال از جانب اداره مستقل ارگان‌های محلی از طریق دفتر والی تأمین می‌گردد.

وجوه لازم برای برنامه‌هایی که از حوزه فعالیت و صلاحیت ریاست‌های سکتوری خارج است، مثل مبارزه با مواد مخدر و مدیریت حوادث غیر مترقبه، از طریق اداره مستقل ارگان‌های محلی تمویل خواهند شد.

شورای ولسوالی

در هر یک از ۳۶۴ ولسوالی کشور یک شورای ولسوالی ایجاد خواهد شد. علاوه براین، در ۲۹ ولسوالی مرکز ولایت نیز یک شورای ولسوالی وجود خواهد داشت. هرات، کابل، جلال آباد، مزار شریف و میمنه ولسوالی‌های مرکزی‌اند که در قلمروشان هیچ قریه ای وجود ندارد. از این رو، این پنج ولسوالی مرکز ولایت دارای شورای ولسوالی نخواهند بود. سایر ۲۹ ولسوالی مرکز ولایت، قلمروشان دارای قریه‌جات می‌باشند که در جدول ذیل تشریح شده است:

شماره	ولایت	مرکز ولایت	تعداد ولسوالی‌ها	نام ولسوالی مرکز ولایت	تخمین نفوس بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۳ در ولسوالی مرکز ولایت	تعداد قریه‌ها در ولسوالی مرکز ولایت
۱	بدخشان	شهر بدخشان	۲۷	بدخشان	۶۱۰۵۷	۱۰۴
۲	بادغیس	شهر قلعه نو	۶	مرکز ولایت بادغیس	۶۹،۳۴۹	۸۵
۳	بغلان	شهر پلخمری	۱۴	مرکز ولایت بغلان	۱۹۱،۶۴۰	۱۵۸
۴	بلخ	مزاری شریف	۱۴	مرکز ولایت بلخ	۳۷۵،۱۸۱	۰۰۰
۵	بامیان	شهر بامیان	۶	مرکز ولایت بامیان	۷۰،۰۲۸	۱۵۹
۶	دایکندی	شهر نیلی	۸	مرکز ولایت دایکندی	۳۰،۰۵۸	۱۰۵
۷	فراه	شهر فراه	۱۰	مرکز ولایت فراه	۱۰۹،۴۰۹	۱۱۸
۸	فاریاب	شهر میمنه	۱۳	مرکز ولایت فاریاب	۶۸،۰۵۵	۰۰۰

۷۲	۱۵۴،۶۱۸	مرکز ولایت غزنی	۱۸	شهر غزنی	غزنی	۹
۳۰۰	۱۳۲،۴۴۲	مرکز ولایت غور	۹	شهر چغجریان	غور	۱۰
۱۰۲	۲۰۱،۵۴۶	مرکز ولایت هلمند	۱۲	شهر لشکرگاه	هلمند	۱۱
۰۰۰	۳۹۷،۴۵۶	مرکز ولایت هرات	۱۵	شهر هرات	هرات	۱۲
۷۷	۱۴۸،۳۲۹	مرکز ولایت جوزجان	۱۰	شهر شبرغان	جوزجان	۱۳
۰۰۰	۱،۹۲۵،۵۴۸	مرکز ولایت کابل	۱۴	شهر کابل	کابل	۱۴
۱۳۷	۴۳۷،۶۲۵	مرکز ولایت کندهار	۱۵	شهر کندهار	کندهار	۱۵
۶۱	۴۸،۱۷۴	مرکز ولایت کاپیسا	۶	شهر محمودراقی	کاپیسا	۱۶
۱۵۵	۱۶۰،۲۱۴	مرکز ولایت خوست	۱۲	شهر خوست	خوست	۱۷
۱۱	۲۹،۱۷۷	مرکز ولایت کونړ	۱۴	شهر اسدآباد	کونړ	۱۸
۱۷۱	۲۴۷،۴۵۰	مرکز ولایت کندوز	۶	شهر کندوز	کندوز	۱۹

۱۵۸	۱۱۲،۸۵۶	مرکز ولایت لغمان	۴	شهر مهترلام	لغمان	۲۰
۱۹۳	۸۸،۸۸۶	مرکز ولایت لوگر	۶	شهر پل علم	لوگر	۲۱
۸۰	۴۹،۸۵۱	مرکز ولایت نیمروز	۴	شهر زرنج	نیمروز	۲۲
۰۰۰	۲۰۵،۴۲۳	مرکز ولایت ننگرهار	۲۱	شهر جلال اباد	ننگرهار	۲۳
۲۲	۱۱،۵۰۸	مرکز ولایت نورستان	۷	شهر پروان	نورستان	۲۴
۹۱	۷۳،۱۳۱	مرکز ولایت پکتیا	۱۰	شهر گردیز	پکتیا	۲۵
۹۷	۵۴،۴۱۶	مرکز ولایت پکتیکا	۱۸	شهر شران	پکتیکا	۲۶
۵۳	۱۵،۵۹۳	مرکز ولایت پنجشیر	۶	شهر بازارک	پنجشیر	۲۷
۷۷	۱۳۰،۶۱۳	مرکز ولایت پروان	۹	شهر چاریکار	پروان	۲۸
۷۸	۸۵،۴۲۷	مرکز ولایت سمنگان	۶	شهر ایبک	سمنگان	۲۹

۲۰۱	۱۱۵،۴۶۳	مرکز ولایت سرپل	۶	شهر سرپل	سرپل	۳۰
۱۹۲	۱۹۴،۴۷۱	مرکز ولایت تخار	۱۶	شهر تالقان	تخار	۳۱
۱۴۶	۱۰۹،۷۱۲	مرکز ولایت ارزگان	۴	شهر ترینکوت	ارزگان	۳۲
۶۴	۳۵،۰۰۸	مرکز ولایت میدان وردگ	۸	شهر میدان شهر	وردگ	۳۳
۹۱	۳۶،۵۶۰	مرکز ولایت زابل	۱۰	شهر قلات	زابل	۳۴
			۳۶۴		مجموع	

وظایف و مسئولیت‌ها

- شورای ولسوالی ساختاری را جهت همکاری و مشارکت مردم و نهادهای جامعه مدنی با اداره ولسوالی ایجاد خواهد کرد. مزید بر آن، شورای ولسوالی به شکل منظم با شهروندان و نهادهای جامعه مدنی به شمول شوراهای سنتی و جرگه‌ها در سطح ولسوالی جلسات مشورتی را دایر خواهد نمود. شورای ولسوالی تلاش خواهد نمود، مردم و جامعه مدنی را تشویق و میزان سهم‌گیری آنان را در امور حکومت‌داری تقویت نماید.
- شورای ولسوالی به شکل منظم با شهروندان و نهادهای جامعه مدنی، به شمول شورا های سنتی و جرگه‌ها، جلسات مشورتی را دایر خواهد نمود.
- شورای ولسوالی در تدوین پلان‌های انکشافی ولسوالی سهم‌گیری نموده و بر اجرای آنها نظارت می‌کند.

- شورای ولسوالی زمینه طرح پلان‌گذاری با اشتراک مردم را تسهیل می‌کند. اهمیت این امر به مثابه یک ابزار مهم سهم‌سازی شهروندان در اولویت‌بندی پلان‌ها به اثبات رسیده است. از این طریق، سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند پروژه‌هایی را پیشنهاد نمایند و سپس در مورد آنها با مردم بحث کنند. این طرح‌های پیشنهادی از طریق ارزیابی تخنیکی، در پلان‌های انکشافی درج خواهند شد.
- شورای ولسوالی پلان‌های انکشافی ولسوالی را تأیید و امضا می‌کند.
- شورای ولسوالی روی تصامیم عمده اداره ولسوالی بحث و تبادل نظر نموده و متعاقباً تصامیم عمده اداره ولسوالی را تأیید خواهد نمود. تصمیم‌گیری در مورد این که کدام موضوعات جزء موضوعات عمده ولسوالی به حساب می‌آیند، به عهده شورای ولسوالی می‌باشد. در صورتی که شورای ولسوالی با تصامیم موافق نباشد، موضوع را دوباره جهت بازنگری به اداره ولسوالی ارجاع می‌دهند. در صورتی که شورای ولسوالی با تصمیمی موافقت نکند، موضوع را به اداره ولایت، جهت تجدید نظر، ارجاع می‌دهد.
- شورای ولسوالی نقش برجسته‌ای را در نظارت بر کارکردها و حساب‌ده‌سازی اداره ولسوالی جهت بهبود حساب‌دهی در سطح ولسوالی ایفا خواهد نمود. روابط حساب‌دهی محور، بنیاد و اساس بهبود عرضه خدمات مؤثر به شهروندان در سطح ولسوالی را تشکیل می‌دهد. صلاحیت‌های لازم به شورای ولسوالی جهت جواب‌ده‌سازی ولسوال و واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری به مردم در مقابل کارکردها یا عدم اجرای وظایف محوله آنان، اعطا خواهد شد.
- وظیفه اساسی و کلیدی شورای ولسوالی حساب‌ده‌ساختن ادارات و مؤسسات ولسوالی در مقابل مردم می‌باشد. ولسوال شورای ولسوالی را در جریان پیشرفت تطبیق پلان‌های ولسوالی، که در راستای نیل به اهداف انکشافی، امنیتی، حقوق بشر، اداره سالم و حاکمیت قانون، صورت گرفته‌اند، قرار خواهد داد. شورای ولسوالی مسئولیت دارد، اطمینان حاصل نماید که واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری به موقع خواهند توانست برنامه‌های انکشافی ولسوالی را اجرا نمایند و در عین حال خدماتی که عرضه کرده‌اند از حداقل معیارهای تعیین‌شده توسط وزارت‌های مربوطه برخوردار باشند. همچنین شوراهای ولسوالی در راستای حصول اطمینان از این که ولسوال‌ها نقش‌ها و مسئولیت‌های خویش را در چارچوب صلاحیت‌های قانونی خود ایفا کنند، نیز تقویت خواهد گردید.
- ولسوال به طور قانونی مکلف می‌باشد، طی هر ماه معلومات لازم را در اختیار شورای ولسوالی قرار دهد، و به سوالات مطرح‌شده از طرف شورای ولسوالی به طور همه‌جانبه پاسخ دهد و شورای ولسوالی را در جریان پیشرفت‌های پلان‌های انکشافی ولسوالی و پیشرفت‌های حاصله در زمینه‌های انکشاف، امنیت، اداره سالم، حقوق بشر و حاکمیت قانون قرار دهد.
- شورای ولسوالی می‌تواند ولسوال را به خاطر انجام ندادن وظایف قانونی که به وی تفویض شده است، مورد بازخواست قرار دهد. شورای ولسوالی می‌تواند از طریق شورای ولایتی گزارشی را مبنی بر نارضایتی خود از کارکرد یا رفتار اخلاقی ناهنجار وی به اداره مستقل ارگان‌های محلی و دفتر مقام

عالی ریاست جمهوری ارائه نماید. این شورا پیش از ارسال این گزارش به ولسوال فرصت خواهد داد تا در این زمینه توضیحات لازم را ارائه و از خود دفاع نماید.

- شوراهای ولسوالی توضیحات ولسوال را استماع و معلومات لازم را در باره پیشرفت و تطبیق پلان‌های انکشافی ولسوالی در زمینه‌های انکشاف، امنیت، اداره سالم، حقوق بشر و حاکمیت قانون به طور ماهوار جمع‌آوری خواهد نمود.

- شورای ولسوالی مسئولیت نظارت و ارزیابی عرضه خدمات را در سطح ولسوالی به عهده خواهد داشت. بهسازی نقش نظارتی و بررسی شوراهای ولسوالی اساس تقویت روابط ارگان‌های محلی و حساب‌دهی آنان و در عین حال تأمین بهبود عرضه خدمات به شهروندان محلی به حساب می‌آید. همان طور که وزارت‌های سکتوری وظایف و صلاحیت‌های بیشتری را به واحدهای سومی خودشان در سطح ولسوالی اعطا می‌نمایند، لازم است، شوراهای ولسوالی نیز از نقش ویژه‌ای در نظارت و بررسی عرضه خدمات برخوردار شوند. این نقش به آنها اجازه خواهد داد که از عرضه خدمات محلی مطابق با شاخص‌های کیفیت، مؤثریت و کارایی اطمینان حاصل کنند. شوراهای ولسوالی از برخی ابزارها برای نظارت و ارزیابی کارکردهای واحدهای سکتوری در سطح ولسوالی استفاده نموده و مردم را از میزان و نوع خدماتی که باید از این ادارات توقع دریافت آن را داشته باشند، مطلع خواهد ساخت. استفاده از ابزارهایی که ذیلاً توضیح داده خواهد شد، می‌تواند سبب ایجاد یک نظام حکومتمداری مبتنی بر نتیجه در سطح محلی گردد.

- یک سیستم ارزیابی کارکردها تحت نظر شورای ولسوالی ایجاد و مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این سیستم شوراهای ولسوالی را قادر خواهد ساخت تا بتوانند بر عرضه خدمات در سطح محلی نظارت و اطمینان حاصل نمایند که این خدمات بر مبنای معیارها و اهداف عملکردها ارائه می‌گردد. تمام معلوماتی که شورای ولسوالی از این طریق جمع‌آوری می‌کند در دسترس عامه قرار داده می‌شود.

- شورای ولسوالی مسئولیت خواهد داشت، گزارش ارزیابی کارکردها یا حداقل معیارهای خدماتی تعیین شده برای واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری در یک ولسوالی را نشر نماید. نشر این موضوع می‌تواند از طریق کتاب‌های رهنمای حاکمیت محلی صورت گیرد. این کتاب‌های رهنما ابزارهای انتقال معلومات مهم در مورد خدمات ادارات دولتی و روندهای کاری آنان می‌باشد. شوراهای ولسوالی مسئولیت نشر و توزیع این کتاب‌ها را به عهده دارند. از وسایل لازم برای توزیع این معلومات استفاده خواهد شد.

- شورای ولسوالی از فعالیت‌های ادارات وزارت‌های سکتوری در سطح ولسوالی نظارت می‌نمایند تا اطمینان حاصل کند که ادارات یادشده اقدامات لازم را در راستای تأمین هرچه بیشتر برابری جنسیتی انجام داده‌اند و نیز بر پیشرفت آنها جهت رسیدن به اهداف تعیین شده در راستای برابری جنسیتی نظارت می‌کند.

- شورای ولسوالی مسئولیت نظارت بر میکانیزم رسیدگی به شکایات شهروندان را دارد. این شکایات می‌توانند در رابطه به کیفیت عرضه خدمات و موضوعات مورد علاقه شهروندان باشند. ولسوال و

نهادهای ولسوالی درباره شکایاتی که صورت گرفته است، و پاسخ به موقع به این شکایات و انتقال آن به مردم، به شورای ولسوالی جوابده می‌باشند. در صورتی که شورای ولسوالی به این نتیجه برسد که واحدهای سومی وزارت‌ها مطابق اصل عرضه حداقل خدمات معیاری وزارت‌های مربوط عمل نمی‌کنند، این شورا می‌تواند ولسوال، والی، شورای ولایتی و مرکز را در جریان قرار دهد تا اقدامات مقتضی جهت رفع مشکلات مطرح‌شده، توسط مراجع ذی‌ربط اتخاذ گردد. چنین معلوماتی از طریق کتابهای رهنمای ولایت و سایر وسایل دیگر در اختیار مردم قرار داده خواهد شد.

- شورای ولسوالی نماینده اصلی باشندگان ولسوالی در ساختار حاکمیت محلی می‌باشد. شورای ولسوالی نشست‌های منظمی را با مردم درباره موضوعات مربوطه برگزار می‌کند و آنها را در جریان کارکردهای اداره ولسوالی قرار می‌دهد. به صورت مشخص‌تر، شورای ولسوالی در مورد پیشرفت‌های والی و واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری در زمینه تطبیق پلان انکشافی، امنیت، حقوق بشر، حکومت‌داری خوب و حاکمیت قانون، به مردم گزارش خواهد داد. پس از طرح حد اقل معیارهای خدماتی توسط وزارت‌های سکتوری، شورای ولسوالی مکلف است در مورد پیشرفت واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری در راستای دستیابی به حد اقل معیارهای خدماتی و پیشرفت‌های حاصله، معلوماتی جمع‌آوری کند و آنها را در اختیار عموم مردم قرار دهد.
- شورای ولسوالی معلوماتی را که در جلسات مشورتی با مردم جمع‌آوری شده است، در اتخاذ تصمیم مهم مد نظر می‌گیرد. شورای ولسوالی با نهادهای جامعه مدنی پیرامون موضوعات پلان‌گذاری، انکشاف، حکومت‌داری و امنیتی مشوره می‌کند.
- شورای ولسوالی می‌تواند در حل و فصل منازعات دارای ماهیت مدنی، در صورتی که طرفین دعوی موافق باشد، میانجیگری کند.
- شورای ولسوالی با مقامات مربوط در زمینه از بین بردن آداب و سنن مغایر با احکام شریعت، قانون و آموزه‌های حقوق بشر، از قبیل ازدواج‌های اجباری، بد دادن زنان، و نیز حل و فصل منازعات و رفع کدورت‌ها همکاری می‌کند.
- شورای ولسوالی مسئول بررسی اقدامات و واکنش‌های انجام‌شده برای مقابله با حوادث طبیعی و غیر طبیعی می‌باشد. نتایج این بررسی‌ها در اختیار عموم مردم نهاده خواهد شد. همچنین این نتایج در اختیار کمیته حوادث اضطراری ولسوالی، اداره مستقل ارگان‌های محلی و اداره ملی آمادگی و مقابله با حوادث نهاده خواهد شد.

حساب‌دهی

- ابزار اساسی و بنیادی حساب‌ده‌سازی شوراهای ولسوالی، انتخاب آنها توسط مردم از طریق انتخابات می‌باشد. وظیفه اساسی و خطیر شورای ولسوالی عبارت است از انجام وظیفه در راستای حساب‌ده‌سازی اداره ولسوالی.
- شوراهای ولسوالی صلاحیت کافی دارند که از حساب‌ده ولسوال و واحدهای اداری ریاست‌های سکتوری در سطح ولسوالی در زمینه کارکردها و یا عدم کارکردهای‌شان حساب بخواهند. ولسوال و واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری در قبال تصامیم و کارکردهایشان به شورای ولسوالی جوابده می‌باشند.

منابع

- دولت وجوه کافی را از طریق اداره مستقل ارگان‌های محلی در اختیار شوراهای ولسوالی قرار خواهد داد تا این شوراها بتوانند وظایف و مکلفیت‌های قانونی‌شان را به نحو کارآمد اجرا کنند.
- اداره مستقل ارگان‌های محلی از شورای ولسوالی حمایت لازم را خواهد کرد تا آن شورا بتواند نقش‌های خود را ایفا و وظایفی را که در برابر موکلین خود دارد انجام دهد.
- اداره مستقل ارگان‌های محلی ظرفیت شوراهای ولسوالی را ارتقا بخشیده و از تبادل دانش در میان آنان حمایت می‌کند.
- اداره مستقل ارگان‌های محلی زمینه فعالیت منظم شوراهای انتخابی در سطح ولایت، ولسوالی و قریه را فراهم خواهد کرد. اداره مستقل ارگان‌های محلی مقررات لازم را در پرتو قوانین مربوطه برای فعالیت منظم شوراهای انتخابی وضع و این مقرره‌ها را از طریق تصویب حکومت نافذ خواهد نمود.

واحدهای سومی (آمریت‌ها و مدیریت‌ها) وزارت‌های سکتوری در سطح ولسوالی وظایف و مسئولیت‌ها

- عرضه خدمات، وظیفه بنیادی واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری می‌باشد و از این رو، این ادارات از هیچ کوششی در راستای اعطای تسهیلات خدماتی به مردم نباید کوتاهی کنند.
- مسئولیت‌های واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری بر اساس دادن صلاحیت‌های لازم از طرف وزارت‌های سکتوری به آنان استوار خواهد بود. در راستای انجام این وظایف، هر وزارت مکلف است، پالیسی ویژه‌ای را برای اعطای صلاحیت‌های لازم به واحدهای سومی و سومی خودشان تدوین نماید. واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری با هدف تقسیم صلاحیت‌ها و وظایف در بین ادارات مرکزی،

ولایتی و ولسوالی سازماندهی مجدد خواهند شد. ساختار واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری با هدف افزایش مؤثریت کاری این ادارات تجدید خواهد شد و تفویض صلاحیت‌های لازم به آنها صورت خواهد گرفت. زمانی می‌توان مؤثریت و کارایی خدمات را به حداکثر رساند که این خدمات از طریق نزدیکترین ادارات به مردم عرضه شوند و این امر می‌تواند متضمن حساب‌دهی نهادهای عرضه‌کننده خدمات به شهروندان باشد. تفویض صلاحیت‌ها به هر سکتور به بهترین وجه ممکن صورت خواهد گرفت. مدیریت کارآمد تفویض صلاحیت‌ها در راستای دستیابی به مزایای عرضه خدمات از طریق نزدیکترین ادارات به مردم، یکی از مهمترین اقداماتی است که وزارت‌های سکتوری در راستای بهبود عرضه خدمات انجام خواهند داد. صلاحیت‌های تهیه و خدمات و عقد قرارداد ریاست‌های سکتوری، واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری و ولسوال به اندازه کافی افزایش خواهد یافت. هر زمان که ادارات محلی دارای ظرفیت کافی برای انجام امور تهیه و خدمات گردیدند، مرکز (کابل) این کار را به آنان واگذار و دیگر به نیابت از آنان تصمیم‌گیری نخواهد کرد. مرکز (وزارت‌ها) به ادارات ولایتی خویش اعتماد خواهند نمود تا آنان بتوانند بهترین تصامیم را بر مبنای منافع و اولویت‌های مردم اتخاذ نمایند. به همین منوال ادارات ولایتی نیز به واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری در سطح ولسوالی اعتماد نموده و به آنان صلاحیت خواهند داد تا بر اساس اولویت‌ها و منافع مردم محل تصامیم درست را اتخاذ کنند.

- وزارت‌ها روند اجرای پلان‌های خودشان را برای تفویض صلاحیت به ادارات محلی آغاز خواهند نمود و منتظر نخواهند ماند تا این ادارات ظرفیت کافی برای انجام این امور را به دست بیاورند؛ زیرا در اصل ظرفیت این ادارات تا زمانی که صلاحیت‌ها به آنها تفویض و مسئولیت به آنها محول نگردد، ارتقا پیدا نخواهد نکرد.
- اصلاحات اداری به سطح ولسوالی توسعه یافته و تا سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳ میلادی) در تمام ادارات ولسوالی تطبیق خواهد شد. ساختارهای تشکیلاتی ادارات ولسوالی بر بنیاد اصلاحات اداره عامه اصلاح و تغییرات لازم در روند مدیریتی این ادارات اعمال و روند اجراءات ساده ساخته خواهد شد. مزید بر آن، مهارت‌ها و دانش پایه کارمندان خدمات ملکی انکشاف خواهد یافت.
- واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری با شورای ولسوالی در زمینه انکشاف، فعال‌سازی و استفاده از سیستم مدیریت عملکرد، از نزدیک، همکاری خواهند نمود. این امر شامل حداقل معیارهای خدماتی می‌گردد. ادارات ولسوالی وزارت‌های سکتوری مکلف‌اند، درباره حد اقل معیارهای خدماتی به شورای ولسوالی معلومات دهند. همچنین، این ادارات باید معلومات مربوط به برآورده‌ساختن حداقل معیارهای خدمات، معلومات مربوط به ناکامی در برآورده نمودن این معیارها را به شورای ولسوالی ارائه نماید.
- تمام وزارت‌های مربوطه واحدهای سومی‌شان را، جهت عرضه خدمات بهتر به مردم، در ولسوالی‌ها ایجاد و فعال خواهند کرد.

حساب‌دهی

- ادارات ولسوالی «از نظر حساب‌دهی رو به بالا» به ریاست‌های سکتوری وزارت‌های سکتوری در ولایت حساب‌ده می‌باشند.
- ادارات ولسوالی از طریق شوراهای ولسوالی به مردم حساب‌ده می‌باشند. این ادارات باید معلومات لازم را به طور منظم، و در صورت درخواست شورای ولسوالی، تحت شرایط ویژه، در اختیار آنها قرار دهد. شورای ولسوالی می‌تواند هر یک از مسئولین ادارات ولسوالی را جهت ارائه معلومات و توضیحات پیرامون یک موضوع مورد نظر مردم، در ماه یک بار، به مقر شورا دعوت نماید. حساب‌دهی ادارات ولسوالی به شوراهای ولسوالی سبب افزایش حساب‌دهی این ادارات به مردم و در نتیجه حساب‌ده، منجر به عرضه خدمات بهتر به مردم می‌گردد.
- آمرین واحدهای ولسوالی که نتوانند معیار لازم عرضه خدمات را تکمیل نمایند، باید مورد مجازات قرار بگیرند. هرگاه، در نتیجه ارزیابی اجراءات، ثابت گردد که مسئولین واحدهای سومی معیارهای لازم خدمات‌رسانی به مردم را تکمیل ننموده اند، سه مرحله ذیل بالای آنها تطبیق خواهد شد:
 - فراگیری آموزش‌های جدید،
 - قرار گرفتن تحت شرایط دوره‌های آزمایش و کارآموزی، تا بتواند حداقل معیارهای خدماتی را در عرضه خدمات تأمین نماید.
 - در صورتی که اقدامات متذکره نتیجه ندهد، مسئول مربوطه باید از وظیفه سبک‌دوش گردد. ولسوال با شورای ولسوالی و ریاست ولایتی وزارت سکتوری مربوطه، در باره این که کدام یک از اقدامات تنبیهی یادشده باید بر مسئول واحد سومی وزارت سکتوری مربوطه در سطح ولسوالی اعمال گردد، مشوره خواهد نمود. ریاست ولایتی وزارت سکتوری مربوطه برای این که بداند آیا واحد سومی آن وزارت نیاز به تغییرات سازمانی و ظرفیت سازی بیشتری دارد یا نه، در ارزیابی خود دقت بیشتر خواهد کرد.
- واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری در قبال انجام یا عدم انجام وظایف‌شان به ولسوال حساب‌ده می‌باشند.

منابع:

- واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری از طریق بودجه ملی (بودجه بر اساس برنامه)، تمویل خواهند گردید.

اسمبلی انکشافی ولسوالی وظایف و مسئولیت‌ها

- اسمبلی انکشافی ولسوالی بر تداوم فعالیت‌های‌شان تا زمان برگزاری انتخابات شورای ولسوالی و شورای قریه، در سال (۱۳۸۹ هجری خورشیدی) ۲۰۱۰ میلادی، ادامه می‌دهند.
 - اسمبلی انکشافی ولسوالی وظیفهٔ پلان‌گذاری ولسوالی را تا زمان ایجاد شورای ولسوالی به عهده خواهد داشت.
 - اسمبلی انکشافی ولسوالی، پلان‌های انکشافی ولسوالی را بر مبنای اولویت‌ها و نیازهای مردم محل طرح و تدوین خواهد نمود. این شوراها از طریق همکاری با واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری در سطح ولسوالی امور پلان‌گذاری، نظارت و ارزیابی، ایجاد چشمه‌های عایداتی در سطح ولسوالی را انجام خواهند داد.
- وظایف اسمبلی انکشافی ولسوالی عبارت‌اند از: شناسایی اولویت‌های ولسوالی، طرح استراتیژی‌هایی که در آنها منافع اجتماعات محلی و اهالی قریه‌ها به بهترین‌وجه تبارز یافته باشد و رهبری طرح پلان‌های انکشافی ولسوالی.
- اسمبلی انکشافی هماهنگی و انسجام لازم را در میان ارگان‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های انکشافی در سطح ولسوالی ایجاد خواهند کرد.

حساب‌دهی

- اسمبلی انکشافی ولسوالی، مانند گذشته، به وزارت احیاء و انکشاف دهات حساب‌ده خواهد بود.
- اسمبلی انکشافی ولسوالی در زمینهٔ کارکردهایش به مردم محل حساب‌ده می‌باشد.

منابع:

اسمبلی انکشافی قریه از طریق بودجه ملی (بودجه بر اساس برنامه) تمویل خواهد شد.

مجلس اداری ولسوالی وظایف و مسئولیت‌ها

مجلس اداری ولسوالی مشتمل است بر ولسوال به حیث رئیس مجلس، مسئولین واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری، و ادارات دولتی در سطح ولسوالی به حیث اعضای این مجلس. ولسوال از طریق این مجلس هماهنگی‌های لازم را در امور اداری، انکشافی و امنیتی در بین فعالیت‌های واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری و سایر ادارات در سطح ولسوالی ایجاد می‌کند.

ساختارهای حکومت‌داری در سطح قریه

ادارات حکومت‌داری ذیل در سطح قریه وجود دارد:

۱. شورای قریه؛
۲. شورای انکشافی قریه؛
۳. جامعه مدنی، شامل شوراهای رسمی، شوراهای غیر رسمی و رسانه‌ها؛
۴. نهادهای غیررسمی حکومت‌داری، نظیر ملک، ارباب، قریه‌دار، خان، ریش‌سفید، وکیل گذر، کلانتر، میرآب، علما، ملا امامان مساجد، قوماندان و اجتماعات محلی؛

از میان این نهادها حکومت‌داری، نهاد رسمی حکومت‌داری در اداره قریه، «شورای قریه» می‌باشد.

مسئولیت‌های اساسی ادارات قریه به قرار ذیل است:

۱. تأمین صلح و ثبات و امنیت؛
 ۲. تأمین حاکمیت قانون؛
 ۳. درک، حفظ، ترویج و توسعه حقوق انسانی شهروندان افغانستان؛
 ۴. انکشاف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و تعلیم و تربیه؛
 ۵. عرضه خدمات به مردم؛
- این خدمات در برگیرنده موارد آتی می‌باشد: تأمین عدالت اجتماعی، امنیت، سلامتی جان و مال مردم هنگام مسافرت در شاهراه‌ها، آبرسانی، صحت و تغذی، معارف، برق، سرک‌ها، حمل و نقل محلی، زیربنای شهری و دهاتی، زراعت و آبیاری، مدیریت منابع طبیعی، ثبت املاک غیر منقول، مصونیت اجتماعی، توزیع کارت شناسایی (تذکره)، انکشاف سکتور خصوصی، خدمات مدنی مانند مدیریت جمع آوری

زباله و ضایعات و بازیافت آنها، مدیریت ترافیک و میان ولایتی، چراغ‌های سرک‌ها، تسهیلات تفریحی، کتابخانه‌ها و خدماتی ارزشمند دیگری که مردم به آنها نیاز دارند.

۶. حصول اطمینان از تطبیق اصول حاکمیت خوب، مانند:

- شفافیت؛
- حساب‌دهی به مردم؛
- مشارکت مردم، به خصوص زنان و جوانان؛
- مشارکت جامعه مدنی و سکتور خصوصی؛
- دموکراسی مشارکتی در محلات؛
- مؤثریت و کارایی؛
- مساوات و شمولیت همگانی؛
- حاکمیت قانون و ایجاد سیستم‌های قانونی در تمام سطوح جامعه؛

۷. کاهش فقر و امراض و تطبیق اهداف انکشافی هزاره سوم در افغانستان؛

۸. مدیریت و مبارزه با حوادث طبیعی؛

۹. محو کشت خشخاش و ترویج و تدوین برنامه‌های معیشت بدیل؛

۱۰. حفظ محیط زیست برای نسل‌های آینده و وادار ساختن مردم به استفاده مطلوب از آن،

۱۱. حمایت از برگزاری و بزرگداشت مراسم و شعائر اسلامی؛

۱۲. معاونت و همکاری در تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان و برنامه‌های ملی دولت افغانستان

وظایف و مسئولیت‌ها در سطح قریه

وظایف و مسئولیت‌ها	نهاد
<ul style="list-style-type: none"> • طرح و تطبیق پلان انکشافی قریه؛ • نظارت و ارزیابی امور کاری پروسه‌های عرضه خدمات دولتی؛ • اداره و مدیریت وجوه مالی؛ • ایجاد رابطه با مردم محل، جامعه مدنی و مطبوعات؛ • تأمین صلح، ثبات و امنیت؛ • تأمین حاکمیت قانون و حقوق انسانی شهروندان افغانستان؛ • حصول اطمینان از حاکمیت قانون؛ • حمایت، تقویت و گسترش حقوق بشر؛ 	شورای قریه

<ul style="list-style-type: none"> • اداره سالم؛ • کاهش فقر؛ • تطبیق اهداف انکشافی هزاره سوم در افغانستان؛ • محو رسم و رواج غیر قانونی و خلاف شریعت؛ • مبارزه علیه مواد مخدر؛ • مدیریت حوادث؛ • صلاحیت مالی مصارف و تنظیم امور مالی؛ • عرضه خدمات بر مبنای پالیسی حکومت؛ • تولید مشترک محصولات و ارائه خدمات انکشافی؛ • طرح مقررهای ساختمانی، امنیتی و منطوقی؛ • مصونیت اجتماعی؛ • حل منازعات؛ • مدیریت امور کلی قریه؛ • مدیریت حوادث طبیعی؛ • حفظ محیط زیست؛ • تعیین سرحدات قریهها؛ • نفوس شماری؛ • هماهنگی با نهادهای دولتی در سطوح بالاتر. 	
<ul style="list-style-type: none"> • طرح و تطبیق تمام پروژههای انکشافی در سطح قریه 	شورای انکشافی قریه
<ul style="list-style-type: none"> • بررسی، نظارت، کنترل کیفیت، مدیریت عملکرد خدمات عامه عرضه شده در سطح قریه • تولید کالاها و خدمات انکشافی 	جامعه مدنی، شوراهای غیر رسمی و رسمی، رسانهها، رهبران قبیلهای، رهبران دینی

شیوه های حسابدهی در سطح قریه

تمام نهادهای حکومتداری در سطح قریه به مردم قریه حسابده می باشند.

نهادهای حکومت‌داری حساب‌ده به مردم

- شورای قریه
- رئیس شورای قریه
- شورای انکشافی قریه

نهادهایی که به شورای قریه حساب‌ده می‌باشند:

- رئیس قریه یا رئیس شورای قریه
- اعضای شورای قریه

نمایندگی در سطح قریه

- اعضای شوراهای قریه توسط مردم انتخاب می‌گردند.
- رئیس شورای قریه از طریق اعضای شورای قریه انتخاب می‌شود.

شورای قریه

نقش‌ها و مسئولیت‌ها

قانون اساسی بر ایجاد شوراهای قریه تأکید می‌کند. انتخابات شوراهای قریه، مطابق قانون اساسی، در سال ۲۰۱۱ برگزار خواهد شد. با ایجاد بیش از ۳۸۰۰۰ شورای قریه، حضور حکومت در سراسر افغانستان بسط و توسعه خواهد یافت. وظایف و مسئولیت‌های شورای قریه به قرار ذیل می‌باشد:

- تهیه و تطبیق پلان انکشافی قریه؛
- بررسی، نظارت، ارزیابی و اطمینان از کیفیت مدیریت عملکرد خدمات‌رسانی دولت؛
- ارتباط با نهادهای جامعه مدنی و مطبوعات؛
- کمک به حفظ صلح، امنیت، نظم و ثبات عمومی؛
- کمک به تأمین حاکمیت قانون؛
- حفظ، تقویت و گسترش حقوق بشر؛
- اداره سالم؛
- کاهش فقر؛

- دستیابی به اهداف انکشافی هزاره سوم؛
- مبارزه با آداب و رسوم خلاف قانون و شریعت اسلامی؛
- مبارزه علیه مواد مخدر؛
- مبارزه با حوادث غیرمترقبه؛
- اداره امور قریه؛
- صلاحیت مصارف مالی و مدیریت مالی؛
- هماهنگی؛
- عرضه خدمات بر اساس سیاست فعلی حکومت؛
- تولید محصولات و کالاهای مشترک؛
- طرح آیین‌نامه‌هایی از قبیل آیین‌نامه‌های ساختمانی، امنیتی، زون‌بندی و ...
- تأمین مصونیت اجتماعی؛
- حل منازعات مردم قریه،
- مدیریت امور قریه،
- مدیریت منابع طبیعی،
- حفظ محیط زیست؛
- ثبت اراضی؛
- تعیین حدود جغرافیایی قریه؛
- ثبت نفوس و آمار حیاتی؛
- تسهیل فعالیت شورای انکشافی قریه؛
- همکاری با نهادهای حکومت‌داری در سطوح بالاتر.

ایجاد هماهنگی میان جوانب ذی‌دخل

- شوراهای قریه پلان‌های انکشافی قریه را طرح و با واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری، ولسوال‌ها، شوراهای ولسوالی و سایر نهادهای حکومت‌داری در صورت لزوم همکاری خواهند نمود. این گونه همکاری، متضمن تنظیم پلان‌ها، پروژه‌های حکومت، واحدهای سومی وزارت‌های سکتوری تمویل‌کنندگان با نیازها و اولویتهای مردم می‌باشد.
- شورای قریه پلان انکشافی قریه را برای منظوری به ولسوال ارائه خواهد کرد.

- شورای قریه در راستای مشارکت وسیع‌تر مردم در پلان‌گذاری و شناسایی اولویت‌های قریه کوشش خواهد نمود.
- شورای قریه خدمات لازم را به مناطق مورد نیاز، بر اساس پالیسی دولت عرضه می‌کند.
- شورای قریه موضوعات کلی و رایج در قریه را مدیریت خواهد نمود.
- شورای قریه در اداره قریه، به شمول موارد آتی، سهم می‌گیرد:
 - ثبت اراضی،
 - نگهداری احصائیه‌های حیاتی.
- شورای قریه مسئولیت ثبت آمار حیاتی، از قبیل تعداد نفوس قریه، به شمول مردان و زنان قریه، تعداد زاد و ولد، وفیات و ازدواج‌ها را ثبت خواهد کرد.
- شورای قریه دسترسی مردم قریه به معلومات دولتی در سطح قریه را تأمین و تضمین می‌کند.
- شورای قریه با باشندگان قریه، به شمول زنان و جوانان، در مورد موضوعات مربوطه مشوره می‌کند.
- شورای قریه از مسئولین دولتی در سطح قریه، در مورد وظایف و مسئولیت‌های‌شان، مطابق قانون، حساب می‌خواهد.
- شورای قریه بر فعالیت‌های تمام نهادهای رسمی و غیر رسمی در سطح قریه نظارت و ارزیابی می‌کند.
- شورای قریه به طور منظم با مقامات پولیس نشست‌هایی را برگزار می‌کند. همچنین این شورا با اردوی ملی افغانستان که در سطح قریه کار می‌کند، درباره وضعیت موجود امنیتی تعامل خواهد داشت.
- شورای قریه اطلاعات مربوط به مسائل امنیتی را با مقامات مقام ولسوالی و قوماندانی امنیه در میان می‌گذارد.
- شورای قریه از برنامه‌های ابتکاری ذیل حمایت می‌کند:
 - ارائه خدمات تأمین اجتماعی به افراد فقیر و خانواده‌های فقیر، عرضه خدمات اجتماعی به پروژه‌هایی که نیاز به مراقبت اجتماعی داشته و در غیر این صورت از دسترسی به خدمات اساسی محروم خواهند شد، بیمه اجتماعی برای مصونیت مردم در برابر خطرهای اقتصادی، برابری اجتماعی برای حمایت از مردم در مقابل خطر یا ریسک اجتماعی از قبیل تبعیض یا سوء استفاده از آنان. در صورتی که موضوع ضربه اقتصادی در سطح قریه فراگیر باشد، در آن صورت شورای قریه برای مقابله با عواقب آن با دیگر ادارات حکومت‌داری در سطح بالاتر هماهنگی‌های لازم را به عمل خواهد آورد.
 - شورای قریه می‌تواند در حل و فصل منازعاتی که ماهیت غیر جنایی داشته باشند، با توافق طرفین منازعه میانجیگری و ساطت نماید.
 - شورای قریه قضایای جنایی و سایر موضوعاتی را که خارج از حوزه صلاحیت آنان باشد، جهت حل و فصل به مراجع قانونی ذیربط ارجاع می‌دهد.
 - شورای قریه از تأمین حداقل معیارهای مدیریت آب و فاضلاب در سطح قریه اطمینان حاصل می‌کند. این امر می‌تواند شامل دفن مناسب زباله‌ها و ایجاد سیستم فاضلاب باشد.

- شورای قریه هماهنگی های لازم را با مراجع ذیربط در راستای محو آداب و رسوم غیرقانونی و خلاف شریعت به عمل آورده و با آنان همکاری خواهد نمود.
- شورای قریه نقش کلیدی را در مدیریت حوادث طبیعی از طریق کار با مردم قریه پیرامون جلوگیری از بروز حوادث، آماده سازی، مقابله با حوادث، بازسازی و کاستن از خسارت های جانی و مالی حوادث طبیعی ایفا خواهد نمود. نمایندگان شوراهای قریه، نهادهای کلیدی جامعه مدنی از قبیل شوراهای غیر رسمی، شوراهای انکشافی و جمعی از رضاکاران عضویت کمیته آمادگی و مقابله با حوادث در قریه را خواهند داشت. این کمیته مسئولیت طرح یک پلان عمومی و واحد در مبارزه با حوادث، حصول اطمینان از عرضه و توزیع کمک های عاجل و ایجاد هماهنگی میان آنها را خواهد داشت.
- شورای قریه کمیته های جانبی را در عرصه های مختلف کاری (از قبیل کمیته معارف، کمیته سرسبزی و احیای جنگلات) با در نظر داشت منافع و اولویت های مردم ایجاد خواهد نمود.
- دولت اطمینان حاصل می کند که تمام امور انکشافی قریه از طریق شوراهای قریه صورت می گیرد.

حسابدهی

- ابزار اساسی و بنیادی حسابده سازی شوراهای قریه، انتخاب آنها توسط مردم از طریق انتخابات می باشد.
- وظیفه اساسی و خطیر شورای قریه عبارت از انجام وظیفه در راستای حسابده سازی اداره قریه می باشد.
- شورای قریه گزارش فعالیت ها و مصارف خود را به شورای ولسوالی و ولسوال تقدیم می کند.
- شورای قریه گزارش فعالیت های خود را به مردم قریه ارائه نموده و اطمینان حاصل می کند که تمام نهادهای حکومتداری در سطح قریه نیز گزارشات مربوط به فعالیت های خودشان را به مردم ارائه می نمایند.
- شورای قریه جلسات عمومی با شرکت مردم را در سطح قریه تدویر می کند تا زمینه بررسی کارکردهای خود را برای مؤکلین شان فراهم سازد. اشتراک تمام مردم در جلسات شورای قریه آزاد می باشد. ارزیابی های به عمل آمده از کارکرد شورای قریه توسط مردم به شورای ولسوالی ارائه خواهد شد.

منابع

- دولت وجوه کافی را در اختیار شوراهای قریه قرار خواهد تا این شوراها بتوانند وظایف و مکلفیت های قانونی شان را به مرحله اجرا بگذارند. دولت حمایت های مالی لازم را از شوراهای قریه به عمل می آورد و صلاحیت امضا و عقد قرارداد و موافقت نامه مستقلانه به نمایندگی از قریه و نیز اجرای آنها را

به شورای قریه تفویض می‌کند. وزارت‌های سکتوری مقدار قابل ملاحظه‌ای از بودجه‌های خود را برای مصرف در سطح قریه اختصاص خواهند داد.

- اداره مستقل ارگان‌های محلی حمایت‌های لازم را از شورای قریه در راستای قادر ساختن آنان در ایفای نقش‌ها و انجام وظایفی که در قبال مؤکلین خودشان دارند، به عمل خواهد آورد.
- اداره مستقل ارگان‌های محلی ظرفیت شوراهای قریه را ارتقا بخشیده و از تبادل دانش در میان آنان حمایت می‌کند.
- اداره مستقل ارگان‌های محلی هزینه‌های اجرایی شورای قریه را تمویل می‌کند.

شوراهای انکشافی قریه

وظایف و مسؤلیت‌ها

- شوراهای انکشافی قریه تا زمان برگزاری انتخابات شوراهای قریه در سال ۱۳۹۰ هجری خورشیدی (۲۰۱۱ میلادی)، فعالیت‌شان را ادامه خواهند داد. در این مدت وظایف شوراهای قریه را نیز انجام خواهند داد.
- بعد از ایجاد شوراهای قریه، شوراهای انکشافی قریه ممکن است از بین بروند. این شوراها مختار خواهند بود تا به مثابه نهادهای جامعه مدنی به فعالیت‌های خود در عرصه تطبیق پلان‌های انکشافی مردمی ادامه دهند.

حساب‌دهی

- شوراهای انکشافی قریه به مردم قریه حساب‌ده می‌باشند.
- شورای انکشافی قریه، مانند گذشته، به وزارت احیاء و انکشاف دهات، که به آنان وجوه مالی اعطا می‌کند، حساب‌ده خواهند بود.
- شوراهای انکشافی قریه تا زمان ایجاد شوراهای قریه وظایف این شوراها را نیز به عهده خواهند داشت و از این رو به مردم حساب‌ده خواهند بود.

منابع:

وزارت احیاء و انکشاف دهات وجوه اعطایی را از طریق بودجه ملی به شوراهای انکشافی قریه اعطا می‌کند.

انتخابات شوراهای ولسوالی، قریه، شاروالها و شاروالیها

رهنمای انتخابات

در ذیل، جدول زمان‌بندی شده‌ای را در مورد انتخابات شوراهای ولایتی، شوراهای ولسوالی، شوراهای قریه، شوراهای شاروالی و شاروالها مشاهده می‌کنید:

شورا	دور دوم	دور سوم	دور چهارم	دور پنجم	دور ششم
شورای ولایتی	۱۳۸۸ هجری شمسی (۲۰۰۹ میلادی)	۱۳۹۲ هجری شمسی (۲۰۱۳ میلادی)	۱۳۹۶ هجری شمسی (۲۰۱۷ میلادی)	۱۴۰۰ هجری شمسی (۲۰۲۱ میلادی)	۱۴۰۴ هجری شمسی (۲۰۲۵ میلادی)

شورا	دور اول	دور دوم	دور سوم	دور چهارم	دور پنجم
شورای ولسوالی	۱۳۸۹ هجری شمسی (۲۰۱۰ میلادی)	۱۳۹۲ هجری شمسی (۲۰۱۳ میلادی)	۱۳۹۵ هجری شمسی (۲۰۱۶ میلادی)	۱۳۹۸ هجری شمسی (۲۰۱۹ میلادی)	۱۴۰۱ هجری شمسی (۲۰۲۲ میلادی)
شورای قریه	۱۳۹۰ هجری شمسی (۲۰۱۱ میلادی)	۱۳۹۳ هجری شمسی (۲۰۱۴ میلادی)	۱۳۹۶ هجری شمسی (۲۰۱۷ میلادی)	۱۳۹۹ هجری شمسی (۲۰۲۰ میلادی)	۱۴۰۲ هجری شمسی (۲۰۲۳ میلادی)
شاروال	۱۳۸۹ هجری شمسی (۲۰۱۰ میلادی)	۱۳۹۳ هجری شمسی (۲۰۱۴ میلادی)	۱۳۹۷ هجری شمسی (۲۰۱۸ میلادی)	۱۴۰۱ هجری شمسی (۲۰۲۲ میلادی)	۱۴۰۵ هجری شمسی (۲۰۲۶ میلادی)

(میلادی)	(میلادی)	(میلادی)	(میلادی)	(میلادی)	
۱۴۰۵ هجری شمسی (۲۰۲۶ میلادی)	۱۴۰۱ هجری شمسی (۲۰۲۲ میلادی)	۱۳۹۷ هجری شمسی (۲۰۱۸ میلادی)	۱۳۹۳ هجری شمسی (۲۰۱۴ میلادی)	۱۳۸۹ هجری شمسی (۲۰۱۰ میلادی)	شورای شاروالی

منبع تمویل برای انتخابات

- بودجه ملی منبع تمویل برای انتخابات شورای ولایتی، قریه و ولسوالی خواهد بود.
- بودجه شاروالی، منبع تمویل برای انتخابات شاروال و شاروالی خواهد بود.

دوره خدمت

شورا	مطابق به پالیسی	مطابق به قانون اساسی
شورای ولایتی	تصریح قانون اساسی	چهار سال
شورای ولسوالی	تصریح قانون اساسی	سه سال
شورای قریه	تصریح قانون اساسی	سه سال
شاروال	چهار سال	ذکر نشده
شورای شاروالی	چهار سال	ذکر نشده

تعداد دوره

شورا	دوره تصدی
------	-----------

هیچ	شورای ولایتی
هیچ	شورای ولسوالی
هیچ	شورای قریه
دو بار	شاروال
هیچ	شورای شاروالی

ریزرف کرسی برای زنان

بیست و پنج فیصد پست‌های شورای ولایتی برای زنان ریزرف خواهد شد. این میزان فیصدی حد اقل کرسی‌هایی می‌باشد که برای زنان اختصاص می‌یابد. زنان می‌توانند برای تصاحب کرسی‌های دیگر ریزرف‌ناشده، از طریق انتخابات، به رقابت پردازند.

بیست و پنج فیصد کرسی‌های شورای ولسوالی برای زنان ریزرف خواهد شد. این کرسی‌ها برای زنانی که از طریق انتخابات بخواهند شامل شورا شوند، بلامانع خواهد بود. در صورتی که کاندید زن برای این کرسی‌ها وجود نداشته باشد، مردان می‌توانند از طریق انتخابات این کرسی‌ها را تصاحب کنند.

در شوراهای قریه هیچ کرسی برای زنان ریزرف نخواهد شد. قابلیت‌های زنان برای احراز این کرسی‌ها از طریق رقابت با مردان تقویت خواهد شد. در جریان بازنگری همه‌جانبه از تطبیق این پالیسی، که قرار است در سال ۱۳۹۲ هجری شمسی صورت گیرد، حکومت موضوع ریزرف کرسی برای زنان در شوراهای قریه را مد نظر قرار خواهد داد.

برای مقام شاروال، هیچ کرسی برای زنان ریزرف نخواهد شد. قابلیت‌های زنان برای احراز این کرسی‌ها از طریق رقابت با مردان تقویت خواهد شد.

بیست و پنج فیصد کرسی‌های شورای شاروالی برای زنان ریزرف خواهد شد. این تعداد از کرسی‌ها حد اقل کرسی‌های لازم برای زنان می‌باشد و آنان می‌توانند برای احراز کرسی‌های دیگر به رقابت پردازند.

شرایط سنی

حدود سنی ذیل حداقل شرایط سنی برای کاندیداهای پست‌های آتی می‌باشد:

- اعضای شورای ولایتی: ۲۲ سال
- اعضای شورای ولسوالی: ۲۲ سال
- اعضای شورای قریه: ۲۲ سال
- شاروال: ۳۰ سال
- شورای شاروالی: ۲۲ سال

حوزه انتخابات

شورا	حوزه انتخاباتی
شورای ولایتی	حوزه انتخاباتی کل ولایت
شورای ولسوالی	حوزه انتخاباتی کل ولسوالی
شورای قریه	حوزه انتخاباتی کل قریه
شاروال	حوزه انتخاباتی کل شهر
شورای شاروالی	حوزه انتخاباتی کل شهر

پس از انجام سرشماری در سال ۱۳۸۹ هجری شمسی (۲۰۱۰ میلادی) حکومت حوزه‌های انتخاباتی شوراهای ولایتی را تعیین خواهد کرد.

سیستم انتخابات

سیستم انتخابات	شورا
<p>حوزه انتخاباتی شورای ولایتی، ولایت و آراء آن به شکل واحد و غیرقابل انتقال می باشد. در مرحله اول یک چهارم کرسی ها برای کاندیداهای زن، که دارای بیشترین آراء می باشند، ریزرف می گردد. در مرحله دوم، کاندیداهایی که دارای بیشترین آراء هستند برای کرسی های باقیمانده انتخاب خواهند شد.</p>	<p>شورای ولایتی</p>
<p>حوزه انتخاباتی شورای ولسوالی، ولسوالی و آراء آن به شکل واحد و غیرقابل انتقال می باشد. کاندیداهایی که دارای بیشترین آراء هستند انتخاب می گردند. در مرحله اول یک چهارم کرسی ها برای کاندیدهای زن، که دارای بیشترین آراء هستند، ریزرف می گردد. در مرحله دوم، کاندیدهایی که دارای بیشترین آراء هستند برای کرسی های باقی مانده انتخاب می شوند. در صورتی که کاندیدهای زن برای کرسی های ریزرف شده در سطح ولسوالی وجود نداشته باشند، این پست ها از حالت ریزرف خارج و به مردان واگذار می گردد.</p>	<p>شورای ولسوالی</p>
<p>حوزه انتخاباتی آنها قریه و رأی آنها به شکل واحد و غیرقابل انتقال می باشد.</p>	<p>شورای قریه</p>
<p>برای انتخابات شاروال ها، کاندیدی که بیشتر از ۵۰ فیصد آراء قانونی را به دست می آورد، برنده اعلام می گردد. در صورتی که هیچ کاندیدی بیشتر از ۵۰ فیصد آراء را به دست نیاورد، دو هفته بعد از اعلان</p>	<p>شاروال</p>

<p>نتیجه دور اول انتخابات، دور دوم انتخابات در بین دو کاندیدایی که بیشترین آراء را به دست آورده باشند، برگزار می‌شود. در دور دوم انتخابات صرفاً دو کاندیدی که بیشترین تعداد آراء را به دست آورده باشند باید شرکت نمایند. در دور دوم انتخابات کاندیدایی که دارای آرای بیشتر باشد، برنده انتخابات اعلام می‌گردد.</p>	
<p>حوزه انتخاباتی شورای شاروالی، شهر و آراء آن به شکل واحد و غیر قابل انتقال می‌باشد. کاندیداهایی که بیشترین رأی را به دست آورده باشند، به حیث عضو شورای شاروالی انتخاب خواهند شد. در مرحله اول انتخابات شورای شاروالی، حداقل یک چهارم کرسی‌های این شورا به آن تعداد از کاندیداهای زن اختصاص داده خواهد شد که بیشترین رأی را از آن خود کرده باشند. در دور دوم، در صورتی که کاندیداهای زن اکثریت آراء را به دست آورده باشند، می‌توانند کرسی‌های دیگری را تصاحب نمایند.</p>	<p>شورای شاروالی</p>

احکام انتخابات مختلف

• کرسی‌های لازم برای شوراهای ولایتی

تعداد کرسی‌های لازم برای شوراهای ولایتی بر اساس نفوس ولایت‌ها خواهد بود. در زیر نسبت کرسی‌ها و نفوس مشخص شده است:

- ولایات با کمتر از ۵۰۰,۰۰۰ نفر: هفت کرسی
- ولایات ۵۰۰,۰۰۱ تا ۱,۰۰۰,۰۰۰ نفر: سیزده کرسی
- ولایات ۱,۰۰۰,۰۰۱ تا ۲,۰۰۰,۰۰۰ نفر: نوزده کرسی
- ولایات ۲,۰۰۰,۰۰۱ تا ۳,۰۰۰,۰۰۰ نفر: ۲۵ کرسی
- ولایات با بیشتر ۳,۰۰۰,۰۰۰ نفر: ۳۱ کرسی

در ولایت‌های که کوچی‌ها اسکان دائمی دارند، یک تعداد مشخصی از کرسی‌ها، متناسب با نفوس کوچی‌ها به آنان اختصاص داده می‌شود.

• کرسی‌های لازم برای شورای ولسوالی

تعداد اعضای هر شورای ولسوالی، نظر به تعداد نفوس آن، به قرار ذیل است:

- ولسوالی کمتر از ۲۰,۰۰۰ نفر: ۵ عضو
- ولسوالی با ۲۰,۰۰۱ الی ۴۰,۰۰۰ نفر: ۷ عضو
- ولسوالی با ۴۰,۰۰۱ الی ۶۰,۰۰۰ نفر: ۹ عضو
- ولسوالی با ۶۰,۰۰۱ تا ۸۰,۰۰۰ نفر: ۱۱ عضو
- ولسوالی با ۸۰,۰۰۱ الی ۱۰۰,۰۰۰ نفر: ۱۳ عضو
- ولسوالی با ۱۰۰,۰۰۰ نفر: ۱۵ عضو

• کرسی‌های لازم برای شوراهای قریه

تعداد اعضای شورای قریه، متناسب با نفوس، آن به قرار ذیل است:

- قریه‌هایی که میان ۱۰۰ الی ۳۰۰ نفر ساکن دارند، ۳ عضو
- قریه‌هایی که میان ۳۰۱ الی ۵۰۰ نفر ساکن دارند، ۵ عضو
- قریه‌هایی که میان ۵۰۱ تا ۷۰۰ نفر ساکن دارند، ۷ عضو
- قریه‌هایی که بیشتر از ۷۰۱ تا ۱۰۰۰ نفر ساکن دارند، ۹ عضو
- قریه‌هایی که بیشتر از ۱۰۰۰ نفر ساکن دارند، ۱۱ عضو

• تعداد کرسی‌های لازم به شورای شاروالی به شکل ذیل است:

۱. هر شورای شاروالی باید حد اقل هفت کرسی داشته باشد.
۲. در شاروالی‌هایی که به ناحیه‌ها تقسیم نشده‌اند، شورای شاروالی جمعاً دارای هفت کرسی می‌باشد. برای تصدی آنها باید انتخابات سرتاسری در سطح شهر برگزار گردد و دو کرسی از مجموع کرسی‌های متذکره باید برای زنان ریزرف شود.
۳. شاروالی‌هایی که توسط اداره مستقل ارگان‌های محلی به دو یا چند ناحیه تقسیم شده‌اند، شوراهای شاروالی آنها باید دارای هفت کرسی باشد. کرسی‌های ریزرف شده برای زنان در این

شوراها، بر اساس جدولی که در زیر خواهد آمد، تخصیص خواهد یافت. اعضای شورای شاروالی از طریق حوزه‌های فراگیر شهری و شهرک‌ها انتخاب خواهند گردید.

۴. شاروالی‌هایی که توسط اداره مستقل ارگان‌های محلی به دو یا چند ناحیه تقسیم شده‌اند، شورای شاروالی آنها باید دارای تعداد مشخصی کرسی باشند و کرسی‌های ریزرف شده برای زنان، در این شوراها بر اساس جدول ذیل تخصیص خواهد یافت. اعضای شورای شاروالی از طریق حوزه‌های فراگیر شهری توسط رأی واحد غیر قابل انتقال انتخاب خواهند گردید. برنده انتخابات، کاندیداهایی خواهند بود که دارای بیشترین رأی باشند.

تعداد نواحی شاروالی	تعداد کرسی های شورای شاروالی	حوزه های شهری شاروالی	تعداد کرسی های ریزرف شده برای زنان در سطح شهر	فیصدی کرسی های ریزرف شده برای زنان
۰	۷	۷	۲	۲۹٪
۱	۷	۷	۲	۲۹٪
۲	۷	۷	۲	۲۹٪
۳	۷	۷	۲	۲۹٪
۴	۷	۷	۲	۲۹٪
۵	۷	۷	۲	۲۹٪
۶	۹	۹	۳	۳۳٪
۷	۹	۹	۳	۳۳٪
۸	۱۱	۱۱	۳	۲۷٪
۹	۱۳	۱۳	۴	۳۱٪

۱۰	۱۳	۱۳	۴	%۳۱
۱۱	۱۵	۱۵	۴	%۲۷
۱۲	۱۷	۱۷	۵	%۲۹
۱۳	۱۷	۱۷	۵	%۲۹
۱۴	۱۹	۱۹	۵	%۲۶
۱۵	۱۹	۱۹	۵	%۲۶
۱۶	۲۱	۲۱	۶	%۲۹
۱۷	۲۳	۲۳	۶	%۲۶
۱۸	۲۳	۲۳	۶	%۲۶
۱۹	۲۵	۲۵	۷	%۲۸
۲۰	۲۷	۲۷	۷	%۲۶
۲۱	۲۹	۲۹	۸	%۲۸
۲۲	۲۹	۲۹	۸	%۲۸
۲۳	۲۹	۲۹	۸	%۲۸
۲۴	۳۱	۳۱	۸	%۲۶
۲۵	۳۳	۳۳	۹	%۲۷

تعداد کرسی‌های شاروالی کابل و تعداد ناحیه‌های آن، براساس فورمول بالا و بر مبنای معلوماتی که توسط شاروالی کابل ارائه می‌گردد، تعیین خواهد شد.

اصول وظایف داخلی کارمندان انتخابی و انتصابی محلی

قواعد رفتار و اصول اخلاقی کارمندان انتخابی و انتصابی محلی در بخش ضمایم درج گردیده است. معرفی چنین اصولنامه‌هایی ضروری است، اما برای حصول اطمینان از داشتن کارمندان انتخابی صادق ملکی، که برای تقویت اصول حکومت‌داری خوب از هیچ کوششی دریغ نوزند، کافی نمی‌باشد. برای مؤثریت این اصول رفتاری لازم است برخی میکانیزم‌های تقویتی دیگر به کار گرفته شوند.

اصولنامه رفتاری در سیستم‌های مختلف خدمات عامه و به شکل‌های مختلف در سراسر دنیا استفاده شده است. برای تطبیق این اصولنامه رفتاری نیاز به آموزش مسلکی مداوم، نهادینه‌سازی مدیریت مؤثر، تعهد رهبری سیاسی و اداری لازم پنداشته می‌شود. امضا و رعایت این اصولنامه‌ها برای تمام مسئولین منتخب و منتصب محلی لازم است. اصولنامه رفتاری متضمن موارد آتی می‌باشد: در نظر داشتن منافع عامه، شفافیت، صداقت، مشروعیت، بی‌طرفی، جواب‌گویی، مؤثریت و کارایی

فعالیت‌های ذیل در راستای تشویق کارمندان جهت تطبیق اصول رفتاری صورت خواهد گرفت:

- ایجاد فرهنگ مسئولیت‌پذیری مسلکی، خودنظمی و حمایت از حاکمیت قانون. این امر از طریق قوانین مؤثر، که کارمندان ملکی را ملزم به ارائه دلایل معقول برای اتخاذ تصمیم‌شان نماید، حمایت خواهد گردید.
- نهادینه شدن روش‌های اداری که باعث تقویۀ ارزش‌های اخلاقی و صداقت فردی و ارزیابی عملکرد مؤثر شود.
- استفاده از روش‌های مدیریتی که باعث تشویق کارمندان انتخابی و انتصابی ملکی برای مبارزه با فساد شود.
- ایجاد و تطبیق استراتژی‌های اداره‌ی قوای بشری که رابطه بین اجراءات صادقانه و پیشرفت در کار را تقویت می‌کند.
- ارائه آموزش‌های لازم در رابطه به اصول وظایف داخلی، تطبیق اصول اخلاقی، استفاده درست از صلاحیت مسلکی و نیازمندی‌های مسئولیت‌های مسلکی.

بهبود امنیت در سطح محلی

پولیس ملی افغانستان حافظ قانون اساسی بوده و قوانین موضوعه را در راستای حمایت از حقوق شهروندان کشور اجرا می‌کند. پولیس وظایف خویش را به طور مسکلی، بدون گرایش تبعیضی و بر مبنای حساب‌دهی و امانت داری اجرا می‌کند.

پولیس ملی افغانستان مسئول تطبیق قانون در کشور می‌باشد. پولیس با همکاری مردم در راستای مبارزه با جرائم، به شمول جرائم علیه زنان، اطفال، بزرگسالان و اقلیت‌های قومی فعالیت خستگی‌ناپذیر خواهد داشت. همچنین پولیس با همکاری مردم جلو هر نوع بی‌نظمی به شمول فعالیت‌های تروریستی و فعالیت‌های مسلحانه غیرقانونی را خواهد گرفت. پولیس ملی افغانستان از کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر جلوگیری و با فساد مبارزه خواهد نمود. پولیس، تمامیت ارضی کشور را تضمین و از مرزهای آن محافظت می‌کند. پولیس خادم مردم بوده و به گونه‌ای با آنان رفتار خواهد نمود که بتواند همکاری، اعتماد و احترام آنان را به خود جلب نماید. پولیس در اجراءات خود بدون گرایش به تبعیضات مختلف و مطابق به قانون کشور که به اصول دین مقدس اسلام، آداب و سنن ملی و نیز ارزش‌های جنسیتی مبتنی است، عمل خواهد نمود. همچنین، پولیس ملی وظایف و مسئولیت‌های خود را، مطابق ابزارها و آموزه‌های حقوق بشر، بنیادهای دموکراتیک و حاکمیت قانون که مورد پذیرش حکومت افغانستان قرار گرفته‌اند، اجرا می‌کند. پولیس از تمام ابزارهای حقوقی و قدرت خویش، مطابق به قانون کشور، استفاده می‌کند. اقدامات پولیس بر مبنای قانون، متناسب با شرایط و نیاز استوار خواهد بود.

پولیس در مورد فعالیت‌ها و منابعی که در اختیار آن قرار می‌گیرد، به طور شفاف و به عموم مردم حساب‌ده می‌باشد. قوماندان امنیه و سایر فرماندهان پولیس اقدامات تنبیهی لازم را علیه کسانی که از مقررات مسلکی پولیس تخلف می‌ورزند، اتخاذ خواهند کرد. در صورت تخلف پولیس از قانون، اقدامات حقوقی لازم از طریق محاکم و خارتوالی اتخاذ خواهد شد. پولیس، ارزش‌های مسلکی بودن، رعایت نظم و دسپلین، صداقت، بیطرفی، عینیت‌گرایی، حساب‌دهی و شفافیت و اتخاذ تضامیم مطابق با ارزش‌های مردمی را در کارکردهای خود، ملاک قرار داده و تقویت می‌کند.

بهبود و تقویت روابط بین والی‌ها و قوماندانان امنیه

یک پیش‌شرط لازم برای بهبود ارتباط بین والی‌ها و پولیس شفاف‌کردن رابطه بین والی‌ها و واحدهای مربوطه است. یکی از عرصه‌هایی اصلی که اصلاحات فعلی باید روی آن تمرکز نماید، افزایش ظرفیت والی‌ها برای ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌های ریاست‌های سکتوری در سطح ولایت، بدون دخالت بیش از حد در کارکردها و فعالیت‌های روزانه ریاست‌های سکتوری، به شمول امور پولیس می‌باشد. اصلاح و واضح‌سازی قانون پولیس ملی و قانون ادارات محلی و اطمینان از تطبیق آنها برای دستیابی به این هدف یک امر الزامی به شمار می‌آید. یکی دیگر از پیش‌شرط‌های لازم جهت بهبود خدمات پولیس ملی افغانستان تعیین آنان بر مبنای اصل شایسته‌سالاری و بدون دخالت هیچ کس، حتی والی، می‌باشد.

ماده چهارم قانون پولیس

در ماده چهارم قانون پولیس آمده است: «پولیس وظایف خود را در مرکز تحت رهبری وزیر امور داخله و در ولایات و ولسوالی‌ها تحت اوامر والی یا ولسوال مربوط انجام می‌دهد.» والی‌ها مسئولیت ایجاد هماهنگی در بین پولیس و ریاست امنیت ملی را در ولایتی مربوطه دارند و ولسوال‌ها نیز عین وظایف را در سطح ولسوالی به عهده خواهند داشت.

قانون ادارات محلی

- همان طور که در بالا ذکر شد، وظایف و مسئولیت‌های ادارات محلی مطابق با قانون ادارات محلی باید مورد بازنگری قرار گیرند تا بتوان نقش هماهنگ کننده والی‌ها و ولسوال‌ها را تقویت نمود. تعیین نقش و مکلفیت واضح برای والی‌ها زمینه‌ساز تسهیلات مؤثرتری در بین ادارات ولایت، به شمول تأمین امنیت، خواهد گردید.
- والی‌ها در تعیینات کارمندان پولیس دخالت نخواهند داشت. تمام تعیینات پولیس بر مبنای اصل شایستگی صورت خواهد گرفت.

بهبود مؤثریت کاری پولیس ملی افغانستان

- در تعیینات پولیس که مبتنی بر اصل شایسته‌سالاری است، هیچ نوع دخالتی اجازه داده نمی‌شود.
- روند بررسی کاندیداهای پست پولیس، بدون وقفه، ادامه خواهد یافت. هرگونه دخالت در امور بررسی کاندیداها با مجازات همراه خواهد بود.
- سیستم رتبه‌ها و معاشات پولیس ملی با اردوی ملی، در راستای مبارزه با فساد، هم‌سان خواهد شد.

بهبود حساب‌دهی پولیس به مردم

- اصول رفتار پولیس در این اواخر تدوین گردیده است. این اصول سند حقوقی است که بر مبنای آن وظیفه اصلی و اساسی پولیس، خدمت به مردم افغانستان می‌باشد. این اصول میکانیزمی را برای حساب‌ده ساختن پولیس به دست می‌دهد.
- اصول رفتاری پولیس، به منظور حصول اطمینان از مطابقت آن با قوانین و مقررات نافذ، بازنگری می‌گردد. اصولنامه مذکور شامل ارزش‌ها، معیارها و قواعد رفتاری خواهد بود که در پرتو آن تصامیم، طرزالعمل‌ها و سیستم‌هایی اجرا شود که بتوانند سطح رفاه مردم و کارکردهای پولیس (احترام به حقوق شهروندان) را بالا ببرد.
- میکانیزم‌های لازم برای اطمینان از تطبیق طرزالسلوک پولیس ایجاد خواهد گردید.
- ایجاد میکانیزم رسیدگی به شکایات از طریق شماره تلفون ۱۱۹ یکی از ابتکارات مهم و با ارزش می‌باشد.

- میکانیزم رسیدگی به شکایات از طریق شماره تلفون ۱۱۹ به سایر ولایات و مناطق و شاروالی‌های عمده، به محض فراهم شدن منابع، گسترش خواهد یافت.
- با در نظر داشت این امر که تمام شهروندان کشور به تلفون دسترسی ندارند، ابزارهای دیگری برای تسهیل دریافت شکایات شهروندان کشور ایجاد خواهد گردید. به مردم ابلاغ خواهد شد که آنها می‌توانند شکایات کتبی و شفاهی خود را به شورای ولایتی تقدیم نمایند. شورای ولایتی از تسلیم شکایات مردم به مقام ذی‌صلاح وزارت داخله اطمینان حاصل خواهد نمود و این مقام وزارت داخله مسئولیت رسیدگی و حل و فصل شکایات را به عهده خواهد داشت.
- اصلاحات لازم در وزارت امور داخله برای اطمینان از رسیدگی به شکایات مردم، به گونه حساب‌ده، شفاف، بی‌طرفانه و مؤثر و قانونی، انجام خواهد شد. یک کمیسیون مستقل در راستای بازنگری و بررسی شکایات واصله به وزارت داخله ایجاد خواهد گردید. برای تأمین اصل بی‌طرفی و استقلالیت این کمیسیون، لازم است که یک بودجه بی‌طرفانه و کافی برای این کمیسیون اختصاص داده شود تا کمیسیون بتواند تعهدات و مکلفیت‌های خود را، به طور کامل و مؤثر، انجام دهد. نماینده جامعه مدنی عضویت این کمیسیون را خواهد داشت.

استقلال عمل خارنوالان

براساس حکم ماده ۱۳۴ قانون اساسی کشور «کشف جرایم، توسط پلیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه از طرف حارنوالی مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد. خارنوالی جزء قوه اجرائیه بوده و در اجراءات خود مستقل می‌باشد. تشکیل، صلاحیت و طرز فعالیت خارنوالی توسط قانون تنظیم می‌گردد.»

خارنوالی ولایت و ولسوالی بخشی از اداره ولایت و ولسوالی محسوب می‌شوند. ولی نهادهای مزبور از نظر وظیفوی دارای استقلال عمل می‌باشند. این نهادها دارای استقلال تصمیم‌گیری بر مبنای قوانین و صلاحیت‌های اداره لوی خارنوالی کشور می‌باشند. این پالیسی با در نظر داشت اهمیت نقش و وظیفه خارنوالان، استقلال عمل آنها در انجام وظایف‌شان را به رسمیت شناخته و بر آن تأکید می‌کند. خارنوالی در ولایت و ولسوالی از اجراءات اداری شان به والی، ولسوال، شورای ولایتی و شورای ولسوالی گزارش می‌دهد، ولی در عملکرد مسلکی خود مستقل باقی خواهد ماند.

اداره ولایت و شورای ولایتی از نزدیک با محاکم در راستای دسترسی آسان و به موقع مردم به خدمات عدلی همکاری می‌نمایند. همین طور، اداره ولسوالی و شورای ولسوالی مکلف‌اند با محاکم در راستای دسترسی آسان و به موقع مردم به خدمات عدلی همکاری نمایند.

همین طور، قانون تشکیلات و صلاحیت‌های څارنوالی، که در سال ۱۳۷۰ هجری خورشیدی (۱۹۹۱ میلادی) توشیح گردیده است، هنوز بر روال کاری څارنوالی حاکم می‌باشد. بر بنیاد این قانون، څارنوالان نه تنها مکلف به دفاع و صیانت از حقوق و آزادی‌های شهروندان افغانستان مطابق به قانون اساسی کشور و سایر قوانین نافذه می‌باشند، بلکه مکلف‌اند تا از حقوق و منافع دولت نیز صیانت نمایند. وظایف و صلاحیت‌های څارنوالان در برگیرنده دفاع و صیانت از «حقوق و منافع مشروع مرکز و ادارات محلی، ادارات دولتی و نهادهای خصوصی، احزاب سیاسی، نهادهای مدنی در مقابل تخطی می‌باشد.» در ماده ۱۴ این قانون به صراحت آمده است که اداره لوی څارنوالی وظیفه نظارت بر «تطبیق قانون و پایبندی برابر شهروندان کشور و ادارات دولتی به احکام قانون» را به عهده دارد. لوی څارنوالی مکلف است تا نقش عمده ای را در تقویت حاکمیت قانون توسط دولت و شهروندان کشور ایفا نماید. براساس این قانون لوی څارنوالی دارای دفاتر څارنوالی در سطح ولایت ها و ولسوالی ها می‌باشد و این دفاتر نیز وظیفه تقویت قانون در سراسر کشور را به عهده دارند. وظیفه څارنوال «نظارت بر حقوق‌مند بودن فعالیت‌های کشف و تحقیق جرایم توسط ارگان‌های ذی‌ربط می‌باشد». مطابق با قانون اساسی کشور، کشف جرایم به عهده پولیس می‌باشد. در عین حال براساس احکام این ماده وظیفه نظارت بر حقوق‌مند بودن فعالیت‌هایی که در راستای کشف و تحقیق جرایم توسط پولیس صورت می‌گیرند، به عهده څارنوالان نهاده شده است.

وظیفه لوی څارنوالی اطمینان یافتن از صدور اسناد حقوقی در مطابقت با احکام قانون می‌باشد. همان طوری که در ماده ۲۲ قانون څارنوالی ذکر شده است، یکی از وظایف څارنوالان «نظارت بر مطابقت فرامین، دستورالعمل‌ها، لوایح، آیین‌نامه‌ها، احکام تقنینی، مقرره‌ها، قوانین، منشورها و مصوبه‌های شوراهای وزیران با قانون می‌باشد.»

در ماده ۲۲ قانون لوی څارنوالی تاکید شده که څارنوالی باید بر عرایض و شکایات مردم رسیدگی کند. این امر لوی څارنوالی را قادر می‌سازد که جهت حساب‌ده ساختن دولت و شهروندان کشور در زمینه تقویت حاکمیت قانون مراحل لازم را طی کند. در فقره ۷ ماده ۲۲ قانون لوی څارنوالی آمده است که در عرصه نظارت عمومی، څارنوالی وظیفه نظارت و ارزیابی «شکایات شهروندان کشور و ابلاغ تخطی از قانون به مراجع ذی‌ربط دولتی را به عهده دارد». څارنوالان صلاحیت و مکلفیت دارند تا از رسیدگی مراجع ذی‌ربط به موارد تخطی از قانون، اطمینان یابند. مطابق با احکام ماده ۲۳ قانون لوی څارنوالی «در حین نظارت

څارنوالان از احکام مندرج در ماده ۲۲ قانون لوی څارنوالی، ادارات مربوطه و مقامات ذی ربط موظفاند تا در مدت بیست روز پس از دریافت مکتوب څارنوالی نتایج مورد نظر را به څارنوال مربوطه ارائه نمایند. څارنوالان مکلف می‌باشند تا قضایایی را که به آنها ارجاع می‌گردند، مورد بررسی قرار دهند. آنها موظفاند قضایای جنایی را بررسی نمایند که این روند با درج عریضه از طرف شاکی علیه متهم و فراخواندن متهم به محکمه مورد پیگیری قرار می‌گیرد. براساس قانون، څارنوالان، در صورت ارتکاب جرایم و انجام تخلفات اداری و انضباطی مطابق با قانون حساب‌ده می‌باشند.

در عین حال، لازم است مجازات تعیین شده برای څارنوالان و نیز میکانیزم‌های تطبیق آنها هرچه بیشتر واضح گردند تا پشتوانه تطبیقی هرچه بیشتر برای آنها فراهم گردد. در این قانون اصول و وظایف څارنوالان نیامده است. لازم است تا اصول و وظایف څارنوالان طرح گردد تا در پرتو آن څارنوالان در زمینه تقویت قانون و پایبندی به اصول اخلاقی، در برابر قانون حساب‌ده گردند. لازم است قانون لوی څارنوالی تعدیل گردد و اداراتی که لوی څارنوالی صلاحیت نظارت بر اجراءات آنها در مطابقت با قانون را دارد، مشخص گردند. با در نظر داشت نقش مهم څارنوالان در تقویت قانون، این پالیسی از استقلال عمل آنها و نفوذناپذیری آنها از تمام نهادها و مقامات قوه مجریه و مقننه کاملاً حمایت می‌کند.

ارائه تسهیلات و امکانات به ادارات محلی و دولتی

تا ماه جدی سال ۱۳۹۲ (آخر سال ۲۰۰۸)، آمارگیری کامل از تسهیلات موجود در همه شوراها، دفاتر اداره ارگان‌های محلی به شمول څاروالی‌ها انجام خواهد شد. تا پایان سال ۱۳۹۲ (۲۰ مارچ ۲۰۱۳)، همه شوراهای انتخابی و ادارات دولتی به شمول څاروالی‌ها دارای تسهیلات ابتدایی و امکانات از قبیل تعمیر، کودکستان، کمپیوتر، تسهیلات ارتباطی و فرنیچر خواهد شد. مسئولین سطح ملی و محلی از وسایل لازم جهت برقراری ارتباطات با مردم برخوردار خواهند شد. حکومت هزینه کافی برای فعال‌سازی و حفظ و مراقبت این وسایل را فراهم خواهد ساخت. در عین حال، حکومت عملکرد اجرایی تمام ادارات محلی را از طریق ارائه تسهیلات فیزیکی، وسایل و ابزارهای لازم بهبود خواهد بخشید.

تفویض مسئولیت‌ها در ولایات، ولسوالی‌ها و قریه‌ها

تفویض صلاحیت‌ها سبب کارایی و مؤثریت قابل توجهی می‌گردد؛ زیرا کسانی که مسئول عرضه خدمات می‌باشند، از صلاحیت و قدرت کافی برای تصمیم‌گیری بر مبنای نیازهای عینی دریافت کنندگان خدمات

برخوردار می‌باشند. عرضه خدمات زمانی می‌تواند به وجه احسن (مؤثر و مفید) صورت گیرد که از طریق نزدیک‌ترین نهادها برای مردم عرضه گردند. این امر متضمن حساب‌ده‌ساختن تصمیم‌گیرندگان در مقابل مردم می‌باشد.

صلاحیت‌های وزارت‌های سکتوری به تدریج و با گذشت زمان به ترتیب ذیل به واحدهای دومی و سومی آنها تفویض خواهد شد:

- اکثر صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با تعلیمات ابتدایی باشند، مختص به مرکز خواهند بود؛ ولی صلاحیت‌های تطبیق آنها به ولایت‌ها و ولسوالی‌ها تفویض خواهند شد.
- اکثر صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با تعلیمات ثانوی باشند، مختص به مرکز خواهند بود، اما صلاحیت‌های تطبیق آنها به ولایات تفویض خواهند گردید.
- اکثر صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با کلینیک‌های صحتی باشند مختص به مرکز خواهند بود، اما صلاحیت‌های تطبیق آنها به ولایات و ولسوالی‌ها تفویض خواهد شد. مسئولیت حفظ و مراقبت از این تسهیلات به قریه‌ها سپرده خواهد شد.
- صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با حمل و نقل عامه باشند مختص به مرکز خواهند بود؛ مسئولیت حفظ و مراقبت از این تسهیلات به قریه‌ها سپرده خواهد شد.
- صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با شاهراه‌های ولایتی باشند، مختص به مرکز خواهند بود، اما تقریباً، تمام صلاحیت‌های تطبیق و حفظ و مراقبت از آنها به ولایات تفویض خواهند گردید.
- اکثر صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با راه‌های دسترسی محلی باشند، به ولایات تفویض خواهند شد؛ برخی از صلاحیت‌های تطبیق، حفظ و مراقبت و انتخاب مراکز آنها به ولسوالی‌ها و قریه‌ها تفویض خواهند گردید.
- اکثر صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با انکشاف سکتور خصوصی باشند منحصر به مرکز خواهند بود، اما صلاحیت‌های تطبیق آنها به ولایات تفویض خواهند گردید. برخی از صلاحیت‌های تطبیقی به ولسوالی‌ها تفویض خواهند شد.
- صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با انکشاف زراعت باشند منحصر به مرکز خواهند بود، اما صلاحیت‌های تطبیق آنها به ولایات و ولسوالی‌ها تفویض خواهند شد.
- صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با مدیریت منابع طبیعی می‌گردند در مرکز حفظ خواهند گردید؛ در حالی که صلاحیت‌های تطبیق آنها به ولایات و ولسوالی‌ها تفویض خواهند شد. برخی از صلاحیت‌های تطبیقی به قریه‌ها تفویض خواهند شد.
- صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با مدیریت حوادث می‌گردند در مرکز حفظ خواهند گردید؛ در حالی که صلاحیت‌های تطبیق آنها به ولایات و ولسوالی‌ها و قریه‌ها تفویض خواهد شد.

- صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با مصونیت اجتماعی باشند، منحصر به مرکز خواهند بود، اما صلاحیت‌های تطبیق آنها به ولایات و ولسوالی‌ها و قریه‌ها تفویض خواهد شد. قریه‌ها می‌توانند در زمینه پرداخت تأمین اجتماعی و تسهیل سرپناه در این زمینه نقش ایفا کنند.
- برخی از صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با معیشت بدیل می‌گردد، به ولایات و برخی دیگر به ولسوالی‌ها تفویض خواهند شد. قریه‌ها می‌توانند در تشخیص ساحات و شناسایی نوع کمک‌هایی که باید به دهقانان عرضه شود، ایفای نقش کنند.
- صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با محو کشت خشخاش باشند، منحصر به مرکز خواهند بود، اما اکثر صلاحیت‌های تطبیق آنها به ولایات و ولسوالی‌ها تفویض خواهد شد. صلاحیت تطبیق پلان‌های قبل از کشت خشخاش به قریه‌ها تفویض خواهند شد.
- صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با آبرسانی باشند، منحصر به مرکز خواهند بود، اما صلاحیت‌های تطبیق آنها به ولایات و ولسوالی‌ها تفویض خواهند گردید. همچنین، صلاحیت‌های حفظ و مراقبت و جمع‌آوری فیس آب به شاروالی‌ها و قریه‌ها تفویض خواهند شد.
- صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با سیستم فاضلاب باشند، منحصر به مرکز خواهند بود، اما صلاحیت‌های تطبیق آنها به ولایات و شاروالی‌ها تفویض خواهند شد. صلاحیت‌های حفظ و مراقبت آنها به شاروالی‌ها و قریه‌ها تفویض خواهند شد.
- صلاحیت‌های پالیسی‌سازی که مرتبط با تسهیلات تفریحی می‌گردند و نیز صلاحیت‌های تطبیق آنها به شاروالی‌ها تفویض خواهند شد. صلاحیت‌های حفظ و مراقبت آنها به شاروالی‌ها و قریه‌ها تفویض خواهند شد.

تقسیمات اداری موجود در سطح محلی

افغانستان در جنوب آسیای میانه موقعیت دارد و دارای ۶۵۲/۸۶۴ کیلومتر مربع مساحت و مرز مشترک با ۶ کشور ذیل است.

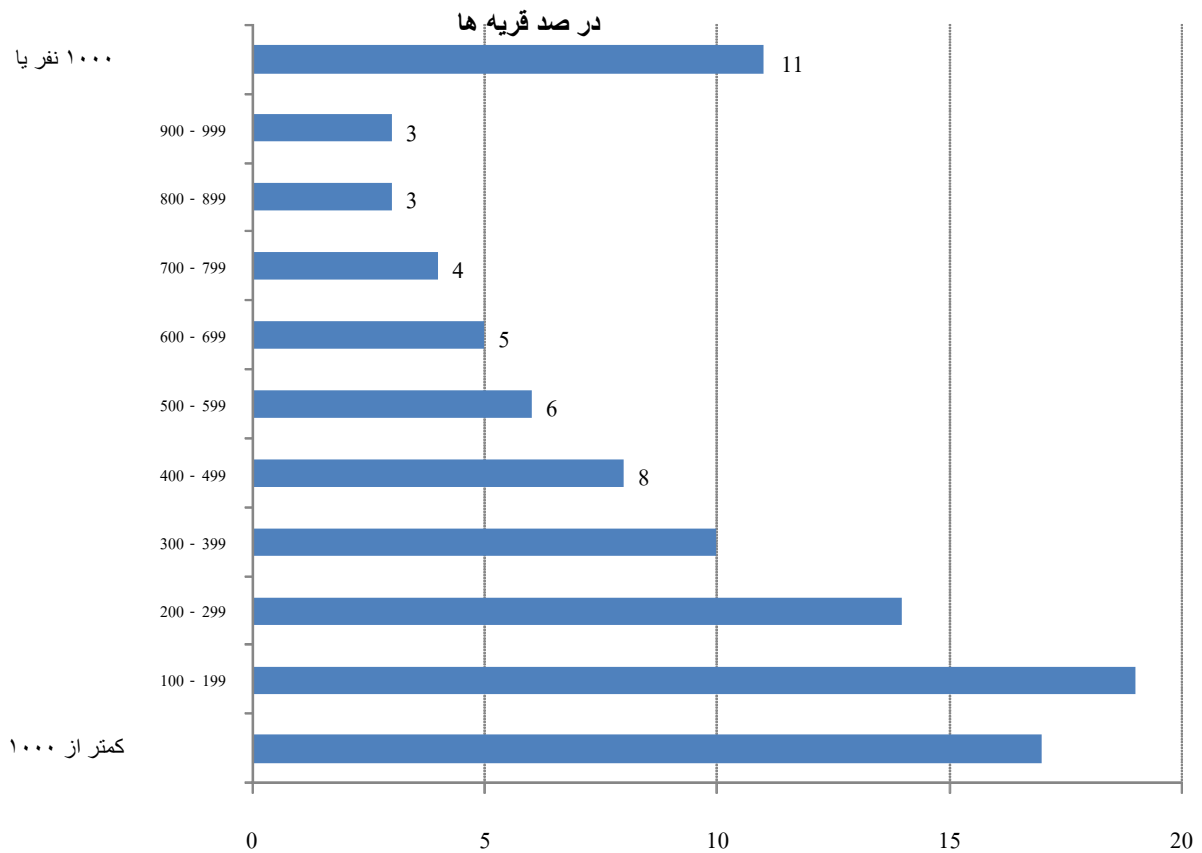
کشور همسایه	مرزها	طول مرز به کیلومتر
پاکستان	مشرق و جنوب شرق	۲۴۳۰ کیلومتر
ایران	غرب	۹۳۶ کیلومتر
ترکمنستان	شمال غربی	۷۴۴ کیلومتر
ازبکستان	شمال	۱۳۷ کیلومتر
تاجیکستان	شمال شرق	۱۲۰۶ کیلومتر

چین	شرق	۷۶ کیلومتر
-----	-----	------------

افغانستان ۳۴ ولایت، ۳۶۴ ولسوالی و ۳۴ مرکز ولایت دارد. هرات، جلال آباد، کابل، مزارشریف و میمنه، ولسوالی‌های مرکز ولایت بوده و در تقسیمات اداری خود دارای قریه نمی‌باشند. سایر ۲۹ ولسوالی مرکز دیگر حدوداً دارای ۳۰۰ قریه می‌باشند. ضمیمه سوم این پالیسی، تفصیل کامل را در این مورد ارائه می‌کند. جدول اول در برگیرنده اسامی ولایات و ولسوالی‌ها و نفوس تخمینی آنها و نیز تعداد قریه‌ها در هر ولسوالی می‌باشد. جدول دوم در برگیرنده اسامی ۱۵۳ شاروالی و معلومات اساسی در مورد شاروالی‌ها در سال ۱۳۸۶ هجری خورشیدی می‌باشد. جدول سوم در بردارنده تعداد ناحیه‌های شاروالی‌ها در جاهایی است که ناحیه‌های شاروالی موجود می‌باشد. ناحیه، یک واحد اداری فرعی شاروالی است. ۲۷ شاروالی دارای ۱۲۱ ناحیه بوده و ۱۲۱ شاروالی دارای هیچ تقسیمات ناحیه‌ای نمی‌باشند.

بر اساس شمارش خانوار اداره مرکزی احصائیه، نفوس افغانستان ۲۳۵۶۵۲۰۰ نفر است. ۱۳,۹ فیصد این تعداد نفوس در کابل (۱/۷) نفوس افغانستان در کابل زندگی می‌کند) ۷ فیصد در هرات، ۶ فیصد در هلمند، ۵,۷ فیصد در ننگرهار، ۴,۹ فیصد در بلخ و ۴,۷ فیصد در غزنی زندگی می‌کنند.

بر اساس شمارش خانوار اداره مرکزی احصائیه در تاریخ ۱ جولای، ۸۰,۶ فیصد نفوس در دهات و ۱۹,۴۰ فیصد نفوس در شهرها زندگی می‌کنند. نفوس مناطق دهاتی افغانستان ۱۸۹۸۵۲۰۰ نفر است که در ۳۸۵۷۹ منطقه مسکونی با اندازه‌های مختلف تقسیم شده‌اند که حد وسط آن ۳۰۹ نفر می‌شود؛ یعنی بیشتر از نصف نفوس در قریه‌های با نفوس کمتر از ۳۰۹ تن و نصف دیگر نفوس در قریه‌هایی زندگی می‌کنند که نفوس آنها بیشتر از ۳۰۹ نفر می‌باشد. اوسط نفوس هر قریه ۴۸۱ است. بر اساس آمار خانوار اداره مرکزی احصائیه، هر خانوار مشتمل بر ۶,۳ نفر است. تفصیل بیشتر در ضمیمه درج است.



از مجموع ۳۸۵۷۹ محل مسکونی روستایی، که توسط دفتر مرکزی احصائیه، طی برنامه شمارش خانوارها در سالهای ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۵ لیست آن تهیه شده است، ۱۴۰۹ محل مسکونی آن به دلایل جایجایی خانوادهها به خاطر خشکسالی و جنگ و دلایل دیگر، دارای سکنه نمی‌باشند. معلومات ارائه شده توسط برنامه ثبت خانوادهها نشان‌دهنده آن است که تعداد ۴۴۲ قریه خالی از سکنه و ۹۶۷ قریه به ویرانه تبدیل شده‌اند. بنا بر این در زمان اجرای برنامه ثبت خانوادهها ۳۷۱۷۰ محل مسکونی روستایی دارای سکنه در کشور موجود بوده است. اگر ما تعداد ۷۹۳ قریه فرعی را از مجموع محل‌های مسکونی روستایی دارای سکنه کم کنیم، مجموع قریه‌جات دارای سکنه در سراسر کشور، در سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۵ به ۳۶۳۷۷ قریه می‌رسد. اما این رقم متغیر می‌باشد؛ زیرا بعد از برنامه ثبت خانوادهها توسط دفتر مرکزی آمارگیری ممکن است بعضی از قریه‌جات متروک دوباره دارای سکنه شده و بعضی قریه جات تخریب‌شده نیز بعد از گذشت مدتی دوباره اعمار شده باشند. یک تصویر واضح از این قریه‌ها پس از انجام نفوس شماری و نشر نتایج آن در سال ۲۰۱۰ به دست خواهد آمد.

پالیسی برای ایجاد واحدهای اداری جدید

زونها و منطقه‌ها

ایجاد واحدهای جدید اداری و یا تغییر آنها

قانون اساسی افغانستان تقسیمات بالاتر از ولایت، مانند زون و یا منطقه، را اجازه نمی‌دهد. البته وزارت‌ها، به منظور تأمین اهداف ویژه و تطبیق هرچه مؤثرتر پلان‌ها و برنامه‌های شان، افغانستان را به مناطق و یا زون‌های مختلف تقسیم می‌کنند. به طور مثال، وزارت انکشاف شهری برای تطبیق برنامه‌های انکشاف اقتصادی از این شیوه منطقی استفاده به عمل آورده است. وزارت زراعت و آبیاری نیز نیاز به استفاده از این شیوه برای تقسیم‌بندی افغانستان به زون‌ها از لحاظ خصوصیات زراعتی و زیست‌محیطی دارد. دولت افغانستان از اهمیت این اقدامات به خوبی آگاه است و استفاده از آنها را در شرایط معین و به منظور حصول اهداف انکشافی، امنیتی و دفاعی درست می‌داند. اما دولت، هرگز، این تقسیم‌بندی‌ها را به معنای تصویب این تقسیم‌بندی‌ها به حیث واحدهای خاص سیاسی و یا ساحوی اداری نمی‌داند و به رسمیت نمی‌شناسد.

پالیسی در مورد ایجاد ولایت‌های جدید

ولایت‌ها در نتیجه پیامدهای سیاسی و تاریخی به وجود می‌آیند. کوشش جهت تعریف تخنیکی یک ولایت شاید بی‌جا باشد. افغانستان امروز به ۳۴ ولایت تقسیم شده است. تقاضا برای ایجاد واحدهای جدید (ولایت، ولسوالی و شاروالی) همواره وجود داشته است، اما دولت افغانستان برای ایجاد واحدهای جدید، نیازهای مردمی، عواقب سیاسی، اجتماعی و امنیتی و تأثیرات آن بالای تمامیت ارضی، وحدت و یکپارچگی و ملی را در نظر خواهد گرفت.

پالیسی در مورد ایجاد ولسوالی‌ها

۳۴ ولایت افغانستان به ۳۶۴ ولسوالی و ۳۴ مرکز ولایت تقسیم شده است. در برخی ولایات ولسوالی‌های غیر رسمی وجود دارد که والی‌ها آنها را جهت تنظیم بهتر مناسبات سیاسی قبیله‌ای، در حدود قلمرو ولسوالی ایجاد نموده‌اند و در بیشتر اوقات نیز این ولسوالی‌ها بر اساس تقاضای مردم ایجاد شده‌اند. این ولسوالی‌ها در سطح ولایت رسمیت دارند ولی در سطح مرکز رسمیت ندارند. تصمیم در مورد ولسوالی‌های رسمی و غیر رسمی اتخاذ خواهد شد. ولسوالی‌های جدید بار دوش بودجه ملی نیز می‌باشند. دولت هزینه‌های ایجاد ولسوالی‌های جدید را با در نظر داشت مزایایی که برای مردم از نظر دسترسی آسان‌تر آنان به خدمات و بهبود امنیت و انسجام امور دارد، خواهد سنجید.

همکاری میان ولایات

تمام شوراهای ولایتی مکلف می‌باشند، با یکدیگر، در زمینه امور حکومت‌داری، امنیتی و انکشافی، که حوزه تأثیر آنها فراتر از سطح یک ولایت می‌باشد، همکاری داشته باشند. در راستای دسترسی به اهداف فوق، هر شورای ولایتی یکی از اعضای خود را مکلف می‌گرداند تا با سایر شوراها در تماس بوده و در زمینه امور مربوطه با آنان مشوره نماید. در عین حال، شوراهای ولایتی با یکدیگر در راستای امور حکومت‌داری، امنیتی و انکشافی ولایات همجوار کاملاً همکاری خواهند نمود. اداره مستقل ارگان‌های محلی با تدویر کانفرانس‌های دوره‌ای والی‌ها ابتکار عمل و رهبری این روند را به عهده خواهد داشت. برخی از وزارت‌ها و ادارت به خاطر سهولت در اجرای وظایف محوله‌شان اقدام به ایجاد دفاتر حوزوی کرده‌اند. دفاتر ولایتی وزارت‌ها در حوزه مربوطه در راستای موضوعاتی که مربوط به حوزه آنها می‌گردد، با یکدیگر همکاری خواهند نمود.

تیم بازسازی ولایتی (PRT)

رئیس جمهور در فرمان صادره خود، در ۱۷ جولای ۲۰۰۸، کمیسیونی را تأسیس کرده که رئیس عمومی اداره مستقل ارگان‌های محلی، معین امور سیاسی وزارت امور خارجه و معین‌های وزارت‌های فواید عامه، احیاء و انکشاف دهات و شهرسازی به حیث اعضای آن و رئیس عمومی اداره ارگان‌های محلی رئیس آن می‌باشند. این کمیسیون جهت پیشنهاد راه‌هایی برای توسعه هماهنگی میان تیم‌های بازسازی ولایتی، قوای ائتلاف بین‌المللی و ادارات محلی تأسیس گردیده است.

این کمیسیون بر آن است تا میکانیزم مشخصی را جهت هماهنگی میان تیم‌های بازسازی ولایتی و قوای ائتلاف بین‌المللی با نهادهای محلی ایجاد کند و پروگرام‌ها و پروژه‌های تیم بازسازی ولایتی را نظارت نماید.

اداره شاروالی حکومت‌داری شاروالی

کلیات

قانون جدید شاروالی‌ها وضع خواهد گردید و در حدود شش ماه بعد از وضع آن، قواعد و مقررات فرعی تطبیق آن منتشر خواهد شد تا رهنمودی برای تطبیق احکام این قانون باشد.

قانون جدید شاروالی‌ها در بردارنده موارد آتی خواهد بود:

۱. تعریف شاروالی‌ها؛
۲. تعریف معیار برای ایجاد، ادغام و یا انحلال شاروالی‌ها؛
۳. رسالت و وظایف بنیادی شاروالی‌ها؛
۴. توضیح در باره سرپرستی سیاسی و اداری شاروالی‌ها به خاطر تعیین صلاحیت‌های دولت (مانند تعیین صلاحیت اداره ارگان‌های محلی و والی) بالای شاروالی‌ها؛
۵. امتیاز و تشویق، در صورت تطبیق احکام قانونی، و وضع تحریمات، در صورت عدم تطبیق احکام قانونی.

قواعد و مقررات تطبیقی

قواعد و مقررات تطبیقی برای قانون شاروالی باید دارای تصریحات اساسی ذیل باشد:

۱. طبقه‌بندی شاروالی‌ها و تعریف هر طبقه؛
۲. روند ایجاد، ادغام و یا انحلال شاروالی‌ها.

در مورد سایر شرایط مهم قانون پیشنهادشده شاروالی‌ها، در فصل‌های بعدی این سند به طور مفصل بحث گردیده است.

ایجاد، ادغام و انحلال شاروالی‌ها

اهداف پالیسی

تعریف شاروالی:

«شاروالی یک نهاد مشخص قانونی و اداری است که دارای حدود جغرافیایی و یا ارضی معین بوده و هدف آن تأمین رفاه باشندگان حوزه‌های خود می‌باشد.»

۱. در سلسله مراتب اداری و حکومت‌داری، شاروالی در مرتبه پایین‌تر از ولایت قرار دارد؛
۲. یک شاروالی از ترکیب چند ناحیه به وجود می‌آید و ناحیه از ترکیب چند قریه به وجود می‌آید. تمام این واحدها از نگاه سلسله مراتب تعیین کننده حدود ارضی، اداری می‌باشند؛
۳. شاروالی یک شخصیت حقوقی حکمی عامه است که به خاطر تأمین نیازمندی‌های عمومی مردم، نظیر استملاک، فروش دارایی، عقد قرارداد، ایجاد شده و می‌توان علیه شاروالی‌ها اقامه دعوی کرد و آنها نیز می‌توانند علیه دیگر نهادها و یا افراد اقامه دعوی نمایند. شاروالی‌ها می‌توانند از یک نام قانونی استفاده نموده و یا تشبثات اقتصادی عامه را ایجاد و اداره نمایند؛
۴. یک شاروالی می‌تواند با در نظر داشت یک سلسله معیارات تعیین شده، ایجاد گردد؛
۵. شاروالی‌ها می‌توانند، نظر به یک پروسه قانونی منظم، ایجاد، ادغام و یا منحل شوند؛
۶. شاروالی‌ها می‌توانند تحت شرایط خاص مدغم شوند؛
۷. شاروالی‌ها می‌توانند تحت شرایط خاص منحل شوند؛

قواعد و مقررات تطبیقی

معیارهای ایجاد شاروالی‌ها می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

۱. باید دارای حدود جغرافیایی معین باشد، یعنی حداقل ساحه‌ای را که احتوا می‌کند ۵۰ کیلومتر مربع باشد و مورد تأیید اداره عمومی جیودیزی و کارتوگرافی باشد.
۲. باید دارای حداقل ۲۰,۰۰۰ نفر نفوس باشد، که توسط اداره مرکزی احصائیه تأیید شده باشد.
۳. باید ظرفیت خود کفایی مالی، جهت تأمین سهولت‌ها و خدمات عامه ضروری، را دارا باشد.

پروسه ایجاد، ادغام و انحلال شاروالی‌ها می‌تواند شامل مراحل ذیل گردد:

۱. مردم قریه از طریق شوراهای قریه جلسات مشورتی را تدویر و عرایض خود را طرح می‌نمایند.
 ۲. مردم قریه بعد از فیصله‌نامه شورای قریه مربوطه، عریضه‌ای را به شورای شاروالی تقدیم می‌کنند. این شورا عریضه مزبور را، بر اساس معیارهای مربوطه، مورد بررسی قرار می‌دهد.
 ۳. شورای شاروالی بعد از انجام جلسات مشورتی لازم، عریضه مردم را به شورای ولایتی تسلیم می‌کند تا شورا منظور نماید.
 ۴. شورای ولایتی بعد از بررسی عریضه مردم، آن را تصدیق و جهت تصویب به اداره مستقل تقدیم می‌کند.
- اداره مستقل ارگان‌های محلی، بعد از بررسی درخواست‌های مردم و اطمینان یافتن از مطابقت پیشنهادات مردم با معیارهای قانونی جهت ایجاد شاروالی‌های جدید، عریضه مردم را جهت اتخاذ تصمیم نهایی تقدیم شورای وزیران می‌کند و تصمیم شورای وزیران مشروط به تأیید شورای ملی می‌باشد.

شرایط انحلال شاروالی‌ها

- موارد ذیل می‌تواند به عنوان شرایط انحلال یک شاروالی در نظر گرفته شود:
- در صورتی که شاروالی بدون طی مراحل قانونی و بدون تأیید دولت ایجاد شده باشد.
 - در صورتی که یک شاروالی نتواند معیارهای لازم را تأمین نماید و قابلیت تأمین نیازهای مالی خود را نداشته باشد، ملغی می‌گردد.
 - شاروالی بی‌ثبات از نظر مالی می‌تواند با شاروالی هم‌جوار خود مدغم شود. این کار می‌تواند از طریق ادغام با یک شاروالی دیگر و یا ادغام شاروالی‌های بی‌ثبات از نظر مالی با این شاروالی، به یک شاروالی با ثبات مالی تبدیل گردد. امکانات و منابع شاروالی بی‌ثبات به شاروالی بزرگتر و با ثبات داده خواهد شد.

دسته‌بندی شاروالی‌ها

اهداف پالیسی

۱. شاروالی‌ها باید بر اساس ترکیبی از عوامل مختلف دسته‌بندی گردند.
۲. فهرستی از واژه‌ها و اختصارات معیاری برای دسته‌بندی شاروالی‌ها باید در نظر گرفته شود.
۳. دسته‌بندی شاروالی‌ها به شکل منظم توسط دولت جهت دوباره دسته‌بندی کردن، انجام تغییرات اجتماعی اقتصادی، و شرایط سیاسی و اداری مورد بازنگری قرار خواهد گرفت.

قواعد و مقررات تطبیقی

از عوامل آتی برای صنف‌بندی شاروالی‌ها می‌توان استفاده نمود:

۱. درآمد شاروالی با تصدیق وزارت مالیه؛
۲. شمارش و تثبیت نفوس، با تصدیق احصائیه مرکزی؛
۳. ساحت اراضی، با تصدیق اداره عمومی جیودیزی و کارتوگرافی.

هرکدام از فهرست واژه‌ها و اختصارات معیاری ذیل را می‌توان مورد استفاده قرار داد.

- نظر به تولید عواید؛
- نظر به سطح شهری بودن؛
- نظر به ترکیبی از عوامل مختلف.

وظایف شاروالی‌ها

اهداف پالیسی

۱. وظایف اصلی و فرعی شاروالی‌ها در قانون شاروالی‌ها تصریح خواهد شد.
۲. وظایف اصلی شاروالی‌ها عبارت از خدمات حداقلی می‌باشد که باید به مردم عرضه شود، در حالی که وظایف فرعی عبارت از وظایفی می‌باشد که در کنار وظایف اصلی و بر اساس ظرفیت، شاروالی‌ها می‌توانند عرضه نمایند.

قواعد و مقررات تطبیقی

وظایف اصلی پیشنهاد شده برای شاروالی‌ها قرار ذیل است:

• حکومت‌داری و اداره امور انکشافی

۱. ایجاد ساختارهای اداری و میکانیزم‌های لازم برای تشویق و ترویج مشارکت مردم در امور حکومت‌داری و اداره شاروالی و مشارکت سکتور خصوصی در رشد اقتصادی شاروالی؛
۲. توسعه، تطبیق، نظارت و ارزیابی پلان‌های درازمدت انکشافی اجتماعی- اقتصادی برای شاروالی، که بر اساس رهنمودهای انکشافی منتشرشده توسط دولت تهیه شده باشد و جواب‌گوی ضرورت‌های مبهم سکتورهای خاص اجتماع، مانند جوانان، زنان، افراد مسن، کوچی‌ها و غیره، باشد؛

۳. تعریف نحوه استفاده از زمین‌های تحت صلاحیت شاروالی در مناطق مختلف مطابق به پلان‌های انکشافی - اجتماعی اقتصادی شاروالی؛
۴. همکاری با نهادهای دولت در تنظیم پلان‌ها و برنامه‌های آنان جهت منعکس کردن اولویت‌های سکتور شاروالی، مثل تعلیم و تربیه، صحت، اماکن عامه، کاهش فقر، زراعت، اداره محیط زیست و زیربناها با تأکید خاص بر جوانبی که شاروالی ظرفیت تأمین آنها را ندارد؛
۵. همکاری با دولت در قسمت تطبیق پروژه‌های انکشافی در ساحت مسئولیت شاروالی؛
۶. صدور جواز کار برای تشبثات خصوصی که خواهان فعالیت در ساحت صلاحیت اداری شاروالی باشند؛
۷. جمع‌آوری مالیات، فیس و هزینه‌ها، نظر به قوانین ملی و محلی؛
۸. تعیین ارزش ملکیت‌ها در ساحت مسئولیت شاروالی و نظر به ماسترپلان شهری و نرخ رایج ملکیت‌ها؛
۹. تشویق سهم‌گیری مردم در اداره شاروالی. به طور مثال در تعیین نیازهای اساسی انکشافی، سهم‌گیری در پلان‌گذاری و برنامه‌ریزی و ارزیابی عملکرد شاروالی در قبال اهداف انکشافی.

• ارائه خدمات

۱. همکاری با دولت در تطبیق برنامه‌ها و پروژه‌ها
۲. تطبیق و تأمین زیربناهای اساسی و خدمات ملکی شاروالی، مانند تهیه آب، برق، پیشگیری امراض، صفایی، سرسبزی، سرک‌های شاروالی، سهولت‌های ترانسپورتنی، مانند ترمینال، مراکز تفریحی، فرهنگی، تاریخی و غیره.

• وضع قوانین

۱. وضع قوانین محلی با حمایت قوانین ملی و اولویت‌های انکشافی شاروالی، همچنین توسعه مؤثریت اداره شاروالی؛
- ایجاد روش‌های منظم تشویقی جهت سهم‌گیری اجتماع در حاکمیت شاروالی و ارائه خدمات ضروری عامه؛
- تحمیل و جمع‌آوری جریمه در صورت عدم پیروی از قوانین دولتی؛
۲. تعیین مالیات محلی، فیس و پرداخت‌ها، معین نمودن قیمت کالاها جهت حصول اطمینان از پوشش هزینه.

وظایف فرعی پیشنهادی برای شاروالی‌ها به ترتیب ذیل می‌باشد

• حکومت‌داری و اداره امور انکشافی

۱. ایجاد ساختارها و میکانیزم‌های اداری جهت تشویق مردم به سهم‌گیری در حکومت‌داری شاروالی و اداره سکتور خصوصی و شراکت با آن در توسعه اقتصاد شاروالی؛
۲. همکاری با ادارات مرکزی در قسمت تنظیم پلان‌ها و برنامه‌ها برنامه‌های‌شان به خاطر منعکس کردن اولویت‌های سکتور شاروالی؛
۳. هماهنگی با دولت مرکزی به خاطر پیروی از رهنمودهای انکشاف شهری در تطبیق پروژه‌های انکشافی در ساحت مسئولیت شاروالی؛
۴. تشویق سکتور خصوصی از طریق روش‌های تشویقی، دوامدار و واضح به خاطر سرمایه‌گذاری خصوصی در ساحت مربوط به اداره شاروالی؛
۵. شراکت با شرکت‌های سکتور خصوصی در داد و ستد تشبثات اقتصاد عامه با هدف بهبود عرضه خدمات.

• ارائه خدمات:

۱. ارائه خدمات اساسی و ضروری اجتماعی اقتصادی مطابق با چارچوب انکشافی ملی و به منظور رفع نیازهای مردم محل. این نوع خدمات شامل تطبیق برنامه‌ها و پروژه‌های اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، زیست محیطی و سایر برنامه‌ها و پروژه‌های کاهش فقر با هدف توسعه رفاه عامه جامعه و ساکنین آن می‌باشد.
۲. تطبیق و مدیریت پروژه‌های زیربنایی شهری، مانند آبرسانی، برق، صحت، تحصیلات عالی و مسلکی، تسهیلات بهداشت محیط، سرک‌ها، مراکز تفریحی و غیره که منجر به انکشاف اجتماعی و اقتصادی شود.
۳. ایجاد و مدیریت تشبثات اقتصادی شاروالی به خاطر مؤثریت خدمات و منفعت مناسب آنان.

• قانون‌گذاری

۱. ایجاد روش‌های منظم تشویقی به خاطر شامل‌شدن سکتور خصوصی در حکومت‌داری شاروالی، به‌خصوص در انکشاف اقتصاد محلی و تأمین خدمات عمومی.

۲. تطبیق دستورهای مقامات محلی، جهت حمایت از صلاحیت های شاروالی، مانند عقد قراردادهای، ایجاد نهادهای حقوقی و مشارکت در فعالیت های اقتصادی.

ساختارهای نهادی و میکانیزم های اداری برای شاروالی ها

اهداف پالیسی

۱. شاروالی ها در قسمت ایجاد میکانیزم های اداری و سازمانی رهنمایی خواهند شد.
۲. شاروالی ها صلاحیت خواهند داشت تا ساختار اداری خود را نظر به رهنمودهای ایجاد شده توسط دولت طرح و تنظیم نمایند.

قواعد و مقررات تطبیقی

- الگوهای سازمانی برای هر یک از دسته بندی های شاروالی ها ایجاد خواهد شد تا رهنمودی برای طرح ساختار اداری شاروالی ها باشد.
- رهنمودهایی در قسمت انتخاب یک، دو و یا بیشتر ایجاد خواهد شد تا شاروالی ها را در قسمت انتخاب مناسب ترین مدل کمک نماید.
- تقسیم بندی وظایف، عناوین، ساختارهای جبران خسارت، شرح وظایف و صلاحیت های شاروالی به صورت معیاری تهیه خواهد شد تا بتواند شاروالی ها را در قسمت طرح ساختار نهادی و توسعه و مدیریت نیروی انسانی رهنمایی کند.

شاروالی کابل

پالیسی های ذیل برای شاروالی کابل پیشنهاد می گردند:

۱. در تقسیم بندی، شهر کابل دارای یک شاروالی است. اما این شاروالی با در نظر داشت این امر که شهر کابل از موقعیت پایتخت بودن برخوردار است، باید دارای وظایف، صلاحیت ها و مسئولیت های خاصی باشد.
۲. مسئولیت نظارت بر شاروالی کابل، مانند گذشته، به عهده رئیس جمهور خواهد بود. مسئولیت اساسی شاروالی کابل برآورده ساختن مکلفیت های این شاروالی در زمینه تأمین امور رفاهی شهروندان کابل می باشد.
۳. شهر کابل، مانند گذشته، تحت قوانین شاروالی ها، به علاوه قوانین نافذ خاصه که برای اداره آن وضع می گردد، اداره خواهد شد.
۴. دولت می تواند مقرره های خاصی را جهت اداره شاروالی کابل وضع نماید.

چارچوب اداری شاروالی‌ها

سیستم‌های مدیریت

موضوعات پالیسی

موضوعات پالیسی عبارت‌اند از:

۱. سیستم‌ها و پروسیجرهای کاری که در بسیاری از شاروالی‌ها استفاده می‌شود کهنه می‌باشند.
۲. سیستم‌های مدیریت به خاطر اداره مؤثر انکشافات موجود نیست.
۳. عدم موجودیت شفافیت در فعالیت‌های ادارات شاروالی.

مقصد پالیسی

مقصد پالیسی ایجاد ساختارها و میکانیزم‌های اداری برای شاروالی است تا در نتیجه آن اداره مؤثر و کارا و حکومت‌داری اشتراکی، فراگیر، شفاف و حساب‌ده به وجود بیاید.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. حکومت معیارهایی را برای سیستم مدیریت شاروالی‌ها تعیین خواهد کرد.
۲. این سیستم با پالیسی‌ها، قوانین و مقررات ملی مطابقت خواهد داشت و نیز تا حد امکان با استانداردهای بین‌المللی همخوانی خواهد داشت.
۳. در صورت عدم مطابقت فعالیت‌های شاروالی‌ها با این سیستم‌ها و یا [عدم] تطبیق، تغییراتی در شاروالی‌ها ایجاد و یا مسئولین آن مورد مجازات قرار خواهند گرفت؛ در حالی که در صورت مطابقت و کارکرد عالی، مورد تشویق و پاداش قرار خواهند گرفت.

قواعد و مقررات تطبیقی

۱. برای پلان‌گذاری انکشافی و برنامه‌های سرمایه‌گذاری، بودجه‌سازی، محاسبه، تهیه و تدارکات و مدیریت لجستیکی و مدیریت دارایی‌های ثابت، سیستم‌ها و پروسیجرهایی با مقررات لازم ایجاد خواهد شد.
۲. برای تطبیق این سیستم‌ها دولت حمایت‌های لازم را از شاروالی‌ها به عمل خواهد آورد.
۳. وظایف دولت در قسمت نظارت بر تطبیق
۴. دوره انتقالی و فعالیت‌های مربوطه جهت گذار به سیستم‌های جدید
۵. مجازات در صورت عدم تطبیق، و پاداش و تشویق در صورت تطبیق عالی

اداره امور انکشافی شاروالی‌ها

موضوعات پالیسی

موضوعات عمده به قرار ذیل‌اند:

۱. برنامه‌ریزی انکشافی شاروالی پاسخ‌گوی نیازهای ابراز شده توسط مردم نمی‌باشد.
۲. عدم تکافوی منابع انکشافی برای حمایت از اولویت‌های انکشاف اساسی و تشدید کمبود منابع به علت فساد
۳. از آنجایی که ادارات مرکزی خدمات سکتوری خود را به طور مستقیم ارائه می‌کنند، شاروالی‌ها به طور محدود به مردم جواب‌گو هستند.

مقاصد پالیسی

مقاصد پالیسی قرار ذیل است:

۱. ایجاد یک سیستم اداره انکشاف شاروالی که پاسخ‌گوی احتیاجات و اولویت‌های محلی باشد.
۲. هدایت روند انکشافی و نتایج کار شاروالی جهت تقویت پاسخ‌گویی اداره شاروالی به مردم

سفارشات پالیسی

اهداف پالیسی

۱. پلان‌های انکشافی شاروالی بر اساس روش «از پایین به بالا» به خاطر انعکاس دادن اولویت‌های اجتماع، و «از بالا به پایین» بخاطر انعکاس دادن تصامیم بودجه‌ای طرح خواهد شد.

۲. پلان‌ها و برنامه‌های شاروالی در راستای بازتاب نیازها و اولویت‌های محلی، بر اساس روندهای بودجه سازی و پلان‌گذاری در سطح ولایات و مرکز توحید خواهند شد.

قواعد و مقررات تطبیقی

۱. مقاصد، آرمان‌ها و اهداف انکشافی اجتماعی- اقتصادی ملی انعکاس‌دهنده آرمان‌های ملی است که طی جلسات مشورتی و اشتراکی ابراز شده است.
۲. مجتمع‌ها، سیستم‌ها و پروسیجرهای لازم برای پلان‌گذاری از پایین به بالا که منعکس‌کننده اولویت‌های اجتماع می‌باشد و پلان‌گذاری از بالا به پایین که بیانگر موجودیت منابع می‌باشد، ایجاد خواهند شد.

خدمات شاروالی

موضوعات پالیسی

شاروالی‌ها بالای خدمات اساسی مانند صحت، تعلیم و تربیه، برق، سرک‌ها و غیره کنترل ندارند. این خدمات به طور مستقل از طریق واحدهای دومی و سومی وزارت‌های سکتوری، که شدیداً متمرکز می‌باشند، ارائه می‌گردد و شاروالی فقط بر پیشرفت تطبیق آن نظارت می‌کند. بنابراین شاروالی‌ها خود را در قبال عدم کیفیت این خدمات جواب‌گو نمی‌دانند.

از جانب دیگر، ارائه خدمات شاروالی، مانند تهیه آب و زیربنای کوچک اجتماعی نیز با محدودیت و کمبود منابع و نبود ظرفیت در شاروالی‌ها مواجه می‌باشد. دولت تمایلی در قسمت تفویض برخی از وظایف خدماتی خود به شاروالی‌ها نشان نداده است. اجتماعات محلی در پلان‌گذاری ارائه خدمات، تشخیصی احتیاجات، اولویت‌بندی آنها و برنامه‌های سرمایه‌گذاری دخیل نبوده‌اند.

شاروالی‌ها بر مبنای مسئولیت خود مکلف به ارائه خدمات عامه رفاهی به مردم می‌باشند. هرچند عدم کنترل آنها بر خدمات ارائه شده با مأموریت آنها در تناقض می‌باشد. همزمان با این مشکل، گزاره‌های دیگری نیز وجود دارد که بالای مردم تأثیر مستقیم دارد. از این رو، گزاره‌های عمده پالیسی به قرار ذیل می‌باشند:

- عرضه خدمات شاروالی غیرجوابده، ناکافی و دارای کیفیت پایین می‌باشند.
- پلان‌گذاری و بودجه‌سازی برای خدمات سکتوری در مرکز صورت می‌گیرد، که این امر منجر به عدم مطابقت بین نیازهای مردم و خدمات عرضه شده می‌گردد.

- پلان‌گذاری عرضه خدمات پیوستگی دقیق بین اولویت‌های مردم با طرح برنامه و تمویل آنها ندارد.

مقاصد پالیسی

بر اساس موضوعات متذکره اهداف پالیسی به قرار ذیل می‌باشند:

۱. بهبود کیفیت خدمات عامه در سطح شاروالی
۲. قادر نمودن ادارات شاروالی جهت تقبل مسؤلیت‌های بیشتر برای عرضه خدمات اساسی عامه

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. شاروالی‌ها مسؤلیت عرضه خدمات عامه را، که به بهترین وجه پلان‌گذاری، تهیه و به سطح محل عرضه گردد، به عهده می‌گیرند.
۲. شاروالی‌ها اجازه خواهند داشت که با دیگر نهادهای دولتی، سکتور خصوصی و اجتماعات محلی جهت شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای محلی همکاری نمایند.
۳. شاروالی‌ها اجازه خواهند داشت تا با سایر ادارات دولتی، بخش خصوصی و اجتماعات محلی در راستای دستیابی به توازن اقتصادی، بسیج منابع مورد نیاز و بهبود عرضه خدمات همکاری نمایند.
۴. تفویض صلاحیت عرضه خدمات همراه با تفویض صلاحیت‌های لازم حساب‌دهی، منوط به تعیین معیارهای خدماتی خواهد بود.
۵. ادارات مرکزی منابع لازم را در اختیار شاروالی‌ها قرار خواهند داد که این امر شامل ظرفیت‌سازی برای برنامه‌های پیشرفته می‌شود.
۶. سیستم‌ها و طرز‌العمل‌های لازم جهت هماهنگی بین مرکز و شاروالی و همکاری در عرضه خدمات سکتوری طرح خواهد گردید تا اطمینان حاصل گردد که هیچ‌کس خلاء و یا دوگانگی در امور موجود وجود نخواهد داشت.
۷. مهم‌ترین اصل در عرضه خدمات، بهتر ساختن خدمات است.

قواعد و مقررات تطبیقی

اعلام رسمی جهت تفویض خدمات اساسی ذیل:

۱. خدمات صحتی اساسی، مانند خدمات مراقبت طفل و مادر، تأمین املاح و ویتامین‌ها، جلوگیری از شیوع امراض و غیره؛
۲. اعمار و نگهداری تأسیسات شهری شاروالی، مانند سیستم‌های آبرسانی، برق، سرک‌های مربوط به شاروالی، مراکز تفریحی و پارک‌ها؛
۳. بهداشت محیط؛
۴. حفاظت و اداره منابع طبیعی که در محدوده حوزه شاروالی قرار دارد؛
۵. مدیریت حوادث؛
۶. ارائه رهنمودهای لازم برای دولت، به شمول ارتقای قابلیت و ظرفیت شاروالی‌ها
۷. طرح رهنمودهای ملی و معیاری برای عرضه خدمات در سطح شاروالی
۸. طرح رهنمودهای ملی برای انعقاد قراردادهای فرعی در زمینه خدمات شاروالی

سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی شاروالی

موضوعات پالیسی

در قسمت عرضه خدمات تا کنون شاروالی‌ها نتوانسته‌اند از فرصت‌های تشبثات اقتصادی مستفید گردند. گزاره‌های مهم در این باره عبارت‌اند از:

- قوانین و مقررات فعلی صلاحیت‌های حقوقی برای ایجاد تشبثات اقتصادی را به شاروالی‌ها نداده است.
- تلاش‌های موجود شاروالی‌ها در زمینه به عهده‌گرفتن فعالیت‌های اقتصادی مستقیماً در رقابت با سکتور خصوصی قرار می‌گیرد (مثل هتل‌ها و کلوپ‌های عروسی).
- چنین تلاش‌هایی با هدف ایجاد عواید صورت می‌گیرد، نه عرضه خدمات باکیفیت به مردم.

مقاصد پالیسی

مقاصد پالیسی به قرار ذیل می‌باشد:

۱. ایجاد تشبثات اقتصادی در درون اداره شاروالی؛
۲. رشد تشبثات اقتصادی به مثابه نیروی محرک عرضه خدمات اساسی؛
۳. ایجاد تشبثات اقتصادی به حیث ابزارهای ایجاد منابع و بسیج آنها در سطح محلی.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. شاروالی‌ها صلاحیت اعمال اختیارات حقوقی را که قانوناً به آنها تفویض گردیده است، خواهند داشت.
۲. شاروالی‌ها می‌توانند تشبثات اقتصادی را برای عرضه خدمات اساسی ایجاد نمایند.
۳. سهم‌گیری شاروالی‌ها در تشبثات اقتصادی نباید باعث جلوگیری از اشتراک سکتور خصوصی گردد.
۴. شاروالی در قبال عرضه خدمات توسط تشبثات اقتصادی فیس و سایر هزینه‌های دیگر را از مشتریان دریافت خواهد نمود.
۵. تنظیم تعرفه برای تشبثات اقتصادی به شاروالی‌ها کمک می‌کند تا خدمات خود را از نظر مالی به طور پایدار عرضه کنند.
۶. تعیین نرخ از طریق مشوره‌های سه‌جانبه به شمول مشوره با مردم که پرداخت کنندگان نرخ‌های تعیین شده می‌باشند، صورت خواهد گرفت.

قوانین و مقررات تطبیقی

۱. تهیه سرمایه برای تشبثات اقتصادی شاروالی؛
۲. دسترسی تشبثات اقتصادی به منابع خارجی، به شمول قرضه و سرمایه‌گذاری سکتور خصوصی؛
۳. طرح رهنمود پیرامون پوشش هزینه، سود ناخالص و تنظیم تعرفه؛
۴. طرح قوانین و مقررات مربوط به تفتیش محاسبه و تفتیش عامه قابل تطبیق بر تشبثات اقتصادی شاروالی‌ها؛
۵. راه‌حل‌یابی برای کسر و مازاد سرمایه تشبثات اقتصادی شاروالی.

مدیریت عملکرد

موضوعات پالیسی

ظرفیت جمع‌آوری، پردازش، تجزیه‌ی معلومات و اتخاذ اقدامات لازم یا تصمیم‌گیری در سطوح مرکز ضعیف و در سطح محلی بسیار ضعیف می‌باشد.

از طرف دیگر ایجاد پالیسی و تصمیم‌گیری مستدل و دقیق، مستلزم تعهد و ایجاد فضای مناسب برای نظارت، ارزیابی و گزارش‌دهی می‌باشد.

موضوعات ذیل شناسایی گردیده است:

- چهارچوب قانونی و پالیسی در قسمت مدیریت عملکرد شاروالی وضاحت ندارد.
- ساختار و میکانیزم اداری در قسمت مدیریت همه‌جانبه عملکرد در سطح مرکزی و محلی ایجاد نگردیده است.
- ظرفیت و توانایی برای مدیریت عملکرد در سطح سازمانی و فردی وجود ندارد.

مقاصد پالیسی

مقاصد پالیسی، مطابق با استراتژی دولت در زمینه استفاده از سیستم نظارت و ارزیابی، جهت تحکیم ارتباط بین تصمیم‌گیری، پلان‌گذاری و بودجه‌سازی به قرار ذیل می‌باشد:

۱. تقویت حسابداری ادارات شاروالی به مردم؛
۲. بهبود عملکرد ادارات شاروالی؛
۳. بهبود روندهای پلان‌گذاری و بودجه‌سازی
۴. خلاقیت و بازدهی ادارات و پرسونل شاروالی.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. نهادینه‌سازی سنجش عملکرد شاروالی، با در نظر داشت اهداف انکشافی ملی و محلی؛
۲. سیستم ارزیابی عملکرد شاروالی‌ها شامل پاداش و مجازات خواهد بود.
۳. تصمیم‌گیری شاروالی‌ها در امور پلان‌گذاری، برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری عامه، بودجه‌سازی سالانه، و عرضه خدمات ظرفیت‌سازی بر مبنای مدیریت عملکرد خوب صورت خواهد گرفت.

قواعد و مقررات تطبیقی

۱. تعیین مسئولیت‌های فردی و اداری برای مدیریت عملکرد شاروالی؛
۲. تدوین طرزالعمل برای تعیین اهداف، نشان و مقاصد انکشاف ملی و رهنمودهای لازم برای طرح معیارهای عملکرد شاروالی؛
۳. پروسه‌ها و تعیین زمان برای ارزیابی عملکرد دوره‌ای شاروالی و گزارش عملکرد شاروالی؛
۴. میکانیزم‌های پاداش و مجازات.

بلند بردن ظرفیت و قابلیت شاروالی‌ها

موضوعات پالیسی

شاروالی‌ها دارای ظرفیت و قابلیت لازم برای عرضه خدمات مورد نیاز به شهروندان نمی‌باشند تا از این طریق بتوانند به مکلفیت‌های خود جامه عمل بپوشانند. ضعف در پلان‌گذاری و برنامه‌ریزی سبب گردیده است که شاروالی‌ها نتوانند نیازهای واقعی مردم را به طور درست شناسایی نمایند. شاروالی‌ها دارای ظرفیت لازم برای ایجاد عوایدی که بتوانند نیازهای مردم را برآورده کنند، نیستند. این امر ناشی از بانک معلوماتی ضعیف، نبود تخصص لازم و همکاری کردن مالیات‌دهندگان با شاروالی است. بودجه‌های عادی و انکشافی غیر واقعی، غیر جوابده بوده و متمرکز بر اولویت‌های خدماتی نمی‌باشند. سیستم‌ها و طرزالعمل‌هایی موجود توان ارتقای ظرفیت اداری شاروالی را ندارند.

شاروالی‌ها فاقد دانش، مهارت و نگرش لازم در زمینه بهبود کیفیت خدمات می‌باشند. برای تعداد زیادی از مأمورین و کارمندان محلی فرصت داده نشده است تا قابلیت‌های شان را رشد بدهند. شاروالی‌هایی که از تمویل‌کنندگان کمک دریافت می‌کنند، از این قاعده مستثنی می‌باشند.

- هیچ پایگاه معلوماتی موثقی وجود ندارد که بتواند یک شیوه و راهکار واقعی را برای ارتقای ظرفیت و قابلیت شاروالی‌ها فراهم سازد.
- هیچ برنامه هدفمندی برای ارتقای ظرفیت شاروالی‌ها و کارمندان ملکی آنها در راستای پاسخ‌دهی به اولویت‌ها و ظرفیت‌های لازم و تقویت آنها، وجود ندارد.

- برنامه‌هایی که اکنون در حال تطبیق می‌باشند، عمدتاً توسط تمویل‌کنندگانی انجام می‌شوند که هدف آنها دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت می‌باشد. از این طریق فرصت‌های ظرفیت‌سازی به‌طور پراکنده فراهم می‌گردد که اغلب این فرصت‌ها معطوف به همکاران تخنیکی می‌گردد.
- کارمندان خدمات ملکی شاروالی دارای هماهنگی لازم برای دریافت خدمات ارتقای ظرفیتی بهتر و رشد این ظرفیت‌ها نمی‌باشند.

مقاصد پالیسی

مقاصد پالیسی به قرار ذیل می‌باشد:

۱. حصول اطمینان از این امر که شاروالی‌ها دارای امکانات کافی برای انجام وظایف خود بوده و از این طریق قادر به انجام مسئولیت و مکلفیت شان می‌باشند.
۲. تربیه و جابه‌جایی کارکنان خدمات عامه متعهد و کارفهم در ادارات شاروالی.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. ارائه برنامه‌های انکشاف ظرفیتی هدفمند و نظام‌مند به ادارات شاروالی‌ها
۲. منابع لازم برای ظرفیت‌سازی مستمر و تقویت ادارات شاروالی‌ها از طریق بودجه شاروالی‌ها فراهم خواهد شد.
۳. اصلاحات اداره عامه در سطح ادارات شاروالی‌ها تطبیق خواهد گردید که منجر به تقرر منابع بشری کارفهم و انکشاف و مدیریت سازمانی در شاروالی‌ها خواهد شد.

قواعد و مقررات تطبیقی

۱. مسئولیت‌های انفرادی و اداری جهت ارتقای ظرفیت در سطح شاروالی؛
۲. رهنمودهای لازم در قسمت تخصیص بودجه شاروالی و بودجه ملی برای ایجاد ارتقای ظرفیت ادارات شاروالی؛
۳. مسئولیت‌ها، رهنمودها و طرز‌العمل‌های انفرادی و اداری برای تطبیق اصلاحات اداره عامه در سطح شاروالی‌ها.

ساختارهای اداری و حکومت‌داری و وظایف آنها

ساختارهای حکومت‌داری و تشکیلات اداری فعلی بر اساس احکام قانون بنا شده‌اند، اما نمی‌توانند شاروالی‌ها را قادر به ارائه خدمات کیفی و مؤثر سازند. اداره شاروالی نیاز به مؤثریت، پاسخ‌دهی و حساب‌دهی دارد. خلاءها و تداخل کاری در کارکردها و عرضه خدمات شکل‌دهنده روابط بین ادارات دولتی و ادارات شاروالی‌ها می‌باشد، که منجر به پیچیدگی و ابهام در گزارش‌دهی و نظارت بر کارکرد شاروالی‌ها می‌گردد.

وظایف، نقش‌ها و مسئولیت‌ها و حساب‌دهی ادارات شاروالی مبهم می‌باشد. میکانیزم‌های تطبیق با چارچوب‌های قانونی و پالیسی‌سازی ندارند. صلاحیت‌ها در ادارات شاروالی‌ها از طریق رسمی و نیز به طور فراقانونی اعمال می‌گردد.

اداره شاروالی به صورت کل

موضوعات پالیسی

قانون شاروالی‌ها وظایف محدودی را به شاروالی‌ها داده است که این امر سبب محدودیت دسترسی، محدودیت فضای کاری و عدم مؤثریت کارکرد شاروالی‌ها می‌گردد.

احکام قانونی در زمینه ارائه رهنمودهای لازم برای ایجاد ساختار داخلی شاروالی موفق نبوده است و در نتیجه باعث به وجود آمدن خلاء در وظایف شاروالی می‌گردد. قانون فعلی شاروالی رهنمودهای محدودی را در اختیار شاروالی‌ها قرار داده است. از قبیل نهادهای شاروالی‌ها (مانند شورای شاروالی در رابطه با وظایف، مسئولیت‌ها و صلاحیت‌های آنان). به علاوه، این قانون قادر نیست، به صورت واضح، رهنمودهای لازم را در اختیار مسئولان شاروالی، مانند شاروال و معاون شاروال در رابطه با پیشبرد وظایف مربوطه‌شان، قرار دهد. همچنین این قانون نمی‌تواند حدود صلاحیت‌ها و حساب‌دهی این مقامات را نیز مشخص نماید. کارمندان ملکی شاروالی با ساحت کلی وظایف و مسئولیت‌های شان آشنا نیستند. این کارمندان فاقد خلاقیت و گرایش خدماتی می‌باشند که سبب بهبود خدمات می‌گردد.

ساختار داخلی شاروالی‌ها جواب‌گوی تغییرات انکشافی عرضه خدمات عامه نمی‌باشد. این ساختارها نه بر اساس یک رهنمود واضح و نه بر مبنای قوانین و مقررات استوار می‌باشند، از این رو جواب‌گوی امور عملیاتی و اجرایی نیستند. این ساختارها دارای انعطاف‌پذیری و شیوه‌های کنترولی لازم نیز نمی‌باشند. سیستم‌های اداری و

طرز العمل‌های کنونی قادر به راهنمایی خدمات عامه‌شاروالی به طور پیش‌گیرانه و با قابلیت بازدهی خدمات عامه نمی‌باشند.

- قانون فعلی شاروالی‌ها قادر به تقویت شاروالی‌ها در راستای انجام مأموریت خود نیست و نیز توان تعریف کلی سلسله خدمات را ندارد.
- قانون فعلی شاروالی‌ها قادر به توانا نمودن شاروالی‌ها جهت دستیابی کلی به مأموریت‌شان نبوده و نمی‌تواند به صورت واضح خدمات عمومی را که شاروالی‌ها باید در حوزه مربوطه خود عرضه نمایند، توضیح دهد. این امر شامل شاروالی کابل با در نظر داشت وضعیت خاص آن نیز می‌شود.
- شاروالی‌ها با در نظر داشت سطح موجود شهرنشینی در عرضه خدمات خویش، دارای انعطاف‌پذیری لازم نمی‌باشند.
- وظایف نهادها و مسئولین شاروالی به صورت درست تشریح و توضیح نگردیده است .
- معیار کیفیت و کارکرد برای کارمندان ملکی شاروالی، جهت عرضه خدمات عالی عامه، تعیین نگردیده است.

مقاصد پالیسی

ایجاد یک محیط اداری مساعد جهت دستیابی به موارد آتی:

۱. تشویق شایسته‌سالاری و مسلک‌سالاری در اداره شاروالی و ایجاد یک سیستم اداره مؤثر و کارا؛
۲. تربیه کارمندان ورزید و متعهد خدمات عامه در ادارات شاروالی‌ها.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. چارچوب‌های حقوقی، پالیسی و تنظیمی می‌تواند به شاروالی‌ها در راستای ایجاد ساختارهای مؤثر و نهادی، به شمول ساختارهای ذیل، کمک نماید:
 - ایجاد ساختار سازمانی مؤثر با گرایش به عرضه خدمات و روابط بین شاروالی‌ها؛
 - شرح و بیان وظایف شاروالی و مسئولین شاروالی به شکل واضح؛
 - ایجاد سیستم‌های بررسی کارکرد افراد و اداره و طرح معیارهای کیفیتی؛
 - مدل‌های سازمانی با استندردهای مناسب اداری برای هر صنف شاروالی ایجاد خواهد گردید تا شاروالی‌ها را در طرح ساختار اداری‌شان راهنمایی نمایند.

۲. به شاروالی‌ها صلاحیت‌های لازم، جهت اعمال تمام صلاحیت‌ها در راستای انجام وظایف آنها و انعطاف‌پذیری لازم برای عرضه خدمات مناسب، داده خواهد شد. خدمات اصلی و فرعی شاروالی‌ها مشخص خواهند گردید.
۳. رهنمودهای لازم جهت اتخاذ یک یا چند مدل به شاروالی‌ها ارائه خواهد شد تا در پرتو آن بهترین مدل مربوطه را انتخاب نمایند.

قواعد و مقررات تطبیقی

۱. طرح معیار و پروسه لازم برای انتقال از یک مدل اداری به مدل دیگر
۲. طرح معیارها و رهنمودهای لازم جهت انتخاب و دیزاین بهترین مدل برای اداره شاروالی، با شرط تصویب توسط اداره مستقل ارگان‌های محلی.

شاروال

موضوعات پالیسی

شاروال‌ها مسئولیت رهبری اداره شاروالی و برنامه‌های آن را به عهده دارند. طبق قانون شاروالی‌ها، شاروال‌ها باید از طریق انتخابات تعیین گردند، ولی در حال حاضر آنان از طریق مرکز منصوب می‌شوند. این امر سبب عدم توازن میان ساختارهای سلسله مراتب دولتی، محدودیت‌های سیاسی، قوم‌مداری، فساد و نارکارایی گردیده است. برخی از شاروال‌های انتصابی داری شرایط و کفایت کاری نمی‌باشند که این امر سبب می‌گردد آنها نتوانند اداره شاروالی را به طور مناسب رهبری و هدایت نمایند. علاوه بر آن، تصامیم شاروالی‌ها نیز در هاله‌ای از منافع مختلف [و متضاد] اتخاذ می‌گردد.

موضوعات مهم پالیسی به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. تاحال، شاروال‌ها بر مبنای اصول شایسته‌سالاری منصوب نمی‌شده‌اند.
۲. هیچ مشوق و امتیازی برای مسئولین انتخابی شاروالی وجود ندارد تا آنها تشویق به کارکرد خوب شوند. همچنین آنان در قبال عملکرد ضعیف و یا عدم عملکرد، مورد مجازات قرار نمی‌گیرند.

اهداف پالیسی

اهداف آتی برای موضوعات کنونی شاروالی‌ها پیشنهاد می‌گردد:

۱. بهبود کیفیت رهبری شاروالی،
۲. حصول اطمینان از مشروعیت تقرر شاروال‌ها.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. همان‌طور که در قانون اساسی مشخص شده، انتخابات منظم برای مسئولین انتخابی شاروالی برگزار خواهد گردید.
۲. جهت حصول اطمینان از رهبری و اداره باکیفیت عالی شاروالی، معیارهای اهلیت و توانایی‌های شاروال‌ها مشخص خواهد گردید.
۳. جهت بهبود مدیریت و رهبری مسئولین انتخابی شاروالی، پروگرام‌های ارتقای ظرفیت در امور حکومت‌داری و اداره شاروالی برگزار خواهد گردید.

قواعد و مقررات تطبیقی

۱. قانون انتخابات، قوانین و مقررات مربوط به مسئولین انتخابی شاروالی،
۲. رهنمود دوره خدمت، برکناری و انتخاب دوباره مسئولین شاروالی.

معیارهای اهلیت برای شاروال‌ها

۱. حد اقل ۳۰ سال داشته باشد.
۲. باید شهروند افغانستان باشد.
۳. از اخلاق خوب برخوردار باشد.
۴. باید دارای سند فراغت رسمی از صنف ۱۲ باشد.
۵. دارای تحصیلات عالی و تجربه کافی باشد.
۶. مرتکب جرم نشده باشد.
۷. باید، حد اقل، به مدت ۳ سال در شهری که خود را کاندید پست شاروالی می‌کند، زندگی نموده باشد.

وظایف فرعی شاروال

عرضه خدمات

۱. حصول اطمینان از عرضه خدمات ابتدایی و تهیه تجهیزات کافی، به شمول آن دسته تجهیزاتی که با هماهنگی دولت مرکزی تهیه می‌گردد.
۲. تطبیق پلان‌ها و پروگرام‌ها برای آسایش عمومی شاروالی و ساکنین.
۳. مشوره‌های منظم با مسئولین نواحی و ساکنین نواحی شاروالی جهت ایجاد شرایط صمیمی، مشخص کردن نیازمندی‌هایی که در اولویت قرار دارند، و شناسایی راه‌حل‌های ممکن برای موضوعات انکشافی.

وظایف انتظامی

اجرای وظیفه به مثابه مسئول اجرایی اداره شاروالی

۱. تنفیذ تمام قوانین و مقررات مربوط به حکومت‌داری شاروالی و اعمال صلاحیت‌های حقوقی شاروالی‌ها؛
۲. صدور فرامین اجرایی برای انفاذ و تطبیق قوانین شاروالی در حدود صلاحیت شاروالی؛
۳. حصول اطمینان از جمع‌آوری مالیات و دیگر درآمدهای شاروالی و همچنان حصول اطمینان از اینکه منابع مالی شاروالی مطابق قانون و مقررات جهت پرداخت مخارج و رفع مسئولیت‌های شاروالی به مصرف می‌رسد؛
۴. صدور لایسنس و جوازنامه و تعلیق و ابطال آنها، در صورت تخطی از شرایطی که مطابق با آن صادر می‌گردند؛
۵. حصول اطمینان از اینکه اجازه‌نامه‌های ضروری قبل از ایجاد هرگونه ساخت و ساز اخذ می‌گردد. همچنین ساخت و سازهایی که مطابق با مقررات صورت نمی‌گیرند، با رعایت و در نظرداشت قواعد و رهنمودها تخریب خواهند گردید؛
۶. اتخاذ اقدامات لازم برای حفظ و نگهداری زمین‌های شاروالی و سایر منابع طبیعی مربوط به شاروالی؛
۷. ایجاد زمینه مساعد تجاری، از قبیل ارائه مشوق‌های سرمایه‌گذاری و ساده‌سازی روند اجازه‌نامه‌های تجاری، در راستای تشویق سرمایه‌گذاری، با در نظرداشت اولویت فعالیت‌های اقتصادی در ساحة شاروالی‌ها.

اداره و مدیریت

۱. ارزیابی و کنترل تمام پروگرام‌ها، پروژه‌ها، خدمات و فعالیت‌های اداره شاروالی؛

۲. طرح پالیسی‌ها و رهنمودهای لازم برای ادارهٔ شاروالی و عملیات شاروالی، مسئولیت در مقابل شورای شاروالی، ولایت و دولت جهت تطبیق مؤثر پروگرام‌های انکشافی شاروالی؛
۳. حصول اطمینان از اینکه تمام مسئولین و کارمندان اجرایی شاروالی صادقانه وظایف و مسئولیت‌های خویش را اجرا و در محدودهٔ صلاحیت وظایف و مسئولیت‌های خویش فعالیت می‌نمایند؛
۴. ایجاد یک روش برای تعقیب و پیگیری اداری و قضایی هر مسئول یا کارمند شاروالی که در اجرای وظایف رسمی مرتکب قانون شکنی شود؛
۵. رهبری طرح پلان انکشافی اقتصادی- اجتماعی با کمک شورای شاروالی؛
۶. آغاز و پیشنهاد اقدامات لازم جهت وضع مقرره‌های لازم به مجلس شاروالی و تهیهٔ پارامتر پلان‌گذاری در زمینهٔ عملکرد وظایف مربوطه؛
۷. استخدام تمام مسئولین و کارمندان که معاشات آنها از منابع مالی شاروالی پرداخته می‌شود؛ به استثنای مسئولینی که توسط مقامات بالا یا ادارات مرکزی منصوب می‌شوند.
۸. آغاز و به حد اکثر رسانی میزان عایدات و اداره مالی به شمول استفاده از عایدات جهت تطبیق پلان‌ها و پروگرام‌های انکشافی؛
۹. نمایندگی از شاروالی در عقد معاملات و امضای قراردادها، اسناد حقوقی و ملکیت‌های شاروالی
۱۰. حصول اطمینان از شفافیت و حساب‌دهی در تمام معاملات شاروالیاعم از معاملات داخلی و خارجی؛
۱۱. هماهنگی با دولت و اجتماعات محلی؛
۱۲. ارائهٔ گزارش به والی و نهادهای مرکزی راجع به اداره، انکشاف شاروالی، مدیریت و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شاروالی؛
۱۳. هماهنگی امور تطبیق خدمات سکتوری و تخنیکی که مستقیماً از طرف نهادهای مرکزی در شاروالی تهیه می‌گردد؛
۱۴. حصول اطمینان از تطبیق درست ماسترپلان و پلان انکشافی، اقتصادی و اجتماعی؛
۱۵. نمایندگی از شاروالی در نزد دولت و نهادهای دولتی، برای سوق پلان‌ها، پروگرام‌ها و بودجهٔ تخصیص‌یافته از طرف دولت برای شاروالی، جهت تقویت و برآورده‌سازی اولویت‌های شاروالی؛
۱۶. سهم‌سازی مردم در ادارهٔ شاروالی به شمول تشخیص اولویت‌های شاروالی، تطبیق پلان‌ها و پروگرام‌های شاروالی و ارزیابی و بررسی عملکرد شاروالی؛
۱۷. تشویق مشارکت سکتور خصوصی در انکشاف اقتصاد محلی از طریق سرمایه‌گذاری خصوصی در فعالیت‌های دارای اولویت اقتصادی.

معاون شاروال موضوعات پالیسی

به جز قانون شاروالی که بیان می دارد: «قبول مسئولیت های تفویض شده توسط شاروال»، نکات دیگری در این چوکات قانونی در رابطه با وظایف معاون شاروالی تبیین نگردیده است. همین طور، مسئولیت ها و امور حسابدهی معاون شاروال واضح نیست.

بنا به دلایل متعدد، معاون شاروال قادر به داشتن سهم کلی و نقش مفید در امور شاروالی نمی باشد؛ از جمله:

- وظایف، نقش و امور حسابدهی معاون شاروالی که ارتباط به شاروال و دیگر نهادهای شاروالی یا مسئولین مربوطه می گیرد، واضح نیست.
- ارزش اداری معاون شاروالی در سلسله مراتب اداره قابل شناخت نیست.
- کارآیی و توانایی ها در رهبری شاروالی، به صورت عموم، در سطح پایین قرار دارد.

مقاصد پالیسی

مقاصد پالیسی قرار ذیل است:

۱. حصول اطمینان از این که شاروالی ها دارای سلسله مراتب و اوامر منظم می باشد.
۲. بهبود کیفیت رهبری شاروالی

طرح های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. شاروال می تواند یک معاون برای شاروالی انتخاب نماید. همچنین، شاروال می تواند یک نفر را که به نظر وی دارای شرایط لازم است، به حیث معاون شاروالی انتخاب نماید. همچنین، شاروال می تواند یکی از کارمندان ارشد شاروالی را به حیث معاون شاروالی انتخاب نماید.
۲. وظایف و کیفیت کاری معاونین شاروالی، به صورت واضح، تعریف خواهد گردید تا امور حسابدهی و جریان صلاحیت در سطح رهبری شاروالی مشخص شود.
۳. برنامه های ارتقای ظرفیت برای مسئولین شاروالی، جهت بهبود کیفیت رهبری و مدیریت شاروالی، دایر خواهد گردید.

قواعد و مقررات تطبیقی

وظایف فرعی معاون شاروالی

۱. جهت حصول اطمینان از تصویب مقرره‌ها و تهیه چارچوب قانونی برای حکومت‌داری خوب شاروالی، معاون شاروالی به حیث رابط اساسی بین حکومت‌داری شاروالی و مجلس شاروالی، فعالیت خواهد نمود.
۲. معاون شاروالی به حیث دومین مقام در سطح اداره شاروالی، امور اجرایی را به نمایندگی از شاروال یا در غیاب شاروال و بر اساس تفویض صلاحیت، رهبری می‌کند.
۳. معاون شاروال وظایف دیگری را نیز در صورتی که از طرف شاروال مطابق به قوانین مربوطه به وی تفویض گردد، اجرا می‌کند.

تعیینات کارمندان و مسئولان انتصابی شاروالی

موضوعات پالیسی

نقش تعداد زیادی از مسئولین و کارمندان شاروالی، با در نظر داشت رسالت و هدف شاروالی و وظایف مربوطه‌شان، مبهم است. آنان وظایف خود را بر اساس تصورات خویش، نه بر اساس لایحه وظایف، اجرا می‌کنند. لایحه وظایف توانایی رهنمایی کارمندان شاروالی را در انجام وظایف شان ندارد.

تعداد زیادی از کارمندان خدمات عامه فاقد اهلیت کاری بوده و توانایی کاری‌شان در سطح پایین قرار دارد. معاش این کارمندان کم است و افرادی که دارای کارکرد مناسب نمی‌باشند، به نحوی در اداره باقی می‌مانند.

ساختار اداری موجود شاروالی با اشکال اداری معیاری، مانند نامگذاری، صنف بندی موقوف های اداری، ساختار معاش و غیره سازگار نمی‌باشد.

کیفیت پایین کار شاروالی سبب ممانعت از عرضه خدمات شاروالی گردیده که این امر ناشی از موضوعات مختلفی می‌باشد:

- شکل اداری معیاری و هیچ نوع سیستم اداره منابع بشری وجود ندارد.
- انتخاب، استخدام و ترفیع بر اساس شایستگی نیست.
- روش‌های تشویقی و جزایی جهت رهنمایی کارکرد کارمندان وجود ندارد.
- در حال حاضر مشکلاتی مانند عدم تعهد، روحیه پایین کاری، قابلیت تولیدی پایین و فساد اداری وجود دارد.

مقاصد پالیسی

موارد آتی مقاصد پالیسی شاروالی‌ها بوده که از طریق آنها تلاش می‌شود تا به موضوعات آتی رسیدگی شود:

۱. تقویت توانایی‌های کارمندان شاروالی‌ها؛
۲. تربیه کارمندان خدمات ملکی متعهد و مسلکی در شاروالی‌ها.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

شرح پالیسی

اداره و انکشاف منابع بشری روی موارد ذیل تأکید می‌کند:

۱. رهنمایی مدیریت و اداره مبتنی بر اصل شایسته‌سالاری،
۲. تهیه اصول رفتاری برای مسئولین و پرسونل شاروالی،
۳. تعیین پاداش و مجازات برای عملکرد نمونه و عدم عملکرد،
۴. فراهم آوری مشارکت حوز مربوطه در تطبیق این سیستم.

قواعد و مقررات تطبیقی

۱. رهنمودهای استخدام و انتصاب بر اساس اصل شایسته‌سالاری؛
۲. سیستم‌های اداره منابع بشری بر اساس کارکرد، به شمول پاداش و مجازات؛
۳. صنف‌بندی بست‌ها و نام‌گذاری معیاری؛
۴. بیمه و جبران خسارت به شکل استندرد؛
۵. برنامه ارتقای ظرفیت.

شوراهای شاروالی

موضوع پالیسی

اگرچه قانون اساسی، در مورد ساختار شورای شاروالی، چنین اشاره کرده است: «تنظیم فعالیت‌هایی که مردم در آن سهیم‌اند و فرصت‌دهی برای سهم‌گیری فعال مردم در امور شاروالی‌ها»؛ اما هنوز شورای شاروالی به شکل رسمی ایجاد نگردیده است. اعضای شورای شاروالی به مدت سه سال انتخاب می‌گردند.

تطبیق قوانین مربوط به تشکیل شوراهای شاروالی و تفویض صلاحیت‌ها و مسئولیت‌های مربوطه به آنشوراها، و در عین حال طرح میکانیزم مالی مناسب برای شاروالی تا سال ۱۳۸۹ هجری خورشیدی (۲۰ اکتوبر ۲۰۱۰ میلادی) و تدویر انتخابات شوراهای شاروالی در همین سال،

در قانون شاروالی‌ها وظایف شوراهای شاروالی به طور غیر منسجم بیان گردیده است:

- تأیید بودجه و چارت تشکیل اداری شاروالی،
- استفاده از ذخیره مالی شاروالی در موارد عاجل،
- تقاضای افزایش بودجه شاروالی از وزارت مالیه.

این موضوعات جهت تعیین نقش و وظایف شاروالی ناکافی می‌باشد، اما موضوع اساسی این است که یک اساس قانونی برای ایجاد، ترکیب، وظایف و روابط داخلی شورای شاروالی وجود ندارد.

مقصد پالیسی

مقصد پالیسی ایجاد اساسات لازم برای تشکیل و فعال‌سازی اجلاس شاروالی می‌باشد.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. قانون انتخابات شاروالی‌ها در سال ۱۳۸۹ انفاذ و در همان سال انتخابات شاروالی‌ها نیز برگزار خواهد شد.
۲. در این قانون، قواعد و مقررات تطبیقی آن، وظایف، ترکیب، و روابط شورای شاروالی تبیین خواهد شد.
۳. ظرفیت کاری شورای شاروالی بلند برده خواهد شد تا وظایف و مسئولیت‌های خود را عملی نمایند.

قواعد و مقررات تطبیقی

وظایف شورای شاروالی:

۱. وضع اساسنامه‌های شاروالی، مانند اوامری که قوانین عامه را تقویت نمایند؛
۲. وضع مقرره‌های شاروالی در مورد بودجه‌های سالانه، به شمول ایجاد و تعیین قیمت مالیات شاروالی، فیس‌ها و دیگر هزینه‌های مربوط به شاروالی؛
۳. نمایندگی از نفوس تحت ساحت شاروالی برای انعکاس نیازمندی‌های عامه در اولویت‌های شاروالی از طریق فراهم‌سازی اشتراک و سهم‌گیری مردم در اداره شاروالی
۴. تفتیش و ارزیابی اداره شاروالی و حصول اطمینان از حساب‌دهی و اجرای بودجه؛
۵. همکاری در تشخیص اهداف و مقاصد انکشافی، شناسایی اولویت‌های انکشافی و تشخیص و تطبیق تدابیر، جهت بهبود، مؤثریت و جواب‌گویی عرضه خدمات شاروالی؛
۶. تفتیش و ارزیابی در مورد تطبیق پلان و پروگرام‌های شاروالی مطابق با اهداف و مقاصد انکشافی؛
۷. برگزاری نشست‌های مشورتی بین مردم تحت ساحت شاروالی، شاروال و دیگر مسئولین شاروالی؛
۸. فراهم‌آوری فرصت‌های ابراز نظر برای مردم جهت بهبود شفافیت و حساب‌دهی، و همچنین تقویة دسترسی مردم به شاروالی؛
۹. تأیید اساسنامه‌ها و مقرره‌های شاروالی؛
۱۰. تأیید پلان شاروالی؛
۱۱. تأیید بودجه سالانه شاروالی؛
۱۲. تأیید انواع تکس، فیس، عوارض و کرایه اموال شاروالی و نرخ آنها؛
۱۳. مشوره با مردم در راستای شناسایی نیازها و اولویت‌های آنان و ترغیب مسئولان اداره شاروالی جهت اتخاذ اقدامات لازم در راستای رفع مشکلات و نیازهای مردم؛
۱۴. انجام مشوره منظم با نهادهای جامعه مدنی و مردم؛
۱۵. تدویر جلسات عامه و استماع نظریات مردم در مورد موضوعات و علایق مهم‌شان؛
۱۶. حساب‌ده ساختن اداره شاروالی در قبال اجراء آن؛
۱۷. نظارت و ارزیابی عملکرد اداره شاروالی؛
۱۸. نظارت بر سیستم نتیجه‌گیری شاروالی از طریق نظارت و ارزیابی اداره شاروالی؛
۱۹. نظارت و ارزیابی اجرای بودجه شاروالی؛
۲۰. نظارت بر تطبیق استندها و حداقل معیارهای خدماتی؛
۲۱. حصول اطمینان از خدمات‌رسانی شاروالی به زنان، اطفال، اقشار آسیب‌پذیر، اقشار منزوی و محروم، اقشار فقیر، اشخاص دارای معلولیت، سالمندان و یتیمان؛
۲۲. نظارت و ارزیابی اجراء دفاتر ناحیه‌های شاروالی
۲۳. تسهیل روند پلان‌گذاری و بودجه‌سازی شاروالی؛

۲۴. انجام وظیفه به مثابه پل مشورتی و گفت‌وگو بین باشندگان شهر و اداره شاروالی؛
۲۵. پیشنهاد مجازات کارمندان شاروالی به شاروال در قبال عدم متابعت از قوانین شاروالی و عدم انجام وظایف‌شان.

مجلس اداری شاروالی موضوعات پالیسی

مجلس اداری شاروالی متشکل از شاروال، معاون شاروال و مدیران شعبات شاروالی می‌باشد. در قانون شاروالی‌ها برخی از مسئولیت‌های مجلس اداری شاروالی تعیین گردیده، که به ترتیب، عبارت‌اند از:

۱. تأیید چارت تشکیلاتی و بودجه شاروالی، قبل از تسلیم آن به وزارت مالیه؛
۲. تصویب استفاده از پس‌انداز مالی شاروالی؛
۳. تصویب درخواست افزایش بودجه از طرف دولت.

در چارچوب قانونی، رهنمودهای بسیار محدودی در رابطه با وظایف و کارکرد این مجلس آمده است. از مندرجات این چارچوب چنین استنباط می‌گردد که این مجالس به مثابه بوردها یا کمیته‌های اجرایی ایفای وظیفه خواهند نمود.

موارد زیر برخی از موضوعات پالیسی می‌باشد:

- ماهیت وظایف مجلس اداری شاروالی به شکل کامل تعریف نگردیده است.
- در اکثر قضایا، اجلاس توانایی آن را ندارد که حتی معلومات انکشافات اقتصادی - اجتماعی را به میزان کم فراهم بسازد و فعالیت‌های مؤثر و خدمات عامه را بهبود بخشد. مباحثات داخل مجلس بیشتر بالای موضوعات اداری متمرکز است.
- تصامیم مجلس اداری عاری از علایق شخصی و سیاسی نیست.

مقاصد پالیسی

ایجاد یک سیستم اداری پالیسی‌ساز، مؤثر و دوامدار شاروالی که بتواند رهنمودهای انکشافی و عملیاتی درازمدت را ایجاد نماید.

طرح پیشنهادی پالیسی

وظایف پالیسی

۱. موجودیت مجلس اداری شاروالی باید در مطابقت با ایجاد شورای شاروالی باشد.
۲. مجلس اداری شاروالی به شورای شاروالی حساب‌ده می‌باشد.
۳. وظایف مجلس اداری شاروالی به شکل واضح تعریف خواهد شد. این وظایف بر اساس سایر وظایف اداره شاروالی تعیین خواهند گردید.
۴. به مجلس اداری شاروالی باید صلاحیت کافی داده شود تا بتواند به یک ساختار انکشافی مؤثر برای شاروالی تبدیل گردد.

وظایف مجلس اداری شاروالی

۱. ایجاد هماهنگی فعالیت‌های ریاست‌های مختلف شاروالی؛
۲. تهیه پلان‌ها و برنامه‌های شاروالی، به شمول برنامه‌ها و پلان‌های اقتصادی-اجتماعی، پلان‌های سرمایه‌گذاری سالانه و دستیابی به توافق کلی در زمینه پلان‌های مذکور قبل از تسلیم آنها به شورای شاروالی؛
۳. تهیه بودجه سالانه شاروالی و تقدیم به شورای شاروالی برای تأیید و پیگیری اجرای بودجه؛
۴. بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل مربوط به تطبیق پلان‌ها و برنامه‌های شاروالی و چاره‌جویی برای موضوعات برشمرده شده فوق و اطمینان یافتن از حصول نتایج پیش‌بینی شده؛
۵. بحث و تأیید اقدامات پیشنهادی مدیریتی در چارچوب صلاحیت‌های داده شده توسط دولت در اموری از قبیل تعیینات، استخدام، ترفیع، تعزیر، آموزش‌ها، تهیه و تدارکات، انتقالات مالی، استقرار سیستم‌ها و طرز‌العمل‌ها و سایر امور مدیریتی، قبل از تطبیق آنها؛
۶. پیشنهاد مسوده اساسنامه و مقرره‌های شاروالی به شورای شاروالی جهت اتخاذ تصامیم مقتضی در مورد آنها؛
۷. پیشنهاد موضوعات لازم برای تصمیم‌گیری به شورای شاروالی، در صورتی که این شوراها در امور فوق تصمیم گیرنده نهایی باشند.

قواعد و مقررات تطبیقی

وظایف مجلس اداری شاروالی از قرار ذیل می‌باشد:

۱. ارزیابی پلان ها و برنامه‌های پیشنهادی شاروالی جهت حصول اطمینان از پیوستگی، اولویت بندی و مطابقت با اهداف و مقاصد عمده شاروالی؛
۲. ارزیابی و تصویب پلان‌های انکشافی اقتصادی- اجتماعی، پلان‌های سرمایه‌گذاری سالانه و بودجه‌های سالانه شاروالی به شمول استفاده از پس‌انداز و انتقال مالی بین ادارات دولتی؛
۳. نظارت بر تطبیق پلان‌ها و برنامه‌های شاروالی مطابق با اهداف و مقاصد تصویب شده و سنجش تأثیرات پروگرام‌ها؛
۴. تأیید عملکردهای مرتبط با اداره شاروالی، مانند استخدام‌ها، انتصاب‌ها، ترفیع، مجازات، ترمینگ‌ها و غیره. خریداری، معاملات مالی، نصب سیستم‌ها و طرزالعمل‌ها و دیگر عملکردهای اداری؛
۵. تصویب پالیسی‌ها، قوانین و مقرراتی که اداره و عملیات شاروالی را رهنمایی می‌نمایند.

نواحی شاروالی موضوعات پالیسی

نواحی شاروالی در سلسله‌مراتب حاکمیت در سطح پایین‌تری قرار دارند، بنابراین نقش بسیار مهمی در انکشاف اجتماعی و نزدیک‌ساختن مردم به دولت دارند. قانون شاروالی‌ها برای نواحی شاروالی و خود شاروالی عین لایحه وظایف را تعیین و تبیین کرده است.

شاروالی‌های انکشاف‌یافته دارای دفاتری در نواحی مربوطه هستند که مجهز به کارمندی با وظایف مشخص می‌باشند، در حالی که در شاروالی‌های کوچک‌تر چنین چیزی وجود ندارد. بیشتر دفاتر نواحی شاروالی دارای بودجه می‌باشند، هرچند که این بودجه برای امور عادی آنها کافی نیست. این در حالی است که بعضی از نواحی شاروالی کاملاً فاقد بودجه هستند. بیشتر نواحی توسط سکتور خصوصی، مثلاً از طریق کمک‌های مالی و تجهیزات جزیی حمایت می‌شوند. در بسیاری از موارد حتی تجهیزات دفتری به طور فیزیکی در اختیار آنها قرار داده می‌شود.

نواحی شاروالی عموماً به مثابه بازوهای نظارتی شاروالی‌ها عمل می‌نمایند که دارای وظایف ذیل‌اند: جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیرقانونی، جمع‌آوری کثافات، کنترل نرخ‌ها، مدیریت رویدادهای امنیتی و دریافت شکایات و درخواستی‌های مردم. ایفای وظیفه به مثابه نماینده مردم جهت بیان دیدگاه‌های مردم به مقامات شاروالی و حل و فصل دعوای کوچک و غیره. در بعضی از موارد، نواحی مالیات صفایی را جمع‌آوری می‌کنند؛ اما این عواید از جمع عواید نواحی شاروالی شمرده نمی‌شود و هیچ سهمی از این عواید به نواحی نمی‌رسد.

نواحی شاروالی از نظر پالیسی با برخی مشکلات مواجه می‌باشند:

۱. بین وظایف شاروالی و نواحی تفکیک وجود ندارد و نواحی عین وظایف شاروالی را اجرا می کنند.
۲. از نواحی انتظار می رود خدمات شاروالی را برای مردم ناحیه بدون حمایه بودجوی یا منبع دیگر فراهم کند.
۳. مسئولیت ها و حساب دهی های نواحی در برابر شاروالی وضاحت ندارد.
۴. هیچ نوع برنامه ارتقای ظرفیت برای اداره بهبود حکومت داری و شایستگی اداره و کارمندان نواحی شاروالی مد نظر گرفته نشده است.

اهداف پالیسی

اهداف پالیسی عبارت اند از:

- ایجاد ساختار و اداره مؤثر، جواب گو و اشتراکی حکومت داری شاروالی در سطح اجتماع؛
- تقویت ارتباطات و همکاری بین شاروالی و مردم.

طرح های پیشنهادی پالیسی

هدف پالیسی

۱. نواحی شاروالی به حیث یک ساختار حکومت داری به رسمیت شناخته شود.
۲. وظایف شان از وظایف شاروالی تفکیک شود.
۳. منابع لازم در اختیار نواحی جهت اجرای وظایف محوله شان قرار داده شود.

قوانین و مقررات تطبیقی

برای نواحی شاروالی وظایف ذیل پیشنهاد می گردد:

۱. کمک به شاروالی در عرصه های اعمار، حفظ و مراقبت زیربنای اساسی عامه، مانند شبکه آب رسانی، سرک ها، فاضلاب، آبیاری، مسکن، تشناب های عامه، رستوران ها، مسافرخانه ها، کمربندهای سبز و غیره؛
۲. کمک به شاروالی در اراییه خدمات اجتماعی - اقتصادی، مانند معیشت، نظافت، حفاظت محیط زیست، امنیت، خدمات اساسی صحی، از قبیل وقایه امراض و حمایه طفل و مادر، برنامه های سوادآموزی و غیره؛

۳. کمک به شاروالی در تطبیق مقرره‌های شاروالی به منظور جلوگیری از احتکار، تخریب ساختمان‌های غیرقانونی و ناامن و صدور جواز برای تجار و اهل کسبه؛
۴. کمک به شاروالی در راستای انجام سروی‌های احصائیه‌ای، ثبت نفوس و سرشماری‌ها؛
۵. ترغیب مشارکت مردم و سکتور خصوصی در امور شاروالی‌ها از طریق انجام مشوره‌ها و گفتگوها؛
۶. رسیدگی به شکایات، درخواستی‌ها و منازعات مردم.

چارچوب مالی و محاسباتی

ایجاد چشمه‌های عایداتی برای شاروالی‌ها

موضوعات پالیسی

یکی از موضوعاتی که شاروالی را از دیگر ارگان‌های محلی متمایز می‌سازد، صلاحیت ایجاد چشمه‌های عایداتی برای خود شاروالی است، ولی حتی همین صلاحیت هم شدیداً، به خاطر عدم وضاحت در مورد میزان آن، محدود است. تعیین نرخ واقعی فیس‌هایی که شاروالی‌ها باید آنها را جمع‌آوری کنند، توسط وزارت مالیه، بدون نظرداشت شرایط عینی محلی به‌خصوص توانمندی مردم برای پرداخت آنها، در مرکز صورت می‌گیرد. در عین حال، هیچ نوع رهنمود واضح در مورد استفاده از منابع عواید وجود ندارد. در ضمن، مشخص نیست که کدام مقام ذی‌صلاح باید پیشنهادات شاروالی برای جمع‌آوری تکس و فیس را، که معمولاً بخشی از بودجه پیشنهادی سالانه شاروالی را تشکیل می‌دهد، منظور کند. بعضی اوقات حکم والی برای این امر کفایت می‌کند؛ اما بعضی اوقات مجلس اداری ولایت نیز در آن شامل می‌شود. به دلیل نبود معلومات کافی و عدم علاقه‌مندی ناشی از آن، منابع عایداتی شاروالی دارای بازده پایین بوده و از جانب دیگر ظرفیت اداره شاروالی در بخش جمع‌آوری عواید نیز بسیار کم است.

بنابراین، مسایلی که دارای تأثیرات منفی بالای ایجاد چشمه‌های عایداتی شاروالی می‌باشند، عبارت‌اند از:

۱. شاروالی‌ها از خودمختاری و صلاحیت کافی برای جمع‌آوری عواید محلی برخوردار نیستند.
۲. در حال حاضر تعداد زیادی از شاروالی‌ها هنوز هم متکی به منابع ناپایدار عایداتی هستند و حتی هزینه عادی شان را نیز از چنین منابعی تمویل می‌کنند؛ مثل فروش زمین یا ملکیت‌های دیگر شاروالی،
۳. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، شاروالی‌ها تا حالا نتوانسته‌اند از تشبثات اقتصادی محلی به حیث چشمه‌های عایداتی و بسیج منابع شان استفاده نمایند.
۴. تکس اماکن، که یک منبع بزرگ، پایدار و قابل پیش‌بینی در شاروالی‌ها می‌باشد، هنوز قانوناً به رسمیت شناخته نشده و اگر شده، استفاده از آن با موانع جدی مواجه می‌باشد، مثل مرزبندی غیر واضح ملکیت‌ها و مالکیت، شیوه‌های ضعیف ارزیابی، و کمبود کارشناسان مجرب برای امور ملکیتی.

۵. به صورت عموم، در قسمت تشخیص و ثبت منابع عایداتی، توسعهٔ ساحهٔ جمع‌آوری تحت پوشش، افزایش کارایی و تنظیم باقی‌داری‌ها به طور محسوس کمبود ظرفیت وجود دارد.
۶. مالیات‌های ناچیز دیگری نیز وجود دارد که جمع‌آوری آنها به صورت ضعیف صورت گرفته و حتی نمی‌تواند هزینهٔ جمع‌آوری را تأمین نمایند.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. تهیهٔ منبع مالی ثابت که شاروالی‌ها را قادر سازد وظایف خود را به نحو احسن انجام دهند، رفاه کارمندان خویش را تأمین نموده و نیز خدمات عامه را گسترش و بهبود بخشند.
۲. منع جمع‌آوری عواید غیر قانونی یا عوایدی که سبب تحت فشار قراردادن اقتصادی اجتماعات محلی و سبب ایجاد مشکلات در مقابل طرح‌های ابتکاری بخش خصوصی می‌شود.
۳. حصول اطمینان از این امر که عواید شاروالی به گونه‌ای شفاف و حساب‌ده مدیریت می‌شوند.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. تکس اماکن به حیث منبع عایداتی شاروالی به رسمیت شناخته خواهد شد.
۲. به شاروالی‌ها صلاحیت داده خواهد شد تا مقدار فیس را با در نظرداشت مقررات حکومت مرکزی و با توجهٔ خاص به وضعیت اقتصادی محلی، توانمندی، ظرفیت و علاقمندی مردم محل برای پرداخت آن تعیین نمایند.
۳. از ساختارهای پیشرفته برای جمع‌آوری مالیات، فیس و اجرت شاروالی با در نظرداشت تأثیرات اجتماعی-اقتصادی چنین ساختارهایی استفاده به عمل خواهد آمد.
۴. شاروالی‌ها صلاحیت تولید و استفاده از عواید و منابع عایداتی شان را تحت شرایط قانونی پیدا خواهند کرد.
۵. تأسیسات و تشبثات اقتصادی محلی که توسط شاروالی ایجاد شده‌اند، به حیث چشمهٔ عایداتی شاروالی به طور رسمی مورد پذیرش قرار خواهند گرفت.
۶. استفاده از چشمه‌های جدید عایداتی و تعیین نرخ آن فقط بعد از مشورهٔ کافی با کسانی که پرداخت‌کنندهٔ این عواید هستند، عملی می‌باشد.
۷. شاروالی‌ها سیستم عایداتی و گزارش‌دهی خود را طوری تنظیم خواهند نمود که بتوانند در مقابل شهروندان و مقامات ذی‌صلاح جواب‌گویی باشند.

۸. در صورت جمع‌آوری عواید غیر قانونی یا تخلف از قوانین و مقررات نافذ در شاروالی، به شمول اداره و گزارش‌دهی از عواید، متخلفین مورد مجازات قرار خواهند گرفت.

قوانین و مقررات تطبیقی

۱. طرح رهنمودهایی برای تطبیق قانون تکس اماکن، به شمول قیمت‌گذاری ملکیت و نرخ تکس؛
۲. مسئولیت‌های نهادی و انفرادی برای تطبیق قانون تکس اماکن در سطح ملی، ولایتی و شاروالی؛
۳. طرح معیارهای کیفیت کار ارزیابان شاروالی؛
۴. طرح رهنمودها و روندهای لازم برای قیمت‌گذاری و استفاده از منابع عایداتی؛
۵. ایجاد سیستم اداره و گزارش‌دهی از عایدات شاروالی؛
۶. مجازات کسانی که مالیات را به صورت غیر قانونی جمع‌آوری یا از قوانین نافذ در مورد عواید شاروالی تخلف و سرپیچی نموده اند.

بودجه‌سازی شاروالی و پلان‌گذاری برای سرمایه‌گذاری عامه

موضوعات پالیسی

مشخصه دیگری که شاروالی‌ها را از سایر ادارات متمایز می‌سازد، از صلاحیت فورموله‌سازی بودجه شاروالی‌هاست. این امر خود نقطه قوتی برای شاروالی‌هاست که نمایانگر توانایی این ادارات برای جواب‌دهی به نیازهای محلی می‌باشد. برای این صلاحیت، از طرق مختلف مانع‌تراشی می‌گردد، که نمونه‌هایی از آن به قرار ذیل است:

۱. پروسه بودجه‌سازی شاروالی‌ها در معرض بررسی نظارت‌های متعدد قرار دارد، مانند مقام ولایت، ریاست مستقل ارگان‌های محل و وزارت مالیه. در سطح ولایت، شاروالی ولایت بر شاروالی‌های ولسوالی نظارت می‌کند.
۲. بودجه‌های سرمایه‌گذاری نیز عمیقاً کنترل می‌شود، به گونه‌ای که شاروالی لیست پروژه‌ها را، برای منظوری یا رد، به وزارتخانه‌ها، و جهت تمویل، به وزارت مالیه می‌سپارد که آنها با نادیده‌گرفتن آگاهی شاروالی در مورد نیازمندی‌ها و اولویت‌های محلی تصمیم می‌گیرند.
۳. فرمت استندرد بودجه جایی برای تشریح و استدلال در مورد اقلام مندرج ندارد که بدین ترتیب منظوری یا رد بودجه به شکل کورکورانه صورت می‌گیرد و اکثراً ملاحظه‌کننده، با درنظرداشت وضعیت ارقام سال گذشته، در مورد آن قضاوت می‌کند.
۴. پروسه بودجه‌سازی انعطاف‌ناپذیر است و اگر از قبل در بودجه درج و منظور نشده باشد، هیچ مجالی را برای شاروالی‌ها، جهت رسیدگی به نیازمندی‌های عاجل و آنی، باقی نمی‌گذارد.

۵. هیچ نوع میکانیزمی برای سرمایه‌گذاری‌های کلان و چندین‌ساله وجود ندارد که این موضوع شاروالی‌ها را در وضعیت دشواری قرار داده و نمی‌توانند سرمایه‌گذاری‌های چندین ساله را تعهد نمایند؛ در حالی که برای زیربناهای شهری، مانند سرک، آب‌رسانی و حفظ محیط زیست این یک امر معمول است.

اهداف پالیسی

اهداف پالیسی عبارت اند از:

۱. تقویت رابطه بین پلان‌های شاروالی و بودجه شاروالی؛
۲. تبدیل بودجه شاروالی به یک ابزار مهم برای تطبیق اصلاحات اداره عامه در سطح شاروالی‌ها، به خصوص حساب‌دهی ادارات شاروالی‌ها به مردم؛
۳. بهبود قابلیت ادارات شاروالی برای پاسخ‌گویی به نیازمندی‌ها و اولویت‌های محلی از طریق توسعه عرضه خدمات عامه.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. ساده‌سازی بودجه‌سازی شاروالی برای برطرف کردن مداخلات غیر ضروری در روند طرح، بازنگری و منظوری بودجه است.
۲. برای نیل به هدف فوق، سیستم بهتر بودجه‌سازی توسط مقامات ذیصلاح حکومت مرکزی طرح و توصیه خواهد شد.
۳. سیستم بودجه‌سازی به شیوه مشورتی از پایین به بالا با در نظر داشت تشخیص و جمع‌بندی نیازمندی‌ها و اولویت‌های محلی پیش خواهد رفت.
۴. بودجه‌های شاروالی باید بر مبنای پلان‌های طویل‌مدت ساخته شود؛ مانند ماسترپلان‌های موجود یا برنامه‌های میان‌مدت سرمایه‌گذاری‌های کلان.
۵. بودجه‌های شاروالی باید در داخل خود دارای انعطاف‌پذیر باشد تا بتواند در طول سال بودجوی به نیازمندی‌های عاجل و آنی پاسخ بدهد.
۶. برنامه‌ها و پروژه‌هایی که از جمله سرمایه‌گذاری‌های کلان هستند باید از نظر مالی، تخنیکی، نهادی و امکانات محیطی مورد مطالعه قرار گرفته و عیار شوند.
۷. شاروالی‌ها باید به سیستم گزارش اجرای بودجه پایبندی داشته باشند.

مقررات و قوانین تطبیقی

- سیستم، طرزالعمل‌ها و فارمت‌های تجدید شده بودجوی به شمول تفکیک مسئولیت‌های انفرادی برای ساختن، بازنگری و منظوری بودجه؛
- پروسه‌ها، طرزالعمل‌ها، ضرب‌الاجل‌ها، و مسئولیت‌های انفرادی و نهادی برای نظارت و ارزیابی و گزارش اجرای بودجه؛
- پروسه‌ها، طرزالعمل‌ها و اسناد مستند در قسمت مشوره از پایین به بالا در هنگام بودجه‌سازی؛
- فعالیت‌ها، ضرب‌الاجل‌ها و مسئولیت‌های انفرادی و نهادی برای انتقال شاروالی‌ها به داخل سیستم جدید بودجوی؛
- رهنمودهایی برای به راه‌انداختن مطالعات برای عملی‌ساختن پیشنهادات شاروالی در سرمایه‌گذاری‌های بزرگ؛
- تعیین مجازات بر تخطی از معیارات، طرزالعمل‌ها و ضرب‌الاجل‌های بودجوی.

ارتباطات مالی بین ادارات دولتی و دسترسی شاروالی‌ها به منابع خارجی موضوعات پالیسی

در سیستم مالی عامه فعلی، مصارف شاروالی‌ها محدود به عایدات‌شان است. تخمین زده شده است که شاروالی‌ها بیش از ربع نفوس را تحت پوشش خویش دارند که این رقم در سال‌های اخیر حتی بیشتر شده است، زیرا تعداد بیشتری از مردم متقاضی امنیت و حفاظت هستند. بدون شک، این موضوع بار سنگینی را بر قابلیت‌های عرضه خدمات شاروالی و همچنان بر توانمندی شاروالی‌ها برای کنترل ساخت مسکن و استفاده از زمین بر جای گذاشته است.

در عین حال هیچ نوع رهنمود واضحی وجود ندارد تا با استفاده از آن شاروالی به منابع خارجی دسترسی پیدا کرده و جهت رفع نیازمندی‌های خود و شهروندان از آنها استفاده کند. در چنین وضعیتی، بعضی از شاروالی‌ها از طریق اضافه مصرف یا اخذ قرضه از سکتور خصوصی به چاره‌جویی مشکلات می‌پردازند. این حالت منجر به تقسیم غیرعادلانه منابع و به وجود آمدن مشکلات جدی در تخصیص منابع مالی از مرکز به سطح ولایات گردیده است. در رابطه به بسیج منابع خارجی، مسایل ذیل شناسایی گردیده است:

۱. در حالی که در قانون مدیریت مصارف و مالی عامه چنین آمده است که: «در صورت ضرورت موجه، شاروالی‌ها می‌توانند از دولت کمک اخذ نمایند»، اما انتقال پول از مرکز به شاروالی‌ها به - استثنای شاروالی کابل - هیچگاه صورت نگرفته است.

۲. همچنان هیچ قرضه ای به شاروالی ها منظور نگردیده است، هرچند این موضوع در همین قانون درج شده است.
۳. همان طور که بعداً نیز بحث خواهد شد، هیچ رهنمود واضحی در مورد بسیج سرمایه خصوصی برای تمویل نیازمندی های عامه وجود ندارد.
۴. در صورت عدم موجودیت رهنمودهای روشن، شاروالی ها راه های مختلفی را جهت برون رفت پیموده اند که ممکن است تمامی این راه ها برای دسترسی به منابع خارجی قانونی نباشد.

اهداف پالیسی

اهداف پالیسی عبارت اند از:

۱. میسر ساختن امکانات برای شاروالی در جهت توانمندشدن در تمویل نیازمندی های خودشان و همچنان شهروندان،
۲. در دسترس قراردادن منابع متنوع مالی خارجی به شاروالی ها،
۳. انکشاف دادن استعداد مدیریت مالی ادارات حاکمیت شاروالی ها.

طرح های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. دولت مسئولیت مالی خویش را در قبال شاروالی ها، به صورت قاطعانه، مشخص خواهد ساخت.
۲. شاروالی ها اجازه استفاده از سرمایه خصوصی برای عرضه خدمات اساسی عامه را تحت مقرره ای که از طرف قانون تعیین می شود، خواهند داشت.
۳. شاروالی ها برای تمویل مصارف عاجل می توانند مصرف اضافه داشته باشند؛ به شرطی که مقررات نافذ مرکز را اطاعت و همچنین توانمندی خویش را برای جبران همان مقدار کسر بودجه، در ظرف مدت زمان تعیین شده از طرف قانون، به اثبات برسانند.
۴. شاروالی ها می توانند قرضه بگیرند یا قرضه بدهند، البته به این شرط که به مقرره های دولت پایبند باشند و ظرفیت پرداختتثبیت شده بر مبنای میزان سهم پوشش قرضه قانونی را داشته باشند.
۵. شاروالی ها می توانند به قرضه های خارجی صرفاً از طریق وزارت مالیه دسترسی پیدا کنند.

قوانین و مقررات تطبیقی

۱. معیارات، رهنمودها و طرز العمل های لازم برای انتقال مالی از دولت به شاروالی ها

۲. مدل‌ها، رهنمودها، و طرزالعمل‌ها برای عرضه خدمات اساسی عامه توسط سکتور خصوصی در شاروالی‌ها؛
۳. معیارات، رهنمودها، پروسه‌ها و پروسیجرهای درخواست و منظوری کسر بودجه شاروالی؛
۴. معیارات، رهنمودها، و پروسه‌های درخواست و منظوری برای قرضه‌های داخلی و خارجی، به شمول سهم پوشش خدمات قرضه و موانع دیگر مالی.

مدیریت مالی و گزارشدهی

موضوعات پالیسی

در حال حاضر حساب‌دهی مالی از پایین به بالا توسط شاروالی‌ها در معرض بازبینی‌های مالی مختلف قرار دارد؛ اما چندان مؤثر واقع نشده است. مخصوصاً حساب‌دهی داخلی به شهروندان عملاً وجود ندارد. مثلاً گزارش مصرف بودجه باید هر ۶ ماه تسلیم شود، اما در عمل، اکثر شاروالی‌ها این گزارش را بعد از ۸ ماه ارسال می‌کنند که این موضوع وزارت مالیه را در وضعیتی قرار می‌دهد که بخش باقی‌مانده سال مالی را خود، پلان کند. مشکلات ذیل در این راستا شناسایی شده است:

۱. همان‌طور که ذکر شد، بودجه و تشکیل شاروالی مورد کنترل زیاد قرار می‌گیرد، ولی در هر مرحله فقط مرور سطحی از آن صورت می‌گیرد.
۲. گزارش مصرف بودجه به طور منظم و به موقع ترتیب و ارسال نمی‌گردد.
۳. بیشتر شاروالی‌ها از نظر مالی خود را به والی بیشتر حساب‌ده می‌دانند تا به مسئولین مرکز، مانند اداره مستقل ارگان‌های محلی و وزارت مالیه.
۴. سیستم ثبت واحد، منجر به معاملات غیر نظام‌مند و سبب بروز اشتباهات در صورت‌حساب‌های مالی می‌گردد.
۵. چارت حساب فعلی شاروالی نمی‌تواند پاسخ‌گوی انتقال وجوه شاروالی‌ها باشد.
۶. کمبود روندهای اعتبارسنجی و کنترل، منجر شده است به ثبت غلط ارقام، تصنیف نادرست هزینه‌ها و اجرای معاملاتی که در گزارش درج نمی‌شوند.
۷. تفتیش از صورت‌حساب‌های مالی شاروالی‌ها یا بسیار کم صورت می‌گیرد، یا هیچ صورت نمی‌گیرد.

اهداف پالیسی

اهداف پالیسی عبارت‌اند از:

۱. حصول اطمینان از این که شاروالی‌های مسئولیت حساب‌دهی مالی شان را در برابر دولت مرکزی اجرا می‌نمایند.
۲. حصول اطمینان از این که شاروالی‌ها مسئولیت حساب‌دهی مالی داخلی‌شان را در برابر شهروندان به شمول ادارات شاروالی اجرا می‌کنند.
۳. ایجاد و استفاده از یک سیستم مدیریت مالی شفاف و جواب‌ده در سطح شاروالی.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. حساب‌دهی‌های مالی شاروالی‌ها توسط قانون مشخص خواهد شد.
۲. به صورت عموم، این حساب‌دهی برای حکومت و مراجع ذی‌صلاح آن و برای شهروندان محلی می‌باشد.
۳. نمودار معیاری حساب‌ها، مقررات مالی، فارمتهای گزارش‌دهی و تقسیم اوقات‌ها برای شاروالی‌ها ارائه خواهد شد.
۴. سیستم‌های دیگر مدیریت مالی برای شاروالی‌ها طرح و بکارگیری آنها توصیه خواهد گردید.
۵. امور مالی شاروالی‌ها منظم‌اً تفتیش می‌گردد.
۶. در صورت تخلف و عدول از قوانین و مقررات شاروالی، مجازات تعیین می‌گردد.

قوانین و مقررات تطبیقی

۱. مسئولیت‌های انفرادی و نهادی برای ایجاد، تطبیق و نهادینه‌ساختن سیستم مدیریت مالی شاروالی‌ها؛
۲. سیستم و طرز‌العمل گزارش‌دهی مالی برای شاروالی‌ها؛
۳. نمودار جدید حساب‌ها؛
۴. سیستم محاسبه مضاعف در شاروالی‌ها؛
۵. مقررات مالی، فارمتهای گزارش‌دهی و تقسیم اوقات؛
۶. سیستم کنترل داخلی شاروالی؛
۷. مقرره‌ها و طرز‌العمل‌های تفتیش داخلی و خارجی؛
۸. اعمال مجازات برای تخلف از مقررات مالی، طرز‌العمل‌ها، فارمتهای و گزارش‌دهی.

روابط بین ادارات دولتی

ظاهراً شاروالی‌ها ارگان‌های مستقل حکومتی هستند؛ اما روابط رسمی اداری و حاکمیت شاروالی‌ها در سطح ادارات دولتی یا در بین خود شاروالی‌ها، هنوز هم تعریف نشده‌اند که این امر منتج به عدم توازن نهادی گردیده است. بعضی از الگوها روندهای اختیاری و برخی دیگر اجباری می‌باشند که از گذشته مورد استفاده قرار گرفته‌اند و بعضی هم خیلی ضعیف می‌باشند که همه این مشکلات از نبود یا ناکافی بودن احکام قانونی و رهنمودهای عملیاتی سرچشمه می‌گیرند.

نظارت مستقیم بر شاروالی‌ها یکی از وظایف اولیه اداره مستقل ارگان‌های محلی است. فعلاً، روش‌های متعدد در این مورد دیده می‌شود. اکثر شاروالی‌های ولایتی و ولسوالی مستقیماً تحت نظارت والی‌ها یا مجلس اداری ولایت می‌باشند که به ریاست والی دایر می‌شود. در بعضی موارد، شاروالی ولسوالی‌ها یا توسط ولسوال یا شاروالی ولایتی نظارت می‌گردد. شاروالی کابل دارای وضعیت متفاوتی است، که مانند ادارات مرکزی مستقیماً به حکومت گزارش‌دهنده بوده و به مراجع مرکزی در سطح مرکز دسترسی مستقیم دارد.

به استثنای موردی که شاروالی‌های ولسوالی به شاروالی ولایتی گزارش می‌دهند، به صورت عموم، شاروالی‌ها با هم همکاری و هماهنگی ندارند. روابط اداری بین نواحی شاروالی‌ها خیلی ضعیف است یا هیچ رابطه‌ای موجود نیست. بیشتر شاروالی‌ها، خصوصاً آنهایی که کوچک اند، امور نواحی شاروالی را مستقیماً اداره می‌کنند.

به غیر از شاروالی‌های بزرگ که توسط تمویل‌کنندگان کمک می‌شوند، سهم‌گیری مردم در امور شاروالی نادر است. در اکثر موارد مشارکت و حضور مردم از طریق جامعه مدنی و مؤسسات غیر دولتی تمثیل می‌شود، که آنها خود نیز مطابق به موضوعات مورد علاقه شان از بیرون حمایت می‌گردند. همکاری و مشارکت با سکتور خصوصی و تجاری، به علت وجود یک محیط نامساعد و پرهزینه توأم با فساد اداری، در سطح پایین می‌باشد.

روابط شاروالی با ادارات مرکزی موضوعات پالیسی

روابط شاروالی‌ها با دولت معطوف بر مسایل سکتوری بوده که این امر توسط ریاست‌های سکتوری ولایت‌ها تنظیم و پیگیری می‌گردند که البته شاروالی کابل به علت دسترسی مستقیم به ادارات ذی‌ربط از این قاعده مستثنی می‌باشد.

شاروالی‌ها عمدتاً به ادارات مرکزی وابسته‌اند که با کمک و حمایت‌های نظارتی آنها خدمات سکتوری را عرضه می‌کنند. این خدمات شامل خدمات زراعتی، ارتباطات و تکنولوژی معلوماتی، زیرساختی، تجاری و بازرگانی می‌شود.

مشکلات موجود در این عرصه شامل موارد آتی می‌گردد:

۱. درحالی که شاروالی‌ها باید طبق قانون از صلاحیت‌های مالی برخوردار باشند، ولی حتی بودجه آنها نیز از مرکز تأیید و منظور می‌گردد.
۲. روابط بین ادارات مرکزی و شاروالی‌ها بر مبنای پالیسی‌ها، رهنمودهای عملیاتی، اهداف و معیارات تطبیقی، که توسط دوطرف بالای آن توافق صورت گرفته است، استوار نمی‌باشد.
۳. روابط فعلی به صورت عموم با مأموریت اصلی شاروالی‌ها که فراهم نمودن رفاه مردم می‌باشد، در تناقض است. یعنی شاروالی‌ها در خدماتی که توسط مراجع مرکزی عرضه می‌گردد، نفوذ مستقیم ندارند.
۴. توقع می‌رود شاروالی‌ها فعالیت‌های سکتوری را تطبیق نمایند؛ اما علی‌رغم احکام قانون، از آنها حمایت مالی صورت نمی‌گیرد. این حالت یا سبب تطبیق ضعیف یا سبب هدر دادن منابع اندکی می‌گردد که در اختیار شاروالی‌ها قرار دارد.
۵. علاوه بر این، استفاده از عواید محلی مشروط بر تأیید مرکز است که هیچ مبنای موجهی برای تخصیص و کمبودات بودجوی برای تحت پوشش قرار دادن اولویت‌ها ندارند.

مقاصد پالیسی

مقاصد پالیسی که جواب‌گوی این مشکلات باشد عبارت‌اند از:

۱. تقویت روابط بین دولت و شاروالی‌ها،
۲. فراهم‌آوری خدمات هر چه بهتر و متمرکز سکتوری منطبق با اولویت‌های شاروالی‌ها.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. تعریف حدود وظایف و ساحت خدمات سکتوری که مستقیماً توسط شاروالی‌ها عرضه گردد.
۲. خدمات دولت معطوف به نیازهایی خواهد شد که از طرف شاروالی‌ها دارای اولویت تشخیص داده شده‌اند.

۳. شاروالی‌ها مکلف به عرضه خدمات اساسی سکتوری خواهند بود و برای این کار از طریق ارائه منابع لازم حمایت خواهند شد.
۴. حکومت شاخص‌ها و معیارات خدمات را برای رهنمایی شاروالی‌ها فراهم خواهد ساخت.

قوانین و مقررات تطبیقی

۱. طرح رهنمودهایی برای تفویض خدمات سکتوری به شاروالی‌ها
۲. پیشنهاد تفکیک وظایف و مسئولیت‌ها بین دولت و شاروالی‌ها

تدوین پالیسی

حکومت چارچوب پالیسی ملی را طرح خواهد نمود:

۱. تعیین اهداف و مقاصد سکتوری در سطح ملی و سطح شاروالی‌ها، مخصوصاً در رابطه به سهم شاروالی‌ها در برآورده نمودن اهداف و مقاصد ملی؛
۲. ارائه رهنمودهایی در زمینه پلان‌گذاری و تطبیق سکتوری شاروالی؛
۳. تعیین صلاحیت‌ها و مسئولیت‌هایی که باید به شاروالی‌ها تفویض گردند.
۴. معیارات پروسه‌ها و عملکردها.

شاروالی چارچوب پالیسی خود را طرح می‌کند:

۱. اهداف و مقاصد برنامه‌ای یا پروژه‌ای در سطح شاروالی؛
۲. پالیسی‌های عملیاتی؛
۳. فرامین ضروری در حمایت از تفویض صلاحیت سکتوری؛
۴. احکام و فرامین اداری و اجرایی.

نظارت (نظارت، ارزیابی و سرپرستی از روند پیشرفت)

نظارت بر تطبیق امور مربوط به شاروالی‌ها جهت حصول اطمینان از پیروی از چارچوب طرح شده توسط مرکز:

۱. پالیسی‌های سکتوری
۲. پلان‌های انکشافی سکتوری ملی شامل نتایج و پیامدهای پیش‌بینی شده، اهداف و ضرب‌الاجل‌ها

شاروالی بر امور ذیل، نظارت می‌کند:

۱. پلان‌های سکتوری شاروالی، با در نظر داشت پیشرفت در تطبیق آنها؛
۲. بودجه‌های سکتوری شاروالی، با در نظر داشت میزان استفاده از آنها.

تطبیق

حکومت برنامه کلی سکتوری و منابع پروژه‌هایی شاروالی را منظور می‌دارد:

۱. افزایش بودجه شاروالی یا دادن بودجه کامل و بر اساس برنامه، به شاروالی؛
۲. تقویه و تکمیل بودجه شاروالی.

ازریابی تأثیرات

- حکومت مرکزی اثرات فعالیت‌های شاروالی‌ها و سهم آنها را در نایل شدن به اهداف و مقاصد ملی سنجش می‌کند.
- شاروالی اثرات فعالیت‌های خود را مطابق پلان بالای مستفید شوندگان، به طور مستقیم و غیرمستقیم، سنجش می‌کند.
- خدمات سکتوری به شاروالی‌ها واگذار شده و با دادن منابع کافی مالی یا سببایدی همراه می‌باشد:
 - مراقبت‌های اولیه صحی، مانند حمایه طفل و مادر، تغذیه، وقایه و کنترل امراض؛
 - اعمار، حفظ و مراقبت زیربناهای شهری، مانند آب‌رسانی، برق، سرک‌ها، مراکز تفریحی و پارک‌ها، میراث‌های فرهنگی و غیره؛
 - مدیریت محیط زیست و حفظ الصحه؛
 - حفاظت و مدیریت منابع طبیعی در محدوده صلاحیت قانونی شاروالی؛
 - مدیریت حوادث؛
 - حفظ صلح و نظم عامه.

وظایف وزارت انکشاف شهری

- طرح پالیسی‌ها، مقرره‌ها و برنامه‌های انکشاف و پلان‌گذاری شهری؛
- حمایت از شاروالی‌ها در راستای تطبیق برنامه‌های انکشاف شهری و سرپرستی تطبیق این برنامه‌ها؛

- طرح معیارهای خدماتی برای شاروالی‌ها؛
- کمک به شاروالی‌ها در طرح ماسترپلان‌های شاروالی جهت رهنمایی برنامه‌های انکشاف شهری کوتاه‌مدت و درازمدت؛
- کمک به شاروالی‌ها جهت تطبیق ماسترپلان‌های شهری آنها.

وظایف اداره مستقل ارگان‌های محلی

- سرپرستی، رهبری و نظارت بر کار شاروالی‌ها؛
- ایجاد هماهنگی با وزارت‌ها و ادارات دولتی در راستای تطبیق این پالیسی؛
- رهبری انکشاف پالیسی و وضع قوانین مربوط به حکومت‌داری شاروالی بر مبنای نیازها و خواست‌های مردم؛
- ارتقای ظرفیت شوراهای شاروالی و اداره شاروالی‌ها، به استثنای شاروالی کابل، با هدف کمک به شاروالی‌ها تا بتوانند وظایف محوله را براساس این پالیسی انجام دهند.

وزارت مالیه

- وزارت مالیه بودجه لازم را در هر سال در اختیار شاروالی‌ها قرار می‌دهد تا هر شاروالی بتواند مسئولیت‌های خدمات‌رسانی خود را انجام دهد.
- وزارت مالیه با همکاری اداره مستقل ارگان‌های محلی باید فورمول عادلانه و شفافی را جهت توزیع میزان وجه تخصیص داده شده به شاروالی براساس موارد آتی ایجاد نماید:
 - اصول برابری
 - جوابدهی به نیازهای شهروندان
 - ایجاد انگیزه مثبت
- بخشی از وجوه مالی به شاروالی‌ها باید به شکل وجوه اعطایی مقایسه‌ای برای انگیزه‌بخشیدن به آنها در جهت افزایش چشمه‌های عایداتی داده شود.
- هر شاروالی مکلف است گزارش ربع وار خود پیرامون اجرای بودجه و وضعیت مالی را به وزارت مالیه ارائه نماید.

روابط با مقامات ولایتی

برخی از شاروالی‌ها تنها تحت نظارت والی‌ها قرار دارند؛ اما شاروالی‌های دیگری نیز هستند که تحت نظارت مجلس اداری ولایت نیز قرار دارند که واحدهای ارگانیک حاکمیت ولایتی می‌باشند و تنها مسئولیت امور داخلی ولایت را به عهده دارند.

در حالی که جریان گزارش‌دهی مطابق روندی است که در بالا ذکر گردید، اما تصامیم دیگر اداری از مسیر ولایت صورت نمی‌گیرند، که بدین ترتیب، صلاحیت اداری بالای شاروالی را ندارد. ولایات کنترل بودجوی بالای شاروالی‌ها ندارند و نباید هم داشته باشند. بعضی از والی‌ها استخدام، انتخاب و ترفیع مأمورین شاروالی را تحت نفوذ خویش آورده‌اند؛ در حالی که از این بابت هیچ نوع صلاحیت قانونی را ندارند.

ولایات بر روند پلان‌گذاری، برنامه‌ریزی و تطبیق پلانها توسط شاروالی‌ها نظارت ندارند تا بتوانند هماهنگی‌های لازم را در زمینه امور انکشافی در بین شاروالی‌ها و نواحی آنها ایجاد نمایند.

موضوعات پالیسی

این مسایل عبارت‌اند از:

۱. روابط بین ادارات ولایت و شاروالی روشن نیست.
۲. خلاءها و تداخل‌های اداری در مسیر نظارت حکومت مرکزی بر شاروالی‌ها و ولسوالی‌ها وجود دارد.
۳. حاکمیت ولایتی به طور غیر ضروری در امور شاروالی و تصامیم اداری آن مداخله می‌کند.

مقاصد پالیسی

مقاصد پالیسی که این موضوعات را مورد توجه قرار می‌دهد عبارت‌اند از:

۱. تقویت روابط شاروالی با اداره ولایت؛
۲. فراهم‌آوری خدمات سکتوری متمرکز و جواب‌ده، منطبق با اولویت‌های شاروالی.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. روابط بین حاکمیت ولایت و حاکمیت شاروالی در قانون جدید شاروالی‌ها روشن شود.

۲. برنامه‌های انکشاف اجتماعی و اقتصادی شاروالی‌ها در سطح ولایت با هم یک‌جا شود تا این برنامه را دیدگاه وسیع تر بخشد.

قوانین و مقررات تطبیقی

۱. تفکیک وظایف بین اداره ولایت و شاروالی؛
۲. تعریف حساب‌دهی و مسئولیت گزارش‌دهی شاروالی به اداره ولایت؛
۳. ارائه رهنمودهای لازم برای گنجاندن اولویت‌های شاروالی با برنامه‌ها و پلان‌های انکشافی ولایتی.

روابط شاروالی‌ها با شوراهای ولایتی

- شورای شاروالی و شاروالی مکلف‌اند در مرکز ولایت هماهنگی‌های لازم را با شورای ولایتی در راستای رفع مشکلات مربوط به حکومت‌داری، امنیتی و انکشافی که فراتر از موضوعات عادی شهری به شمار می‌آیند، به عمل آورند.
- برای نیل به مقاصد پاراگراف یک، شورای شاروالی در مرکز ولایت هماهنگی‌های لازم را از طریق نشست با شورای ولایتی از طریق رئیس این شورا ایجاد می‌کند.

روابط با کمیته‌های انکشافی ولایتی

شاروال مرکز ولایت عضو کمیته انکشافی ولایت می‌باشد.

روابط شاروالی با والی و اداره ولایت

- شاروال مرکز ولایت مکلف است هماهنگی لازم را با والی مربوطه پیرامون موارد آتی به عمل آورد:
 - فعالیت شاروالی که خارج از محدوده جغرافیایی ولایت می‌باشند.
 - فعالیت‌هایی که بر داخل محدوده جغرافیایی شاروالی تأثیر دارند.
- شاروال ولایت هماهنگی‌های لازم را با والی در موارد آتی به عمل می‌آورد:
 - ارتباط دادن پلان‌گذاری شاروالی با پلان‌گذاری ولایتی
 - دست یافتن به انکشاف متوازن شهری - روستایی
- شاروال در انجام امور وظایف خود در شاروالی مستقلانه عمل می‌کند.
- شاروال ولایت عضو مجلس اداری ولایت می‌باشد.

روابط با قومندان امنیه ولایت

شاروال ولایت در امور ذیل هماهنگی‌های لازم را با قومندان امنیه ایجاد می‌کند:

- امنیت باشندگان شهر و دارایی آنها
- امنیت دارایی شاروالی
- امنیت کارمندان شاروالی، در صورتی که موضوع تهدید امنیت آنها مطرح شود.

روابط با سایر شاروالی‌ها و ولسوالی‌ها

موضوعات پالیسی

هیچ نوع روابط رسمی به هدف انکشاف یک پارچه بین شاروالی‌ها وجود ندارد. به خاطر مدیریت منابع مشترک یا انکشاف اهداف مشترک، به طور رسمی هیچ نوع همکاری و شبکه‌بندی بین شاروالی‌ها وجود ندارد. برخی هماهنگی‌ها و همکاری‌های غیررسمی موجود ناشی از کمک تمویل کنندگان می‌باشد.

از جانب دیگر، روابط اداری بین شاروالی مرکزی و ولسوالی‌های نسبتاً نیمه‌شهری وجود دارد. بعضی از این روابط ناشی از تجارب تاریخی یا ترتیبات مغشوش اداری می‌شود.

بعضی از موضوعات مربوط به پالیسی که از شرایط بالا بدست آمده به ترتیب ذیل است:

۱. روابط مبهم بین سطوح مختلف حکومت، منجر به ترتیبات غیر رسمی اداری شده که باعث انحراف جریان صلاحیت گردیده و حساب‌دهی را در سطح شاروالی مغشوش می‌سازد.
۲. عدم انسجام بین شاروالی‌ها و حتی شاروالی‌های ولسوالی، شاروالی‌ها را از فرصت بهبودبخشی محیط قانونی، مالی، مقرراتی، پالیسی و اداری محروم ساخته است.

مقاصد پالیسی

اهداف پالیسی که این موضوعات را مورد توجه قرار می‌دهد به قرار ذیل است:

۱. تقویت روابط بین شاروالی‌ها برای جهت دادن انکشاف همگون آنها
۲. ایجاد شبکه شاروالی‌ها که علاقمندی‌ها را در راستای دولت‌سازی، پالیسی‌سازی، ظرفیت‌سازی و قانون‌گزاری منسجم و یکجا سازد.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. در راستای هماهنگی و اتخاذ راهکار واحد برای دولت‌سازی و حکومت‌داری خوب، اداره امور انکشافی شاروالی‌ها، به طور رسمی، انجمن شاروالی‌ها را ایجاد خواهند نمود.
۲. حکومت مرکزی این انجمن را به حیث شریک انکشافی خود به رسمیت خواهد شناخت و برای نیل به اهداف خاصی که این انجمن بر مبنای آن تشکیل گردیده است، منابع لازم را در اختیار آن قرار خواهد داد.

قوانین و مقررات تطبیقی

- طرح رهنمود نظارت اداری اداره ولایت بر شاروالی‌های مرکزی و ولسوالی‌ها
- اساسنامه شورای شاروالی‌ها

روابط با شوراهای ولسوالی

- شورای شاروالی و شاروال مکلف‌اند در مرکز ولسوالی هماهنگی‌های لازم را با شورای ولسوالی در راستای رفع مشکلات مربوط به حکومت‌داری، امنیتی و انکشافی، که مهم به شمار می‌آیند، به عمل آورند.
- برای نیل به مقاصد پاراگراف یک، شورای شاروالی هماهنگی‌های لازم را در مرکز ولسوالی، از طریق نشست با شورای ولسوالی و از طریق رئیس این شورا، ایجاد می‌کند.

روابط شاروالی با ولسوال و اداره ولسوالی

- شاروال ولسوالی مکلف است هماهنگی لازم را با ولسوال مربوطه پیرامون موارد آتی به عمل آورد:
 - فعالیت‌های شاروالی که در خارج از محدوده جغرافیایی ولسوالی تأثیرگذار می‌باشند.
 - فعالیت‌های ولسوالی که در داخل محدوده جغرافیایی شاروالی تأثیر دارند.
- شاروال مرکز ولسوالی هماهنگی‌های لازم را با ولسوال در موارد آتی به عمل می‌آورد:
 - ارتباط دادن پلان‌گذاری شاروالی با پلان‌گذاری ولسوالی؛
 - دست یافتن به انکشاف متوازن شهری - روستایی.

- شاروال مرکز ولسوالی در انجام امور وظایف خود در شاروالی مستقلانه عمل می کند.
- شاروال مرکز ولسوالی عضو مجلس اداری ولسوالی می باشد.

روابط با قوماندانی امنیه ولسوالی

شاروال ولسوالی در امور ذیل، هماهنگی های لازم را به قوماندانی امنیه ایجاد می کند:

- امنیت شهروندان ولسوالی و دارایی آنها؛
- امنیت دارایی شاروالی؛
- امنیت کارمندان شاروالی، در صورتی که موضوع تهدید امنیت آنها مطرح شود.

روابط شورای شاروالی با شورای قریه

- شاروال ولسوالی هماهنگی های لازم را با شوراهای قریه های مجاور در امور حکومت داری، امنیتی و انکشافی در سطح قریه ایجاد می کند.
- برای نیل به این هدف، شورای شاروالی ممکن است هیأتی از اعضای شورای قریه دعوت نماید تا روی موضوعات مذکور بحث و تبادل نظر کنند و هماهنگی لازم ایجاد شود.
- همچنین، برای نیل به هدف فوق، شاروال ولسوالی ممکن است از رئیس های شورای قریه های مجاور دعوت نماید تا روی موضوعات مذکور بحث و تبادل نظر صورت گرفته و هماهنگی های لازم در زمینه های مورد نظر ایجاد شود.

رابطه با سایر شاروالی ها

هر شاروالی مکلف است دانش و تجربیات خود را، در صورت درخواست شاروالی های دیگر، با آنها شریک سازد. دولت از طریق اداره مستقل ارگان های محلی و شاروالی کابل میکانیزمی را برای شریک سازی دانش و تجربه ها میان شاروالی ها باید ایجاد نماید. شاروالی مرکز ولایت با دید رهبری روند شریک سازی دانش و تجربه ها با سایر شاروالی های ولایت را به عهده خواهد داشت. دولت از طریق اداره مستقل ارگان های محلی و شاروالی کابل از انجمن شاروالی ها و اتحادیه ها و اصناف مسلکی کارمندان شاروالی ها حمایت به عمل می آورد.

انجمن شاروالی‌ها

شاروالی‌ها باید به طور رسمی در انجمن شاروالی‌ها انسجام پیداکنند. دولت انجمن شاروالی‌ها را، به مثابه نهاد همکار انکشافی شاروالی، باید مورد حمایت قرار داده و منابع لازم را در اختیار آن قرار دهد. همچنین، دولت منشور انجمن شاروالی‌ها را تدوین می‌کند.

رابطه با شاروالی‌های خارجی

با موافقت دولت افغانستان، یک شاروالی می‌تواند با شاروالی‌های خارجی در راستای همکاری‌های دوجانبه رابطه برقرار نماید.

اشتراک عامه مردم در امور شاروالی

اشتراک مردم، به حیث مشخصه ساختارهای حکومتی، سیاسی و فرهنگی افغانستان شناخته شده است. در حقیقت یکی از اساسات اصلی قانون اساسی تأکید زیاد بر اشتراک و همکاری مردم در امور حکومت‌داری است. چارچوب‌های حقوقی و پالیسی فعلی باید زمینه‌های کافی را برای اشتراک مردم و جامعه مدنی در حاکمیت شاروالی مساعد سازد.

در حالی که مردم در تصمیم‌گیری‌های سطح ولایت و ولسوالی سهیم می‌باشند، اما این موضوع در رابطه با شاروالی‌ها صدق نمی‌کند. هیچ ساختار و روند رسمی و نظام‌مند برای سهم‌گیری شهروندان در روند انکشافی شاروالی و نیز نظرخواهی از آنان وجود ندارد. اشتراک شهروندان در فعالیت‌های شاروالی، مانند جمع‌آوری کثافات و غیره، معمولاً، از طریق مجراهای سنتی، غیررسمی و از طریق وکیل‌های گذر صورت می‌گیرد، که این امر نیز نامنسجم است.

سهم‌گیری شهروندان در برخی از فعالیت‌های شاروالی‌ها، نظیر جمع‌آوری زباله‌ها و سلب مالکیت بر املاک، ممکن است کمک‌های خوبی به شاروالی‌ها کند، ولی لازم است در عرصه‌های دیگر حکومت‌داری و اداره شاروالی‌ها نیز از سهم‌گیری و اشتراک مردم استفاده شود.

اشتراک جامعه مدنی، جوانان و زنان در شاروالی موضوعات پالیسی

قانون اساسی، قوانین نافذۀ کشور و چارچوب پالیسی، اهمیت خاصی به اشتراک اقشار کلیدی جامعه یعنی جوانان، زنان، علمای دینی و اقشار محروم جامعه قایل است.

به همین لحاظ، چارچوب‌های پالیسی و استراتژی‌های سازمان‌های کلیدی سعی می‌ورزند تا اشتراک زنان (که تخمیناً نصف نفوس فعلی افغانستان را تشکیل می‌دهند)، جوانان (که دو سوم نفوس را تشکیل می‌دهند) گروه‌های مذهبی، نهادهای جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی را در حاکمیت و اداره محلی افزایش دهند. موضوعات پالیسی قرار ذیل است:

۱. ساختارها و میکانیزم‌های نهادی جهت اشتراک عامه مردم وجود ندارند.
۲. ظرفیت‌ها و قابلیت‌های لازم در سطح محلی باید جهت نهادینه‌ساختن اشتراک عامه مردم ایجاد و ارتقا داده شوند.

مقاصد پالیسی

مقاصد پالیسی قرار ذیل است:

- گسترش حکومت‌داری دموکراتیک در سطح محلی؛
- بهبود کارایی و مؤثریت اجراءات اداره شاروالی از طریق همکاری اجتماعات محلی؛
- بسیج قوا و منابع مردم محل جهت ملت‌سازی.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. نشر معلومات و قابل دسترس ساختن معلومات لازم برای مردم، آنها را در اتخاذ تصمیم مهم کمک نموده و اقدامات لازم را جهت حمایت از حکومت به عمل خواهند آورد.
۲. حاکمیت شاروالی حق دسترسی مردم به معلومات را، که توسط قانون اساسی تضمین شده است، به رسمیت خواهد شناخت. ولی می‌توان بعضی معلومات را به حیث معلومات محرم و خصوصی دسته‌بندی

کرد؛ به شرط این که معیارات محرمیت اسناد، قبلاً تعریف شود و مردم از این معیارات آگاهی داشته باشند.

۳. هرچند ادای مسئولیت به عهده هر دو طرف می‌باشد؛ اما به رسمیت شناختن اشتراک عامه هم یک حق و هم یک مکلفیت است.

۴. شاروالی‌ها باید میکانیزم‌ها و ساختارهایی را برای سهم‌گیری هرچه بیشتر مردم در امور شاروالی‌ها ایجادکنند.

۵. برای اشتراک منظم و ساختارمند عموم مردم، مردم محل نماینده‌های‌شان را تعیین می‌نمایند و این نماینده‌ها توسط مراجع حکومتی ذی‌ربط و با در نظر داشت قوانین و مقررات، کسب اعتبار می‌نمایند.

قوانین و مقررات مورد نظر

- چارچوب قانونی شاروالی یا فرمان مربوطه برای نهادینه‌سازی اشتراک عامه مردم در حاکمیت شاروالی، مطابق با قوانین و چوکات تعیین شده آن.
- چارچوب سازمانی یا عملیاتی برای اشتراک عامه در حاکمیت شاروالی:
 - افراد واجدالشرايط از میان مردم، که بتوانند به معنای واقعی در سطح حکومت‌داری محلی از مردم نمایندگی کنند.
 - حساب‌دهی متقابل نقش‌ها، مسئولیت‌ها و نتایج قابل انتظار، هم از حکومت و هم از مردم؛
 - طرح میکانیزم‌هایی برای اشتراک عامه مردم، شامل تضامیم و وظایف مربوط به حکومت‌داری و اداره (حتی می‌توان اشتراک عامه را در برخی از تضامیم یا وظایف اجباری ساخت)
- فعالیت‌های لازم جهت اشتراک عامه مردم:
 - پلان‌گذاری و برنامه‌ریزی انکشافی؛
 - مباحثه‌های پالیسی؛
 - جمع‌آوری و استفاده از عواید؛
 - عرضه خدمات؛
 - نظارت و ارزیابی؛
 - سنجش تأثیرات.
- سکتورهای اشتراک عامه مردم:
 - خدمات اساسی اجتماعی، مانند صحت، تعلیم و تربیه، آبرسانی، فاضلاب، بهداشت و غیره؛
 - مصونیت و امنیت؛
 - ترتیبات محیط زیست از قبیل ساماندهی امور مربوط به جمع‌آوری و بازیافت زباله‌ها و ضایعات، احیای جنگلات و سرسبزی؛

- ظرفیت‌ها و قابلیت‌های لازم برای حکومت‌داری شاروالی و مردم به شمول تسهیل امور، تصمیم‌گیری‌ها، توافق همگانی، حل منازعات و غیره؛
- تعیین حدود برای اشتراک عامه مردم مانند:
 - شفافیت و پیمانه دسترسی مردم به معلومات؛
 - روندها و تکنولوژی‌های لازم جهت دسترسی به معلومات و استفاده از آنها و بالابردن میزان توانمندی استفاده‌کنندگان و ارائه‌کنندگان معلومات؛
 - برابری و عدالت؛
- نکات آغازین جهت اشتراک عامه:
 - تشخیص نیازمندی‌ها، تفکیک و اولویت بندی؛
 - پلان‌گذاری انکشافی، از تعیین دیدگاه تا اهداف؛
 - طرح برنامه و پروژه‌ها.
- روندهایی که در آنها اشتراک عامه ضروری پنداشته می‌شود:
 - در مخاطره بودن رفاه عمومی؛
 - دریافت نظریات عامه مردم برای بهبود عملکرد حکومت؛
 - پلان‌گذاری و برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری عامه؛
 - تطبیق پروژه‌ها، به خصوص پروژه‌هایی که طبق قوانین و تعهد اجرای آنها سپرده شده است، مثل:
 - عرضه خدمات اساسی اجتماعی،
 - خدمات زیربنایی شاروالی، مانند سرک‌ها، پل‌ها و آبرسانی،
 - برق، انرژی و تکنالوجی معلوماتی و ارتباطاتی.
 - تعیین حدود و کیفیت و چگونگی وضع مالیات و تعرفات گمرکی برای خدمات عامه؛
 - مراقبت و ارزیابی از عملکردهای شاروالی در رابطه به اهداف و بودجه‌ها.
- ویژگی میکانیزم‌های لازم برای نشر و افشای معلومات جهت در دسترس قراردادن معلومات به مردم:
 - عرصه‌هایی که جهت ایجاد شفافیت در شاروالی‌ها به تعریف واضح ضرورت دارند.
 - روش‌های آرایه معلومات به مردم و واکنش مردم در قبال آنها؛
 - ارتباطی معلومات بین مجلس اداری شاروالی، شورای شاروالی و نواحی، شوراهای قریه و دیگر گروه‌های جامعه مدنی؛
 - میکانیزم‌های منظم شریک‌ساختن معلومات عامه، مانند روزنامه‌ها، تابلوی اعلانات و گفتگوهای منظم مردم قریه با مقامات شاروالی؛
- انواع معلوماتی که دانستن آن برای مردم، در تشریک مساعی مؤثرتر با دولت، مفید پنداشته می‌شود:
 - معلومات سازمانی شاروالی، مانند تشکیل، لیست منصوبین؛
 - پلان‌ها و برنامه‌های انکشاف اجتماعی و اقتصادی؛
 - پرونده‌های تدارکاتی و معلومات تازه در مورد آن؛
 - صورت‌حساب‌های مالی، مانند مقدار بودجه و موارد مصرف آن؛

- مقررات و دستورهای شاروالی و حکومت مرکزی؛
- اقدامات و تصامیم شوراهای اداری شاروالی و شوراهای شاروالی، اعم از مسوده ها و مصوبات.

نقش سکتور خصوصی در انکشاف اقتصادی شاروالی موضوعات پالیسی

نقش سکتور خصوصی در "انکشاف پایدار از طریق اقتصاد بازار به رهبری سکتور خصوصی" در سطح ملی به وضوح تعریف شده است. اما هنوز این موضوع، آن گونه که در قانون اساسی مشخص گردیده است، در سطح محلی وضاحت ندارد. تا به حال، کار سرمایه‌گذاری سکتور خصوصی در بخش‌های انرژی و مخابرات نتیجه مطلوب داده است. علاوه بر آن، فعلاً دولت در جستجوی مشارکت بین بخش سکتور عامه و بخش سکتور خصوصی در عرصه‌های مهم فعالیت‌های صنعتی است. این فعالیت‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. زیربناها، مانند سرک‌ها، پل‌ها، آبیاری، تولید برق و تکنالوجی معلوماتی و ارتباطات؛
۲. پروژه‌های متوسط و بزرگ فرایندهای زراعتی و زراعت برای تجارت؛
۳. بازاریابی برای صدور محصولات افغانی؛
۴. عرضه خدمات اساسی شاروالی.

در رابطه با نقش سکتور خصوصی در انکشاف اقتصاد محلی، موضوعات مورد بحث ذیل شناسایی گردیده‌اند:

۱. نقش سکتور خصوصی در انکشاف اقتصاد شاروالی واضح نیست.
۲. هرچند توقع می‌رود که اقتصاد به طور روزافزون توسط سکتور خصوصی رهبری گردد؛ اما میکانیسم‌های نهادی و حقوقی برای عملی شدن این موضوع وجود ندارد.
۳. محیط نهادی فعلی قادر به تشویق سکتور خصوصی برای سهم‌شدن در عرصه انکشاف اقتصادی شاروالی‌ها نیست؛ سرمایه‌گذاران فعال، فقدان پالیسی‌های واضح و کمبود ظرفیت شاروالی‌ها را به حیث عوامل عمده این نارسایی عنوان می‌کنند.
۴. ساختارها و میکانیسم‌های لازم جهت اشتراک عامه و مشارکت دوجانبه موجود نیست.

مقاصد پالیسی

مقاصد پالیسی عبارت‌اند از:

۱. تسریع انکشاف اقتصادی محلی، مخصوصاً در شاروالی‌ها؛

۲. بهبود شفافیت و حساب‌دهی در سطح ادارات محلی؛
۳. توسعه و بهبود کیفیت عرضه خدمات عامه؛
۴. افزایش مؤثریت و کارایی اداره شاروالی با استفاده از تجارب موفق سکتور خصوصی،
۵. حفظ منابع محدود سکتور عامه و استفاده درست از آنها.

طرح‌های پیشنهادی پالیسی

اهداف پالیسی

۱. نقش سکتور خصوصی در رابطه با انکشاف اقتصادی شاروالی به وضوح تعریف گردد.
۲. یک چارچوب منظم قانونی پاداش برای تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی ایجاد شود.
۳. بروکراسی اداره شاروالی یا ظرفیت نهادی آن بر مبنای جذب سرمایه‌های خصوصی و کاهش هزینه انجام امور تجاری استوار خواهد شد.
۴. هر شاروالی تشویق خواهد گردید تا پلان‌های اولویت سرمایه‌گذاری در شاروالی را طرح نماید. طبق این پلان‌ها، سکتورهای مربوطه، ملزم به حمایت از پلان‌های انکشافی شاروالی خواهند گردید.
۵. تقویت تلاش‌های سرمایه‌گذاری شاروالی‌ها باید متمرکز بر جذب سرمایه‌ها برای صنایع بزرگ، متوسط و کوچک باشد که دارای توان حمایت و تکمیل فعالیت‌های کنونی بوده و روزه‌ها یا فرصت‌های جدید اقتصادی را به روی مردم بگشایند.
۶. ادارات شاروالی باید تشویق به اشاعه و تسهیل روابط منفعتی دوجانبه بین صنایع بزرگ ملی و بین المللی با تشبثات کوچک محلی گردند.
۷. شاروالی‌ها جهت مشارکت مردم با سکتور خصوصی، ساختارهای سازمانی را در داخل حکومت‌داری شاروالی و اجتماعات محلی ایجاد خواهند کرد.

قوانین و مقررات تطبیقی مورد نظر

- نقش سکتور خصوصی در انکشاف اقتصاد شاروالی در برگیرنده مسایل ذیل خواهد بود:
 ۱. پلان‌گذاری شاروالی، طرح پالیسی و تنفیذ و تطبیق فرامین جهت بهبود اقتصاد محلی؛
 ۲. اختصاص سرمایه خصوصی به اموری که تصور می‌شود بیشترین کمک را به انکشاف اجتماعی و اقتصادی کنند.
 ۳. عرضه خدمات اساسی، مانند صحت، تعلیم و تربیه، پروژه‌های اسکان جمعی، مدیریت جمع‌آوری و زباله‌ها و ضایعات و بازیافت آنها، آموزش حرفوی و غیره؛
 ۴. عرضه خدمات زیربنایی شاروالی، مانند برق و آبرسانی، توقف‌گاه‌های سرویس، مراکز ورزشی و غیره.

چارچوب قانونی و تشویقی می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

۱. تضمین عدم رقابت غیرعادلانه ادارهٔ شاروالی با سکتور خصوصی؛
۲. برخورد برابر و یکسان با تمام سرمایه‌گذاران خصوصی؛
۳. پروژه‌های دارای اولویت سرمایه‌گذاری که ظرفیت تسریع انکشاف اقتصاد محلی را دارا باشند؛
۴. مشوق‌های مالی و غیر مالی محلی برای تشبثات بسیار کوچک، کوچک و متوسط و همچنان برای سکتورهای دارای اولویت.

ویژگی‌های ادارهٔ شاروالی و ظرفیت نهادی که بتواند سرمایهٔ خصوصی را جذب و هزینهٔ اجرای کار را کاهش دهد:

۱. تسهیل طرز‌العمل‌های اخذ جواز تجارتي؛
۲. خدمات تسهیلی برای سرمایه‌گذاران؛
۳. عدم وضع مالیات غیر قانونی؛
۴. ایجاد ظرفیت گفتگو و معامله با سرمایه‌گذاران خصوصی.

پیشرفت در امور ادارهٔ شاروالی

تطبيق طرح‌های پیشنهادی پالیسی نیاز به اقدامات استراتژیک دارد. چارچوب جدید قانونی باید یک مبنای حقوقی را برای اقدامات بیشتر فراهم سازد. میکانیسم‌های نهادی و ساختارهای سازمانی باید در داخل حکومت، در بین مردم، در سطح فراتر از شاروالی‌ها و در داخل ساختار شاروالی‌ها به وجود آید.

وضع قوانین لازم

پیشنهاد می‌گردد تا ابزارهای قانونی لازم جهت پرمودن خلاءهای قانونی، جلوگیری از عدم همخوانی و کاپی‌کاری در مندرجات قوانین ایجاد گردد.

قانون شاروالی‌ها

رهنمودهای لازم برای اداره و حکومت‌داری شاروالی باید بر مبنای قانون شاروالی‌ها طرح گردد. این در حالی است که قانون شاروالی‌ها خود، یک قانون قدیمی و کهنه می‌باشد. با در نظر داشت این موضوع، باید قانون جدید شاروالی‌ها وضع و جایگزین قانون فعلی گردد و این قانون جدید باید در بردارندهٔ تمام اصول بنیادی لازم

برای شاروالی‌ها بوده و انعطاف‌پذیری لازم در راستای تأمین اعتبار درازمدت این اصول داشته باشد. نکات مهمی که در این قانون باید درج گردند، عبارت‌اند از:

- تعریف، ماهیت و صنف‌بندی شاروالی‌ها؛
- قدرت، صلاحیت، وظایف، مسئولیت‌ها، حساب‌دهی، محدودیت‌ها، ساختار نهادی و مسئولان کلیدی شاروالی‌ها:
 - حاکمیت شاروالی، مجالس اداری شاروالی، شوراهای شاروالی؛
 - شاروال، معاون شاروال و مدیران شعبات آن.
- وظایف، مسئولیت‌ها، حساب‌دهی و محدودیت‌های شرکای شاروالی‌ها:
 - حکومت مرکزی: ادارات مربوطه مرکزی، اداره مستقل ارگان‌های محلی؛
 - مراجع دیگر محلی: ولایات، ولسوالی‌ها، و نواحی شاروالی‌ها؛
 - مردم: گذرها، شوراها، سکتور خصوصی، جامعه مدنی و سکتورهای کلیدی دیگر.
- حاکمیت، اداره و اصول عملیاتی:
 - پلان‌گذاری و بودجه‌سازی انکشافی؛
 - صلاحیت مالی و انتقال پول بین ادارات دولتی؛
 - اشتراک و همکاری مردم؛
 - شفافیت، حساب‌دهی و مبارزه با ارتشا و فساد؛
 - روابط بین ادارات دولتی، روابط بین شاروالی‌ها و ادارات مربوطه آنها؛
 - ساختارها، میکانیزم‌های نهادی و منابع شاروالی‌ها؛
 - عرضه خدمات، مالی و محاسباتی؛
 - صلاحیت‌های قانونی و نهادی.

در نتیجه، قوانین و مقررات تطبیقی باید وضع شود تا رهنمودهای لازم را برای چگونگی تطبیق احکام خاص و وضاحت بیشتر این قانون ارایه کند.

قانون شوراهای شاروالی

قانون شوراهای شاروالی بخشی از قانون شاروالی خواهد بود.

قانون انتخابات

مسوده این قانون در پارلمان است و تصویب فوری آن برای انتخاب شاروال و اعضای شوراهای شاروالی از اهمیت استراتژیک برخوردار است.

اقدامات استراتژیک لازم

رهنمودهای کلی استراتژیک

یک سلسله رهنمودهای استراتژیک لازم باید توسط ادارات مختلف دولت در سطوح گوناگون پیگیری گردد که به شرح ذیل است:

• ابتکارات حکومت مرکزی

۱. کمیته بازنگری حقوقی که پیش‌نویس قانون شاروالی و قوانین دیگر را برای پیشکش به پارلمان ترتیب می‌دهد و قوانین و مقررات تطبیقی آن را نیز تهیه می‌کند.
۲. کمیته نظارت بر پالیسی، که تکمیل‌شدن عملکرد استراتژیک را در حمایت از چارچوب پالیسی حاکمیت شاروالی بررسی و تدقیق می‌کند.
۳. ایجاد سیستم‌های معیاری عملیاتی، طرز‌العمل‌ها و رهنمودها که از جهت اقتصادی بودن، شفافیت و حساب‌دهی کنترل شود.
۴. مبارزه با ارتشاء و فساد در ادارات شاروالی؛
۵. تهیه رهنمود برای روابط بین ادارات دولتی و شرکای دولتی و غیر دولتی آنها؛
۶. ارتقای ظرفیت مسئولان انتخابی و کارمندان انتصابی ملکی در راستای قادر ساختن آنان برای کار در محیط کاری جدید؛
۷. طرح رهنمودهای تطبیقی برای الگوهای سازمانی و قوای بشری جهت ایجاد ساختارها و میکانیزم‌ها برای اداره و تطبیق پالیسی‌های جدید؛
۸. ترغیب پارلمان جهت اولویت دادن به این امور تقنینی.

• ابتکارات پارلمانی و ادارات مستقل:

۱. فراهم آوردن چارچوب قانونی برای حاکمیت و اداره شاروالی در اسرع وقت؛
۲. انفاذ قانون جدید شاروالی‌ها و قانون شوراهای شاروالی. انفاذ این قوانین وضاحت و رهنمودهای لازم را برای شاروالی‌ها مهیا می‌سازد.

۳. بازنگری قوانین دیگر که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بالای شاروالی‌ها تأثیر می‌گذارند تا خلاءها و موارد عدم تطابق آنها با قانون جدید شاروالی‌ها شناسایی گردد.
۴. برگزاری انتخابات برای ایجاد شوراهای شاروالی‌ها و انتخاب شاروال‌ها

نهادینه‌سازی چارچوب پالیسی حکومت‌داری شاروالی

برای نهادینه نمودن این چارچوب، حاکمیت شاروالی نیاز به تطبیق فعالیت‌های ذیل دارد:

۱. شورای شاروالی باید مبنای قانونی را برای سازمان‌ها، ساختارها، میکانیزم‌ها، سیستم‌ها و طرزالعمل‌های مربوطه فراهم نماید.
۲. حکومت‌داری شاروالی باید احکام ضروری اجرایی و پالیسی‌های لازم را جهت اداره و فعالیت‌های شاروالی صادر نماید.
۳. شورای اداری شاروالی‌ها باید، به طور منظم، اجراءات را ارزیابی و بازنگری و بر اساس آن پلان‌ها و مدیریت را تجدید نظر نمایند.
۴. ظرفیت و توانمندی مأمورین شاروالی در عرصه مدیریت و اداره امور انکشافی باید تقویت گردد.
۵. اشتراک مردم باید نهادینه شود.

نظارت بر تطبیق پالیسی و ارزیابی آن

نظارت و ارزیابی یک گام عمده در تطبیق پالیسی است، که می‌توان به کمک آن فعالیت‌ها و پیشرفت کار را در مسیر اصلی‌اش حفظ کرد، نتایج را گزارش داد، ضرورت‌های تغییر را شناسایی و مؤثریت استراتژی اصلاحات را سنجش کرد.

سیستم مراقبت و ارزیابی شاروالی‌ها

جمع‌آوری ارقام و معلومات، تحلیل و ارائه گزارش در باره محتویات تخنیکی و تطبیق پالیسی از مشخصات سیستم مراقبت و ارزیابی می‌باشد، که به طور کلی می‌تواند داری چهار جزء عمده باشد:

۱. سیستم مدیریت معلومات مبنی بر شاخص‌های هدفمند، که هم متمرکز بر محتوا و هم بر پروسه بوده باشد. یعنی یک سیستم مرکب از اهداف، دست‌آوردهای متوقعه، پیامدها، نتایج، تقسیم اوقات معین و غیره.

۲. نظارت سهامداران برای پیگیری عکس العمل‌های کسانی که از اثر اقدامات اصلاحی پالیسی برنده یا بازنده می‌گردند.
۳. مطالعات تشخیصی جهت بازنگری اصلاحات تخنیکی پالیسی و دریافت راه حل‌ها در برابر مشکلاتی که به عنوان یک مانع در برابر تطبیق پالیسی موجود است.
۴. ارزیابی اثرات و پروسه‌ها، جهت تقویت استفاده از تجارب آموخته‌شده که به مرور زمان به دست می‌آیند.

شیوه نظارت

از شیوه‌های نظارت کمی (مانند نظر سنجی) و کیفی (مانند ارزیابی سریع ساحوی) می‌توان در جریان تطبیق پالیسی استفاده کرد. شاخص‌های کمی را می‌توان از طریق تقسیم روند تطبیق پالیسی به اهداف ربع وار و سالانه بدست آورد.

ولی چنین راهکاری، زمانی معنادار می‌شود، که با روش‌های کیفی برای جمع‌آوری معلومات و تحلیل آنها، بتوان زمینه تحلیل عمیق‌تر روند پیشرفت پالیسی را فراهم کرد.

در سطح ملی می‌توان یک کمیته جانبی نظارت و ارزیابی راه، تحت کمیته نظارت بر پالیسی، ایجاد کرد که در ترکیب آن شرکای عمده‌ای مانند همکاران تطبیقی و مراجع تصمیم‌گیرنده پالیسی شامل باشند تا نه تنها بر روند مراقبت و ارزیابی نظارت داشته باشند، بلکه در عین زمان نتایج به دست آمده را جهت بهبود پالیسی‌های آینده مورد استفاده قرار دهند.

مسایل و موضوعات مشترک پالیسی

جنسیت (جندر)

حکومت، یک بار دیگر، از اراده خود بر پابندی بر اجرای مکلفیت‌های خویش در بخش جنسیت (جندر) مطابق به احکام قانون اساسی، کنوانسیون‌های بین‌المللی که افغانستان به آنها ملحق گردیده، به شمول کنوانسیون محو تمام انواع خشونت علیه زنان (CEDAW)، استراتژی انکشاف ملی افغانستان (ANDS)، برنامه کاری ملی برای زنان افغانستان (NAPWA)، همچنین قرارداد افغانستان و اهداف انکشافی هزاره سوم افغانستان (MDGs) اطمینان می‌دهد.

هدف غایی حکومت افغانستان همانا تحقق تساوی جنسیتی می‌باشد؛ وضعیتی که در آن زنان و مردان به صورت کامل از حقوق خویش بهره‌مند باشند، در عرصه‌های انکشافی به صورت مساوی همکاری نمایند و از

فواید آن مستفید گردند و از پیگیری آنچه برای داشتن یک زندگی کامل و رضایت‌بخش مناسب، پسندیده و لازم پنداشته می‌شود، محروم نگردند. جهت نیل به هدف تأمین عدالت جنسیتی، تمام ارگان‌های حکومتی به بذل مساعی در عرصه عدالت جنسیتی، به شمول طرح پالیسی‌ها، استراتژی‌ها، بودجه‌ها و برنامه‌های درخور عدالت جنسیتی، اقدام و آنها را تطبیق خواهند نمود. حصول اطمینان از تحقق عدالت جنسیتی وجبیه مشترک ارگان‌های دولتی در سطوح ملی و محلی می‌باشد. طوری که در استراتژی انکشاف ملی تذکر یافته، تمام ارگان‌های دولتی محیط کاری را طوری عیار خواهند ساخت که:

(۱) حامی روابط مساوی میان زنان و مردان باشد؛

(۲) ساختارهای مناسب داخلی برای تأمین عدالت جنسیتی را به میان خواهند آورد؛

(۳) از شوراهای زنان پشتیبانی خواهند نمود؛

از آنجایی که تمام ادارات دولتی باید موضوع جنسیت را در کارهای خود در نظر بگیرند، ریاست مستقل ارگان‌های محلی اطمینان حاصل خواهد نمود که والی‌ها، به حیث رؤسای شوراهای انکشاف ولایتی و آمرین اجرایی ولایات، مراقب خواهند بود تا موضوعات جنسیت در پلان‌های انکشاف ولایتی و در تمام امور مربوط به ادارات ولایتی، ولسوالی‌ها و قریه‌جات مد نظر گرفته شود. شوراهای ولایتی در ولایات مربوطه شان مسئول نظارت بر اجراءات دولت در امور مربوط به جنسیت خواهند بود. این معلومات در اختیار ریاست مستقل ارگان‌های محلی، ریاست عمومی احصائیه مرکزی و وزارت‌های مربوطه قرار داده خواهد شد تا از پیشرفتی که در راستای نیل به اهداف جنسیت (جندر) صورت می‌گیرد مطلع باشند.

به منظور نظارت بر وضعیت عدالت جنسیتی و این که چه پیشرفت‌هایی در راستای ایجاد اوضاع مساعد برای تأمین عدالت جنسیتی صورت گرفته، ادارات مربوطه ولایتی و ریاست عمومی احصائیه مرکزی ملزم به جمع‌آوری اطلاعات تفکیک شده بر اساس جنسیت خواهند بود. وزارت‌ها باید حین طرح پلان‌های خود از این گونه معلومات استفاده کنند.

- پالیسی ادارات محلی از حصول این معیارها در چارچوب استراتژی‌ها و پالیسی‌های فوق‌الذکر پشتیبانی کامل می‌کند؛
- تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان:
 - عدم تساوی جنسیتی را در تمام سطوح تحصیلی تا سال ۲۰۲۰ از بین ببرد؛
 - ناهمگونی‌های جنسیتی در عرصه‌های اقتصادی را تا سال ۲۰۲۰ کاهش دهد؛

- طبقه‌اناث در نهادهای انتخابی و انتصابی حکومت را در تمام سطوح تا سال ۲۰۲۰ تا ۳۰ فیصد افزایش دهد؛

- تفاوت جنسیتی در دسترسی به عدالت را تا سال ۲۰۱۵ کاهش داده و تا سال ۲۰۲۰ کاملاً محو نماید؛

- بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ نسبت مرگ و میر مادران را تا ۵۰ فیصد کاهش دهد و سطح مرگ‌ومیر مادران را از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۲۰ به ۲۵ فیصد دیگر نیز کاهش دهد.

طوری که در استراتژی انکشاف ملی افغانستان تذکر رفته است:

تا ماه جدی سال ۱۳۸۹ (پایان سال ۲۰۱۰) پلان کاری برای زنان افغانستان به صورت کامل تطبیق خواهد شد. در راستای اهداف انکشافی هزارهٔ سوم، اشتراک زنان در تمام ادارات حکومت‌داری محلی، به شمول پست‌های انتخابی و انتصابی و خدمات ملکی، با اختصاص دادن کرسی‌های مشخص از طریق تصویب قانون تبعیض مثبت برای زنان تقویت خواهد شد.

طوری که در معاهدهٔ افغانستان تذکر رفته است:

- تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، برنامهٔ کاری ملی برای زنان افغانستان، به طور کامل، تطبیق خواهد گردید. در راستای دستیابی به اهداف انکشافی هزارهٔ سوم، شرکت زنان در تمام ادارات حکومتی - به شمول ادارات انتخابی و انتصابی سکتور خدمات ملکی - افزایش خواهد یافت.
- تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، در راستای برآورده شدن اهداف انکشافی هزارهٔ سوم، شمولیت خالص در مکاتب ابتدایی برای دختران و پسران، به ترتیب، حداقل ۶۰ فیصد و ۷۵ فیصد خواهد بود. یک نصاب تعلیمی جدید در تمام مکاتب متوسطه مورد استفاده قرار خواهد گرفت. تعداد آموزگاران زن به ۵۰ فیصد افزایش خواهد یافت و ۷۰ فیصد آموزگاران افغانستان امتحان سویه را سپری خواهند کرد. یک شیوهٔ خاص برای ارزیابی درجه پیشرفت یادگیری، مانند امتحان ملی برای شاگردان، ایجاد خواهد گردید.
- تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، تعداد شاگردان پوهنتون به ۱۰۰,۰۰۰ تن خواهد رسید، که حداقل ۳۵ فیصد آن شاگردان اناث خواهند بود. نصاب تعلیمی پوهنتون‌های دولتی - با در نظر داشت نیازمندی‌های انکشافی کشور و انکشاف سکتور خصوصی - مورد تجدید قرار خواهد گرفت.

- مطالعه در باره منابع بشری تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) تکمیل خواهد گردید و به تعداد ۱۵۰،۰۰۰ مرد و زن با استفاده از امکانات سکتورهای حکومتی و خصوصی تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی) در بخش مهارت های مسلکی آموزش خواهند دید.
- تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، در راستای برآورده شدن اهداف انکشافی هزارساله افغانستان، مجموعه خدمات اساسی صحتی انکشاف خواهد یافت تا حداقل نود فیصد نفوس را احتوا نماید. مرگومیر مادران پانزده فیصد کاهش خواهد یافت و تمام کودکان کمتر از پنج سال از طریق واکسین در مقابل امراض مصونیت حاصل خواهند کرد و میزان تلفات بیست فیصد کاهش خواهد یافت.

استراتژی‌ها و پلان‌های وزارت‌ها، به خصوص پالیسی‌های تفویضی‌شان، به هدف رسیدن به معیارهای متذکره تدوین خواهند گردید.

برنامه کاری ملی برای زنان افغانستان هسته مرکزی پالیسی‌ها و استراتژی‌های حکومت را تشکیل می‌دهد. این پالیسی حکومت‌داری محلی از تطبیق برنامه کاری ملی برای زنان افغانستان به صورت کامل حمایت می‌کند.

همان‌طور که در استراتژی انکشاف ملی افغانستان تعهد شده است، دولت، قانون برابری زنان و تبعیض مثبت برای زنان را طرح خواهد نمود و، بر مبنای آن، در تمام ادارات دولتی (به شمول نهادهای انتخابی، انتصابی و خدمات ملکی) برای آنها فیصدی معینی از کرسی‌ها را اختصاص خواهد داد.

به همین ترتیب، ادارات محلی پالیسی تبعیض مثبت برای زنان را تطبیق خواهند کرد. آن بخشی از مندرجات این پالیسی که مربوط به خدمات ملکی محلی می‌گردد، توسط کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی تصویب و در تمام مراجع محلی عملی خواهد گردید. همچنین این پالیسی در نهادهای نمایندگی‌کننده، مانند شوراهای محلی نیز، به ترتیب ذیل تطبیق خواهد گردید.

شوراهای منتخب	فیصدی کرسی‌های اختصاص یافته برای زنان
شورای ولایتی	۲۵ فیصد
شورای ولسوالی	۲۵ فیصد (در صورت عدم رقابت زنان، کرسی‌ها برای آنها حفظ نخواهند شد)

شورای قریه	هیچ
شورای شاروالی	۲۵ فیصد

در طی اولین دور بازنگری عمده و اساسی پالیسی، که قرار است در سال ۱۳۹۲ هجری خورشیدی، (۲۰۱۳ میلادی) صورت گیرد، حکومت موضوع ریزرف نمودن فیصدی خاصی از کرسی ها را در شورای قریه برای زنان مورد غور قرار خواهد داد.

تصویب و عملی ساختن یک استراتیژی جامع رهبری و رشد ظرفیت‌ها برای زنان

حکومت، تحت رهبری وزارت امور زنان و کمیسیون خدمات ملکی، یک استراتیژی جامع را برای رهبری و رشد ظرفیت‌های زنان طرح، تصویب و تطبیق خواهد نمود، که حاوی تدابیر مشخص برای به وجود آوردن ظرفیت رهبری در زنان و تشویق آنها جهت مشارکت در حیات عامه خواهد بود. استراتیژی متذکره مشتمل بر اجزای ذیل خواهد بود:

- **ایجاد یک نهاد مسؤل رهبری زنان:** یک گروپ کاری با سوئیۀ عالی، چند سکتوری و چندین جوانب ذی‌دخل، تحت اثر کابینه و مقام ریاست جمهوری ایجاد خواهد گردید. گروپ کاری متذکره از رهبری زنان دفاع و حساب‌دهی اداری را تطبیق نموده و نیز از عملی شدن پالیسی تبعیض مثبت برای زنان و سایر اقدامات لازم برای ارتقای رهبری زنان و مشارکت آنها در حکومت‌داری در سطح مرکز و ولایات نظارت خواهد نمود. علاوه بر آن، مرجع متذکره به شکایات مبنی بر اعمال تبعیض علیه زنانی که در دولت کار می‌کنند و در تلاش دریافت وظیفه در ادارات دولتی می‌باشند، نیز، رسیدگی خواهد نمود.
- **پالیسی تبعیض مثبت:** طوری که در فوق تذکر رفت، اقدامات مشخص کوتاه‌مدت و درازمدت، جهت مشارکت و رهبری زنان در سطوح ولایتی، ولسوالی، قریه ها و شاروالی ها اتخاذ خواهد شد. قانون مربوط به اقدام تبعیض مثبت مبنی بر اختصاص دادن تعدادی از کرسی‌ها برای زنان تصویب خواهد شد. اهداف موضوعه به حیث اهداف کوتاه‌مدت تلقی خواهد گردید نه درازمدت. اقدام تبعیض مثبت برای زنان با اصلاحات تحصیلی برای زنان، که در سرتاسر کشور پیاده خواهد گردید، پیوند داده خواهد شد.
- **پلان‌گذاری شخصیت کاری و پروگرام ارتقای ظرفیت:** به منظور برنامه‌ریزی برای رشد شخصیت کاری زنان و افزایش ظرفیت‌های آنها، پروگرام‌های ولایتی ایجاد خواهند گردید. در این

برنامه‌ها روی تقویت روحیه، روش‌ها و رویکردهای رهبری و تصمیم‌گیری مؤثر، مذاکره و یافتن متحدین، مدیریت و نظارت، اداره عامه، ارتباطات و ایراد بیانیه‌ها در محضر عام، تحلیل و تفکر استراتژیک، تمرکز بیشتر صورت خواهد گرفت. برای زنانی که با کمیته‌های انکشاف ولایتی کار می‌کنند نیز برنامه‌های خاص، با هدف رشد ظرفیت‌ها، طرح و تطبیق خواهد گردید. هر چند برای یافتن یک مرجع مناسب به عنوان مرکز اداری این ابتکار، بحث بیشتر لازم است، کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی و وزارت امور زنان این برنامه را برای پلان، نهایی خواهند ساخت.

- **سازماندهی و ایجاد همبستگی:** شبکه‌های مسلکی و مشورتی زنان و همچنین ابتکارات بین‌الاداری، که هدف آن ایجاد همبستگی میان زنان و همکاری‌های مفید آنها با مردان باشد، مورد پشتیبانی قرار خواهند گرفت. همچنین از کسانی که به سازماندهی این گونه شبکه‌ها یا سازمان‌هایی همت می‌گمارند نیز حمایت خواهد شد. توجه خاص به ایجاد همبستگی میان زنان در دهات، زنانی که عضویت پارلمان کشور را دارند و زنانی که در چوکات دولت ایفای وظیفه می‌کنند، مبذول خواهد گردید. مراکز ویژه ای برای اجتماع و گردهم‌آیی زنان و نیز در راستای تبادل افکار و آراء آنها پیرامون موضوعات مهم، ایجاد خواهد گردید. وزرات امور زنان و ریاست‌های سکتوری آن اقدام به تأسیس انجمن‌های خاص برای اعضای زن شورای ولایتی، شورای ولسوالی و کارمندان خدمات ملکی خواهند نمود.

- **آگاهی از موضوعات مربوط به جنسیت (جندر):** دوره‌های آموزشی لازم جهت افزایش آگاهی از موضوعات جنسیت به صورت اجباری برای مقامات تصمیم‌گیرنده، پالیسی‌سازان، قانون‌سازان، پلان‌سازان و آمرین پروگرام‌ها، احصائیه‌گیران و سایر مقامات کلیدی در سطح ملی و محلی حکومت، همچنین، در ارگان‌های قضایی و تنفیذ قانون دایر خواهد گردید. کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی مکلف خواهد بود تا از تدویر چنین دوره‌های آموزشی برای مأمورین ملکی در سراسر کشور اطمینان دهد. همچنین اداره مستقل ارگان‌های محلی نیز از راه‌اندازی این گونه برنامه‌های آموزشی برای مقامات تحت نظارت آن اعم از والی‌ها، ولسوال‌ها و شوراهای منتخب اطمینان خواهد داد.

- **سیستم‌های مراقبت و حمایت از خانواده:** سیستم‌های مراقبت از خانواده برای حمایت از زنان و مردان کارمند، به شمول کودکان‌ها یا مراکز مراقبت روزانه برای اطفال زیر سن مکتب، برنامه‌های بعد از مکتب، سهولت ترانسپورت، تدابیر انعطاف پذیر در خصوص تنظیم اوقات کاری و خدمات مشورتی پیرامون حفظ تعادل میان وظیفه و زندگی آنان فراهم آورده خواهد شد. این مسایل با پلان دولت، مبنی بر ایجاد یک دستگاه مرکزی حکومت با موقعیت مرکزی، مطابقت دارد که دفاتر دولتی در آن جمع گردیده و برای مردم دسترسی به آن سهل‌تر خواهد بود.

- **حساب‌دهی:** مطابق به اهداف این سکتور، سیستم‌های حساب‌دهی و مجازات و پاداش برای مراجع و ارگان‌های ذی‌ربط ایجاد خواهد گردید. تمام وزارت‌های مربوطه و دفاتر ولایتی آنها مسوولیت خواهند داشت تا در راستای تأمین تساوی جنسیتی اقدامات جدی به عمل آورند. شوراهای ولایتی از

طریق سیستم‌های ارزیابی کارکرد، اطمینان حاصل خواهد کرد که ریاست‌های سکتوری در راستای تساوی هرچه بیشتر بین زنان و مردان، اقدامات لازم را اتخاذ و تطبیق خواهند نمود.

- **نظارت:** یک ساختار پیگیری‌کننده شخصیت کاری زنان و یک مخزن اطلاعات یا دیتابیس، جهت نظارت بر توازن جنسیتی در عرصه‌های دسترسی به فرصت‌های رشد ظرفیت، خدمات، ترفیع و گزارش‌های سالانه در مورد وضعیت رهبری توسط زنان و مشارکت آنها در تمام شئون زندگی، بنیان‌گذاری خواهد گردید. حکومت، بر حسب لزوم، از اقدامات خود مبنی بر عملی‌ساختن مواد کنوانسیون‌هایی که به آن ملحق گردیده است، به خصوص کنوانسیون محو تمام انواع خشونت علیه زنان، گزارش خواهد داد. کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی با همکاری وزارت امور زنان و دفاتر ولایتی آن، برای حصول این منظور، همکاری خواهند نمود.
- **تعلیمات مدنی:** کورس‌های تعلیمات مدنی برای زنان و دختران در سرتاسر کشور دایر خواهد گردید. فرصت‌های سهم‌گیری در برنامه‌های آموزشی و سمینارها برای زنان فراهم خواهد گردید تا مهارت‌های آنها در مشارکت اجتماعی و رهبری افزایش یابد. علاوه بر این، مضمون تعلیمات مدنی در نصاب تعلیمی مکاتب و پوهنتون‌ها نیز شامل خواهد شد. وزارت معارف، وزارت تحصیلات عالی، وزارت امور زنان و کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی از عملی‌ساختن برنامه تعلیمات مدنی اطمینان خواهند داد.

افزایش فرصت‌ها و میکانیزم‌ها برای رهبری توسط زنان و مشارکت اجتماعی آنها

استخدام و به کارگماشتن تعداد بیشتر استادان و کارمندان صحنی از طبقهٔ انانث، یک نقطهٔ آغاز خواهد بود، که این تعامل در سایر بخش‌ها به شمول سکتور زراعت، کار و امور اجتماعی که عادتاً کارمندان ساحوی استخدام می‌کنند، گسترش خواهد یافت.

مشارکت جوانان

همان گونه که در استراتیژی انکشاف ملی تذکر رفته است، «تا ختم سال ۱۳۸۹، میکانیزم‌های معینی برای تأمین مشارکت جوانان در حکومت‌داری محلی، ولایتی و ملی فراهم خواهد گردید.»

این پالیسی مستلزم یک سلسله فعالیت‌هایی می‌باشد که حکومت باید آن را در جهت تأمین مشارکت جوانان در حکومت‌داری محلی و شاروالی انجام دهد.

برای ترویج مشارکت جوانان در حکومت‌داری محلی، نیازمندی‌های سنی قرار ذیل تعیین خواهد گردید:

مقام	حد اقل سن
عضویت در شورای ولایتی	۲۲
عضویت در شورای ولسوالی	۲۲
عضویت در شورای قریه	۲۲
عضویت در شورای شاروالی	۲۲
شاروال	۳۰

این امر به جوانان فرصت خواهد داد تا با ایفای وظیفه، به حیث مقامات منتخب در مراجع محلی، به صورت فعالانه در حکومت‌داری سهیم شده و در روندهای تصمیم‌گیری حکومت مستقیماً دخیل باشند.

به منظور حصول اطمینان از مشارکت جوانان در حکومت‌داری محلی، اقدامات ذیل به عمل خواهد آمد:

- مکاتب، کالج‌ها و پوهنتون‌ها جوانان را برای مشارکت در حکومت‌داری آماده خواهند ساخت و موضوعات شهروندی در نصاب آموزشی این مؤسسات تحصیلات عالی گنجانیده خواهد شد.
- مراجع حکومت‌داری محلی در ولایات، ولسوالی‌ها، شاروالی‌ها و قریه‌ها «شوراهای جوانان» و «انجمن‌های جوانان» را در راستای بحث روی موضوعات مورد علاقه و اتخاذ تصمیم، ایجاد خواهد نمود. نهادهای حکومت‌داری محلی و شهری از طریق این انجمن‌ها و شوراها با جوانترین اعضای جامعه، به صورت منظم و دوره‌ای، گفتگو خواهند نمود. جوانان می‌توانند، از طریق همین شوراها، مراکز جوانان را تأسیس کنند و در آن به طرح و تطبیق پروژه‌ها بپردازند.
- ارگان‌های محلی پروژه‌هایی را که مشارکت جوانان در حکومت‌داری محلی و شهری را تقویت می‌کند، حمایت مالی خواهند نمود.
- مقامات ولایتی، ولسوالی‌ها، قریه‌جات و شاروالی‌ها جوانان و شوراها و انجمن‌های آنها را در طرح و تدوین پلان‌های انکشافی محلی دخیل خواهند ساخت.
- مقامات ولایتی، ولسوالی‌ها، قریه‌ها و شاروالی‌ها زمینه گفت‌وگو میان جوانان و مقامات دولتی را، در تمام سطوح، پیرامون مسایل مربوط به جوانان، مانند معارف، مسکن، محیط زیست، کاریابی، صحت، مبارزه با مواد مخدر، تشویق خواهند نمود و از ازدواج دختران زیر سن قانونی جلوگیری به عمل خواهند آورد.

- مقامات ولایتی، ولسوالی‌ها، قریه‌جات و شاروالی‌ها در جهت اشتغال‌زایی برای جوانان تلاش خواهند ورزید. کسب مهارت‌های مسلکی یکی از مهم‌ترین ابزار کاهش بیکاری نسل جوان می‌باشد. مقامات ولایتی، ولسوالی‌ها، قریه‌جات و شاروالی‌ها جوانان را به شرکت در کورس‌هایی که مهارت‌های مورد نیاز و مقضای روز را در آن فراگرفته بتوانند، تشویق خواهند نمود.

مشارکت جامعه مدنی و رسانه‌ها در حکومت‌داری محلی

ارگان‌های محلی ما پایبند حکومت‌داری دموکراتیک خواهند بود، و در خصوص مسایل مربوط به منافع عامه مباحثات علنی را خواهند پذیرفت، و انتقاد از مقامات را تحمل خواهند کرد. رسانه‌ها و جامعه مدنی برای تحقیقات باز خواهند بود. ارگان‌های محلی به اولویت‌ها و ارجحیت‌های بیان شده از جانب مردم توجه خواهند نمود.

ارگان‌های محلی مشارکت جامعه مدنی را به صورت کامل تسهیل خواهند نمود. به صورت دقیق‌تر، ارگان‌های محلی به موارد ذیل اجازه داده و آن را ترویج خواهند نمود:

- **شریک نمودن معلومات:** ارگان‌های محلی معلومات مربوط به بودجه و عرضه خدمات عامه را در دسترس عامه مردم قرار خواهند داد.
- **مشوره:** ارگان‌های محلی از طریق مشورت با شوراها، جلسات، جرگه‌ها، نهادهای جامعه مدنی و مؤسسات غیردولتی در مورد اولویت‌های شهروندان، معلومات لازم را جمع‌آوری نموده و در تصمیم مربوط به مسایل شهروندان، آنها را مدنظر قرار خواهند داد.
- **تصمیم‌گیری مشترک:** شهروندان نه تنها در رابطه به نیازمندی‌ها و اولویت‌های خود معلومات لازم را ارائه می‌دهند، بلکه در عرصه تصمیم‌گیری واقعی نیز فعالانه سهیم می‌باشند.
- **آغاز و کنترل روند توسط مردم:** شهروندان بالای تمام روند طرح، تدارک بودجه و تطبیق پروژه‌ها کنترل مستقیم دارند. چنانچه در پروژه‌های همبستگی ملی و سایر پروژه‌های انکشافی که توسط مردم تطبیق می‌گردند، این امر دیده می‌شود.

میکانیزم‌های مشارکت نهادهای جامعه مدنی

۱. ادارات محلی برنامه‌هایی را طرح خواهند کرد که در آن ساختارهای محلی از صلاحیت واقعی در مصرف هزینه‌های انکشافی برخوردار خواهند بود (مانند شوراها، انکشافی قریه). همچنین این ادارات با همکاری جامعه مدنی، خدمات و پروژه‌ها برای استفاده اجتماعات محلی را به طور مشترک

- طرح خواهند نمود. ارگان‌های محلی نهادهای جامعه مدنی را در طرح و تطبیق برنامه‌های خویش دخیل خواهند نمود.
۲. مقامات ولایتی، ولسوالی‌ها، قریه‌جات و شاروالی‌ها جامعه مدنی را در نظارت بر اجراءات حکومت محلی دخیل خواهند ساخت. بدین منظور شوراهای منتخب ولایات، ولسوالی‌ها، شاروالی‌ها و قریه‌ها با نهادهای جامعه مدنی رابطه برقرار خواهند نمود. بر اساس قانون، به مردم حق تفتیش و بررسی اجتماعی از کارکرد ادارات محلی داده خواهد شد.
 ۳. در حال حاضر، نهادهای رسمی و غیر رسمی حکومت‌داری با هم ارتباط دارند و در آینده ارگان‌های محلی ما، در همه سطوح، این روابط را از طریق مشاورت با نهادهای غیررسمی حکومت‌داری حفظ خواهند نمود.
 ۴. حکومت شیوه برنامه‌ریزی و بودجه‌سازی اشتراکی را در ولایات، ولسوالی‌ها، شاروالی‌ها و قریه‌جات معرفی خواهد نمود. این امر به شهروندان فرصت خواهد داد تا در مورد کارکردهای حکومت معلومات به دست آورده و روی تخصیص‌دهی منابع عامه فکر، بحث و اعمال نفوذ نمایند.
 ۵. این نهادها زمینه سایر اقدامات حساب‌گیری اجتماعی نظیر پی‌گیری مصارف عامه، تفتیش اجتماعی و کارت‌های ارزیابی اجتماعی را فراهم خواهد نمود. شفافیت و حساب‌دهی، که در اثر بودجه‌سازی اشتراکی به وجود می‌آید، به ادارات محلی در زمینه کاهش بی‌کفایتی و فساد کمک شایانی خواهد نمود. ادارات محلی، برای افشار محروم و به حاشیه‌رانده شده این فرصت را فراهم خواهند آورد تا بتوانند صدای خود را به گوش مسئولان رسانیده و بر اتخاذ تصمیم تأثیر بگذارند.
 ۶. ارگان‌های محلی، انجمن‌های مسلکی را ترویج و با ایشان در خصوص موضوعات مورد علاقه مشوره خواهند نمود.
 ۷. ارگان‌های محلی از دخیل ساختن نهادهای جامعه مدنی، که شهروندان را از مسئولیت‌های مالیاتی‌شان آگاه می‌سازند، پشتیبانی خواهند کرد.
 ۸. حکومت با مشوره جوامع محلی نقشه‌برداری سیاسی و اداری کشور را با واحد قراردادن قریه‌جات و گذرها انجام خواهد داد و این نقشه‌های سیاسی و اداری را برای استفاده در امور انتخابات، پلان‌گذاری اقتصادی و اجتماعی و تطبیق پالیسی‌های حکومت‌داری محلی در دسترس قرار خواهد داد.
 ۹. در استراتیژی سکتور حکومت‌داری، اصلاحات اداره عامه، حقوق بشر و استراتیژی انکشاف ملی افغانستان تعهد گردیده است که ثبت اراضی با همکاری مردم در تمام واحدهای اداری صورت گیرد و بر اساس آن باید ثبت قبالة‌جات تا جدی سال ۱۳۸۷ آغاز شود. حکومت از طریق مشوره با شوراهای شهروندان حدود علفچرها، جنگلات و زمین‌های شخصی زراعتی و نیز حدود قریه‌های فرعی در قریه‌های بزرگ را تعیین خواهد نمود.
 ۱۰. زمانی که منابع طبیعی توسط میکانیسم‌های محلی و با حمایت حکومت‌های مشروع محلی مدیریت شوند، می‌توانند تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بالای رشد و انکشاف دوام‌دار و کاهش فقر داشته باشند. هر نوع مداخلات مربوط به مدیریت منابع طبیعی بر بنیاد مشورت‌های همه‌جانبه با جوامع محلی (که

شامل گروه‌های حاشیه‌ای، مانند شبانان و گروه‌های بومی نیز می‌شود) و با در نظر داشت ارزش‌های محلی صورت خواهد گرفت. این اقدامات یک بخش مهم را در روند پایدار فقرزدایی تشکیل می‌دهد، زیرا افزایش محصولات به صورت مستقیم سبب افزایش معیشت، مصونیت غذایی و مشارکت در بازار می‌گردد. استفاده از محیط طوری صورت خواهد گرفت که متضمن بقاءپذیری محلی، پاسخ‌دهی به نیازهای مردم فقیر و در مطابقت با ارزش‌ها و فرهنگ محل باشد. ارگان‌های محلی و جامعه مدنی (گروه‌های استفاده‌کنندگان، مجامع تولیدی و غیره) در اتخاذ تصمیم و مدیریت منابع طبیعی قابل تجدید، نقش برجسته‌ای ایفا خواهند کرد. ارگان‌های محلی طرزالعمل‌ها و میکانیزم‌هایی را ترویج خواهند نمود که به حقوق و منافع تمام طرف‌های ذی‌علاقه، به شمول حق اشتراک در تصمیم‌گیری پیرامون موضوعات محیط زیست، احترام قایل باشند.

۱۱. **میکانیزم رسیدگی به شکایات مردم:** ارگان‌های محلی در مقابل مردم مسئول خواهند بود. آنها مسئولیت‌های خود را به ترتیب ذیل انجام خواهند داد:

- اخذ مشوره‌ها و نظریات استفاده‌کنندگان به صورت منظم و دوامدار، به شمول مشارکت متداوم استفاده‌کنندگان؛
- اتخاذ معیارها و خدمات قابل اندازه‌گیری و پذیرفته‌شده؛
- فراهم‌نمودن معلومات کافی و واضح برای استفاده‌کنندگان خدمات،
- رسیدگی به شکایات.

این نهادها، تحت نظر شوراهای محلی مربوطه، یک میکانیزم مؤثر رسیدگی به شکایات را طرح خواهند نمود:

- افزایش سطح رضایت استفاده‌کنندگان، با ارائه خدمات و بهبود روابط بین استفاده‌کننده و عرضه‌کننده،
- شناسایی، توسعه و حمایت از حقوق مشتریان به شمول حق تبصره و شکایت؛
- برای حل و فصل شکایات مشتریان یک میکانیزم مؤثر، عادلانه و قابل دسترس را فراهم نماید.
- به استفاده‌کنندگان راجع به روند رسیدگی به شکایات معلومات بدهد.
- برای نظارت بر شکایات، اجازه داده و برای بهبود کیفیت خدمات تلاش نماید.

رسیدگی به شکایات می‌تواند زمینه‌ای ارائه نظریات را نسبت به اداره مربوطه در باره خدمات و کیفیت آن فراهم آورد. و نیز نوعی میکانیزم استماع دوامدار را در ادارات به وجود می‌آورد که در غیر آن ممکن نبود به وجود آید. میکانیزم رسیدگی به شکایات در ارگان‌های محلی قابل دید، قابل دسترس و پاسخ‌گو خواهد بود. مردم خواهند دانست که کجا و چگونه شکایت کنند و چگونه شکایات خویش را درج نمایند. میکانیزم شکایت، ساده و آسان خواهد بود. ارگان‌های محلی تلاش خواهند ورزید تا به مردم این احساس را بدهند که شکایات نه تنها با خوشرویی پذیرفته می‌شود، بلکه با جدیت نیز پیگیری می‌گردد. به عبارت دیگر در اداره، فرهنگ پاسخ‌گویی وجود دارد. از نظریات مردم به صورت دوامدار برای بهبود این روند استفاده خواهد گردید. مسئولان اجرایی

ارگان‌های محلی به روند رسیدگی به شکایات متعهد بوده و موافقت خود را از طریق صادر نمودن هدیایات به کارمندان و با تبلیغات نشان خواهند داد. روی هم‌رفته مسئولیت شکایات بدوش رؤسا خواهد بود. این میکانیزم با منابع کافی غنی خواهد گردید. روند رسیدگی به شکایات توان یافتن راه حل و عملی ساختن آن را خواهد داشت. شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و قریه در روند رسیدگی به شکایات نقش مهمی را ایفا خواهند نمود.

مبارزه با فساد

به منظور مبارزه با فساد در سطح محل، اقدامات ذیل باید صورت گیرد:

- حکومت قانون دسترسی به معلومات را وضع خواهد نمود. ماده ۵۰ قانون اساسی افغانستان در این زمینه چنین صراحت دارد: «... اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می‌باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد...» دولت، قانون حق دسترسی به معلومات را وضع خواهد نمود تا مردم و جامعه مدنی از این حق قانونی خود مستفید شده بتوانند. حق دسترسی به معلومات دولتی یک حق اساسی بوده و شالوده روند حساب‌دهی را پی‌ریزی می‌کند. قانون متذکره به شهروندان حق خواهد داد تا در حدود احکام آن به معلومات موجود در دفاتر دولتی دسترسی داشته باشند. دسترسی به معلومات دولتی زمینه را برای شفافیت و حساب‌دهی در کارکردهای دولت مساعد می‌سازد. این قانون از حکومت‌داری خوب پشتیبانی خواهد نمود. این قانون حاوی یک طرز‌العمل، معرفی مقامات دولتی مسئول برای پاسخ‌گویی به تقاضای اخذ معلومات از جانب مردم، تعریف صلاحیت‌های مقامات دولت برای عدم افشای بعضی معلومات مشخص دولتی و توضیح موارد مشخص محدودیت‌ها در دسترسی به برخی معلومات دولتی خواهد بود.
- ارگان‌های محلی از طریق افزایش آگاهی در مورد فساد و پیامدهای آن، همچنین ارزیابی آسیب‌پذیری از فساد در ارگان‌های محلی و تدابیر اتخاذ شده جهت رفع نمودن این آسیب‌پذیری‌ها، مشارکت سکاتور عامه و خصوصی، نهادهای جامعه مدنی، رسانه‌ها و جوامع را تشویق خواهند نمود.
- به رسانه‌ها و جامعه مدنی کمک خواهد شد تا از طریق فراهم نمودن جریان معلومات میان دولت و مردم در سراسر کشور، سطح آگاهی و معلومات مردم را در مورد فساد افزایش دهند. حکومت میکانیزم‌هایی را ایجاد خواهد نمود، تا با هماهنگی ساختارهای محلی، سطح آگاهی مردم بر ضد فساد بلند برده شود. حکومت برنامه‌ریزی‌ها، اجراءات و میکانیزم‌های نظارتی را شفاف‌تر، اشتراکی‌تر و حساب‌ده‌تر خواهد ساخت.
- ارگان‌های محلی تحت نظارت شوراهای انتخابی میکانیزم‌های رسیدگی به شکایات عامه را به حیث یک مرجع مواصلت شکایات علیه فساد، ایجاد و تطبیق خواهند نمود.
- ارگان‌های محلی به منظور کاهش فساد و افزایش مؤثریت از سیستم‌های کمپیوتری استفاده خواهند کرد.

- حکومت قبلاً ترتیبات لازم و اقدامات مقتضی قانونی را برای حفاظت از کسانی که فساد اداری را افشا می‌سازند، به عمل آورده است.
- حکومت سیستم حساب‌دهی به ملت را از طریق ایجاد یک سیستم تفتیش قوی، به شمول تفتیش داخلی و خارجی، تقویت خواهد نمود. حکومت تفتیش داخلی در ارگان‌های محلی را تقویت خواهد بخشید تا هم تفتیش مالی و هم تفتیش اجرایی، به مثابه ابزار مهم تأمین حساب‌دهی به ملت، انجام شده بتوانند.
- به منظور تأمین مدیریت شفاف منابع عامه، به گونه‌ای که فرصت‌های مخفی ساختن فساد را منتفی نماید، حکومت سیستم‌های مالی عامه را در ارگان‌های محلی تقویت خواهد نمود. در بخش مدیریت مصارف ارگان‌های محلی، حکومت سیستم‌های کمپیوتری مدیریت مالی را به ولایات گسترش خواهد داد، نرخ دقیق، چارچوب زمانی و طرزالعمل برای خدمات کلیدی حکومتی (مانند آب و برق) را به موقع و به صورت شفاف و قابل دسترس فراهم خواهد ساخت و فعالیت‌های تفتیش حسابات مالی را، مطابق به معیارهای بین‌المللی، افزایش خواهد داد.
- حکومت یک سیستم تدارکات معیاری و منسجم را، که در مطابقت با قانون تدارکات نیز قرار داشته باشد، تطبیق خواهد نمود. حکومت ظرفیت پرسونل محلی بخش تدارکات را ارتقا خواهد بخشید.
- حکومت اسباب بازنگری عدلی - قضایی اقدامات اداری را در سطح محلی فراهم خواهد نمود.
- محافظت از کارمندان دولتی و شهروندانی که فساد را برملا یا نکوهش کنند.

افزایش سطح آگاهی مردم، به شمول آگاهی بهتر از قانون، یک عنصر مهم پیش‌گیری در امر مبارزه با فساد بوده که باعث تقویت هرچه بیشتر اعتماد مردم نسبت به دولت می‌گردد. بهینه‌سازی واحدهای کاری، پیمایش عرضه خدمات عامه، قرار دادن این معلومات در دسترس مردم و مشوره منظم با مردم می‌تواند خدمات عامه را هرچه بیشتر قابل دسترس ساخته و زمینه را برای مشارکت وسیع‌تر شهروندان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مساعد سازد. در این راستا، حکومت و ارگان‌های محلی گام‌های ذیل را خواهند برداشت:

- وضع و تنفیذ قانون آزادی دسترسی به معلومات؛
- بهبود بخشیدن به قواعد تنظیم‌کننده روابط میان مقامات دولتی و شهروندان، و طرزالعمل‌های مربوط به دسترسی به معلومات. این قواعد توضیح دهنده تدابیر ویژه‌ای خواهد بود که در صورت عدم پاسخ‌دهی به موقع و کامل به درخواست یک عارض، به مرحله اجرا گذاشته خواهند شد.
- بلند بردن سطح آگاهی مردم راجع به حق اعتراض شهروندان.
- در مورد چگونگی طی مراحل درخواستی‌های شهروندان توسط مأمورین خدمات ملکی و رسیدگی به درخواست‌ها و شکایات شهروندان، قانون وجود خواهد داشت.

جامعه مدنی در واقع یک شبکه فعال از استعداد‌های گوناگون می‌باشد که هرگاه به صورت درست متمرکز گردد، می‌تواند نقش مهمی را به حیث دیده‌بان کارکردهای حکومت در تأمین عدالت، حساب‌دهی، شفافیت و پاسخ‌گویی ایفا نماید. نقش ارزنده جامعه مدنی در پرداختن به مسایل مربوط به فساد و توانایی آن در استفاده از حقوق بشر برای مبارزه با فساد، به عنوان مثال، از طریق قوانین دسترسی به معلومات، مورد تشویق قرار داده خواهد شد. جامعه مدنی در نظارت بر مصارف عامه در ولایات (جایی که عرضه خدمات به شکل واقعی آن صورت می‌گیرد) نقش مهمی را بازی خواهد نمود. مشارکت مؤثر شهروندان چیزی فراتر از مشوره‌دهی معنا می‌دهد. ریشه‌کن‌سازی فساد تغییر رفتارها، عادات و سلوک منفی را نیز در بر می‌گیرد. در جریان پروسه آموزش‌دهی و حساس‌سازی عامه، فرهنگ مبارزه با فساد و عدم پذیرش فساد به حیث یک شیوه زندگی نیز به آنها آموزش داده خواهد شد.

جامعه مدنی و رسانه‌های جمعی، هر دو، در بلندبردن سطح آگاهی مردم دخیل خواهند بود. رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی به مردم نقش عمده‌ای را بازی می‌کنند. جامعه مدنی تشویق خواهد شد تا در کمپاین مبارزه با فساد اشتراک نماید. به رسانه‌ها اجازه داده خواهد شد تا در مورد قضایای فساد، معلومات بی‌طرفانه و عادلانه را به مردم برسانند. یک ارتباط قوی میان رخدادهای فساد و حدود آزادی رسانه‌ها وجود دارد. اگر قرار باشد که رسانه‌ها مؤثر واقع گردند، باید آزادی داشته باشند. ژورنالیزم مستقل می‌تواند از طریق راه‌اندازی مباحثات عامه، به نحوی که باعث تشدید رقابت‌های سیاسی و اقتصادی گردد، به حیث ابزار کنترولی فساد، عمل نماید.

اصلاحات ادارات عامه

حکومت‌داری خوب و مهیاسازی یکسان خدمات عامه باکیفیت، مستلزم ایجاد اصلاح و تقویت ادارات عامه در تمام سطوح می‌باشد. هدف حکومت عبارت است از ایجاد یک اداره مؤثر، حساب‌ده، و از نظر جنسیتی عادل در مرکز، ولایات، ولسوالی‌ها و شاروالی‌ها که قادر به تأمین امنیت، فراهم نمودن یکسان خدمات اساسی اجتماعی و یک محیط مناسب برای رشد اقتصادی باشد.

وزارت‌های سکتوری با همکاری کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی به پیشرفت‌های بزرگ در راستای تطبیق اصلاحات اداره عامه در سطح محلی نائل گردیده‌اند. شورای ملی قانون خدمات ملکی را تصویب نموده است. حکومت، قانون رتب و معاشات را تصویب نموده است. قانون رتب و معاشات در برخی از وزارت‌ها در سطح مرکز تطبیق گردیده است.

کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی در راستای تطبیق اصلاحات اداره عامه با ایجاد دفاتر ساحوی، کمیته‌های تعیینات ولایتی، کمیته‌های بررسی ولایتی، گروه‌های ارتقای ظرفیت ولایتی و کمیته‌های همکاری ولایتی، گام‌های سازنده و مؤثری را برداشته است. مراکز آموزشی خدمات ملکی در ۲۰ ولایت از ۳۴

ولایت کشور تا کنون ایجاد گردیده‌اند. در این مراکز تعداد ۲۶۲۰ کارمند خدمات ملکی رشته‌های کامپیوتر، زبان انگلیسی و مدیریت دوره‌های آموزشی را سپری نموده‌اند. دفاتر ساحوی کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، به طور فعال، در تطبیق اصلاحات اداره عامه در سطح ولایت و ولسوالی نظارت می‌نمایند. تطبیق اصلاحات اداره عامه در واحدهای سومی اداره مستقل ارگان‌های محلی، وزارت زراعت، مالداري و آبیاری، وزارت داخله، وزارت مالیه و وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی جریان دارد. تطبیق اصلاحات در سطح محلی نسبت به تطبیق اصلاحات در سطح ملی با در نظر داشت ظرفیت پایین‌تر، منابع کمتر و فواصل بیشتر با چالش‌های بیشتری مواجه می‌باشند.

طبق استراتیژی حکومت‌داری، اصلاحات سکتور عامه و حقوق بشری استراتیژی انکشاف ملی (۲۰۱۳-۲۰۰۸) نتایج متوقعه تطبیق این پالیسی در پیوند با اصلاحات اداری در سطح محلی و ارتقای ظرفیت‌ها، به قرار ذیل می‌باشند:

- بهبود عرضه خدمات در سطح ملی و محلی؛
- تا سال ۲۰۱۳ اصلاحات اداره عامه در تمام وزارت‌ها و ادارات دولتی در سطح ملی و محلی به شمول شاروالی‌ها تطبیق خواهد شد.
- تشکیلات تمام ادارات در راستای مطابقت با وظایف آنها اصلاح خواهد شد.
- خدمات ملکی در راستای بازتاب وظایف و مسؤلیت‌های اساسی و روندهای مدیریتی اصلاح خواهد شد.
- رتبه‌های کارمندان ملکی تجدید نظر گردیده و کارمندان آن از طریق تعیینات مبتنی بر اصل شایسته‌سالاری، تقرر حاصل خواهند نمود.
- اصلاحات اداری به منظور همگون‌سازی ساختارها با وظایف و استخدام مبتنی بر اصل شایستگی در تعدادی از وزارت‌ها آغاز شده است. این روند در تمام وزارت‌ها و دفاتر در سطح ملی و محلی تطبیق خواهد گردید.
- کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی واحدهای کاری مشترک را در تمام وزارت‌ها و دفاتر تقویت خواهد نمود.
- کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی یک چارچوب قانونی جامع و حساس به مسایل جنسیتی را، به شمول مقررات مدیریت منابع بشری، مقررات رتب و معاشات، مقررات مربوط به تقاعد و تنقیص، وضع خواهد نمود. حکومت چارچوب قانونی خدمات ملکی را در وزارت‌های ذی‌ربط و در تمام ادارات مرکزی و محلی تطبیق خواهد کرد.
- جهت تقویت کار کمیسیون اصلاحات اداری، استخدام مبتنی بر اصل شایستگی و ارزیابی اجراءات در سکتور خدمات ملکی در تمام سطوح دولت اجرا خواهد گردید. ارزیابی اجراءات مأمورین ملکی همه‌ساله اجرا خواهد شد.

- حکومت ظرفیت‌های نهادی و اداری ادارات ولایت، ولسوالی و شاروالی‌ها را در راستای مدیریت عرضه خدمات اساسی از طریق اصلاح تشکیلات سازمانی، اصلاح روندهای مدیریتی و انکشاف مهارت‌ها و دانش کارمندان خدمات ملکی، افزایش خواهد داد. تمام ادارات محلی دارای اهداف خدماتی تعریف شده خواهند بود. سیستم‌ها، پروسیجرها، رهنمودهای تمام ادارات محلی مورد بازنگری قرار خواهد گرفت و منابع بشری آموزش یافته و کادر آموزش یافته مجهز به اهداف خدماتی، تعریف شده خواهد بود.

- حکومت از طریق برنامه اصلاحات ادارات عامه اطمینان حاصل خواهد نمود که هماهنگی میان مقامات تصمیم‌گیرنده در دستگاه مرکزی دولت و ارگان‌های محلی بهبود یافته است. حکومت ساختار وزارت‌ها را در کابل و ولایات اصلاح و طرزاعمال‌های اداری و روندهای کاری را ساده خواهد ساخت. کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی در قسمت اصلاحات ادارات محلی، وزارت‌های مربوطه را معاونت خواهد نمود. حکومت در سطح ملی و محلی یک سکتور خدمات عامه مؤثر و از نظر مالی بجاپذیر را ایجاد و به تدریج معاشات کمکی راه، که دونه‌ها می‌پردازند، قطع خواهد نمود. کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی قواعد و طرزاعمال‌های خدمات ملکی را تقویت خواهد نمود که این کار شامل ترویج معیارهای عالی اخلاقی و وضع تدابیر انضباطی در مقابل فساد اداری و کارهای منافی اخلاق خواهد بود. حکومت یک سیستم استخدامی مبتنی بر اصل شایستگی را به کار گرفته است، که عدالت جنسیتی و تنوع قومی را تقویت می‌کند. بالاخره، حکومت یک برنامه منسجم و جامع انکشاف مهارت‌ها را برای مأمورین ملکی موجود و جدید تطبیق خواهد نمود. وزارت‌ها و ادارات دولتی، به صورت مستقیم، مسئولیت ریفورم و ارتقای ظرفیت‌های دفاتر مربوطه خویش را در سطح ملی و محلی به عهده خواهد داشت. کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی نقش یک مرجع توان‌دهنده، تسهیل‌کننده و مدافع را خواهند داشت.

- کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی از طریق سازماندهی و ساختاربندی مجدد ساختارهای حکومت به این نتایج دست خواهند یافت. گام‌هایی که باید در راستای کسب نتایج متذکره برداشته شوند، به قرار ذیل می‌باشد: دخ

- **انکشاف سازمانی** که بر بنیاد دیدگاه (دورنما)، مأموریت، استراتژی و وزارت/ اداره و وظایف عمده آن استوار خواهد بود.

- ساده‌سازی روندهای کاری که باعث بهبود عرضه خدمات و کاهش فساد خواهد گردید.

- اصلاح معاشات و رتب خدمات ملکی که در سطح ملی و محلی تطبیق خواهد گردید. سیستم جدید معاشات جایگزین سیستم کهنه معاشات خواهند گردید.

- **ارزیابی کارکرد** که بخشی از مدیریت منابع بشری را تشکیل می‌دهد. کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی فورمه‌ها، نمونه‌ها و رهنمودهای ارزیابی اجراات کارمندان را تهیه نموده است. برای نهادینه‌ساختن این روند ظرفیت وزارت‌ها باید ارتقا یابد.

- **ایجاد دیپارتمنت‌های مدیریت منابع بشری:** دیپارتمنت‌های مدیریت منابع بشری وزارت‌ها روند اصلاحات را به گونه مؤثر مدیریت خواهد نمود.
- **روند و طرز‌العمل‌های استخدام:** کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، از طریق بورد تعیینات، از استخدام افراد، با رعایت اصل شایستگی، اطمینان حاصل خواهد نمود. هرچند کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی برای بهبود روندها و طرز‌العمل‌ها راه‌های درازی را پیموده است، ولی هنوز هم با چالش ارتقای ظرفیت بورد تعیینات، از نظر کمیت و کیفیت روند استخدام، مواجه می‌باشد. بورد تعیینات، برای بهبود کمیت و کیفیت استخدام، یک برنامه کاری را طرح و آن را تطبیق خواهد نمود.

تعیینات رتبه‌ها و بست‌های ۳ تا ۸

منظوری تفرقات و انفصال بست‌ها و رتبه‌های ۵ و ۶ کارمندان ملکی در سطح ولایت، بعد از شناسایی و انتخاب توسط کمیته بررسی تفرقی‌های ولایت، بر اساس اصل شایسته‌سالاری و پروسه تقرر رقابتی، از صلاحیت‌های والی خواهد بود.

منظوری تقرر و انفصال بست‌های ۳ و ۴ واحدهای دومی ولایات از صلاحیت‌های وزارت‌های مربوطه می‌باشد. والی‌ها صلاحیت رد مقرری‌هایی را که به طور قانون مند، بر اساس روند رقابت آزاد و اصل شایسته‌سالاری، از سوی وزارت‌های مربوطه صورت می‌گیرد، ندارند و، همچنان، وزارت‌ها خارج از روند رقابت آزاد کسی را در ولایات مقرر کرده نمی‌توانند.

منظوری تمام بست‌های ۵، ۶، ۷، و ۸ به سطح ولایت از صلاحیت والی و بست‌های ۳ و ۴ دفاتر اداری ولایت از صلاحیت‌های اداره مستقل ارگان‌های محلی می‌باشد.

منظوری تفرقات و انفصال بست‌ها و رتبه‌های ۷ تا ۸ کارمندان ملکی در سطح ولسوالی بعد از شناسایی و انتخاب توسط کمیته تفرقات ولسوالی، بر اساس اصل شایسته‌سالاری و پروسه تقرر رقابتی، از صلاحیت‌های ولسوال خواهد بود.

- در ولسوالی تمام تعیینات مربوط به رتبه‌های ۷ تا ۸ بخش خدمات ملکی، پس از شناسایی و انتخاب توسط کمیته تعیینات ولسوالی، بر اساس طرز‌العمل‌های کارگماری مبتنی بر اصول شایسته‌سالاری و رقابت آزاد، مورد تأیید ولسوال قرار می‌گیرد.

- یک واحد مدیریت تطبیق اصلاحات در ریاست مستقل ارگان‌های محلی تأسیس خواهد گردید. واحد مدیریت تطبیق اصلاحات در راستای رشد ظرفیت‌ها به ریاست مستقل ارگان‌های محلی کمک نموده و این ریاست، اصلاحات اداری را در اداره مستقل ارگان‌های محلی تطبیق خواهد نمود.
- واحدهای مدیریت تطبیق اصلاحات وزارت‌ها به وزارت‌های ذی‌ربط در راستای عملی ساختن اصلاحات اداری در سطح ملی و محلی کمک خواهند نمود.

ارتقای ظرفیت‌ها در سطح محلی

ارتقای ظرفیت‌ها، به خصوص در سطح محلی، نقطه تمرکز اصلی کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی و تمام وزارت‌ها و ادارات حکومتی افغانستان خواهد بود.

استراتژی ارتقای ظرفیت‌ها شامل جذب ظرفیت‌ها و ظرفیت‌سازی می‌باشد. کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی برای جذب ظرفیت‌ها برنامه مدیریت ظرفیت و برنامه مربی‌گری و مشورتی را دایر نموده است. علاوه بر آن، کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی دارای برنامه‌هایی در بخش‌های مدیریت عمومی، انگلیسی و کمپیوتر است و به زودی در خصوص جنسیت (جندر) نیز برنامه‌ای را آغاز خواهد نمود. برای ارتقای ظرفیت‌های وظایف مشترک و کلی، یک چارچوب طرح گردیده که به زودی تطبیق خواهد گردید.

وزارت مالیه با همکاری کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی به ارتقای ظرفیت‌ها، به خصوص در بخش‌های مالی و تدارکات، در سطح حکومت مبادرت خواهد ورزید.

ارائه آموزش به کارمندان دولتی در سطح محلی

- پالیسی آموزش‌دهی کارمندان دولت در سطح محلی طوری است که هر کارمند سکتور دولتی دست کم یک بار در هر دو سال آموزش ببیند، که البته این آموزش‌ها شامل آموزش‌های اختصاصی، آموزش‌های مختص به وظیفه و همچنین آموزش‌های عمومی خواهند بود. جهت حصول اطمینان از تطبیق پالیسی متذکره، ترتیب اداری لازم گرفته خواهد شد. مشارکت زنان با استفاده از مکانیزم‌های نظارتی مناسب و مشوق‌ها تأمین خواهد گردید.
- هدف پالیسی آموزش و انکشاف فراهم‌آوری فرصت‌های آموزش، فراگیری و انکشاف در ساحت کاری مربوطه برای تمام مأمورین محلی خدمات ملکی است تا آنها بتوانند وظایف خود را با شایستگی و رضایت خاطر انجام دهند. این بدان معناست که هرگاه برنامه‌های آموزشی و انکشافی به صورت

استراتژیک برنامه‌ریزی و تطبیق کردند، در افزایش دانش، قابلیت‌ها، مهارت‌ها، ارزش‌ها، رفتارهای مناسب و حمایت‌کننده جنسیت، نقش حیاتی را ایفا خواهند نمود.

- مرکز آموزش خدمات ملکی در تفاهم با وزارت‌ها و سایر مراجع حکومتی اولویت‌های آموزشی و انکشافی مأمورین ملکی را برای کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی تعیین خواهد نمود. در مرحله نخست، روی سطح رهبری و رؤسا، وزارت‌های کلیدی و ارگان‌های محلی تمرکز صورت خواهد گرفت. انستیتوت خدمات ملکی در پیشبرد برنامه‌های آموزشی و انکشافی نقش اساسی خواهد داشت. انستیتوت خدمات ملکی به حد کافی تجهیز خواهد گردید تا برنامه‌های آموزشی و انکشافی مورد نیاز را در مطابقت با نیازمندی‌های سکتور خدمات ملکی ارایه نماید. انستیتوت خدمات ملکی ظرفیت خود را هرچه بیشتر افزایش خواهد داد تا نیازمندی آموزش مأمورین ملکی را در عرصه جنسیت و انکشاف بتواند برآورده سازد.

- مرکز آموزش خدمات ملکی به وزارت‌ها و سایر مراجع حکومتی کمک خواهد نمود تا نیازمندی‌های آموزشی و انکشافی خود را شناسایی نمایند. به علاوه، این مرکز به وزارت‌ها و سایر مراجع حکومتی کمک خواهد نمود تا نیازمندی‌های متذکره را، به صورت اقتصادی و عاری از دوگانگی‌ها، مرفوع سازند. تمام وزارت‌ها و سایر مراجع حکومتی، اعم از مرکزی و محلی، پلان آموزش پرسونل خود را ترتیب داده و بودجه آن را مهیا خواهند نمود.^{۱۶} بودجه‌های آموزش و انکشاف غیر قابل انتقال خواهند بود.^{۱۷} در صورتی که نیازمندی آموزش و انکشاف برای همه یا اکثر مأمورین خدمات ملکی وجود داشته، یا به سطح یک وزارت یا یک اداره لازم پنداشته شود، برای این چنین وزارت‌ها یا ادارات حکومتی یک بودجه غیرقابل انتقال تخصیص داده خواهد شد. برنامه آموزش و انکشاف خدمات ملکی از طریق طرح و به‌کارگیری برنامه‌های آموزشی مبتنی بر شایستگی، با تمرکز روی اکتساب مهارت‌ها، دانش و سلوک کاری، به پر نمودن خلاءهای قابلیت، دانش، مهارت‌ها و سلوک (شایستگی‌های) مأمورین ملکی کمک خواهد نمود. یکی از اهداف عمده دادن روحیه عرضه خدمات به مأمورین خدمات ملکی و تأمین دسترسی تمام شهروندان افغان به این خدمات است. در این رویکرد آموزشی چنین فرض می‌گردد که یک مأمور می‌تواند در محیط کاری خود به ترتیب ذیل از خود شایستگی نشان دهد:

- سطح ۱- تحت نظارت مستقیم و فوق العاده زیاد، در یک سطح پذیرفته‌شده، می‌تواند اجراءات کند. (مأمور جدید)
- سطح ۲- تحت نظارت مستقیم و نرمال، در یک سطح پذیرفته‌شده، می‌تواند اجراءات کند. (یک مأمور ملکی عادی با تجربه متوسط)

^{۱۶}. تجربه جهانی نشان داده است که اختصاص دادن ۳٪ بودجه اداره در آموزش و انکشاف یک معیار مطلوب و حاصل‌شدنی است. نهادهای آینده نگر دولتی و خصوصی ممکن است تا ۹٪ آن را هم برای این امر تخصیص دهند.

^{۱۷}. بودجه غیر قابل انتقال برای مقاصد دیگر، غیر از مقصدی که برای آن تخصیص داده شده است، استفاده شده نمی‌تواند. وجوه باقی مانده باید دوباره به سرجمع عواید واریز شود.

- سطح ۳- به صورت مستقلانه، در یک سطح پذیرفته شده، می تواند اجراءات کرده و به دیگران مشوره های کاری دهد. (مأمور ملکی مجرب با تخصص کاری)
- سطح ۴- به صورت مستقلانه، در یک سطح پذیرفته شده، می تواند اجراءات کند، به دیگران مشوره های کاری دهد و بر دیگران در محیط کاری نظارت کند. (متخصص در کار، نظارت کننده، آماده ترفیع و آموزش فراتر)

آموزش و انکشاف کارمندان ادارات محلی

۱. یک پالیسی آموزش برای شوراهای انتخابی تهیه خواهد گردید. این پالیسی کارمندان ادارات محلی را در رابطه با مبارزه با فساد و این که چگونه می توانند در کارکردها و مباحثات شان شفافیت را تأمین و آن را برای مردم قابل دسترس بسازند، آموزش خواهد داد. اداره مستقل ارگان های محلی، شوراهای انتخابی محلی را در راستای انجام نقش ها و وظایف شان، جهت برآورده نمودن مسئولیت های شان در قبال مردم، که مؤکلین آنها می باشند، تقویت خواهد نمود. اداره مستقل ارگان های محلی ظرفیت این شوراها را تقویت و از شریک سازی معلومات و تجارب میان آنان حمایت می کند.
۲. یک پالیسی آموزشی برای والی ها و ولسوال ها طرح خواهد شد.
۳. اداره مستقل ارگان های محلی با مرکز آموزش خدمات ملکی در راستای طرح یک استراتیژی و پلان آموزشی برای ادارات محلی همکاری خواهد نمود.
۴. تمام فعالیت های مربوط به آموزش و انکشاف بر تحقیق و تحلیل نیازمندی ها و نصاب تعلیمی استوار خواهد بود که بازتاب دهنده نیازمندی های کاری خاص خدمات ملکی باشد. ریاست مستقل ارگان های محلی به رؤسا، آمرین و پرسونل آموزش و انکشاف ارگان های محلی کمک خواهند نمود تا نیازمندی های آموزشی را شناسایی و برنامه های آموزشی و انکشافی را طرح و تطبیق نمایند.
۵. رؤسا و آمرین از طریق برنامه ریزی و تطبیق مؤثر آن اطمینان حاصل خواهند نمود که اهداف آموزشی و انکشافی به دست آمده و مسئولیت های آموزش و انکشاف میان رؤسا، آمرین و کارمندان زیردست تقسیم گردیده است. تمام رؤسا و آمرین در عرصه های مشوره دهی، مربی گری، توجه به جنسیت، شیوه ها و تخنیک های آموزش داخل خدمت تعلیمات خواهند دید، تا قادر به تعلیم و رشد دادن روزمره کارمندان زیر دست شان باشند. ظرفیت تخنیکی در مورد جنسیت و ضرورت به سرمایه گذاری در رشد ظرفیت زنان نیز از نکات مهم استراتیژی آموزشی می باشد. مسئولین ارگان های محلی از طرق ذیل اطمینان حاصل خواهند نمود که آمرین و مأمورین، مسئولیت های متذکره را قبول و ادا می کنند:
 - شامل ساختن مسئولیت های مربوط به آموزش و انکشاف در لایحه های وظایف آمرین؛
 - مسئول قراردادن آمرین در قبال آموزش، انکشاف و اجراءات مأمورین؛
 - شامل ساختن برنامه های آموزشی و انکشافی داخل خدمت در مواد زیربنایی عمومی آموزش و انکشاف خدمات عامه.

۶. رؤسا و آمرین ادارات محلی اطمینان حاصل خواهند نمود که فرصت‌های آموزش و انکشاف برای تمام مأمورین خدمات ملکی، صرف نظر از نژاد، قوم، فرهنگ، جنسیت، سن، مذهب یا معیوبیت، مشروط بر این‌که معیوبیت آنها مانع کارشان نگردد، میسر می‌باشد.
۷. رؤسا و آمرین ادارات محلی پلان‌های نظام‌مند آموزشی و انکشافی را طرح نموده و خود را مطمئن خواهند ساخت که فعالیت‌های آموزشی و انکشافی منجر به افزایش قابلیت‌های کاری می‌گردد.
۸. طراحان برنامه‌های آموزشی و انکشافی، رؤسا و آمرین ارگان‌های محلی با تشریک مساعی فعالیت‌های آموزشی و انکشافی را در مجموع با مدیریت منابع بشری و استراتژی‌های عیارسازی نیروی بشری، مانند اصلاحات اداری پیوند خواهند داد. آنها باید یقین حاصل نمایند که برنامه‌های آموزشی و انکشافی، در مجموع، با ارتقای ظرفیت‌ها و استراتژی‌های انکشاف سازمانی، برای عرضه خدمات اقتصادی و باکیفیت برای مردم، پیوند دارند.
۹. پرسونل برنامه‌های آموزشی و انکشافی، رؤسا و آمرین ارگان‌های محلی با تشریک مساعی فعالیت‌های آموزشی و انکشافی را از نظر کیفیت، مطابقت با معیارهای پذیرفته‌شده، اقتصادی بودن، دستیابی به اهداف بیان‌شده، حساسیت جنسیتی، شمولیت زنان در پروسه و اثرات آن بالای محیط کاری، نظارت و ارزیابی خواهند نمود.

ترتیب آموزش و انکشاف برای مقامات انتصابی و مأمورین خدمات ملکی

جدول ذیل یک مدل آموزشی، ترتیب انکشافی و اختصاص بودجه برای تمام مقامات انتصابی و مأمورین خدمات ملکی را نشان می‌دهد. اطلاعات مربوط به اشتراک‌کنندگان، بر اساس جنسیت تفکیک شده خواهد بود:

ترتیب مسؤلیت‌های برنامه‌های آموزشی معیاری

نوع مدل	اشتراک‌کنندگان	مسئولیت تمویل
مدل‌های آموزش و انکشاف عمومی برای تمام مأمورین خدمات ملکی	از این فرصت آموزشی و انکشافی همه مستفید خواهند شد.	بودجه اصلی آموزشی خدمات ملکی. این بودجه، به همین منظور، به وزارت ارائه می‌گردد.
آموزش و انکشاف مسلکی یا اداری مربوط به جانشینی و ترفیع	تمام مأمورین خدمات ملکی برحسب نیازمندی‌های مقرراتی،	بودجه اصلی آموزشی وزارت، ردیف معاشات و امتیازات

	اخذ جواز، به منظور جانشینی یا ترفیع از این آموزش مستفید خواهند شد.	که بر اساس مقررات یا برای اخذ جواز لازم می‌باشد.
بودجه اصلی آموزشی وزارت، ردیف معاشات و امتیازات	تمام مأمورین ملکی یک وزارت	مدل‌های آموزش و انکشاف عمومی به سطح وزارت
بودجه اصلی آموزشی ریاست، ردیف معاشات و امتیازات	تمام مأمورین ملکی ریاست‌های مختلف	مدل‌های آموزش و انکشاف عمومی به سطح دیپارتمنت‌ها
ردیف معاشات و امتیازات وزارت	صرف آن عده از پرسونل وزارت که نیازمند آموزش خاص می‌باشند.	مدل‌های آموزش و انکشاف مخصوص وزارت
ردیف معاشات و امتیازات ریاست	صرف آن عده از پرسونل یک ریاست که نیازمند آموزش خاص می‌باشند.	مدل‌های آموزش و انکشاف مخصوص یک ریاست
ردیف معاشات و امتیازات بخش / دیپارتمنت	صرف آن عده از پرسونل یک بخش که نیازمند آموزش خاص می‌باشند	مدل‌های آموزش و انکشاف مخصوص یک بخش
ردیف معاشات و امتیازات واحد / بخش / دیپارتمنت	صرف آن عده از پرسونل یک واحد که نیازمند آموزش خاص می‌باشند.	مدل‌های آموزش و انکشاف مخصوص یک واحد
برحسب لزوم از بودجه عادی مربوطه تخصیص داده می‌شود.	سایر اشخاصی که نیازمند آموزش فوق‌العاده اختصاصی باشند.	سایر مدل‌های آموزش و انکشاف فوق‌العاده اختصاصی

به طور خلاصه، تمام کارمندان ملکی ادارات محلی، به شمول رؤسا، آمرین و مأمورین، در فعالیتهای آموزشی و انکشافی سبب دستیابی به موارد آتی خواهند گردید:

- بهبود کیفیت، مؤثریت، و کارایی کارکردهای مأمورین ملکی از طریق آموزش، انکشاف و پلان‌گذاری؛

- در صورت امکان استفاده از کارمندان به جای انجام تمام این امور توسط کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، در راستای ارائه آموزش‌های لازم برای زمان حاضر و آینده؛
- تمام مأمورین ملکی را قادر خواهند ساخت تا برنامه‌های آموزشی و انکشافی سیستماتیک، متمرکز و متداوم انکشاف مسلکی را که شامل تلاش‌های ارتقای ظرفیت شخصی می‌شود، طرح و عملی نمایند.
- مدت‌زمانی که از جمله ساعات کاری در یک سال صرف آموزش و انکشاف می‌گردد، و تناسب حداکثری بودجه آموزش، که در یک سال صرف یک شخص خواهد گردید را، به صورت عادلانه و با در نظر داشت استفاده اقتصادی از منابع، تعیین خواهند نمود.
- ملزم ساختن تمام کارمندان ملکی برای پذیرفتن مسئولیت شناسایی فرصت‌ها، عرضه‌کنندگان برنامه‌های آموزشی و موقعیت آنها، و کمک به سازماندهی برنامه‌های آموزشی لازم که نیاز به تخصص منحصر به فرد یا عرصه‌های آموزشی خاص دارد.
- ملزم ساختن تمام کارمندان ملکی جدید برای تکمیل آموزش‌های اساسی مشترک و نیازهای انکشافی، معرفی و رهنمایی آنها با سیستم اداری و کارمندان اداره مربوطه، به حیث الزام تکمیل آموزش‌های اجباری، به شمول آموزش‌های اجباری درباره آگاهی از موضوعات مربوط به امور جنسیت؛
- مسئولیت دادن به اشخاص برای اشتراک در آموزش‌های غیر اجباری و رشد ظرفیت کاری. نتایج چنین آموزش‌هایی را می‌توان در ارزیابی کارمندان خدمات ملکی برای ترفیع و فعالیت‌های مستمر انکشاف ظرفیتی به کار برد.
- مسئولیت اشتراک در برنامه‌های آموزشی غیر اجباری به خود مأمورین واگذار خواهند گردید. از نتایج این آموزش‌ها در ارزیابی مأمورین ملکی برای ترفیع و فعالیت‌های انکشافی بعدی استفاده شده می‌توانند.
- مأمورین ملکی را با دانش، مهارت‌ها و رفتار کاری مجهز و فرصت‌های آموزش تجربی را برای آنها فراهم خواهند نمود تا به دانش کاری‌شان افزوده شود.
- از رعایت پالیسی‌های تعلیمی، اخلاقی، رفتاری، اجتماعی و حکومت‌داری خدمات ملکی در فعالیت‌های آموزشی و انکشافی اطمینان حاصل خواهند نمود.
- در جاهایی که نیازمندی‌های عمومی یا مشترک موجود باشد، گروپ‌های اصلی مورد هدف، برنامه‌های آموزشی و انکشافی را شناسایی خواهند نمود.
- تعیین نیازمندی‌های مشخص آموزشی و انکشافی آن عده مأمورین ملکی که در طرح برنامه‌های کاری و پلان‌های جایگزین شرکت دارند و گشودن مسیر رشد شخصیت کاری برای آنها.
- تا حد امکان تمام برنامه‌های آموزشی و انکشافی را طرح و به صورت آزمایشی تطبیق خواهند نمود.
- از تمام شیوه‌ها و تکنیک‌های ممکنه آموزش و انکشاف استفاده خواهند نمود تا از انتقال دانش و مهارت‌ها به مأمورین ملکی و مقامات انتصابی اطمینان حاصل گردد.

- با سکتورهای خصوصی و عامه و مراجع ذی‌ربط در خصوص تهیه برنامه‌های آموزشی و انکشافی همکاری خواهند نمود تا از دوگانگی کاری جلوگیری شده، از منابع به بهترین وجه استفاده صورت گرفته و برنامه‌های آموزشی ارزان‌تر تمام شوند.
- رهنمودها، پالیسی‌ها، مقررات و استراتژی‌ها خدمات ملکی را در ترفیعات، جانشینی‌ها، برنامه‌ریزی مسیر حرفوی و مقایسه شایستگی‌های مأمورین ملکی با پست‌های مربوطه رعایت خواهند نمود.

آموزش و پژوهش در حکومت‌داری شهری و محلی

آکادمی اداره مستقل ارگان‌های محلی افغانستان، به مثابه یک مرکز ملی آموزشی برای ادارت محلی، تأسیس خواهد گردید و فعالیت‌های آن تحت نظارت و رهنمایی‌های اداره مستقل ارگان‌های محلی تنظیم خواهد شد. این آکادمی توسط یک هیأت مدیره تحت ریاست رئیس عمومی اداره مستقل ارگان‌های محلی و عده ای از اعضای انتصابی از جانب رئیس جمهور اداره خواهد شد. مدیریت امور اجرایی این آکادمی به عهده رئیس اجرایی آن خواهد بود. آکادمی اداره مستقل ارگان‌های محلی افغانستان دارای یک شورای مشاورین نیز خواهد بود که خدمات مشورتی را برای آکادمی ارائه خواهند نمود. این شورا از نمایندگان جامعه آکادمیک، نهادهای جامعه مدنی و سکتور خصوصی تشکیل خواهد شد. آکادمی اداره مستقل ارگان‌های محلی افغانستان مسئولیت انکشاف منابع بشری و آموزش مقامات محلی و پرسونل اداره مستقل ارگان‌های محلی را به دوش خواهد داشت. آکادمی اداره مستقل ارگان‌های محلی افغانستان در سطح کشور یک مرکز آموزشی و انکشافی ممتاز، پیشگام، مبتکر و مؤثر در عرصه رشد ظرفیت‌ها برای حکومت‌داری محلی خواهد بود.

این آکادمی از عرصه خدمات تعلیمی و آموزشی، مخصوصاً نیازمندی‌های کاری کارمندان محلی اطمینان خواهد داد. برعلاوه، در این آکادمی کورس‌های علوم سیاسی، حکومت‌داری یا مدیریت ادارات عامه نیز برای دانشجویان دایر خواهد گردید. آکادمی متذکره، به صورت متداوم، قابلیت‌های کاری پرسونل ریاست مستقل ارگان‌های محلی را، جهت بهبود هرچه بیشتر کیفیت اجراءات و کارکردهای آنها، بالا خواهد برد.

آکادمی اداره مستقل ارگان‌های محلی تعلیمات دوامداری را برای ارگان‌های محلی فراهم نموده و به تقویت ارتباطات و همکاری با ادارات محلی و مراجع علمی محلی خواهد پرداخت.

قبل از تأسیس آکادمی مزبور، اداره مستقل ارگان‌های محلی برای مقامات انتصابی و انتخابی آن برنامه‌های مطالعاتی و آموزشی بین‌المللی را، در مراجع معتبر و مشهور آموزشی و پژوهشی جهان، راجع به حکومت‌داری محلی فراهم خواهد نمود تا آنها را برای تطبیق، نظارت و ارزیابی مؤثر این پالیسی آماده سازد.

کار عملی برای فارغ التحصیلان جدید پوهنتون‌ها

هدف از این کار کمک به فارغ التحصیلان مؤسسات تحصیلات عالی است تا با کسب تجارب عملی در ساحات مختلف تخنیک و اداری، از طریق آموزش داخل خدمت و کار عملی، دانش نظری خود را تکمیل نمایند. این دوره کارآموزی، با بلند بردن سطح تجارب و مهارت‌های عملی کارآموزان، استخدام آنها را در چوکات ادارات عامه تسهیل خواهد نمود. بدین ترتیب ارگان‌های محلی تعداد کافی افراد مستعد، مسلکی و جوان را در اختیار خواهند داشت که برنامه‌های شان را به شکل مؤثر و کارا تطبیق خواهند نمود.

در این دوره کارآموزی کسانی تحت آموزش قرار داده خواهند شد که جدیداً از پوهنتون‌ها فارغ گردیده یا در ساحات عملی مختلف مصروف کار باشند، تا آنها را برای عهده‌دار شدن مسئولیت‌های تخنیک، اداری و مدیریتی در چوکات ساختار خدمات ملکی ارگان‌های محلی مستعد گرداند.

برنامه کارآموزی متذکره مشتمل بر آموزش در مراکز ولایتی برای شش ماه نخست، و کار عملی در یک اداره محلی برای شش ماه بعدی خواهد بود.

هدف از این آموزش، بلند بردن سطح مهارت‌های کارآموزان خواهد بود تا آنها بتوانند مستعد درخواست احراز پست‌های خدمات عامه در سطح محلی شوند.

ارزیابی عملکرد، معیارهای خدمات عامه و آشنایی با خدمات مراجعین در سکتور خدمات عامه

ارزیابی عملکرد

بهبود عرضه خدمات عامه و ایجاد شیوه‌های نظام‌مند برای انجام دادن این کار از اهداف اولیه این پالیسی می‌باشند. استراتژی انکشاف ملی افغانستان، استراتژی‌ای است که تمام فعالیت‌های انکشافی در سرتاسر کشور، در طول پنج سال آینده، در مطابقت با آن صورت خواهد گرفت. یکی از اولویت‌های استراتژی انکشاف ملی افغانستان ایجاد و نهادینه‌ساختن یک سیستم نظارت و ارزیابی کاهش فقر در سرتاسر کشور می‌باشد.

از آنجایی که ادارات محلی از هر ارگان دیگری به مردم محل نزدیک‌تر است، دارای بیشترین توان بالقوه برای بهبود وضع زندگی مردم می‌باشند. این پالیسی ارگان‌های محلی را مکلف می‌سازد تا موفقیت‌ها، ناکامی‌ها و پیشرفت‌ها را، در جهت رسیدن به اهداف‌شان، سنجش و اندازه‌گیری نماید.

شوراهای انتخابی در کانون توجه پالیسی دولت برای ارزیابی عملکرد ادارات محلی قرار خواهند داشت. ارزیابی عملکرد وسیله‌ای است که حکومت، توسط آن، می‌تواند مشخص سازد که آیا در جهت رسیدن به اهداف تعیین

شده پیشرفتی صورت می‌گیرد یا خیر. ارزیابی عملکرد را می‌توان به مثابه روندهایی تعریف نمود که برای اندازه‌گیری اجراءات یک نهاد دولتی، به خصوص در پیوند با دستیابی به اهداف و نتایج از قبل تعیین شده، به کار می‌روند.

اهداف پالیسی ارزیابی عملکرد حکومت به قرار ذیل می‌باشد:

- **تقویت حساب‌دهی:** ارزیابی عملکرد به شهروندان نشان می‌دهد که چگونه به آنها خدمت ارائه می‌گردد، اهداف ارگان‌های دولتی از چه قرار است، کدام کارها انجام شده و مصارف خدمات ملکی در چه حدود است.
- **تقویت اجراءات:** تعیین معیارهای حداقل خدمات کمک می‌کند تا ادارات حکومتی خدمات باکیفیت، مؤثر و کارا را عرضه نماید. به عبارت دیگر تعیین معیارهای حداقل خدمات کمک می‌کند تا ادارات دولتی بدانند که کدام اهداف را، چگونه برآورده سازند.
- **بهبود روندهای بودجوی:** ارزیابی عملکرد در بهبود نظارت بر مصارف در سطح محلی، به خصوص دانستن اینکه آیا با معیارهای حداقل عملکرد هم‌سوایی دارند یا خیر، کمک می‌کند.
- **تسریع بازدهی و خلاقیت:** از ارزیابی عملکرد در ایجاد سیستم مجازات و پاداش برای تسریع بازدهی و خلاقیت در سطح محلی استفاده خواهد شد.

نهادهای ادارات محلی به شمول شوراهای انتخابی محلی و وزارت‌های مربوطه در راستای جمع‌آوری، سازماندهی و تحلیل سیستماتیک معلومات و گزارش‌دهی شفاف پیرامون عرضه خدمات همکاری خواهند نمود. یک سیستم سازمان‌یافته اندازه‌گیری اجراءات، ارگان‌های محلی را قادر خواهد ساخت تا از اجراءات خود طوری گزارش بدهند که برای اثبات آن مدارک معتبر موجود باشد. سیستم اندازه‌گیری ارزیابی عملکرد حاوی عناصر ذیل خواهد بود:

- این سیستم تمام ارگان‌های محلی را شامل یک سیستم نظارت و ارزیابی خواهد ساخت. شوراهای محلی مسئولیت هماهنگی و نظارت بر این سیستم را به عهده خواهند داشت. (در طول پنج سال آینده شامل ساختن تمام ارگان‌های ولایتی در محراق توجه باقی خواهد ماند. سپس این سیستم در سطح ولسوالی و قریه‌جات نیز گسترش خواهد یافت.)
- سیستم ارزیابی عملکرد بر اساس نتایج استوار خواهد بود. شاخص‌های اجراءات، نه صرفاً بالای بازدهی، بلکه بالای نتایج متمرکز خواهند بود.
- میان روند برنامه‌ریزی و بودجه‌سازی و اندازه‌گیری اجراءات پیوندهایی ایجاد خواهد گردید. حکومت به کارکرد عالی ادارات محلی از طریق درج عملکرد، به مثابه یکی از معیارهای اعطای وجوه به ادارات محلی، امتیاز خواهد داد.

- کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، وزارت‌های مربوطه، اداره مستقل ارگان‌های محلی و نهادهای حکومتی محلی از انکشاف منابع بشری، که قادر به ایجاد و عملی نمودن سیستم اندازه‌گیری عملکرد باشد، حمایت خواهد نمود. موضوعاتی از قبیل این که چگونه باید سیستم اندازه‌گیری اجراات را ایجاد و تطبیق نمود، به شمول این که چگونه باید معیارهای حداقل اجراات را تعیین نمود، بخشی از پلان‌های آموزش و انکشاف را تشکیل خواهد داد.
- اداره مستقل ارگان‌های محلی و وزارت‌های مربوطه از ساختن ظرفیت فنآوری و تکنولوژیکی برای استفاده مطلوب از معلومات مربوط به اجراات حمایت خواهند نمود.
- سیستم اندازه‌گیری اجراات به گونه‌ای ترتیب خواهد گردید که در تمام ارگان‌های محلی قابل تطبیق باشد.
- سیستم متذکره، دسترسی به منابع معلوماتی سکتور خصوصی و عامه را مساعد خواهد ساخت.
- سیستم ارزیابی، معلومات راجع به میتودهای معیاری را جمع‌آوری و تحلیل می‌کند تا از معتبر بودن معلومات اطمینان حاصل گردد.
- یک چارچوب قانونی و تنظیماتی ساخته خواهد شد که ارگان‌های محلی را قادر خواهد ساخت تا سیستم اندازه‌گیری اجراات را در مدیریت امور انکشافی و معاونت تخنیکي شامل سازند.
- به منظور تشویق کارمندان به عرضه خدمات هرچه بهتر به مراجعین و حصول اطمینان از این که دست کم معیارهای حداقل اجراات رعایت می‌شوند، ساختارهای اعطای مشوق‌ها در ارگان‌های محلی شامل ساخته خواهند شد.

تفتیش عملکرد ادارات محلی

یک سیستم برای تفتیش منظم کارکردهای ادارات محلی ایجاد خواهد گردید.

تفتیش خارجی

انجام تفتیش توسط یک نهاد مستقل، یکی از مهمترین اساسات مدیریت امور مالی عامه است. اداره تفتیش و کنترل، که بالاترین نهاد تفتیش در کشور است و بر اساس قانون تفتیش عمل می‌کند، مسئولیت انجام تفتیش‌های خارجی یا نهایی را به دوش دارد. اداره مستقل ارگان‌های محلی و وزارت‌ها همکاری‌های لازم و گزارش‌های تفتیش‌های داخلی را در اختیار اداره تفتیش و کنترل قرار خواهند داد. همچنین، میکانیزمی برای رسیدگی به مواردی که از طرف اداره تفتیش و کنترل مطرح می‌شود، ایجاد خواهد شد.

اداره عمومی کنترل و تفتیش

اداره کنترل و تفتیش، عالی‌ترین نهاد بازرسی در کشور بوده و، مطابق با قانون تفتیش، وظایف خود را انجام می‌دهد. رئیس عمومی اداره تفتیش و کنترل مفتش عمومی افغانستان است. این اداره، مسئولیت انجام تفتیش را داشته و مطابق با قانون عمل می‌کند. قانون جدید تفتیش افغانستان در حال تدوین است که به وسعت و جدیت کار اداره تفتیش و کنترل خواهد افزود. این اداره، تفتیش خارجی حساب‌های حکومت، نهادهای دولتی در سطح ولایات، مقامات محلی، نهادهای مستقل دیگر، تشبثات عامه و برنامه‌ها و پروژه‌هایی که توسط حکومت افغانستان تطبیق یا کمک مالی شده‌اند را انجام می‌دهد. رئیس عمومی اداره تفتیش و کنترل ابلاغیه‌های مالی نهادهای دولتی را که مورد تفتیش این اداره قرار گرفته‌اند، تصدیق می‌کند.

از آنجایی که دولت افغانستان، به دلیل سال‌ها جنگ داخلی و ناآرامی، برای حمایت از برنامه‌های خود با کمبود منابع مالی و تخنیکی مواجه است، جامعه بین‌المللی در بخش‌های مالی، تخنیکی و مدیریتی از آن حمایت می‌کند. این کمک‌ها، از طرف دولت‌ها، به صورت مستقیم، یا از طریق ارگان‌های دوجانبه و یا چندجانبه و مؤسسات غیر دولتی در اختیار دولت قرار گرفته‌اند. مصارفی از این قبیل، که به منظور منافع عامه صورت می‌گیرد، در چارچوب نظارت اداره تفتیش و کنترل در می‌آید. همه این نهادها و ریاست‌های دولتی حسابات و اطلاعات مالی‌شان را در اختیار اداره عمومی تفتیش و کنترل خواهند گذاشت.

تفتیش داخلی

اداره مستقل ارگان‌های محلی نیاز به معلومات لازم در زمینه نتایج فعالیت‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های مختلفی دارد که توسط ادارات محلی تطبیق می‌گردند. وزارت‌ها نیز نیاز به معلومات لازم در زمینه عملکردهای واحد دومی و سومی خود در سطح محلی دارند. این معلومات مستقل در راستای طرح پالیسی‌های مناسب برای ادارات مربوطه و تطبیق آنها به گونه مؤثر و کارا، لازم می‌باشد. علاوه بر آن، مسئولان مدیریتی نیاز به معلوماتی دارند تا بدانند پالیسی‌ها و برنامه‌ها چگونه تطبیق می‌گردند و آیا در تطبیق آنها هیچ انحرافی صورت می‌گیرد یا خیر. با در نظر داشت اندازه و گستره این امور، مسئولان مدیریتی از طریق تماس با نهادهای تابعه نمی‌توانند به چنین معلوماتی دست یابند؛ از این رو، مسئولان ارشد مدیریتی برای تفتیش داخلی اهمیت به‌سزایی قائل می‌گردند، زیرا تفتیش داخلی می‌تواند معلومات معتبر، واضح و جدید را در مورد نتایج فعالیت‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های انجام‌شده در اختیار آنها قرار دهد.

هدف عمده و اساسی تفتیش داخلی، کمک به مسئولان مدیریتی در راستای انجام وظایفشان به نحو مؤثر، از طریق فراهم‌آوری معلومات معتبر و مستقل دربارهٔ عملکرد ادارات مربوطه، می‌باشد. تفتیش داخلی به بررسی و ارزیابی کنترل‌های داخلی و کیفیت عملکرد می‌پردازد. این امر شامل مرور و بررسی فعالیت‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های مربوطه در راستای حصول اطمینان از موارد ذیل می‌باشد:

- اعتبار و جامعیت معلومات مالی و اجرایی؛
- حصول اطمینان و ارائه گزارش در مورد مطابقت با پالیسی‌ها، طرح‌ها، آئین نامه‌ها، قوانین و مقرره‌هایی که می‌توانند تأثیرات خاص بالای عملکردها داشته باشند؛
- اطمینان از ابزار محافظتی و وسایل مربوطه و تصدیق موجودیت فیزیکی این وسایل و اهداف و نیز مشخص نمودن این که آیا فعالیت‌ها و برنامه‌های مربوطه مطابق پلان تطبیق گردیده‌اند یا خیر؛
- حصول اطمینان از این امر که فعالیت‌ها و برنامه‌ها به نحو مقرون به صرفه و مؤثر انجام یافته و تصدیق کارایی چنین برنامه‌هایی در عرضهٔ خدمات به عامه مردم.

از آنجایی که قوانین موجود دارای احکام واضح در مورد تفتیش داخلی نمی‌باشد، قانون تفتیش به منظور حتمی ساختن تفتیش داخلی در وزارتخانه‌ها اصلاح خواهد شد. تا زمان اصلاح قانون تفتیش، تفتیش داخلی بر اساس تصمیم قوهٔ اجرائیه صورت خواهد گرفت. مادهٔ ۶۱ قانون مدیریت امور مالی و مصارف عامه بیان می‌دارد که وزارت مالیه باید یک واحد تفتیش داخلی را ایجاد و مفتشین را مقرر نماید که مسئولیت تفتیش امور مالی و حساب‌های بانکی همهٔ نهادهای دولتی را به عهده داشته باشد. تا مدتی اجراءات بر اساس این ماده صورت می‌گرفت، ولی بعداً این روند متوقف گردید. ریاست تفتیش داخلی وزارت مالیه ظرفیت مفتشین‌اش را تا حد زیادی، از طرق ذیل، بالا برده است.

- استخدام فارغین تعلیم‌یافته از پوهنتون‌ها؛
 - میسر ساختن یک دورهٔ آموزش ۴ ماهه در مضمون‌های محاسبه و تفتیش و به تعقیب آن گرفتن امتحانات و دادن شهادت‌نامه کورس‌های آموزشی؛
 - آموزش در جریان کار، در بخش تفتیش داخلی، تحت مراقبت متخصصین خارجی.
- همهٔ وزارت‌ها، ریاست‌های تفتیش داخلی را تحت رهنمایی تخنیکی وزارت مالیه ایجاد خواهند کرد. مانند وزارت‌های دیگر، تفتیش داخلی نهادهای مربوط به ادارهٔ مستقل ارگان‌های محلی توسط مفتشین داخلی این اداره صورت خواهد گرفت. این ریاست مسئولیت تفتیش دفاتر والی‌ها، ولسوال‌ها، شاروالی‌ها و شوراهای ولایتی، ولسوالی، قریه و شاروالی را به عهده خواهد داشت. ممکن است این ریاست شعبات منطوقوی خویش را نیز فعال

نماید. ریاست‌های تفتیش داخلی وزارت‌های سکتوری، مسئولیت تفتیش ادارات مربوطه‌شان را در سطوح ولایات و ولسوالی‌ها به عهده خواهند داشت.

تفتیش داخلی از استفاده‌کارا و مؤثر منابع، از طریق بررسی و ارزیابی، اطمینان حاصل کرده، در مورد مؤثریت و کفایت سیستم تفتیش داخلی گزارش خواهد داد. تفتیش داخلی هر سه بخش مورد نظر، یعنی تفتیش امور مالی، تفتیش از تطبیق قوانین و مقررات در امور کاری و تفتیش عملکرد کاری کارمندان را در بر خواهد داشت.

۱. **تفتیش امور مالی:** تمرکز تفتیش امور مالی بر کیفیت معلومات امور حسابی و گزارش‌دهی مالی استوار می‌باشد. تفتیش مالی شامل حساب عواید و مصارف، گزارش‌دهی وضعیت امور مالی و نتایج کارکردهای انجام شده در این زمینه است. به کارگیری قوانین مالی ملی، ثبت و گزارش‌دادن امور مربوط به مصارف در مطابقت با تخصیص بودجه و همخوانی با کارکردهای بانک ملی و خزینه، از جمله وظایف عادی فعالیت‌های حسابداری به حساب می‌آیند. تفتیش کنترل داخلی و مؤثریت آنها را در راستای حصول اطمینان از صحت و سقم ابلاغیه‌های مالی و ارائه آنها بررسی می‌کند.

۲. **تفتیش از تطبیق قوانین و مقررات در امور کاری:** انتظار عامه مردم از ادارات، شفافیت در فعالیت‌های آنان و پابندی این ادارات به پروسیجرهای قانونی در زمینه کارکردهای آنان می‌باشد. قوانین، مقرره‌ها، پروسیجرها و آیین نامه‌ها رهنمای معیاری ادارات عامه در زمینه عملکرد آنها می‌باشند. چارچوب قانونی ملی باید توانایی ارائه پاسخ به پرسش‌هایی، مانند چه کارهایی، چرا، چگونه و توسط چه کسی باید یک کار صورت گیرد، را داشته باشد. کنترل داخلی و اتخاذ پروسیجرهای مربوطه توسط ادارات عامه، در راستای تأمین شفافیت و حساب‌دهی، از جمله امور حیاتی به حساب می‌آیند. هدف از تفتیش تطبیق قوانین و مقررات در امور کاری، حصول اطمینان از پی‌گیری و رعایت پروسیجرهای قانونی و کنترل داخلی می‌باشد. وظیفه تفتیش از تطبیق قوانین و مقررات در امور کاری ارزیابی این امر است که آیا اداره مربوط به پالیسی‌ها، قوانین، فعالیت‌ها، پلان‌ها و پروسیجرهای پابندی دارد یا خیر.

۳. **تفتیش عملکرد کارمندان:** مفتش بر اساس این نوع تفتیش، میزان دستیابی برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت را بررسی می‌کند. تفتیش عملکرد کارمندان شامل بررسی نقش اقتصاد، مؤثریت و کارایی کارمندان در عرصه کارکردهاست.

در مورد تفتیش عملکرد در ادارات محلی

تفتیش عملکرد عبارت است از ارزیابی سیستماتیک و عینی از کارکردها و روندهای برنامه‌ها یا فعالیت‌های حکومتی، به منظور معلوم نمودن مؤثریت، اقتصادی بودن یا کارایی آنها. تفتیش عملکرد یک عنصر مهم در بهبود مدیریت مسئولانه و حساب‌دهی در زمینه منابع عامه می‌باشد. تفتیش عملکرد بالای حساب‌دهی، بازده و نتایج تمرکز دارد. شاخص‌هایی که به مثابه بخشی از سیستم عملکرد ساخته شده‌اند، برای تفتیش اجراءات نیز مورد استفاده قرار داده خواهند شد. تفتیش به نمایندگی از مراجعین، مانند شهروندان، شامل بررسی اجراءات یک اداره یا برنامه عامه است که توسط یک مفتش مستقل صورت می‌گیرد.

تفتیش عملکرد برای ارزیابی میزان دستیابی برنامه‌ها و فعالیت‌های ادارات دولتی به اهداف تعیین شده صورت می‌گیرد. تفتیش عملکرد داخلی کارکردهای ادارات مربوطه را از لحاظ مسایل اقتصادی، کارایی و مؤثریت آنها مورد ارزیابی قرار خواهد داد.

تفتیش اجراءات ارگان‌های محلی شامل مراحل ذیل خواهد بود:

- تعیین مقیاس‌ها یا شاخص‌های کارایی که در تفتیش به کار گرفته خواهند شد؛
- ایجاد معیارهای لازم برای انجام تفتیش؛
- تعیین اعتبار گزارش‌های تهیه‌شده توسط این اداره؛
- معلوم نمودن این که آیا سطح مؤثریت به دست آمده با اهداف یا ضابطه‌های تعیین شده مطابقت دارد یا خیر؛
- معلوم نمودن این که چه چیزی باعث گردیده تا میزان کارایی با ضابطه‌های تعیین شده تفاوت داشته باشد.
- تدوین یافته‌های تفتیش اجراءات و ارائه پیشنهادات جهت بهبود کارایی.

تفتیش عملکرد در سه مرحله ذیل انجام خواهد شد:

- مرحله برنامه‌ریزی، که شامل این موارد است: جمع‌آوری معلومات، ارزیابی خطر، بررسی آسیب‌پذیری در برابر خطرات، مشخص ساختن اهداف تفتیش، تعیین ساحت تفتیش، شیوه کاری، نوع کاری که در ساحت انجام خواهد شد و بودجه تفتیش.
- مرحله کار ساحوی، که طی آن تفتیش صورت خواهد گرفت.
- مرحله گزارش‌دهی، که طی آن نتایج تفتیش تهیه و یک گزارش نهایی تکمیل خواهد گردید.

هدف از انجام تفتیش‌های مختلف توسط ادارات محلی ارزیابی اعتبار معلومات داده شده آتی می‌باشد:

- آیا خدمات صورت گرفته است؟
- آیا مراجعین واجد شرایط بوده‌اند؟
- آیا هزینه برنامه مطابق با آنچه گزارش داده شده، به مصرف رسیده است؟
- آیا مصارف خدمات، مانند مصرف فی واحد خدمات عرضه شده است؟
- آیا خدمات به موقع عرضه شده است؟
- میزان دستیابی منصفانه و در دسترس بودن خدمات چه اندازه بوده است؟
- نسبت کارمندان بر معیارها، مانند نسبت استاد بر شاگرد، میزان استفاده از خدمات؟ (فهمیدنی نیست)
- مدار اعتبار بودن مقیاس‌های اجراءات (آیا مقیاس‌ها نشان‌دهنده عملکرد حقیقی تمام عناصر مهم یا ذی‌ربط با اجراءات هستند؟)
- بررسی اجناس و وسایل به منظور معلوم نمودن وضعیت نگهداری وسایل و ابزارها و این که آیا ضرورت به ترمیم یا تعویض دارند یا خیر؟

تفتیش عملکرد باعث افزایش شفافیت و حساب‌دهی در تأمین خدمات خواهد گردید. تفتیش مالی و پایبندی کارمندان به مقررات به تنهایی نمی‌تواند کیفیت خدمات را این گونه ارزیابی نماید.

ارگان‌های محلی به منظور آماده شدن برای تفتیش اجراءات، باید از انجام موارد آتی اطمینان حاصل کنند:

- تفتیش مالی مؤثر داشته باشند.
- تمام عناصر لازم را برای تفتیش مهیا ساخته باشند.
- یک سیستم حسابداری قابل اطمینان داشته باشند.
- کنترل‌های بیرونی داشته باشد؛ مثل نظارت مداوم توسط رسانه‌ها، جامعه مدنی و شورای ولایتی داشته باشند.
- بودجه‌های قابل پیش‌بینی را تصویب و تطبیق نمایند.
- محیطی به وجود بیاورند که خواستار و پشتیبان اجراءات باشد.

مقامات عالی رهبری ادارات محلی حمایت‌های لازم را از تفتیش عملکرد در سطح این ادارات به عمل خواهند آورد.

انکشاف اقتصاد محلی

به منظور ریشه‌کن ساختن عوامل اقتصاد ضعیف در سطح ولایات باید کار صورت گیرد. والی، با همکاری وزارت تجارت و صنایع، رهبری پلان ابتکاری ولایتی در زمینه رشد اقتصاد محلی را به عهده خواهد داشت. برای رفع این معضل، چهار برنامه زیر تطبیق خواهند شد:

۱. **تقویت برنامه‌های آموزشی تجاری:** این برنامه از طریق مکاتب، پوهنتون‌ها، مراکز ویژه آموزش‌های مسلکی و خدمات مشورتی، سطح تعلیمی و آموزشی را در عرصه تجارت بهبود می‌بخشد. این برنامه زمینه را مساعد می‌سازد تا مردم مهارت‌های مورد نیاز را برای آغاز و پیشبرد تجارت حاصل نموده و روش تثبیت‌گرایی را اختیار نمایند. این برنامه باعث به وجود آمدن فعالیت‌های تجاری جدید گردیده، نیروی کار را در کشور افزایش داده و باعث مؤثریت کاری بیشتر می‌گردد.

۲. **افزایش سهم‌گیری:** این برنامه جریان نقل و انتقال سرمایه را از طریق فعالیت‌های تجاری، چون ترویج سرمایه‌گذاری محلی، ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری ولایتی، آموزش افراد در زمینه استفاده از خدمات بانکی و فراهم‌آوری معلومات برای قرضه‌دهندگان بالقوه، بهبود می‌بخشد. تمام این فعالیت‌ها حجم سرمایه را در سیستم تجاری افزایش داده و در نتیجه باعث رشد اقتصادی و فرصت‌های بیشتر کار برای مردم محل می‌گردد.

۳. **ایجاد خدمات حمایت از تجارت، تأسیسات و زیربناها:** این برنامه از طریق ایجاد زیربناهای ضروری و تأمین جای مناسب برای فعالیت‌های تجاری، هزینه راه‌اندازی یک فعالیت تجاری را کاهش می‌دهد. قابل یادآوری است که این برنامه ابتکارات تجاری به منظور تقویه سکتوری خصوصی را نیز حمایت می‌کند. همچنین این برنامه باعث افزایش عواید تولیدی و افزایش رشد اقتصادی خواهد گردید. از سوی دیگر این برنامه عواید فعالیت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد که در نتیجه باعث ایجاد فعالیت‌های تجاری جدید و توسعه تجارت می‌گردد. البته در پایان، این امر باعث ایجاد اشتغال و تقویت نیروی کاری در کشور نیز می‌گردد.

۴. **اصلاح محیط تجاری:** بر اساس این برنامه، یک گروه کاری ایجاد می‌گردد که در زمینه بهبود وضعیت حقوقی و اداری ادارات ولایتی کار خواهد کرد تا زمینه بهتر فعالیت برای تجار و سرمایه‌گذاران مساعد شود. این برنامه از برنامه‌های ریفرمی که در کابل طرح ریزی می‌گردد، حمایت می‌کند. این کار باعث افزایش و مؤثریت بیشتر سرمایه‌ها می‌گردد. طوری که در فوق نیز ذکر گردید، این اقدام باعث ایجاد فعالیت‌های تجاری جدید، توسعه فعالیت‌های تجاری، افزایش فرصت‌های اشتغال برای نیروی کاری کشور می‌گردد. از آنجایی که نیروی کاری باید افزایش یابد، استراتژی‌های ویژه‌ای برای گسترش مشارکت زنان نیز باید طرح گردد. این کار، از یک طرف، باعث تحرک اقتصادی

می‌شود و از طریق دیگر می‌تواند گامی به سوی تساوی حقوق زنان و مردان باشد. بنابراین، در هر یک از چهار برنامه متذکره، موضوع حضور زنان در نظر گرفته خواهد شد.

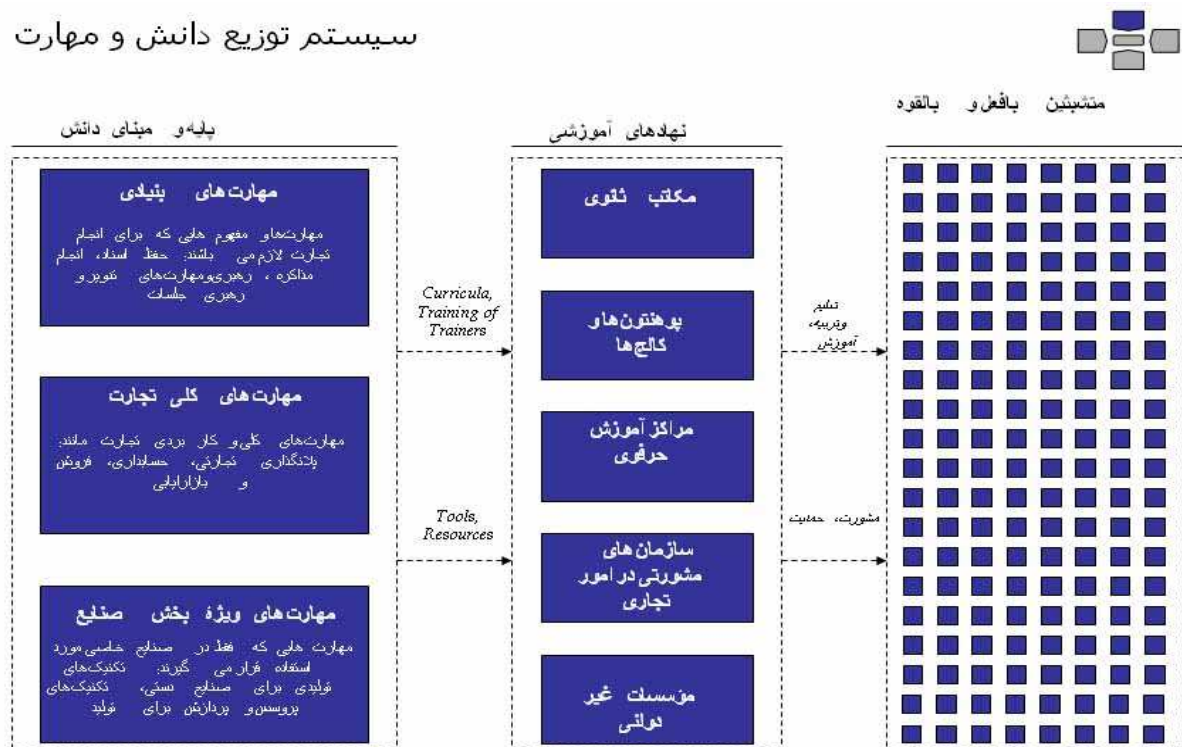
تقویت مهارت‌ها و آموزش متشبهین

اولین بخش این برنامه سه نوع مهارت را برای تجار و متشبهین بالقوه فراهم می‌سازد. برای ارائه این مهارت‌ها، در ابتدا باید یک نصاب آموزشی برای سه نوع مهارت فوق‌الذکر تهیه گردد. این مهارت‌ها به ترتیب ذیل می‌باشد:

۱. **مفاهیم و مهارت‌های بنیادی:** مهارت‌های بنیادی شامل داشتن نظریه تجارت، مانند سرمایه‌گذاری، ریسک و فایده می‌باشد. این مهارت‌ها، همچنین، شامل پروسه‌های اساسی، مانند چگونگی دایر نمودن جلسات، انجام مذاکرات، نگهداری اسناد موافقت‌نامه‌ها و غیره می‌باشد.
۲. **مهارت‌های عمومی تجاری:** مهارت‌های کاربردی، شامل مهارت‌های اساسی مانند کتاب‌داری، بازاریابی و فروش می‌باشد. کاربرد این مهارت‌ها را در زمینه‌های مختلف به طور یکسان می‌توان به کار برد.
۳. **مهارت‌های خاص تجاری:** در صورتی که این مهارت‌ها در زمینه‌های مختلف به کار گرفته شوند، مشابه می‌باشند. به طور مثال، در عرصه پروسس میوه، این مهارت‌ها شامل محصولات انتخاب‌شده، تکنالوژی لازم برای پروسس و بسته‌بندی میوه‌جات می‌باشد؛ زیرا این نوع مهارت‌ها نسبت به عرصه‌های مربوطه بسیار تفاوت پیدا می‌کنند. از این رو، تنها افراد مشخص و کسانی که در سکتورهای دارای اولویت استراتژیک ولایت فعالیت می‌نمایند، از این آموزش‌ها بهره‌مند می‌شوند.

نظام توزیع و دانش و مهارت‌ها

سیستم توزیع دانش و مهارت



این برنامه، حداقل، همراه پنج مرجع، به منظور بهبود نصاب آموزشی و تقویت شیوه‌های تدریسی، کار خواهد نمود. این مراجع به ترتیب عبارت‌اند از:

- **مکاتب ثانوی:** با کمک و حمایت برنامه ولایتی، وزارت محترم معارف می‌تواند بر اساس برنامه‌های مورد نظر و تربیهٔ معلم‌ها، بخش‌هایی از آموزش تجارت را در نصاب تدریسی بگنجانند.
- **پوهنتون‌ها و کالج‌ها:** پوهنتون‌ها و کالج‌ها می‌توانند فاکولته‌هایی را در رشته‌های ادارهٔ تجارت و تجارت زراعتی ایجاد کنند. با کمک وزارت تحصیلات عالی، می‌توان نصاب این کورس‌ها را همراه با برنامه‌های آموزشی برای کارمندان آکادمیک این عرصه هماهنگ ساخت.
- **مراکز آموزش مسلکی:** مراکز آموزش مسلکی می‌توانند زمینه خوب آموزش را برای افرادی مهیا سازند که سن‌شان برای شمولیت در مکاتب بالا است و تاکنون در کدام مرجع تعلیمی راه نیافته‌اند. این برنامه‌ها نسبت به پروگرام‌هایی که در سطح مکاتب و پوهنتون‌ها دایر می‌گردد، عملی‌تر خواهد بود و احتمال دارد که بالای یک بخش مشخص متمرکز باشد. در صورت ضرورت، می‌توان این مراکز را به حیث یک بخش از این برنامه ایجاد نمود.
- **برنامه‌های خدمات مشورتی:** این برنامه خدمات مشورتی را جهت حمایت از فعالیت‌های تجاری موجود فراهم می‌کند. میزان زیادی از این خدمات بر اساس تحقیقات علمی و مشورتی استوار خواهد

بود، اما در بعضی موارد دیگر، امکان دارد این نوع خدمات از طریق آموزش‌های لازم فراهم گردد. در این برنامه سعی می‌شود تا مندرجات این نوع خدمات آموزشی تدوین گردد.

• **پروگرام‌هایی که از طریق مرجع استخدام‌کننده فراهم می‌گردد:** در تعداد زیادی از صنعت‌ها، مدل اساسی تجاری مستلزم آموزش‌های متداوم برای کارمندان و حتی تدارک‌کنندگان می‌باشد. به طور مثال، در صنعت جدید پروسس غذا، کارمندان باید در زمینه روش‌های تولیدی بر اساسی معیارهای^{۱۸} ISO۹۰۰۰ و یا تحلیل خطرات و نکات مهم کنترل آموزش ببینند. این پروگرام یک مرجع تجاری را کمک می‌کند تا معیارهای عالی را شامل محتویات کورس‌های آموزشی ساخته و آموزش‌ها را بر اساس برنامه‌های مورد نیاز عیار سازد. یکی از بخش‌های مهم و ضروری استراتژی توسعه نیروی کاری استفاده از زنان در کار می‌باشد. تمام این برنامه‌ها در ترکیب خود موضوع حضور زنان را در نظر خواهند داشت. به طور مثال، می‌توان برای آموزش زنان در نهادهای مختلف، یک رقم مشخص را تعیین، و در زمینه جلب زنان به مراکز آموزش‌های مسلکی همکاری نمود. بدون شک این نوع ترکیب حضور زنان و مردان برای رعایت اصول تساوی حقوق زنان و مردان و عدالت اجتماعی ضروری می‌باشد.

در زمینه تطبیق این برنامه، علاوه بر دفتر مقام ولایت و اداره مستقل ارگان‌های محلی، ریاست‌های ولایتی وزارت معارف، وزارت تحصیلات عالی، وزارت تجارت و صنایع و شاروالی‌ها باید دخیل باشند.

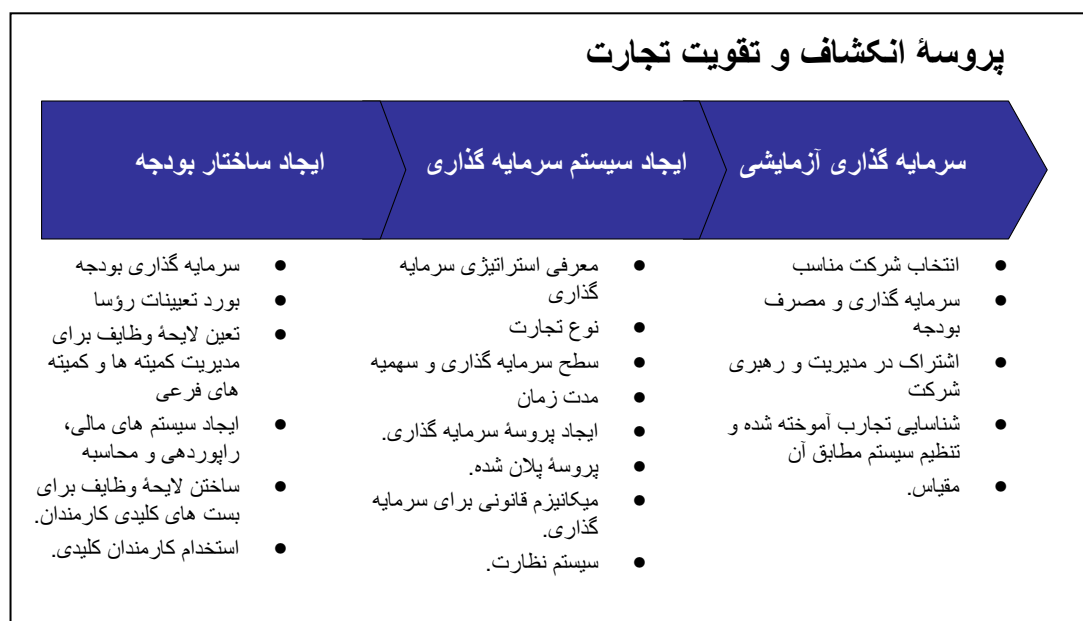
بهبود دسترسی به سرمایه

این برنامه سعی می‌ورزد تا زمینه‌های دسترسی به وجوه اعطایی، فرصت‌های برابر سرمایه‌گذاری و فراهم‌آوری مجراهای قرضه‌دهی را از طریق ساختارهای متعدد ولایتی و برنامه‌های دیگر فراهم سازد. پروگرام متذکره شامل موارد ذیل می‌باشد:

صندوق ولایتی تقویه تجارت: این صندوق عبارت است از صندوق حمایت از تجارت و سرمایه‌گذاری، که در سطح یک ولایت تأسیس و زمینه را برای تأمین سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک در آن ولایت مساعد می‌سازد. این صندوق به مثابه یک وسیله سرمایه‌گذاری تحت قیادت مراجع ولایتی قرار دارد که سرانجام می‌توان آن را به یک مرجع سرمایه‌گذاری خصوصی یا عامه مبدل ساخت. اساس و بنیاد به وجود آمدن این صندوق حمایتی را رشد تجارت تشکیل می‌دهد. در عین حال کارمندان این صندوق می‌توانند، به عنوان رؤسای غیر رسمی شرکت، فعالیت کنند و از این طریق بر کار شرکت‌ها نظارت نموده و مشوره‌های استراتژیک برای

^{۱۸}. سازمان بین‌المللی استاندارد.

مدیران و رؤسای شرکت‌های تجاری ارائه نمایند. در هر ولایتی که از این صندوق‌ها ایجاد می‌گردد، وجوه مالی مربوطه، برای رشد و انکشاف سکتورهایی که در آن ولایت اهمیت استراتژیک دارد، به مصرف خواهد رسید و باید رشد سکتور مربوطه را تسریع نماید. نحوه ایجاد این صندوق‌ها در چارت ذیل تشریح می‌گردد. سرانجام، زمانی که فعالیت‌های تجاری به وجود آمده بر اساس سرمایه‌گذاری این صندوق، به بازدهی برسد، باید مدیریت آن به مردم همان محل واگذار گردد.



● **بانک معلوماتی ولایتی فهرست مراجع سرمایه‌دهنده:** در این بخش، یک بانک معلوماتی از تمام مراجع سرمایه‌دهنده، به شمول بانک ها، مراجع قرضه‌های کوچک و کمک تمویل‌کنندگان، تهیه و ترتیب می‌گردد. با در نظر داشت فارم‌های مناسب، این دیتابیس به شکل مستقیم و غیر مستقیم در دسترس متشبین بالقوه و نهادهای مشورتی غیردولتی و دولتی قرار می‌گیرد.

● **ثبت و راجستر قرضه‌گیرندگان در ولایات:** این پروگرام مراجعی را در سطح ولایات ایجاد می‌کند که، توسط آن، تاریخچه قرضه‌گیری افراد و شرکت‌ها ثبت و راجستر گردیده و در دسترس نهادهای قرضه‌دهنده قرار می‌گیرد. این نوع نهاد را می‌توان با کمک این پروگرام در سکتور خصوصی ایجاد نمود. به طور مثال، سرمایه‌گذاری توسط صندوق‌های حمایت از سرمایه‌گذاری، یا به عنوان یک نهاد دولتی ولایتی مانند شاروالی فعالیت نماید.

- **برنامه ترویج خدمات بانکی محلی:** این پروگرام برنامه‌ای را در نظر دارد که در آن معلوماتی برای مردم محل در مورد خدمات بانکی، مانند حساب جاری و حسابات پس‌انداز، حواله، رهن و قرضه بانکی ارائه می‌کند. این خدمات مستقیم یا از طریق نهادهای همکار دولت و با همکاری بانک‌های محلی ارائه می‌گردد.
- **تسریع برنامه تثبیت اراضی:** این پروگرام روند تثبیت اراضی را، به خصوص در مناطقی که از اهمیت اقتصادی بالقوه برخوردارند، تسریع می‌بخشد. هدف برنامه این است که کسانی که می‌خواهند یک فعالیت تجاری را آغاز کنند و به قرضه بانکی نیاز دارند، بتوانند زمین خود را به حیث تضمین بانکی ضمانت بدهند.
- **ترویج سرمایه‌گذاری در شاروالی‌ها و ولایات:** این پروگرام به شاروالی‌ها و ولایات کمک می‌کند تا یک موضوع تجاری را برای منطقه خود طرح نموده و آن را از طرق مختلف رشد داده و عرضه نمایند.
- طوری که در بخش‌های قبلی این سند تذکر داده شد، شامل نمودن زنان در نیروی کار یکی از بخش‌های مهم این استراتژی در راستای افزایش بازده کار در روند بازدهی می‌باشد. به طور مثال، می‌توان یک مقدار از وجوه مالی صندوق تقویة تجارت را برای زنان ریزرف نمود و لازم است برنامه‌های آگاهی‌دهی را طوری طرح نمود که به زنان، در مورد استفاده از خدمات بانکی، آموزش‌های لازم را ارائه دهد.

علاوه بر دفتر مقام ولایت و اداره مستقل ارگان‌های محلی، ریاست‌های ولایتی وزارت تجارت، وزارت مالیه و شاروالی‌ها نیز در تطبیق این برنامه باید سهیم باشند.

ایجاد خدمات حمایت از تجارت، تأسیسات و زیربنای لازم

از طریق این فعالیت اطمینان حاصل می‌گردد که ارائه خدمات لازم در بخش‌های ایجاد تأسیسات و زیربناها برای فعالیت‌های تجاری توسط نهادهای ولایتی حکومت فراهم گردد. طوری که در ذیل ترسیم شده است، این ساختار باعث کاهش مصارف گردیده و عواید تجارت‌های محلی را افزایش داده و بدین وسیله مؤثریت سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. در مقابل، این کار باعث توسعه فعالیت‌های تجاری، جلب سرمایه‌های جدید در بازار و توسعه فرصت‌های اشتغال برای مردم می‌گردد.



این برنامه شامل مواد ذیل می باشد:

- **توسعه تجارت و برنامه های اعطای وجوه:** این برنامه به ولایات کمک می کند تا فعالیت های تجاری را در ساحات خود ایجاد نمایند، که این امر می تواند باعث تقویت انکشاف اقتصاد محلی گردد. به طور مثال، اگر در نزدیکی یک شاروالی درختان پر ثمر میوه وجود داشته باشد، می توان در آن جا یک دستگاه تولید آب میوه را ایجاد نمود. این فعالیت های تجاری نخست توسط نهادهای دولتی ایجاد گردیده و بعداً می توان، از طریق میکانیزم های مختلف، آن را به مراجع غیردولتی واگذار کرد. این برنامه مشابه برنامه صندوق تقویه تجارت بوده؛ ولی بیشتر افراد فقیر را تحت پوشش قرار می دهد.
- **مرکز توسعه تجاری:** این برنامه مراکز تجاری چون مارکیت ها و مراکز مزایده برای تولیدات محلی، افزایش عواید و تشویق فعالیت های تجاری جدید را ایجاد می کند.
- **تسهیلات و ایجاد زیربناها:** تحت این برنامه، یک گروه کاری، متشکل از وزارتخانه های مختلف، چون وزارت انرژی و آب، وزارت ترانسپورت و وزارت معادن تشکیل می گردد. این گروه کاری وظیفه دارد تا نیازمندی های محلی برای انکشاف اقتصاد محلی را شناسایی و آن را در پلان های شان شامل سازند. وزارتخانه ها نیازمندی های تجار را مطالعه می نمایند. وزارتخانه های مذکور خواهند دید که کدام عرصه ها دسترسی کافی به آب و برق دارند و کدام عرصه ها ندارند. بعداً وزارتخانه های مذکور سعی می کنند ضروریات مذکور را در پلان انکشافی ولایتی شامل گردانند.
- **بهبود عقد قراردادهای و تدارکات:** این پروگرام تجار محلی را کمک می کند تا با مؤسسات بزرگ، مانند نهادهای دولتی، نیروهای امنیتی و نهادهای انکشافی قرارداد تدارکاتی عقد و در امور تجاری

همکاری نمایند. آنها این کار را از طریق جمع‌آوری و توزیع معلومات راجع به فرصت‌های موجود ارتقای ظرفیت نهادهای تجاری برای رقابت در چنین زمینه‌هایی انجام خواهند داد.

در این عرصه، مانند عرصه‌های دیگر، گنجاندن موضوع جنسیت برای حمایت از استراتژی شمولیت زنان در نیروی کار، یک امر ضروری به حساب می‌آید. عناصر بخش جنسیت، می‌تواند شامل ایجاد شرکت‌های تجاری و واگذاری آنها به گروه‌های زنان باشد و اطمینان از این که چنین برنامه‌ای سبب عقد قرارداد با تعداد کافی شرکت‌های تجاری می‌شود که توسط زنان تاسیس شده و اداره می‌شوند.

علاوه بر دفتر مقام ولایت و اداره مستقل ارگان‌های محلی، وزارت انکشاف شهری، وزارت انرژی و آب، وزارت معادن، وزارت فواید عامه، وزارت مالیه، وزارت تجارت و صنایع و شاروالی نیز در تطبیق این پروگرام، سهمیم خواهند بود.

اصلاح محیط تجاری

مؤلفه اخیر برنامه، محیط حقوقی و اداری را برای تجار و سرمایه داران بهبود بخشیده و موجودیت و مؤثریت سرمایه را افزایش می‌دهد. تمرکز اولیه این پروگرام‌ها عبارت از مراقبت محیط تجاری ولایت و حمایت از تطبیق اصلاحات جاری در این عرصه می‌باشد. اجزای این برنامه شامل موارد ذیل می‌باشد:

- **کاهش دیوان‌سالاری:** یک واحد تحقیقاتی در داخل یکی از نهادهای دولتی در سطح ولایات، مدت‌زمان و مشکلاتی را که یک شخص در جریان خدمات رسمی، چون اخذ اجازه‌نامه ساختمان و انتقال مالکیت با آن مواجه می‌گردد، مورد تحقیق و بررسی قرار داده و معلومات لازم را در مورد قضایای فاحش بی‌کفایتی ادارات دولتی جمع‌آوری می‌کند. سپس معلومات متذکره از طریق کمیته انکشاف اقتصاد محلی به مقام ولایت، ارائه می‌گردد که بعداً والی ولایت می‌تواند برای بهبود کارایی ادارات ولایتی از طریق امکانات شورای اداری ولایت اقدامات لازم را به عمل آورد.
- **کاهش حجم مالیات:** این پروگرام مراجع تجاری را در عرصه تکمیل پروسه مالیات کمک و همچنین، با مراجع مرکزی مذاکره می‌کند تا حجم مالیات کاهش یافته و سیستم‌هایی برای این امر ایجاد گردد.
- **آموزش‌دهی و تهیه مواد برای سیستم حقوقی:** این پروگرام از اصلاح قانون محاکم تجاری ولایت توسط وزارت عدلیه مراقبت می‌کند.
- **نظارت بر عوامل صادرات و واردات:** یک واحد تحقیقاتی در مورد عوامل وارداتی تولیدات، مصارف صادرات و مشکلات اداری صادرات معلومات لازم را جمع‌آوری می‌کند و از معلومات مذکور در مورد اصلاح مسایل تجاری و تطبیق بهتر قوانین و پالیسی‌های موجود تجاری استفاده خواهد شد.

• **کاهش فساد در امور تجاری مربوطه:** این برنامه از طریق ایجاد هماهنگی با برنامه‌هایی که اداره مستقل ارگان‌های محلی جهت ریشه‌کن ساختن فساد در امور عرضه خدمات به تشبثات عامه و تهیه و تدارکات عامه طرح نموده است، زمینه‌های فساد را شناسایی و خنثی خواهد نمود.

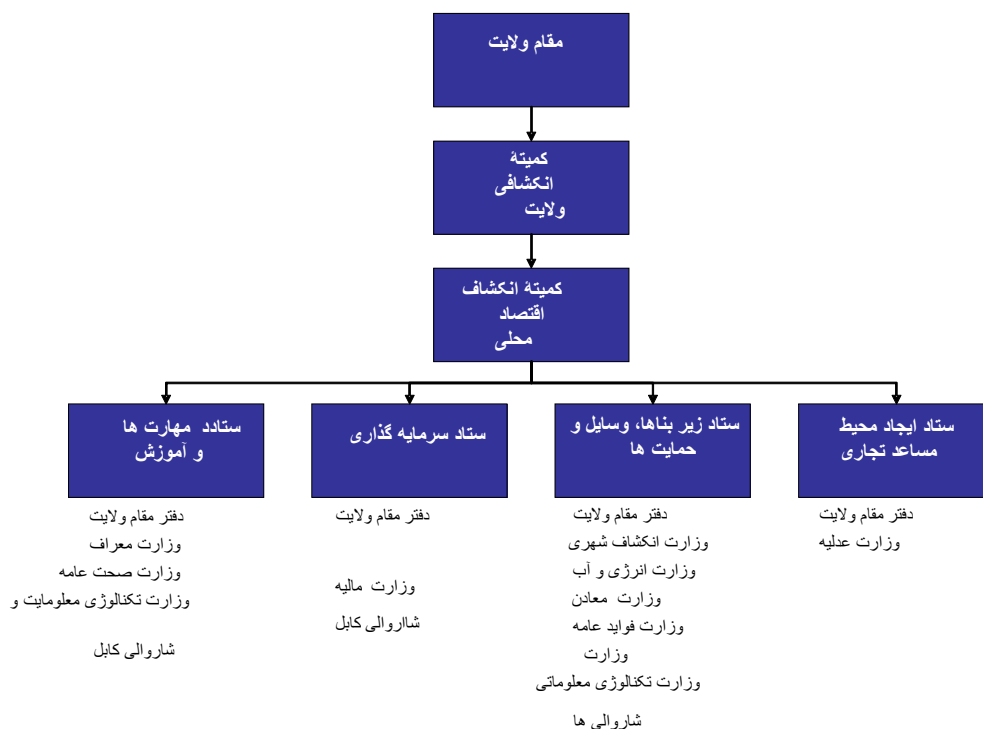
در بخش تأمین حضور زنان، این برنامه حداقل می‌تواند به شرکت‌هایی که مربوط به زنان می‌گردد، خدماتی مانند کاهش مالیات و بروکراسی‌های کاری را عرضه نماید.

علاوه بر اداره مستقل ارگان‌های محلی و مقام ولایت، وزارت عدلیه و شاروالی‌ها نیز در تطبیق این برنامه‌ها سهیم خواهند بود.

سیستم پلان‌گذاری و ایجاد هماهنگی

فعالیت‌های این برنامه توسط یک گروه کاری برای هر بخش از پروگرام پلان‌گذاری می‌گردد. البته این پلان‌گذاری تحت نظارت یک کمیته محلی انکشافی، که در حقیقت یک کمیته فرعی کمیته انکشافی ولایت می‌باشد، صورت می‌گیرد. ساختار این گروه به شکل ذیل می‌باشد:

ساختار پلان‌گذاری و مدیریت



اصول اساسی پلان‌گذاری و بودجه‌سازی به قرار ذیل خواهد بود:

- زمانی که یک فعالیت واضحاً شامل چارچوب کاری حقوقی و استراتژیک فعالیت‌های شاروالی می‌باشد، فعالیت مذکور توسط شاروالی تطبیق و اداره می‌گردد. یک مثال آن می‌تواند ترویج سرمایه‌گذاری شهری یا اداره مراکز آموزش‌های مسلکی باشد.
- زمانی که یک فعالیت واضحاً مربوط به فعالیت‌های یکی از وزارت‌ها می‌شود، اما مربوط به ساحت فعالیت شاروالی‌ها نمی‌باشد، فعالیت مذکور توسط وزارت مربوطه تنظیم می‌گردد. یک مثال خوب در این رابطه می‌تواند بهبود تهیه برق برای شهرها باشد که مربوط به وزارت انرژی و آب می‌باشد.
- زمانی که یک فعالیت نه مستقیماً مربوط به ساحت فعالیت شاروالی‌ها بوده و نه مربوط به وزارتخانه‌ها می‌گردد، فعالیت مذکور به عنوان یک پروژه اداره مستقل ارگان‌های محلی از طریق این اداره تطبیق و تنظیم می‌گردد.

در تمام سه مورد متذکره، عرضه هر یک از فعالیت‌ها در سطح ولایت توسط نهادهای پلان‌گذاری توسعه اقتصادی و انسجام امور اقتصادی صورت خواهد پذیرفت.

هماهنگی با برنامه معیشت بدیل

برنامه توسعه اقتصادی با فعالیت‌های پلان‌گذاری ولایتی معیشت بدیل هماهنگ خواهد گردید تا از این طریق زمینه توسعه اقتصاد محلی، به ویژه شاروالی‌ها، سبب حمایت از اقتصاد قریه‌هایی گردد که دهقانان کشت‌کننده خشکسالی در آنها به سر می‌برند. عرصه‌های ذیل نیازمند ایجاد هماهنگی می‌باشند:

- **انکشاف مهارت‌ها:** در این زمینه، باید اطمینان حاصل گردد که مهارت‌هایی که برای صنایع مربوطه آموزش داده می‌شود، کاملاً با سیستم‌های قابل بازده در ساحت برنامه معیشت بدیل مطابق باشد.
- **دسترسی به سرمایه:** از طریق برنامه‌های سرمایه‌گذاری باید اطمینان حاصل گردد که سرمایه‌ها به سیستم‌های قابل بازدهی (بنگاه‌های تجاری) که در ساحت ارائه معیشت‌های بدیل ترویج یافته‌اند، سرازیر می‌گردند. از طریق این برنامه باید مهارت‌های حمایتی مربوط به تجارت‌هایی، مانند تدارک تخم‌های بذری، کود زراعتی، مواد بسته‌بندی و فراهم کردن شرکت‌هایی که ماشین‌آلات زراعتی را عرضه یا ترمیم می‌کنند.
- **زیربنا، تأسیسات، خدمات:** این کمک‌ها باید در مناطقی فراهم گردد که در آنجا اقتصاد زراعتی مدرن توسط برنامه‌های معیشت بدیل ترویج می‌گردد. به طور مثال، اگر میوه‌جات ترویج می‌گردد، این

پروگرام باید مارکیت‌هایی را برای این نوع میوه جات ایجاد نماید و همچنین، تأسیسات پروسس میوه‌جات را ایجاد و تسهیلات لازم، مانند آب و برق، را برای‌شان مهیا سازد.

● **محیط تجاری:** گروه کاری محیط تجاری باید بالای آن دسته شرکت‌هایی تمرکز نماید که در صدر ترویج اقتصاد زراعتی در مناطق معیشت بدیل قرار دارند. به طور مثال، شرکت‌هایی که کود زراعتی را برای دهقانان عرضه می‌دارند و همچنین پایین‌تر از آن شرکت‌هایی که پروسس و صادرات را شامل می‌شود. مساعی برای تسریع طرزالعمل‌های بروکراتیک و بهبود شرایط واردات و صادرات باید، تا حد ممکن، فعالیت‌های مربوطه را اولویت‌بندی نماید. گروه کاری باید در پی کاهش امور دیوان‌سالاری باشد که مسئولین مربوطه با برنامه‌های معیشت بدیل، به خصوص در سطح محلی، با آنها سر و کار دارند. گروه کاری متذکره، به خصوص در نهادهای ولایتی، می‌تواند مشکلاتی چون فساد اداری و بروکراسی بیش از حد را شناسایی نماید. اگر این گروه کاری مشکلاتی را در سطح محلی می‌بیند، برای رفع مشکلات مذکور باید اقدام نماید. اما اگر مشکلات عمیق بوده و مربوط به حکومت می‌گردد، گروه کاری مذکور می‌تواند در این زمینه به مراجع بالا گزارش داده و همراه با مسئولین مربوطه برای رفع این مشکل کار نماید.

بنابراین پلان‌گذاری و تطبیق برنامه باید همراه با برنامه معیشت بدیل هماهنگ گردد.

اساس‌های نهادی مناسب‌تر برای بسیاری از فعالیت‌ها در برنامه انکشاف اقتصاد محلی در مراحل بعدی مد نظر قرار خواهند گرفت.

اداره منابع طبیعی توسط مردم

با رشد جهانی شدن، شرایطی که به طور تمام عیار مدیریت منابع طبیعی و عظیم را به عهده داشتند، رو به محدود شدن می‌باشند. با آن هم، برای اداره منابع طبیعی، درک مردم وسیعاً طوری است که اکثر تصامیم و اقدامات در این زمینه، مستقیماً تأثیرات خود را بالای منابع طبیعی به جا می‌گذارند. یک مشکل دیگر این است که ظاهراً مشکلات محلی را نمی‌توان در سطح محلی مرفوع ساخت، اما تصامیم و اقدامات محلی، به طور جمعی و انفرادی، روند سیستم اقتصادی را شکل می‌دهد. در اکثر موارد، این امر مربوط به اقدامات مردم محل می‌گردد. به طور مثال، در مناطقی که امروزه جنگل‌ها قطع می‌گردند، زراعت می‌شود، گیاهان جمع‌آوری می‌شوند، و منابع آبی، به علت شیوه‌های نادرست اداره منابع، آسیب می‌بینند.

تنوع فرهنگی و زیستی، که برای بشریت در کل و برای ملت افغانستان به طور خاص منفعت دارد، در حال حاضر بر اساس حکومت‌داری ضعیف در معرض خطر قرار گرفته است. اصلاحات دموکراتیک کلید انکشاف دوامدار و حفظ تنوع زیستی و فرهنگی می‌باشد.

تنوع فرهنگی و زیستی را می توان به عنوان مشترکات جهانی، مشترکات ملی و مشترکات محلی قلمداد نمود و درعین حال، هم می توان آن را جزء دارایی خصوصی افراد و هم دارایی عمومی به حساب آورد. مسئولیت ها، حقوق غیر واضح و عدم حسابدهی عبارت از مسایل ویژه حکومت داری و حفظ این سکتور می باشد، زیرا حفظ منابع محیط زیست، مانند اراضی، آب، منابع زیرزمینی و منابع بیولوژیکی را، که تمام آنها از نظر مالی با ارزش می باشند، تحت تأثیر قرار می دهد. منابع بیولوژیکی در مقابل استخراجی که توسط رقباى مختلف صورت می گیرد، آسیب پذیر می باشد. علاوه بر آن، منازعات فعال بر سر استفاده از منابع، در عدم محافظت لازم از منابع، اثر منفی خود را بالای مردم محل بر جای می گذارد.

منابع طبیعی به عنوان دارایی شمرده می شود که برای تبدیل شدن به قدرت سیاسی و اقتصادی ارزشمند است. منابع طبیعی، به طور غالب، به عنوان ابزارها و دارایی هایی ارزش گذاری می گردند که توان تبدیل شدن به ابزارهای کسب قدرت سیاسی و اقتصادی را، به صورت ذیل، دارا می باشد:

- فرصت ها را برای دیالوگ و مباحثه در مورد منابع طبیعی راه اندازی نماید تا در این رابطه یک اجماع به وجود بیاید و سرانجام در سطح محلی و ملی نیز در این زمینه یک اجماع شکل بگیرد.
- تأمین هماهنگی و تشریک مساعی میان ادارات مختلف پالیسی و تطبیقی، روش یکپارچه برای حفظ منابع، حکومت داری سالم و حفظ منابع طبیعی به شمول یک سلسله پروژه هایی که حقوق زمین داری، ظرفیت اداره، حراست و مسایل جندر را مد نظر داشته باشد.
- تشریک مساعی از طریق شریک سازی معلومات با مردم محل در رابطه به دانش و مشکلاتی که فعلاً با آنها روبه رو می باشند.
- ارتقای ظرفیت شهروندان به منظور حفظ پایدار منابع؛
- بلند بردن سطح آگاهی مردم در مورد حفظ منابع طبیعی، آگاهی دادن در مورد حقوق و مسئولیت های مردم در مطابقت با قوانین و میثاق هایی که حکومت افغانستان در مورد حفظ منابع طبیعی و محیط زیست به امضا رسانیده است.
- ایجاد و حمایت از شبکه های جامعه مدنی تا در مورد حفظ منابع طبیعی و ارتقای ظرفیت، نظریات و نگرانی های خود را ابراز نمایند.
- حفظ منابع طبیعی از طریق میکانیزم های مردمی و با حمایت نهادهای محلی حکومت. منابع طبیعی می تواند نقش بارزی را در توسعه پایدار و کاهش فقر ایفا نماید، در صورتی که منابع مذکور از طریق میکانیزم های مردمی و با حمایت ادارات محلی حکومت صورت گیرد.
- اقدام به حفظ منابع طبیعی با مشور مردم محل، از جمله گروه های فراموش شده، مانند چوپان ها، صورت می گیرد. این اقدامات نمایانگر ارزش های محلی می باشد. البته این اقدامات یک بخش مهم از پروسه داومدار کاهش فقر را تشکیل می دهد، زیرا بهبود تولیدات، مستقیماً باعث افزایش معیشت روستایی، مصونیت غذایی و مشارکت در بازار می گردد.

- از محیط زیست باید به گونه‌ای استفاده گردد که مشکل خاصی را در درازمدت به وجود نیاورد و پاسخ‌گوی نیازمندی‌های مردم بوده و در مطابقت با ارزش‌های فرهنگ محل باشد.
- نهادهای محلی حکومت و جامعه مدنی (گروه‌های استفاده‌کنندگان، انجمن‌های تولیدکنندگان و غیره) نقش عمده‌ای در تصمیم‌گیری‌هایی که راجع به منابع طبیعی قابل تجدید اتخاذ می‌گردد، خواهند داشت.
- نهادهای محلی باید به طرزعمل‌ها و میکانیزم‌هایی که حقوق و منافع تمام افراد و مراجع ذی‌ربط را تأمین می‌کند - به شمول حق شمولیت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محیط زیست - احترام بگذارند.

حفاظت از محیط زیست

محیط زیست در سه دهه اخیر بسیار آسیب‌دیده است. وضعیت محیط زیست در کشور ما موجب نگرانی فراوان و حفظ آن یکی از اولویت‌های حکومت افغانستان است. حفاظت از محیط زیست به وضاحت در ماده ۱۵ قانون اساسی شرح یافته است. حفظ محیط زیست یکی از اساسی‌ترین وظایف و مسئولیت‌های نهادهای دولتی در سطح محلی خواهد بود.

ماده ۱۱ قانون حفظ محیط زیست شورای مشورتی ملی را به منظور این امر ایجاد می‌کند. این شورا در برگیرنده والی‌ها، رؤسای شوراهای ولایتی، یک نماینده از شورای ولسوالی، علمای مذهبی و بزرگان محلی می‌باشد. این شورا باید هر سال یک بار تحت رهبری رئیس اداره ملی حفظ محیط زیست جلسه دایر کند. اولین جلسه این شورا به تاریخ ۱۴ و ۱۵ ثور ۱۳۸۷ در کابل برگزار شد. شورای مشورتی ملی با توافق آراء قطعنامه ۲۴ ماده‌ای را به تصویب رسانید، که به طور واضح و مشروح، وظایف و مسئولیت‌های نهادهای دولتی در سطح محلی را در خود جای داده است. این پالیسی، قطعنامه ۲۴ ماده ای فوق را تأیید می‌کند.

ماده ۱۲ قانون حفظ محیط زیست، شورای مشورتی محلی را برای حفظ محیط زیست با شمولیت رؤسای شوراهای ولایتی و شورای ولسوالی، ولسوال، رئیس اداره ملی حفظ محیط زیست در ولایت مربوطه، علمای مذهبی و بزرگان محلی، نمایندگان نهادهای جامعه مدنی، دهاقین و کوچی‌ها ایجاد می‌کند. این شورا باید هر شش ماه یکبار جلسه‌اش را دایر نماید. شورای مشورتی ولایتی در مورد محیط زیست باید چنین شورای مشورتی را در سطح ولسوالی نیز ایجاد نماید.

نهادهای دولتی در سطح محلیبرای احیاء و استفاده مؤثر و مداوم از جنگلات و چراگاه‌ها، آب و باتلاق‌ها، حفظ و نگه‌داشت گوناگونی بیولوژیک مناطق حفظ شده، و حفظ محیط زیست در شهرها باید گام‌های عملی بردارند.

این امر در استفاده مؤثر منابع طبیعی در کشور و شرکت وسیع مردم در برنامه‌های حفظ محیط زیست کمک خواهد کرد.

تعیین حدود قریه‌ها

حکومت حدود جغرافیایی موجود قریه‌ها و گذرها را به مثابه واحدهای اداری و سیاسی بررسی و تعیین خواهد نمود. نقشه‌های سیاسی و اداری در تمام سطوح طرح و به منظور استفاده در پروسه‌های انتخاباتی، پلان‌گذاری اجتماعی، اقتصادی و تطبیق پالیسی ادارات محلی در اختیار همگان قرار داده خواهد شد.

تقویت ساختارهای حکومت‌داری در سطح قریه خیلی مهم است. نخستین قدم در این راستا، شناسایی حدود جغرافیایی و تعیین تعداد خانواده‌های ساکن در آن قریه می‌باشد. در گذشته وزارت مالیه و املاک به منظور جمع‌آوری مالیه، مناطق روستایی را به واحدهای مالیاتی تقسیم نموده بودند. این تقسیمات اکثراً با آنچه مردم محل آن را قریه می‌نامیدند، مطابقت داشت. در عین حال روش دیگر شناسایی قریه‌ها روشی است که ولسوالی‌ها به منظور تسهیل امور احصائیوی و اداری در پیش می‌گرفتند. بر اساس تجارب گذشته جهت تعیین حدود قریه‌ها، فاکتورهایی مانند تعداد حداقل خانوارها، مجاورت جغرافیایی، داشتن ملک یا ارباب مشترک، شامل بودن در حقه‌ها، شامل بودن در گروپ‌های مالیاتی، و ثبت بودن در ولسوالی به حیث یک قریه را می‌شود مد نظر گرفت.

ناگفته نماند که قریه‌ها قبلاً توسط اداره مرکزی احصائیه تعریف گردیده‌اند. اجتماعات محلی با توافق یکدیگر می‌توانند حدود قریه‌هایشان را مشخص نمایند. بعداً دفتر مرکزی جیودیزی و کارتوگرافی افغانستان حدود تعیین شده توسط مردم را، پس از مشوره با شوراهای قریه ولسوالی‌ها و املاک، به رسمیت خواهد شناخت. توافق مردم در این مورد شرط اساسی پنداشته می‌شود.

این حدود جغرافیایی به کمک تصویربرداری ستالیت، با یک مقیاس مناسب و بر مبنای اندازه فیزیکی قریه‌ها، مشخص می‌گردد. تصویربرداری از حدود قریه‌ها توسط تیم ساحوی، با تأیید شوراهای هم‌جوار و با ثبت اسامی، امضاها و نشان‌های انگشت آنان، که حاکی از موافقت‌شان در مورد حدود جغرافیایی تعیین شده می‌باشد، صورت می‌گیرد. کاپی اول این تصاویر و تصدیق امضاشده به ریش سفیدان قریه داده شده و کاپی دوم آن، به منظور شمولیت در سیستم معلومات حدود سیاسی و اداری، به اداره مرکزی احصائیه ارائه می‌گردد.

اداره اراضی

ثبت اراضی

همان‌طور که در استراتژی سکتوری حکومت‌داری، اداره عامه و حقوق بشر، و استراتژی انکشاف ملی افغانستان تذکر داده شده است، پروسه ثبت و قبالة زمین در تمام واحدهای اداری و ثبت قبالات بر اساس روند اجتماعی، از جدی سال ۱۳۸۷ (اواخر ۲۰۰۸)، در تمامی ساحات شهری و روستایی راه‌اندازی خواهد شد. یک سیستم مناسب برای حل هر نوع منازعات روی زمین تا جدی سال ۱۳۸۷ (اواخر ۲۰۰۸) روی دست گرفته خواهد شد. حکومت، ظرفیت و توانایی ثبت و آرشیف معلومات درباره قبالات عرفی در قریه‌ها را که ریش‌سفیدان می‌توانند آنها را سرپرستی و بازرسی نموده و از صحت و سقم معلومات مربوط به حقوق ملکیت مردم اطمینان دهند، ایجاد خواهد کرد؛ چنانچه این کار در پروژه «اداره زمین‌های دهات» وزارت زراعت و مالداري صورت می‌گیرد. در مورد شاروالی‌ها، «گذرها» می‌توانند واحد محلی ثبت اسناد باشند.

استراتژی برنامه^{۱۹}

پالیسی جدید زمین، تمامی اسناد دو نسخه‌ای ملکیت زمین در آرشیف را از میان برداشته و مشاوره پیرامون ملکیت زمین در مناطق روستایی را سهل‌تر و اقتصادی‌تر می‌سازد. واحد اداره زمین مربوط به املاک با ریاست سروی و کدستر ملحق گردیده تا مشترکاً یک سیستم ثبت قبالات زمین به شمول توضیحات گرافیکی ملکیت را به میان آورند. همچنین ضروری خواهد بود تا ریکارد قبالات با پلان‌های فرعی که توسط شهرداری‌ها اداره می‌شود، توأم گردد. تغییرات سازمانی به میان آمده، با در نظر داشت نقش مهم اداره ملکیت‌ها در شهرها و روستاهای کشور، زمینه‌ساز تشکیل ریاست عمومی اداره زمین خواهد شد، که تحت رهبری مستقیم جلالت‌مآب، رئیس جمهور کشور، قرار خواهد گرفت. ادارات اخذ مالیات ملکیت‌ها یا همانند دهه ۶۰ (۱۹۶۰) به این اداره ادغام خواهند گردید و یا به منبع اطلاعاتی مربوط به این اداره دسترسی پیدا خواهند نمود. یک استراتژی سه بخشی برای ایجاد سیستم جدید اداره زمین مؤثر و مناسب خواهد بود:

^{۱۹}. لطفاً به سند ارتقای ظرفیت پالیسی اراضی و اصلاح اداری وزارت زراعت، آبیاری و مالداري مراجعه کنید. (بانک انکشافی افغانستان / اداره انکشاف بین‌المللی بریتانیا: «سند تحقیق ریاست عمومی اداره اراضی املاک وزارت زراعت»).

بخش نخست: توسعه ظرفیت تخنیکي برای نقشه‌برداری از قطعات زمین

- معرفی آموزه‌های تکنالوژی معلوماتی و ارتباطی مدرن در ریاست‌های تخنیکي؛
- فراهم‌سازی ابزار و وسایل کاری برای استفاده از این تکنالوژی در مراکز آموزشی و تشویق برای تحویل تدریجی این تکنالوژی به سکتور خصوصی و عمومی؛
- راه‌اندازی برنامه ملی برای نقشه‌برداری از حدود جغرافیایی قریه‌ها و گذرها که می‌توان آنها را «واحدهای مالیاتی»، نامید. امور فوق در سابق نیز به همین شیوه صورت می‌گرفتند. از این طریق می‌توان قطعات زمین را به صورت درست نمره‌گذاری نمود تا توسط ریاست عمومی اداره زمین مورد استفاده قرار گیرند.

بخش دوم: تبدیل نهادهای سنتی به نهادهای مدرن

به صورت رایج، در اکثر معاملات زمین‌های شهری و یا روستایی (و دیگر ملکیت‌ها مانند آپارتمان‌ها)، کاپی سند توافقنامه معاملات فقط توسط جانبین معامله نگهداری می‌گردد. روش مورد نظر ما تقویت سیستم رایج کنونی است که در آن اسناد توسط طرفین معامله «به طور عرفی» تهیه می‌گردد. پیشنهاد می‌گردد تا دو فعالیت ذیل در این پروسه گنجانیده شود:

- ایجاد ظرفیت برای ثبت و آرشیف‌سازی معلومات مندرجه قبالة جات عرفی به طور کاپی - حتی اگر اصل آن موجود نباشد- در سطح محلاتی مانند قریه‌جات و یا مجموعه‌ای از قریه‌جات؛ طوری که بزرگان محل و اشخاص بانفوذ به آن دسترسی داشته و با نظارت بر آن در مورد معلومات حقوق ملکیت‌ها و صحت آن اطمینان حاصل نمایند. این ظرفیت در حال حاضر مربوط به پروژه اداره زمین‌های روستایی وزارت محترم زراعت، آبیاری و مالداري برای تعیین حقوق چراگاه‌ها و قطعات زمین جنگلات توسط شورای قریه می‌گردد. سکرتریت شورا تحت رهبری اعضای شورا کاپی توافقنامه‌های چراگاه‌ها و قطعات زمین جنگلات را همراه با تصویر اصلی ستلايت نشان دهنده مرزها میان این قطعات زمین، در قریه نگهداری می‌کند.
- در شهرداری‌ها، واحد ثبت اسناد در سطح محلات، گذرها می‌باشند.
- اسناد ثبت شده در دفاتر محلات نسبت به اسنادی که ثبت نگردیده‌اند، از اعتبار قانونی و ارجحیت برخوردار خواهند بود. افرادی که ترجیح می‌دهند تا اسناد معاملات خود را توسط دستگاه قضایی ابتدایی پیش ببرند، تشویق می‌گردند و از آنها تقاضا می‌گردد تا یک کاپی از سند تهیه شده را در واحد ثبت قبالة جات (قریه و یا گذر) بسپارند. افرادی که ترجیح می‌دهند معاملات قبالة ایشان به صورت عرفی صورت گیرد، نیز باید یک کاپی از سند خود را در واحد ثبت اسناد (قریه یا گذر) تحویل دهند.

- فراهم‌سازی تصاویر ستلایت با دقت کافی برای شورای قریه یا گذر، که در آن حدود جغرافیایی چراگاه‌ها، جنگلات و قطعات زمین زراعتی با مرزهای قریه‌جات، بخش‌های قریه‌جات در قریه‌های بزرگ‌تر، و گذرها در محلات شهری، شناسایی و تفکیک گردد.

بخش سوم:

ریاست عمومی ادارهٔ املاک، معلومات ملکیت‌ها را به صورت تخنیکی و مالی در سطوح محلی ترتیب داده و آن را غرض کمک به واحدهای اداری ثبت زمین در سطوح محلی فراهم می‌کند. ریاست‌های فعال ریاست عمومی ادارهٔ املاک از قرار ذیل‌اند:

۱. ریاست کدستر و ثبت زمین (فراهم‌سازی کمک به واحدهای ثبت زمین در سطح محلات، نظارت بر فعالیت‌های آنها، و فراهم‌سازی خدمات آرشیف در صورت نیاز این دفاتر):
 - کمک به چگونگی ثبت اسناد در روستاها برای شوراهای قریه‌ها،
 - کمک به چگونگی ثبت اسناد در شهرها برای کمیته‌های گذر،
 - واحد نقشه برداری کدستر، ادغام معلومات بخش سروی و کدستر، املاک و ملکیت‌های شهرداری در سیستم معلومات قطعات زمین غرض کمک به فعالیت‌های واحدهای ثبت زمین.
۲. ریاست مالیات املاک، غرض کمک به ارزیابی و جمع‌آوری مالیات ملکیت‌ها در روستاها و شهرها؛
۳. ریاست حل مناقشات، غرض داوری و حل و فصل منازعات زمین؛
۴. ریاست پلان و ارتقای ظرفیت، غرض تهیهٔ پلان سالانه و پنج ساله و کمک به ریاست‌های ثبت ملکیت‌ها، کدستر و مالیات ملکیت‌ها؛
۵. دیپارتمنت حقوق، که مسئول نظارت بر مسودهٔ قوانین حقوق مربوط به زمین و دیگر ملکیت‌های غیر منقول و نیز مسئول تهیه مسودهٔ قوانین مورد نیاز ریاست عمومی اداره اراضی و کمک به اصلاحات اداری ریاست و دیگر شعبات آن می‌باشد؛
۶. ریاست ارتباطات قضایی برای ارتقای ظرفیت قضایی و تشریک معلومات کدستری، مانند حداقل واحد تثبیت موقعیت ملکیت‌ها در قباله‌جات و فراهم‌سازی کاپی آن به اداره ملی اراضی؛
۷. ریاست تثبیت و تعیین زمین که در بخش‌های اولویت‌بندی شده کار نموده و ساحه و نوعیت زمین آبی، باغستان، للمی، چراگاه، جنگلات و غیره را، بر اساس نیازمندی وزارتخانه‌ها (اساساً زراعت و انکشاف شهری)، شهرداری‌ها، و مقامات مالیهٔ زمین، تعیین می‌کند.
 - تعیین اولویت میان ولایات، ولسوالی‌ها و گذرها، برای سروی حدود واحدهای مالیاتی و ایجاد واحد ثبت معلومات مربوط به قریه‌ها؛
 - اخذ تصاویر ستلایتی از ساحات اولویت‌بندی شده؛

- تعیین ادعاهای حقوقی برای چراگاه‌های قریه‌جات و چراگاه‌های عمومی و جنگلات، با استفاده از روش اتخاذشده توسط ادارهٔ پروژهٔ اراضی روستایی و در تفاهم با بزرگان و متنفذین قریه‌ها؛
- تهیهٔ فورم و طرزالعمل برای قانونی کردن ملکیت‌ها در شهرها و روستاها و تشکیل واحدهای کمکی برای اجرای برنامهٔ قانونی کردن ملکیت‌ها؛
- تهیهٔ نقشه‌های کدستری و اسناد تجدید شدهٔ املاک و شاروالی برای آن دسته از مالکین در واحدهای مالیاتی قریه‌ها، ولسوالی‌ها و گذرها که علاقمند سهم‌گیری در قانونمندساختن حقوق خویش برای زمین‌های زراعتی، چراگاه و جنگلات می‌باشند.

جلوگیری از غصب اراضی شخصی و دولتی

والی‌ها و ولسوال‌ها مسئولیت دارند از غصب زمین‌های دولتی و شخصی یا تعیین حدود اراضی بدون پیگیری روندهای قانونی در ساحات مربوط به خود، جلوگیری به عمل آورند.

مبارزه با مواد مخدر

پالیسی کنونی مبارزه علیه مواد مخدر و فعالیت‌های آن مبتنی بر برخی از اسناد استراتیژی و پالیسی می‌باشد. استراتیژی مبارزه با مواد مخدر، سند اساسی و رهبری‌کننده فعالیت‌های مبارزه با مواد مخدر می‌باشد. استراتیژی مبارزه با مواد مخدر که در سال ۲۰۰۶ تدوین گردیده، دارای چهار اولویت کاری می‌باشد:

۱. مختل ساختن تجارت مخدرات؛
۲. تقویت و متنوع ساختن معیشت قانونی در روستاها؛
۳. کاهش تقاضا برای مواد مخدر؛
۴. تقویت سازمان‌ها و نهادهای دولتی در راستای مبارزه با مواد مخدر.

استراتیژی مبارزه با مخدر دارای یک سلسله مقررات برای دخیل‌ساختن ادارات ولایتی در مبارزه با مواد مخدر می‌باشد. تحت این استراتیژی، ادارات ولایتی نقش مؤثری را در ساختار تأسیسات، آگاهی عامه و محو آن ایفا خواهند نمود. علاوه بر آن، این سند بیانگر آن است که سیستم محو مواد مخدر باید «محو مواد مخدر به رهبری مقام ولایت» باشد و والی‌ها باید در سطح رهبری قرار گیرند.

استراتیژی انکشاف ملی افغانستان نیز به روش‌های مبتنی بر سهم‌سازی ولایات در مبارزه با مواد مخدر صحنه نهاده است. در این استراتیژی آمده است: «تطبیق این استراتیژی مبتنی بر اصل سهم‌سازی ولایات در مبارزه با مواد مخدر می‌باشد که ولایات را ملزم می‌سازد تا پلان‌های کاری مبارزه با مواد مخدر را با مطابق پلان‌های انکشافی تدوین نمایند. با والی‌ها در تهیهٔ پلان‌های محلی تطبیق مبارزه با مواد مخدر مشوره صورت خواهد

گرفت و این پلان‌ها، پس از انسجام و اولویت‌بندی، در پلان تطبیق ملی گنجانیده خواهند شد. والی‌ها با ایجاد هماهنگی بین روند تدوین پلان‌گذاری محلی، ریاست‌های سکتوری، مؤسسات بین‌المللی، ولایات و اجتماعات محلی را در این روند دخیل می‌سازند.

تمام استراتژی‌های مبارزه با مواد مخدر، به شمول استراتژی‌های ولایتی، باید چهار عنصر اساسی را در بر داشته باشند: ریشه‌کن‌سازی، کاهش در تقاضا، معیشت بدیل و حاکمیت قانون. طوری که تشریح گردیده است، ریشه‌کن‌سازی شامل جلوگیری از برداشت محصولات خشخاش ضمن کمپاین‌های قبل از زرع، یا ریشه‌کن‌سازی کشت خشخاش می‌باشد. فعالیت‌های که به منظور کاهش تقاضا در نظر گرفته شده اند، باید در نهایت استفاده از مواد مخدر را کاهش داده، زمینه‌تداوی و آموزش را برای معتادین فراهم نماید. فراهم‌سازی معیشت بدیل شامل تقویت سیستم معیشت مشروع برای دهاقین بی‌بضاعت می‌باشد که در غیر آن خشخاش زرع می‌نمایند. حاکمیت قانون نیز شامل اجرای عدالت علیه کسانی می‌باشد که در توسعه تجارت مواد مخدر سهیم می‌باشند.

به منظور تأمین روش مناسب ریشه‌کن‌سازی، باید پیشاپیش با والی‌ها در مورد اهداف ریشه‌کن‌سازی مشوره صورت گیرد. هرچند مبارزه با مواد مخدر یک مشکل ملی تلقی می‌گردد و ضروری پنداشته می‌شود تا مقامات در سطح ملی، اهداف ریشه‌کن‌سازی را تعیین و در نهایت مقامات عالی‌رتبه این اهداف را تأیید نمایند؛ ولی چون والی‌ها معلومات بهتری در مورد اوضاع محلی دارند، باید در روند پلان‌گذاری سهیم گردند. سهیم‌ساختن والی‌ها در پلان ریشه‌کن‌سازی، «گستره صلاحیت» آنان را توسعه داده و برای آنان پاسخ‌دهی را در مورد فعالیت‌های‌شان آسان‌تر می‌سازد. دوره پلان‌گذاری، که در زیر خواهد آمد، به والی‌ها این توانمندی را خواهد داد تا معلومات کافی را برای پلان ریشه‌کن‌سازی کشت خشخاش فراهم نمایند.

- گروه کاری ملی محو زرع کوکنار مسوده پلان ابتدایی را تسوید می‌کند.
- در ارتباط با پلان مربوطه با والی‌ها مشوره صورت گرفته و به آنها فرصت داده می‌شود تا در صورت داشتن پیشنهادات، آن را ارائه نمایند.
- گروه کاری ملی محو زرع کوکنار، پلان محو کشت کوکنار را به اساس تقاضاهای والی‌ها، در صورتی که مناسب تلقی گردند، تجدید نظر می‌کند.
- والی‌ها فرصت دوم را برای پیشنهاد ساحات دیگر به منظور ریشه‌کن‌سازی کوکنار در اختیار خواهند داشت.
- گروه کاری ملی محو زرع کوکنار، پلان‌ها را نهایی می‌سازد.

به این ترتیب در مشورت با والی‌ها، گروه کاری ملی محو زرع کوکنار، نه تنها با یک پلان ریشه‌کن‌سازی بهتر مجهز خواهد گردید، بلکه این کار سهم بیشتری را برای والی‌ها برای تشریح نظریات خویش فراهم خواهد نمود. اشتراک والی‌ها نیز به صورت عموم انتخاب محلات بهتر را برای گروه کاری ملی محو زرع کوکنار در پی خواهد داشت.

در محلاتی که کوکنار زرع می‌گردد، والی‌ها می‌توانند نقش بسزایی را در اجرای برنامه‌های معیشت بدیل در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت داشته باشند. نیاز به اجرای این‌گونه برنامه‌ها در چهار سال دیگر محسوس است.

این‌گونه برنامه‌ها در کوتاه‌مدت (حدود یک سال) در محلاتی که کوکنار در آن زرع می‌گردد، به ترتیب آتی اجرا می‌شود:

۱. والی‌ها برنامه‌های کمک‌رسانی را به دهاقین بی‌بضاعت، که زمین‌های‌شان دستخوش ریشه‌کن‌سازی کوکنار گردیده است، فراهم می‌نمایند. این برنامه‌ها شامل توزیع مواد به عنوان معیشت بدیل، فراهم‌سازی کمک‌های ابتدایی تخنیکی و همچنین، فراهم‌سازی دسترسی به بازار توسط والی‌ها می‌باشد. در صورتی که والی‌ها بتوانند بین خریداران و فروشندگان ارتباط برقرار سازند، ممکن است کسانی که قبلاً محصولات کوکنار را خریداری می‌نمودند، فرصت بهتری برای درآمد پایدار از طریق خریداری محصولات قانونی و مشروع دهاقین به دست بیاورند.

۲. این‌گونه مساعدت‌ها باید به شیوه مرحله‌وار کمپاین مبارزه با مواد مخدر، که شامل کمپاین از قبل پلان‌شده، معیشت بدیل، ریشه‌کن‌سازی و تقویت حاکمیت قانون می‌گردد، اجرا شود.

۳. مصارف بودجوی اجرای برنامه‌های معیشت بدیل باید از جانب وزارتخانه‌های سکتوری تمویل شده و همچنین در برگیرنده فراهم‌سازی وسایل و کمک دوامدار برنامه معیشت بدیل در سطح ولایت خواهد بود.

برنامه‌های میان‌مدت، از سال دوم، و طی چهار مرحله، به ترتیب آتی، پس از ختم برنامه‌های کوتاه‌مدت تطبیق خواهند گردید.

۱. والی در رأس کمیته تشکیل‌شده برای پروژه‌های مؤسسات غیر دولتی قرار می‌گیرد. این کمیته سه سال عمر داشته و فعالیت‌های ساختمانی و انکشاف زمین‌های زراعتی، توسعه زراعت و تقویة بازاریابی بر اساس فعالیت‌های اجتماعی را در بر دارند. والی که نقش هماهنگ‌کننده اساسی این‌گونه برنامه‌ها را به عهده دارد، مالکیت این برنامه توسط دولت را در مرحله درازمدت تسهیل می‌کند.

۲. این برنامه‌ها حاوی مقررات دیگری نیز هستند که در تداوم آن کمک می‌کند. این مقررات شامل دادن فرصت به مؤسسات غیر انتفاعی، غرض اجرای برنامه و معرفی ریاست مربوطه برای کار مشترک، می‌باشد. به وجود آوردن احساس مالکیت پروژه در وزارتخانه‌ها، انتقال این برنامه‌ها را به ریاست‌های

سکتوری در سطح ولایات تسهیل می‌کند و مساعدت‌هایی برای تقویۀ ظرفیت ریاست‌های سکتوری را فراهم می‌سازد. برای تداوم پروژه، باید با ریاست‌های سکتوری، دفاتر مرکزی وزارتخانه‌های سکتوری و کمیته انکشافی ولایتی از نزدیک کار نمود تا مطمئن شد که پروژه‌ها از قبل پلان گردیده و بودجۀ آن برای سال‌های بعدی ترتیب شده‌اند. فقط با کسب اطمینان در مورد اینکه این گونه فعالیت‌ها از قبل برنامه ریزی شده و در بودجه در نظر گرفته شده‌اند، می‌توان تداوم پروژه را کمک نمود.

برنامه درازمدت، پنج سال یا بیشتر از آن را در بر می‌گیرد که به ترتیب شامل موارد ذیل است:

۱. والی با استفاده از موقف خود در مورد اینکه پروسه پلان ولایتی برنامه‌های معیشت بدیل را در بر دارند، اطمینان حاصل می‌کند. این کار در برگیرنده برنامه‌هایی مانند آموزش‌های زراعتی اجرا شده توسط وزارت زراعت و مالداري و بهبود سرک‌های روستایی توسط وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین می‌گردد. هرچند ریاست‌های سکتوری مسئولیت اجرای برنامه‌های معیشت بدیل را خواهند داشت، اما والی باید از موجود بودن روحیه همکاری میان وزارتخانه‌ها، اجرای برنامه به صورت درست، و هماهنگی میان سکتورهای مختلف مطمئن گردد.

۲. والی و شورای ولایتی اجرای خدمات معیشت بدیل را هماهنگ ساخته و بر آن نظارت می‌نمایند.

۳. مؤسسات بین‌المللی در صورتی می‌توانند کمک خود را فراهم نمایند که پروسه پلان انکشافی را در نظر گرفته و کمک‌های مالی خود را از طریق وزارت مالیه، بودجه اساسی انکشافی و یا از طریق وزارتخانه‌ها به مصرف برسانند. آنها همچنین می‌توانند برنامه‌های ظرفیت‌سازی و کمک‌های تخنیکی را اجرا نمایند.

تنفیذ قانون، آخرین عنصر عمده استراتژی مبارزه با مواد مخدر را تشکیل می‌دهد. هرچند تنفیذ قانون جزئی از وظایف والی نمی‌باشد، اما والی هنوز هم می‌تواند با نظارت بر انفاذ قوانین در ارتباط با مبارزه با مواد مخدر در سطح ولایت در راستای فراهم‌سازی فعالیت‌های حاکمیت قانون مؤثر واقع شود. حاکمیت قانون، مسئولیت وزارتخانه‌ها و نهادهایی مانند دفتر لوی خاځارنوالی و وزارت محترم امور داخله می‌باشد. با این هم‌دفتر والی با نظارت فعالیت‌های تنفیذ قانون و اثرات آن، می‌تواند در بهبود حاکمیت قانون مفید واقع شود. والی یا نماینده با صلاحیت ولایت ریاست «کمیته نظارت بر انفاذ قانون در سطح ولایت» را به عهده دارد. اعضای این کمیته نماینده‌های دفاتر ولایتی دادستانی کل، وزارت مبارزه با مواد مخدر، پولیس مبارزه با مواد مخدر، گروه کاری مبارزه با مواد مخدر و وزارت محترم امور داخله می‌باشد. این کمیته در مورد دستگیری و ضبط مواد مخدر، کمین‌انتقالات، کشف لابراتوارهای هروئین و دستگیری و توقیف حلقات فعال در دستگاه تریاک و هروئین گزارش می‌دهد. این کمیته همچنین بر انجام تعزیرات بر اینگونه افراد نظارت نموده و این موضوع را بررسی می‌کند که آنها مدت محکومیت خود را در زندان سپری می‌نمایند. این کمیته همچنین اعلامیه خود را در

مورد پیشرفت فعالیت های انفاذ قانون نشر می کند. گزارش کمیته باید با دیگر وزارتخانه ها، وزارت مواد مخدر و اداره مستقل ارگان های محلی که در کمیته سهیم اند، تشریک گردد.

استراتیژی ارتباطات

دولت باید در جستجوی روش هایی برای ازدیاد گفتگو و مباحثه با شهروندان باشد. این کار فقط با نهادینه سازی و ارتباطات دوجانبه میان دولت و دیگر نهادهای ذیدخل و از طریق افزایش آگاهی، تسهیل بحث های مردمی، تشریک دانش و در اختیار قراردادن معلومات به تمام نهادهای تصمیم گیرنده امکانپذیر است تا آنها بتوانند بر اساس شواهد موجود برنامه ریزی خود را ترتیب نمایند. حکومت از فراهم بودن و قابل دسترس بودن معلومات لازم در باره تطبیق اصلاحات اداره محلی اطمینان حاصل می کند. برای عملی ساختن این امر می توان از طریق بلند بردن سطح آگاهی در میان مردم و تسهیل ارتباطات میان دولت و مردم کار گرفت. وسایلی که برای تشریک معلومات می توان از آن استفاده نمود، شامل رسانه های جمعی، نشریه های دولتی، صفحات انترنتی و فرستادن نماینده ها به شوراها می باشد. این کار می تواند از طریق مشاوره با مردم نیز صورت گیرد. توانمند ساختن مردم برای ابراز نظر در مورد پالیسی و اجرای آن سبب می گردد که مردم هرچه بیشتر در این زمینه سهم بگیرند و در قبال آن احساس مسئولیت کنند.

استراتیژی ارتباطی دولت برای ادارات محلی باید اهداف استراتیژیک ذیل را تعقیب نماید:

- آگاه نمودن نهادهای ذیربط در مورد اهداف و محتوای پالیسی ادارات محلی و اینکه چه ظرفیتی در آن نهفته است که باید بدست آید.
- توسعه شفافیت و حسابدهی در مورد دولت به مردم با استفاده از وسایل مختلف النوع برای نشر معلومات
- آگاه سازی کارمندان دولت در مورد اهداف و محتوای پالیسی حاکمیت محلی، تا آنان پالیسی را به درستی اجرا نموده و در مورد بهبود آن نظریات خود را ارائه نمایند.
- فراهم سازی انتقال اطلاعات به مردم در مورد نهادهای دولتی راجع به وضعیت اجرای برنامه های پذیرفته شده در پالیسی حاکمیت محلی
- نهادینه سازی دو جانبه انتقال معلومات به منظور آگاهی اتباع در مورد پالیسی حاکمیت محلی و اجرای آن

استراتیژی ارتباطی حاکمیت محلی بر این اصول استوار است:

- **مالکیت ملی:** هدف استراتیژی فراهم سازی معلومات در مورد حاکمیت محلی برای تمامی نهادهای ذیربط بوده و فرصت ها را برای پروسه انکشاف ملی و اجرای آن فراهم می سازد.

- **تعهد سیاسی:** دولت متعهد است راه های تحکیم ارتباطات را با دیگر نهادهای ذیربط در پالیسی ادارات محلی حفظ نموده و آنها را باز نگهدارد.
- **حق دسترسی به معلومات:** این استراتیژی حقوق دسترسی فردی به اطلاعات عامه را محفوظ دانسته و از تشریک آن در تمامی سطوح دولت اطمینان می دهد.
- **حسابدهی و شفافیت:** این استراتیژی حق دسترسی به اطلاعات عامه را شناسایی نموده و از تشریک آن در تمامی سطوح دولت اطمینان می دهد.

مخاطبین این استراتیژی دولت، رسانه ها، نهادهای مدنی و عموم مردم به شمول همکاران انکشافی دولت افغانستان می باشد.

این استراتیژی در راستای پیگیری اهداف خود از یک سلسله ابزارهایی برای تبادل معلومات با مردم و تشویق آنان به ارائه پیشنهادات و نظریات شان در مورد این پالیسی استفاده نمود که به ترتیب آتی می باشند:

- طرح یک استراتیژی واضح در مورد کار با رسانه ها به شمول تنظیم اعلامیه های مطبوعاتی منظم با رسانه ها و توزیع خبرنامه ها
- فراهم سازی کمک و تقویه محیط قانونمند برای آزادی بیان
- توسعه معیارهای رسانه ها در سطح ملی و محلات
- توسعه آگاهی عامه در مورد حقوق آنها برای دسترسی به اطلاعات
- تقویه میکانیزمی برای فراهم سازی و دسترسی به اطلاعات
- تهیه مواد معلوماتی مانند پوستر و رساله در مورد پالیسی حاکمیت محلی و حکومتداری سالم در سطوح مختلف مردم
- برگزاری گردهمایی هایی در سطح ولایات و در سطح ملی برای تشریک معلومات، جمع آوری معلومات در مورد نگرانی ها، نیازها و افکار مردم نسبت به اطلاعات شان راجع به نهادهای ذیربط
- تقویت مکانیزم های ارتباطات برای اقشار آسیب پذیر

ارتباطات با عامه مردم در ولایات نیازمند تلاش های سازماندهی شده مناسب و سیستماتیک از طریق دفاتر والی ها می باشد که در این راستا باید سیستم تبادل معلومات عامه ایجاد گردد. هدف نهایی این سیستم تأمین نشر و پخش معلومات در سطح ولایت و کاستن فاصله میان مردم و حکومت و برقراری پل ارتباط بین آنان با دولت می باشد.

سیستم ارتباطات عامه ولایتی دارای اهداف ذیل خواهد بود:

- ارتقای مهارت ها و تجارب دفاتر والی ها، شورای ولایتی، ولسوال ها، شورای ولسوالی و شاروالی ها در راستای تطبیق یک پالیسی ارتباط عامه و مؤثر ولایتی
- ارتقای ظرفیت دفاتر والی ها، شورای ولایتی، ولسوال ها، شورای ولسوالی و شاروالی ها در راستای تطبیق مؤثر پالیسی ارتباط عامه ولایتی
- ارتقای مهارت ها و تجارب مسلکی رسانه های جمعی و جامعه مدنی در ولایت، در راستای حمایت از تطبیق پالیسی مؤثر ارتباطات عامه
- حمایت از ایجاد یک ساختار فعال دائمی جهت ایفای وظیفه به حیث یک نهاد مشورتی برای والی در زمینه موضوعات آگاهی عامه و مسؤل تطبیق استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی
- معرفی تخنیک های جدید و مؤثر ارتباطات برای تسهیل و کمک در تطبیق استراتیژی ارتباطات ولایتی
- تشویق هرچه بیشتر مردم به سهمگیری در استراتیژی عامه ولایتی به شمول افشار محروم، نظیر زنان و جوانان

کمیته ارتباطات عامه ولایتی به مثابه یک نهاد مشورتی به والی، در امور معلومات عامه ایفای وظیفه می کند و مسؤل انکشاف و تطبیق استراتیژی ارتباطات عامه می باشد. ریاست این کمیته به عهده ریاست فرهنگ و جوانان وزارت اطلاعات و فرهنگ می باشد. اعضای کمیته ارتباطات ولایتی عبارت اند از: رؤسای ادارات کلیدی نظیر صحت عامه، احیاء و انکشاف دهات، امور زنان، امور مذهبی، کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین، معارف، زراعت، نماینده شورای ولایتی که توسط رئیس شورای ولایتی معرفی می گردد، نماینده شاروالی ولایتی، نماینده رادیو و تلویزیون محلی، نماینده رسانه های مستقل و نماینده جامعه مدنی. کمیته ارتباطات عامه ولایتی بر انکشاف استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی و تطبیق آن در مرکز ولایت و ولسوالی ها نظارت خواهد نمود. این کمیته تجارب مثبت در ارتباطات عامه و معلومات مربوطه را در میان تمام نهادهای ذینفع توزیع خواهد نمود.

استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی یک پلان استراتیژیک جامع خواهد بود که در آن مسایل ذیل درج خواهد بود: اهداف و مقاصد، تحلیل شرایط و وضعیت کنونی معلومات و ارتباطات عامه در سطح ولایت، راهکارهای استراتیژیک و اقدامات مربوطه در راستای تطبیق استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی، اشتراک کنندگان استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی، نقش و مسؤلیت های آنان در تطبیق استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی.

ریاست سکتوری فرهنگ و جوانان مسؤلیت رهبری طرح استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی را با حمایت دیگر اعضای کمیته استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی، به عهده خواهد داشت. والی، استراتیژی ارتباطات عامه ولایتی را پس از تصویب شورای ولایتی منظور خواهد نمود. این استراتیژی به حیث اساس و مبنای پلان های سالانه ارتباطات عامه ولایتی عمل خواهد نمود.

آموزش های لازم به کارمندان ادارات ولایت، ولسوالی و شاروالی در زمینه تخنیک ها و شیوه های ارتباطات عامه ارائه خواهد گردید. آموزش های لازم در زمینه ارتباطات عامه به یک تن از متخصصین دفتر والی در بخش خدمات تخنیکی و سکتوری، یک کارمند شورای ولایتی، یک نماینده از هر ریاست سکتوری، یک نماینده از هر ولسوالی و یک نماینده از شاروالی ولایت، ارائه خواهد شد. دادن آموزش های لازم به جامعه مدنی، رهبران سنتی و نمایندگان رسانه های جمعی درباره تخنیک ها و میتودهای ارائه مؤثر پریزنتیشن در مورد پالیسی های دولت و دست آوردهای آن. حکومت، ظرفیت ها و امکانات فعلی ادارات ولایت در عرصه ارتباطات عامه و معلومات لازم را ارزیابی خواهد نمود تا بتواند ضروری ترین نیازها و مسئولیت های لازم در این عرصه را شناسایی و اقدام به رفع آنها نماید.

حکومت از تخنیک ها و ابزارهای ارتباطی آتی در ولایت حمایت می کند:

تدویر کمپاین های فشرده درزمینه دسترسی اجتماعی و کمپاین های حسابدهی و نیز کمپاین های آموزش مدنی و آگاهی عامه به شمول برگزاری جلسات با مردم، بازدید ساحوی، به کارگیری از رسانه های تصویری در اماکن عمومی و استفاده از رسانه های چاپی و الکترونیکی

استفاده منظم از میتودها و تخنیک های مختلف ارتباطی توسط ادارات دولتی و جامعه مدنی نظیر میزگردها، کانفرانس ها، مصاحبه ها، مشوره های عامه، توزیع جزوه ها و تابلوهای معلوماتی

حمایت از رسانه های الکترونیکی و چاپی جدید، اعم از رسانه های دولتی و مستقل، مانند نشر هفته نامه های خبری توسط دفتر والی و شاروالی، ایجاد تیم های سیار معلوماتی برای انجام کمپاین ها و تعلیمات لازم در ولسوالی ها و قریه ها

نشر گزارش های سالانه ولایتی و نیز گزارش های سالانه شورای ولایتی و شاروالی، استفاده از تکنولوژی معلوماتی و ارتباطات به شمول طرح صفحات انترنتی ولایت

کوشش های مشخص تر نیز در راستای وصل نمودن دولت مرکزی با ولایات، ولسوالی ها و قریه ها صورت خواهد گرفت. هدف اینگونه تلاش ها انتقال آزاد معلومات در سرتاسر کشور می باشد. ایجاد سهولت در این گونه ارتباطات تمامی ۳۶۴ ولسوالی و ۳۴ ولایت کشور را با دولت مرکزی در کابل نزدیک می سازد. برای دستیابی به اهداف متذکره و گسترش هرچه بیشتر آن دو اقدام ذیل اتخاذ خواهد گردید:

تمام ولایات و ولسوالی های مرکز ولایات کشور مجهز به تسهیلات انترنت و تبادل معلومات بین ولسوالی ها، شاروالی ها، ولایات و کابل خواهند گردید. تمام وزارت ها و سایر ادارات دولتی وبسایت های خود را به زبان های دری، پشتو و انگلیسی ایجاد و فعال خواهند ساخت و از طریق این وبسایت ها پالیسی ها، برنامه ها و

سایر معلومات لازم را در اختیار مردم و جامعه بین المللی قرار خواهند داد. این وب سایت ها مجهز به ابزار و امکانات لازم برای دریافت نظریات و ملاحظات مردم و نهادهای ذیربط خواهند بود. در آغاز کار، سطح بالای بیسوادی و سطح پائین آموزش عمومی در کشور و دسترسی محدود به اینترنت ممکن است سبب محدودیت در میزان مخاطبین این وب سایت ها گردد.

علاوه بر این، خدمات تلفونی شبکه تلیکام از طریق شبکه ارتباطی ولسوالی حداقل خدمات اساسی تلفونی به مردم را از طریق سیستم ستلایت به تمام ولسوالی ها فراهم خواهد کرد. شبکه ارتباطی قریه به شبکه ارتباطی ولسوالی و ستلایت بسط خواهد یافت و در نهایت ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ قریه را در سرتاسر افغانستان تحت پوشش قرار خواهد داد. وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی پروژه حاکمیت الکترونیکی را به کمک ادارات محلی در سرتاسر کشور راه اندازی خواهد نمود. این پروژه راه را برای دسترسی وسیع به اطلاعات، بهبود مؤثریت و اجرای امور عامه و اقدامات کاری بهبود یافته مهیا خواهد ساخت. این کار در تأمین شفافیت، عملکرد مؤثر و نظارت مؤثر ممد واقع خواهد گردید.

روش های مبتنی بر حقوق بشر در ادارات محلی

راهکارهای مبتنی بر حقوق بشر، رهنمای تطبیق پالیسی ادارات محلی و عملکرد ادارات محلی خواهد بود:

- ادارات محلی حاکمیت قانون و حقوق بشر را رعایت کرده و توسعه می دهند.
- ادارات محلی بر نتایج و پروسه هایی که توسط معیارها و اصول حقوق بشر رهنمایی می گردند، نظارت و آن را ارزیابی می نمایند. ارزیابی روندها و نتایج معیارها و اصول حقوق بشر شامل تمام طرف های ذینفع می گردد. ادارات محلی به تمام طرف های ذینفع حسابده می باشند. این نهاد بیشتر تمرکز خود را بالای اقشار محروم و منزوی معطوف خواهند کرد. این ادارات تمام اهتمام خود را جهت از بین بردن تفاوت های طبقاتی از قبیل تفاوت های اقتصادی و اجتماعی به کار خواهند بست.
- زنان و مردان به عنوان فعالان کلیدی شناخته خواهند شد، نه به عنوان دریافت کنندگان غیر فعال کمک ها و خدمات مربوط به خود و دریافت کنندگان منفعل تسهیلات و خدمات. به سهمگیری زنان هم به حیث یک هدف و هم به حیث یک ابزار نگریسته خواهد شد. بر اساس این استراتژی ها اقشار محروم تقویت خواهند گردید. مالکیت روند انکشاف محلی متعلق به مردم محل خواهد بود. از راهکارهای از سطح پایین به بالا و از سطح بالا به پایین به طور توأم استفاده خواهد شد. ادارات محلی هدف خود را بر دست آوردهای مترقی حقوق بشر متمرکز خواهند ساخت. همکاری استراتژیک در بین تمام طرف های ذینفع جهت دستیابی به این اهداف طرح و تداوم خواهد یافت.

روش های مبتنی بر حقوق بشر در حاکمیت محلی

پالیسی ادارات محلی بر مبنای یک راهکار حقوق بشری و همکاری ادارات محلی به ترتیب ذیل تطبیق خواهد گردید:

- ادارات محلی، حاکمیت قانون و حقوق بشر را رعایت می نمایند.
- ادارات محلی دولتی بر نتایج و پروسه هایی که توسط معیارها و اصول حقوق بشر رهنمایی می گردند نظارت می نمایند.
- زنان و مردان به عنوان فعالان کلیدی، نه به عنوان دریافت کنندگان غیر فعال کمک ها و خدمات، در انکشاف سهم خواهند گرفت.
- سهمگیری هم به عنوان وسیله و هم به عنوان یک هدف شناسایی خواهد گردید.
- استراتژی ها تقویت کننده خواهند بود، نه بازدارنده.
- نتایج و پروسه ها نظارت و بررسی خواهند گردید.
- تحلیل ها در برگیرنده تمامی جوانب می گردند.
- نهادهای محلی دولتی بالای افراد بی بضاعت، فقیر و دورافتاده توجه بیشتر خواهند نمود.
- مالکیت روی پروسه انکشافی توسط خود مردم احساس خواهد گردید.
- نهادهای محلی دولتی برای از بین بردن اختلافات کار می کنند.
- روش های «از بالا به پایین و پایین به بالا» مشترکاً استفاده خواهند گردید.
- همکاری استراتژیک شکل گرفته و حفظ خواهد گردید.
- ادارات محلی دولتی به تمامی جوانب حسابده خواهند بود.
- ادارات محلی دست آورد تدریجی به تمام اهداف حقوق بشر را در محراق توجه خود قرار خواهند داد.

پلان گذاری محلی و امور مالی محلی

تحلیل وضعیت فعلی

پلان گذاری و بودجه سازی ولایتی

راهکار سنتی پلان گذاری و بودجه سازی محلی

در حال حاضر وضعیت پلان گذاری و بودجه دارای مشخصات ذیل می باشد:

- نبود یک دیدگاه استراتژیک در سطح ولایت
با آنکه برخی از ولایات مبادرت به طرح برنامه‌های طولانی مدت نموده اند (مثلاً، طرح پلان های انکشافی پنج ساله در ولایات بلخ و کندهار)، ولی در اکثر ولایات پلان‌گذاری به طور سالانه صورت می گیرد. در عین حال، طرح پلان های سالانه نیز بر مبنای یک دیدگاه استراتژیک انجام نمی شوند. پلان های یک ساله ولایتی چیزی شبیه لیست پروژه های مربوط به سکتورهای مختلف می باشند.
- نبود یک راهکار همه جانبه در سطح ولایت
پلان های ولایتی موجود، اعم از پلان های درازمدت و سالانه نشان دهنده ادغام مکانیکی پلان های سکتوری (ریاست های سکتوری)، بدون ارزیابی مطابقت این پلان ها و نیز تأثیر متقابل آنان در گستره انکشافی ولایت، طرح می گردند.
- در نظرنگرفتن سلسله نتایج، معضل دیگری است که در زمینه پلان‌گذاری ولایتی مشاهده می‌گردد و عبارت از این است که پلان های ولایتی اعم از پلان های استراتژیک و سالانه، منسجم و نتیجه گرا نمی باشند. تحلیل وضعیت به طور عمودی وجود ندارد و هیچ ارتباط منطقی در بین بخش تشریحی پلان ها (و وضعیت فعلی آنها) و پروژه های پیشنهادی وجود ندارد. در این پلان ها مشخص نمی‌گردد که ولایت به کدام اهداف دست خواهد یافت.
- پلان‌گذاری ولایتی با استراتژی انکشاف ملی افغانستان مرتبط نمی‌باشد. بین برنامه ریزی ولایتی و استراتژی انکشاف ملی افغانستان پیوند واقعی وجود ندارد و تنها یک پیوند بسیار تصنعی بین آنها برقرار می‌گردد. در برنامه ریزی ولایتی به طور رسمی تنها از فارمت استراتژی انکشاف ملی افغانستان پیروی می‌گردد. هیچ نوع تلاش در راستای برقراری ارتباط بین دست آورد های ولایتی با اهداف معیارهای استراتژی انکشاف ملی افغانستان بر قرار نمی‌شود. در پلان های ولایتی فعلی مشخص نمی‌گردد که چطور و چگونه پروژه های طرح شده در سطح ولایت منجر به دستیابی به اهداف استراتژی انکشاف ملی افغانستان می‌گردند.
- گرایش بیرونی و تمرکز بالای ساختارهای پروژه ای
پلان‌گذاری ولایتی در حال حاضر گرایش بیرونی دارد. در مقابل، ظرفیت های ولایات در تطبیق پروژه ها بسیار محدود می‌باشد و در پلان های کنونی ولایتی منابع محلی کاملاً نادیده گرفته می شوند. به عبارت دیگر منابع مادی و معنوی نظیر کار داوطلبانه مردمی، سهمگیری بخش خصوصی، سهمگیری جامعه مدنی و... نادیده گرفته می شوند. پلان‌گذاری ولایتی به طور تام وابسته به منابع بیرونی می‌باشد تا توسط دولت یا تمویل کنندگان تمویل گردند. از منابع محلی می توان هم برای پروژه های فیزیکی و هم غیر فیزیکی استفاده نمود. ولی از این منابع در سطح ولایات فقط برای پروژه هایی مانند کمپاین های معلوماتی، بسیج مردم و... استفاده می‌شود. متأسفانه در پلان‌گذاری فعلی ولایتی اینگونه پروژه ها کاملاً نادیده گرفته می شوند.

در حال حاضر، وضعیت بودجه سازی ولایتی از مشخصات ذیل برخوردار است:

- در یک کلمه، بودجه ولایتی به مفهوم واقعی آن وجود ندارد. ولایات دارای بودجه منظور شده واحد سالانه جهت مصارف سالانه نمی باشند، بلکه هر وزارتخانه که در سطح ولایت فعالیت داشته باشد برای واحدهای دومی خویش یک بودجه سالانه را اختصاص می دهد. بدین ترتیب بودجه ولایت عبارت از حاصل جمع بودجه های واحدهای دومی می باشد که در همان ولایت فعالیت می نمایند. به طور مثال بودجه ولایت هلمند عبارت است از مجموع بودجه های تخصیصی وزارتخانه های مختلفی که در هلمند فعالیت دارند. مانند وزارتخانه های فواید عامه، زراعت، آبیاری و مالداری، معارف و غیره.
- بودجه برای ولایات ساخته می شود؛ به جای اینکه بودجه ولایات توسط خود ولایت مربوطه ساخته شود. بودجه ولایت، به مفهوم فوق الذکر آن، توسط وزارتخانه مرکزی با مشوره سطحی با واحد دومی همان وزارتخانه و دفتر مقام ولایت یا کدام ساختار دیگر ولایتی ساخته می شود. ریاست های ولایتی یا واحدهای دومی وزارتخانه ها فاقد هر نوع صلاحیت برای آوردن تغییرات در فعالیت ها و یا بودجه منظور شده شان می باشند.
- شیوه غیرمدون در ساختن بودجه. هرچند سعی و تلاش برای تغییر این روش در جریان است، اما اقلام بودجوی به جای کتگوری شدن از نظر برنامه ای، از نظر هزینه کتگوری می شوند. یعنی مصارف بر اساس نوع قیمت تصنیف می شود تا بر اساس هدف که برای نایل شدن به آن کمک می کند.

ابتکار پلان گذاری انکشافی ولایات

آغاز روند طرح پلان های انکشافی ولایت از جمله مهم ترین تلاش های انجام شده در زمینه رفع مسائل بودجوی در سطح ولایت می باشد که در سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷) صورت گرفته است. پلان های انکشافی ولایتی بر مبنای منافع و اولویت های مردم و داشتن همخوانی با استراتژی های وزارت های سکتوری، پلان گذاری و بودجه سازی گردیدند. این پلان ها در ترتیب استراتژی انکشاف ملی افغانستان مورد استفاده قرار گرفت و همچنین قرار بر این بود که از آن منحصت یک وسیله برای هماهنگ ساختن تمویل کنندگان استفاده شود.

مراحلی که برای بدست آوردن پلان های انکشافی ولایتی در هر ولایت طی شد، از قرار ذیل است:

- **کارگاه های آموزشی آماده سازی:** نمایندگان اجتماعات محلی و گروه های آسیب پذیر طی یک گردهمایی مشترک، چالش هایی را که در برابر ولایات شان قرار داشت، مورد شناسایی قرار داده و بر اساس همین چالش ها آنها را اولویت بندی و پروژه ها را پیشنهاد کردند. این فعالیت مدت ۲ روز را در برگرفت و دست آورد این فعالیت لیستی از پروژه هایی بود که در اولویت قرار داشتند.
- **مشوره در سطح محلی:** نمایندگان ورکشاپ اولی با نمایندگان وزارتخانه ها و دست اندرکاران خارجی مانند اعضای مؤسسات غیردولتی، مؤسسات تمویل کننده و تیم های بازسازی ولایتی یکجا

گرد هم آمدند. تمام این نمایندگان به ۸ گروه سکتوری تقسیم شدند و از هر وزارتخانه با در نظر داشت سکتور مربوطه آن، تقاضا گردید تا استراتژی خود را ارائه نماید. اشتراک کنندگان از نیازمندی های دست داشته خویش گزارش دادند و ارزیابی نمودند که تا چه حد استراتژی وزارتخانه ها برای رفع نیازهای آنها قناعت بخش بود. مدت این فعالیت ۲,۵ روز بود و دست آورد آن عبارت از استراتژی وزارتخانه ها بود که از مشوره های مردمی اقتباس و تجدید گردیده بود.

• **ورکشاپ پلان گذاری انکشافی ولایتی:** در این فعالیت، اشتراک کنندگانی که در ورکشاپ مشاورت سطح محلی اشتراک داشتند و هر کدام به تعداد ۱۰ پروژه دارای اولویت را از ۸ سکتور انتخاب نمودند تا این ۱۰ پروژه بعد از تهیه پلان در سال اول تطبیق گردد. مدت این فعالیت ۲ روز بود.

• **بیرون نویسی و گزارش دهی:** نتایج نشست های فوق یکجا و با معلومات دیگر در مورد ولایت، مثلاً پلان انکشاف شهری و پلان انکشاف ولسوالی، مدغم گردید. پروژه های دارای اولویت که انتخاب شده بودند نیز به آن افزود گردید و پلان مکمل انکشافی ولایتی تنظیم گردیده و جهت کنترل کیفیت به دارالانشای استراتژی انکشاف ملی سپرده شد.

• **۸ سکتور مذکور عبارت بودند از:** زیربنا و منابع طبیعی، حکومت داری اقتصادی و انکشاف سکتور خصوصی، زراعت و انکشاف دهات، معارف، صحت، مصونیت اجتماعی، حکومت داری، امنیت، حاکمیت قانون و حقوق بشر

مراحل مذکور در چارت ذیل خلاصه گردیده است:

پروسه ترتیب پلان های انکشافی ولایتی

ورکشاپ مقدماتی آمادگی ۲ روزه	مشوره در سطح محلی ۲,۵ روز	ورکشاپ پلان گذاری انکشافی ولایتی ۲ روز	بیرون نویسی کردن و گزارش دادن
• نماینده های مردمی از اطراف و دهات (مشمول بر شورای انکشافی ولسوالی در	• نماینده های مردمی از ورکشاپ آمادگی، نماینده های وزارتخانه ها، رؤسای ولایتی،	• عین نماینده های مردم که در بخش مشوره سطح محلی اشتراک کرده بودند	• نتایج حاصله از مراحل قبلی را توحید کردند که اسناد ذیل از آن به وجود آمد:

<p>- استراتیژی ولایت</p> <p>- پروژه هایی که در ۸ سکتور در اولویت قرار داشتند.</p> <p>- بعداً آنها را جهت کنترل کیفیت به ANDS سپردند.</p>	<p>• ده پروژه را که بر اساس معیارات ذیل انتخاب کردند: ارجحیت، مطابقت با نیازمندی، مطابقت با استراتیژی وزارت</p>	<p>شرکای خارجی (تمویل کنندگان، ان.جی.او ها و غیره)</p> <p>• نماینده های وزارتخانه ها پلان های سکتوری خویش را برای نماینده های مردم ارائه کردند که مجموعاً در ۸ سکتور بود: زیربنا و منابع طبیعی، انکشاف اقتصادی و سکتور خصوصی، زراعت و انکشاف دهات، معارف، صحت، مصونیت اجتماعی، حکومت داری، امنیت و حاکمیت قانون و حقوق بشر</p>	<p>صورت موجودیت شان)، سهم داران مناطق شهری (شاروالی ها ، شورای شهری، اتاق های تجارت، مالکین اتحادیه های تجارتي)، گروه های آسیب پذیر (زنان مهاجر)</p> <p>• چالش های ولسوالی و ولایات خویش را تشخیص و پروژه ها را اولویت بخشیدند.</p>
--	---	--	---

پلان های انکشافی ولایتی برای ۳۴ ولایت تکمیل گردید و از نظر تشخیص اولویت های محلی، [به عنوان] یک وسیله بسیار مفید واقع شد. اما از نظر طرح، مفیدیت این پلان منحیت یک وسیله برای پلان گذاری و بودجه سازی ولایتی از دو جنبه با محدودیت مواجه شد: اولاً، هیچکدام از پروژه ها قیمت گذاری نشدند. ثانیاً، هیچکدام میزان بودجه لازم را برای تطبیق پروژه های دارای اولویت فراهم نکردند. بدین ملحوظ می توان گفت که روند انتخاب پروژه های اولیه یک روند کاملاً سالم و کامل نبود. علاوه این، این دو مشکل به مشکل سومی دیگر نیز گره خورد که عبارت از نبود یک میکانیزم برای تطبیق پروژه های انتخاب شده بود. به استثنای آن پروژه هایی که از قبل شامل پلان وزارتخانه ها بودند و در پلان انکشافی ولایتی شامل شدند، برای متباقی پروژه ها مسیری که از طریق آن، پروژه ها تمویل یا تطبیق گردند، مشخص نگردیده بود.

با در نظر داشت بر روند تشکل پلان های انکشافی ولایتی، می توان چندین اصول پالیسی را شناسایی نمود:

- پلان‌گذاری با استفاده از شیوه پایین به بالا یک اصل ضروری است. ترتیب پلان ولایتی با در نظر داشت نیازمندی‌ها و اولویت‌های مردم محل (یعنی شیوه پایین به بالا) دارای ارزش آشکار است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.
- فراهم‌آوری تخصیص بودجوی در جریان پلان‌گذاری یک امر ضروری می‌باشد که بدون آن تهیه لیست اولویت‌ها ناممکن می‌باشد. بنا بر همین دلیل، شیوه پلان‌گذاری از پایین به بالا، به پشتوانه و تعهد جدی سازمانی و مالی از سطوح بالا نیاز مبرم دارد.
- باید منابع کافی را برای تعیین مخارج پروژه و سنجش قیمت آن در دسترس داشت. علاوه بر این، داشتن تخصیص بودجوی، پلان‌گذاران ولایتی باید تخمین دقیق را از هزینه پروژه‌های مورد نظر داشته باشند تا آنها را اولویت بخشیده و انتخاب نهایی پروژه‌ها را در محدوده تخصیص بودجوی انجام بدهند که این امر نه تنها مستلزم منابع کافی تخنیک‌ی برای تعیین هزینه‌ها است، بلکه مستلزم وقت کافی جهت روند دریافت قیمت پروژه‌ها نیز می‌باشد.
- پلان‌گذاری از پایین به بالا باید میکانیزم تطبیق را نیز در بر گیرد. بعد از تکمیل پلان بودجوی، باید نحوه و ساختار تطبیق آن وضاحت یابد که در این مورد گزینه‌های مختلف را می‌توان در نظر گرفت. مثلاً تطبیق پروژه توسط وزارتخانه‌های مربوطه، توسط واحدهای دومی یا [طرف‌های] قراردادی می‌باشد. انتخاب بهترین روش، منوط به عوامل متعددی است، اما آنچه روشن است، این است که موجودیت ترتیبات روشن و پایدار ضروری می‌باشد.

ابتکار بودجه‌سازی ولایتی

بودجه‌سازی ولایتی یکی از ابتکاراتی است که توسط وزارت مالیه صورت گرفته است. هدف از طرح این روند آن است که مسئولیت ابتدایی ساختن بودجه از وزارت مربوطه به واحدهای دومی وزارتخانه‌ها در سطح ولایات و با سهیم ساختن بخش‌های دیگر اداره ولایتی، انتقال یابد. در حال حاضر این برنامه به شکل آزمایشی در بعضی وزارتخانه‌ها و تعدادی از ولایات در جریان است. این وزارتخانه‌ها عبارت‌اند از: معارف، زراعت، آبیاری و مالداري، احیاء و انکشاف دهات. ولایات آزمایشی عبارت‌اند از: بلخ، پنجشیر، کندهار، ننگرهار، لوگر، غزنی، بامیان، هرات، فاریاب، بدخشان، هلمند، خوست، پکتیا، پروان، وردک، تخار، کندز و جوزجان. این برنامه قرار است تا در تمامی وزارتخانه‌ها و ولایات عملی شود.

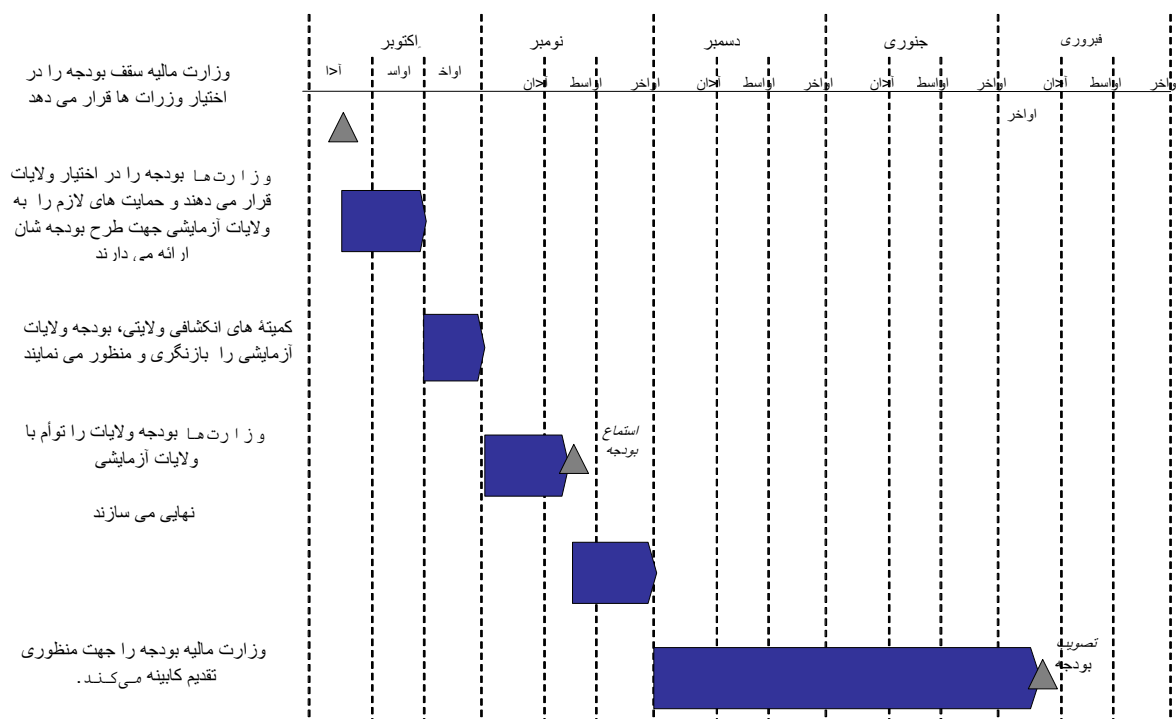
سیستمی که ذریعه این برنامه طرح ریزی شده است، قرار ذیل است:

- اوایل تا اواسط اکتوبر (میزان): وزارت مالیه، وزارت‌هایی را که تحت آزمایش این طرح قرار دارند، از قسمت عمده بودجه سالانه شان مطلع ساخته و به آنها کمک می‌کند تا یک قسمت آن را به ولایات آزمایشی اختصاص دهد.

- اواسط تا اواخر اکتوبر (میزان - عقرب): واحدهای دومی وزارتخانه های آزمایشی همراه با شورای انکشاف ولایتی، بالای ساختن بودجه با در نظر داشت محدوده بودجوی که وزارتخانه مربوطه آن را تعیین کرده است، کار می کنند که این کار وسیعاً با پلان های انکشافی ولایتی سازگار می باشد. بعداً این بودجه توسط شوراهای انکشافی ولایت منظور و به وزارتخانه مربوطه سپرده می شود.
- نوامبر (عقرب - قوس): وزارتخانه ها در سطح مرکز با مشوره ولایات تعديلات لازم را در بودجه آورده و با وزارت مالیه در مورد بودجه آن مباحثه نموده و بودجه نهایی را به وزارت مالیه می دهد.
- دسمبر تا اوایل فبروری (جدی - دلو - حوت): بودجه جهت منظوری به کابینه سپرده می شود.

روند فوق در چارت ذیل به تصویر کشیده شده است:

روند: طرح ابتکاری پلانگذاری ولایتی



برنامه بودجه سازی ولایتی به خوبی درک شده است و اصولاً مشکل یاد شده را در بخش ۱،۱ را که گویا بودجه ها نه توسط ولایات، بلکه برای ولایات ساخته می شود، باید حل کند. با آنهم به نسبت ظرفیت پایین در ادارات ولایتی و شورای انکشافی ولایتی، بودجه پلان شده ولایتی قبل از سپردن به وزارت مالیه به تجدید نظرهای

مکرر و کار زیاد نیازمند است که بر این اساس تصور می‌شود وزارتخانه های مربوطه از همین طریق هنوز هم تسلط خویش را بر روند ساختن پلان بودجوی ولایتی تا حد زیادی حفظ خواهند کرد. توقع می رود که به مرور زمان این معضل با رشد و ارتقای ساختار های ولایات برطرف گردد.

بر مبنای تجارب حاصله از برنامه بودجه سازی ولایتی، سفارش های ذیل پالیسی را می توان شناسایی نمود:

- برنامه بودجه سازی ولایتی باید تقویت و حمایت گردد. اجرای این برنامه روند بودجه سازی را بهبود بخشیده و میکانیزم تطبیق را برای پلان های ولایت که به شیوه از پایین به بالا ترتیب شده اند، فراهم می سازد. اهداف و شیوه های این برنامه اساساً بسیار خوب بوده و از تداوم آن باید حمایت شود.
- برای اینکه ساختارهای ولایتی، بودجه سازی ولایتی را عملی بسازند، به حمایت تخنیکی قابل ملاحظه ای نیازمند است. مشکلاتی که در ساختن بودجه در سطح ولایت مشاهده گردید، دلالت بر این نیاز می کند. بنابراین، یک برنامه فراگیر باید طرح ریزی شود تا این ابتکار را تداوم و وسعت بخشد.

تفویض صلاحیت مصارف

تفویض صلاحیت مصارف در افغانستان از مشخصات ذیل برخوردار است:

- هیچگونه وجوه مالی در اختیار ادارات محلی قرار داده نمی شود. چون ولایات واحدهای اول بودجوی نمی باشند، وجوه بین الاداری در اختیار آنها قرار داده نمی شود. یگانه نهادی که در سطح محلی می تواند به آن انتقالات پول صورت گیرد، عبارت از شاروالی ها می باشد که این انتقالات نیز به شکل پول فیزیکی نمی باشد. شاروالی ها کاملاً متکی به عواید خودشان هستند.
 - پرداخت های ناچیز به واحدهای دومی وزارتخانه ها در سطح ولایات صورت می گیرد. طوری که گفته شد، به ساختار های حقیقی ولایات هیچ نوع پرداختی صورت نمی گیرد، اما به واحدهای دومی وزارتخانه ها در سطح ولایات این پرداخت صورت می گیرد که آن هم بسیار ناچیز بوده و از هر ۴ دالری که به وزارتخانه مربوطه تخصیص داده می شود، صرفاً ۱ دالر آن به ریاست های ولایتی ارسال می شود.
 - مصارف و تدارکات صرفاً در مرکز اجرا می شود. تقریباً تمامی تدارکات در کابل صورت می گیرد و بعداً اجناس یا خدمات تدارک شده به ولایات سپرده می شود، به این معنی که اکثر مصارفی که مربوط به تطبیق و عرضه خدمات است، در مرکز تنظیم می گردد. مانند خریداری کتب مکاتب یا قرارداد حفظ و مراقبت کلینیک ها.
- شیوه شدیداً متمرکز مصارف را می توان به طور نمونه با یک مثال از وزارت معارف، بهتر تشریح کرد. مدیریت های معارف در سطح ولسوالی مسئولیت تفتیش مکاتب و تشخیص نیازمندی های این ادارات در بخش هایی مانند آموزش، اساتید، تجهیزات و غیره را دارند.

ریاست های معارف در سطح ولایات مسئولیت تقرر منسوبین رتبه ۶ و پایین تر از آن، توزیع مواد درسی (نه خریداری)، تفتیش مکاتب و نظارت آکادمیک را به عهده دارند. وزارت معارف مسئولیت های ذیل را به عهده دارد:

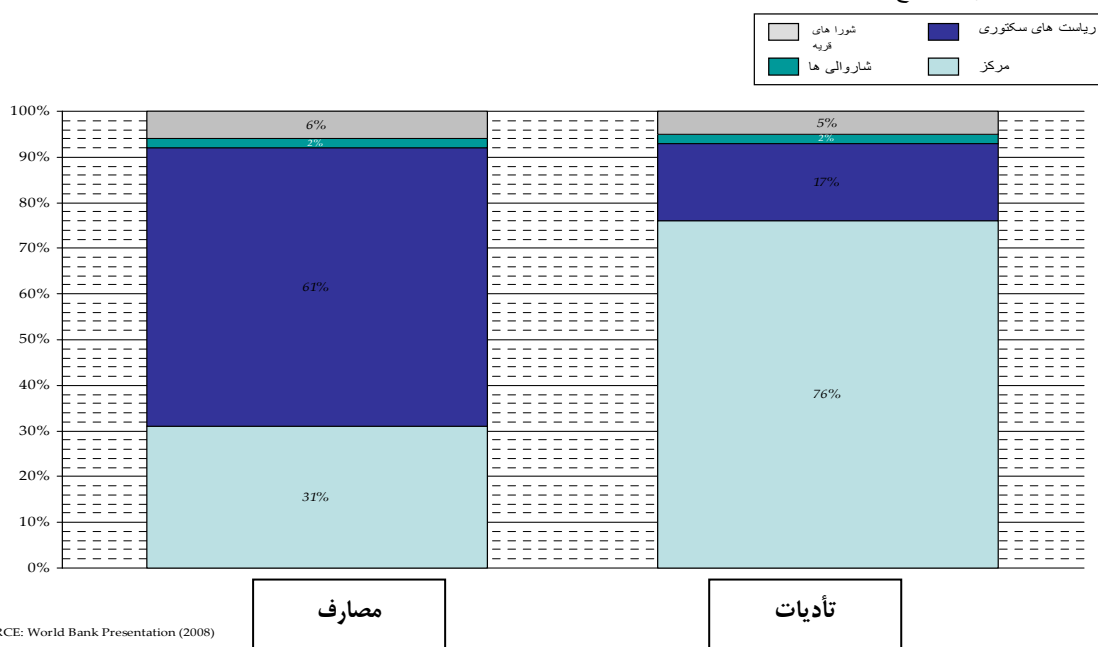
طرح پالیسی و استراتژی، طرح نصاب تعلیمی، تهیه و اجرای بودجه، تأدیه معاشات کارمندان، تمویل معاشات، وسایل و تجهیزات، تعیین کارمندان بالاتر از رتبه ۶ تألیف کتب درسی، ثبت مکاتب، هماهنگ سازی امور مربوط به ساخت و اعمار مجدد مکاتب و همچنین انکشاف و مدیریت تربیت معلمین. ریاست ها یا آمریت های معارف، صلاحیت هیچ یک از مصارف مربوط به معارف سطح ولایات و ولسوالی ها را ندارند. (فقط معاش معلمین برای توزیع به ولایات انتقال می یابد).

این مثال نمونه ای از تقسیم وظایف و مسئولیت ها در تمامی وزارت ها می باشد.

بر اساس روند فعلی با آنکه ولایات از ۶۱ فیصد مصارف عامه برخوردار می گردند، اما این در حالی است که واحدهای دومی وزارتخانه یا ریاست های ولایتی فقط ۱۷ فیصد بودجه عامه را دریافت می کنند که در چارت ذیل این وضعیت به خوبی به نمایش در آمده است.

61 فیصد مجموع مصارف برای مستفدین در سطح ولایتی اختصاص داده شده ، در حالیکه صرف 17 فیصد تمام منابع به سطح ولایتی اختصاص داده شده است.

تخصیص عمودی منابع عامه: 2006

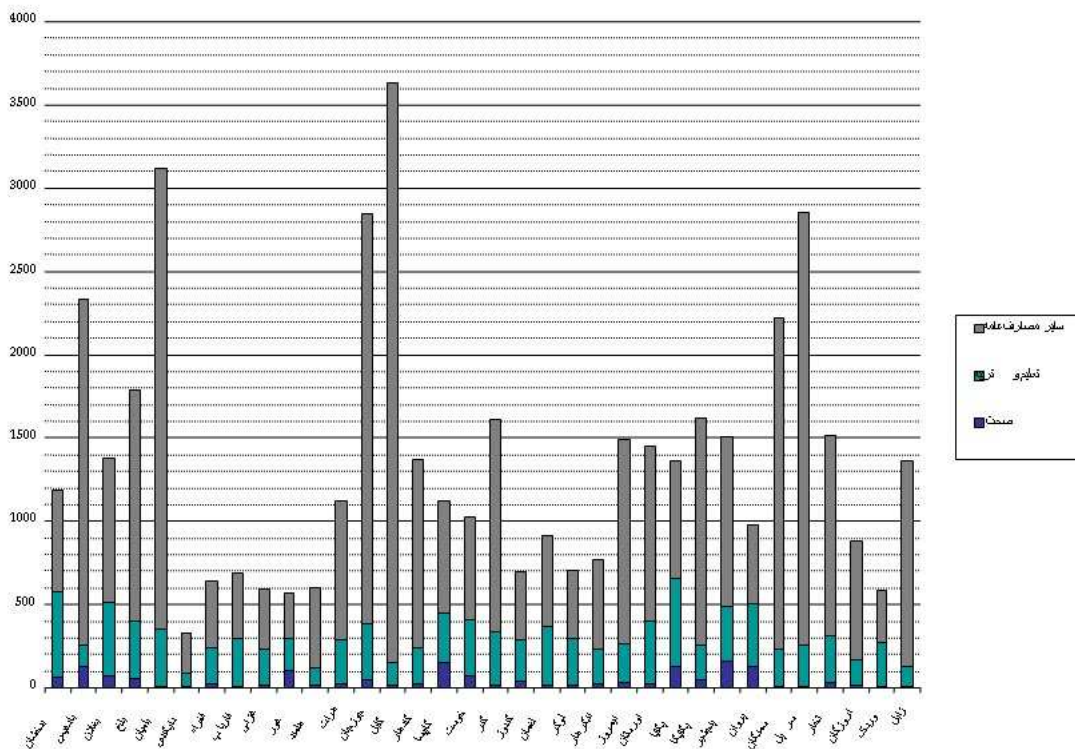


در حقیقت این ارقام سطح متمرکز بودن صلاحیت مصارف و تدارکات را پایین تر از آنچه است بیان می کند، در حالی که اگر دقت کنیم متمرکز بودن صلاحیت های مصارف به مراتب بیشتر از آنچه است که در این ارقام نشان داده شده است. انتقال وجوه به ولایات شامل معاش معلمان نیز می گردد که بیشترین مصارف وزارت معارف را نیز به خود اختصاص داده است و به خودی خود یکی از بزرگترین منابع مصارف دولت افغانستان به حساب می آید. در هیچ یک از دیگر سکتورها وجوه خاص انتقال نمی یابند و یا صلاحیت های مصارف به این ادارات تفویض نگردیده است.

تخصیص بودجه ولایتی

یکی از حقایق اساسی که در بخش مصارف وزارتخانه ها در ولایات حایز اهمیت است، تفاوت تخصیص سرانه بسیار زیاد است. هرچند موجودیت تفاوت در تخصیص سرانه تا یک اندازه قابل قبول است، چون که سطح نیازمندی ولایات نیز متفاوت اند. مثلاً بعضی از ولایات فقیرتر از دیگران است و بعضی از آنها مصارف گزاف تر دارند، اما مطالعات نشان می دهد که در برخی از ولایات این تفاوت مصرف تخصیص سرانه حتی بیشتر از ۱۰ برابر وجود دارد.

چارت ذیل نشان دهنده این موضوع می باشد:

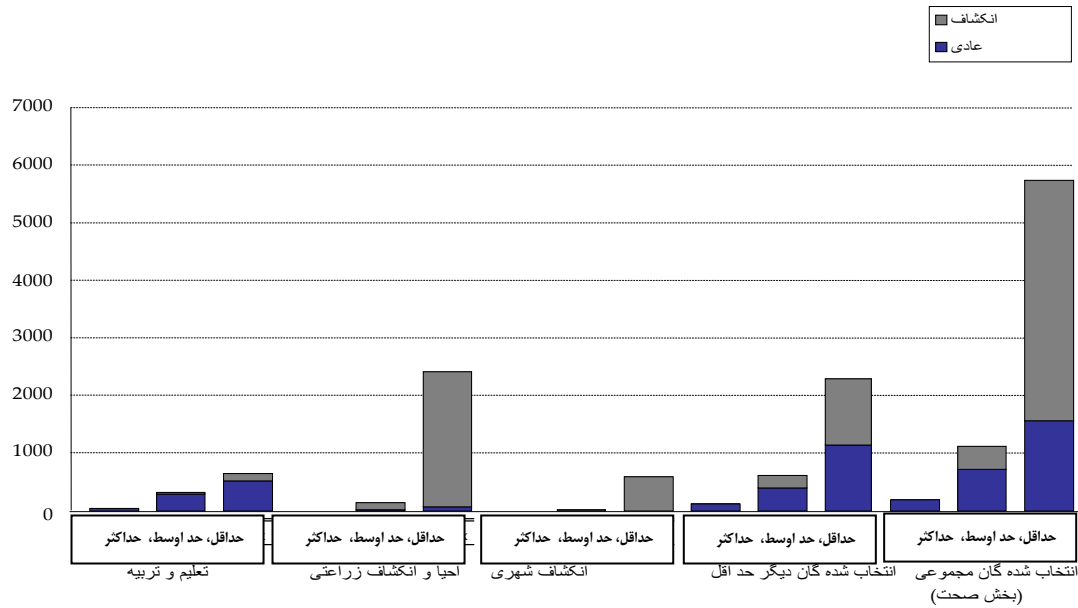


همانطور که در چارت بالا دیده می‌شود، ولایتی که بیشترین مصرف را در یافت می‌کند، در سال ۱۳۸۵ تخصیص سرانه بالاتر از ۳۶۰۰ افغانی را اخذ نموده است؛ در حالی که ولایتی که دارای کمترین مصرف می‌باشد فقط چیزی بیشتر از ۳۰۰ افغانی تخصیص سرانه دریافت نموده است.

بخشی از این تفاوت در مجموع مصارف سرانه، قابل توجیه و توضیح است: مثلاً کم بودن مصارف در بخش انکشاف شهری در بعضی از ولایات، مانند دایکندی، ممکن است ناشی از آن باشد که این ولایات فاقد مناطق شهری می‌باشند. یا کمی مصارف در بخش زراعت ممکن است از کم بودن فعالیت های زراعتی در یک ولایت منشأ بگیرد؛ اما در بعضی ساحات، مانند معارف و صحت، چنین تفاوت هایی را نمی‌توان توجیه نمود. همچنین ما نمی‌توانیم تفاوت مصارف سرانه را در بخش بودجه عادی توجیه نماییم. در حالی که چارت ذیل دلالت به موجودیت چنین تفاوتی در بخش بودجه عادی دارد.

توقع می‌رود که مصارف سرانه در بخش زراعت از ولایت تا ولایت تغییر داشته باشد، اما مصارف بعضی سکتور ها مانند تعلیم و تربیه نباید بسیار تغییر داشته باشد

مصارف سرانه ولایتی به اساس سکتور، 2006 (افغانی)



دلیل این تفاوت هنوز معلوم نیست. یک استنباط این است که وجوه مالی مانند سابق به ولایت و با در نظر داشت ظرفیت مصارف آن تخصیص داده می شوند. با آنهم، این امر مسلم است که وجوه به طور شفاف، واضح و بر اساس معیارهای برابر به ولایت تخصیص نمی یابند.

مدیریت مالی

وضعیت کنونی مدیریت مالی در سطح محلی از مشخصات ذیل برخوردار است:

- مسئولیت واحدهای دومی وزارتخانه ها در سطح ولایات و واحدهای سومی در سطح ولسوالی ها در قسمت مدیریت مالی بسیار ناچیز است. با در نظر داشت این امر که صلاحیت مصارف متعلق به مرکز می باشد، دوایر ولایتی و ولسوالی صلاحیت ها و مسئولیت های بسیار اندکی در قبال مدیریت مالی دارند، که این خود دایره مدیریت یا سوء مدیریت وجوه عامه را در این دوایر محدود می سازد.
- بهترسازی مدیریت برنامه های ولایتی توسط وزارتخانه ها: اکثر صلاحیت های مربوط به مصارف متمرکز بوده و مدیریت آن سریعاً در حال بهبود است. تمامی وزارتخانه ها بودجه سازی برنامه های شان را در چارت مدرن حساب ها طرح می کنند و سیستم معلومات مدیریت مالی افغانستان از طریق این سیستم دسترسی خوبی را به مصارف فراهم کرده است. تغییرات مثبت در قانون تدارکات و حرکت سریع در جهت قرارداد تدارکات تحت مدیریت واحدهای حمایت از برنامه ها نیز زمینه سوء استفاده در این عرصه را کاهش داده است.

- برخی انحرافات از مسیر اصلی مدیریت برنامه‌های ولایات در سطح وزارتخانه‌ها دیده می‌شود. در سیستم رسمی مدیریت مالی افغانستان هنوز هم از سیستم محاسبه یک مدخلی یا ثبت یکبار (single-entry) به جای سیستم محاسبه مضاعف (double-entry) استفاده می‌شود. ضمناً سیستم بودجوی بیشتر متمرکز بر منبع است تا نتیجه. باور بر این است که پرداخت‌ها یا مصارف غیر قانونی در درون همین شیوه مدیریت مالی جریان دارد. مثلاً بعضی پرداخت‌ها به نام افرادی صورت می‌گیرد که اصلاً وجود ندارند. این افراد یا تقاعد کرده یا وفات نموده‌اند.
- مدیریت مالی در دفاتر مقام ولایت و ولسوالی‌ها ضعیف است: بودجه‌سازی هزینه‌ها به صورت درست اجرا نمی‌شود و مصارف به صورت سیستماتیک ردیابی نمی‌شوند. هنوز هم تهیه چارت حساب واحد و منظم برای این ساختارها با مشکل مواجه است.

به طور کلی، مدیریت مالی در سطح مرکز رو به بهبود است، اما نیاز به بهبود بیشتر دارد؛ در حالی که مدیریت مالی در سطح محلی (ولایات) به صورت کافی موجود نیست.

طرح پیشنهادی پالیسی برای پلان‌گذاری ولایتی

اهداف پالیسی

اهداف پالیسی عبارت‌اند از:

استراتژی‌سازی پلان‌گذاری ولایتی از طریق پلان‌های استراتژیک ولایتی:

طبق این استراتژی پلان‌گذاری ولایتی در یک چشم‌انداز واحد قرار خواهد گرفت که در آن اهداف، مقاصد و معیارهای ویژه‌ای که باید توسط ولایت در زمینه اهداف استراتژی‌انکشاف ملی افغانستان بدست آید، تعیین خواهد گردید که در نتیجه منجر به شفافیت و حساب‌دهی هرچه بیشتر خواهد شد. از طریق این پالیسی حداکثر توازن بین شیوه‌های پایین به بالا و از بالا به پایین در زمینه پلان‌گذاری ولایتی که ذیلاً تشریح گردیده است، حاصل خواهد شد.

• قادر ساختن ولایت به تطبیق روند پلان‌گذاری از پایین به بالا:

این پالیسی هر یک از ولایات را قادر خواهد ساخت تا پلان‌های انکشافی خویش را بر اساس نیازمندی‌ها و اولویت‌هایی که در پایین‌ترین سطح (قریه‌ها) شناسایی شده‌اند ترتیب‌بندی کنند و نیز زمینه مرفوع

ساختن تمامی نیازمندی های نهادی و حمایتی را اعم از تخنیک و بودجوی برای تطبیق و تحقق این پروسه به وجود آورند.

- **ارتقای اصل «تخصیص منابع مالی بر مبنای صلاحیت تفویض مصارف»:**

از طریق این پالیسی اطمینان حاصل خواهد شد که منابعی که در اختیار ادارات محلی قرار می گیرند، با نیازهای مالی آنها و مطابق به صلاحیت های مصارفی که به این ادارات تفویض شده است، تخصیص می یابد.

- **ارتقای نقش دست اندرکاران و مجریان محلی (ریاست های سکتوری، کمیته های انکشافی ولایتی) در پلان گذاری محلی و امور مالی:**

از طریق این پالیسی به ادارات محلی در راستای اتخاذ تصمیم مربوطه برای بهبود وضعیت زندگی مردم نقش فعال تری فراهم خواهد شد.

- **افزایش زمینه تخصیص عادلانه و مؤثر بودجه به ولایات:**

این پالیسی بر مبنای اصول پذیرفته شده مانند ضروریات عینی و واقعی و سالم بودن طرح تخصیص، زمینه تقسیم عادلانه و مؤثر تخصیص بودجوی را به ولایات را به وجود می آورد.

- **بهبود کیفیت عرضه خدمات در سطح محلی:**

این پالیسی پیامد عرضه خدمات را از طریق ایجاد بهترین شیوه پلان گذاری و شیوه تطبیق، بهبود می بخشد و اطمینان می دهد که در مقابل عملکرد خوب، امتیاز مناسب برای ادارات محلی مد نظر گرفته می شود.

- **تقویت و حمایت از روند اصلاحات پالیسی ها در سطح محلی:**

این پالیسی عناصر دیگر روند پالیسی سازی حاکمیت محلی را با وضاحت بخشیدن نقش ها، مسئولیت ها، میکانیزم های تمویل و حسابدهی در سطح محلی تقویت می کند.

چگونگی نایل شدن به اهداف این پالیسی در دیگر بخش های این سند تشریح شده است.

اجزای پالیسی

چگونگی تخصیص وجوه مالی برای پلان گذاری ولایتی

دولت افغانستان یک میکانیزم پلان گذاری را در سطوح محلی در راستای حصول اطمینان از پیشرفت پایدار و منظم ولایات جهت نایل به اهداف استراتژی انکشاف ملی افغانستان، ایجاد خواهد کرد. در پلان گذاری استراتژیک ولایتی، گرایش های استراتژیکی در انکشاف ولایت برای یک دوره پنج ساله در سه عرصه تعیین خواهد گردید: سکتورهای حکومتداری، امنیت و انکشاف. وظیفه پلان گذاری استراتژیک، عملی ساختن

دیدگاه حکومت‌داری خوب و نتایج مربوطه آن در استراتژی انکشاف ملی افغانستان و چارچوب استراتژیک کاری اداره مستقل ارگان‌های محلی برای رسیدن به نتایج حاصله توسط ولایات پیش‌بینی شده است. با ایجاد پیوند بین اهداف تعیین‌شده ملی در استراتژی انکشاف ملی افغانستان، پلان استراتژیک سبب تسهیل پیشرفت ولایات در این سه عرصه اختصاصی، قابل پیگیری و تغییرپذیر خواهد بود.

پلان‌گذاری استراتژیک یک تمرین مشترک با نهادهای حکومت‌داری در سطح محلی می‌باشد. استفاده از استراتژی انکشاف ملی افغانستان، چارچوب استراتژیک اداره مستقل ارگان‌های محلی، استراتژی وزارت‌های سکتوری، به مثابه چارچوب کلی برای این روند، نهایی‌سازی پلان استراتژیک ولایتی توسط تیمی از کارشناسان بین‌الادارات تحت حمایت اداره مستقل ارگان‌های محلی با تصویب مقام ریاست جمهوری، یک امر ضروری به حساب می‌آید.

پلان‌های سالانه انکشافی ولایتی در پرتو پلان استراتژیک ولایتی به طریق ذیل طرح خواهند گردید.

میزان بودجه تمویل پلان ولایتی

حکومت جهت پلان‌گذاری مؤثر، یک میکانیزم ویژه بودجوی سکتوری را برای پلان‌های سالانه ولایتی شناسایی و معرفی خواهد کرد. این پلان‌ها از طریق دو روند پلان‌گذاری متفاوت، ولی مرتبط با یکدیگر، طرح خواهند شد: روند پلان‌گذاری‌ای که بر بنیاد تشخیص نیازها و اولویت‌های سطح قریه استوار است - که از آن به عنوان «پلان‌گذاری مردمی» یاد می‌گردد، و روند پیشرفته «پلان‌گذاری وزارتی» که بر بنیاد ابتکارات پلان‌گذاری استوار خواهد بود، تطبیق‌گر اولویت‌های ملی در گستره ولایت بوده و ریاست‌های سکتوری وزارت‌ها نقش مرکزی را در طرح آن ایفا می‌نمایند.

مسئولیت تنظیم سهم بودجه پلان‌های ولایتی به عهده کمیته پلان‌گذاری و امور مالی کابینه، که بر اساس این پالیسی تشکیل می‌گردد، خواهد بود (به بخش ۳ مراجعه گردد). مقدار بودجه این پلان‌ها به گونه‌ای تعیین خواهد گردید که مجموع منابع موجود در سطح محلی، در مقیاس ملی، با نیازهای مالی برای امور مصارف تفویض شده به سطح ولایات مطابقت داشته باشد (به بخش ۲،۲۳ مراجعه گردد). روند دستیابی به اهداف مزبور از طریق ذیل حاصل خواهد شد:

• پیش‌بینی مجموع منابع:

این کمیته بودجه‌ای را که طی سال آینده باید در دسترس هر یک از وزارتخانه‌ها برای ولایات قرار داشته باشد، با همکاری وزارت مالیه تخمین خواهد کرد.

• بازنگری بر اجراءات سال گذشته:

این کمیته اجراءات ولایات را در سال گذشته در برنامه‌ریزی بودجه، که برای استفاده پلان‌های مردمی تخصیص یافته بود، ارزیابی و بازنگری می‌کند.

• نیازسنجی ولایات:

این کمیته با در نظر داشت اجراءات سال گذشته ولایات و نیز ارتقای ظرفیت در سطح ولایت، حداکثر میزان مصرف ولایت را از طریق پلان‌گذاری مردمی و پلان‌گذاری وزارتی تحت رهبری ریاست‌های سکتوری پیش‌بینی می‌نمایند. در عین حال، صلاحیت‌های مصارف بودجه به ولایات اعطاء خواهد گردید. مقدار بودجه این پلان‌ها به گونه‌ای تعیین خواهد گردید که مجموع منابع موجود در سطح محلی، در مقیاس ملی، با نیازهای مالی برای امور مصارف تفویض‌شده به سطح ولایات مطابقت داشته باشد.

• شناسایی نیازمندی‌های وزارتخانه‌ها:

این کمیته مقدار بودجه‌های سکتوری را که در برنامه‌های مطروحه وزارتخانه‌ها باید به مصرف برسند، تخمین می‌زند؛ مانند برنامه‌هایی که بر اساس اولویت‌های ملی یا استراتژی‌های درازمدت طرح می‌شوند. در صورت تنازع بین نیازهای ولایات، به علت کمی منابع برای مجموع بودجه سکتوری، اولویت به نیازهای ولایت داده می‌شود.

• تقسیم بودجه‌های سکتوری ولایتی:

این کمیته بر اساس ارزیابی عملکرد سال گذشته، منابع موجود و بهبود حاصله در ظرفیت ادارات محلی، فیصدی را که از ۲۵ فیصد از مجموع بودجه انکشافی ولایت کمتر نباشد، به بودجه‌های سکتوری ولایتی اختصاص خواهد داد که برای تمویل پلان‌های مردمی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. متباقی بودجه مربوطه به تمویل پلان‌های مطروحه توسط ریاست‌های سکتوری اختصاص خواهند یافت. نتیجه این عمل، تعیین کل بودجه خاص سکتوری برای «پلان‌گذاری مردمی» و «پلان‌گذاری ریاست‌های سکتوری وزارت‌ها» در ولایات می‌باشد. این بودجه‌ها با استفاده از فرمول تخصیص شفاف بودجوی، که در ذیل شرح داده شده است، به ولایات مختلف اختصاص خواهند یافت.

تفاوت بین پلان‌های مردمی و پلان‌های ریاست‌های سکتوری ولایتی

همان طوری که ذکر گردید، مبلغ کل بودجه ولایتی باید به دو بخش تقسیم گردد: قسمت اول، به طور کامل، بر مبنای روند پلان‌گذاری از پایین به بالا برنامه‌ریزی خواهد شد. قسمت دوم، توسط ریاست‌های سکتوری، مطابق با اولویت‌های ملی، برنامه‌ریزی خواهد شد. این تفاوت‌ها در پاراگراف‌های آتی، به تفصیل، تشریح خواهد گردید:

از میان مجموع پروژه‌هایی که توسط اجتماعات محلی شناسایی گردیده‌اند، تعدادی از پروژه‌ها در پلان‌های مردمی گنجانیده خواهد شد. این پلان‌ها، پس از آنکه در سطح ولسوالی مورد ارزیابی قرار گرفتند، کمیته

انکشاف ولایتی به مثابه واحد ارزیابی کننده، پروژه‌های مربوطه را بر اساس سکتور انتخاب، طرح و قیمت‌گذاری و سپس اولویت‌بندی می‌کند. سپس پیشنهاد نهایی خود را بر مبنای تخصیص سهم بودجه‌ای که از قبل تعیین شده است، ارائه می‌کند. ریاست‌های سکتوری در روند کار کمیته انکشاف ولایتی اشتراک می‌ورزند. با آنکه در نظر گرفتن اولویت‌های ملی ولایتی در طرح پلان‌های انکشاف محلی تشویق می‌گردد، ولی علایق و اولویت‌های مردم که از زبان آنها مطرح گردیده‌اند، در کل، باید در محراق توجه قرار گیرند. پلان‌های مردمی، اغلب، شامل پروژه‌های کوچک در سطح قریه می‌گردد. تمام بودجه پلان‌های مردمی صرف پروژه‌های انکشافی خواهد گردید.

پلان‌های مطروحه توسط ریاست‌های سکتوری، با هدف تطبیق پالیسی‌ها، استراتژی‌ها، استراتژی انکشاف ملی افغانستان و سایر اولویت‌های ملی در این زمینه و درگستره ولایت می‌باشد. هر ریاست سکتوری مسئول تدوین پلان مربوط به خود می‌باشد و نقش کمیته انکشاف ولایتی در این زمینه ارائه مشوره در مورد اساس‌ها و اولویت‌های مقطعی می‌باشد. این پلان‌ها شامل پروژه‌های انکشافی و برنامه‌های عرضه خدمات می‌گردد. بودجه پلان‌های ریاست‌های سکتوری برای پرداخت معاش‌ها، نظارت و بررسی و امور انکشافی مصرف خواهد گردید.

هر دوی این پلان‌ها، پس از تکمیل، توسط ریاست مربوطه در یک سکتور خاص تلفیق خواهند گردید و آن‌گاه به کمیته انکشافی ولایت، به مثابه پلان واحد سکتوری ولایتی، تسلیم داده خواهد شد. شورای انکشافی ولایت، تمام پلان‌های سکتوری را در یک پلان واحد مدغم و بعد از تأیید شورای ولایتی، به والی جهت منظوری تقدیم خواهد کرد.

معیارهای تعیین تخصیص ولایتی

- مجموع مصارف عامه‌ای که برای تمویل پلان‌های ولایتی در اختیار وزارت‌های سکتوری قرار دارد، توسط کمیته پلان‌گذاری و امور مالی محلی و بر اساس نیازهای مالی برای تمویل امور مصارف سطح محلی، به طور سالانه تعیین خواهد شد. در زمان تعیین مجموع بودجه سالانه ولایتی، هر وزارت ملزم است تا یک فورمول مساویانه، دارای طرح مناسب و شفاف را برای تخصیص سهم بودجه در بین ولایات، طرح نماید.
- هر وزارت مکلف است شیوه و فورمول اختصاصی را برای تمویل طرح و برای منظوری تسلیم کمیته پلان‌گذاری و امور مالی محلی نماید. بر اساس این فورمول، مجموع وجوه موجود برای تمویل پلان‌های ولایتی به قسمت‌های ذیل تقسیم‌بندی خواهد شد.
- **سهم وجوه ثابت:** یک مقدار معین از بودجه عمومی برای مصارف ثابت در هر ولایت، به صورت مساویانه، تخصیص داده خواهد شد. مثلاً ۳,۴ میلیون افغانی را که برای هر ولایت ۱۰۰ هزار افغانی

می‌شود، می‌توان مد نظر گرفت. این کار تضمین می‌کند که یک مقدار ثابت مصارف عادی (عملیاتی) را به اندازه مساوی و بدون در نظرداشت وضعیت یا وسعت آن، می‌توان به تمام ولایات تخصیص داد. انتظار می‌رود که میزان وجوه ثابت، اندک باشد.

- **سه‌م وجوه سرانه:** مقدار معینی از کل بودجه به طور مساویانه و به طور سرانه در بین ولایات اختصاص می‌یابد.

- **سه‌م وجوه مربوط به هزینه عرضه خدمات بودجه‌های اضافی می‌باشد که در بین ولایات، بر مبنای هزینه‌های آنان -** به طور مثال نیازهای مالی ولایات - توسط وزارت مربوطه در نظر گرفته می‌شود. مثلاً، وزارت معارف می‌تواند بودجه‌ای را پیشنهاد کند که بر حسب تعداد اطفال واجد شرایط مکتب‌رو در یک ولایت تخصیص یابد، تا ولایاتی که در بخش معارف مصارف بیشتری دارند، تخصیص بیشتر را صاحب شوند.

- **سه‌م وجوه برای پاداش بر اساس عملکرد:** وزارتخانه‌ها می‌توانند بر مبنای عملکرد وجوهی را انتخاب و برای ولایاتی که کارکرد خوب داشته‌اند، به مثابه پاداش ارائه کنند. مثلاً، به علت عرضه خدمات خوب، یک بودجه به عنوان پاداش برای ولایات در نظر گرفته شود. این ولایت از نظر کیفیت عرضه خدمات ارزیابی گردد و هر قدر که نتیجه ارزیابی خوب‌تر باشد، سه‌م همان ولایت از این بودجه بیشتر باشد.^{۲۰}

- **سه‌م وجه مبارزه با فقر:** ولایاتی که از دیگر جهات دارای وضعیت یکسان باشند، موضوع فقر در آنها وجه تمایز قرار داده خواهد شد و ولایات فقیرتر تخصیص بیشتری را اخذ خواهند کرد. این در حالی است که میزان سایر وجوه در تمام ولایات مساوی می‌شد. بر این اساس به ولایاتی که به حیث ولایات فقیر قلمداد می‌گردند، سه‌م مساویانه سرانه از این وجه پرداخت می‌گردد.

فورمول عمومی تخصیص در این مدل قرار ذیل است:^{۲۱}

هرگاه T_p مجموع تخصیص سکتوری برای ولایات باشد، اندازه هر وجه به حیث فیصدی T_p به طور یک متحول W نشان داده می‌شود که وجه مربوطه آن، توسط حروف کوچک، در تحت حرف W مشخص می‌شود؛ مثلاً برای وجوه ثابت W_{fixed} و برای وجوه برفی واحد نفوس $W_{population}$ و برای وجوه مصارف خدمات W_q برای وجوه اندازه پاداش بر اجراءات W_j و برای وجه فقر $W_{poverty}$ نشان داده می‌شود، که حاصل جمع تمام این ارزش‌ها مساوی ۱ است.

^{۲۰} این وجوه به گونه‌ای است که ولایتی که ضعیف‌ترین اجراءات را داشته باشد از این وجه قطعاً مستفید نمی‌گردد و ولایات دیگر با مقایسه با ضعیف‌ترین ولایت درجه اجراءات شان تعیین و مطابق با آن، بودجه بر اساس سرانه شان می‌گیرند.

^{۲۱} ریاست مستقل اداره ارگان‌های محلی کتب رهنما، حمایت تخنیک و منابع دیگر را جهت حمایت از انکشاف فورمول‌های سکتوری با مثال قراردادن این شکل عمومی فراهم خواهد آورد.

P_i نفوس ولایت مربوطه، P نفوس کل کشور، n_{qi} نشان‌دهنده وسعت تحول قیمت‌ها (مثلاً شمولیت، تعداد بزرگسالان وغیره) در ولایت i^{th} برای q_{th} تعدیل معیار قیمت، C_{ji} عبارت از نتیجه اجراءات ولایت i^{th} در معیار j_{th} اجراءات، C_{jb} شاخص اجراءات (بهترین یا بدترین در بین تمامی ولایات) در معیار j_{th} اجراءات، ep_i نشان‌دهنده مستحق بودن ولایت برای استفاده از وجه فقر (مستحق ۱ و نا مستحق ۰). پس تخصیص سکتوری ولایت i^{th} یا TP_i عبارت است از:

$$TP_i = \frac{w_{fixed}}{34} T_p + \frac{w_{population} P_i}{P} T_p + \sum_q w_q T_p \frac{n_{qi}}{\sum_k n_{qk}} + \sum_j w_j T_p \frac{P_i |c_{ji} - c_{jb}|}{\sum_k P_k |c_{jk} - c_{jb}|} + w_{poverty} T_p \frac{P_i ep_i}{\sum_k P_k ep_k}$$

این فورمول، مطابق به پروسه ذیل، توسط هر کدام از وزارتخانه‌ها تکمیل گردد:

- **انتخاب وجوه:** وزارتخانه‌ها خودشان وجوه را باید انتخاب کنند تا مجموع تخصیص پلان‌های ولایتی را تقسیم نمایند. این وجوه در کل شامل وجوه ثابت، وجوه مبتنی بر نفوس و وجوه مبارزه با فقر و، علاوه بر آن، وجوه مصارف خدمات و وجوه پاداش بر مبنای سکتور مربوطه می‌باشد.
- **تعیین میزان وجوه:** وزارت مربوطه باید به وجوه فیصدی سنگینی را قسمی تعیین کنند که حاصل جمع این میزان، وجوه مساوی به ۱ (۱۰۰ فیصد) شود. این میزان، نظر به ملاحظات عدالت، نیازمندی، اولویت و غیره تعیین می‌گردد.
- **ایجاد مدل‌های شبیه‌سازی شده:** وزارت مربوطه باید دقیق‌ترین و جدیدترین معلومات را در مورد ارزش‌های عینی و واقعی برای متغیرهای معادله برای هر ولایت دریافت کند. این امر به وزارت این امکان را میسر می‌سازد تا تخمین بزند که تخصیص در دوره اخیر مالی چه اندازه بوده است.
- **آوردن تغییرات در میزان نهایی وجوه:** وزارت مربوطه باید تخصیص‌های ولایتی را بر مبنای عدالت، تطابق با اولویت‌های ملی، موجودیت امتیازات مناسب و ... ارزیابی کند. همچنین، وزارت مربوطه تحلیل حساسیت ارقام و معلومات خامی را که به عنوان اساس یک سلسله ارزش‌ها در مدل شبیه‌سازی شده مورد استفاده قرار گرفته است، باید انجام دهد. بر مبنای این ارزیابی، وزارت‌های مربوطه میزان وجوه را در راستای تخصیص حد اکثر وجوه، تنظیم می‌نمایند.
- لازم است تا انتخاب و میزان بودجه مطابق به مندرجات پالیسی صورت گیرد. شبیه‌سازی و تکرار این روند، که متعاقباً صورت می‌گیرد، یک روند ساده در راستای حصول اطمینان از این امر است که انتخاب‌های پالیسی در تعیین میزان وجوه، منجر به نتایج غیر مطلوب نخواهند گردید.

فورمول‌هایی که توسط وزارتخانه‌های سکتوری ساخته می‌شوند باید با امور ذیل نیز سازگار باشند:

- **فورمول باید منتج به توزیع عادلانه بودجه شود:** فورمول باید به گونه‌ای ساخته شود که تفاوت‌های غیر ضروری و اضافی بین تخصیص‌های ولایات در آن وجود نداشته باشد؛ غیر آن دسته از تفاوت‌های ضروری، مانند پاداش در برابر عملکرد خوب. وقتی تفاوت در اثر پاداش در برابر عملکرد وجود داشته باشد، ولایاتی که از این پاداش مستفید نشده‌اند، باید برای‌شان شیوه‌های واضح ارایه شود تا با تطبیق آنها اجراءات‌شان را بهبود بخشند، که در نتیجه، از این طریق بودجه خویش را نیز بهبود بخشند.
- **فورمول‌ها باید بازتاب‌دهنده تفاوت در نیازها باشد:** در صورتی که نیازمندی‌های ولایات از هم متفاوت باشد، مثلاً از نظر مساحت، نفوس یا عوامل دیگر، فورمول باید این تفاوت‌ها را انعکاس بدهد و محصول آن فورمول عبارت از تخصیص متوازن ولایتی می‌باشد، که یکی از محرک‌های اساسی نیاز تفویض صلاحیت واقعی به ولایات است.
- **فورمول‌ها نباید پاداش یا پاداش‌های منفی را ایجاد کند:** یعنی چنین نباید باشد که باعث تشویق حکومت‌داری ضعیف، تضامیم ضعیف در مورد سرمایه‌گذاری یا رویه‌های غیر اصولی در ادارات دولتی گردد.
- **فورمول‌ها باید نسبت به اولویت‌های ملی حساس باشد:** معیاراتی که برای تقسیم بودجه عمومی به وجوه مختلف و تقسیم وجوه مختلف به ولایات مختلف استفاده می‌شود، باید منعکس‌کننده اولویت‌های ملی باشند. مثلاً، آن اولویت‌هایی که در استراتژی انکشاف ملی افغانستان و استراتژی‌های سکتوری وزارتخانه‌ها شامل است.

ترتیب لازم جهت «جبران خسارات» ولایات، برای یک مدت سه‌ساله در نظر گرفته خواهد شد، تا در صورتی که ولایات با کاهش تخصیص سکتوری، بر اساس فورمول طرح شده، مواجه گردند، منجر به تحلیل عرضه خدمات، به علت کاهش فاحش مصارف عامه، نگردد.

کمیته پلان‌گذاری و مالی کابینه، به طور متناوب فورمول‌های وزارتخانه‌ها را مورد بازنگری قرار خواهد داد و این صلاحیت را خواهد داشت تا در صورتی که فورمول‌ها از نظر معیارات فوق دارای نواقصی باشند، به وزارت مربوطه هدایت دهد تا فورمول‌های خود را تغییر دهد.

هم فورمول‌هایی که در تخصیص‌های بودجوی استفاده شده‌اند و هم ارقام و معلوماتی که هر سال از آن برای به دست آوردن تخصیص‌های ولایتی استفاده می‌شود، در دسترس مردم قرار خواهد گرفت. کمک لازم به ولایات و مراجع دیگر فراهم خواهد شد تا عواملی را که در ساختن تخصیص ولایت‌شان و یا در به وجود آمدن تفاوت بودجه ولایت‌شان با ولایات دیگر مؤثر بوده‌اند، به خوبی بشناسند.

زنجیره پلان‌گذاری سالانه

نقش‌ها و مسئولیت‌ها

پلان‌های ولایتی بر اساس یک دوره جاری طرح می‌گردد. در این دوره مسئولیت‌های ادارات محلی ذیل، چنین می‌باشد:

- **شوراهای قریه:** شوراهای قریه مسئولیت نمایندگی از مردم قریه را به عهده داشته، اولویت‌ها و نیازمندی‌های اهالی قریه را انعکاس داده و طرح‌های پیشنهادی پروژه‌ها را در چارچوب «پلان‌های مردمی» ترتیب می‌کند. شوراهای قریه تشویق می‌گردند تا، در صورت امکان، نیازمندی‌های محلی را با اولویت‌های از قبل تعیین‌شده ولایت ادغام و شامل پروژه‌های انکشافی سازند. شوراهای انکشافی قریه‌ها تا روی کارآمدن شوراهای انتخابی قریه‌ها این مسئولیت را به عهده خواهند داشت.
- **ولسوال‌ها و شوراهای ولسوالی:** ولسوال پلان‌های مردمی را که توسط مردم قریه طرح می‌گردد، بر اساس نیاز محلی مورد بررسی قرار داده و، در صورت موجودیت کدام تداخل واضح، پیشنهادات خود را به آن اضافه می‌کند. بعد از انتخابات شوراهای ولسوالی، این شوراها طرح انتخاب پروژه‌ها را، قبل از ارائه آن به مقام ولایت، تأیید خواهد نمود.
- **کمیته انکشاف ولایتی:** کمیته انکشاف ولایتی اولویت‌های عمومی ولایت را از طریق مشوره با شورای ولایتی تعیین می‌کند. همچنین، کمیته انکشاف ولایتی به حیث کمیته تخنیک پلان‌گذاری و ترتیب‌کننده پیش‌نویس پلان ولایتی عمل خواهد نمود و مسئولیت دیزاین، قیمت‌گذاری و اولویت‌بندی پروژه‌ها را در محدوده بودج تعیین‌شده هر سکتور به دوش خواهد داشت. این کمیته همچنین، مشوره‌های لازم را به ریاست‌های سکتوری وزارت‌ها، در زمینه طرح پلان‌های انکشافی ارائه خواهد نمود. کمیته انکشاف ولایتی، بعد از تکمیل تمام پلان‌های سکتوری، این پلان‌ها را در یک پلان واحد ولایتی توجید و جهت تصویب، به دفتر مقام ولایت تسلیم می‌کند.
- **والی:** والی پلان و بودجه پلان ولایتی را بعد از تأیید شورای ولایتی منظور می‌کند.
- **شورای ولایتی:** شورای ولایتی بودجه و پلان ولایتی را تأیید و جهت منظوری نهایی به والی تقدیم می‌کند.

- **ریاست‌های ولایتی وزارت‌ها:** ریاست‌های ولایتی مسئولیت طرح «پلان‌های سکتوری ولایتی» را در محدوده پکت بودجه‌ای خود دارند؛ زیرا این ریاست‌ها نیز اعضای کمیته انکشافی ولایتی بوده و در انکشاف «پلان‌گذاری‌های مردمی» سهیم می‌باشند. این دو پلان، پس از طرح، توسط ریاست‌های سکتوری در پلان سکتوری ولایتی تلفیق خواهند گردید. ریاست‌های سکتوری، پس از این که کل پلان‌های ولایتی مورد تصویب قرار گرفتند، پلان‌های سکتوری ولایتی و بودجه‌های آنها را بر اساس سیستم بودجه‌سازی ولایتی به وزارت‌های سکتوری مربوطه تسلیم می‌نمایند.

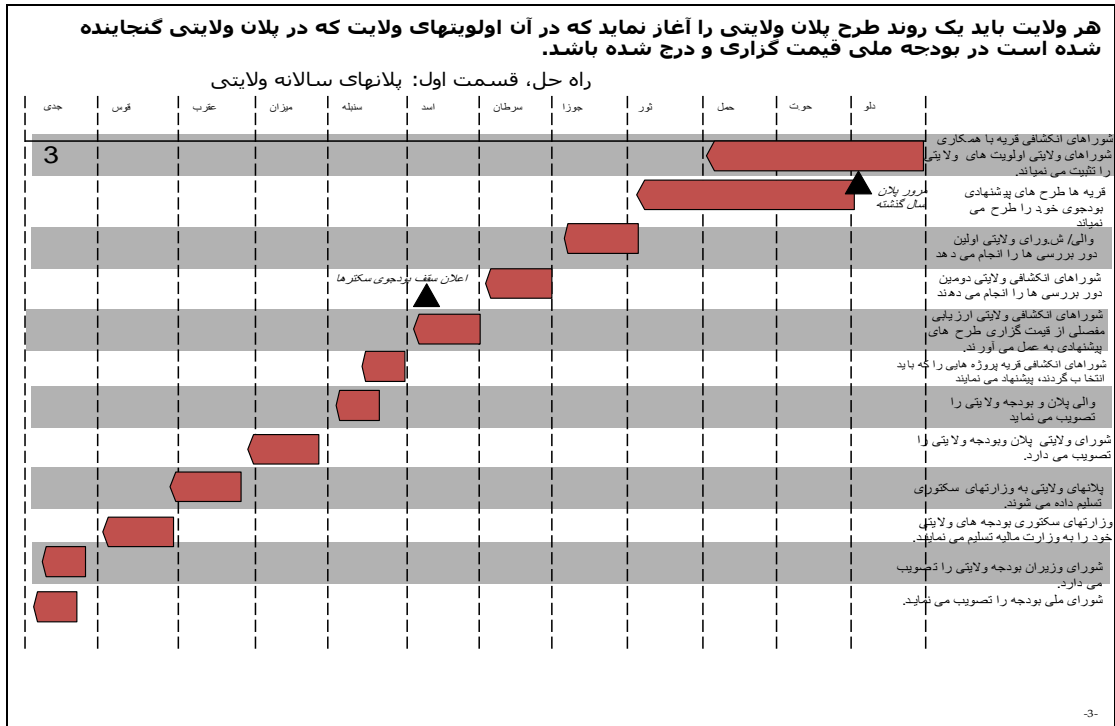
زمان‌بندی

زمان‌بندی سالانه پلان‌های انکشافی طوری تنظیم خواهد شد که پلان‌های منظور شده سکتوری در جریان ماه عقرب به وزارتخانه‌های مربوطه ارائه گردد تا برای شامل‌ساختن پلان‌های مذکور در دوره عادی بودجوی افغانستان وقت کافی در دست باشد.

این مراحل در هر یک از ولایات بر اساس رهنمودهای ذیل خواهد بود:

- حوت: باید مرحله تشخیص اولویت‌ها در سطح قریه جات آغاز شود.
- سرطان: باید قیمت‌گذاری، طرح و اولویت‌بندی مشروح توسط کمیته‌های انکشافی ولایتی آغاز شود.
- اسد: باید مقدار بودجه هر سکتور و هر ولایت اعلان گردد.
- عقرب: پلان‌های منظور شده باید به بخش‌های مختلف تقسیم و به وزارتخانه‌های مربوطه ارسال گردد.
- جدی: بودجه تصویب شده، توسط شورای وزیران تصویب و از طرف شورای ملی کشور تأیید خواهد شد.

یک زمان‌بندی پیشنهادی در جدول ذیل ارائه شده است:



کمیته پلان گذاری و امور مالی کابینه، این ترتیبات را بررسی و در صورت لزوم تغییرات لازم را در آنها اعمال خواهد نمود. به طور مثال، طولانی ساختن زنجیره این پلانها؛ یعنی دوساله ساختن مدت زمان زنجیره پلانها.

تطبيق پلان ولایتی و بودجه ولایتی

تطبيق پلان ولایتی و بودجه از مسؤلیت های ریاست های ولایتی وزارت ها می باشد که با در نظر داشت مراحل ذیل تکمیل می گردد:

۱. ریاست های ولایتی پلان های سکتوری را به وزارت های مربوطه تسلیم می نمایند.
۲. وزارت ها، تعدیلات نهایی را در بودجه وارد می نمایند.
۳. شورای وزیران و پارلمان بودجه را منظور می کند.
۴. وزارت مالیه بودجه را به وزارت ها انتقال می دهد.
۵. وزارت ها بودجه پلان های منظور شده را به ریاست های سکتوری انتقال می دهند.
۶. واحدهای دومی پلان انکشافی را تطبيق می نمایند.
۷. شورای ولایتی و والی بر تطبيق پلانها نظارت و آنها را ارزیابی می کند.

۸. این پروسه مشابه با پروسه ابتکاری فعلی بودجه ولایتی بوده و فرق آن این است که تخصیص های ولایتی با استفاده از فورمول های شفاف و عادلانه ترتیب می گردد و مقدار قابل ملاحظه ای از بودجه جهت اجرای فعالیت های مربوطه شان، به واحدهای دومی وزارتخانه ها انتقال داده می شود.

تقریباً در تمام حالات، تطبیق پروژه ها از مسئولیت وزارت های سکتور می باشد. در صورتی که دلیل واضحی برای تفویض صلاحیت مصارف به ولایت موجود باشد، و اگر وزارت مذکور واحد اجرایی را در سطح ولایت نداشته باشد، صلاحیت مصارف مستقیماً به دفتر مقام ولایت تفویض می گردد. در چنین وضعیتی گویا مقام ولایت به حیث یک واحد دومی وزارتخانه نقش بازی می کند و ریاست مستقل ارگان های محلی نقش مرجع مرکزی را دارد، که بودجه را اخذ و صلاحیت مصرف را به مقام ولایت تفویض می کند. این نوع تفویض صلاحیت مستلزم منظوری کمیته مالی ولایتی بین الوزارتی بوده که کمیته مذکور صلاحیت بازنگری دوره ای آن را نیز دارا می باشد.

تفویض صلاحیت مصارف به ادارات ولایات:

اصل «تخصیص منابع بر مبنای صلاحیت تفویض مصارف» یک اصل رهنمودی و یکی از پیش نیازهای لازم برای تخصیص منابع خواهد بود. منابعی که برای ادارات ولایت تخصیص می یابند، باید با نیازهای مالی ولایت برای امور مصارف مربوطه در این سطح مطابقت داشته باشد. وزارت های سکتوری در راستای نزدیک سازی اتخاذ تصمیم به مردم و افزایش مؤثریت و کارایی آنها، صلاحیت های مالی مشخصی را به ریاست های سکتوری خود تفویض خواهند نمود. تعریف واضح مسئولیت های تفویضی به ریاست های سکتوری، یکی از پیش شرط های لازم برای تخصیص مالی به ولایت به حساب می آید.

ضرورت است تا هر وزارت پلان تفویض مسئولیت مصرف را به کمیته پلان گذاری و مالی کابینه بسپارد. تحت این پلان، وزارت ها می توانند مصارف نوع ذیل را به دفاتر ولایتی خویش تفویض کنند.

هر وزارت ملزم خواهد گردید، پلان تفویض صلاحیت های مالی به ریاست ولایتی خود را تقدیم کمیته پلان گذاری و مالی کابینه نماید. انتظار می رود که وزارت های مربوطه بر مبنای پلان تفویض صلاحیت به ریاست های سکتوری، صلاحیت های ذیل را به این ریاست ها تفویض نمایند:

- مصارفی که جهت تطبیق پلان های ولایتی به کار می رود: صلاحیت مصارفی که در پلان های «از پایین به بالا» گنجانیده شده باشد، مانند اعمار سرک یا احیای سهولت ها برای بخش صحت و معارف، به واحدهای دومی وزارت مربوطه سپرده می شود.

- مصارفی که در سطح ولایت پلان و اجرا شده بتواند: طبیعی است که هرگاه واحدهای دومی ظرفیت کافی برای اجرای مصارف را داشته باشند، مسئولیت چنین مصارفی نیز به عهده آنها سپرده می‌شود. ولی آن دسته از مصارفی که اجرای آن نیاز به ظرفیت عالی تخنیکی داشته باشد، به ولایت تفویض نمی‌شود.
- مصارفی که اکثر استفاده‌کنندگان آن را باشندگان همان ولایت تشکیل دهند: هرگاه منافع ولایات دیگر نیز در آن مصرف دخیل نباشد، صلاحیت این نوع مصارف نیز به واحدهای دومی سپرده می‌شود.
- هر وزارت میزان صلاحیت‌هایی را که به واحدهای دومی خود تفویض می‌کند و نیز میزان صلاحیت‌های را که در مرکز حفظ خواهد نمود، مشخص خواهد ساخت. تمام صلاحیت‌هایی که وزارت‌ها در مرکز حفظ می‌نمایند باید به طور واضح مشخص گردد و دارای خصوصیات ذیل باشد:
 ۱. مربوط به مصارفی نباشد که باید در پلان‌های انکشافی ولایتی گنجانیده شوند.
 ۲. فراتر از توان واحد دومی وزارت مربوطه باشد، حتی اگر کمک‌های لازم از طرف مرکز به واحد دومی آن در زمینه مدیریت اجرای این مصارف، از طرف وزارت مربوطه فراهم گردد.
 ۳. مرتبط با منافع علیای ولایات دیگر باشد.
 ۴. صلاحیت‌های تفویض شده به واحدهای دومی از طرف وزارت‌های سکتوری به طور منظم و دوره‌ای مورد بازنگری قرار خواهد گرفت و همزمان با رشد ظرفیت واحدهای دومی وزارت‌های سکتوری صلاحیت‌های بیشتری به آنان تفویض خواهد شد.

انتقال پول به شاروالی‌ها

تقریباً ۱۷ میلیون نفوس افغانستان تحت ساحت شاروالی‌ها زندگی می‌نمایند. از این رو، آنها مسقیماً از خدمات شاروالی‌ها مستفید می‌شوند. پس جا دارد تا یک میکانیزم انتقال مالی برای شاروالی‌ها ایجاد گردد.

انتقال مالی به شاروالی‌ها از مشخصات ذیل باید برخوردار باشد:

- افزایش ظرفیت شاروالی‌ها برای عرضه خدمات معیاری: انتقال مالی باید شاروالی‌ها را بیشتر توانمندتر سازد تا خدمات استندرد را به هر فرد تحت ساحت مربوطه‌شان عرضه نماید.
- ایجاد امتیاز برای عرضه خدمات: انتقال مالی باید تشویقی باشد برای بهبود عرضه خدمات شاروالی
- ایجاد امتیاز برای جمع‌آوری عواید: انتقال مالی باید مشوقی برای افزایش جمع‌آوری عواید، فیس و مالیات باشد.

پس بر این مبنا فورمول ذیل برای انتقال مالی به شاروالی‌ها پیشنهاد می‌گردد:

T_m برای انتقال مالی به شاروالی، R نشان‌دهندهٔ مجموع عواید شاروالی‌های سرتاسری، N_i نمایانگر تعداد شاروالی i^{th} ، P مجموع نفوس شاروالی، P_i نفوس شاروالی i^{th} ، E_i نشان‌دهنده کیفیت مساوی عرضه خدمات شاروالی i^{th} ، E_1 نمایانگر عرضهٔ خدمات شاروالی برابر با ضعیف‌ترین عرضهٔ خدمات، TM برای انتقال به شاروالی i^{th} .

$$TM_i = .05 \frac{T_m}{N} + .2 \left(\frac{T_m}{R} \times R_i \right) + .5 \left(T_m \times \frac{P_i}{P} \right) + .25 \left(T_m \times \frac{P_i(E_1 - E_i)}{\sum P_j(E_j - E_1)} \right)$$

انتظار می‌رود که کمیتهٔ پلان‌گذاری و مالی کابینه این فورمول را بعد از بازنگری منظور نماید.^{۳۲}

علاوه بر موارد فوق، یک بودجهٔ اضافی، برای تشویق شاروالی‌ها به جمع‌آوری عواید، برای یک دروهٔ سه‌ساله، در نظر گرفته خواهد شد. هر شاروالی که نسبت به سال ۲۰۰۸، بیشتر عاید داشته باشد، مستحق دریافت از ۲۰٪ بودجهٔ اضافی خواهد گردید.

مجموع بودجه برای انتقال به شاروالی‌ها به گونه‌ای صورت خواهد گرفت که جایگزین عواید شاروالی در مقیاس ملی باشد. این بودجه باید به میزانی باشد که با نیازهای مالی شاروالی‌ها برای عرضهٔ خدمات مورد نیاز مطابقت داشته باشد. برای این ملحوظ، عرصهٔ خدمات شاروالی و مسئولیت‌های آن باید در ابتدا به طور واضح تعریف گردد.

تخصیص وجوه به شاروالی‌ها به شکل وجوه اعطایی صورت خواهد گرفت. شاروالی‌ها، با در نظر داشت رهنمودها و اولویت‌های ملی، صلاحیت زیادی در زمینهٔ استفاده از وجوه تخصیص یافته خواهند داشت.

تخصیص وجوه مالی به قریه‌ها

با در نظر داشت موفقیت برنامهٔ همبستگی ملی، تخصیص وجوه اعطایی به قریه‌ها در پرتو این پالیسی ادامه پیدا می‌کند. این وجوه، تا زمانی که انتخابات شوراهای قریه برگزار نشده است، به شورای انکشافی قریه پرداخت می‌گردد؛ ولی بعد از برگزاری انتخابات شوراهای قریه، به این شورا پرداخت می‌گردد.

^{۳۲} در دورهٔ اول ۵٪ بودجه را به تولید عواید شاروالی تقسیم می‌کند (پاداش به سعی بیشتر برای عواید). در دورهٔ دوم فورمول ۲۰٪ بودجه را بر سهم نفوس مربوطه شاروالی تقسیم می‌کند. در مرحلهٔ سوم ۵۰٪ بودجه بر اساس سهم نفوس به شاروالی‌ها توزیع خواهد شد. در مرحلهٔ چهارم ۲۵٪ وجوه به شاروالی‌هایی که ضعیف‌ترین عرضهٔ خدمات را دارد و هیچ مستحق بودجه نیست، تخصیص داده می‌شود و شاروالی که اجرات آن در مقایسه با ضعیف‌ترین شاروالی بهتر باشد، سهم بلندتر سرانه را از این بودجه به دست می‌آورد. این فورمول شبیه فورمول عمومی بخش گذشته است.

از آنجایی که فورمول تخصیص وجوه اعطایی قبلاً در برنامه همبستگی ملی طرح شده و نیز برای مردم قابل قبول است، این فورمول را حفظ می‌نماییم. شرح فورمول چنین است:

تخصیص قریه i^{th} عبارت است از تخصیص بالای فی خانه TH ، H_i تعداد خانه در قریه i^{th} ، K حد اعظمی تخصیص

$$TV_i = \min\{TH \times H_i, K\}$$

که در اینجا \min عبارت است از بازگرداندن ارزش دو بخش معادله با ارزش پایین‌تر

کمیته پلان‌گذاری و مالی کابینه این فورمول را بازنگری و منظور خواهد نمود.

مدیریت مالی

حساب‌دهی مالی

واحدهای دومی ولایتی در برابر استفاده از بودجه عامه به مقام ولایت و شورای ولایتی جواب‌گو می‌باشند. برای عملی نمودن این امر میکانیزم ذیل در نظر گرفته می‌شود:

- **تفتیش مالی:** تمام معاملات مالی واحدهای دومی توسط مفتشین داخلی و مفتشین وزارت مالیه تفتیش می‌گردد.
- **بودجه‌سازی بر اساس برنامه در سطح ولایت:** بودجه نهایی و منظور شده هر واحد دومی وزارتخانه‌ها، تحت یک برنامه تنظیم و به ملاحظه والی و اداره ولایت رسانده می‌شود. از مجموع برنامه‌ها و بودجه‌های وزارتخانه‌های مختلف در سطح ولایت یک بودجه واحد ساخته می‌شود.
- **تطابق هزینه یک برنامه با نتایج همان برنامه:** مصارف هر برنامه به طور آشکار باید با نتایج آن برنامه و با در نظر داشت زمان پیش‌بینی شده برای آن و زمانی که به طور عملی برای تطبیق در برگرفته است، مقایسه گردد. ریاست ولایتی وزارت مربوطه، در صورت عدم موفقیت در به دست آوردن نتایج متوقعه پس از انجام مصارف مورد نظر، به والی و شورای ولایتی پاسخ‌ده می‌باشد.

• **تطابق هزینه برنامه با بازده آن برنامه:** نتایج متوقعه انکشافی و هزینه برنامه باید تا حد امکان به طور آشکار شناسایی گردد. ریاست سکتوری، در صورت عدم موفقیت در به دست آوردن بازده پیش‌بینی شده در حالی که مصارف صورت گرفته باشد، به شورای ولایتی و والی پاسخده می‌باشد. هر وزارت مجموعه‌ای از راه حل‌ها و چاره‌سنجی‌های لازم را که جواب‌گوی عدم موفقیت نظام‌مند واحدهای ولایتی‌شان در قسمت به دست آوردن نتایج متوقعه و مصارف آن باشد، آماده خواهد کرد و این مجموعه اقدامات و تدابیر به کمیته مالی ولایتی بین‌وزارتی ارائه خواهد شد.

تمام اسناد، گزارش‌ها و ارزیابی‌های مالی به شکل دائمی حفظ و به طور آزادانه در دسترس عامه قرار داده خواهد شد.

تطبيق اصلاحات مدیریت مالی

مدیریت مؤثر بودجه عامه و عملی شدن سیستم حساب‌دهی مالی که در بخش ۲,۲۴ تشریح گردید، مستلزم ارتقا بخشیدن قابل ملاحظه‌ای در ظرفیت مدیریت مالی واحدهای دومی وزارتخانه‌ها می‌باشد. در صورتی که بعضی صلاحیت مصارف به مقام ولایت سپرده شود، عین ظرفیت‌سازی در این نهادها نیز مورد نیاز می‌باشد. تقویت این سیستم را در سه بخش می‌توان مدنظر قرار داد: کنترل مالی، سیستم‌های معیاری محاسباتی و مدیریت عملکرد. هرگاه مدیریت مالی در یک نهاد در حالت ابتدایی قرار داشته باشد، بهبود را می‌توان به شکل مرحله به مرحله معرفی کرد. سه بخش فوق‌الذکر در چارت و پاراگراف‌های ذیل تشریح شده است:

اصلاح سیستم مدیریت مالی ادارات محلی

کنترول مالی	مدیریت مالی و محاسباتی معیاری	مدیریت عملکرد
<ul style="list-style-type: none"> • معرفی کنترول‌های داخلی • حصول اطمینان از محاسبه تراز نقده و جریان نقده • ایجاد سیستم‌های ابتدایی بودجه‌سازی • بودجه برای اجرای امور لازم • تعیین عناوین حساب‌ها برای 	<ul style="list-style-type: none"> • حرکت به طرف ایجاد سیستم محاسبه مضاعف • استفاده از سیستم محاسباتی جامع (ست مکمل لیجرها، عناوین حساب‌ها، تلفیق منظم) • معرفی بودجه‌سازی بر اساس برنامه 	<ul style="list-style-type: none"> • معرفی "قراردادهای کارکرد" بین مراجع تطبیق کننده و نماینده های عامه • مسئول قراردادن مسئولان در برابر بازده برنامه‌های مالی و بودجوی • حرکت به سمت بودجه سازی

<ul style="list-style-type: none"> ● بر اساس عملکرد ● استفاده از سیستم مدیریت یک‌پارچه مالی ● استفاده از بودجه‌سازی بر اساس سرمایه ● ارزیابی و تقویت استفاده مؤثر از بودجه‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> ● بهبود قابلیت پیش‌بینی در روند بودجه‌سازی ● بودجه‌سازی، نظارت و ارزیابی نظام‌مند ● معرفی تفتیش مالی فراگیر 	<p>کنترل بازدهی و نتایج</p>
---	---	-----------------------------

هدف فعالیت‌های بخش اول، یعنی کنترل مالی، عبارت است از معرفی سطح ابتدایی شفافیت در نهادهای مورد نظر و آماده‌ساختن این نهادها جهت مطابقت کامل با معیارهای مناسب، که حداقل آن شامل موارد ذیل است:

- **معرفی کنترل ابتدایی:** کنترل‌های ابتدایی، مانند تصدیق حساب‌های بانکی، ردیابی اجناس و وسایل، معرفی اشخاص درستی که صلاحیت امضای پرداخت پول را دارند، و تفکیک وظایف کلیدی مالی معرفی خواهد شد، (مثلاً کسی که اجازه پرداخت را می‌دهد و کسی که پرداخت می‌کند).
 - **اطمینان از میزان نقدی و جریان نقدی:** تمام میزان پول دریافت‌شده و پرداخت‌شده نقدی، اعم از متوقعه و واقعی، باید یک‌جا جمع‌آوری شود تا بتوان موقعیت دفتر را از نظر نقدی در هر دوره محاسباتی تعیین نمود و وضعیت فعلی نقدی را با وضعیت متوقعه پیش‌بینی‌شده، مقایسه کرد.
 - **ایجاد سیستم‌های ابتدایی بودجوی:** نهاد مربوطه باید یک پروسه ساده پلان‌گذاری و بودجه‌سازی را بر اساس کودهای دولتی برای مصارف اقتباس کند.
- هدف از فعالیت‌های بخش دوم، یعنی سیستم‌های استندرد محاسباتی، عبارت از ارتقای سیستم‌های عقب‌مانده مدیریت مالی به سیستم‌هایی است که از اساسات سالم حساب‌دهی برخوردار باشند. این سیستم شاید در سطح بهترین سیستم‌ها نباشد؛ اما شفافیت و حساب‌دهی مالی، را به طور کافی، به وجود خواهد آورد. این هدف شامل فعالیت‌های ذیل می‌شود:

- **ایجاد سیستم محاسبه مضاعف:** نهاد مربوطه باید از محاسبه مضاعف حساب‌داری جهت تهیه ابلاغیه‌های ترازنامه مالی مازاد و کسر بودجه و بیلانس نامه استفاده نماید. یک سیستم زمان‌بندی برای رسید عواید مصارف باید ایجاد شود. همچنین، سیستم‌هایی برای صورت‌حساب انتقال پول نقد، به مثابه ابزار انسجام ابلاغیه‌های مازاد بودجه عادی و وضعیت نقدینه، باید ایجاد گردند.

- **معرفی ست مکمل دفتر کل (لیجرها) و چارتهای محاسباتی:** نهاد مربوطه باید سیستم دفترداری کل را به شکل معیاری آن معرفی نماید (مثلاً دفتر ثبت نقده، دفتر اجناس، جدول پرداختها، دفتر پرداختها و غیره).
- **معرفی بودجه‌سازی بر اساس برنامه:** سیستم بودجه‌سازی باید دوباره به گونه‌ای تنظیم شود که از اهداف برنامه عمومی با سقف‌های بزرگ بودجه‌ای آغاز شده و سپس بتوان جزئیات، عناوین بودجه‌سکتوری را تحت سر حساب‌های معیاری در آن گنجانند.
- **تقویت قابلیت پیش‌بینی روند بودجه‌سازی:** نهاد مربوطه مؤثریت بودجه‌سازی خود را با مقایسه‌ی حالت پیش‌بینی شده و حالت واقعی، سنجش و میزان تفاوت را دریافت می‌کند. هرگاه تفاوت موجود ناشی از مشکلات پروسه بودجه‌سازی یا عوامل پیش‌بینی شده باشد، نهاد مربوطه می‌تواند پروسه بودجه‌سازی را بر مبنای آن اصلاح و تنظیم کند.
- **سیستماتیک ساختن بودجه عادی و حفظ و مراقبت:** هزینه‌های ثابت، هزینه‌های اداری و هزینه‌های ثابت عمومی باید به طور آشکار در داخل بودجه همان نهاد پیش‌بینی گردد. مثل هزینه‌های دیگر، باید تفاوت بین ارزش‌های پیش‌بینی شده و واقعی آن شناسایی شده و بر مبنای آن سیستم بودجه‌سازی را بهبود بخشد.
- **معرفی تفتیش جامع:** نهادها باید، به طور منظم، توسط تفتیش داخلی و خارجی کنترل شوند و مسئولین ارشد آن برای تطبیق توصیه‌های مفتشین، مکلف شوند.

هدف از فعالیت‌های بخش سوم، یعنی مدیریت عملکرد، عبارت است از معرفی ساختارهای مدیریت مالی جهت تقویت ارتباطات بین معلومات مالی و کارکردهای نهاد مربوطه. این فعالیت‌ها شامل موارد ذیل می‌شود:

- **معرفی قراردادهای عملکرد:** در این زمینه باید سیستمی را ایجاد کرد که در آن پلان ولایتی به حیث یک قرارداد بین مقام ولایت و وزارتخانه مربوطه، جهت عرضه نتایج و پیامدهای مندرجه پلان، تلقی شود. بودجه آن به حیث هزینه تخمین شده می‌باشد. با اجرا نشدن این قرارداد، وزارت مربوطه مکلف به اقدامات اصلاحی می‌شود تا بدین ترتیب واحد دومی مربوطه‌اش در برابر عملکرد آن امتیاز حاصل نماید.
- **افزایش مسئولیت حساب‌دهی شخصی که در راس اداره است:** ارزیابی کارمندی که در مدیریت مالی و بودجوی ذی‌دخل هستند، باید حاوی اجزای قوی‌تر مدیریت عملکرد باشد تا دانسته شود که کارکرد ضعیف از نظر آینده وظیفوی، استحقاق، سطح مسئولیت‌ها و غیره برای‌شان عواقب وخیمی در پی دارد.
- **تطبیق بودجه‌سازی مبنی بر عملکرد یا نتایج:** روند بودجه‌سازی را باید وسیع‌تر ساخت تا نقطه آغاز آن را یک نتیجه یا پیامد مشخص و قابل پیمایش تشکیل بدهد. بعداً می‌توان آن را به یک تخصیص بودجوی که دارای اقلام مختلف و معیاری باشد، تفکیک نمود یا انکشاف داد.

- **استفاده از سیستم یک پارچه مدیریت مالی:** باید یک مخزن اطلاعاتی را ایجاد کرد که بتواند تمامی گزارش‌های مدیریتی، جریان معاملات، بودجه‌سازی و دفترداری را در خود بگنجاند.
- **ارزیابی و تقویت استفاده مؤثر از بودجه:** لازم است یک سیستم پیگیری مؤثریت بودجه‌ای ایجاد گردد تا بر اساس دریافت‌های آن سیستم بودجوی بهبود یابد. (مثلاً فیصدی استفاده از بودجه و اجرای بودجه یا دقت پیش‌بینی بودجه) مشخص شود و از آن برای بهبود سیستم بودجوی استفاده گردد.

ترتیبات نهادی برای تطبیق پالیسی

کمیته پلان‌گذاری و مالی کابینه

یک کمیته شورای وزیران در رابطه با پلان‌گذاری و تخصیص بودجه‌های محلی تشکیل خواهد شد تا تمام سیستم مالی محلی را بررسی و رهنمایی نماید. ریاست این کمیته به عهده یکی از معاونین رئیس جمهوری خواهد بود. وزیر مالیه و رئیس اداره مستقل ارگان‌های محلی معاونین این کمیته خواهند بود و وزیر اقتصاد وظیفه سکرتریت این کمیته را به عهده خواهد داشت. این کمیته سه بار در سال تشکیل جلسه خواهد داد و توسط گروه کاری بین‌وزارتی پلان‌گذاری و بودجه‌سازی محلی حمایت خواهد شد. این گروه کاری دو بار قبل از هر جلسه کمیته فوق، جهت تهیه مسوده و مرور تخنیکی آن، با هم نشست خواهند داشت. این کمیته در همکاری نزدیک با کمیته بودجه، کار خواهد کرد. به منظور جلوگیری از تکرار و تداخل پروسه‌ها، هماهنگی میان این دو کمیته نهادینه خواهد شد.

کمیته پلان‌گذاری مسئولیت‌های ذیل را به عهده خواهند داشت: تمویل و تطبیق پروژه‌ها در ولایات، تعیین فیصدی مجموعه منابع سکتوری ملی که باید به ولایات تخصیص داده شود، تعیین فیصدی بودجه‌های سکتوری جهت استفاده در تطبیق پلان‌های انکشافی مردم، تعیین سطح کلی وجوه برای انتقال به نهادهای انکشافی قریه‌ها و وجوه قابل انتقال به شاروالی‌ها، منظوری فورمول تخصیص ولایتی پیشنهادشده توسط وزارت‌ها، مرور و منظوری فورمولی که برای وجوه مالی برای قریه‌ها و شاروالی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، نظارت بر تفویض صلاحیت‌های اختیاری مصرف وجوه مالی به والی‌ها، ارزیابی مؤثریت وزارت‌ها در رابطه با پاسخ‌گو قراردادن ریاست‌های‌شان به والی و شورای ولایتی، و نظارت و ارزیابی تمام عملکرد سیستم پلان‌گذاری و مالی در سطح محل.

اداره مستقل ارگان‌های محلی و وزارت مالیه مسئولیت ارائه تسهیلات سکرتریتی را به عهده خواهند داشت. همچنین، آنها مسئولیت خاصی در زمینه جمع‌آوری و توزیع ارقام مورد استفاده برای ارائه ارزش برای متغیرها در طرح فورمول تخصیص ولایتی خواهند داشت.

کمیته امور مالی و پلان‌گذاری محلی کابینه، صلاحیت‌های لازم را به گروپ کاری بین‌وزارتی برای تسوید تخنیک، تحلیل و بازنگری فورمول تخصیص بودجه ولایتی اعطا خواهد نمود. این گروه کاری شامل نمایندگان در سطح رئیس، مشاور ارشد یا موقف‌های مشابه تمام وزارت‌ها و ادارات دولتی که در سطح محلی فعالیت دارند، خواهد بود.

نقش‌ها و مسئولیت‌های کمیته

کمیته پلان‌گذاری و مالی سطح محلی کابینه، مکلفیت‌های ذیل را به عهده خواهد داشت:

- **اختصاص تخصیص‌ها و انتقالات پولی به ولایات از بودجه ملی:** این کمیته مقدار مجموعی بودجه سکتوری ملی را که برای تمویل مجموع بودجه سطح ولایت و میزان بودجه سکتوری تمویل پلان‌های ولایتی مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیز اندازه وجوهی را که باید به شاروالی‌ها و قریه‌جات انتقال یابد، تعیین می‌کند.
- **بازنگری و منظوری فورمول‌های تخصیص:** این کمیته فورمول‌هایی را که برای تعیین تخصیص بودجه ولایات، انتقال پول به شاروالی‌ها و قریه‌جات طرح می‌گردد، منظور می‌کند. همچنین این کمیته مؤثریت این فورمول‌ها را مورد بازنگری قرار داده و در صورت ضرورت، ایجاد اصلاحات در آنها را پیشنهاد می‌کند.
- **بازنگری و منظوری دادن مکلفیت‌های مصارفی:** این کمیته تقسیم مسئولیت‌های مصارفی بین وزارتخانه‌ها و واحدهای ولایتی شان را منظور می‌کند.
- **منظوری و چگونگی مصرف توسط دفتر مقام ولایت:** در صورتی که تطبیق در سطح ولایت صورت بگیرد، ولی اداره مناسب تطبیق‌کننده در ولایت وجود نداشته باشد، این کمیته صلاحیت مصارف را مسقیماً به دفتر مقام ولایت تفویض می‌کند. وقتی که چنین منظوری صورت می‌گیرد، این کمیته نقش تعیین‌کننده کل تخصیص را به عهده گرفته و فورمول تخصیص ولایتی را که ریاست مستقل ارگان‌های محل از آن استفاده می‌کند، منظور می‌کند.
- **نظارت بر ارزیابی اجراءات ریاست‌های ولایتی:** این کمیته سیستم‌های پاداش بر اجراءات را برای تطبیق پلان‌های ولایتی، که توسط ریاست‌های ولایتی تطبیق می‌شوند، مد نظر خواهد گرفت و بر مؤثریت این شیوه پاداش نیز نظارت خواهد کرد.

- **مدیریت عملکرد به صورت کل:** این کمیته، نظارت بر اجراءات عمومی سیستم را به عهده خواهد داشت. در صورت اجراءات ضعیف، اقدامات تصحیح کننده لازم را توصیه خواهد نمود، که حتی می تواند شامل تغییر قوانین، قواعد، مقررات و پالیسی ها باشد.
- این کمیته سالی سه بار، در ماه های ثور، سنبله و جدی تشکیل جلسه خواهد داد. نتایج هر جلسه از قرار ذیل خواهد بود:

جلسه	نتایج
ثور	<ul style="list-style-type: none"> • توافق روی میزان صلاحیت های مالی که باید به واحدهای دومی تفویض گردد و نیز آن دسته از صلاحیت های ملی که در مرکز حفظ گردد. • توافق روی صلاحیت های مالی که باید به دفاتر والی ها تفویض گردد. • تعیین میزان وجوه اختصاصی سکتوری برای تخصیص به واحدهای اداری ولایت • تعیین مقدار بودجه سکتوری و بودجه های لازم برای تمویل پلان گذاری مردمی • تعیین میزان وجوه برای انتقال وجوه مالی به شاروالی ها • تعیین وجوه برای تخصیص وجوه مالی به قریه جات
سنبله	<ul style="list-style-type: none"> • پیشنهاد اقدامات لازم برای تخصیص وجوه مالی به ولایات • پیشنهاد اقدامات لازم برای اتخاذ فورمولی برای تخصیص وجوه مالی
جدی	<ul style="list-style-type: none"> • پیشنهاد اقدامات لازم برای بهبود عملکرد در قسمت تطبیق کردن فعالیت های مربوطه، توسط واحدهای دومی • ارزیابی کل عملکرد مربوطه و ارائه و توصیه ها و سفارش های لازم

گروپ کاری بین‌الوزارتی دو ماه قبل از هر جلسه کمیته پلان‌گذاری و امور مالی محلی کابینه، تشکیل جلسه می‌دهند تا آمادگی‌های لازم را برای امور مربوطه اتخاذ نمایند.

در راستای اجتناب از تکرار بی‌جهت و رقابت ناسالم، اقدامات لازم جهت ایجاد هماهنگی با کمیته فعلی امور بودجه‌ای، که در حال حاضر وزیر مالیه در رأس آن قرار دارد، نهادینه خواهد شد.

تطبیق، نظارت و ارزیابی

تطبیق پالیسی ادارات محلی

این پالیسی اسلوب حکومت‌داری محلی را در درازمدت بهبود قابل ملاحظه‌ای بخشیده و از طریق تدوین قوانین و مقررات جدید و اصلاح قوانین و مقررات فعلی، تغییرات عمده‌ای را در ساختار نهادهای محلی و نحوه خدمت‌رسانی آنها به مردم به میان خواهد آورد. تدوین قوانین و مقررات جدید و تغییرات ساختاری نهادها در سال ۱۳۸۸ آغاز گردیده و تطبیق کامل آن در مدت سه سال (۱۳۸۹-۱۳۹۲) و طی روند تدریجی و مرحله‌وار انجام خواهد یافت. دولت افغانستان به منظور کمک در تطبیق این پالیسی، از میکانیزم واحد حمایتی پشتیبانی می‌کند.

در سال ۱۳۹۲، حکومت افغانستان بررسی همه‌گیری را از این پالیسی انجام خواهد داد تا نتایج تطبیق پنج‌ساله این پالیسی را بازنگری کند و در صورت نیاز، کمیته‌های تدوین، تدقیق و تنظیم پالیسی را یک‌بار دیگر برای ویرایش و عیار نمودن پالیسی مطابق با نیازهای عصر، به کار بگمارد. دولت یک کمیته فرعی را تحت عنوان گروپ کاری تخنیکی اصلاح قوانین در بخش سیستم حکومت‌داری محلی ایجاد خواهد کرد. ریاست تقنین وزارت عدلیه به حیث رئیس، و ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی به حیث منشی این کمیته خواهند بود. وزارت‌هایی که در تدوین قوانین تازه و یا اصلاحات در آنها نقش دارند، اعضای دایمی این کمیته فرعی خواهند بود. مسئولیت عمده این کمیته فرعی تدوین قوانین تازه و اصلاح قوانین موجود به منظور تطبیق پالیسی ادارات محلی و ارائه آن به پارلمان خواهد بود.

هدف از تطبیق پالیسی حکومت‌داری محلی حصول اطمینان از رعایت اصل حکومت‌داری سالم و رعایت احکام قانون اساسی می‌باشد. این پالیسی از طریق یک روند تدریجی و دارای تسلسل مناسب تطبیق خواهد گردید.

تطبيق پالیسی ادارات محلی نیاز به سعی و تلاش تمام ساختارهای حکومت دارد. هرچند اداره مستقل ارگان‌های محلی نقش پیش‌آهنگ را در ایجاد هماهنگی میان ادارات دولتی در راستای تطبيق این پالیسی را بازی می‌کند؛ اما بدون همکاری کامل تمام ادارات ذی‌ربط دولتی، اهداف پالیسی برآورده نخواهند شد.

تدوین یک چارچوب تطبیقی مفصل برای پالیسی ادارات محلی

بعد از نهایی‌شدن پالیسی ادارات محلی یک چارچوب تطبیقی مفصل ترتیب خواهد گردید. چارچوب متذکره شامل عناصر ذیل می‌باشد:

- **ایجاد تغییرات لازم در پالیسی:** پالیسی ادارات محلی وزارتخانه‌ها را مکلف می‌سازد که یک پالیسی را برای تفویض صلاحیت تدوین نمایند. طرح و تدوین پالیسی‌های تفویض صلاحیت در وزارتخانه‌هایی که در طرح پالیسی ادارات محلی سهم داشتند، یک پیش شرط کلیدی برای تطبيق این پالیسی می‌باشد.
- **بازنگری چارچوب قانونی ادارات محلی:** در حال حاضر یک سلسله قوانین در کشور موجود است که می‌توانند به عنوان چارچوب حقوقی ادارات محلی کشور محسوب گردد. چارچوب حقوقی یک اصطلاح توضیحی برای مجموعه‌ای از قوانین می‌باشد که یک ساختار منسجم و تمام‌شمول را تشکیل می‌دهد و از تطبيق یک دیدگاه یا پالیسی حمایت می‌کند. اداره مستقل ارگان‌های محلی چارچوب حقوقی موجود حکومت‌داری محلی را مورد تحلیل قرار داده و نقاط قوت، نقاط ضعف و همچنین فرصت‌هایی را برای ایجاد یک چارچوب حقوقی همه‌جانبه و مؤثر برای تأمین اصل شفافیت، مشارکت، حساب‌دهی، مؤثریت و کارایی مورد بررسی قرار داده است. در تحلیل متذکره در رابطه به وضعیت فعلی چارچوب حقوقی ادارات محلی به گونه‌ای نتیجه‌گیری شده است که این چارچوب حقوقی در کشور، ضعیف‌تر از آن است که بر مبنای آن چارچوب حکومت‌داری محلی تسهیل و سیستم حکومت‌داری سالم ایجاد گردد. قانون اساسی افغانستان مبنای حقوقی را برای حکومت‌داری محلی فراهم نموده است. اما قوانین فرعی در رابطه به حکومت‌داری محلی وضاحت کافی ندارد. عدم یکپارچگی در یک ارگان تقنینی مربوط به حکومت‌داری محلی، منتج به خلاءهایی در چارچوب تقنینی، اداری و مراقبتی شده است. نقش کاری، مسئولیت‌های تشکیلاتی و وظیفوی و روابط ذات‌البینی میان ادارات مختلف محلی نه‌تنها در بعضی موارد تکذیب‌کننده یکدیگرند، بلکه آنها یک چارچوب محکم را به وجود نیاورده‌اند. این وضعیت را تا حدودی می‌توان به عدم موجودیت یک پالیسی برای حکومت‌داری محلی در گذشته نسبت داد. بسیاری از قوانین مربوط به حاکمیت محلی، به طور تصادفی، تسوید و اصلاح گردیده و در باره این که چگونه اجزای مختلف یک کل را تشکیل دهند، کم فکر شده است. یکی از پیش شرطها برای تطبيق پالیسی حکومت‌داری محلی، طوری که در بالا ذکر گردیده است، تسوید یک رشته‌قوانین جدید می‌باشد که نقش هر اداره را در سطح محلی، علاوه بر

روابط شان با همدیگر و با مرکز، مشخص سازد. اما ضروری نیست تا تمام قوانین از نو تسوید گردد. قبل از اینکه پالیسی حکومتداری محلی بتواند تطبیق گردد، بسیاری از قوانین در چارچوب حقوقی فعلی حکومتداری محلی نیاز به اصلاح خواهند داشت. با در نظر داشت فقدان وضاحت و صراحت در قانون ادارات محلی و تغییر در نقش و مسئولیت‌های ولسوال و والی که در همین پالیسی تصریح گردیده، لازم است که از نو یک قانون تسوید گردد. وزارتخانه‌ها و اداره مستقل ارگان‌های محلی قوانین موجوده را با پالیسی مقایسه می‌کنند تا بررسی کنند که قوانین موجود چگونه نیازمند اصلاحات است و کدام قوانین جدیداً لازم است تسوید گردد و محتویات قانون چه باید باشد تا از تطبیق مؤثر پالیسی اطمینان حاصل شود.

قوانینی که باید بر مبنای پالیسی ادارات محلی افغانستان تسوید گردند:

- قانون ادارات محلی
- قانون شوراهای ولسوالی
- قانون شوراهای قریه‌ها
- قانون حق دسترسی به معلومات دولتی
- قانون تبعیض مثبت برای زنان
- قانون سهم‌گیری جامعه مدنی در حکومتداری محلی

قوانینی که باید بر مبنای پالیسی ادارات محلی مورد تعدیل قرار گیرند، قرار ذیل است:

- قانون شوراهای ولایتی
- قانون انتخابات
- قانون شاروالی‌ها و احکام مربوط به شوراهای شاروالی
- قانون امور مالی و مدیریت مصارف عامه
- قانون تهیه و تدارکات و قواعد و طرز العمل تهیه و تدارکات عامه
- قانون تفتیش (قانون بود تفتیش که در سال ۱۳۴۱ تدوین شده بود).
- قانون کارمندان خدمات ملکی (که در سال ۲۰۰۸ انفاذ یافته است).
- قانون مجلس اداری ولایت

- قانون پولیس
- قانون تشکیلات، وظایف و مکلفیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (تدوین شده در سال ۲۰۰۵)
- قانون رسانه‌های همگانی
- قانون مبارزه با مواد مخدر (تدوین شده در سال ۲۰۰۵)
- قانون اداره زمین
- قانون استملاک زمین (قانون استملاک املاک)
- قانون مدیریت محیط زیست (قانون حفاظت از محیط زیست)
- قانون سرشماری نفوس
- قانون نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه با فساد اداری (تدوین شده در سال ۲۰۰۸)
- قانون مدیریت حوادث
- قانون آموزش و پرورش (تعلیم و تربیه)
- قانون تشکیلات و حوزه قضایی محاکم
- قانون جلوگیری از احتکار

مقرره‌هایی که باید تعدیل گردند:

- مقرره شوراهای انکشافی قریه
- مقرره فیس خدمات شاروالی‌ها
- مقرره سرسبزی و صفایی شهر
- مقرره فیس صفایی شهرها
- مقرره فیس پارکینگ وسایط نقلیه در ساحات شهری
- مقرره تنظیم و تثبیت دارایی شاروالی‌ها
- مقرره تطبیق ماستر پلان (کلان طرح) شهر کابل (۲۰۰۰)
- مقرره توزیع و فروش زمین برای ساختمان‌های مسکونی و بلندمنزل‌ها در شهر کابل (حکم توزیع و فروش زمین‌های دولتی در شهر کابل)
- مقرره پروژه‌های خانه سازی در شهر کابل (طرح ۲۵ ساله)

- مقررۀ اصول وظایف داخلی کارمندان خدمات ملکی

مقررۀ ها و رهنمودهایی که باید از نو تدوین گردند:

- رهنمودهای مربوط به تطبیق پالیسی ادارات محلی به شمول مقرره‌های مربوط به ایجاد، مکلفیت‌ها و فعالیت‌های گروه کاری کمیتهٔ تدقیق پالیسی، کمیتهٔ پلان‌گذاری و امور مالی محلی کابینه، کمیتهٔ تطبیق پالیسی، گروه‌های کاری بین وزارتی تطبیق پالیسی، کمیتهٔ نظارت بر تطبیق پالیسی، کمیتهٔ گروه کاری تخنیکی اصلاح قوانین حکومت‌داری محلی، کمیتهٔ هماهنگی تمویل‌کنندگان در امور حکومت‌داری محلی و کمیتهٔ هماهنگی جامعهٔ مدنی در امور حکومت‌داری محلی؛
- رهنمودهای مربوط به پلان‌گذاری و رهنمودهای بودجه‌سازی محلی؛
- رهنمودهای مربوط به انتقال وجوه مالی بین ادارات دولتی (از مرکز به واحدهای دومی و سومی)؛
- جزوۀ رهنمای عملیاتی مدیریت مالی ادارات محلی؛
- رهنمای تطبیق اصول وظایف داخلی مسئولان دولتی و اصول عملکرد مقامات انتصابی؛
- رهنمودهای تعیینات والی، ولسوال و معاون والی؛
- رهنمای تطبیق اصول وظایف داخلی پولیس؛
- مقررۀ‌های ثبت زمین؛
- مقررۀ نقشه‌برداری حدود جغرافیایی؛
- رهنمودهای ارتقای ظرفیت شوراهای منتخب (شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و قریه)؛
- رهنمودهای اصلاحات ادارهٔ محلی؛
- رهنمودهای آموزش مسئولان انتصابی محلی؛
- رهنمودهای مدیریت کارکرد نهادهای حکومت‌داری محلی؛
- رهنمای رشد، تطبیق و نظارت بر معیارهای خدمات عامه؛
- مقررۀ‌های شاروالی.

برنامه‌های جدید

- ایجاد آکادمی حکومت‌داری محلی افغانستان؛
- توسعهٔ برنامهٔ کارآموزی؛

- برنامه ثبت زمین؛
- برنامه نقشه برداری حدود جغرافیایی قریه‌ها؛
- برنامه ارتقای ظرفیت اعضای شوراهای منتخب (شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و قریه)؛
- برنامه انکشاف اداره شاروالی؛
- برنامه اصلاحات اداری ادارات محلی؛
- برنامه آموزش مسئولان منتخب محلی؛
- برنامه ارتقای ظرفیت در زمینه‌های پلان‌گذاری محلی، بودجه‌سازی محلی، مدیریت مالی محلی و انتقال وجوه مالی در بین ادارات دولتی؛
- برنامه ارزیابی کارکرد نهادهای حکومت‌داری محلی؛
- برنامه انکشاف، تطبیق و نظارت بر معیارهای خدمات عامه.

تعداد ۲۰ مقررۀ شاروالی، که در بردارندۀ ۸۴ موضوع در عرصه‌های مختلف می‌باشند، تدوین خواهند گردید:

تعریف ایجاد، ادغام و انحلال شاروالی‌ها

- معیار ایجاد شاروالی‌ها؛
- روند ایجاد، ادغام و انحلال شاروالی‌ها؛
- شرایط ادغام شاروالی‌ها؛
- شرایط انحلال شاروالی‌ها؛

صنف‌بندی شاروالی‌ها؛

- عوامل صنف‌بندی شاروالی‌ها؛
- معیارهای نامگذاری.

وظایف شاروالی‌ها

- وظایف اصلی شاروالی‌ها؛
- وظایف جانبی شاروالی‌ها.

حکومت‌داری، ساختارهای تشکیلاتی و میکانیزم‌های نهادی شاروالی‌ها

مدل‌های صنف‌بندی شاروالی‌ها

- معیارها و رهنمودهای انتخاب و طرح بهترین مدل و نمونه مشروط به تأیید اداره مستقل ارگان‌های محلی؛
- معیارها و روندهای انتقال از یک مدل و نمونه سازمانی به مدل و نمونه سازمانی دیگر؛
- معیارهای صنف بندی جایگاه و عناوین، ساختارهای جبران و لویح وظایف و مسئولیت‌ها.

سیستم‌های مدیریتی

- مقرره‌های تشریح سیستم‌ها و پروسیجرهای انکشاف پلان‌گذاری و برنامه ریزی سرمایه گذاری، بودجه سازی، حسابداری، تهیه و تدارکات، مدیریت لجستیک و مدیریت اموال غیر منقول؛
- حمایت دولت از شاروالی‌ها در راستای اتخاذ سیستم‌های مزبور؛
- مسئولیت‌های دولت در راستای نظارت بر مطابقت و مطابعت شاروالی‌ها از سیستم‌های فوق؛
- دوره انتقال و فعالیت‌های لازم برای تطبیق جهت انتقال به سیستم‌های جدید؛
- تعزیراتی که به سبب عدم مطابقت و مطابعت از سیستم‌های مزبور بر شاروالی تخطی کننده وضع خواهد شد و پاداش‌هایی که به ازای مطابعت از سیستم‌های مزبور، به شاروالی مربوطه داده خواهد شد.

مدیریت توسعه

- اهداف و مقاصد توسعه اقتصادی - اجتماعی و اهدافی که بیانگر خواسته‌های ملی باشند که در جریان روندهای مشورتی و اشتراک شهروندان تعیین گردیده اند.
- چارچوب‌ها، سیستم‌ها و طرز‌العمل‌های لازم برای پلان‌گذاری مردمی که بازتاب دهنده اولویت‌های مردم و نیز چارچوب‌ها، سیستم‌ها و طرز‌العمل‌های لازم برای پلان‌گذاری وزارتی بر مبنای منابع موجود.

نهادهای اقتصادی شاروالی

- سرمایه‌گذاری نهادهای اقتصادی شاروالی؛

- دسترسی نهادهای اقتصادی شاروالی به منابع مالی خارجی، به شمول دسترسی به قرضه‌ها و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛
- رهنمودهای استحصال و پوشش هزینه، سود ناخالص و تنظیم تعرفه؛
- قواعد و مقرره‌های مربوط به حساب‌گیری و تفتیش عامه انطباق‌پذیر با نهادهای اقتصادی شاروالی؛
- طرز مدیریت مفاد و زیان نهادهای اقتصادی شاروالی.

مدیریت کارکرد

- مسئولیت‌های نهادی و انفرادی در زمینه مدیریت عملکرد شاروالی؛
- طرزالعمل تعیین اهداف، مقاصد و رهنمودهای لازم برای تهیه معیارهای عملکرد شاروالی؛
- روندها و مدت‌زمان لازم برای مدیریت عملکرد دوره‌ای شاروالی و گزارش عملکرد شاروالی؛
- میکانیزم‌های پاداش و مجازات.

ارتقای ظرفیت

- مسئولیت‌های نهادی و انفرادی در زمینه ظرفیت‌سازی در سطح شاروالی‌ها و ارتقای ظرفیت آنها؛
- رهنمودهای لازم در زمینه تخصیص بودجه ملی و بودجه شاروالی‌ها برای ظرفیت‌سازی و ارتقای ظرفیت آنها؛
- مسئولیت نهادی و انفرادی، رهنمودها و طرزالعمل‌های لازم برای تطبیق اصلاحات اداره عامه در شاروالی‌ها.

شاروال‌ها و معاون‌های شاروالی‌ها

- رهنمودهای لازم در زمینه دوره خدمت، برکناری و انتخاب مجدد مسئولان شاروالی‌ها؛
- شرایط لازم برای احراز پست شاروالی؛
- وظایف شاروال و معاون شاروال.

مسئولان انتصابی

- رهنمودهای لازم برای انتخاب و انتصاب مسئولان مبتنی بر اصول شایسته‌سالاری؛
- سیستم مدیریت منابع بشری بر مبنای عملکرد آنها به شمول مزایا، مشوق‌ها و مجازات‌های لازم؛
- صنف بندی و نامگذاری معیاری شاورالی‌ها؛
- جدول زمانی جبران خسارت؛
- برنامه ارتقای مهارت‌ها و توانمندی‌های مسئولان انتصابی.

شوراهای شاورالی

- وظایف شوراهای شاورالی
- تعیین میزان نمایندگی، نشست‌ها، اصول وظایف داخلی، اصول وظایف اجرایی، اعتبار تصمیم‌ها، صلاحیت، حساب‌دهی، مصونیت، تبعیت قضایی، تخصیص منابع به شوراهای شاورالی، روابط آنها با بخش اجرایی

ایجاد چشمه‌های عایداتی برای شاورالی‌ها

- رهنمودهای لازم برای تطبیق قانون تکس اماکن، به شمول تعیین قیمت جایدادها و تعیین نرخ مالیات؛
- مسئولیت‌های نهادی و انفرادی برای تطبیق قانون مالیات بر جایداد در سطح ملی، ولایت و شاورالی؛
- معیارهای قابلیت و ورزیدگی مفتشین شاورالی‌ها؛
- رهنمودها و روندهای لازم برای تعیین نرخ و استفاده از منابع عایدزا؛
- سیستم مدیریت عواید و گزارش‌دهی شاورالی؛
- مجازات‌های لازم در زمینه جمع‌آوری غیر قانونی تعرفه‌ها و عدم مطابعت از قوانین و مقرره‌های حاکم بر نحوه جمع‌آوری عواید.

بودجه‌سازی و پلان‌گذاری شاروالی

- فعالیت‌ها، میعاد زمانی، مسئولیت‌های نهادی و انفرادی برای انتقال شاروالی‌ها به سیستم بودجه‌ای جدید؛
- بازنگری سیستم بودجه‌ای شاروالی، طرز‌العمل‌ها و قالب‌های (فارمت‌های) لازم به شمول تعیین واضح مسئولیت‌های نهادی و انفرادی برای فورموله‌سازی بودجه، بازنگری و تصویب آن؛
- روندها، طرز‌العمل‌ها، میعادهای زمانی، مسئولیت‌های نهادی و انفرادی جهت نظارت و ارزیابی، گزارشدهی و اجرای بودجه؛
- روندها، طرز‌العمل‌ها و اسناد مستند مشوره «از پایین به بالا» در زمینه فورموله‌سازی بودجه؛
- رهنمودهای لازم برای انجام مطالعات انعطاف‌پذیری طرح‌های پیشنهادی سرمایه‌گذاری مالی شاروالی‌ها؛
- مجازات‌های لازم در قبال عدم مطابقت از معیارهای بودجه‌ای، طرز‌العمل‌ها و میعاد زمانی آن.

روابط مالی دولتی و قرضه‌دهی بین ادارات

- معیارها، رهنمودها و طرز‌العمل‌های لازم برای انتقال مالی از طرف دولت (وزارت مالیه) به شاروالی‌ها؛
- مدل‌ها، رهنمودها و طرز‌العمل‌های لازم برای تولید و عرضه خدمات اساسی عامه توسط بخش خصوصی در شاروالی‌ها؛
- معیارها، رهنمودها، و روندها و طرز‌العمل‌های لازم برای کسر بودجه؛
- معیارها، رهنمودها، و روندها و طرز‌العمل‌های لازم برای قرضه‌گیری داخلی و خارجی.

مدیریت مالی و گزارش‌دهی

- مسئولیت‌های نهادی و انفرادی برای توسعه، تطبیق و نهادینه‌سازی سیستم مدیریت مالی شاروالی؛
- سیستم و طرز‌العمل‌های گزارش‌دهی مالی شاروالی‌ها؛
- نمودار بازنگری‌شده حساب‌ها؛
- سیستم محاسبه مضاعف شاروالی؛
- قواعد، قالب‌ها (فارمت‌ها) و جدول‌های مالی؛
- سیستم کنترل داخلی شاروالی؛
- نیازها و طرز‌العمل‌های تفتیش داخلی و خارجی؛
- مجازات‌های ناشی از عدم مطابقت از قواعد مالی، طرز‌العمل‌ها، قالب‌ها و عدم گزارش‌دهی؛
- نقش شورای شاروالی به مثابه نهاد نظارتی و بررسی‌کننده.

روابط با اداره ولایت

- تعیین حدود وظایف بین اداره ولایت و شاروالی؛
- تعریف حساب‌دهی و مسئولیت گزارش‌دهی شاروالی به اداره ولایت؛
- رهنمودهای نظارت اداری اداره ولایت روی شاروالی‌های ولایت و شاروالی‌های ولسوالی؛
- رهنمودهای لازم جهت ایجاد هماهنگی بین اولویت‌های سطح ولایت و شاروالی.

روابط با شاروالی‌ها ولایت و ولسوالی

- رهنمودهای لازم در زمینه روابط بین شاروالی‌های ولایت و ولسوالی؛
- اساسنامه انجمن شاروالی‌ها.

سه‌م‌گیری و اشتراک مردم در امور شاروالی‌ها

- چارچوب حقوقی شاروالی‌ها و احکام مربوط به سه‌م‌گیری مردم؛

- چارچوب سازمانی و اجرایی برای سهم‌گیری مردم؛
- فعالیت‌های لازم در راستای تأمین سهم‌گیری عامه مردم؛
- سکتوری‌های سهم‌گیری مردم در شاروالی‌ها؛
- ظرفیت‌ها و قابلیت‌های شاروالی و مردم؛
- شاخص‌های سهم‌گیری مردم؛
- نکات آغازین برای سهم‌گیری مردم؛
- روندهایی که باید در سهم‌گیری مردم مد نظر قرار گیرند؛
- ماهیت‌های میکانیزم‌های افشا و در اختیار قراردادی اسناد و معلومات دولتی به عامه مردم.

نقش بخش خصوصی در توسعه اقتصاد شاروالی

- گستره دخالت و سهم‌گیری بخش خصوصی در انکشاف اقتصادی محلی؛
 - چارچوب پاداش و مجازات؛
 - اصلاح دیوان‌سالاری (بروکراسی) اداره شاروالی و ظرفیت نهادی شاروالی که منجر به جذب سرمایه، کاهش هزینه عرضه خدمات و ایجاد محیط مساعد هرچه بیشتر شاروالی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی گردند.
- اداره مستقل ارگان‌های محلی، رهبری طرح و اصلاح قوانینی مانند قانون اداره محلی و قانون شوراهای شاروالی، ولسوالی و قریه را که مکلف به طرح و اصلاح آنها می‌باشد، به عهده خواهد گرفت. وزارت‌هایی که دارای قوانین سکتوری می‌باشند، مسئولیت رهبری اصلاح و تدوین قوانین مربوطه را به عهده خواهند گرفت. حکومت اطمینان حاصل می‌کند که اصلاح و تدوین قوانین جدید بر اساس روند تقنینی صورت گرفته است، که این امر شامل تدقیق قوانین مربوطه توسط ریاست تقنین وزارت عدلیه، تأیید آن توسط کمیته تقنین شورای وزیران و نیز تصویب آن توسط شورای ملی و مقام ریاست جمهوری می‌باشد.
- جدول زمانی پیرامون چگونگی کارکرد پروسه امتحانی تقنینی قرار ذیل می‌باشد:
- مسوده قوانین فوق‌الذکر به اداره امور و دارالانشای شورای وزیران تسلیم و از اداره متذکره درخواست می‌گردد تا مسوده قوانین را شامل روند قانون‌گذاری نماید.

- اداره امور و دارالانشای شورای وزیران از طریق مقام وزارت عدلیه، ریاست تقنین آن وزارت را توظیف می‌کند تا کار روی مسوده‌های قوانین را آغاز نماید.
- ریاست تقنین وزارت عدلیه مسوده‌های قوانین متذکره را در راستای سازگاری با شریعت، قانون اساسی و عدم تضاد با قوانین موجود، مورد تدقیق و بررسی قرار خواهد داد.
- ریاست تقنین وزارت عدلیه مسوده قوانین اصلاح‌شده و تصویب‌شده را جهت تصویب به وزارت‌های سکتوری مربوطه ارسال می‌کند.
- مسوده‌های قوانین دوباره به ریاست تقنین ارسال و متعاقباً توسط این ریاست به اداره امور و دارالانشای شورای وزیران فرستاده خواهند شد. اداره امور و دارالانشای شورای وزیران مسوده‌های قوانین متذکره را به کمیته تقنین شورای وزیران ارسال خواهند داشت.
- شورای وزیران مسوده‌های قوانین را تصویب خواهد کرد.
- اداره امور و دارالانشای شورای وزیران، مسوده‌های قوانین را از طریق وزارت دولت در امور پارلمانی به شورای ملی ارسال خواهد کرد.
- ولسی جرگه این مسوده‌ها را جهت تدقیق و بررسی به کمیسیون مربوطه تسلیم می‌کند. ولسی جرگه حق دارد مسوده‌های این قوانین را تصویب، رد یا اصلاح نماید. مسوده‌های این قوانین پس از تصویب آنها توسط مشرانو جرگه به شورای وزیران فرستاده می‌شود. شورای وزیران مسوده‌های قوانین متذکره را تسلیم اداره امور و دارالانشای شورای وزیران می‌کند که این اداره نیز آنها را به ریاست تقنین وزارت عدلیه تسلیم می‌کند. اداره امور، نظریات خود را پیرامون این که آیا این مسوده‌ها امضا شوند و حکم قانون را پیدا نمایند یا خیر، در اختیار مقام عالی ریاست جمهوری قرار خواهد داد.
- حکم مقام عالی ریاست جمهوری جهت نشر قوانین متذکره در جریده رسمی ابلاغ می‌گردد.

شیوه‌ها و گزینه‌های دیگر برای روند قانونگذاری تحت شرایط ویژه عبارت‌اند از:

- اداره مستقل ارگان‌های محلی و وزارت‌های سکتوری با شورای ملی در راستای تهیه مسوده‌های قوانین مربوطه کار خواهند نمود. این قوانین پس از تصویب شورای ملی و مقام عالی ریاست جمهوری تنفیذ خواهند گردید. متعاقباً، ریاست تقنین در راستای اطمینان از سازگاری این قوانین با قانون اساسی، قوانین مزبور را مورد بررسی و تدقیق قرار خواهد داد.
- در صورتی که وزارت‌های ذی‌ربط مسوده نهایی قوانین مطروحه را در زمان تعطیلات شورای ملی به شورای وزیران تقدیم کنند، شورای وزیران می‌تواند، پس از بررسی و تصویب، این قوانین را جهت تصویب به مقام ریاست جمهوری تقدیم نماید. ریاست تقنین می‌تواند قوانین مذکور را جهت عدم مغایرت آن با قانون اساسی، مورد بررسی و تدقیق قرار دهد. در صورت تعطیلی ولسی جرگه، حکومت می‌تواند قوانینی را در حالات اضطراری وضع نماید که امور بودجوی و مالی از این امر مستثنی می‌باشند. احکام تقنینی پس از امضای ریاست جمهوری، حکم قانون را پیدا می‌کند. احکام تقنینی طی

۳۰ روز پس از آغاز کار اولین نشست شورای ملی باید به این شورا تقدیم گردد. در صورت رد شدن احکام تقنینی توسط شورای ملی، قوانین مزبور از درجه اعتبار ساقط می‌گردند. از این گزینه فقط در موارد نادر و بسیار عاجل استفاده می‌گردد که امور مالی و بودجوی از این امر مستثنی می‌باشند؛ زیرا این امر ممکن است دکتورین تفکیک و استقلال قوای سه‌گانه را از یکدیگر، که در قانون اساسی بر آن مهر تأیید گذاشته شده است، مورد سوال قرار دهد.

- قوانینی که نیاز به اعمال تغییرات داشته باشند، در زودترین فرصت باید تقدیم شورای ملی گردند.
- **طرح قواعد و مقررات برای تطبیق قوانین:** پس از طرح قوانین جدید و اصلاح قوانین قبلی، قواعد و مقررات لازم در راستای روشن‌ساختن هرچه بیشتر نحوه تطبیق عناصر مختلف پالیسی و قوانین مربوطه، طرح خواهد گردید. یک کمیته بین‌وزراتی برای مشوره پیرامون این قواعد و مقررات در حین جریان طرح آنها، ایجاد خواهد شد. این کمیته مسئولیت انجام مشوره با مردم پیرامون قواعد و مقررات لازم را به عهده خواهد داشت. قواعد و مقررات طرح شده، پس از انجام این مشوره‌ها مورد تصویب قرار خواهند گرفت.

- **بررسی تطبیق پالیسی ادارات محلی:** حکومت، پس از سه سال از شروع مرحله تطبیق پالیسی ادارات محلی، یک بررسی همه‌جانبه را از تطبیق این پالیسی در سال ۱۳۹۳ آغاز خواهد نمود. حکومت طی این بررسی به ارزیابی این موضوع خواهد پرداخت که آیا مندرجات پالیسی توانسته است سبب دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده در پالیسی گردد. این بررسی امکان بازنگری در پالیسی ادارات محلی را به گونه‌ای برای حکومت فراهم خواهد آورد که زمینه دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده در این پالیسی فراهم خواهد شد.

- **ایجاد تغییرات در پالیسی:** کمیته‌های تدوین و تدقیق و تنظیم پالیسی در سال ۱۳۹۳ دوباره دایر می‌گردند تا اصلاحات لازم را در این پالیسی اعمال نمایند. بدین ترتیب تلاش‌های پیگیر در راستای اصلاح و تقویت ادارات محلی تداوم خواهد یافت.

- **کمیته فرعی گروه کاری تخنیکی اصلاح قوانین ادارات محلی:** گروه کاری تخنیکی اصلاح قوانین در سال ۱۳۸۵ هجری خورشیدی با هدف دستیابی به اهداف اصلاحات در استراتژی انکشاف ملی افغانستان و گسترش حوزه اصلاحات قانونگذاری در یک گستره عمومی‌تر ایجاد گردید. وظیفه این گروه کاری تأمین سازگاری قوانین با قانون اساسی کشور، معیارها و تعهدات بین‌المللی افغانستان می‌باشد. این گروه کاری اولویت‌هایی را در راستای تعیین روند و معیادهای زمانی جهت تسوید، اعمال تغییرات و بازنگری قوانین مطابق با یک پلان کاری و منابع موجود معین و مشخص می‌کند. در راستای اصلاح قوانین ادارات محلی، حکومت یک کمیته فرعی را زیر اثر گروه کاری تخنیکی اصلاح قوانین ایجاد خواهد کرد. ریاست تقنین وزارت عدلیه به حیث رئیس کمیته و ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی به حیث منشی این کمیته خواهند بود. اعضای بین‌المللی دایمی این کمیته، در راستای اصلاح قوانین، حمایت‌های لازم را از این کمیته به عمل آورده و مسئولیت ایجاد هماهنگی و انسجام امور مربوطه را به عهده خواهند داشت. وزارت‌های ذی‌دخل در طرح قوانین (وزارت‌هایی که

قوانین جدید را طرح و یا اصلاحاتی را در قوانین قبلی اعمال نموده‌اند) اعضای دایمی این کمیته می‌باشند.

مسئولیت‌های اساسی کمیته فرعی قوانین ادارات محلی عبارت‌اند از: تسوید قوانین جدید و اعمال تغییرات در قوانین قبلی جهت تطبیق پالیسی ادارات محلی. کمیته فرعی قوانین ادارات محلی، یک روند و پلان مناسب را جهت تهیه پیشنویس قوانین لازم برای تطبیق پالیسی ادارات محلی با مشوره گروه کاری تخنیک اصلاح قوانین و دیگر کمیته‌های فرعی آن طرح خواهد نمود. متعاقباً این کمیته، پیش‌نویس قوانین مطروحه را به زبان‌های دری و پشتو در کاپی‌های الکترونیکی و عادی، همراه با یک مکتوب، جهت بررسی و تدقیق به دارالانشای گروه کاری تخنیک اصلاح قوانین ارسال می‌کند. این مکتوب شامل نکاتی آتی خواهد بود: تاریخ مورد نظر اداره مستقل ارگان‌های محلی و وزارت عدلیه که طی آن باید نظریات گروه کاری تخنیک اصلاح قوانین در مشوره با رئیس و دارالانشای این کمیته ارائه گردد، ارائه اسامی و شماره تلفن‌های تمام اعضای گروه کاری تخنیک، که در جلسات این گروه کاری جهت بحث بالای بخش خاصی از قانون اشتراک می‌ورزند، تسهیل اشتراک نهادهای ملی برای ارائه نقطه‌نظرات و دیدگاه‌های ویژه‌شان، در صورت لزوم، در جلسات کمیته فرعی قوانین ادارات محلی.

اصول رهنمودی برای تطبیق پالیسی ادارات محلی

چارچوب تطبیقی و روند تطبیق این پالیسی در روشنایی بهترین تجارب موفق این عرصه طرح خواهد گردید. این روش، اداره مستقل ارگان‌های محلی و سایر وزارت‌ها و ادارات دولتی ذی‌دخل را کمک می‌کند تا پالیسی ادارات محلی را به بهترین و مؤثرترین شکل آن تطبیق نمایند.

- با تأکید بر اهمیت مشروعیت بخشی پالیسی، یک سلسله فعالیت‌هایی انجام خواهد شد که هدف آن مشروعیت بخشی پالیسی در پیشگاه ادارات دولتی و شهروندان کشور می‌باشد.
- میکانیزم‌های لازم برای جلب حمایت ادارات دولتی و مردم از پالیسی در سراسر افغانستان ایجاد خواهد گردید. از طریق این میکانیزم‌ها باید اطمینان حاصل گردد که فعالیت‌های مربوط به تطبیق پالیسی توسط ادارات مختلف پیگیری می‌گردد.
- از آنجایی که نمی‌توان پالیسی را با منابع ناکافی تطبیق نمود، باید توجه همه جانبه در راستای فراهم‌آوری وجوه تمویلی کافی برای تمام عناصر پالیسی مبذول گردد.

- صلاحیت و مسئولیت تطبیق این پالیسی در میان تمام ادارات ذی‌دخل به شمول وزارتخانه‌ها، ادارات مستقل، سازمان‌های غیر دولتی، نهادهای جامعه مدنی و عامه مردم تقسیم خواهد گردید.
- ساختارها و طرز‌العمل‌های جدید برای حمایت از تطبیق چارچوب تطبیقی پالیسی و مراقبت و ارزیابی از آن ایجاد خواهد گردید.
- مسئولینی که وظیفه نظارت از تطبیق پالیسی را به عهده دارند در راستای درک تغییرات و اثرات ناشی از تطبیق این پالیسی مرتباً معلومات حاصل خواهند نمود. در صورت بروز نتایج غیر قناعت‌بخش باید به اصلاح و تعدیل آن پردازند.
- روند تطبیق این پالیسی ماهیت متسلسل داشته تا نیازهای ساده‌سازی روند تطبیق پالیسی از این طریق شناسایی گردد.
- تطبیق این پالیسی به شکل استراتژیک تنظیم خواهد گردید. نهادهای هماهنگ‌کننده که مسئولیت حصول اطمینان از تطبیق پالیسی را به عهده دارند باید نیازهای روند تطبیق، اهداف کوتاه‌مدت و درازمدت را شناسایی و آن را با فعالیت‌های وزارت‌ها و ادارات مختلف ارتباط دهند.
- عرصه‌ها و اولویت‌های استراتژیک بر اساس فوریت و اهمیت شناسایی خواهد گردید. بعد از این که عرصه‌ها و اولویت‌های مذکور شناسایی گردید، ادارات ذی‌ربط استراتژی‌ها و پلان‌های شان را برای تطبیق این اولویت‌ها ترتیب خواهند نمود؛ زیرا مشارکت همه جانبه تمام ادارات ذی‌ربط روند میزان موفقیت تطبیق پالیسی را بیشتر ساخته و در محراق چارچوب تطبیقی و همچنان تطبیق پالیسی ادارات محلی کشور قرار خواهد داد. مدارک مربوط به سکتورهای مختلف انکشافی نشان می‌دهد که زمانی که یک گروه مورد نظر پالیسی در تصمیم‌گیری‌ها و بعد در تطبیق آن دخیل می‌باشند، پالیسی می‌تواند به نتایج بهتر دست یابد. علاوه بر این، نهادینه‌سازی مشارکت گروه‌های ذی‌نفع باعث افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی گردیده و حساب‌دهی مسئولین ادارات را افزایش می‌دهد.
- معلومات مربوط به روند پالیسی باید به‌شکل گسترده پخش گردد تا تطبیق پالیسی بر مبنای حکومتمداری دموکراتیک و قابل دسترس، که معلومات لازم را در خدمت مردم قرار می‌دهد، استوار باشد.
- گروه‌های جامعه مدنی و سایر گروه‌های ذی‌نفع پالیسی تشویق خواهند گردید تا در روند تطبیق پالیسی اشتراک نمایند. مشارکت فزاینده گروه‌های جامعه مدنی و دیگر گروه‌های ذی‌نفع می‌تواند یک وسیله برای به میان آوردن حساب‌دهی، شفافیت، و حکومتمداری فعال و پاسخ‌گو باشد.
- اداره مستقل ارگان‌های محلی در جهت تطبیق چندجانبه این پالیسی از یک روش استراتژیک استفاده خواهد نمود. اداره مذکور یک دیدگاه مشترک را در میان ادارات ذی‌ربط ایجاد خواهد نمود تا تمام ادارات ذی‌دخل با استفاده از یک شیوه اشتراک در تطبیق این پالیسی مساعی به خرج دهند.
- اداره مستقل ارگان‌های محلی اقدامات مربوط به تحقق اهداف این پالیسی را هماهنگ خواهد نمود.
- برای بهبود هماهنگی، چارچوب تطبیق پالیسی بر اساس اصول منافع و ارزش‌های مشترک استوار خواهد بود.

- تمام اداراتی که در روند تدوین چارچوب تطبیقی پالیسی و تطبیق پالیسی دخیل بوده‌اند، انعطاف‌پذیر باقی خواهند ماند. تجارب آموخته‌شده در زمینه پلان‌گذاری پروژه‌ها و پلان‌های گذشته، باعث گردیده است تا آمادگی‌های قبل از پلان‌گذاری کمتر مورد نیاز باشد و انعطاف‌پذیری زیاد برای تغییر فعالیت‌ها در جریان پروژه رونما گردد.
- قابل درک است که نظارت بر روند تطبیق پالیسی برای هم‌نوا نگه‌داشتن فعالیت‌ها و پیشرفت‌ها، گزارش‌دهی پیرامون نتایج، شناسایی نیاز برای تغییرات لازم و ارزیابی مؤثریت استراتژی‌های اصلاحی اداره مستقل ارگان‌های محلی می‌تواند وسیله فراگیری را برای نظارت و ارزیابی روند تطبیق پالیسی مهیا سازد. معلوماتی که از طریق نظارت و ارزیابی به دست می‌آید، تمام مراجع ذی‌ربط را برای درک این که چه زمان و چه وقت چارچوب پالیسی مؤثر می‌باشد و یا چه زمانی به تعدیل نیاز دارد، کمک می‌کند. از همه مهم‌تر یک سیستم نظارت و ارزیابی گسترده را به منظور بحث‌های ویژه و بررسی مشکلات روند تطبیق پالیسی می‌توان روی دست گرفت.

ساختار تطبیق پالیسی

ساختار تطبیق پالیسی ادارات محلی در بردارنده دو مرحله عمده و نسبتاً مستقل می‌باشد. تطبیق اکثر اجزای پالیسی نیاز به همکاری و همیاری تعدادی از وزارت‌ها و ادارات دولتی دارد. هم‌زمان با آن، اداره مستقل ارگان‌های محلی نهاد مسئول در زمینه تطبیق تعدادی از جنبه‌های این پالیسی می‌باشد. از این رو، یک مرحله کار می‌تواند توسط اداره مستقل ارگان‌های محلی پیگیری گردد و به محض توشیح پالیسی توسط مقام ریاست جمهوری، کار تطبیق آن آغاز یابد. لازم است اداره مستقل ارگان‌های محلی، پیش از مبادرت به تطبیق این پالیسی، ظرفیت نهادی خود را ارتقا دهد. این امر منجر به افزایش قابلیت اداره مستقل ارگان‌های محلی در راستای تطبیق آن بخش‌هایی از پالیسی ادارات محلی می‌گردد که عمدتاً مسئول تطبیق آنها می‌باشد و نیز سبب ارتقای ظرفیت این اداره در زمینه سهم‌گیری در تطبیق کل پالیسی می‌شود.

قسمت‌هایی از پالیسی که تطبیق آنها به عهده اداره مستقل ارگان‌های محلی می‌باشد، شامل شش مرحله می‌گردد:

- **ایجاد دیپارتمنت‌های جدید و تطبیق اصلاحات در دیپارتمنت‌های موجود در اداره مستقل ارگان‌های محلی در راستای حمایت از تطبیق پالیسی:** وظایف و مسئولیت‌های واحدهای فعلی اداره مستقل ارگان‌های محلی نیاز به تجدید نظر دارند. با انجام این امر، نوع تغییرات و اصلاحاتی که باید در وظایف این ادارات صورت گیرد تا بتوانند از عهده تطبیق پالیسی ادارات محلی بر آیند، مشخص خواهد شد. همچنین، براساس این تغییرات مشخص خواهد شد که اداره مستقل ارگان‌های محلی به کدام واحدها و یا پست‌های جدید نیاز دارد.

• بررسی استراتژی‌های موجود و پلان‌های مربوطه در زمینه پالیسی ادارات محلی:

قبلاً برنامه‌هایی برای انجام این امور طرح گردیده و سایر نهادهای ذی‌ربط روی آنها کار نموده اند و اداره مستقل ارگان‌های محلی باید مسئولیت‌های بیشتری را در این زمینه به عهده گیرد و از قرارگرفتن تمام برنامه‌هایی که قبلاً توسط سایر ادارات آغاز گردیده اند با روند پالیسی ادارات محلی در یک مسیر، اطمینان حاصل کند. برای مثال، برخی از نهادهای دولتی و غیر دولتی روی موضوعاتی از قبیل نقشه برداری سیاسی و اداری حدود جغرافیایی سطح محلی کار نموده‌اند. لازم است اداره مستقل ارگان‌های محلی نقش رهبری این ابتکارات را به عهده گیرد. علاوه بر آن، برنامه ابتکاری بودجه‌سازی ولایتی قبلاً تحت رهبری وزارت مالیه در سطح ولایات آغاز گردیده است که تطبیق پالیسی پلان‌گذاری و امور مالی محلی را می‌توان بر شالوده آن استوار ساخت. لازم است این اداره، اقدام به شناسایی نهادهایی نماید که روی این روندها کار می‌کنند. همچنین این میزان کاری را که ادارات فوق انجام داده‌اند، مشخص و نقش رهبری‌کننده بیشتری را در این روند خود به عهده گیرد. اداره مستقل ارگان‌های محلی باید با کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی روی ارزیابی پالیسی‌ها و استراتژی‌های شان در زمینه تطبیق اصلاحات اداره عامه و سازگاری آنها با پالیسی ادارات محلی کار نموده و راه‌های اصلاحات لازم در پالیسی‌ها و استراتژی‌های مربوطه شان را جستجو نمایند.

• طرح پلان‌هایی برای حمایت از تطبیق پالیسی: برای این که پالیسی تطبیق‌پذیر گردد، باید

به برنامه‌ها و پروژه‌ها تقسیم شود. اداره مستقل ارگان‌های محلی، باید پلان‌ها و برنامه‌های لازم را در عرصه‌هایی که نیاز به همکاری جدی و فعالانه سایر وزارت‌ها و ادارات دولتی ندارد، طرح و تطبیق نمایند. پلان‌های ذیل باید تدوین گردند:

۱. پلان‌هایی که بخش ارتقای ظرفیت‌های اداره مستقل ارگان‌های محلی باید تطبیق نماید؛
۲. پلان‌هایی در راستای کسب اطمینان از این امر که تمام کارمندان و مسئولان انتخابی و انتصابی اصول رفتاری و اصول اخلاقی را امضا می‌نمایند. از طریق این پلان باید اطمینان حاصل گردد که مسئولان انتخابی و انتصابی با مسئولیت‌هایی که در اصول رفتاری و اصول اخلاقی آنها درج است، آشنایی دارند؛
۳. طرح پلان‌هایی جهت دخیل‌ساختن سایر نهادها و ادارات دولتی در تطبیق پالیسی به شمول مشخص ساختن نقش و مسئولیت این نهادها و فعالیت‌های عمده‌ای که انتظار می‌رود نهادهای مورد نظر باید انجام دهند؛
۴. چارچوب بازنگری شده ارتقای ظرفیت شوراهای ولایتی بر مبنای این پالیسی
۵. برنامه فراگیر ارتقای ظرفیت شوراهای ولایتی؛
۶. برنامه فراگیر ارتقای ظرفیت شوراهای ولسوالی؛
۷. برنامه فراگیر ارتقای ظرفیت شوراهای انکشافی قریه با همکاری وزارت احیاء و انکشاف دهات؛
۸. برنامه فراگیر ارتقای ظرفیت شوراهای قریه؛
۹. طرح پلان توسعه نظارت بر چارچوب حکومت‌داری خوب در تمام کشور.

- تمام پلان‌های متذکره باید دارای اهداف، فعالیت‌های پیش‌بینی‌شده، نتایج مورد نظر و منابع مورد نیاز و نیز پلان‌های تطبیقی باشند. در راستای تطبیق آن دسته از پلان‌های اداره مستقل ارگان‌های محلی که مربوط به تطبیق پالیسی می‌گردند، باید بسیج منابع صورت گیرد. برای بسیج منابع در راستای تطبیق کل این پالیسی به شمول آن دسته از اموری که به طور خاص جزء مسئولیت‌های اداره مستقل ارگان‌های محلی به حساب می‌آیند، این اداره با کمیته ویژهٔ مورد نظارت و انسجام، مشوره‌های لازم را انجام خواهد داد. اعضای این کمیته، اداره مستقل ارگان‌های محلی، وزارت‌ها و ادارات دولتی و تمویل‌کنندگان ذی‌ربط می‌باشد. این کمیته در راستای تعیین گزینه‌ها و راهکارهای موجود برای ارائه حمایت‌های تمویلی برای تطبیق پالیسی، کمک‌های لازم را برای اداره مستقل ارگان‌های محلی فراهم خواهد آورد. این امر شامل ایجاد یک صندوق حمایتی یا ایجاد یک بخش، مانند صندوق بازسازی افغانستان، یا حصول اطمینان از تدویر منظم جلسات کمیتهٔ نظارت و انسجام برای تعیین و شناسایی این امر که کدام نهاد به کدام برنامه یا پروژه پالیسی حمایت‌های لازم را جهت تطبیق آن ارائه می‌دارد، اطمینان حاصل شود.
- بازنگری ترتیبات تمویلی باید با در نظرداشت مؤثریت و کارایی آنها توسط اداره مستقل ارگان‌های محلی بدون وقفه ادامه یابد.
- بازنگری و بررسی تطبیق برنامه‌ها: واحد نظارت و ارزیابی اداره مستقل ارگان‌های محلی مسئولیت نظارت و ارزیابی این پلان‌ها و برنامه‌ها را، با در نظرداشت اهداف تعیین‌شده در اسناد برنامه، به عهده خواهد داشت. اداره مستقل ارگان‌های محلی باید برنامه‌های خود را با در نظرداشت ضرورت‌ها و بر مبنای معلومات به‌دست‌آمده از طریق روند نظارت و ارزیابی تنظیم نماید.

کمیته‌ها و گروه‌های کاری‌ای که حمایت‌های لازم را در راستای تطبیق پالیسی ارائه خواهند نمود:

برخی از کمیته‌ها و گروه‌های کاری بین‌وزارتی در راستای حمایت از روند سهم‌گیری برای طرح هر چه سریع‌تر چارچوب تطبیق پالیسی، حمایت از روند تطبیق، و درعین حال حمایت از روند تطبیق و نظارت پالیسی ایجاد خواهند گردید. وظایف و مکلفیت‌های کمیته‌هایی که در طول روند پالیسی فعالیت دارند، و به ویژه وظایف و مکلفیت‌های کمیتهٔ تدقیق پالیسی و کمیتهٔ تدوین پالیسی، در راستای توانمندسازی آنان برای ارائهٔ حمایت‌های لازم جهت تطبیق پالیسی، مورد بازنگری قرار خواهند گرفت.

طرز‌العمل هر کمیته، گروه کاری و نیز روابط متقابل آنها تدوین خواهد شد. وظایف و مسئولیت‌های آنها، به ترتیب، از قرار ذیل می‌باشد:

۱. **کمیته بازنگری روند تطبیق پالیسی:** تغییرات جزئی در ریاست و اعضای این کمیته نسبت به کمیته تدقیق پالیسی، ایجاد خواهد شد. وزارت‌ها و ادارات دولتی مانند وزارت معارف، وزارت تحصیلات عالی، وزارت انرژی و آب، اداره ملی آمادگی و مقابله با حوادث، اداره ملی حفظ محیط زیست، لوی خرنوالی، اداره عالی نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه با فساد و نیز ستره محکمه را می‌توان، در صورت موافقت نهادهای مزبور، به اعضای این کمیته افزود. همچنین، امکان دارد سایر وزارت‌ها و ادارات دولتی، اداره مستقل ارگان‌های محلی را عضو این کمیته بسازند. کمیته تدقیق و تطبیق پالیسی، بازنگری نهایی نکات متعدد تطبیق چارچوب پالیسی را انجام خواهد داد. همچنین، این کمیته مسئولیت بازنگری، نظارت و رهبری روند تطبیق پالیسی را به عهده خواهد داشت.

۲. **کمیته تطبیق پالیسی:** ممکن است در ریاست و اعضای این کمیته نیز، مانند کمیته بازنگری روند تطبیق پالیسی، تغییراتی ایجاد شود. اعضای این کمیته در سطح معینان وزارت‌ها خواهد بود. کمیته تطبیق پالیسی به مثابه نهاد اساسی مسئول تضمین تطبیق منظم پالیسی باقی خواهد ماند. این کمیته نقش بازنگری‌کننده و ناظر تطبیق پالیسی را ایفا خواهد کرد. اکثر کار در مورد نحوه تطبیق پالیسی توسط یک سطح تخنیکی‌تر در بین گروه‌های کاری تطبیق پالیسی که شرح آن در ذیل آمده است، صورت خواهد پذیرفت.

۳. **کمیته امور پلان‌گذاری و مالی محلی شورای وزیران:** این کمیته دارای مسئولیت‌های آتی می‌باشد:

مسئولیت تعیین فیصدی مجموع منابع سکتوری ملی که باید به ولایات تخصیص یابند، مرور و منظوری فرمولی که برای وجوه مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد، نظارت بر تفویض صلاحیت‌های فوق‌العاده مصرف وجوه مالی به والی‌ها، و نظارت و ارزیابی تمام عملکرد سیستم پلان‌گذاری و مالی در سطح محلی. کمیته مزبور مسئولیت رهبری فعالیت سایر کمیته‌ها را به عهده خواهد داشت. این کمیته صلاحیت ایجاد هر نوع تغییر در امور پالیسی، پلان‌گذاری و مالی محلی و چارچوب تطبیق آن را خواهد داشت. می‌توانیم مشورتی و ارتباطاتی بین کمیته شورای وزیران و سایر کمیته‌ها و گروه‌های کاری ذی‌ربط ایجاد خواهد گردید و از انجام مشوره و برقراری ارتباطات در میان آنان اطمینان حاصل خواهد شد.

۴. **گروه‌های کاری تطبیق پالیسی:** تعدادی از گروه‌های کاری بین‌وزارتی جهت تسهیل نحوه تطبیق اجزای مختلف پالیسی و مدیریت تطبیق آنها ایجاد خواهند گردید. از آنجایی که تطبیق اجزای مختلف پالیسی فقط با سهم‌گیری برخی از وزارت‌ها و ادارات دولتی مرتبط می‌گردد، فقط همین وزارت‌ها و نهادها در این گروه‌ها شامل خواهند بود. اعضای این گروه کاری متشکل از رؤسای وزارت‌ها و ادارات دولتی خواهد بود.

گروه‌های کاری‌ای که در این رابطه تشکیل خواهند گردید، از قرار ذیل می‌باشند:

- **گروه کاری امنیت:** در رأس این گروه کاری، وزیر امور داخله قرار خواهد داشت. اعضای این کمیته شامل نمایندگان وزارت دفاع ملی، ریاست امنیت ملی، نمایندگان ادارات جامعه بین‌المللی خواهند بود.
- **گروه کاری مربوط به موضوعات جنسیت:** ریاست این گروه کاری به عهده وزارت امور زنان خواهد بود. اعضای این گروه کاری قبل از تدویر اولین نشست این گروه کاری مشخص خواهند شد.
- **گروه کاری اداره اراضی و تعیین حدود جغرافیایی قریه‌ها:** ریاست این گروه به عهده اداره مستقل ارگان‌های محلی خواهد بود. اعضای این گروه کاری شامل وزارت زراعت، آبیاری و مالداري، وزارت احیا و انکشاف دهات، ریاست جیودوزی و کارتوگرافی و نمایندگان ادارات جامعه بین‌المللی خواهد بود.
- **گروه کاری معیارهای خدمات عامه و مدیریت کارکرد:** ریاست این گروه را اداره مستقل ارگان‌های محلی یا هر وزارت و یا اداره دیگری که خواهان ریاست این گروه کاری باشد، به عهده خواهد داشت. اعضای آن شامل تمام وزارت‌ها، ادارات و کمیسیون‌های مستقل دولتی می‌باشد.
- **گروه کاری ارتقای ظرفیت‌های شورای ولایتی**
- **گروه کاری اصلاحات اداره عامه و ارتقای ظرفیت‌ها:** کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی ریاست این کمیته را به عهده خواهد داشت. اعضای این کمیته پیش از تدویر اولین نشست آن تعیین خواهند شد.
- **گروه کاری تأسیس آکادمی اداره مستقل ارگان‌های محلی**
- **گروه کاری تفویض صلاحیت‌ها:** ریاست این کمیته را اداره مستقل ارگان‌های محلی به عهده خواهد داشت. تمام وزارت‌ها و ادارات دولتی باید دارای یک نماینده باصلاحیت و کارآموده در این گروه کاری باشند.
- **گروه کاری سهم‌گیری و اشتراک جامعه مدنی، رسانه‌ها و حق دسترسی به معلومات دولتی**
- **گروه کاری مبارزه با فساد:** ریاست این کمیته با اداره عالی نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه با فساد خواهد بود. اعضای این کمیته پیش از برگزاری اولین جلسه آن تعیین خواهند شد.
- **گروه کاری حقوق بشر**
- **گروه کاری انتخابات محلی**
- **گروه کاری حکومت‌داری شاروالی**
- **گروه کاری مدیریت حوادث**
- **گروه کاری مبارزه با مواد مخدر**

• گروه کاری حوزه قضائی محاکم و لوی خاړنوالی در امور حکومت داری محلی

۵. کمیته فرعی گروه کاری تخنیکي اصلاحات حقوقی درباره ادارات محلی: این کمیته در راستای تدوین قوانین جدید و اصلاح قوانین سابق که مرتبط با تطبیق پالیسی ادارات محلی می باشد، با تمام نهادهای ذی ربط ملی به طور همه جانبه همکاری خواهد نمود. ریاست تقنین وزارت عدلیه به حیث رئیس کمیته، و ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان های محلی به حیث منشی این کمیته خواهند بود. حمایت ها و امور ایجاد هماهنگی ادارات جامعه بین المللی، باید شامل عضویت دایمی نمایندگان این ادارات گردد که هنوز در زمینه آن تصمیمی اتخاذ نگردیده است. اعضای دایمی آن می تواند شامل نمایندگان وزارت هایی که عضویت کمیته تدقیق و تطبیق پالیسی را دارند و نیز نمایندگان داوطلب شورای ملی باشد. اشتراک در نشست های گروه کاری با در نظر داشت موضوعاتی که در دستور کار کمیته قرار دارد (تسوید قوانین جدید و اصلاح قوانین سابق) متغیر می باشد. نهادهای ملی ذی ربط در نشست های این کمیته، که تسوید قوانین جدید مربوط به حوزه کاری آنان می گردد، باید حضور داشته باشند.

۶. کمیته نظارت و ارزیابی تطبیق پالیسی: این کمیته مسئولیت نظارت و ارزیابی تطبیق پالیسی و نیز مندرجات پالیسی را به عهده خواهد داشت. نتایجی که این کمیته به دست می آورد، باید به طور مستقیم در اختیار کمیته تطبیق پالیسی، بورد مشترک نظارت و انسجام، کمیته ویژه حکومت داری و نیز کمیته هماهنگی جامعه مدنی ارائه گردد. کمیته تدقیق و تطبیق پالیسی، بر اساس معلومات ارائه شده توسط این کمیته، تصامیم لازم را در زمینه اعمال تغییرات و اصلاحات مورد نیاز در پالیسی و چارچوب تطبیقی آن اتخاذ خواهد کرد. پخش فراگیر معلومات ارائه شده توسط این کمیته سبب افزایش حساب دهمی و شفافیت خواهد شد.

کمیته نظارت و ارزیابی می تواند فعالیت های خود را پیش از تطبیق پالیسی آغاز نماید. نظارت بر پالیسی تنها شامل روند تطبیق پالیسی نمی گردد، بلکه شامل مندرجات آن نیز می شود. کمیته نظارت و ارزیابی پالیسی نقش تعیین کننده ای را در تدقیق مندرجات و تطبیق پالیسی بازی می کند و از طریق تطبیق تمام عناصر پالیسی، دستیابی به اهداف کلی پالیسی را تضمین می کند.

۷. کمیته هماهنگی جامعه مدنی برای حکومت داری محلی: این کمیته مسئول انتقال نظریات جامعه مدنی در زمینه تطبیق پالیسی و چارچوب تطبیقی آن است. همچنین، کمیته مزبور برای سهم گیری جامعه مدنی در سرعت بخشیدن به تطبیق پالیسی چهارچوب تطبیقی آن، ابزارهای لازم را طرح خواهد نمود. از نمایندگان سازمان های جامعه مدنی برای اشتراک در نشست های این کمیته، دعوت به عمل خواهد آمد.

۸. **کمیته ویژه حکومت‌داری** **بورد نظارت و انسجام:** این کمیته به مثابه مرجع هماهنگی بین نهادهای تمویل‌کننده عمل خواهد نمود (این کمیته مشخص می‌سازد که کدام نهاد مسئول تمویل کدام بخش پالیسی می‌باشد. همچنین، این کمیته به مثابه یک نهاد مشورتی نیز عمل خواهد نمود)

طرز‌العمل‌های لازم برای مشخص‌ساختن نحوه تعامل این کمیته‌ها باید طرح گردد و این رهنمودها باید حاوی معلومات ذیل باشند:

۱. چه کسی صلاحیت اتخاذ چه تصمیمی را در کدام عرصه‌ها دارا می‌باشد؛
۲. چه اقداماتی برای هر گروه لازم است، یا برای هر گروه اجازه چه کارهایی داده شده است؛
۳. چه پروسیجرهایی باید در بین این گروه‌ها طی شود؛
۴. کدام معلومات به چه کسی و چه وقت باید ارائه گردد؛
۵. چه مزایا و هزینه‌هایی باید در اختیار گروه‌های کاری نهاده شود؛
۶. نظارت و تطبیق چگونه صورت خواهد گرفت.

ایجاد بنیادهای لازم برای تطبیق پالیسی ادارات محلی افغانستان

روند تطبیق پالیسی یک روند پیوسته است که نیازمند مدیریت استراتژیک می‌باشد. برای ایجاد چارچوب تطبیقی و تطبیق پالیسی باید یک روش همه‌جانبه ایجاد گردد تا تمام مراجع ذی‌ربط با روش مذکور آشنایی حاصل نموده و خود را بخشی از این روند فکر کنند. با در نظر داشت اصول رهنمودی که در فوق ذکر شد، روند آغاز تطبیق پالیسی در ذیل، چنین توضیح داده می‌شود:

- اصلاح پالیسی: برای تطبیق موثر پالیسی لازم است تمام عناصر پالیسی به طور کافی روشن گردد. کمیته‌های تدوین و تدقیق بدر باره نقش‌ها و مسئولیت‌های ادارات محلی، قبل از آغاز روند تطبیق، باید به یک اتفاق نظر دست یابند. این نهادها، به شمول گروه‌های کاری پالیسی، باید معلومات مفصل را پیرامون بخش‌های ناتکمیل و یا در مواردی که اتفاق نظر وجود ندارد، در دسترس قرار دهند. به منظور ایجاد حس مالکیت بیشتر میان ادارات دولتی و جامعه مدنی، مشوره‌ها با نهادهای جامعه مدنی و مسئولین دولت در سطح محلی ادامه خواهد یافت. سپس کمیته تدوین، پالیسی را به اساس نظریات جامعه مدنی و ادارات دولتی اصلاح خواهد نمود.
- **ایجاد میکانیزم‌های هماهنگی و گروه‌های کاری برای حمایت از روند تطبیق پالیسی:** نهادهای هماهنگ‌کننده و گروه‌های کاری که در فوق نامبرده شده ایجاد خواهد گردید. برای انجام این کار، صلاحیت‌های کاری کمیته تدوین و تدقیق پالیسی باید بازنگری گردد. اصول وظایف داخلی هر کمیته و گروه‌های کاری و نوع ارتباط آنها با یکدیگر، تسوید خواهد گردید.

- طرح یک چارچوب جامع تطبیق: اضلاع این چارچوب عبارت‌اند از برنامه‌هایی برای تطبیق اجزا و جنبه‌های مختلف پالیسی و نیز پلان‌های کاری این برنامه‌ها. اسناد برنامه‌ای شامل فعالیت‌های پیش‌بینی‌شده و نتایج، منابع مورد نیاز و شرکای تطبیق‌کننده می‌باشد.
- ترتیبات مصور نهادهی که لازم است برای آغاز تطبیق برخی از اجزای پالیسی ادارات محلی نهادینه گردند عبارت‌اند از:

اساسگذاری برای تطبیق پالیسی ادارات محلی

ایجاد اصلاحات و تعدیلات لازم در پالیسی	طرح میکانیزم‌های هماهنگی و ایجاد گروه‌های کاری	تسوید قوانین	طرح یک چارچوب فراگیر برای تطبیق پالیسی
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد اجماع و همگرایی در بین کمیته‌ی تدوین و با تدقیق و تنظیم پالیسی در زمینه‌ی آن عرصه‌های پالیسی که نیاز به وسالحت و یا تشریحت بیشتزی دارند. • تشریح بیشتز بخش‌هایی از پالیسی که تا تکمیل ملته با اجماع و همگرایی کافی در آن زمینه‌ها وجود ندارد. • ادامه‌ی مشوره با نهادهای جامعه‌ی مدنی و مصلحت دولتی در سطح محلی جهت دریافت و بیبتهالانات آنان در زمینه‌ی پالیسی ادارات محلی. • تجدیل پالیسی در منطبق نظریات نهادهای جامعه‌ی مدنی و ادارات دولتی. 	<ul style="list-style-type: none"> • تجدیل نظر و اصلاح مکلفیت‌های کمیته‌های تدوین و تدقیق پالیسی در راستای حملت هرچه بیشتز از تطبیق این پالیسی. • ایجاد: <ul style="list-style-type: none"> - کمیته‌ی هماهنگی بین نهادهای جامعه‌ی مدنی. - کمیته‌ی فرعی نظارت و ارزیابی. - کمیته‌ی فرعی گروه‌ی تخنیک‌ی کاری اصلاح قوانین در باره‌ی حکومتداری محلی. - کمیته‌ی کلینیه در زمینه‌ی پلانگذاری و امور مالی محلی. - ایجاد گروه‌های کاری برای تعیین نحوه‌ی تطبیق عملسر مختلف پالیسی. - طرح اصول کاری برای هر کمیته، گروه کاری و نیز نحوه‌ی ایجاد روابط ذات‌البینی بین این کمیته‌ها و گروه‌های کاری. 	<ul style="list-style-type: none"> • طرح و تجدیل تعدادی از قوانین در راستای حملت از تطبیق این پالیسی، به شمول: <ul style="list-style-type: none"> - قانون ادارات محلی. - قانون شاروالی‌ها. - قانون پولیس. - طررالعمل شوراهای اکتشافی فریه. - قانون کارمندان خدمات ملکی. - قانون مدیریت مالی و مصارف عامه. - قانون مبارزه با مواد مخدر. - قانون تهیه و تدارکات. - تسوید، تدقیق و بیبگری منظوری قوانین و طریفه‌ی کمیته‌ی فرعی گروه‌ی تخنیک‌ی کاری اصلاح قوانین در مورد حکومتداری محلی، می‌باشند. 	<ul style="list-style-type: none"> • آغاز روند تدوین یک چارچوب تطبیق فراگیر. • طرح برنامه‌های مختلف جهت تطبیق اجزای مختلف پالیسی. • طرح اسناد برنامه‌ای و پلان‌های کاری، به شمول: <ul style="list-style-type: none"> - فعالیت‌های مورد نظر و تالیج پیش‌بینی‌شده. - منابع مورد نیاز. - شرکای تطبیق پالیسی.

ارتقای ظرفیت اداره مستقل ارگان های محلی جهت تطبیق پالیسی ادارات محلی به مثابه اولین گام تطبیق این پالیسی

انجام بعضی‌هایی در محلی در راستای تطبیق پالیسی	بررسی پلان ها و اسناد محلی مربوط به پالیسی ادارات محلی	طرح پلان‌های جهت تطبیق پالیسی حمایت از	تخصیص منابع در راستای تطبیق پلان‌های محلی مستقل ارگان های محلی که مرتبط با تطبیق این پالیسی می‌باشند	تطبیق پلان‌های مربوطه	ماندگاری و تدقیق برنامه‌ها
<ul style="list-style-type: none"> • رشد و تقویت واحد پالیسی اداره مستقل ارگان های محلی • تقویت ظرفیت آمريت ارژقاي ظرفيت هاي اداره مستقل ارگان هاي محلي. • ايجاد واحد جنسيت با ايجاد يك پست مشاور امور جنسيت در اداره مستقل ارگان هاي محلي. 	<ul style="list-style-type: none"> • بررسي پلان‌هاي اداره مستقل ارگان‌هاي محلي در راستاي تعيين حدود جغرافيايي و نهيه نقشه‌هاي سديسي و ناري- بويژه حدود جغرافيايي فرجه هـ با تكييد بر طرح يك پالیسی جهت انجام این امر. • بازنگری سند برنامه تحکیم ثبات افغانستان و بررسی چگونگی همخوان سازی و سازگاری آن با پالیسی ادارات محلی • بازنگری و تجدید نظر در برنامه ارتقای ظرفیت پنج ساله اداره مستقل ارگان های محلی و سازگاری آن با پالیسی ادارات محلی. 	<ul style="list-style-type: none"> • طرح پلان‌هایی در راستای تطبیق برنامه ظرفیت سازی در اداره مستقل ارگان های محلی. • طرح پلان‌هایی برای مسوولان انتظامی و انضباطی در راستای امضای لایحه کاری و اصول و ضوابط داخلی شان. • طرح پلان‌هایی از طریق برنامه تحکیم ثبات افغانستان در راستای حصول تضمین از این امر که امور ساخت و ساز تحت این برنامه مطابق به پالیسی ادارات محلی صورت می‌گیرند. • تعیین این امر که برای کدام ادارات و سطوح نظریه باید فراهم گردد و چگونگی ارائه آن. • طرح اهداف، فعالیت‌های مورد نظر، منابع، منابع نیازها و پلان‌های تطبیقی. 	<ul style="list-style-type: none"> • ايجاد کميونه‌هاي صاهنگي بين نمويان کفنگان. • تعيين راه‌کارها و گزينه‌هاي لازم و مفيد کن در نمويان پالیسی و حمايت نمويان کفنگان از تطبیق پالیسی • ايجاد يك بخش در اداره مستقل ارگان محلی در راستای ايجاد صاهنگي بين نمويان کفنگان و نظارت بر امور نمويان پالیسی توسط نمويان کفنگان • بازنگری فرآیندها موجود برای حمايت از اداره مستقل ارگان‌هاي محلی. • ايجاد يك صفتوي (در صورت موافقت روي آن) برای نمويان پالیسی 	<ul style="list-style-type: none"> • ايجاد يك کميون در راستای امضای لایحه کاری و اصول و ضوابط داخلی توسط مسوولان انتظامی و انضباطی این امر شامل بررراري کل گاه‌ها و کميون‌هاي تبليغاتي و آگاهي دهی می‌گردد که به مسوولان مربوطه آگاهی و درک لازم از پالیسی را ارائه می‌دارد. • آغاز ظرفیت سازی و آگاهی دهی از طریق برنامه ظرفیت سازی اداره مستقل ارگان های محلی برای کل‌مشل این اداره • ايجاد تطبیقات لازم در تغییراتی که تحت برنامه تحکیم ثبات افغانستان اعصار می‌گردند. • ارائه تسهیلات ترانسپورتی به ادارات لازم • استخدام مشاور امورجنسيت • استخدام مشاور امور اراضی 	<ul style="list-style-type: none"> • ارزیابی پلان‌ها براساس دیدگاه‌ها و اهداف تعیین شده • شناسایی عوامل موفقیت، نرس‌ها و تجربه‌های آموخته شده و بهترین شیوه‌های اصلاح شده • واحد نظارت و ارزیابی اداره مستقل ارگان های محلی، بر تطبیق پلان‌های مطروحه به طور منظم و نوامد نظارت خواهد نمود • ايجاد تسهیلات در برنامه‌ها و پروژه‌های مورد نظر براساس این بازنگری

مبارزه با مواد مخدر

- **بازنگری استراتژی ملی کنترل مواد مخدر:** با در نظر داشت این امر که استراتژی ملی کنترل مواد مخدر طی هر پنج سال باید اصلاح گردد، کارگزاران تدوین این استراتژی باید راه‌های اعمال تغییرات لازم را در طی دو سال آینده جستجو نموده و مدنظر قرار دهند.
- **چارچوب کاری برای والی‌ها جهت مصارف:** لازم است تا یک میکانیزم مشخص برای مصرف وجوه مربوط به معیشت بدیل و از بین بردن کشت کوکنار برای والی‌ها تعیین گردد.
- **بررسی و توافق بالایی تعهدات و مکلفیت‌های اداری و نهادی:** تعدادی از وزارت‌ها باید در امر تطبیق برنامه‌های مبارزه با مواد مخدر در سطح محلی سهم‌گیری نمایند. باید وزارت‌های مختلف در زمینه این‌که کدام وزارت باید کدام مسئولیت را در این راستا به عهده گرفته و آن را عملی سازد، به توافق برسند.

مدیریت حوادث

- **چارچوب صلاحیت‌های مصارف برای والی:** لازم است تا یک میکانیزم مشخص جهت مصرف وجوه مربوط به مدیریت حوادث طبیعی برای والی‌ها تعیین گردد.

- **ایجاد کمیته‌های مبارزه با حوادث:** کمیته‌های مبارزه با حوادث و حالات اضطراری در سطح ولایت، ولسوالی، قریه و شاروالی ایجاد خواهند گردید. در مورد این که چه کسانی عضویت این کمیته‌ها را خواهند داشت و این عضویت چگونه از دوره قبل از برگزاری انتخابات شوراهای ولسوالی و قریه به دوره بعد از برگزاری انتخابات این شوراها گذار خواهد نمود، لازم است تصمیم‌گیری شود.
- **آمادگی وزارت‌ها جهت مقابله با حوادث:** لازم است وظایف وزارت‌های سکتوری در زمینه مسئولیت‌هایی که در صورت بروز حوادث به عهده دارند، مشخص گردد و این وزارت‌ها در این مورد باید تصمیم مقتضی را اتخاذ نمایند. نقش هر یک از وزارت‌های سکتوری از طریق جلسات کمیته مقابله با حوادث تعیین خواهد شد. برای انجام این امر، لازم است تا کمیته‌های ذی‌ربط اطمینان حاصل نمایند که تمام موضوعات مربوط به مقابله با حوادث تحت پوشش وزارت‌های ذی‌ربط قرار گرفته‌اند.
- **پالیسی مقابله با حوادث:** بسیاری از «رویدادهای طبیعی» به دلیل عدم اتخاذ اقدامات مقتضی و برداشتن گام‌های عملی در راستای کاستن از تأثیرات مخرب آن، به «حوادث طبیعی» تبدیل می‌گردند. باید در بین پالیسی مشخص گردد که کدام وزارت مسئولیت اتخاذ اقدامات مقتضی را در راستای تخفیف تبعات و آثار زیانبار این رویدادها به عهده دارد.

توسعه اقتصاد محلی

- **بررسی پایه‌های حقوقی برای سرمایه‌گذاری محلی:** پایه‌های حقوقی برای سرمایه‌گذاری محلی باید جستجو گردد. شاخص‌های ابتدایی حاکی از آن است که در سطح محلی برای انکشاف چنین سرمایه‌گذاری‌هایی هیچ مبنای حقوقی وجود ندارد. در صورتی که چنین پایه‌های حقوقی در سطح محلی وجود نداشته باشد، باید کار در راستای ایجاد مبنای حقوقی لازم آغاز گردد.
- **شناسایی و تعیین نهادهای ارائه‌کننده آموزش‌های حرفوی:** نهادهایی که قابلیت و توان عرضه مداوم و مستمر آموزش‌های حرفوی برای انکشاف اقتصاد محلی را دارند، باید شناسایی شوند. همچنین این نهادها باید اطمینان دهند که بودجه کافی جهت انجام چنین آموزش‌های حرفوی را به طور ثابت دریافت خواهند داشت.
- **اطمینان از دسترسی به سرمایه:** این ابتکار شامل ایجاد دفاتر ثبت سرمایه که دارای ساختار تشبثات اقتصادی می‌باشند، خواهد بود. از این رو باید اساسات مالکیت و مدیریت آنها بنا نهاده شود.
- **ایجاد زیرساخت‌های عامه لازم برای انکشاف داد و ستد و امور تجاری:** کمیته فرعی اقتصاد و کمیته انکشافی ولایتی باید تسهیلاتی را در راستای انکشاف سکتور خصوصی، به‌ویژه از طریق تأمین منافع و علایق کمپنی‌ها در روند پلان‌گذاری انکشافی، فراهم آورند.
- **ایجاد محیط مساعد برای تجارت:** سیستم رسیدگی به شکایات عامه محلی باید گسترش یابد تا بتواند دارای ظرفیت رسیدگی به شکایات شرکت‌های خصوصی نیز باشد. علاوه بر این، باید برای جمع‌آوری و تحلیل عملکرد روندهای مربوط به مسائل تجاری، نظیر زمان دریافت جواز برای شروع فعالیت‌های تجاری، باید در سطح محلی یک سیستم ایجاد گردد.

نظارت و ارزیابی از تطبیق پالیسی ادارات محلی

- یک سیستم نظارت و ارزیابی از تطبیق پالیسی ایجاد خواهد گردید: اداره مستقل ارگان‌های محلی این سیستم را طرح و مسئولیت نظارت و ارزیابی از تطبیق پالیسی ادارات محلی را به عهده خواهد داشت. معین پالیسی و انسجام اداره مستقل ارگان‌های محلی، مسئولیت نظارت بر این سیستم را به عهده خواهد داشت. آمر نظارت و ارزیابی واحد پالیسی و رئیس پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی در امور مربوط به پالیسی، همکاری‌های لازم را با معین پالیسی و انسجام خواهد کرد.
- طرح ابزارهای ارزیابی و به کارگیری آنها: در این سیستم از ابزارهای لازم که برای نظارت بر تطبیق پالیسی طرح می‌گردند استفاده خواهد گردید: از ابزارهای تطبیق پالیسی، ارزیابی تطبیق پالیسی، مشوره‌های عامه و نظرسنجی عامه، استفاده به عمل خواهد آمد. از این ابزارها در تمام ولایات برای حصول اطمینان از به کارگیری مجموعه‌ای از ابزارهای معیاری و معلوماتی استفاده خواهد شد. یک مخزن معلوماتی برای ذخیره معلومات در مرکز ایجاد خواهد شد، ولی در سطح ولایت نیز قابل دسترسی خواهد بود. از این بانک معلوماتی به مثابه میکانیزم ذخیره‌سازی و توزیع معلومات مربوطه استفاده به عمل خواهد آمد.
- ایجاد دیپارتمنت‌های نظارت و ارزیابی در ولایات: در تمام دفاتر والی‌ها یک بخش نظارت و ارزیابی برای نظارت بر تطبیق مؤثر پالیسی و ارزیابی تأثیر آن ایجاد خواهد شد. این ریاست‌های نظارت و ارزیابی مؤظف می‌باشند گزارش‌های خود را به طور مستقیم به آمر بخش نظارت و ارزیابی واحد پالیسی مستقر در اداره مستقل ارگان‌های محلی ارائه نمایند
- کمیته بین‌وزارتی که اعضای آن در سطح معینان و رئیس‌های پالیسی وزارت‌ها و ارگان‌های دولتی می‌باشد، مسئولیت نظارت بر تطبیق پالیسی ادارات محلی را به عهده خواهد داشت. اعضای این کمیته شامل نمایندگان وزارت‌ها و ادارات دولتی می‌باشد که در قبال تطبیق این پالیسی دارای مکلفیت می‌باشند. آمر واحد پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی از طریق معین هماهنگی و انسجام این اداره به کمیته مزبور حساب‌ده می‌باشد.

ضمیمه‌ها

اصول رفتاری برای مقامات انتصابی ادارات محلی

هدف

- این اصول رفتاری - که از این به بعد اصول خوانده می‌شود - باید رفتار کارمندان دولتی را هنگام انجام یک وظیفه عمومی مشخص و تنظیم کند.

- هدف این اصول تعیین هنجارهای رفتاری برای خدمات عامه و آگاه کردن شهروندان از رفتار مورد انتظار برای بهبود کیفیت خدمات مردمی، تضمین مدیریت بهتر در ترویج منافع عمومی، کمک به جلوگیری از فساد در اداره عمومی و از بین بردن آن و همچنین ایجاد محیطی که اعتماد شهروندان به مقامات عمومی را افزایش دهد، می‌باشد.
- این اصول باید در حرف و عمل شوند. اگر قوانین ملی اصول سخت‌گیرانه‌تر از اصول فعلی داشته باشد، آن اصول سخت‌گیرانه باید رعایت شوند.
- هنجارهای رفتاری مشخص شده در این اصول باید برای تمام کارمندان دولتی به مثابه یک الزام در نظر گرفته شوند.
- کارمندان دولتی باید به قانون و این اصول احترام بگذارند. همچنین، آنها باید تا جایی که بتوانند از تخلف از این اصول جلوگیری کرده و به شدت با زیر پا گذاشتن آن مخالفت کنند.
- هر نوع سرپیچی از این اصول باید موجب اقدامات انضباطی قانونی در زمینه عملکرد عمومی و وضعیت کاری کارمند شود.
- هر گاه کارمندان دولتی بدانند به هر دلیلی از این اصول سرپیچی شده است، یا این که قرار است سرپیچی شود، باید این موضوع را به مقامات مافوق خود، و در صورت نیاز به دیگر مقامات یا ارگان‌هایی که وظیفه بررسی یا قدرت جلوگیری از آن را دارند، گزارش دهند.
- عبارت «مقامات مربوطه یا ارگان‌هایی که وظیفه بررسی یا قدرت حل این گونه مشکلات را داشته باشند»، به مقام یا ارگان‌هایی دلالت می‌کند که تحت قوانین ملی قرار دارند؛ بدون در نظر داشت این که مربوط به یک مؤسسه یا مستقل باشند. این نهادها دارای صلاحیت قانونی بررسی این اصول اخلاقی و رسیدگی به شکایات ناشی از تخطی از این اصول اخلاقی می‌باشند.
- باید اطمینان حاصل گردد که کارمندان دولتی نباید به دلیل گزارش دادن موضوعات مربوط به سرپیچی از این اصول یا احتمال وقوع آن، تحت مجازات اداری یا دیگر مجازات‌ها قرار گیرند.

اصول رفتاری کارمندان دولتی

هنگام انجام یک وظیفه عمومی، عملکرد یک کارمند دولتی باید در پرتو اصول ذیل صورت گیرد:

۱. قانونگرایی
۲. عدم تبعیض و جانبداری
۳. استقلال
۴. مسلکی گرایی
۵. وفاداری

قانون گرایی

- هنگام انجام وظایف، کارمند دولتی باید قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، قوانین جاری و معاهده‌های بین‌المللی که جمهوری اسلامی افغانستان به آنها متعهد است را رعایت کند.
- کارمند اداری که فکر می‌کند مجبور است عملی غیرقانونی انجام دهد، یا هنجارهای رفتاری را زیر پا بگذارد، باید این مسئله را به مسئولان مربوطه گزارش دهد.

عدم جانبداری

- کارمند دولتی باید تصمیمات و اقدامات خود را به صورتی غیرجانبدارانه و بدون تبعیض و بر اساس اصل برابری انجام دهد و به افراد و گروه‌های خاص بر اساس اصلیت قوم، زبان، دین، جنسیت، عقاید، وابستگی سیاسی، دارایی یا اصالت اجتماعی اولویت ندهد.
- از کارمند دولتی انتظار می‌رود که با عموم و با مسئولان، همکاران و کارمندان زیردستش با احترام، غیر جانبدارانه، صادق و مؤدبانه رفتار کند.
- کارمند دولتی نباید افراد حقوقی یا حقیقی، به شمول دیگر کارمندان دولتی را مجبور به رفتار غیر قانونی کند یا از موقعیت اداری که دارد، سوء استفاده نماید.

استقلال

- وابستگی سیاسی کارمند دولتی نباید رفتار و تصمیمات او را، همچنین پالیسی‌ها، تصمیمات و اعمال مقامات عمومی را تحت تأثیر قرار دهد.
- هنگام انجام وظایف، کارمند اداری نباید:
 - استفاده از منابع اجرایی برای حمایت از کاندیدهای انتخاباتی؛
 - نصب علایم یا نشانه‌هایی با آرم یا نام احزاب سیاسی یا کاندیداهای آنها در محدوده ارگان‌های عمومی؛
 - فعالیت در ایجاد یا کمک به ایجاد زیرشاخه‌های احزاب سیاسی، در ادارات.

مسئله گزایی

- کارمند دولتی باید وظایف خود را با احساس مسئولیت انجام دهد و از خود کفایت، کارآیی، سرعت عمل و اصلاح نشان دهد.
- کارمند دولتی باید پاسخ‌گوی عملکرد وظایف خود به مافوق، مسئولان رده‌بالا تر و ارگان عمومی باشد که برای آن کار می‌کند.

وفاداری

- کارمند دولتی باید با وفاداری برای ارگان عمومی مربوطه کار کند و در خدمت منافع قانونی کارمندان دولتی باشد.
- کارمند دولتی باید از هر عمل یا مسئله‌ای که ممکن است باعث تبعیض در تصویر، منزلت یا منافع قانونی ارگان عمومی شود، خودداری کند.

هنجارهای رفتاری کارمند دولتی

دسترسی به معلومات

- بر اساس صلاحیت‌های اعطاشده به کارمند دولتی در خصوص دسترسی به معلومات، او موظف است تا:
 - شهروندان را از مسائل مربوط به منافع عموم به صورت فعال، عادلانه و به موقع آگاه کند.
 - دسترسی آزاد به معلومات را تضمین کند.
 - چارچوب‌های زمانی را برای تحویل معلومات که توسط قوانین مربوطه ملی مشخص شده است، رعایت کند.

استفاده از منابع عمومی

- کارمند دولت باید مطمئن شود که دارایی عمومی در مقابل هر نوع نیت مغرضانه حفظ می‌گردد.
- کارمند دولت باید هنگام انجام وظایف، از ساعات کاری خود و همچنین دارایی ارگان‌های عمومی به نحو مطلوب استفاده نماید.
- کارمند دولت باید اطمینان پیدا کند که از منابع مالی عامه به صورت مؤثر و مطابق اهداف اداره استفاده می‌شوند.
- کارمند اداری نباید از دارایی عمومی برای فعالیت‌ها و منافع شخصی یا دیگر کارهایی که توسط قانون منع شده است، استفاده کند.

اصول رفتاری در چارچوب روابط بین‌المللی

- کارمند دولتی که نمایندهٔ یک ارگان عمومی در سازمان‌های بین‌المللی، مؤسسات آموزشی، کنفرانس‌ها، سمینارها و دیگر فعالیت‌ها است، باید رفتاری داشته باشد که بر اساس آن تصویر افغانستان و ارگانی را که برای آن کار می‌کند، خدشه دار نسازد.
- کارمند دولتی که به سفر خارج از کشور می‌رود، باید رفتاری داشته باشد که با قوانین و پروتکل مطابقت داشته باشد و قوانین کشور میزبان را نیز رعایت کند.
- هنگام ایجاد روابط با نمایندگان دیگر کشورها، کارمند اداری نباید در زمینهٔ مسائل ملی یا منازعات بین‌المللی عقاید شخصی خود را دخیل سازد.

دریافت تحفه و سایر هدایا

- کارمند دولتی نباید هدایا و منافع خدماتی را در قبال کاری که انجام می‌دهد، از دیگران درخواست یا قبول کند. و نیز نباید هیچ امتیازی را برای خود، خانواده خود، وابستگان، دوستان خود از این ارگان‌های مختلفی که با آنها روابط تجاری یا سیاسی دارد، بپذیرد؛ زیرا ممکن است این امر در اجرای وظایف عمومی‌اش تأثیر سوء بگذارد و این گونه تحایف نمی‌تواند پاداشی برای اجرای وظایف او محسوب شود.
- هدایایی که از طریق موارد فوق به دست آمده‌اند، باید به حکومت داده شوند.
- اگر به کارمند دولتی یک امتیاز اضافی پیشنهاد شد، او باید مراحل زیر را انجام دهد:
 - امتیاز اضافی را قبول نکند.
 - سعی کند که فرد پیشنهاددهندهٔ امتیاز اضافی را شناسایی کند.
 - در زمینهٔ فوق شاهد داشته باشد، مثلاً همکاران وی.
 - در این مورد، در یک دفتر ثبت رسمی، جزئیات را تا حد ممکن به طور مفصل ثبت کند.
 - فوراً گزارشی را در این باره به مافوق خود یا مستقیماً به مقامات ذی‌ربط بدهد.
 - کار را به صورت عادی انجام دهد، به خصوص کاری که برای آن امتیاز اضافی پیشنهاد شده است.

تضاد منافع

- کارمند دولتی باید از تضاد منافع جلوگیری کند.
- هر تضاد منافی که توسط کاندید یک منصب عمومی اعلام شد، باید قبل از انتصاب فرد رفع گردد.
- پروسیجر اعلام و رسیدگی برای تضاد منافع، باید بر اساس قوانین مربوطه در زمینه تضاد منافع تنظیم شود.

تعهدات کارمندان دولتی دارای موقف‌های مدیریتی

- کارمند دولتی که دارای موقف مدیریتی می‌باشد، باید رعایت اصول رفتاری توسط کارمندان دولتی زیردست خود را ترویج دهد.
- هنگام اجرای وظایف مدیریتی، کارمند دولتی باید:
 ۱. فرصت‌های برابر را در زمینه رشد کاری برای تمام کارمندان دولتی زیردست خود فراهم کند و برخورد یکسان با آنها داشته باشد.
 ۲. کفایت حرفه‌ای کارمند زیردست را هنگام پیشنهاد یا تأیید ترفیحات، انتقال‌ها، انتصاب‌ها یا برکناری از کار، بررسی کرده و معیارهای بی‌طرفانه‌ای را در نظر بگیرد و در ارائه مشوق‌های مالی و غیرمالی از هر نوع تبعیض اجتناب نماید.
 ۳. از به‌کارگیری معیارهای تبعیضی، روابط خانوادگی و دیگر معیارها در دسترسی به یک وظیفه عمومی یا ترفیحات شغلی خودداری کند.
 ۴. اقدامات لازم را برای جلوگیری از شیوع فساد میان کارمندان زیردست انجام دهد و همچنین مسئولیت شکست‌های ناشی از عملکرد ضعیف را به عهده گیرد.
 ۵. در حالی که فساد باید مطابق قوانین بین‌المللی تعریف شود؛ اما باید در برگیرنده انجام یا عدم انجام یک عمل در ارتباط با وظایف فرد، در پاسخ به هدایا و وعده‌های داده‌شده نیز باشد.
 ۶. عبارت «مبادرت به فساد» که در بالا به آن اشاره شد، باید شامل اعمال ناروایی گردد که یک کارمند قصد انجام آنها را داشته ولی نتوانسته است عملی سازد.

اصول رفتاری برای اعضای شوراهای انتخابی محلی و شاروال‌ها

هدف

هدف و منظور این اصول رفتاری ارائه رهنمودهایی برای معیارهای اخلاقی و رفتاری برای اعضای منتخب شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و قریه و نیز شاروال‌ها می‌باشد.

معیارهای رفتاری

۱. اعضای منتخب شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و قریه و نیز شاروال‌های منتخب باید همیشه تلاش نمایند که منافع عموم شهروندان و مردم جامعه‌ای را که برای آنان خدمات عرضه می‌دارند، بهبود بخشند.
۲. اعضای منتخب شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و قریه و نیز شاروال‌های منتخب باید تلاش نمایند که امور اداری خود را با کمال صداقت، تعهد و بی طرفی و با تمام توان و دانش مسلکی به پیش ببرند.

اصولی که باید رعایت شوند

اصول رفتاری که کارمندان انتخابی و انتصابی پس از تقرر در وظایف محوله، ملزم به مراعات آنها می‌باشند:

- اعضای منتخب شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و قریه و شاروال‌ها پس از انتخاب و هنگام نشستن بر کرسی‌های دولتی باید جزئیات مالی و دارایی‌های شخصی و اموال منقوله و غیر منقوله خود را در اختیار عامه مردم قرار دهند.
- تمام اعضای انتخابی شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و قریه و شاروال‌ها باید جزئیات مربوط به امور مالی و لیست دارایی خود را هر سال یک بار، و ترجیحاً در آخرین روز سال هجری خورشیدی، از طریق رسانه‌های همگانی در اختیار عامه مردم قرار دهند. نظارت بر این روند باید توسط حکومت و با حمایت یک ساختار نهادی در راستای انجام این هدف صورت گیرد. حکومت معلومات مزبور را در اختیار همه مردم قرار خواهد داد و مردم در طول سال به این معلومات دسترسی خواهند داشت.

ترویج و گسترش روحیه احترام به روند تصمیم‌گیری

تمام اعضای منتخب شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و قریه و نیز شاروال‌ها باید به صورت دقیق و مناسب مردم را در جریان تصمیم‌های شوراها قرار دهند، حتی اگر خود آنها مخالف تصمیم متذکره باشند؛ تا از این طریق احترام به روندهای تصمیم‌گیری رواج پیدا نموده و نهادینه شوند.

۱. قرار دادن معلومات در اختیار عموم مردم و رسانه‌ها

اعضای شورا اذعان می‌دارند که معلومات رسمی مربوط به تصمیم‌ها و فیصله‌های شورا، توسط شورا به حیث یک کل، یا توسط رییس شورا یا نماینده او در اختیار مردم و رسانه‌ها نهاده شود.

۲. پذیرفتن هدایای ممنوعه

اعضای شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و قریه و نیز شاروال‌ها باید از پذیرش، موافقت یا پیشنهاد هر نوع کمیشن، پاداش، تحفه، امتیاز یا هر گونه منافع دیگر، چه به طور شخصی، چه از طریق یکی از اعضای خانواده یا دوستان خود که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با عملکرد یا وظایف رسمی او ارتباط دارد، خودداری نماید.

۳. اقدام به فعالیتهای منع شده ناسازگار

اعضای شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و قریه و نیز شاروالها نباید در مسایل مالی یا دیگر اقداماتی که مغایر با انجام وظایف اداری آنها یا مغایر با اصول رفتار اخلاقی وظایف آنان باشد، دخیل شوند.

بدون محدود کردن عمومیت آنچه تا کنون بیان گردید، اعضای منتخب شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و شوراهای قریه و نیز شاروالها باید به موارد آتی توجه کند:

- نباید از نفوذ و صلاحیت اداری برای اهدافی به جز وظایف اداری استفاده کنند.
- از معلومات به دست آمده در اداره که در اختیار عموم مردم نیست، نباید برای هدفی به جز وظایف اداری استفاده کنند.
- نباید خود را در برابر یک فرد یا سازمان به گونه‌ای متعهد کنند که فرد یا سازمان از توجه خاص آنها نفع ببرد یا به دنبال برخورد جانبدارانه باشند.
- نباید با فرد یا سازمانی که منافع مالی دارند برخوردی جانبدارانه داشته باشند.
- نباید تصمیم یا پرونده‌های تصمیم‌گیری اداری یا شورا را به گونه‌ای مورد نفوذ خود قرار دهند که در آن فرد یا سازمانی دخیل است که از آن منفعت مالی می‌برد؟؟؟
- نباید از مواد، تجهیزات، امکانات یا کارمندان برای منفعت یا اهداف شخصی خود استفاده کنند.

اجتناب از اسراف

اعضای شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و قریه و نیز شاروالها باید از اسراف و سوء استفاده از منابع عمومی جلوگیری کرده و سوء استفاده مالی و امور مرتبط به فساد را که از آنها آگاه هستند، افشا کنند.

طرز رفتار با اعضای شورا

- **با هر فرد با نزاکت، درک و احترام برخورد گردد:** اعضای شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و قریه و نیز شاروالها باید اصول حقوق بشر را رعایت کرده و در این راه با هر فردی به شمول اعضای دیگر شورا، کارمندان حکومت، افرادی که به صورت قراردادی خدمات ارائه می‌کنند، و عموم مردم با نزاکت، درک و احترام برخورد کنند؛ زیرا باید به حق برابری و حق داشتن محیطی امن و خالی از آزار و تبعیض تمام افراد احترام گذارده شود.

• **عدم تبعیض، مطابق با اصول حقوق بشر:** اعضای شوراهای ولایتی، ولسوالی، شاروالی و قریه و نیز شاروالها نباید بر اساس مسائل قومی، سمتی، منطقه ای، نژادی و جنسیتی با کسی رفتار تبعیض آمیز داشته باشند.

اینجانب با امضای پالیسی ادارات محلی افغانستان، اذعان می‌دارم که اصول رفتاری مربوطه را با دقت مطالعه و آن را به درستی درک نموده‌ام. امضای من در پای این سند، مبین حمایت از این پالیسی بوده و بر اساس موافقت‌نامه قرارداد خود را مکلف به پیروی از اصول اخلاقی مندرجه می‌دانم.

امضای اعضای شورا:

تاریخ:

اصول رفتاری اعضای شوراهای ولایتی

(اصول اخلاقی اعضای شوراهای ولسوالی، قریه و شاروالی بر مبنای اصول اخلاقی اعضای شوراهای ولایتی استوار می‌باشند.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماده اول

۱. اینجانب تعهد می‌سپارم که از احکام قانون اساسی، قانون شوراهای ولایتی و سایر قوانین افغانستان اطاعت و پیروی نمایم.

۲. تمام تلاش خود را در راستای تطبیق احکام فوق، جهت تأمین حداکثر منافع شهروندان افغانستان، به کار می‌بندم.

۳. تمام کوشش خود را در راستای تأمین نفع همگانی به کار می‌بندم.

۴. به هیچ عنوان، از موقف خود در راستای پیش‌بردن منافع قومی، زبانی یا مذهبی خویش، استفاده نمی‌نمایم.

۵. تعهد می‌سپارم که منافع کشور و منافع عموم مردم را بر منافع و ملحوظات شخصی، قومی، قبیله‌ای و لسانی خویش اولویت دهم.

۶. تمام دانش و توانایی خود در را در راستای اعمال صلاحیت های مندرج در این اصول اخلاقی برای تأمین مصالح علیای مردم افغانستان به کار می‌برم.

مادهٔ دوم

۱. من میزان سرمایه و دارایی‌های منقول خود را، طی ۳۰ روز پس از امضای این اصول نامه رفتاری، به طور علنی اعلان می‌نمایم.

۲. من میزان تغییرات در وضعیت مالی و املاک خود را در روز آخر هر سال هجری خورشیدی، به طور علنی، اعلان می‌دارم.

۳. من موافقت نموده و به شورای ولایتی اجازه می‌دهم جزئیات مالی ارائه‌شده توسط اینجانب را، براساس احکام پاراگراف های ۱ و ۲ این سند، جهت آگاهی مردم، نشر نماید.

۴. من موافقت نموده و به دولت اجازه می‌دهم، جزئیات مالی ارائه‌شده توسط اینجانب را، بر اساس احکام پاراگراف های ۱ و ۲ این سند، جهت آگاهی مردم، نشر نماید.

مادهٔ سوم

۱. اینجانب به تصامیمی که شورا- با وجود مخالفت اینجانب- اتخاذ می‌کند احترام نهاده و از آن حمایت می‌نمایم.

۲. وعده می‌سپارم تا در تمام جلسات شورا فعالانه شرکت نموده و از قوانین حاکم بر شورا پیروی نمایم.

۳. تعهد می‌سپارم تا همیشه در دسترس مردمی که شورا مکلف به ارائهٔ خدمات به آنها می‌باشد، قراردادشته باشم.

۴. اذعان می‌دارم معلومات رسمی که مربوط به تصامیم اتخاذشده توسط شورا می‌باشد، توسط مراجع آتی در اختیار مردم و رسانه‌ها نهاده شود:

الف: تمام اعضای شورا،

ب: رئیس شورا،

ج: عضوی که توسط رئیس شورا برای این کار توظیف می‌گردد.

ماده چهارم

۱. از پذیرش، موافقت یا پیشنهاد هر نوع کمیشن، پاداش، تحفه، امتیاز یا هر گونه منافع دیگر، چه شخصاً، یا از طریق یکی از اعضای خانواده یا دوستان خود، از طریق شخص دیگر، یا از طریق ابزارهایی که در اختیار من است و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با عملکرد یا وظایف رسمی من ارتباط دارد، خودداری می‌نمایم.
۲. خود را در هیچ امری که مغایر با اصول اخلاقی وظایف و مسئولیت‌های من باشد دخیل نخواهم ساخت.

ماده پنجم

۱. از صلاحیت‌های خود، جز در راستای انجام وظایف خویش، برای هیچ مقصد دیگری استفاده نخواهم کرد.
۲. از معلوماتی که به حیث عضو شورا به آنها دسترسی دارم، و سایر مردم به آن معلومات دسترسی ندارند، برای مقاصدی به جز وظایف رسمی استفاده نخواهم کرد.
۳. خود را در قبال شخص یا سازمانی که با آن تضاد منافع داشته باشم، متعهد نمی‌سازم.
۴. بین نهاد یا شخصی که به آن علایق شخصی دارم و سایر افراد و سازمان‌هایی که با آنها علایق شخصی ندارم، ارجحیت قایل نمی‌شوم.
۵. تعهد می‌سپارم تا در تصامیم اداری یا شورای ولایتی و یا در روند تصمیم‌گیری آنها، به خاطر فرد یا سازمانی که من نسبت به آنها علایق شخصی دارم و این تصامیم در مورد آنها اتخاذ می‌گردد، اعمال نفوذ ننمایم.

ماده ششم

۱. از اسراف، استفاده نادرست یا استفاده بی‌جا از منابع عامه جداً اجتناب می‌نمایم.
۲. به هیچ صورت از وسایل، تجهیزات، تسهیلات یا کارمندان شورا به منظور منافع شخصی یا اغراض شخصی استفاده نمی‌کنم.
۳. وعده می‌سپارم تا هر نوع فساد را که در مورد آن معلومات به دست می‌آورم، افشا کنم.

ماده هفتم

۱. وعده می‌سپارم تا از حقوق بشری مردم دفاع نمایم. در صورتی که متوجه هر نوع تخطی از حقوق بشر شوم، تمام اقدامات لازم را در راستای سپردن خاطی به قانون و حمایت از قربانی این تخطی به کار ببرم.
۲. با تمام مردم (زن، مرد، طفل) با احترام و عزت رفتار می‌نمایم.
۳. هیچ کسی را بر مبنای قومیت، سمت، مذهب، لسان، جنسیت و معلولیت مورد تبعیض قرار نمی‌دهم.

ماده هشتم

۱. از کشت خشخاش و سایر بوته‌های مخدره خودداری می‌نمایم.
۲. تمام تلاش خود را در راستای بازداشتن دیگران از کشت خشخاش و سایر بوته‌های مخدره به کار می‌بندم.
۳. در فعالیت‌های تجارت مواد مخدر دخیل نخواهم شد.
۴. تمام تلاش خود را در راستای بازداشتن دیگران از تجارت مواد مخدر به کار می‌بندم.
۵. تمام تلاش خود را در راستای استفاده از معیشت بدیل به جای کشت خشخاش و سایر بوته‌های مخدر به کار می‌بندم.

ماده نهم

۱. خود را مکلف می‌دانم تا از آداب و سنن مغایر با شریعت دین مقدس اسلام و قوانینی نظیر ازدواج‌های اجباری، ازدواج اطفال، پرداخت طویانه در زمان نامزدی و عروسی، به‌کارگیری خشونت علیه زنان، بددادن دختران و زنان در قبال حل منازعات، پیروی نکنم.
۲. تمام تلاش خود را در راستای بازداشتن دیگران از ارتکاب مواردی که در بالا برشمرده شد، به کار می‌بندم.

ماده دهم

- اینجانب تمام تلاش خود را برای حفظ محیط زیست و استفاده دوامدار از منابع طبیعی به کار می‌بندم و دیگران را نیز تشویق به انجام آن می‌نمایم.

ماده یازدهم

- وعده می‌سپارم تا از میراث فرهنگی کشور حفاظت نموده و دیگران را نیز تشویق به حفاظت از آن نمایم.

ماده دوازدهم

۱. با امضای این سند، اذعان می‌دارم که آن را مطالعه و مندرجات آن را به طور کامل درک نموده‌ام.
۲. امضای من در پای این سند نشان‌دهنده حمایت من از اصولنامه اخلاقی اعضای شورای ولایتی و موافقتم در مطابعت از آن می‌باشد.
۳. من به این امر کاملاً واقف هستم که در صورت تخطی از احکام این اصولنامه اخلاقی، عضویت خود را در شورا از دست می‌دهم.

امضای عضو شورا:

نام عضو شورا:

نام شورا:

تاریخ:

مکان:

مهر شورا:

امضای رئیس یا سکرتار شورا:

نام رئیس یا سکرتار شورا:

اصول رفتاری شاروالی‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم

ماده اول

۱. اینجانب تعهد می‌سپارم که از احکام قانون اساسی، قانون شاروالی‌ها و سایر قوانین افغانستان اطاعت و پیروی نمایم.

۲. تمام تلاش خود را در راستای تطبیق احکام فوق جهت تأمین حداکثر منافع شهروندان افغانستان، به کار می‌بندم.

۳. تمام کوشش خود را در راستای بهبود سطح زندگی مردم به کار می‌بندم.

۴. به هیچ عنوان از موقف خود در راستای پیش بردن منافع قومی، زبانی یا مذهبی خویش، استفاده نمی‌نمایم.

۵. تعهد می‌سپارم که منافع کشور و منافع عموم مردم را بر منافع و ملحوظات شخصی، قومی، قبیله‌ای و لسانی خویش اولویت دهم.

۶. تمام دانش و توانایی خود را در راستای اعمال صلاحیت‌های مندرج در این اصول اخلاقی برای تأمین مصالح علیای مردم افغانستان به کار می‌برم.

مادهٔ دوم

۱. میزان سرمایه و دارایی‌های منقول و غیر منقول خود را طی ۳۰ روز از امضای این اصول اخلاقی، به طور علنی اعلان می‌نمایم.

۲. میزان تغییرات در وضعیت مالی و املاک خود را در روز آخر هر سال هجری خورشیدی به طور علنی اعلان می‌دارم.

۳. موافقت نموده و اجازه می‌دهم شورای ولایتی جزئیات مالی ارائه‌شده توسط این‌جانب را براساس احکام پاراگراف‌های ۱ و ۲ این سند، جهت آگاهی مردم، نشر نماید.

۴. من موافقت نموده و اجازه دهم دولت جزئیات مالی ارائه‌شده توسط این‌جانب را براساس احکام پاراگراف‌های ۱ و ۲ این سند، جهت آگاهی مردم، نشر نماید.

مادهٔ سوم

۱. به تضامیمی که شورا، با وجود مخالفت این‌جانب اتخاذ می‌کند، احترام نهاده و از آن حمایت می‌نمایم.

۲. به طور کامل با شورای شاروالی در راستای تحقق اهداف قانون شاروالی‌ها همکاری می‌نمایم.

۳. تعهد می‌سپارم تا همیشه در دسترس شهروندان باشم.

مادهٔ چهارم

۱. از پذیرش، موافقت یا پیشنهاد هر نوع کمیشن، پاداش، تحفه، امتیاز یا هر گونه منافع دیگر، چه شخصاً، چه از طریق یکی از اعضای خانواده یا دوستان خود، یا از طریق شخص دیگر یا از طریق ابزارهایی که در اختیار من است و به صورت مستقیم غیر مستقیم با عملکرد یا وظایف رسمی من ارتباط دارد، خودداری نمایم.
۲. خود را در هیچ امری که مغایر با اصول اخلاقی وظایف و مسئولیت های من باشد، دخیل نخواهم ساخت.

ماده پنجم

۱. از صلاحیت های خود، جز در راستای انجام وظایف خویش، برای هیچ مقصد دیگری استفاده نخواهم کرد.
۲. از معلوماتی که به حیث شاروال به آنها دسترسی دارم و سایر مردم به آن معلومات دسترسی ندارند، برای مقاصدی به جز وظایف رسمی استفاده نخواهم کرد.
۳. خود را در قبال شخص یا سازمانی که با آن تضاد منافع داشته باشم، متعهد نمی سازم.
۴. بین نهاد یا شخصی که به آن علایق شخصی دارم و سایر افراد و سازمان هایی که با آنها علایق شخصی ندارم، ارجحیت قایل نمی شوم.
۵. تعهد می سپارم تا در تصامیم اداری یا شورای شاروالی و یا در روند تصمیم گیری آنها به خاطر فرد یا سازمانی که من نسبت به آنها علایق شخصی دارم و این تصامیم در مورد آنها اتخاذ می گردد، اعمال نفوذ نمایم.

ماده ششم

۱. از اسراف، استفاده نادرست و یا استفاده بی جا از منابع عامه جداً اجتناب می نمایم.
۲. به هیچ صورت از وسایل، تجهیزات، تسهیلات یا کارمندان شاروالی به منظور منافع شخصی و یا اغراض شخصی استفاده نمی کنم.
۳. وعده می سپارم تا هر نوع فسادی را که در مورد آن معلومات به دست می آورم، افشا کنم.

ماده هفتم

۱. وعده می‌سپارم تا از حقوق بشری مردم دفاع نمایم. در صورتی که متوجه هر نوع تخطی از حقوق بشر گردم، تمام اقدامات لازم را در راستای سپردن خاطی به قانون و حمایت از قربانی این تخطی به کار ببرم.

۲. با تمام مردم (زن، مرد، طفل) با احترام و عزت رفتار می‌نمایم.

۳. هیچ کسی را بر مبنای قومیت، سمت، مذهب، لسان، جنسیت و معلولیت مورد تبعیض قرار نمی‌دهم.

ماده هشتم

۱. از کشت خشخاش و سایر بوته‌های مخدره خودداری می‌نمایم.

۲. تمام تلاش خود را در راستای بازداشتن دیگران از کشت خشخاش و سایر بوته‌های مخدره به کار می‌بندم.

۳. در فعالیت‌های تجارت مواد مخدر دخیل نخواهم شد.

۴. تمام تلاش خود را در راستای بازداشتن دیگران از تجارت مواد مخدر به کار می‌بندم.

۵. تمام تلاش خود را در راستای استفاده از معیشت بدیل به جای کشت خشخاش و سایر بوته‌های مخدر به کار می‌بندم.

ماده نهم

۱. خود را مکلف می‌دانم تا از آداب و سنن مغایر با شریعت دین مقدس اسلام و قوانینی نظیر ازدواج‌های اجباری، ازدواج اطفال، پرداخت طویانه در زمان نامزدی و عروسی، به کارگیری خشونت علیه زنان، بد دادن دختران و زنان در قبال حل منازعات، پیروی نکنم.

۲. تمام تلاش خود را در راستای بازداشتن دیگران از ارتکاب مواردی که در بالا برشمرده شد، به کار می‌بندم.

ماده دهم

تمام تلاش خود را برای حفظ محیط زیست و استفاده دوامدار از منابع طبیعی به کار می‌بندم و دیگران را نیز تشویق به انجام آن می‌نمایم.

ماده یازدهم

وعده می‌سپارم تا از میراث فرهنگی کشور حفاظت نموده و دیگران را نیز به حفاظت از آن تشویق نمایم.

ماده دوازدهم

۱. با امضای این سند، اذعان می‌دارم که آن را مطالعه و مندرجات آن را به طور کامل درک نموده‌ام.
۲. امضای من در پای این سند، نشان‌دهنده حمایت من از اصولنامه اخلاقی اعضای شورای ولایتی و موافقتم در زمینه مطابعت از آن می‌باشد.
۳. به این امر کاملاً واقف هستم که در صورت تخطی از احکام این اصولنامه اخلاقی، موقف خود را به حیث شاروال از دست می‌دهم.

امضای شاروال:

نام شاروال:

نام شاروالی:

تاریخ:

مکان:

مهر شاروالی:

امضای رئیس شورای شاروالی:

نام رئیس شورای شاروالی:

تاریخ:

لیست ولایات و ولسوالی‌ها

شماره مسلسل	ولایات	مرکز ولایت	مجموع تعداد ولسوالی‌ها	نام ولسوالی	تعداد نفوس در ۲۰۰۷	تعداد قریه جات	تعداد نفوس بتاريخ ۰۷/ ۰۱/ ۲۰۰۷	تعداد قریه جات

	تخمین CSO		۰۷/۰۱/ تخمین CSO					
۱	۶۱۰۵۷	۱۰۴	۶۱۰۵۷	شهر بدخشان		شهر بدخشان	بدخشان	
				فیض آباد			مساحت ساحه ۶,۸۷ فیصد	
	۸۳۹۹۹	۱۴۳	۸۳۹۹۹	آرگو	۲۷		نفوس ۳,۵۰ فیصد	
	۱۴۷۴۱	۴۶	۱۴۷۴۱	آرغندج خواه			قریه جات غیر مسکونی: ۷	
	۳۳۰۱۲	۴۰	۳۳۰۱۲	بهارک			قریه جات ویران شده: ۱۸	
	۳۷۹۸۳	۶۴	۳۷۹۸۳	دریم			قریه های کوچک: ۵۷	
	۲۲۸۴۸	۷۲	۲۲۸۴۸	دروازه پایین ممی				
	۲۶۹۸۶	۷۶	۲۶۹۸۶	دروازه بالای نیسه				
	۱۲۵۶۶	۴۳	۱۲۵۶۶	اشکاشم				
	۵۱۷۱۴	۷۳	۵۱۷۱۴	جرم				
	۸۰۸۴	۴۰	۸۰۸۴	کران و منجان				
	۷۱۲۶۲	۸۲	۷۱۲۶۲	کشم				

۲۱	۱۵۴۳۶	۲۱	۱۵۴۳۶	خاش				
۴۲	۱۴۲۳۵	۴۲	۱۴۲۳۵	خواهان				
۹۵	۱۵۵۸۶	۹۵	۱۵۵۸۶	کوهستان				
۵۴	۲۰۸۳۵	۵۴	۲۰۸۳۵	کوفاب				
۱۱۰	۲۸۹۲۷	۱۱۰	۲۸۹۲۷	راغستان				
۳۹	۱۸۱۰۵	۳۹	۱۸۱۰۵	شیکی				
۷۰	۴۵۴۱۹	۷۰	۴۵۴۱۹	شهر بزرگ				
۵۵	۲۲۹۳۹	۵۵	۲۲۹۳۹	شغنان				
۵۹	۲۶۴۳۰	۵۹	۲۶۴۳۰	شهدا				
۵۵	۲۴۳۷۵	۵۵	۲۴۳۷۵	تگاب				
۵۶	۲۶۸۵۰	۵۶	۲۶۸۵۰	تشکان				
۹۷	۱۱۶۵۷	۹۷	۱۱۶۵۷	واخان				
۴۳	۱۹۶۰۹	۴۳	۱۹۶۰۹	وردوج				
۷۷	۴۸۴۲۵	۷۷	۴۸۴۲۵	یفتلی پایین				
۴۳	۲۲۵۳۳	۴۳	۲۲۵۳۳	یمگان (گیروان)				
۷۰	۲۷۳۱۷	۷۰	۲۷۳۱۷	یوان				
۲۴	۶۴۶۶	۲۴	۶۴۶۶	زیبک				
۱۷۹۳	۸۱۹۳۹۶	۱۷۹۳	۸۱۹۳۹۶	مجموع				
۸۵	۶۹,۳۴۹	۸۵	۶۹,۳۴۹	شهر قلعه‌نو	شهر قلعه‌نو	بادغیس		۲

۱۳۷	۸۱،۸۴۳	۱۳۷	۸۱،۸۴۳	آب کمری	۶		مساحت ساحه ۳،۱۹ فیصد	
۱۳۲	۱۰۹،۳۸۱	۱۳۲	۱۰۹،۳۸۱	بالامرغاب			نفوس ۲،۲۰ فیصد	
۹۶	۵۲،۵۶۶	۹۶	۵۲،۵۶۶	غورماچ			قریه جات غیر مسکونی: ۱۸	
۳۲۰	۷۷،۶۳۵	۳۲۰	۷۷،۶۳۵	جوند			قریه جات ویران شده: ۲۲	
۳۷	۲۰،۴۸۰	۳۷	۲۰،۴۸۰	مقر			قریه های کوچک: ۱	
۱۵۶	۸۸،۱۳۹	۱۵۶	۸۸،۱۳۹	قدیس				
۹۶۳	۴۴۹،۳۹۳	۹۶۳	۴۴۹،۳۹۳		مجموع			
۱۵۸	۱۹۱،۶۴۰	۱۵۸	۱۹۱،۶۴۰	شهر پلخمری		شهر پلخمری	بغلان	۳
۶۸	۱۹،۶۴۲	۶۸	۱۹،۶۴۲	اندراب	۱۴		مساحت ساحه ۲،۸۰ فیصد	
۱۶۵	۱۱۹،۶۰۴	۱۶۵	۱۱۹،۶۰۴	بغلان جدید			نفوس ۳،۲۰ فیصد	
۹۳	۳۹،۱۱۸	۹۳	۳۹،۱۱۸	بورکه			قریه جات غیر مسکونی: ۴	
۸۵	۴۳،۱۵۳	۸۵	۴۳،۱۵۳	دهنه غوری			قریه جات ویران شده: ۷۸	
۸۱	۲۹،۰۹۸	۸۱	۲۹،۰۹۸	ده سلا			قریه های	

							کوچک: ۱۸	
۱۳۰	۵۷,۱۶۰	۱۳۰	۵۷,۱۶۰	دوشی				
۲۸	۱۵,۵۵۲	۲۸	۱۵,۵۵۲	فرنگ غارو				
۲۰	۹,۵۶۸	۲۰	۹,۵۶۸	گذرگاه نور				
۷۳	۲۶,۳۴۴	۷۳	۲۶,۳۴۴	خنجان				
۵۲	۲۵,۰۵۸	۵۲	۲۵,۰۵۸	جلگه				
۱۳۳	۵۶,۶۷۸	۱۳۳	۵۶,۶۷۸	خوست فرنگ				
۱۲۲	۵۷,۵۰۹	۱۲۲	۵۷,۵۰۹	نهرین				
۵۶	۲۲,۱۹۶	۵۶	۲۲,۱۹۶	پل حصار				
۸۳	۲۹,۳۷۰	۸۳	۲۹,۳۷۰	تاله و برفک				
۱۳۴۷	۷۴۱,۶۹۰	۱۳۴۷	۷۴۱,۶۹۰	مجموع				
۰	۳۷۵,۱۸۱	۰	۳۷۵,۱۸۱	شهر مزار شریف		مزار شریف	بلخ	۴
۱۱۶	۹۷,۰۵۵	۱۱۶	۹۷,۰۵۵	بلخ	۱۴		مساحت ساحه ۲,۴۸ فیصد	
۱۶۱	۸۱,۳۱۱	۱۶۱	۸۱,۳۱۱	چمتال			نفوس ۴,۹۰ فیصد	
۱۰۹	۶۹,۹۷۵	۱۰۹	۶۹,۹۷۵	چاربولک			قریه جات غیر مسکونی: ۱۴	
۷۹	۳۲,۳۰۶	۷۹	۳۲,۳۰۶	چارکنت			قریه جات ویران شده: ۲۳	

۸۲	۷۹,۶۳۸	۸۲	۷۹,۶۳۸	دولت آباد			قریه‌های کوچک: ۱۲	
۵۸	۶۶,۰۰۹	۵۸	۶۶,۰۰۹	دهدادی				
۱۳	۱۷,۹۳۲	۱۳	۱۷,۹۳۲	کلدار				
۳۴	۴۹,۲۰۷	۳۴	۴۹,۲۰۷	خلم				
۱۶۶	۴۹,۰۸۳	۱۶۶	۴۹,۰۸۳	کشن ده				
۷	۹,۵۱۰	۷	۹,۵۱۰	مارمول				
۱۹	۳۸,۷۹۱	۱۹	۳۸,۷۹۱	نهرشاهی				
۱۱۰	۸۵,۲۶۹	۱۱۰	۸۵,۲۶۹	شولگره				
۱۹	۳۰,۳۱۴	۱۹	۳۰,۳۱۴	شورتیپه				
۱۵۲	۴۲,۳۶۷	۱۵۲	۴۲,۳۶۷	زاری				
۱۱۲۵	۱,۱۲۳,۹۴۸	۱۱۲۵	۱,۱۲۳,۹۴۸	مجموع				
۱۵۹	۷۰,۰۲۸	۱۵۹	۷۰,۰۲۸	شهر بامیان		شهر بامیان	بامیان	۵
۴۸	۳۱,۰۴۲	۴۸	۳۱,۰۴۲	که‌مرد	۶		مساحت ساحه فیصد ۲,۷۶	
۴۴۰	۴۸,۳۹۷	۴۴۰	۴۸,۳۹۷	پنجاب			نفوس فیصد ۱,۵۰	
۵۷	۲۳,۲۱۵	۵۷	۲۳,۲۱۵	سیغان			قریه‌جات غیر مسکونی: ۱	
۱۲۸	۲۲,۹۳۳	۱۲۸	۲۲,۹۳۳	شیر			قریه‌جات ویران شده: ۱۱	

۶۴۳	۸۲،۱۱۹	۶۴۳	۸۲،۱۱۹	ورس				
۳۵۱	۶۶،۱۵۸	۳۵۱	۶۶،۱۵۸	یکاولنگ				
۱۸۲۶	۳۴۳،۸۹۲	۱۸۲۶	۳۴۳،۸۹۲	مجموع				
۱۰۵	۳۰،۰۵۸	۱۰۵	۳۰،۰۵۸	شهر نیلی		شهر نیلی	دایکندی	۶
۱۳۶	۵۹،۹۴۷	۱۳۶	۵۹،۹۴۷	گیتی			مساحت ساحه ۲،۶۸ فیصد	
۱۴۰	۷۵،۵۰۳	۱۴۰	۷۵،۵۰۳	گیزاب			نفوس ۲،۱۰ فیصد	
۴۸۴	۵۲،۹۰۹	۴۸۴	۵۲،۹۰۹	اشترلی			قریه جات غیر مسکونی: ۳۰	
۴۲	۲۶،۲۵۹	۴۲	۲۶،۲۵۹	کجران			قریه جات ویران شده: ۸	
۱۸۰	۴۱،۴۲۰	۱۸۰	۴۱،۴۲۰	خدیر			قریه های کوچک: ۲	
۲۹۵	۷۸،۵۰۶	۲۹۵	۷۸،۵۰۶	میرامور				
۲۷۳	۴۶،۶۱۲	۲۷۳	۴۶،۶۱۲	سنگتخت				
۳۷۳	۶۶،۳۳۰	۳۷۳	۶۶،۳۳۰	شهرستان				
۲۰۲۸	۴۷۷،۵۴۴	۲۰۲۸	۴۷۷،۵۴۴	مجموع				
۱۱۸	۱۰۹،۴۰۹	۱۱۸	۱۰۹،۴۰۹	شهر فراه		شهر فراه	فراه	۷
۳۱	۲۴،۷۸۲	۳۱	۲۴،۷۸۲	انار دره	۱۰		مساحت ساحه ۷،۵۶ فیصد	
۹۰	۷۲،۴۶۵	۹۰	۷۲،۴۶۵	بالا بلوک			نفوس ۲،۱۰	

							فیصد	
۸۰	۳۹,۸۷۱	۸۰	۳۹,۸۷۱	بکواه			قریه جات غیر مسکونی: ۱۳	
۲۰	۴۹,۷۷۴	۲۰	۴۹,۷۷۴	گلستان			قریه جات ویران شده: ۳۷	
۶۷	۳۴,۶۰۰	۶۷	۳۴,۶۰۰	خاک سفید			قریه های کوچک: ۱	
۵۷	۲۰,۴۹۹	۵۷	۲۰,۴۹۹	لاش جوین				
۲۸۰	۵۱,۶۲۶	۲۸۰	۵۱,۶۲۶	پرچمن				
۵۶	۳۶,۳۱۵	۵۶	۳۶,۳۱۵	پشت رود				
۸۶	۳۰,۶۵۳	۸۶	۳۰,۶۵۳	قلعه کاه				
۵۱	۲۳,۰۱۳	۵۱	۲۳,۰۱۳	شیب کوه				
۱۱۲۴	۴۹۳,۰۰۷	۱۱۲۴	۴۹۳,۰۰۷	مجموع				
	۶۸,۰۵۵		۶۸,۰۵۵	شهر میمنه		شهر میمنه	فاریاب	۸
۹۴	۹۱,۹۰۰	۹۴	۹۱,۹۰۰	المار	۱۳		مساحت ساحه ۳,۳۰ فیصد	
۹	۴۱,۶۵۶	۹	۴۱,۶۵۶	اندخوی			نفوس ۳,۶۰ فیصد	
۳۳	۴۱,۷۰۶	۳۳	۴۱,۷۰۶	بلچراغ			قریه جات غیر مسکونی: ۵	
۴۶	۴۲,۰۷۸	۴۶	۴۲,۰۷۸	دولت آباد			قریه جات ویران شده: ۳۴	

۴۶	۷۲،۴۹۷	۴۶	۷۲،۴۹۷	گرزیوان			قریه‌های کوچک: ۴۵	
۹	۱۶،۹۴۳	۹	۱۶،۹۴۳	خان چارباغ				
۶۶	۴۵،۲۶۸	۶۶	۴۵،۲۶۸	خواجه سبزیپوش ولی				
۹۸	۵۳،۶۱۶	۹۸	۵۳،۶۱۶	کوهستان				
۲۵۱	۱۵۸،۲۵۰	۲۵۱	۱۵۸،۲۵۰	پشتون کوت				
۱۳	۱۶،۰۹۸	۱۳	۱۶،۰۹۸	قرم قول				
۱۳	۲۷،۱۱۶	۱۳	۲۷،۱۱۶	قورغان				
۱۹۶	۱۱۷،۴۷۷	۱۹۶	۱۱۷،۴۷۷	قیصر				
۸۱	۷۱،۰۶۴	۸۱	۷۱،۰۶۴	شرین تگاب				
۹۵۵	۸۳۳،۷۲۴	۹۵۵	۸۳۳،۷۲۴	مجموع				
۷۲	۱۵۴،۶۱۸	۷۲	۱۵۴،۶۱۸	شهر غزنی	شهر غزنی	غزنی	۹	
۶۹	۲۶،۱۲۴	۶۹	۲۶،۱۲۴	آب بند	۱۸	مساحت ساحه ۳،۴۴ فیصد		
۵۳	۲۴،۸۶۵	۵۳	۲۴،۸۶۵	اجرستان		نفوس ۴،۷۰ فیصد		
۲۵۵	۱۲۰،۲۷۷	۲۵۵	۱۲۰،۲۷۷	اندر		قریه‌جات غیر مسکونی: ۱۵		
۵۹	۴۴،۳۸۶	۵۹	۴۴،۳۸۶	ده یک		قریه‌جات ویران شده: ۱۹		
۱۳۶	۵۲،۰۷۳	۱۳۶	۵۲،۰۷۳	گیلان		قریه‌های		

							کوچک: ۱۵	
۹۷	۳۸,۱۱۰	۹۷	۳۸,۱۱۰	گیرو				
۱۴۷	۲۹,۳۷۸	۱۴۷	۲۹,۳۷۸	جغتو				
۵۶۸	۱۵۲,۱۶۲	۵۶۸	۱۵۲,۱۶۲	جاغوری				
۳۵	۱۷,۴۷۵	۳۵	۱۷,۴۷۵	خواجه عمری				
۲۸۴	۷۱,۷۸۴	۲۸۴	۷۱,۷۸۴	مالستان				
۱۱۴	۴۷,۴۲۵	۱۱۴	۴۷,۴۲۵	مقر				
۳۲	۵,۱۴۷	۳۲	۵,۱۴۷	نوا				
۴۸۰	۸۱,۹۰۹	۴۸۰	۸۱,۹۰۹	نووار				
۴۲۶	۱۳۲,۱۷۴	۴۲۶	۱۳۲,۱۷۴	قره باغ				
۴۸	۱۲,۲۷۹	۴۸	۱۲,۲۷۹	رشیدان				
۱۱۹	۳۶,۵۳۱	۱۱۹	۳۶,۵۳۱	واغاز				
۶۳	۱۶,۶۰۸	۶۳	۱۶,۶۰۸	ولی محمدشاه				
				خوگیانی				
۳۷	۱۷,۵۱۸	۳۷	۱۷,۵۱۸	زنه خان				
۳۰۹۴	۱,۰۰۸۰,۸۴۳	۳۰۹۴	۱,۰۰۸۰,۸۴۳	مجموع				
۳۰۰	۱۳۲,۴۴۲	۳۰۰	۱۳۲,۴۴۲	شهر چنچران		شهر چنچران	غور	۱۰
۶۰	۳۰۰۷۹	۶۰	۳۰۰۷۹	چارسده	۹		مساحت ساحه ۵,۶۷ فیصد	

۱۲۱	۳۳۳۶۴	۱۲۱	۳۳۳۶۴	دولتیار			نفوس ۲,۷۰ فیصد	
۱۰۹	۳۸۶۵۴	۱۰۹	۳۸۶۵۴	دولینه			قریه جات غیر مسکونی: ۳	
۴۶۴	۹۲۸۰۰	۴۶۴	۹۲۸۰۰	لعل و سرجنگل			قریه جات ویران شده: ۳۱	
۳۱۸	۹۲۳۵۶	۳۱۸	۹۲۳۵۶	پسابند			قریه های کوچک: ۶۵	
۱۱۱	۳۰۴۹۷	۱۱۱	۳۰۴۹۷	ساغر				
۱۸۰	۵۷۸۸۸	۱۸۰	۵۷۸۸۸	شهرک				
۲۴۸	۸۲۲۸۷	۲۴۸	۸۲۲۸۷	تیوره				
۱۹۶	۴۴۹۳۵	۱۹۶	۴۴۹۳۵	تولک				
۲۱۰۷	۶۳۵,۳۰۲	۲۱۰۷	۶۳۵,۳۰۲		مجموع			
۱۰۲	۲۰۱,۵۴۶	۱۰۲	۲۰۱,۵۴۶	شهر لشکرگاه		شهر لشکرگاه	هلمند	۱۱
۲۹۰	۱۲۹,۹۴۷	۲۹۰	۱۲۹,۹۴۷	باگران	۱۲		مساحت ساحه ۸,۹۳ فیصد	
۵۸	۲۹,۰۰۵	۵۸	۲۹,۰۰۵	دهشو			نفوس ۶,۲۰ فیصد	
۱۴۷	۱۰۷,۱۵۳	۱۴۷	۱۰۷,۱۵۳	گرمسیر			قریه جات غیر مسکونی: ۶	
۱۷۰	۱۱۹,۰۲۳	۱۷۰	۱۱۹,۰۲۳	کجکی			قریه جات	

							ویران شده: ۳۳	
۱۰۷	۱۳۸،۸۹۶	۱۰۷	۱۳۸،۸۹۶	موسی قلعه			قریه های کوچک: ۵	
۱۶۴	۲۳۵،۵۹۰	۱۶۴	۲۳۵،۵۹۰	نادعلی				
۲۰۶	۱۶۶،۸۲۷	۲۰۶	۱۶۶،۸۲۷	نهر سراج				
۱۲۹	۸۹،۸۱۴	۱۲۹	۸۹،۸۱۴	ناوه بارکزی				
۱۶۹	۱۰۸،۲۵۸	۱۶۹	۱۰۸،۲۵۸	نوزاد				
۴۲	۱۷،۳۳۳	۴۲	۱۷،۳۳۳	ریگ خان نشین				
۵۱	۶۶،۹۰۱	۵۱	۶۶،۹۰۱	سنگین قلعه				
۶۴	۳۱،۴۷۶	۶۴	۳۱،۴۷۶	واشر				
۱۶۹۹	۱،۴۴۱،۷۶۹	۱۶۹۹	۱،۴۴۱،۷۶۹	مجموع				
۰	۳۹۷،۴۵۶	۰	۳۹۷،۴۵۶	شهر هرات		شهر هرات	هرات	۱۲
۱۶۱	۵۶،۱۹۳	۱۶۱	۵۶،۱۹۳	ادرسکن	۱۵		مساحت ساحه ۸،۵۶ فیصد	
۶۸	۲۵،۴۲۸	۶۸	۲۵،۴۲۸	چشت شریف			نفوس ۷،۶۰ فیصد	
۲۱۲	۲۲۴،۶۰۷	۲۱۲	۲۲۴،۶۰۷	انجیل			قریه جات غیر مسکونی: ۱۳	
۸۷	۲۸،۲۵۲	۸۷	۲۸،۲۵۲	فرسی			قریه جات ویران شده: ۴۸	
۷۵	۹۰،۲۰۱	۷۵	۹۰،۲۰۱	غوریان			قریه های کوچک: ۲۵	

۲۲۴	۱۰۶،۹۸۳	۲۲۴	۱۰۶،۹۸۳	گلران				
۱۹۰	۱۳۵،۱۸۷	۱۹۰	۱۳۵،۱۸۷	گذره				
۱۲۰	۵۸،۵۹۴	۱۲۰	۵۸،۵۹۴	کروخ				
۱۵۶	۱۳۳،۴۴۶	۱۵۶	۱۳۳،۴۴۶	کشک (روبات سنگی)				
۹۳	۴۱،۶۴۲	۹۳	۴۱،۶۴۲	کشک کهنه				
۳۶	۵۷،۷۸۲	۳۶	۵۷،۷۸۲	کوهسان				
۱۳۹	۷۵،۱۷۵	۱۳۹	۷۵،۱۷۵	اوبی				
۱۷۴	۹۰،۸۱۷	۱۷۴	۹۰،۸۱۷	پشتون زرغون				
۳۳۳	۱۸۵،۴۱۸،	۳۳۳	۱۸۵،۴۱۸،	شیندند				
۷۶	۵۴،۹۷۶	۷۶	۵۴،۹۷۶	زنده جان				
۲۱۴۴	۱،۷۶۲،۱۵۷	۲۱۴۴	۱،۷۶۲،۱۵۷	مجموع				
۷۷	۱۴۸،۳۲۹	۷۷	۱۴۸،۳۲۹	شهر شبرغان		شهر شبرغان	جوزجان	۱۳
۱۹	۴۲،۰۶۱	۱۹	۴۲،۰۶۱	آقچه	۱۰		مساحت ساحه ۱،۷۳ فیصد	
۵۹	۳۷،۱۸۵	۵۹	۳۷،۱۸۵	درزاب			نفوس ۱،۸۰ فیصد	
۵۵	۳۳،۹۶۹	۵۵	۳۳،۹۶۹	فیض آباد			قریه جات غیر مسکونی: ۵	
۴۴	۳۰،۹۲۷	۴۴	۳۰،۹۲۷	خان آقا			قریه جات ویران شده: ۲۱	

۵	۱۲,۵۱۷	۵	۱۲,۵۱۷	خمياب			قریه‌های کوچک: ۲	
۲۳	۱۹,۳۷۲	۲۳	۱۹,۳۷۲	خواجه دوکوه				
۳۴	۳۱,۴۹۲	۳۴	۳۱,۴۹۲	مينگجیک				
۲۷	۲۶,۳۲۶	۲۷	۲۶,۳۲۶	مردیان				
۳	۱۹,۸۷۸	۳	۱۹,۸۷۸	قرقین				
۴۰	۲۴,۹۳۱	۴۰	۲۴,۹۳۱	قوش تپه				
۳۸۶	۴۲۶,۹۸۷	۳۸۶	۴۲۶,۹۸۷	مجموع				
۰	۱,۹۲۵,۵۴۸	۰	۱,۹۲۵,۵۴۸	شهر کابل		شهر کابل	کابل	۱۴
۳۷	۶۸,۲۸۷	۳۷	۶۸,۲۸۷	بگرامی	۱۴		مساحت ساحه ۰,۶۹ فیصد	
۴۹	۲۶,۰۸۹	۴۹	۲۶,۰۸۹	چهار آسیاب			نفوس ۱۰,۵۰ فیصد	
۵۲	۴۷,۳۴۸	۵۲	۴۷,۳۴۸	ده سبز			قریه‌جات غیر مسکونی: ۲	
۱۶	۱۵,۱۳۹	۱۶	۱۵,۱۳۹	فرزه			قریه‌جات ویران شده: ۳۴	
۲۹	۱۴,۲۴۵	۲۹	۱۴,۲۴۵	گلدره			قریه‌های کوچک: ۱۲	
۳۵	۱۶,۵۱۳	۳۵	۱۶,۵۱۳	استالف				
۲۱	۱۸,۱۹۲	۲۱	۱۸,۱۹۲	کلکان				
۳۵	۷,۴۶۱	۳۵	۷,۴۶۱	خاک جبار				

۲۷	۳۲,۴۶۱	۲۷	۳۲,۴۶۱	میربچه کوت				
۳۹	۱۸,۳۵۱	۳۹	۱۸,۳۵۱	موسهلی				
۱۰۵	۸۲,۵۹۷	۱۰۵	۸۲,۵۹۷	پغمان				
۶۱	۵۰,۱۳۹	۶۱	۵۰,۱۳۹	قره باغ				
۹۵	۵۷,۶۴۴	۹۵	۵۷,۶۴۴	شکردره				
۱۵۴	۴۴,۸۷۱	۱۵۴	۴۴,۸۷۱	سروبی				
۷۵۵	۲,۴۲۵,۰۶۷	۷۵۵	۲,۴۲۵,۰۶۷	مجموع				
۱۳۷	۴۳۷,۶۲۵	۱۳۷	۴۳۷,۶۲۵	شهر کندهار		شهر کندهار	کندهار	۱۵
۴۳	۵۳,۲۰۵	۴۳	۵۳,۲۰۵	ارغنداب	۱۵		مساحت ساحه ۸,۴۰ فیصد	
****	****	****	****	ارغستان			نفوس ۳,۹۰ فیصد	
۱۱۸	۲۷,۶۸۰	۱۱۸	۲۷,۶۸۰	دامان			قریه جات غیر مسکونی: ۶۹	
****	****	****	****	غورک			قریه جات ویران شده: ۳۸	
۶۹	۱۵,۰۷۴	۶۹	۱۵,۰۷۴	خاکریز			قریه های کوچک: ۳	
۱۵۶	۵۸,۲۵۴	۱۵۶	۵۸,۲۵۴	میوند				
****	****	****	****	ماروف				
****	****	****	****	میان نشین				

****	****	****	****	نیش				
۱۱۰	۷۴,۹۴۳	۱۱۰	۷۴,۹۴۳	پنجوایی				
****	****	****	****	شیگه (ریگ)				
****	****	****	****	شاهولی کوت				
****	****	****	****	شوراوک				
۲۰۳	۱۴۹,۸۵۳	۲۰۳	۱۴۹,۸۵۳	اسپین بولدک				
۱۰۸	۹۵,۳۹۶	۱۰۸	۹۵,۳۹۶	ژیری				
۹۴۴	۹۱۲,۰۳۰	۹۴۴	۹۱۲,۰۳۰	مجموع				
۶۱	۴۸,۷۷۴	۶۱	۴۸,۷۷۴	شهر محمود راقی	شهر محمود راقی	کاپیسا	۱۶	
۷۱	۳۴,۸۹۴	۷۱	۳۴,۸۹۴	اله سای	۶	مساحت ساحه ۲۹,۰ فیصد		
۶۹	۴۶,۹۰۶	۶۹	۴۶,۹۰۶	حصه اول کوهستان		نفوس ۱,۵۰ فیصد		
۴۴	۴۲,۳۴۴	۴۴	۴۲,۳۴۴	حصه دوم کوهستان		قریه جات غیر مسکونی: ۱		
۴۲	۱۹,۶۰۰	۴۲	۱۹,۶۰۰	کوه بند		قریه جات ویران شده: ۷		
۱۵۹	۹۲,۵۳۳	۱۵۹	۹۲,۵۳۳	نجراب		قریه های کوچک: ۵۶		
۱۱۳	۷۳,۲۱۷	۱۱۳	۷۳,۲۱۷	تگاب				
۵۵۹	۳۵۸,۲۶۸	۵۵۹	۳۵۸,۲۶۸	مجموع				

۱۷	خوست	شهرخوست		شهر خوست	۱۶۰،۲۱۴	۱۵۵	۱۶۰،۲۱۴	۱۵۵
	مساحت ساحه فیصد	۱۲	علی شیر	شهر خوست	۴۷،۶۵۰	۶۴	۴۷،۶۵۰	۶۴
	نفوس فیصد		باک		۲۷،۶۷۵	۳۲	۲۷،۶۷۵	۳۲
	قریه جات غیر مسکونی: ۳		گوریز		۳۰،۷۵۱	۵۸	۳۰،۷۵۱	۵۸
	قریه جات ویران شده: ۱۱		مندوزی اسماعیل خیل		۶۱،۶۸۲	۶۶	۶۱،۶۸۲	۶۶
	قریه های کوچک: ۴		جاجی میدان		۲۳،۱۹۷	۷۵	۲۳،۱۹۷	۷۵
			موسی خیل		۴۱،۹۹۸	۸۳	۴۱،۹۹۸	۸۳
			نادر شاه کوت		۳۷،۱۹۳	۴۴	۳۷،۱۹۳	۴۴
			قلندر		۱۱،۴۰۶	۲۲	۱۱،۴۰۶	۲۲
			صابری (یعقوبی)		۸۹،۷۷۹	۶۳	۸۹،۷۷۹	۶۳
			شمول		۱۳،۵۲۳	۲۵	۱۳،۵۲۳	۲۵
			اسپیره		۲۶،۶۸۵	۶۲	۲۶،۶۸۵	۶۲
			تنی		۶۷،۰۹۶	۱۱۵	۶۷،۰۹۶	۱۱۵
			مجموع		۶۳۸،۸۴۹	۸۶۴	۶۳۸،۸۴۹	۸۶۴
۱۸	کنر	شهر	شهر اسدآباد		۲۹،۱۷۷	۱۱	۲۹،۱۷۷	۱۱

					اسدآباد		
۴۷	۲۰,۷۱۶	۴۷	۲۰,۷۱۶	بار کنر	۱۴	مساحت ساحه ۰,۷۵ فیصد	
۵۳	۲۸,۶۸۱	۵۳	۲۸,۶۸۱	چپه دره		نفوس ۱,۸۰ فیصد	
۳۹	۱۵,۵۰۹	۳۹	۱۵,۵۰۹	دنغم		قریه جات غیر مسکونی: ۵	
۱۰۵	۴۴,۹۵۸	۱۰۵	۴۴,۹۵۸	دره پیچ		قریه جات ویران شده: ۱۱	
۳۶	۲۳,۶۶۳	۳۶	۲۳,۶۶۳	غازی آباد		قریه های کوچک: ۸	
۴۰	۳۱,۹۵۰	۴۰	۳۱,۹۵۰	خاص کنر			
۳۲	۱۷,۳۱۶	۳۲	۱۷,۳۱۶	مره وره			
۴۶	۳۲,۵۱۰	۴۶	۳۲,۵۱۰	ناری			
۶۷	۲۷,۹۳۷	۶۷	۲۷,۹۳۷	نارنگ و بادیل			
۴۱	۲۵,۰۴۷	۴۱	۲۵,۰۴۷	نورگل			
۳۱	۲۴,۰۸۰	۳۱	۲۴,۰۸۰	سرکانی			
۶۲	۲۸,۹۰۵	۶۲	۲۸,۹۰۵	سواکی			
۷۹	۳۳,۷۸۱	۷۹	۳۳,۷۸۱	شیگل و سلطان			
۷۴	۲۸,۷۷۸	۷۴	۲۸,۷۷۸	وتپور			

۷۶۳	۴۱۳,۰۰۸	۷۶۳	۴۱۳,۰۰۸		مجموع			
۱۷۱	۲۴۷,۴۵۰	۱۷۱	۲۴۷,۴۵۰	شهر کندوز		شهر کندوز	کندز	۱۹
۵۸	۳۸,۵۲۲	۵۸	۳۸,۵۲۲	علی آباد	۶		مساحت ساحه ۱,۲۴ فیصد	
۵۴	۶۱,۵۸۷	۵۴	۶۱,۵۸۷	چار دره			نفوس ۳,۳۰ فیصد	
۱۲۱	۵۷,۱۵۰	۱۲۱	۵۷,۱۵۰	دشت ارچی			قریه جات غیر مسکونی: ۲	
۱۴۵	۱۹۹,۱۸۶	۱۴۵	۱۹۹,۱۸۶	حضرت امام صاحب			قریه جات ویران شده: ۱۵	
۱۴۳	۱۱۴,۷۴۳	۱۴۳	۱۱۴,۷۴۳	خان آباد			قریه های کوچک: ۱۷۶	
۳۵	۵۴,۷۴۹	۳۵	۵۴,۷۴۹	قلعه ذال				
۷۲۷	۷۷۳,۳۸۷	۷۲۷	۷۷۳,۳۸۷		مجموع			
۱۵۸	۱۱۲,۸۵۶	۱۵۸	۱۱۲,۸۵۶	شهر مهترلام بابا		شهر مهترلام بابا	لغمان	۲۰
۱۱۲	۸۹,۷۱۶	۱۱۲	۸۹,۷۱۶	علنگار	۴		مساحت ساحه ۰,۶۱ فیصد	
۱۳۸	۶۸,۱۵۳	۱۳۸	۶۸,۱۵۳	علی سنگ			نفوس ۱,۸۰ فیصد	
۷۰	۴۰,۸۸۷	۷۰	۴۰,۸۸۷	دولت شاه			قریه جات غیر	

							مسکونی: ۲	
۱۳۹	۷۰,۶۶۸	۱۳۹	۷۰,۶۶۸	قرغائی			قریه‌جات ویران شده: ۱۵	
۶۱۷	۳۸۲,۲۸۰	۶۱۷	۳۸۲,۲۸۰		مجموع		قریه‌های کوچک: ۲	
۱۹۳	۸۸,۸۸۶	۱۹۳	۸۸,۸۸۶	شهر پل علم		شهر پل علم	لوگر	۲۱
۵۵	۱۴,۵۵۰	۵۵	۱۴,۵۵۰	ازره	۶		مساحت ساحه فیصد ۰,۷۰	
۱۳۲	۷۸,۰۶۳	۱۳۲	۷۸,۰۶۳	برکی برک			نفوس فیصد ۱,۴۰	
۶۰	۴۰,۴۹۲	۶۰	۴۰,۴۹۲	چرخ			قریه‌جات غیر مسکونی: ۱۹	
۵۳	۲۶۶,۰۷	۵۳	۲۶۶,۰۷	خروار			قریه‌جات ویران شده: ۲۳	
۴۹	۱۵,۱۲۷	۴۹	۱۵,۱۲۷	خوشی			قریه‌های کوچک: ۱۹	
۱۱۰	۵۸,۹۷۹	۱۱۰	۵۸,۹۷۹	محمدآغه				
۶۵۲	۳۲۲,۷۰۴	۶۵۲	۳۲۲,۷۰۴		مجموع			
۸۰	۴۹,۸۵۱	۸۰	۴۹,۸۵۱	شهر زرنج		شهر زرنج	نیمروز	۲۲
۸۰	۱۱,۱۶۵	۸۰	۱۱,۱۶۵	اسله چخانسور	۴		مساحت ساحه ۶,۵۰ فیصد	

۵۹	۸,۰۸۰	۵۹	۸,۰۸۰	چار برجک			نفوس ۰,۵۰ فیصد	
۵۹	۱۳,۵۱۴	۵۹	۱۳,۵۱۴	کنگ			قریه جات غیر مسکونی: ۲۷	
۵۹	۳۵,۳۸۱	۵۹	۳۵,۳۸۱	خاشرود			قریه جات ویران شده: ۲۳۴	
۳۳۷	۱۱۷,۹۹۱	۳۳۷	۱۱۷,۹۹۱		مجموع		قریه های کوچک:	
۰	۲۰۵,۴۲۳	۰	۲۰۵,۴۲۳	شهر جلال آباد		شهر جلال آباد	ننگرهار	۲۳
۱۵۶	۹۵,۴۶۸	۱۵۶	۹۵,۴۶۸	آچین	۲۱		مساحت ساحه ۱,۱۷ فیصد	
۴۸	۷۱,۳۰۸	۴۸	۷۱,۳۰۸	باتی کوت			نفوس ۵,۸۰ فیصد	
۷۱	۱۱۸,۹۳۴	۷۱	۱۱۸,۹۳۴	بهسود			قریه جات غیر مسکونی: ۵	
۵۵	۵۷,۳۳۹	۵۵	۵۷,۳۳۹	چپرهار			قریه جات ویران شده: ۷	
۴۴	۲۸,۲۰۲	۴۴	۲۸,۲۰۲	دره نور			قریه های کوچک: ۳۵	
۴۲	۱۳,۴۷۹	۴۲	۱۳,۴۷۹	دور بابه				
۵۹	۳۳,۲۹۴	۵۹	۳۳,۲۹۴	ده بالا				
۴۹	۳۱,۱۳۰	۴۹	۳۱,۱۳۰	گشته				

۹۵	۲۸،۳۷۶	۹۵	۲۸،۳۷۶	حصارک				
۶۴	۵۲،۵۲۷	۶۴	۵۲،۵۲۷	کامه				
۱۴۶	۱۱۱،۴۷۹	۱۴۶	۱۱۱،۴۷۹	خوگیانی				
۳۷	۵۲،۱۵۴	۳۷	۵۲،۱۵۴	کوت				
۵۳	۴۲،۸۲۳	۵۳	۴۲،۸۲۳	کزکنر				
۲۰	۱۸،۹۹۷	۲۰	۱۸،۹۹۷	لال پور				
۳۹	۴۲،۱۰۳	۳۹	۴۲،۱۰۳	مهمند دره				
۳۲	۱۶،۳۲۸	۳۲	۱۶،۳۲۸	نزبان				
۵۷	۴۰،۱۴۱	۵۷	۴۰،۱۴۱	پچیر وا اگم				
۴۹	۶۳،۳۵۷	۴۹	۶۳،۳۵۷	رودک				
۳۶	۶۴،۸۷۲	۳۶	۶۴،۸۷۲	شینوار				
۱۱۰	۶۳،۲۳۲	۱۱۰	۶۳،۲۳۲	شیرزاد				
۱۰۳	۹۱،۵۴۸	۱۰۳	۹۱،۵۴۸	سرخ رود				
۱۳۶۵	۱،۳۴۲،۵۱۴	۱۳۶۵	۱،۳۴۲،۵۱۴	مجموع				
۲۲	۱۱،۵۰۸	۲۲	۱۱،۵۰۸	شهر پرون		شهر پرون	نورستان	۲۴
۲۳	۱۸،۳۹۸	۲۳	۱۸،۳۹۸	برگی متال	۷		مساحت ساحه ۱،۴۲ فیصد	
۱۷	۶،۹۷۳	۱۷	۶،۹۷۳	دو آب			نفوس ۰،۶۰ فیصد	
۳۷	۳۲،۷۲۰	۳۷	۳۲،۷۲۰	کامدیش			قریه جات غیر مسکونی: ۵	

۴۹	۱۱،۸۷۵	۴۹	۱۱،۸۷۵	مندول			قریه جات ویران شده: ۲	
۴۵	۱۳،۰۲۳	۴۵	۱۳،۰۲۳	نورگرام			قریه های کوچک: ۱	
۳۵	۲۵،۴۲۵	۳۵	۲۵،۴۲۵	واگال				
۳۳	۱۱،۰۴۲	۳۳	۱۱،۰۴۲	وامه				
۲۶۱	۱۳۰،۹۶۴	۲۶۱	۱۳۰،۹۶۴	مجموع				
۹۱	۷۳،۱۳۱	۹۱	۷۳،۱۳۱	شهر گردیز		شهر گردیز	پکتیا	۲۵
۶۹	۵۸،۵۶۹	۶۹	۵۸،۵۶۹	سمکنی	۱۰		مساحت ساحه ۰،۸۶ فیصد	
۵۰	۳۰،۱۶۴	۵۰	۳۰،۱۶۴	دند پتان			نفوس ۲،۲۰ فیصد	
۶۵	۶۱،۴۰۴	۶۵	۶۱،۴۰۴	جاجی			قریه جات غیرمسکونی: ۲	
۷۳	۴۰،۳۴۰	۷۳	۴۰،۳۴۰	جانی خیل			قریه جات ویران شده: ۱۶	
۵۷	۴۵،۹۲۳،	۵۷	۴۵،۹۲۳،	احمد خیل			قریه های کوچک: ۹	
۵۵	۳۵،۶۷۳	۵۵	۳۵،۶۷۳	رود احمد آباد				
۵۸	۴۲،۹۶۷	۵۸	۴۲،۹۶۷	سید کرم				
۲۳	۲،۰۲۵	۲۳	۲،۰۲۵	شواک				
۶۷	۳۸،۰۱۱	۶۷	۳۸،۰۱۱	وزه جدران				

۱۶۷	۸۶۶۰۹	۱۶۷	۸۶۶۰۹	زرمت				
۷۷۵	۵۱۴،۸۱۶	۷۷۵	۵۱۴،۸۱۶		مجموع			
۹۷	۵۴،۴۱۶	۹۷	۵۴،۴۱۶	شهر شرن		شهر شرن	پکتیکا	۲۶
۱۱۳	۸۸،۰۲۸	۱۱۳	۸۸،۰۲۸	برمل	۱۸		مساحت ساحه ۲،۹۹ فیصد	
۱۰۰	۵۰،۲۰۳	۱۰۰	۵۰،۲۰۳	ديله خوشمند			نفوس ۳،۵۰ فیصد	
۴۶	۴۲،۴۹۵	۴۶	۴۲،۴۹۵	گیان			قریه جات غیر مسکونی: ۹	
۱۱۴	۶۴،۲۷۵	۱۱۴	۶۴،۲۷۵	غورمل			قریه جات ویران شده: ۲۲	
۸۵	۳۵،۲۵۱	۸۵	۳۵،۲۵۱	جانی خیل			قریه های کوچک: ۶	
۵۴	۱۹،۷۵۸	۵۴	۱۹،۷۵۸	متا خیل				
۲۰	۱۵،۱۰۳	۲۰	۱۵،۱۰۳	نیکا				
۴۲	۲۵،۶۹۰	۴۲	۲۵،۶۹۰	اومنا				
۵۵	۴۸،۲۹۱	۵۵	۴۸،۲۹۱	سروبی				
۳۲	۳۶،۲۳۶	۳۲	۳۶،۲۳۶	سر روضه				
۳۱	۱۵،۳۳۲	۳۱	۱۵،۳۳۲	ترو				
۹۵	۸۹،۷۱۸	۹۵	۸۹،۷۱۸	ارگون				
۷۷	۳۰،۱۳۵	۷۷	۳۰،۱۳۵	وار مامی				

۱۲۶	۵۰،۸۱۸	۱۲۶	۵۰،۸۱۸	واړخ وا				
۵۱	۳۰،۱۶۱	۵۱	۳۰،۱۶۱	يحييا خيل				
۳۸	۳۲،۶۴۸	۳۸	۳۲،۶۴۸	يوسف خيل				
۵۸	۳۸،۰۲۴	۵۸	۳۸،۰۲۴	زرغون شهر				
۲۱	۴۳،۱۹۰	۲۱	۴۳،۱۹۰	زيروك				
۱۲۵۵	۸۰۹،۳۲۷	۱۲۵۵	۸۰۹،۳۲۷	مجموع				
۵۳	۱۵،۵۹۳	۵۳	۱۵،۵۹۳	شهر بازارك		شهر بازارك	پنجشير	۲۷
۱۳	۱۲،۵۸۷	۱۳	۱۲،۵۸۷	عنايه	۶		مساحت ساحه فيصد ۰،۵۸	
۶۰	۲۰،۳۶۰	۶۰	۲۰،۳۶۰	دره			نفوس فيصد ۰،۵۰	
۶۷	۲۶،۷۲۲	۶۷	۲۶،۷۲۲	حصه اول خنچ			قريه جات غير مسكوني: ۱	
۲۹	۱۲،۵۲۵	۲۹	۱۲،۵۲۵	پريان			قريه جات ويران شده:	
۳۱	۱۰،۱۰۲	۳۱	۱۰،۱۰۲	روخه			قريه هاي كوچك: ۶۵	
۲۵	۱۱،۳۰۰	۲۵	۱۱،۳۰۰	شتل				
۲۷۸	۱۰۹،۱۸۹	۲۷۸	۱۰۹،۱۸۹	مجموع				
۷۷	۱۳۰،۶۱۳	۷۷	۱۳۰،۶۱۳	شهر چاريكار		شهر	پروان	۲۸

						چاریکار		
۱۰۷	۷۵,۴۲۳	۱۰۷	۷۵,۴۲۳	بگرام	۹		مساحت ساحه ۰,۸۸ فیصد	
۱۰۶	۷۴,۱۲۳	۱۰۶	۷۴,۱۲۳	غوربند			نفوس ۲,۱۰ فیصد	
۷۲	۴۸,۰۵۲	۷۲	۴۸,۰۵۲	جبل السراج			قریه جات غیر مسکونی: ۳	
۶۲	۱۳,۶۲۷	۶۲	۱۳,۶۲۷	کوه صافی			قریه جات ویران شده: ۱۱	
۴۸	۳۳,۳۳۴	۴۸	۳۳,۳۳۴	سیدخیل			قریه های کوچک: ۳۶	
۸۷	۲۱,۱۷۱	۸۷	۲۱,۱۷۱	سالنگ				
۱۰۳	۲۲,۸۳۱	۱۰۳	۲۲,۸۳۱	شیخعلی				
۸۵	۳۹,۰۵۷	۸۵	۳۹,۰۵۷	شنواری				
۱۵۴	۳۳,۶۳۹	۱۵۴	۳۳,۶۳۹	سرخ پارسا				
۹۰۱	۴۹۱,۸۷۰	۹۰۱	۴۹۱,۸۷۰		مجموع			
۷۸	۸۵,۴۲۷	۷۸	۸۵,۴۲۷	شهر عیبک		شهر عیبک	سمنگان	۲۹
۱۳۷	۵۲,۴۷۳	۱۳۷	۵۲,۴۷۳	دره صوف علیا	۶		مساحت ساحه ۲,۰۶ فیصد	
۱۷۵	۵۵,۸۵۸	۱۷۵	۵۵,۸۵۸	دره صوف پایین			نفوس ۱,۴ فیصد	
۲۰	۱۱,۷۰۱	۲۰	۱۱,۷۰۱	فیروز نخچیر				

۶۵	۳۶,۶۹۰	۶۵	۳۶,۶۹۰	حضرت سلطان			قریه جات غیر مسکونی: ۲	
۶۳	۳۰,۷۰۴	۶۳	۳۰,۷۰۴	خرم سرباغ			قریه جات ویران شده: ۵۷	
۹۵	۴۰,۳۵۸	۹۵	۴۰,۳۵۸	روی دو آب			قریه های کوچک: ۱۸	
۶۳۳	۳۱۳,۲۱۱	۶۳۳	۳۱۳,۲۱۱		مجموع			۳۰
۲۰۱	۱۱۵,۴۶۳	۲۰۱	۱۱۵,۴۶۳	شهر سرپل		شهر سرپل	سرپل	
۱۲۴	۴۴,۰۴۱	۱۲۴	۴۴,۰۴۱	بلخاب			مساحت ساحه ۳,۱۹ فیصد	
۵۷	۳۹,۷۲۱	۵۷	۳۹,۷۲۱	گوسفندی			نفوس ۱,۹۰ فیصد	
۱۳۷	۷۲,۰۳۷	۱۳۷	۷۲,۰۳۷	کوهستانات			قریه جات غیر مسکونی: ۲	
۱۳۷	۸۷,۶۷۰	۱۳۷	۸۷,۶۷۰	سنگ چارک			قریه جات ویران شده: ۱۲	
۷۹	۴۷,۳۳۶	۷۹	۴۷,۳۳۶	صیاد			قریه های کوچک: ۲	
۶۵	۳۵,۹۹۳	۶۵	۳۵,۹۹۳	سوزمه قلعه				
۸۰۰	۴۴۲,۲۶۱	۸۰۰	۴۴۲,۲۶۱		مجموع			
۱۹۲	۱۹۴,۴۷۱	۱۹۲	۱۹۴,۴۷۱	شهر تالقان		شهر تالقان	تخار	۳۱

۱۰۰	۵۱،۱۵۳	۱۰۰	۵۱،۱۵۳	اشکمش	۱۶	مساحت ساحه ۱،۹۱ فیصد
۷۰	۴۰،۹۰۲	۷۰	۴۰،۹۰۲	بهارک		نفوس ۳،۶۰ فیصد
۵۵	۲۸،۱۹۷	۵۵	۲۸،۱۹۷	بنگی		قریه جات غیر مسکونی: ۵
۵۶	۲۴،۵۹۶	۵۶	۲۴،۵۹۶	چال		قریه جات ویران شده: ۱۳
۶۲	۶۴،۱۵۱	۶۲	۶۴،۱۵۱	چهاب		قریه های کوچک: ۶۰
۳۱	۲۵،۷۷۱	۳۱	۲۵،۷۷۱	دارقد		
۳۴	۳۵،۳۴۷	۳۴	۳۵،۳۴۷	دشتی قلعه		
۶۴	۳۹،۸۶۴	۶۴	۳۹،۸۶۴	فرخار		
۲۷	۹،۷۷۴	۲۷	۹،۷۷۴	هازر سموچ		
۴۲	۲۸،۱۲۲	۴۲	۲۸،۱۲۲	کلفگان		
۲۴	۲۶،۲۸۰	۲۴	۲۶،۲۸۰	خواجه بهاوالدین		
۵۶	۴۴،۹۰۹	۵۶	۴۴،۹۰۹	خواجه غار		
۲۲	۱۱،۵۶۳	۲۲	۱۱،۵۶۳	نمک آب		
۱۷۳	۱۳۲،۳۱۵	۱۷۳	۱۳۲،۳۱۵	رستاق		
۹۰	۳۳،۵۰۶	۹۰	۳۳،۵۰۶	ورسج		
۵۴	۳۹،۳۹۸	۵۴	۳۹،۳۹۸	ینگی قلعه		

۱۱۵۲	۸۳۰،۳۱۹	۱۱۵۲	۸۳۰،۳۱۹		مجموع			
۱۴۶	۱۰۹،۷۱۲	۱۴۶	۱۰۹،۷۱۲	شهر ترینکوت		شهر ترینکوت	ارزگان	۳۲
۱۰۰	۷۳،۷۵۹	۱۰۰	۷۳،۷۵۹	چوره	۴		مساحت ساحه ۱،۷۶ فیصد	
۹۵	۵۰،۷۱۸	۹۵	۵۰،۷۱۸	دهراوود			نفوس ۱،۴۰ فیصد	
۸۷	۳۷،۸۸۸	۸۷	۳۷،۸۸۸	خاص اروزگان			قریه جات غیر مسکونی ۱۰۳	
۷۸	۴۸،۵۱۲	۷۸	۴۸،۵۱۲	شاهدی حساس			قریه جات ویران شده: ۴	
۵۰۶	۳۲۰،۵۸۹	۵۰۶	۳۲۰،۵۸۹		مجموع			
۶۴	۳۵،۰۰۸	۶۴	۳۵،۰۰۸	شهر میدان شهر		شهر میدان شهر	وردک	۳۳
۱۹۹	۸۳،۳۷۶	۱۹۹	۸۳،۳۷۶	چک وردک	۸		مساحت ساحه ۱،۵۹ فیصد	
۱۱۵	۲۸،۸۶۵	۱۱۵	۲۸،۸۶۵	ده میرداد			نفوس ۲،۳۰ فیصد	
۲۸۲	۲۵،۰۷۹	۲۸۲	۲۵،۰۷۹	حصه اول بهسود			قریه جات غیر مسکونی	
۱۰۵	۴۶،۶۶۷	۱۰۵	۴۶،۶۶۷	جغتو			قریه جات ویران شده: ۱۲	

۱۲۴	۴۴,۸۷۳	۱۲۴	۴۴,۸۷۳	جلریز			قریه‌های کوچک: ۲۴	
۷۷۳	۹۴,۳۲۸	۷۷۳	۹۴,۳۲۸	مرکز بهسود				
۱۳۷	۵۶,۳۵۴	۱۳۷	۵۶,۳۵۴	نرخ				
۱۶۶	۱۱۴,۷۹۳	۱۶۶	۱۱۴,۷۹۳	سید آباد				
۱۹۶۵	۵۲۹,۳۴۳	۱۹۶۵	۵۲۹,۳۴۳	مجموع				
۹۱	۳۶,۵۶۰	۹۱	۳۶,۵۶۰	شهر قلات	شهر قلات		زابل	۳۴
****	****	****	****	ارغنداب	۱۰		مساحت ساحه فیصد ۲,۶۸	
۴۷	۱۳,۹۷۳	۴۷	۱۳,۹۷۳	اتغر			نفوس فیصد ۱,۱۰	
****	****	****	****	ده چوپان			قریه‌جات غیر مسکونی: ۷۳	
****	****	****	****	کاگر			قریه‌جات ویران شده: ۱۹	
۹۹	۲۱,۱۶۲	۹۹	۲۱,۱۶۲	میزان				
۲۲۰	۷۱,۳۴۸	۲۲۰	۷۱,۳۴۸	شاه جوی				
۲۴۷	۳۳,۳۵۱	۲۴۷	۳۳,۳۵۱	شمل ذائی				
۱۱۶	۲۸,۳۴۴	۱۱۶	۲۸,۳۴۴	شینکی				
۱۵۷	۱۹,۰۱۷	۱۵۷	۱۹,۰۱۷	ترنک جلدک				
۹۲	۲۱,۱۴۴	۹۲	۲۱,۱۴۴	نوبهار				

۱۰۶۹	۲۴۴،۸۹۹	۱۰۶۹	۲۴۴،۸۹۹		مجموع			
۳۷،۷۶۹	۲۳،۵۶۵،۲۰۰	۳۷،۷۶۹	۲۳،۵۶۵،۲۰۰		۳۶۴		مجموع	
							معلومات CSO موجود نیست	

لیست شاروالی‌ها

ولایت و تعداد شاروالی‌ها در ولایت / تعداد مجموعی = ۱۵۳	شاروالی	تعداد نواحی	تعداد مأمورین در سال ۱۳۸۶	تعداد اجیران در سال ۱۳۸۶	تعداد مجموعی کارمندان	عواید ۱۳۸۶ به افغانی	سال عادی ۱۳۸۶ به افغانی	مصارف مصارف انکشافی ۱۳۸۶ به افغانی
بدخشان (۵)	شهر فیض آباد	۱۱	۲۲	۲۸	۵۰	۳۴،۴۳۵،۷۷۶	۴،۴۷۹،۹۳۴	۲۹،۹۵۵،۸۴۲
	دریم (شاروالی جدید)	۳	۳	۳	۶	۱،۱۷۱،۰۰۰	۳۶۵،۷۴۴	۸۰۵،۲۵۶
	جرم	۴	۴	۴	۸	۲،۴۴۲،۰۰۰	۴۲۳،۴۰۴	۲،۰۱۸،۵۹۶
	بهارک	۴	۴	۴	۸	۱،۶۸۵،۰۰۰	۴۶۹،۶۶۴	۱،۲۱۵،۳۳۶
	کشم	۵	۵	۱۲	۱۷	۳،۴۱۰،۰۰۰	۱،۰۸۲،۰۶۸	۲،۳۲۷،۹۳۲
بادغیس (۴)	شهر قلعه نو	۴	۱۲	۲۲	۳۴	۷،۸۲۰،۱۳۱	۱،۷۹۸،۲۱۲	۳،۹۰۹،۰۰۰
	بالامرغاب	۳	۳	۵	۸	۲،۶۸۶،۰۰۰	۸۸۵،۲۵۲	۱،۱۵۰،۰۰۰
	قادس	۲	۲	۲	۴	۵۸۷،۰۰۰	۱۹۵،۸۵۶	۲۲۸،۲۵۰
	غورماچ	۲	۲	۲	۴	۱،۵۵۱،۳۹۲	۳۶۲،۰۶۰	۵۵۰،۰۰۰

۶۳۸۰۰،۰۰۰	۱۴،۳۸۰،۰۷۶	۸۷،۸۱۰،۶۵۹	۱۰۰	۵۸	۴۲	۳	شهر پلخمری	بغلان (۱۰)
۶،۷۸۰،۰۰۰	۳،۶۹۰،۳۹۲	۱۲،۵۲۵،۰۰۰	۴۲	۲۸	۱۴	۱	بغلان مرکزی	
۶۹۰،۰۰۰	۵۰،۱۵۱۶	۱،۹۹۵،۵۶۸	۱۰	۶	۴		بغلان صنعتی	
۶۰۶،۸۴۸	۲۱۹،۱۵۲	۸۲۶،۰۰۰	۴	۲	۲		خنجان	
۱،۶۵۹،۰۰۰	۱،۱۸۳،۱۲۸	۲،۸۸۵،۹۶۲	۱۵	۸	۷		نهرین	
۴۴۰،۰۰۰	۳۲۷،۷۳۶	۷۸۱،۵۲۰	۶	۳	۳		دوشی	
۵۷۸،۰۰۰	۴۹۰،۳۵۴	۱،۴۲۴،۱۶۰	۵	۲	۳		ده صلاح	
۳،۳۶۲،۶۵۹	۴۶۴،۸۳۶	۳،۸۲۷،۴۹۵	۶	۲	۴		دهنه غوری	
۱،۱۰۰،۰۰۰	۴۸۴،۵۰۰	۱،۶۴۰،۰۰۰	۷	۲	۵		بورکه	
۸۶۲،۰۰۰	۵۷۰،۸۹۲	۱،۵۶۹،۴۰۰	۶	۳	۳		خوست و فرنگ	
۴۹۴،۲۴۲،۰۸۰	۱۹،۵۰۱،۲۴۸	۵۱۳،۷۴۳،۳۲۸	۲۹۶	۱۷۳	۱۲۳	۱۰	شهر مزار شریف	بلخ (۵)
۱،۳۱۰،۰۰۰	۹۸۷،۸۰۸	۲،۴۷۰،۶۰۰	۲۰	۱۱	۹		بلخ	
۱،۷۱۹،۶۱۵	۴۵۹،۲۴۰	۲،۱۷۸،۸۵۵	۹	۵	۴		دولت آباد	
۲۷۴،۰۰۰	۱،۳۲۰،۷۸۰	۶،۰۸۵،۰۰۰	۱۵	۸	۷		شولگره	
۱،۸۸۴،۲۱۸	۱،۰۶۱،۲۱۱	۲،۹۴۵،۴۲۹	۲۴	۱۵	۹		خلم	
۱۱۲،۲۰۹،۰۲۵	۲،۹۵۵،۸۴۴	۲۰۳،۸۲۵،۵۰۰	۱۸	۹	۹		شهر بامیان	بامیان (۴)
۳۵۰،۰۰۰	۲۵۴،۴۸۸	۲،۰۵۰،۰۰۰	۳	۱	۲		پنجاب	
۱۸۰،۰۰۰	۱۵۳،۳۲۴	۴۲۰،۰۰۰	۲	۱	۱		کامرد	

۴۰۰،۰۰۰	۲۶۳،۴۸۸	۱،۹۰۰،۰۰۰	۳	۱	۲		یکاولنگ	
۴۵،۷۴۰،۰۰۰	۱،۱۷۵،۵۳۶	۴۷،۳۰۰،۰۰۰	۱۰	۶	۴		شهر نیلی	دایکندی (۱)
۱۸،۳۰۰،۰۰۰	۷،۷۱۶،۸۵۲	۳۱،۹۶۲،۱۲۸	۱۰۴	۷۴	۳۰	۳	شهر فراه	فراه (۱)
۱۷،۴۰۰،۰۰۰	۶،۵۲۴،۸۲۰	۲۶،۹۵۷،۴۸۱	۷۲	۵۰	۲۲	۱	شهر میمنه	فاریاب (۸)
۲،۵۰۰،۰۰۰	۴۴۶،۸۲۴	۳،۱۶۹،۲۳۷	۶	۳	۳		دولت آباد	
۶۹۹،۰۰۰	۶۱۳،۶۸۸	۱،۵۰۵،۲۶۴	۷	۴	۳		شیرین تگاب	
۲،۵۴۱،۰۰۰	۹۷۶،۳۸۰	۳،۶۹۲،۴۰۰	۱۳	۹	۴		قیصار	
۶،۲۵۴،۰۰۰	۱،۹۶۰،۳۰۸	۸،۲۳۰،۰۰۰	۳۵	۲۴	۱۱		اندخوی	
۳،۰۵۰،۰۰۰	۴۸۲،۲۵۸	۶،۵۶۹،۴۷۷	۹	۵	۴		خواجه سبزپوش	
			۴	۲	۲		بلچراغ	
۶۱۵،۰۰۰	۴۱۹،۵۲۴	۲،۵۳۹،۷۷۷	۹	۵	۴		المار	
۹۱،۸۰۰،۰۰۰	۱۳،۱۹۶،۵۵۲	۱۹۵،۵۳۵،۸۵۲	۱۲۲	۷۷	۴۵	۲	شهر غزنی	غزنی (۳)
۹۰۷،۷۲۸	۲۹۲،۵۷۲	۱،۲۰۰،۳۰۰	۶	۳	۳		جاغوری	
۱،۵۸۳،۷۶۸	۳۱۰،۲۳۲	۱،۸۹۴،۰۰۰	۶	۴	۲		مقر	
۳۲،۰۵۰،۰۰۰	۳،۴۷۵،۴۱۲	۴۰،۴۴۰،۳۱۰	۲۱	۱۲	۹		چنچران	غور (۱)
۴۷،۲۵۰،۰۰۰	۸۲،۷۶۴،۹۷۶	۱۹۰،۸۴۳،۴۵۶	۶۱۸	۴۹۳	۱۲۵	۱۰	شهر هرات	هرات (۱۷)
۱،۵۰۰،۰۰۰	۱،۸۳۰،۰۵۶	۴،۱۲۰،۰۰۰	۲۳	۱۶	۷		شیندند	
۱۲۰،۰۰۰	۱۰۹،۷۱۶	۲۵۹،۶۷۳	۳	۱	۲		زنده جان	
۴۰۰،۰۰۰	۳۰۲،۹۰۴	۷۶۹،۰۷۸	۶	۴	۲		تور غندی	

۷۹۰،۰۰۰	۱۳۳،۰۱۶	۲۱۲،۷۰۴	۳	۱	۲	پشتون زرغون	
۷۰۰،۰۰۰	۶۷۴،۰۶۰	۱،۴۵۰،۰۰۰	۱۰	۶	۴	اوبه	
۲،۲۰۰،۰۰۰	۱،۵۲۱،۴۸۸	۴۶۱۱،۲۵۵	۱۳	۸	۵	انجيل	
۹۰۰،۰۰۰	۷۲۲،۳۷۲	۱۸،۵۹۳،۱۵۱	۶	۴	۲	گذره	
۵۰،۰۰۰	۷۷،۲۲۸	۹۶،۵۱۲	۲	۱	۱	كرخ	
۶۳۰،۰۰۰	۵۸۶،۰۴۸	۱،۴۱۰،۷۴۳	۱۰	۷	۳	غوريان	
۴۰،۰۰۰	۷۸،۲۲۸	۸۵،۳۱۶	۲	۱	۱	فرسي	
۲۸،۰۰۰	۷۷،۲۲۸	۱۱۴،۸۲۷	۲	۱	۱	كشك كهنه	
۹۰۰،۰۰۰	۸۱،۲۲۸	۱۷۳،۵۹۴	۲	۱	۱	روبات سنگي (كشك)	
۱۵۰،۰۰۰	۱۱۲،۶۲۴	۲۸۱،۲۷۴	۳	۲	۱	گلران	
۱،۵۰۰،۰۰۰	۱،۱۵۵،۲۶۹	۵،۲۹۶،۶۹۲	۱۸	۱۳	۵	كهسان	
۱۱۰،۰۰۰	۱۰۹،۵۸۸	۱۲۰،۰۲۸	۳	۱	۲	ادرسكن	
۶۰،۰۰۰	۱۱۱،۷۱۶	۱۸۱،۱۵۹	۳	۱	۲	چشت شريف	
۱۵۱،۷۰۰،۰۰۰	۱۶،۹۸۰،۷۴۵	۱۶۸،۶۹۶،۹۹۵	۱۵۵	۱۰۹	۴۶	شهر لشكرگاه	هلمند (۳)
۲۳۶،۷۳۲	۱۹۲،۴۶۸	۴۲۹،۲۰۰	۵	۲	۳	ناوه باركزي	
۲۳،۲۴۲،۱۸۳	۳،۵۸۶،۸۴۴	۲۶،۸۲۹،۰۲۷	۳۱	۲۲	۹	نهر سراج	
۹۶۰۰،۰۰۰	۷۰،۵۹،۱۲۴	۱۷،۴۵۸،۰۵۱	۱۰۸	۷۵	۳۳	شهر شبرغان	جوزجان (۵)
۶،۴۹۴،۲۲۰	۱،۶۷۲،۸۵۶	۸،۱۶۷،۰۷۶	۳۳	۲۴	۹	آقچه	
۲۵۰،۰۰۰	۲۳۲،۷۹۲	۵۱۸،۰۰۰	۵	۲	۳	خواجه دو كوه	

۱۴۰,۰۰۰	۱۱۷,۳۴۷	۲۵۸,۰۰۰	۲	۱	۱		منگجیک (شاروالی جدید)	
۴۸۵,۰۰۰	۲۹۸,۵۳۶	۸۸۳,۳۵۰	۵	۲	۳		درزاب	
						۱۸	شهر کابل	کابل (۴)
۸۵۰,۰۰۰	۳۲۴,۴۴۰	۱,۶۰۷,۶۷۹	۶	۴	۲		میریچه کوت	
۴۹۴,۰۰۰	۳۶۵,۲۱۶	۲,۷۸۶,۱۴۹	۱۰	۴	۶		قره باغ	
۲۲۳,۷۹۶	۱۷۶,۲۰۴	۴۰۰,۰۰۰	۴	۲	۲		سروبی	
۹۳,۰۱۲,۸۸۰	۳۰,۸۶۴,۵۶۴	۲۲۱,۶۳۷,۳۷۷	۵۸۸	۴۸۵	۱۰۳	۱۰	شهر کندهار	کندهار (۷)
۵۱۹,۰۰۰	۴۵۰,۷۷۶	۱,۰۰۰,۰۰۰	۱۳	۸	۵		خاکریز	
۵۱۹,۰۰۰	۴۵۰,۷۷۶	۱,۰۰۰,۰۰۰	۱۳	۸	۵		ارغنداب	
۵۱۹,۰۰۰	۴۵۰,۷۷۶	۱,۰۰۰,۰۰۰	۱۳	۸	۵		میوند	
۵,۸۲۰,۰۰۰	۶۰۴,۶۶۰	۱۱,۴۹۰,۰۰۰	۱۳	۸	۵		ژیری	
۶۰۰,۰۰۰	۴۸۴,۱۷۲	۱,۱۰۰,۰۰۰	۱۴	۹	۵		پنجوایی	
۵,۰۶۰,۰۰۰	۲,۳۲۶,۱۹۶	۱۰,۵۵۰,۰۰۰	۳۰	۲۲	۸		بولدک	
۸۱,۳۴۰,۰۰۰	۱,۷۲۸,۵۱۶	۱۰۸,۴۶۸,۰۰۰	۲۸	۱۴	۱۴	۱	شهر کاپیسه (محمود راقی)	کاپیسه (۶)
			۵	۲	۳		تگاب	
۲۵۰,۰۰۰	۲۱۸,۱۲۰	۵۲۵,۰۰۰	۵	۲	۳		حصه اول کوهستان	
			۴	۲	۲		نجراب	

				۲	۳	حصه دوم کوهستان	
۲۲۰,۰۰۰	۲۰۶,۵۶۰	۴۷۶,۰۰۰	۵	۲	۳		
۲۵۰,۰۰۰	۲۰۱,۲۰۰	۴۹۵,۰۰۰	۵	۲	۳	الساى	
۱۴۳۶۰۰,۰۰۰	۱۲,۶۶۴,۲۳۶	۲۱۰,۰۵۰,۰۰۰	۹۶	۶۱	۳۵	شهر خوست	خوست (۳)
۵,۰۰۰,۰۰۰	۲۲۴,۱۵۶	۸,۰۶۵,۰۰۰	۶	۳	۳	دوه منده شمول	
۱۱۶,۳۱۰	۲۵۸,۰۵۶	۱,۰۷۴,۳۶۶	۷	۲	۵	صبرى (يعقوبى)	
۴,۲۲۶,۰۰۰	۲,۸۵۰,۸۲۴	۷,۰۹۱,۸۰۰	۳۱	۱۷	۱۴	شهر اسدآباد	کنر (۱)
۳۶,۷۰۰,۰۰۰	۱۹,۳۵۷,۴۸۸	۶۶,۷۰۳,۶۸۲	۱۲۲	۸۳	۳۹	شهر کندز	کندز (۷)
۲۹,۰۵۸,۷۰۸	۱,۷۲۷,۲۹۲	۳۰,۷۸۶,۰۰۰	۹	۴	۵	چهاردره (شاروالى جدید)	
۵,۰۵۰,۰۰۰	۳,۶۸۰,۷۲۰	۱۱,۱۹۷,۰۰۰	۳۴	۲۰	۱۴	خان آباد	
۲,۴۳۰,۰۰۰	۱,۵۰۷,۹۱۶	۴,۹۰۱,۵۸۴	۱۶	۱۰	۶	دشت ارچى	
۵۸۷,۹۴۲	۲۸۸,۶۶۸	۸۷۶,۶۱۰	۶	۳	۳	على آباد	
۹۰۷,۷۲۶	۲۵۳,۴۸۴	۱,۴۳۱,۲۱۰	۷	۳	۴	قلعه زال	
۵,۷۳۵,۲۸۴	۲,۱۴۹,۸۲۴	۷,۸۸۵,۱۰۸	۳۱	۱۶	۱۵	حضرت امام صاحب	
۱۴,۴۵۰,۰۰۰	۷,۷۳۰,۳۵۶	۴۲,۲۲۴,۰۲۹	۵۰	۳۰	۲۰	شهر مهترلام	لغمان (۴)
۵,۷۴۷,۷۱۸	۲۶۸,۸۸۰	۶,۰۱۶,۵۹۸	۵	۲	۳	على شينگ	
۲,۲۱۱,۹۲۰	۳۱۱,۰۸۰	۲,۵۲۳,۰۰۰	۵	۲	۳	على نگار	

۲۲،۱۳۵،۶۵۱	۵۱۵،۰۴۴	۲۲،۶۵۰،۶۹۵	۸	۴	۴	قرغه یی	
۲۷،۳۰۰،۰۰۰	۱۵،۱۷۶،۲۳۶	۷۰،۹۱۰،۰۰۰	۵۱	۳۲	۱۹	پل علم	لوگر (۵)
۴۸،۲۳۶	۱۵۷،۹۶۴	۶۴۰،۰۰۰	۳	۱	۲	محمدآغه	
۱۶۲،۰۳۶	۱۵۷،۹۶۴	۵۰۰،۰۰۰	۳	۱	۲	برکی برک	
۳۴۲،۰۳۶	۱۵۷،۹۶۴	۵۰۰،۰۰۰	۳	۱	۲	چرخ	
۲۸۶،۳۰۴	۱۰۳،۶۹۶	۴۰۰،۰۰۰	۲	۱	۱	خوشی	
۴۷،۱۸۵،۶۵۳	۳۸،۲۳۴،۵۸۰	۸۵،۴۸۳،۰۰۷	۴۹	۲۶	۲۳	شهر میدان شهر	وردک (۲)
۳،۳۲۵،۳۵۶	۱۴۸،۲۰۴	۳،۴۷۳،۵۶۰	۳	۲	۱	سیدآباد	
۴۳۳،۵۸۶،۴۶۸	۳۹،۳۹۷،۰۵۶	۴۷۲،۹۸۶،۹۲۴	۴۰۵	۲۷۵	۱۳۰	جلال آباد	ننگرهار (۹)
۲۲۲،۷۵۰	۱۸۲،۲۵۰	۴۰۵،۰۰۰	۴	۱	۳	چپرهار	
۲۵۳،۲۵۸	۲۰۷،۸۵۸	۴۶۱،۱۱۶	۴	۱	۳	سرخ رود	
۸۷۰،۸۲۰	۷۷۹،۱۸۰	۱۶۵۰،۰۰۰	۱۱	۴	۷	غنی خیل	
۶۸۰،۷۸۷	۴۱۵،۷۶۴	۱۰،۹۶۶،۵۵۱	۵	۲	۳	کامه	
۸۸۷،۵۹۲	۴۷۹،۶۴۴	۱،۳۶۷،۲۳۶	۶	۳	۳	بتی کوت	
۷۷۳،۵۸۹	۴۵۳،۱۶۸	۱،۲۲۶،۷۵۷	۹	۴	۵	خوگیانی	
۸،۴۴۴،۹۹۲	۲،۸۶۲،۰۰۸	۱۱،۳۰۷،۰۰۰	۳۲	۱۷	۱۵	تورخم	
۲۶۴،۶۴۱	۲۱۶،۵۲۴	۴۸۱،۱۶۶	۴	۱	۳	رودت	
۶،۹۵۰،۰۰۰	۵،۳۷۱،۳۲۰	۱۵،۱۶۶،۱۷۰	۵۷	۴۳	۱۴	شهر زرنج	نیمروز (۲)
۲،۵۷۰،۰۰۰	۸۶۰،۹۸۸	۶،۰۰۰،۰۰۰	۹	۴	۵	خاشرود	

۲,۳۵۰,۰۰۰	۵۷۴,۷۰۸	۳,۷۹۰,۰۰۰	۱۰	۴	۶		شهر پروان	نورستان (۱)
۱۶۲,۰۸۶,۸۳۶	۹,۲۹۳,۸۴۸	۱۷۱,۳۸۰,۶۸۴	۷۲	۵۵	۱۷	۳	شهر گردیز	پکتیا (۵)
۱۵۴,۰۰۰	۱۲۴,۳۱۲	۲۷۸,۳۱۲	۳	۱	۲		سیدکرم (شاروالی جدید)	
۱,۶۴۴,۵۴۸	۹۰۵,۴۵۲	۲۵,۵۰۰,۰۰۰	۱۰	۷	۳		زرمتم	
۲,۵۹۳,۲۶۰	۲۹۶,۷۴۰	۲,۸۹۰,۰۰۰	۴	۲	۲		حمکنی	
۱۲۷,۳۷۰	۹۴,۶۳۰	۲۲۲,۰۰۰	۲	۱	۱		آریوب جاجی (شاروالی جدید)	
۵۴,۷۹۳,۹۰۰	۲,۶۷۳,۶۲۴	۵۷,۴۶۷,۵۲۴	۱۸	۱۵	۱۳		شهر شرن	پکتیکا (۳)
۲,۱۹۵,۱۳۴	۹۹۰,۶۹۶	۳,۱۸۶,۴۴۰	۷	۳	۴		اورگون	
۲۳۵,۰۰۰	۱۸۴,۴۴۰	۴۲۷,۶۲۷	۳	۱	۲		سروبی (شاروالی جدید)	
۲,۲۶۳,۲۴۸	۱,۸۴۳,۷۲۰	۴,۱۰۶,۹۶۸	۲۳	۱۳	۱۰		شهر بازارک	پنجشیر (۱)
۱,۰۰۰,۰۰۰	۵۳۹,۹۰۰	۳,۳۲۳,۲۲۰	۹	۵	۴		جبل السراج	پروان (۴)
۷,۰۰۰,۰۰۰	۶,۵۲۸,۵۱۲	۱۶,۴۷۶,۴۸۱	۵۹	۴۰	۱۹	۴	شهر چاریکار	
۱,۵۹۰,۵۶۰	۷۶۹,۴۴۰	۲,۳۶۰,۰۰۰	۱۶	۹	۷		غوربند(سیاه گرد)	
۱,۱۰۸,۸۹۹	۲۸۹,۴۸۰	۱,۳۹۸,۳۷۹	۷	۳	۴		بگرام	

۷۴،۱۳۰،۰۰۰	۴،۴۶۱،۹۶۴	۷۳،۷۷۴،۰۵۲	۷۰	۴۶	۲۴	۲	شهر ایبک	سمنگان (۳)
۳۲۰،۰۰۰	۱۸۹،۴۶۰	۶۷۰،۷۲۹	۴	۲	۲		حضرت سلطان	
۳۳۰،۰۰۰	۳۸۵،۱۰۴	۷۷۲،۳۹۹	۱۰	۶	۴		دره صوف پایین	
۲۷۶،۳۵۰،۰۰۰	۴،۳۶۲،۷۸۸	۳۵۳،۸۹۳،۱۴۲	۵۰	۲۸	۲۲	۳	شهر سرپل	سرپل (۵)
۶۶۵،۰۰۰	۶۲۴،۱۳۲	۲،۶۴۸،۰۰۰	۸	۲	۶		سوزمه قلعه	
۸،۰۴۲،۸۲۸	۱،۳۴۷،۱۷۲	۹،۳۹۰،۰۰۰	۱۴	۷	۷		سنگ چارک	
۹۷۰،۰۰۰	۵۹۹،۷۲۰	۱،۷۵۵،۰۰۰	۸	۳	۵		بلخاب	
۱،۸۳۰،۰۰۰	۶۶۳،۳۳۲	۲،۹۹۰،۰۰۰	۸	۲	۶		گوسفندی	
۱۹،۷۳۸،۹۲۷	۱۱،۰۷۷،۷۴۰	۳۰،۸۱۶،۶۶۷	۱۰۶	۷۱	۳۵	۴	شهر تالقان	
۱،۸۸۶،۰۰۰	۱،۵۸۸،۴۸۴	۳،۴۷۸،۲۵۰	۲۳	۱۶	۷		چاه آب	
۵،۶۱۸،۵۹۴	۱،۹۰۱،۶۸۴	۷۰،۵۲۰،۲۷۸	۱۷	۹	۸		روستاق	
۳۳۲،۷۳۴	۲۷۴،۹۰۰	۶۰۷،۶۳۶	۴	۲	۲		فرخار	
۹۸،۳۲۸	۷۲،۶۷۲	۱۷۱،۰۰۰	۲	۱	۱		کلفگان) شاروالی جدید)	
۲،۰۱۵،۴۱۶	۱،۴۱۰،۳۳۶	۳،۴۲۵،۷۵۲	۱۸	۱۲	۶		ینگی قلعه	
۲،۰۰۹،۰۱۴	۵۹۴،۶۴۴	۲،۶۰۳،۶۵۸	۹	۴	۵		اشکمش	
۱،۴۹۳،۰۰۰	۱،۱۷۳،۳۰۴	۲،۴۹۷،۰۰۰	۱۷	۱۰	۷		خواجه بهاءالدین	
۲،۹۲۱،۲۶۴	۱،۰۸۲،۳۲۶	۴،۰۰۴،۵۰۰	۱۵	۹	۶		خواجه غار	
۲،۵۸۰،۰۵۰	۱،۵۳۹،۶۴۲	۴،۱۱۹،۶۹۲	۱۵	۹	۶		دشت قلعه	

۷۵۱،۲۹۶	۵۲۶،۲۰۴	۱۲،۷۷۵،۰۰۰	۱۱	۷	۴	درقد	
۷۵۸،۴۳۶	۶۱۸۵۶۴	۱،۳۷۷،۰۰۰	۱۴	۷	۷	بنگی	
۴،۵۰۰،۰۰۰	۱،۵۴۶،۰۰۸	۸،۳۴۸،۵۰۰	۲۰	۱۳	۷	شهر ترینکوت	ارزگان (۱)
۹،۳۸۳،۳۵۶	۳،۵۹۹،۶۴۴	۱۲،۹۸۳،۰۰۰	۲۴	۱۰	۱۴	شهر قلات	زابل (۱)

تعداد نواحی

تعداد نواحی	تعداد نواحی که دارای نواحی به تعداد ذکر شده اند	تعداد شاروالی‌هایی که دارای نواحی به ارقام ذکر شده اند
۱	بغلان مرکزی، شهر میمنه، آقچه، شهر محمود راقی (کاپیسا)، اسدآباد، خان آباد	۶
۲	شهر مهترلام، شهر غزنی، شهر اییک، نهرسراج	۴
۳	شهر پلخمیری، شهر شبرغان، شهر فراه، شهر گردیز، شهر خوست، شهر سرپل	۶
۴	لشکرگاه، قلعه نو، شهر چاریکار، شهر تالقان	۴
۵	شهر کندز	۱
۹	جلال آباد	۱
۱۰	شهر کندهار، شهر هرات، شهر مزارشریف	۳
۱۱	شهر فیض آباد	۱

۱	شهر کابل	۱۸
	بقیه شاروالی‌ها	هیچ

روند کار گروهی حکم مقام عالی ریاست جمهوری

حکم رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در مورد تدوین و تدقیق پالیسی ادارات محلی افغانستان

به تاسی از احکام مواد شماره «۱۳۶» و «۱۳۷» قانون اساسی و مصوبه شماره «۴۶» تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۹ شورای وزیران جمهوری اسلامی افغانستان، به منظور ایجاد هماهنگی بیشتر بین نهادهای محلی و تنظیم پالیسی واحد اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و سیستم تشکیلاتی واحدهای اداری، کمیته‌های زیر را منظور می‌نمایم:

۱- کمیته تدوین پالیسی ادارات محلی افغانستان:

- معین پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی به حیث رئیس؛
- معینان وزارت‌های امور داخله، مالیه، عدلیه، اقتصاد، احیاء و انکشاف دهات، انکشاف شهری، فواید عامه، مخابرات، زراعت و آبیاری، مبارزه با مواد مخدر، صحت عامه، معادن، کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین و امور زنان به حیث اعضا؛
- معاونین کمیسیون مستقل انتخابات، اداره مرکزی جیودیزی و کارتوگرافی، اداره مستقل مبارزه با ارتشا و فساد اداری، ریاست عمومی احصائیه مرکزی و شاروالی کابل به حیث اعضا؛
- نماینده با صلاحیت ریاست عمومی اداره امور و دارالانشای شورای وزیران به حیث عضو؛
- رئیس دارالانشای کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی به حیث عضو.

۲- کمیته تدقیق و تنظیم پالیسی ادارات محلی افغانستان:

- معاون دوم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان به حیث رئیس؛
- وزراء، رؤسای ریاست‌های مستقل و رؤسای کمیسیون‌ها به حیث اعضا.

کمیته‌های فوق موظفند تا آخر ماه میزان سال ۱۳۸۷ پالیسی ادارات محلی افغانستان را، با در نظر داشت شاخص‌های عمده حاکمیت محلی، به‌طور همه‌جانبه تدوین و تدقیق نموده، برای تصویب به مجلس عالی شورای وزیران ارائه نمایند.

۳- کنترل از چگونگی تحقق این حکم، به عهده اداره مستقل ارگان‌های محلی می‌باشد.

۴- با صدور این حکم، حکم شماره «۸۵۵» مورخ ۱۳۸۷/۲/۱۱ ملغی می‌باشد.

حامد کرزی

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

معیارهای مورد مشترک نظارت و انسجام

معیارهای حکومت‌داری، حاکمیت قانون و حقوق بشر

معیارها
۲,۱ الف: حکومت‌داری محلی
۲,۱ الف:۱: تا ختم سال ۱۳۸۸ (۲۰ مارچ ۲۰۱۰)، دولت، پالیسی ادارات محلی را تدوین و قوانینی را که متضمن عملی ساختن این پالیسی باشد، تنفیذ خواهد نمود. دولت پالیسی و چارچوب حقوقی و قانونی حکومت‌داری محلی را تهیه، قطعی و آن را تطبیق می‌سازد. این امر از طریق گفت‌وگوی ملی در مورد حکومت‌داری محلی و با حمایت تخنیک‌ی جامعه جهانی انجام می‌گردد. حکومت قوانین، طرز‌العمل‌ها، وظایف، روابط داخلی، تخصیص منابع برای نهادهای حکومت محلی (ولایات، ولسوالی‌ها، شاروالی‌ها و قریه‌ها) و روابط آنها با حکومت مرکزی را با تطبیق قانون بالای حکومت‌داری محلی و شاروالی‌ها واضح می‌سازد. دولت قوانین تشکیل شوراهای ولسوالی، شاروالی و قریه، صلاحیت‌ها، مسئولیت‌ها و میکانیزم مالی‌شان را تصویب خواهد کرد.
۱. ۲,۱ الف:۲: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰ مارچ ۲۰۱۱)، پلان‌های ولایتی و بودجوی که ارتباط اساسی با پلان‌گذاری و بودجه ملی دارد، در همه ولایات مطرح خواهد شد. روند برنامه‌ریزی و بودجه‌سازی ولایتی از طریق انکشاف پالیسی حکومت‌داری محلی نهادینه خواهد گردید.

(۱،۲الف.۳): در پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰ مارچ ۲۰۱۱)، دولت ظرفیت‌های نهادی و اداری ولایات، ولسوالی‌ها و ادارات شاروالی‌ها را برای تنظیم عرضه خدمات ابتدایی از طریق اصلاح ساختارهای نهادی، رهنمایی شیوه‌های اداره، انکشاف مهارت‌های لازم و دانش کارکنان و عرضه بهتر خدمات عامه، ارتقا خواهد داد.

تا جدی سال ۱۳۹۲ (آخر ۲۰۱۳)، یک پالیسی آموزشی برای تمام کارمندان ادارات محلی تهیه و تطبیق خواهد شد. همچنین، تدابیری اتخاذ خواهد شد، که به موجب آن، هر یک از کارمندان بعد از هر دو سال، یک بار آموزش‌های کاری، عمومی و لازم را در بخش اداره (اداره مستقل ارگان‌های محلی) فرا گیرند.

(۱،۲الف.۴) دولت انتخابات شوراهای ولسوالی‌ها، قریه‌ها و شاروالی‌ها را تا پایان سال ۱۳۸۸ (۲۰ مارچ ۲۰۱۰) از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم برای هر سه سال برگزار خواهد کرد. شاروال‌ها از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب خواهند شد.

دولت ظرفیت نمایندگان حکومت‌داری محلی را در راستای ایفای نقش‌ها و انجام مسئولیت‌های شان در برابر شهروندانی که به آنان رای داده‌اند، ارتقا خواهد بخشید.

دولت ظرفیت شوراهای ولایتی را بالا برده و اشتراک و تبادل معلومات بین شوراهای ولایتی را حمایت خواهد کرد.

دولت بین شوراهای ولایتی و ادارات اجرایی در سطح ولایت توسط قانون ارتباط برقرار خواهد کرد.

دولت ظرفیت ادارات محلی را در راستای حل و فصل عادلانه منازعات ارتقا خواهد بخشید.

(۱،۲الف.۵): تا ماه جدی ۱۳۸۹ (ختم ۲۰۱۰)، اشتراک زنان در تمام نهادهای ادارات محلی افغانستان به شمول ادارات انتخابی و انتصابی و همچنین خدمات ملکی با تخصیص فیصدی خاصی از کرسی‌ها، به وسیله تنفیذ قانون تبعیض مثبت، تقویت خواهد گردید. میکانیزم‌های معین برای جامعه مدنی، به شمول اشتراک زنان و جوانان برای سهم‌گیری فعال در حکومت‌داری محلی، (قریه، ولسوالی، شاروالی و ولایت) فراهم خواهد شد.

تقسیم اوقات جلسات گروه های کاری برای ماه های جون و جولای
(مجموعاً: ۲۵ روز)

تاریخ	روز	گروه کاری	آجندای جلسه	ارائه نظریات اداره آسیا فوندیشن در زمینه تلفیق یا سنتز تحقیقات و مشاوره با مردم
۱۵ جون ۲۶ جوزا	شنبه	گروه کاری در زمینه حکومتداری	موافقت روی اهداف پالیسی، جریان پالیسی، تعریف معیارات و حوزه پالیسی برای برآورد و ارزیابی گزینه های پالیسی و توافق روی لایحه وظایف گروه کاری حکومتداری	
۱۷ جون ۲۸ جوزا	سه شنبه	گروه کاری سهم گیری جامعه مدنی، جوانان و زنان در حکومتداری	توافق نمودن روی اهداف مشترک پالیسی، تعریف معیارات برای ارزیابی گزینه های پالیسی، تعیین حوزه، معرفی جدول موضوعات پالیسی و لایحه وظایف	
۲۸ جون ۸ سرطان	شنبه	گروه کاری در زمینه حکومتداری	ارائه یک پرزنتیشن در زمینه تحلیل چارچوب فعلی ادارات محلی توسط اداره مستقل ارگان های محلی. بحث روی این موضوع	
		گروه کاری در زمینه ادارات شاروالی ها	ارائه پرزنتیشن در مورد استراتژی انکشاف ملی افغانستان به مثابه سنگ تهداب پالیسی ادارات محلی، توسط اداره مستقل ارگان های	

	محلّی. بحث روی این موضوع			
۲۹ جون ۹ سرطان	یک شنبه	گروه کاری در زمینه حکومت‌داری	ارائه پریزنتیشن در مورد مشکلات و معضلات فعلی ترتیبات حکومت‌داری در سطح محلّی. بحث روی این موضوع	
		گروه کاری در زمینه ادارات شاروالی‌ها	ارائه پریزنتیشن در مورد راه‌های بیرون‌رفت از مشکلات فعلی و سروسامان دادن ترتیبات فعلی حکومت‌داری در سطح محلّی بخش روی این موضوع	
۲ جولای ۱۲ سرطان	چهارشنبه	گروه کاری سهم‌گیری جامعه مدنی، جوانان و زنان در امور حکومت‌داری	سهم‌گیری جامعه مدنی در امور حکومت‌داری. رابطه و پیوند بین ساختار حکومت‌داری رسمی و غیر رسمی	سهم‌گیری جامعه مدنی در امور حکومت‌داری مرتبط‌سازی حکومت‌داری غیررسمی و رسمی با یکدیگر
			سهم‌گیری بخش خصوصی در ادارات محلّی و شاروالی‌ها نقش ادارات محلّی و شهری در توسعه اقتصاد محلّی	سهم‌گیری خصوصی در حکومت‌داری محلّی و شاروالی‌ها نقش ادارات محلّی و شاروالی‌ها در انکشاف

اقتصاد محلی			
<p>نقشهها، وظایف، اختیارات و صلاحیتها و روابط سازمانی بین شاروالی با دیگر ادارات محلی، و روابط آنها با ادارات مرکز؛ ترتیبات اداره منابع و مدیریت اداری</p>	<p>تعریف شاروالی به شمول مأموریت، وظایف اصلی و اختیاری آن؛ معیارات و آئین نامه ها برای ایجاد شاروالی های جدید به شمول روندها و تصویب صلاحیتها و میکانیزم های مربوطه؛ معیارات و آئین نامه های مربوط جهت دسته بندی شاروالی ها بر اساس وظایف اساسی و اختیاری آنها جهت هر یک از دسته بندی های مربوط؛ ارزیابی استمرار زیست پذیری و حفظ شاروالی ها و نیز زمینه ها و روندهای الغاء وضعیت شاروالی ها؛ تشکیل و پرسونل؛ مدل تشکیلاتی برای هر یک از طبقه بندی های شاروالی ها، همراه با رهنمودهایی در زمینه اتخاذ مدل های مناسب با شرایط محل؛ معیارات و رهنمودهای لازم جهت</p>	گروه کاری در امور شاروالی ها	<p>۳ جولای ۱۳ سرطان</p> <p>پنجشنبه</p>

<p>انتقال از یک مدل به مدل دیگر؛</p> <p>پرسونل اصلی و اختیاری برای هر یک از دسته‌بندیها و نیز معیارات مشترک، شرایط و وضعیت برای آن پرسونل؛</p> <p>آئین‌نامه‌های انتقال پرسونل که اجازه استخدام و ابقای کارمندان کارفهم بر اساس اجراءات خوب، لیاقت مسلکی و تجربه و عدالت جنسیتی، عدم هر نوع تبعیض بر اساس مذهب، لسان و قومیت؛</p> <p>مصونیت استخدام و نگهداری پرسونل ادارات شاروالی‌ها و ضمانت معاشات و مزایای آنان؛</p> <p>اصول اخلاقی برای کارمندان ادارات شاروالی به شمول پاداش و مجازات و نیز احکام حوزه سهم‌گیری در تطبیق؛</p> <p>حمایت از جانب دیگر دوایر دولتی در انکشاف ظرفیت‌های اداری، تخنیکی و مدیریتی و نیز ایجاد ساختارهای پاسخده، شفاف و حسابده در شاروالی‌ها؛</p> <p>ارائه فرصت‌های آموزشی کافی، مسائل پاداش و جنبه‌های شخصیت کاری کارمندان ادارات شاروالی‌ها به</p>			
--	--	--	--

	<p>شمول نقش‌ها و مسئولیتهای دیگر دوایر دولتی؛</p> <p>تطبيق اصلاحات اداره عامه در ادارات شاروالی‌ها:</p> <p>اصلاحات اداره عامه محلی، ارتقای ظرفیت، کارگماری تعیینات بر اساس اصول شایسته‌سالاری، سیستم‌ها و روندها، اندازه‌گیری کارایی، مبارزه با فساد، اخلاق و رعایت ارزشهای اخلاقی، حق دسترسی عامه مردم به معلومات، میکانیزم رسیدگی به شکایات عامه مردم، تسهیلات و امکانات دفتری و اداری، تجهیزات و نگهداری آنها، تسهیلات مخابراتی و ارتباطی و استراتیژی آن، معیارهای خدمات عامه، کسب آگاهی در ابعاد مختلف مربوط به مشتریان و مصرف‌کنندگان و ایجاد نگرش مشتری‌گرایی در خدمات عامه، تفتیش مؤثریت عملکرد.</p>			

<p>۶ جولای ۱۶ سرطان</p>	<p>یک شنبه</p>	<p>گروه کاری در زمینه حکومت‌داری</p>	<p>بحث روی ترتیبات حکومت‌داری داری در سطح ولایت (نقشه‌ها، وظایف، اختیارات و صلاحیت‌ها و روابط سازمانی بین ادارات ولایت با دیگر ادارات محلی / روابط آنها با ادارات مرکزی)؛ روابط مبتنی بر جواب‌دهی، ترتیبات اداره منابع و مدیریت اداری در سطح ولایت.</p> <p>جلسه معارفه از طرف صبح</p>	<p>نقشه‌ها، وظایف، اختیارات و صلاحیت‌ها و روابط سازمانی بین ادارات ولایت با دیگر ادارات محلی و روابط آنها با ادارات مرکز؛ اداره منابع و مدیریت اداری ولایت.</p>
<p>۷ جولای ۱۷ سرطان</p>	<p>دوشنبه</p>	<p>گروه کاری در زمینه حکومت‌داری</p>	<p>ادامه بحث روی ترتیبات حکومت‌داری در سطح ولایت؛ بحث روی روابط مبتنی بر جواب‌دهی، ترتیبات اداره منابع و مدیریت اداری در سطح ولایت</p> <p>از طرف صبح</p>	<p>ادامه بحث روی ترتیبات حکومت‌داری در سطح ولایت؛ بحث روی روابط مبتنی بر جواب‌دهی، ترتیبات اداره منابع و مدیریت اداری در سطح ولایت</p> <p>از طرف صبح</p>
<p>۸</p>	<p>پنج</p>	<p>گروه کاری در زمینه</p>	<p>بحث روی ترتیبات حکومت‌داری در سطح ولسوالی (نقش‌ها، وظایف،</p>	<p>نقشه‌ها، وظایف، اختیارات و صلاحیت‌ها و روابط</p>

<p>جولای ۱۸ سرطان</p>	<p>شنبه</p>	<p>حکومت‌داری</p>	<p>اختیارات و صلاحیت‌ها و روابط سازمانی بین ادارات ولایت با دیگر ادارات محلی، و روابط آنها با ادارات مرکز؛ ترتیبات اداره منابع و مدیریت اداری در سطح ولایت؛</p> <p>روابط مبتنی بر جوابدهی، ترتیبات اداره منابع و مدیریت اداری در سطح ولسوالی؛</p> <p>جلسه معارفه از طرف صبح</p> <p>بحث روی روابط مبتنی بر جوابدهی، ترتیبات اداره منابع و مدیریت اداری در سطح ولایت</p> <p>از طرف صبح</p>	<p>سازمانی بین ادارات ولایت با دیگر ادارات محلی، و روابط آنها با ادارات مرکز؛ ترتیبات اداره منابع و مدیریت اداری در سطح ولایت؛</p>
<p>۱۰ جولای ۲۰ سرطان</p>	<p>پنج شنبه</p>	<p>گروه کاری درزمینه ادارات شاروالی</p>	<p>منابع مالی</p> <p>میزان صلاحیت مالی ادارات شاروالی‌ها، همراه با تعریفی روشن از منابع و چشمه‌های عایداتی، در ارتباط با وظایف اساسی و اختیاری این ادرا، تنظیم مناسب مالیاتهای محلی به شمول مالیات بر اراضی، به مثابه منابع عایداتی ادارات</p>	<p>نقشه‌ها، وظایف، اختیارات و صلاحیت‌ها و روابط سازمانی بین ادارات شاروالی با دیگر ادارات محلی، روابط آنها با ادارات مرکز، ترتیبات منابع و مدیریت</p>

<p>اداری</p>	<p>شاروالی ها؛</p> <p>زمینه ها و روندهای وجوه مالی برای ادارات شاروالی ها، به شمول در نظر داشت اولویتهای محلی همراه با تخصیصات مشخص محدود به ایجاد انگیزه در تطبیق پالیسی های ملی؛</p> <p>تلفیق تفویض اجراءات ادارات عالی دولتی و منابع لازم برای انجام چنان وظایف؛</p> <p>استحصال هزینه خدمات عامه ارائه شده، به شمول میزان صلاحیت های داده شده به شاروالی ها جهت وضع مالیات و تعرفه ها؛</p> <p>نقش ها و مسئولیت های شاروالی ها در جمع آوری مالیات و سهم های متناظر آنان از مالیات/تعرفه های ملی؛</p> <p>دسترسی شاروالی ها به منابع مالی بیرونی به شکل قرضه ها و کمک های مالی</p> <p>بهبود و تقویت عواید شاروالی و استفاده درست از آنها؛</p> <p>مشخص سازی اساس مالیة شاروالی ها؛</p>			
--------------	---	--	--	--

				<p>اطمینان از برخورداری از مزایای کافی برای تقویت جمع‌آوری عواید شاروالی؛</p> <p>ایجاد یک میکانیزم حساب‌ده برای اداره عواید؛</p> <p>تعیین میزان مناسب فیس اداری و مطالبه بهاء از استفاده‌کنندگان؛</p> <p>تقویت و اشاعه استفاده از تکنالوژی معلوماتی جهت تسریع و کمک به ایجاد شفافیت هرچه بیشتر؛</p> <p>طرح و ایجاد قوانین لازم جهت اطمینان از استفاده برابر و عادلانه از عواید در تمام بخش‌های شاروالی‌ها و ایجاد میکانیزم پیگیری مصارف؛</p>
۱۳ جولای ۲۳ سرطان	شنبه	گروه کاری حکومت‌داری محلی	<p>آغاز بحث از ترتیبات حکومت‌داری در سطح قریه (نقش‌ها، وظایف، اختیارات و صلاحیت‌ها و روابط سازمانی بین ادارات سطح قریه با دیگر ادارات محلی و روابط آنها با ادارت مرکز)</p> <p>روابط بر اساس جوابدهی، ترتیبات اداره منابع و مدیریت اداری در سطح قریه</p> <p>جلسه معارفه از طرف صبح</p>	<p>نقش شوراهای انکشافی محلی و دیگر شوراهایی که در سطح اداره قریه توسط وزارت‌های مختلف ایجاد گردیده‌اند.</p> <p>نقشه‌ها، وظایف، اختیارات و صلاحیت‌ها و روابط بین الارگانی ادارات قریه با دیگر ادارات محلی، و</p>

روابط آنها با ادارات مرکز ترتیبات اداره منابع و مدیریت اداری در سطح و قریه	بحث روی نقش ها ومسئولیت های ادارات سطح قریه درجلسه صبح			
	بحث روی ترتیبات حکومت داری در سطح قریه در جلسه بعد از ظهر؛ روابط بر اساس جواب دهی، ترتیبات اداره منابع و مدیریت اداری در سطح قریه در جلسه صبح	گروه کاری حکومت داری محلی	دوشنبه	۱۴ جولای ۲۴ سرطان
	بحث روی منابع و امور مالی در ادارات سطح قریه در جلسه بعد از ظهر			
	تلفیق و سنتز پیشنهادات گروهی در زمینه ادارات سطح ولایت، ولسوالی و قریه	گروه کاری حکومت داری محلی	سه شنبه	۱۵ جولای ۲۵ سرطان
نقشهها، وظایف، اختیارات و صلاحیت ها و روابط بین الارگانی ادارات شاورالی با دیگر ادارات محلی، و روابط آنها با ادارات مرکز ترتیبات اداره منابع و مدیریت اداری	دموکراسی نمایندگی: واضح ساختن نقش شوراهای شاروالی. طرح میکانیزم اختیارات، مسئولیتها و میکانیزم مالی شوراهای و شاروالی طرح میکانیزمهایی برای تقویت ظرفیت شوراهای شاروالی، حمایت از شریک سازی دانش و تبادلۀ	گروه کاری ادارات شاروالی	شنبه	۱۹ جولای ۲۹ سرطان

<p>معلومات و دانش در میان شوراهای شاروالی. تعیین میکانزمهایی برای تقویت شوراهای شاروالی و قادر ساختن آنان برای ایفای نقشها و وظایفی که در برابر مردم دارند. واضح ساختن اندازه و سائز نمایندگی، فهرست - جلسات، طرز السلوک، انجام وظایف، اعتبار تصامیم، صلاحیت، حسابدهی، مصئوینت، تبعیت قضایی، تخصیص منابع به شوراهای شاروالی. واضح ساختن روابط این نهادهای انتخابی با بخش اجرایی. طرح طرز السلوک اخلاقی برای سیاستمداران محلی و داراییها و شرایط پاداشی برای تضمین امنیت و اداره سالم</p> <p>اداره انتخابات:</p> <p>طرح رهنمود انتخاباتی برای ایجاد شوراهای انتخابی ولسوالی و قریه و برگزاری انتخابات آزاد، سری و مستقیم این نهادها طی هر سه سال؛</p> <p>آماده نمودن طرحهای پیشنهادی پالیسی جهت برگزاری انتخابات شوراهای ولسوالی و قریه؛</p> <p>آماده نمودن طرحهای پیشنهادی</p>			
--	--	--	--

	<p>پالیسی برای انجام تمام ترتیبات لازم به شمول تعیین حدود حوزه‌های شوراهاى قریه، حوزه‌های سطح منطقه برای شوراهاى ولسوالی؛</p> <p>استراتیژی‌سازی برای کاهش هزینه‌انتخابات محلی در آینده و تمویل این انتخابات تا حد ممکن از طریق منابع خود دولت؛</p> <p>معرفی تمام رأی‌دهندگان به مراکز خاص رأی‌دهی؛</p> <p>تهیه یک استراتیژی برای تسریع ایجاد یک مرکز دائم ثبت رأی‌دهندگان</p> <p>تعیین تغییراتی که باید در قانون انتخابات صورت بگیرد.</p>			
<p>گزینه‌های پالیسی در زمینه‌های سهم‌گیری بخش خصوصی، جامعه مدنی، زنان و جوانان در ادارات محلی</p>	<p>بحث روی گزینه‌های پالیسی و طرح‌های پالیسی</p>	<p>گروه کاری سهم‌گیری جامعه مدنی</p>	<p>دوشنبه</p>	<p>۲۱ جولای ۳۱ سرطان</p>
<p>گزینه‌های پالیسی برای ترتیبات حکومت‌داری در سطح ولایت و ولسوالی</p>	<p>بحث روی گزینه‌های پالیسی و طرح‌های پیشنهادی برای پالیسی برای ساختارها و ترتیبات لازم برای حکومت‌داری در سطح ولسوالی و ولایت</p>	<p>گروه کاری حکومت‌داری محلی</p>	<p>سه شنبه</p>	<p>۲۲ جولای ۱ اسد</p>

<p>گزینه‌های پالیسی برای ترتیبات حکومت‌داری در سطح قریه</p>	<p>بحث روی گزینه‌های پالیسی و طرح‌های پیشنهادی برای پالیسی جهت ترتیبات حکومت‌داری در سطح قریه</p>	<p>گروه کاری حکومت‌داری محلی</p>		<p>۲۳ جولای ۲ اسد</p>
<p>طرح‌ریزی و بودجه‌سازی محلی</p>	<p>تسری طرح‌ریزی و بودجه‌سازی به تمام ولایات ارتباط دادن پلان‌ها و بودجه‌های ولایتی با طرح‌ریزی و بودجه‌سازی مرکز نهادینه کردن روند طرح‌ریزی و بودجه‌سازی ولایتی قریه ولسوالی شاروالی ولایت</p>	<p>گروه کاری درزمینه طرح‌ریزی و امور مالی محلی</p>	<p>سه شنبه</p>	<p>۲۶ جولای ۵ اسد</p>

	ملی تخصیصات مالی دولت مرکزی به ادارات محلی			
۲۹ جولای ۸ اسد	سه شنبه	گروه کاری در زمینه ادارات شاروالی	مشخص نمودن روابط شاروالی‌ها با دیگر ادارات محلی و روابط آنها با ادارات مرکز؛ تعیین حوزه صلاحیت‌ها و مسئولیت ها بین والی‌ها و شاروال‌ها نظارت و بررسی ادارات شاروالی مشخص نمودن سلسله نظارت و گزارش‌دهی از ادارات شاروالی‌ها به دیگر ادارات دولتی (ادارات ولایت و مرکز)، به شمول معیارهای معلومات و معیادهای زمانی آنها؛ شرایط برای نظارت مقام‌های محلی، شامل روند قانونی، ایجاد نهادهای مستقل نظارتی برای نظارت بر این پروسه و نیز رسیدگی به شکایات. روابط میان شاروالی‌ها: اصول حاکم بر شاروالی‌ها و طرز همکاری‌های ذات‌البینی؛ اصول حاکم، مجراها/ مجمع‌ها و روندهای لازم برای حل منازعات	نقشه‌ها، وظایف، اختیارات و صلاحیت‌ها و روابط سازمانی بین ادارات شاروالی با دیگر ادارات محلی، و روابط آنها با ادارات مرکز؛ ترتیبات اداره منابع و مدیریت اداری

	ذات‌البینی / حل مشکلات؛			
	اصلاحات ادارهٔ عامهٔ محلی، ارتقای ظرفیت، کارگماری تعیینات بر اساس اصول شایسته‌سالاری، سیستم‌ها و روندها، اندازه‌گیری کارایی، مبارزه با فساد، اخلاق و رعایت ارزش‌های اخلاقی، حق دسترسی عامهٔ مردم به معلومات، میکانیزم رسیدگی به شکایات عامهٔ مردم، تسهیلات و امکانات دفتری و اداری، تجهیزات و نگهداری آنها، تسهیلات مخابراتی و ارتباطی و استراتیژی آن، معیارهای خدمات عامه، کسب آگاهی در ابعاد مختلف مربوط به مشتریان و مصرف‌کنندگان یا ایجاد نگرش مشتری‌گرایی در خدمات عامه، تفتیش مؤثریت عملکرد؛	گروه کاری حاکمیت محلی	یکشنبه	۳ اگست ۱۳ اسد
	تسریع روند تجدید تشکیلات و اصلاحات دارای اولویت در بخش‌های تخنیکی و ادارات محلی؛ تطبيق سیستم رتب و معاشات و اصلاحات ادارهٔ عامه؛ طرح پالیسی منابع بشری برای ادارات محلی؛			

<p>طرح پالیسی ارتقای ظرفیت ادارات محلی: پالیسی آموزش و انکشاف منابع بشری اداره عامه محلی، تحقیق روی حاکمیت محلی و شاروالیها؛</p> <p>ارتقای ظرفیت مسئولان محلی؛</p> <p>اطمینان از تهیه بسته‌های کمکی جهت تقویت ظرفیت جامع ادارات محلی؛</p> <p>ایجاد طرزالعمل‌های واضح و قابل تطبیق برای تمام ادارات تخنیکی و اداری در سطح محلی؛</p> <p>داشتن تعمیرها، تجهیزات و هزینه‌های اجرایی کافی برای تمام ادارات محلی؛</p> <p>تسهیل برقراری ارتباطات در سطح تمام ادارات دولتی و نیز فراهم‌سازی تسهیلات برقراری ارتباطات با عامه مردم؛</p> <p>فراهم‌سازی تسهیلات انترنتی و حکومت‌داری الکترونیکی در تمام ولسوالیها؛</p> <p>ایجاد زمینه دوره کارآموزی برای فارغ‌التحصیلان پوهنتون‌ها و کالجها؛</p>			
---	--	--	--

	<p>معرفی معیارهای خدمات عامه و تهیه طرح آموزشی برای کارمندان ولایات؛</p> <p>ایجاد سیستم ارزیابی مؤثریت کارکرد. عرضه مشوق‌هایی برای عملکردهای شایسته، معرفی خدمات مشتری‌گرایانه در تمام ادارات؛</p> <p>تعریف وظایف نظارتی نهادهای ملی؛</p> <p>مرور نمودن کامل حدود جغرافیایی قریه‌ها و گذرها به حیث واحدهای سیاسی و اداری؛</p> <p>تهیه طرح پیشنهادی پالیسی در زمینه نقشه‌برداری سیاسی و اداری کشور با اساس قراردادن قریه‌ها و گذرها به مثابه واحدهای اساسی اداری؛</p> <p>در اختیارنهادن نقشه‌های سیاسی و اداری به تمام ادارات جهت انتخابات، برنامه‌ریزی اجتماعی-اقتصادی و تطبیق پالیسی ادارات محلی؛</p>			
گروه کاری	بهبود ادارهٔ مصارف عامه؛	گروه کاری طرح‌ریزی و امور	پنج شنبه	۷ اگست

۱۷ اسد		مالی محلی	<p>تهیه طرزالعمل‌هایی برای تخصیص مساویانه عواید به ۳۴ ولایت و شاروالی کابل؛</p> <p>ایجاد نظام‌های شفاف وقابل پیش‌بینی در دادن وجوهات ذات‌البینی به ادارات دولتی؛</p> <p>تعیین ولایات به حیث واحدهای اول بودجوی؛</p> <p>طرح قوانین جهت اطمینان از این‌که مصارف محلی در چارجوب سیستم مدیریت مصارف عامه صورت می‌گیرد؛</p> <p>گسترش اداره درست ومعقول دارایی‌ها جهت کاستن و جلوگیری از استفاده نادرست و غیر کارآمد از منابع؛</p> <p>تثبیت طرزالعمل‌هایی برای تطبیق پروژه‌های زیربنایی؛</p> <p>بذل توجه به سیستم‌های بودجه ادارات؛</p> <p>ایجاد میکانیزم ردیابی و تشخیص مصارف عامه؛</p> <p>طرح پالیسی تفتیش برای ادارات محلی؛</p>
--------	--	-----------	--

<p>نقشه‌ها، وظایف، اختیارات و صلاحیت‌ها و روابط سازمانی بین ادارات شاورالی با دیگر ادارات محلی، و روابط آنها با ادارات مرکز؛</p> <p>ترتیب‌بندی اداره منابع و مدیریت اداری؛</p>	<p>تقویت سهم‌گیری سکتور خصوصی، جامعه مدنی، زنان و جوانان در امور حکومت‌داری؛</p> <p>سهم‌گیری شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، تطبیق و پی‌گیری تصامیم در سطح محل</p> <p>همکاری مسئولان ادارات شاورالی‌ها با تمام دست‌اندرکاران جامعه مدنی، به خصوص نهادهای غیر دولتی و سازمانهای اجتماعی و بخش خصوصی و دیگر طرف‌های ذی‌علاقه؛</p> <p>حفظ و نشر معلومات و اسناد مربوط به شاورالی‌ها حفظ و نشر معلومات و اسناد شاورالی‌ها برای عامه مردم؛</p> <p>بازنگری کلی حدود قلمرو گذرها به مثابه واحدهای سیاسی و اداری آماده‌نمودن یک طرح پیشنهادی پالیسی جهت تطبیق ترسیم و نقشه‌برداری سیاسی و اداری حدود حوزه‌های شاورالی که گذرها در آن به حیث واحدهای اساسی مد نظر قرار خواهند گرفت. نقشه‌های سیاسی و اداری در اختیار تمام ادارات دولتی جهت برگزاری انتخابات، طرح‌ریزی اقتصادی- اجتماعی و تطبیق پالیسی ادارات</p>	<p>گروه کاری امور ادارات شاورالی</p>	<p>شنبه</p>	<p>۱۰ اگست ۲۰ اسد</p>
--	--	--------------------------------------	-------------	---------------------------

	محلّی قرار داده خواهد شد.			
نقشه‌ها، وظایف، اختیارات و صلاحیت‌ها و روابط سازمانی بین ارگان‌های محلّی با دیگر ادارات محلّی، و روابط آنها با ادارات مرکز؛ ترتیب‌ات اداره منابع و مدیریت اداری.	اداره حوادث عاجل؛ مبارزه با مواد مخدر و معیشت بدیل؛ اداره اجتماعی منابع طبیعی؛ انکشاف اقتصاد محلّی.	گروه کاری حاکمیت محلّی	پنج شنبه	۱۴ اگست ۲۴ اسد
تخصیص منابع به ادارات محلّی: ولایت، ولسوالی‌ها، شاروالی‌ها و قریه‌ها پیشنهاد گزینه‌هایی برای چارچوب کاری و عادلانه مالی ذات‌البینی ادارات دولتی	آزمودن تخصیص منابع برای ادارات محلّی: ولایات، ولسوالی‌ها و قریه‌ها بر اساس وظایفی که انتظار می‌رود این ادارات انجام دهند. پیشنهاد گزینه‌هایی برای چارچوب کاری و عادلانه مالی ذات‌البینی ادارات دولتی؛	گروه کاری امور مالی و طرح‌ریزی محلّی	چهارشنبه	۲۰ اگست ۳۰ اسد

<p>تخصیص منابع به ادارات محلی: ولایت، ولسوالی‌ها، شاروالی‌ها و قریه‌ها؛</p> <p>پیشنهاد گزینه‌هایی برای چارچوب کاری و عادلانه مالی ذات‌البینی ادارات دولتی.</p>	<p>تأیید طرح پیشنهادی اساسی پالیسی</p>	<p>گروه کاری امور مالی و طرح ریزی محلی</p>	<p>چهارشنبه به</p>	<p>۲۷ اگست ۶ سنبله</p>

لایحه وظایف گروه‌های کاری گروه کاری در زمینه حکومت‌داری

گروه کاری وظیفه، صلاحیت، عملکرد و روابط متقابل بین والی‌ها، ولسوال‌ها و نهادهای نمایندگی (شوراهای ولایتی، ولسوالی و قریه)، واحدهای اداری وزارت‌های سکتوری در ولایات و ولسوالی‌ها را مشخص می‌کند. نحوه تنظیم روابط این نهادها با وزارت‌های سکتوری در مرکز در لایحه وظایف این گروه کاری گنجانیده شده است. این لایحه وظایف، شامل موارد آتی می‌باشد: اصلاحات اداره عامه محلی، ارتقای ظرفیت، تعیینات بر اساس اصول شایسته‌سالاری، سیستم‌ها و روندها، اندازه‌گیری کارایی، مبارزه با فساد، اخلاق و ارزشهای اخلاقی، حق دسترسی عامه مردم به معلومات، میکانیزم رسیدگی به شکایات عامه مردم، تسهیلات و امکانات دفتری و اداری، تجهیزات و نگهداری آنها، تسهیلات مخابراتی و ارتباطی و استراتیژی آن، معیارهای خدمات عامه، کسب آگاهی در ابعاد مختلف مربوط به مشتریان و مصرف‌کنندگان و یا ایجاد نگرش مشتری‌گرایی در خدمات عامه، تفتیش مؤثریت عملکرد، سهم‌گیری بخش خصوصی، جامعه مدنی، جوانان و زنان.

این گروه کاری نظریات گروه کاری سهم‌گیری جامعه مدنی، جوانان و زنان را دریافت خواهد کرد و در طرح‌های پیشنهادی خویش خواهد گنجانید.

عضویت	ریاست مشترک اداره مستقل ارگان‌های محلی/ مسئولان وزارت‌ها	کارشناس سکتوری به مثابه رابط بین گروه کاری، گروه مشورتی، و دارالانشای پالیسی ایفای وظیفه می‌کند	گروه کاری در پرتو... عمل خواهد نمود	اسناد حمایتی لازم به لسان دری برای گروه کاری فراهم خواهد گردید	اهداف پالیسی
<ul style="list-style-type: none"> ● رؤسای ریاست‌های پالیسی وزارت‌های 	<ul style="list-style-type: none"> ● انجینیر فرهاد معصوم، نماینده اداره مستقل ارگان‌های 	<ul style="list-style-type: none"> ● قطب‌الدین روی دار و آریه نجات، از اداره 	<ul style="list-style-type: none"> ● قانون اساسی ● حکم مقام عالی ریاست جمهوری 	<ul style="list-style-type: none"> ● قانون اساسی ● حکم مقام عالی ریاست جمهوری 	<ul style="list-style-type: none"> ● قانون اساسی کشور در زمینه حکومت‌داری: احکام مواد

<p>محرّم، کمیسیونها و ادارات مستقل دولت</p> <p>• وزارت زراعت و آبیاری و مالداری</p> <p>• وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی</p> <p>• وزارت مبارزه با مواد مخدر</p> <p>• وزارت اقتصاد</p> <p>• وزارت مالیه</p> <p>• وزارت امور داخله</p> <p>• وزارت عدلیه</p> <p>• وزارت کار و امور اجتماعی، شهادا و معلولین</p> <p>• وزارت معادن</p> <p>• وزارت</p>	<p>محلّی</p> <p>• نمایندۀ وزارت احیاء و انکشاف دهات</p> <p>• نمایندۀ وزارت امور داخله</p>	<p>مستقل</p> <p>ارگان‌های محلّی</p> <p>• داکتر محمدالله بطاش نمایندۀ وزارت احیاء و انکشاف دهات</p>	<p>• قرارداد افغانستان</p> <p>• استراتیژی کامل انکشاف ملی افغانستان</p> <p>• استراتیژیهای سکتوری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان:</p> <p>سکتورهای حکومت‌داری، اصلاحات اداره عامه و حقوق بشر برای سالهای ۲۰۰۸- ۲۰۱۳</p> <p>• چارچوب استراتیژیک و پلان اجرایی اداره مستقل ارگان‌های محلّی</p> <p>• تحلیل چارچوب حقوقی فعلی</p>	<p>• قرارداد افغانستان</p> <p>• استراتیژی کامل انکشاف ملی افغانستان</p> <p>• استراتیژی های سکتوری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان به شمول سکتورهای حکومت‌داری، اصلاحات اداره عامه و حقوق بشر</p> <p>• تحلیل چارچوب حقوقی فعلی</p> <p>• نظریات ارائه‌شده طی مشورهای عامه</p> <p>• معلومات مبتنی بر تحقیقات</p> <p>• چارچوب</p>	<p>۳، ۲، ۱، ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۷، ۲۲، ۳۳، ۳۵، ۵۰، ۵۳ و ۷۵</p> <p>• قانون اساسی کشور در زمینۀ حکومت‌داری محلّی:</p> <p>احکام مواد ۵۰، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۵۶</p> <p>• حکم مقام عالی ریاست جمهوری:</p> <p>- ایجاد هماهنگی بیشتر بین نهادهای محلّی</p> <p>- پیشرفت همزمان در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی وامنیتی</p> <p>- چارچوب واحد ادارات محلّی</p>
--	---	--	---	--	--

<ul style="list-style-type: none"> • استراتیژی انکشاف ملی افغانستان الف) ارائه حکومت داری سالم در سطح محلی. ایجاد شرایط آتی در ادارات محلی و شاروالی‌ها: - شفافیت - حساب‌دهی - سهم‌گیری مردم جامعه مدنی و بخش خصوصی - دموکراسی محلی - مؤثریت- کارایی - تساوی و 	<ul style="list-style-type: none"> استراتیژیک و پلان کاری اداره مستقل ارگان‌های محلی • یادداشت روند طرح پالیسی • پلان اجرایی برای تهیه پالیسی • معیارات مورد مشترک نظارت و انسجام در زمینه حکومت داری محلی 	<ul style="list-style-type: none"> • معلومات و داده‌های مبتنی بر تحقیقات انجام شده در زمینه حکومت داری محلی در افغانستان • نظریات دریافت شده طی مشوره‌های عامه 			<p>صحت عامه</p> <ul style="list-style-type: none"> • وزارت فواید عامه • وزارت احیاء و انکشاف دهات • وزارت انکشاف شهری • وزارت امور زنان • کمیسیون مستقل انتخابات • کمیسیون مستقل مبارزه با ارتشاء و فساد اداری • ریاست شاروالی کابل • اداره مرکزی جیودیزی و کارتوگرافی • ریاست عمومی احصائیه مرکزی
---	--	--	--	--	---

<p>همه شمولی</p> <p>– عدالت</p> <p>جنسیتی</p> <p>– یک</p> <p>پارچگی</p> <p>– ایجاد یک</p> <p>سیستم</p> <p>مبتنی بر</p> <p>قانون در</p> <p>سطح تمام</p> <p>ادارات دولتی</p> <p>ب: بهبود عرضه خدمات عامه</p> <p>ج: تقویت ادارات محلی</p> <p>د: کاهش فقر</p> <p>بر اساس</p> <p>مندرجات</p> <p>چارچوب</p> <p>استراتژیک و</p> <p>پلان اجرایی</p> <p>اداره مستقل</p> <p>ارگان های</p> <p>محلی:</p>					<ul style="list-style-type: none"> • اداره امور و دارالانشای شورای وزیران • کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی • اداره ملی آمادگی و مقابله با حوادث افغانستان
--	--	--	--	--	--

<p>عرضه خدمات زمانی می‌تواند به وجه احسن- مؤثر و مفید- صورت گیرد که این خدمات از طریق نزدیک‌ترین نهادهای برای مردم فراهم گردند. این امر متضمن حساب‌دهی تصامیم اتخاذشده در برابر شهروندان مربوط می‌باشد. واگذاری وظایف و مسئولیتها به ادارات مختلف دولتی مبتنی بر اصول مؤثریت و کارایی کامل در عرضه خدمات عامه زمانی می‌تواند تحقق یابد که این خدمات از طریق</p>					
--	--	--	--	--	--

نزدیک‌ترین ادارات به شهروندانی که متضمن حساب‌دهی به آنان می‌باشد، صورت بگیرد.					
---	--	--	--	--	--

اموری که قبل از ایجاد گروه کاری باید توسط ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی، صورت بگیرند	حمایت‌ها	گروه مشورتی	بازده و نتیجه نشست‌های گروه کاری	آجندای جلسات گروه کاری	تقسیم اوقات نشست‌های گروه کاری	
ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی تمام طرح‌های	ارائه حمایت‌های تخنیکی به گروه کاری: برنامه حاکمیت	آسیا فونديشن گروه مشورتی را با تصویب ریاست	● جلسه اول: موافقت روی اهداف مشترک پالیسی،	● جلسه اول: توافق نمودن روی اهداف مشترک پالیسی،	نشست اول: ۱۵-۳۰ جون نشست دوم: ۱-	

پیشنهادی	محلی	پالیسی اداره	تعریف	تعریف	۱۰ جولای
چهار گروه	افغانستان این	مستقل	معیارات و	معیارات برای	نشست سوم:
کاری را	حمایت‌ها را	ارگان‌های	حوزه برای	ارزیابی	۲۰ - ۱۱
تلفیق خواهد	فراهم خواهد	محلی ایجاد	برآورد و	گزینه‌های	جولای
نمود و از	ساخت.	می‌کند.	ارزیابی	پالیسی،	نشست
یکپارچگی			گزینه‌های	تعیین حوزه،	چهارم: ۲۱-
میان این	ارائه	عضویت:	پالیسی،	معرفی جدول	۳۱ جولای
طرح‌های	پیشنهادات و	نهادهای	معرفی جدول	موضوعات	نشست
پیشنهادی و	درون داده‌های	غیردولتی	موضوعات	پالیسی و	پنجم: ۱-
نیز یک	تحقیقاتی:	(محلی، ملی	پالیسی و	لایحه	۱۵ اگست
پارچگی آنها	آسیا	و بین المللی	لایحه	وظایف	
با اهداف	فونديشن	و نهادهای	وظایف		
پالیسی تعیین	ارائه خواهد	دولتی محلی		● جلسه دوم:	
شده در اسناد	نمود		● نشست	ارزیابی کردن	
استراتژیک		برگزاری	دوم:	وضعیت فعلی	
که قبلاً مورد		مشوره های	ارزیابی شدن	پالیسی و	
تأیید حکومت		مستمر از	وضعیت فعلی	قانون‌گذاری،	
افغانستان		طریق روند	پالیسی و	بحث روی	
قرار گرفته‌اند،		مشورتی	قانون‌گذاری،	نقش‌ها،	
اطمینان		توسط آسیا	درک کامل از	وظایف،	
حاصل خواهد		فونديشن	نقشها،	اختیارات و	
نمود. متعاقباً			وظایف،	صلاحیت‌ها،	
ریاست			اختیارات و	روابط	
پالیسی اداره			صلاحیت‌ها،	ذات‌البینی	
مستقل			روابط ذات	ادارات محلی	
ارگان‌های			البینی ادارات	و روابط آنها	
محلی			محلی و	با ادارات	
افغانستان،					

<p>طرح‌های پیشنهادی را به کمیته تدوین پالیسی ادارات محلی افغانستان ارائه خواهد نمود.</p>			<p>روابط آنها با ادارات مرکز، جدول موضوعات پالیسی و لایحه وظایف.</p> <p>● جلسه سوم: ● جلسه سوم:</p> <p>مورد ارزیابی قرارگرفتن مشکلات مشکلات پیچیده ناشی از ترتیبات و ساماندهی ساماندهی های موجود، ارائه تحلیل بر اساس تحقیقات و مشوره‌های انجام شده موجود توسط آسیا فونديشن، بحث بالای نقش‌ها، وظایف،</p>	<p>مرکز، جدول موضوعات پالیسی و پیشکش لایحه وظایف.</p> <p>● جلسه سوم: ارزیابی نمودن مشکلات پیچیده ناشی از ترتیبات و ساماندهی های موجود، ارائه تحلیل بر اساس تحقیقات و مشوره‌های انجام شده موجود توسط آسیا فونديشن، بحث بالای نقش‌ها، وظایف،</p>		
--	--	--	---	--	--	--

			<p>جدول و اختیارات و صلاحیت‌ها و روابط</p> <p>پالیسی و پایشکس</p> <p>ادارات محلی و روابط آنها با ادارات مرکز، جدول موضوعات</p> <p>پالیسی و پایشکس</p> <p>لايحه وظایف. جمع بندی نمودن داده‌ها و معلومات</p> <p>گروه کاری سوم (گروه کاری سهم‌گیری جامعه مدنی، زنان و جوانان)</p> <p>● جلسه چهارم: گزینه‌های پالیسی، باطنی ساختن بر اساس تحقیقات و مشوره‌های موجود انجام</p>	<p>پالیسی و پایشکس</p> <p>لايحه وظایف. جمع بندی نمودن داده‌ها و معلومات</p> <p>گروه کاری سوم (گروه کاری سهم‌گیری جامعه مدنی، زنان و جوانان)</p> <p>● جلسه چهارم: گزینه‌های پالیسی، ارايه</p>	
--	--	--	---	--	--

		<p>تحلیل بر اساس تحقیقات و مشوره‌های موجود انجام شده توسط آسیا فون‌دیشن، نتیجه‌گیری محلی مباحث در زمینه نقشها، وظایف، اختیارات و روابط آنها با ادارات مرکز، جدول موضوعات صلاحیت‌های ادارات محلی و روابط آنها با ادارات مرکز، بحث روی جدول موضوعات پالیسی و لایحه وظایف و تلفیق نمودن نظریات گروه کاری</p> <p>● نشست پنجم: آماده شدن طرح‌های پیشنهادی</p>	<p>شده، نتیجه‌گیری مباحث نقش‌ها، وظایف، اختیارات و صلاحیت‌ها و روابط ذات‌البینی ادارات محلی و روابط آنها با ادارات مرکز، جدول موضوعات پالیسی و لایحه وظایف. تلفیق نظریات گروه کاری جامعه مدنی، زنان و جوانان</p>		
--	--	--	--	--	--

			پالیسی جهت ارائه به ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی	زنان و جوانان ● جلسه پنجم: فورموله‌سازی پیشنهادات پالیسی		
--	--	--	---	--	--	--

وظایف

- ایجاد وضاحت در طرزالعمل‌ها، اجراءات، روابط ذات‌البینی نهادهای حکومت‌داری (ولایات، ولسوالی‌ها و قریه‌ها) و روابط آنها با دولت مرکزی در کابل؛
- روشن ساختن نقش شوراهای انتخابی. طرح و تبیین اختیارات، مسئولیت‌ها و میکانیزم مالی شوراهای ولسوالی و قریه؛
- طرح میکانیزم‌هایی برای تقویت ظرفیت شوراهای ولایتی، حمایت از شریک‌سازی دانش و تبادلۀ معلومات میان شوراهای ولایتی. تعریف مجدد روابط بین شوراهای ولایتی و ادارات اجرایی ولایت تعیین میکانیزم‌هایی برای تقویت نهادهای انتخابی محلی و قادر ساختن آنان برای ایفای نقش‌ها و وظایفی که در قبال مردم دارند. واضح ساختن اندازه، نمایندگی فهرست علائم و اختصارات، جلسات، طرزالسلوک، اصول انجام وظایف، اعتبار تصامیم، صلاحیت، حساب‌دهی، معافیت، تبعیت قضایی، تخصیص منابع به شوراهای محلی. واضح ساختن روابط این نهادهای انتخابی با بخش اجرایی؛
- تعیین حدود صلاحیت‌های و مسئولیت‌های اداری بین والی و ریاست‌های سکتوری؛
- تعریف نقش تنظیمی والی؛
- واضح ساختن نقش‌های مستوفی و تفتیش داخلی ولایت؛
- فراهم‌سازی مزایا جهت همکاری‌های هرچه بیشتر متقابل؛
- تعیین میکانیزم‌هایی برای همکاری‌های نزدیک و همه‌جانبه بین‌الولایتی؛
- مشخص ساختن روابط والی‌ها با قومندانان امنیه؛
- تعیین میکانیزم‌هایی برای همکاری‌های نزدیک بین بخش‌های ملکی و امنیتی ادارات محلی؛

- معین ساختن طرح‌های پیشنهادی برای دستیابی به پیشرفت همزمان در بخش‌های حکومت‌داری و امنیت در ولایات، شهرها، ولسوالی‌ها و قریه‌ها

اداره انتخابات

- طرح رهنمود انتخاباتی برای ایجاد شوراهای انتخابی ولسوالی و قریه و برگزاری انتخابات آزاد، سری و مستقیم این نهادها طی هر سه سال؛
- آماده نمودن طرح‌های پیشنهادی پالیسی جهت برگزاری انتخابات شوراهای ولسوالی و قریه؛ آماده نمودن طرح‌های پیشنهادی پالیسی برای انجام تمام ترتیبات لازم، به شمول تعیین حدود حوزه‌های شوراهای قریه، حوزه‌های سطح منطقه برای شوراهای ولسوالی؛
- تعیین استراتژی برای کاهش هزینه انتخابات محلی در آینده و تمویل این انتخابات تا حد ممکن از طریق منابع خود دولت؛
- معرفی تمام رأی دهندگان به مراکز خاص رأی‌دهی؛
- تهیه یک استراتژی برای تسریع ایجاد یک مرکز دائم ثبت نام رأی‌دهندگان؛
- تعیین تغییراتی که باید در قانون انتخابات صورت بگیرد؛
- اصلاحات اداره عامه محلی، ارتقای ظرفیت، کارگماری، تعیینات بر اساس شایسته‌سالاری، سیستم‌ها و روندها، اندازه‌گیری کارایی، مبارزه با فساد، اخلاق و ارزشهای اخلاقی، حق دسترسی عامه مردم به معلومات، میکانیزم رسیدگی به شکایات عامه مردم، تسهیلات و امکانات دفتری و اداری، تجهیزات و نگهداری آنها، تسهیلات مخابراتی و ارتباطی و استراتژی آن، معیارهای خدمات عامه، کسب آگاهی در ابعاد مختلف مربوط به مشتریان و مصرف‌کنندگان و یا ایجاد نگرش مشتری‌گرایی در خدمات عامه، تفتیش مؤثریت عملکرد؛
- تسریع روند تجدید تشکیلات و اصلاحات دارای اولویت در بخش‌های تخنیکی و ادارات محلی:
 ۱. تطبیق سرتاسری سیستم رتب و معاشات و اصلاحات اداره عامه؛
 ۲. طرح پالیسی منابع بشری برای ادارات محلی.

طرح پالیسی ارتقای ظرفیت ادارات محلی:

۱. پالیسی آموزش و انکشاف منابع بشری اداره عامه محلی، تحقیق روی حاکمیت محلی و شاروالی‌ها؛
۲. ارتقای ظرفیت مسئولان محلی؛
۱. اطمینان از تهیه بسته‌های کمکی جهت تقویت ظرفیت جامع ادارات محلی؛
۲. ایجاد طرزالعمل‌های واضح و قابل تطبیق برای تمام ادارات تخنیکی و اداری در سطح محلی؛

۳. داشتن تعمیرها، تجهیزات و هزینه‌های اجرایی کافی برای تمام ادارات محلی؛
۴. تسهیل برقراری ارتباطات در سطح تمام ادارات دولتی و نیز فراهم‌سازی تسهیلات برقراری ارتباطات با عامه مردم؛
۵. فراهم‌سازی تسهیلات انترنتی و حکومت‌داری الکترونیکی در تمام ولسوالی‌ها؛
۶. ایجاد زمینه دوره کارآموزی برای فارغ‌التحصیلان پوهنتون‌ها و کالج‌ها؛
۷. معرفی معیارهای خدمات عامه و تهیه طرح آموزشی برای کارمندان ولایات؛
۸. ایجاد سیستم اندازه‌گیری مؤثریت عملکرد؛
۹. عرضه مشوق‌هایی برای عملکردهای خوب؛
۱۰. معرفی خدمات مشتری‌گرایانه در تمام ادارات؛
۱۱. تعریف وظایف نظارتی نهادهای ملی؛
۱۲. مرور نمودن کامل حدود جغرافیایی قریه‌ها و گذرها به حیث واحدهای سیاسی و اداری. تهیه طرح پیشنهادی پالیسی در زمینه نقشه‌برداری سیاسی و اداری کشور بر اساس قراردادن قریه‌ها و گذرها به مثابه واحدهای اساسی اداری. در اختیار نهادن نقشه‌های سیاسی و اداری به تمام ادارات جهت انتخابات، برنامه‌ریزی اجتماعی - اقتصادی و تطبیق پالیسی ادارات محلی.

تقویت سهم‌گیری سکتور خصوصی، جامعه مدنی، زنان و جوانان در امور حکومت‌داری:

۱. تعیین میکانیزم‌های ساختارمند جهت سهم‌گیری سکتور خصوصی، جامعه مدنی، زنان و جوانان در امور حکومت‌داری ولایات، ولسوالی‌ها و قریه‌ها؛
۲. تعیین روابط شوراهای انکشافی محل و شوراهای انکشافی ولسوالی با ادارات حکومت‌داری محلی؛
۳. تقویت تولید کالاها و ارائه خدمات مشترک محلی؛
۴. پیوند دادن حکومت‌داری رسمی و غیر رسمی؛
۵. افزایش آگاهی مردم و شهروندان در زمینه مسئولیت‌های آنان در قبال پرداخت مالیات؛
۶. برقراری ارتباط با شوراهای ولایتی جهت بهبود کنترل کیفیت، دخیل‌سازی جامعه مدنی در زمینه نظارت بر عملکردهای دولت؛
۷. گسترش و تقویت ایجاد انجمن‌ها و اتحادیه‌های مسلکی صنفی؛
۸. تطبیق قانون حق دسترسی مردم عامه به معلومات دولتی؛
۹. ایجاد میکانیزم رسیدگی به شکایات عامه؛
۱۰. تسهیل فرصت‌ها برای زنان و جوانان جهت سهم‌گیری در فعالیت‌های حکومت‌داری؛
۱۱. قانون تبعیض مثبت برای زنان: در نظر گرفتن کرسی‌هایی برای زنان در ادارات محلی، شوراهای انتخابی و پست‌های انتصابی؛
۱۲. حمایت از تطبیق قانون تبعیض مثبت برای زنان.

مدیریت حوادث عاجل

۱. تعیین نقش‌ها و مسئولیت‌های والی در زمینه مدیریت حوادث اضطراری ولایت/ پاسخ‌دهی عاجل به حوادث در سطح ولایت و طرح برنامه‌های ارتقای ظرفیت و برنامه‌های حمایتی برای اطمینان از انجام آنها توسط والی؛
۲. مشخص نمودن مسئولیت‌های دیگر بخش‌های اداری ولایت در زمینه مدیریت حوادث و پاسخ‌دهی؛
۳. توافق روی دیگر ساختارها در زمینه عرضه کمک‌های عاجل در جریان حوادث طبیعی؛
۴. طرح پالیسی برای عرضه خدمات مدیریت حوادث و پاسخ‌دهی عاجل به حوادث در سطح ولسوالی؛
۵. مشخص نمودن پیوند و ارتباط بین گروه‌های مدیریت حوادث و پاسخ‌دهی عاجل ادارات محلی سطح قریه با ادارات محلی؛
۶. شناسایی سیستم‌ها و دیگر منابع مورد نیاز جهت برآورده‌سازی و کمک مؤثر به مدیریت حوادث و پاسخ‌دهی عاجل به حوادث؛

مبارزه با مواد مخدر و فراهم‌سازی معیشت بدیل

۱. تعریف و شناسایی نقش والی و ساختار برنامه‌های ولایتی در تعیین ساحاتی که باید از کشت کوکنار پاک‌سازی شوند و نیز تعاملات بین والی و برنامه پاک‌سازی ملی؛
۲. تعیین خدمات معیشت بدیل مناسب برای عرضه به مردم نیازمند محلات، به شمول انکشاف اراضی و مدیریت منابع بشری، محصولات زراعتی، بازاریابی و انکشاف زنجیره ارزش، بهبود سیستم عرضه سرمایه، انکشاف سازمان محلی و عرضه خدمات اساسی. این خدمات ممکن است شامل ادارات محلی، بخش خصوصی و انکشاف اجتماعی گردد؛
۳. شناسایی میکانیسم‌هایی برای عرضه کمک‌های انکشافی برای دهاقین نیازمند و محتاج که مزارع کوکنار آنان تخریب گردیده است؛
۴. طرح سیستم‌هایی برای تقویت عرضه معیشت بدیل به دهقانان؛
۵. طرح سیستم‌هایی برای ایجاد هماهنگی در زمینه عرضه فعالیت‌ها و مداخلات انکشافی چند سکتوره از طریق ادارات محلی؛
۶. تشخیص و شناسایی منابع تخنیکی مورد نیاز جهت عرضه خدمات معیشت بدیل و برنامه‌ریزی در زمینه این که این خدمات را چگونه می‌توان به نهادهای محلی ارائه نمود.

۷. پیشنهاد یک لیست مشروح از مسئولیت‌ها و نقش‌ها برای شوراهای ولایتی در زمینه مبارزه با مواد مخدر و معیشت بدیل؛
۸. مشخص نمودن نقش شوراهای قریه در زمینه مبارزه با مواد مخدر و عرضه معیشت بدیل.

مدیریت منابع طبیعی محل / انکشاف اقتصادی محل

۱. شناسایی شیوه‌ها و میتودهایی که ادارات محلی از طریق آنها قادر به ارائه تعلیم و تربیه، آموزش و انکشاف منابع بشری مورد نیاز برای تقویت انکشاف اقتصادی محل باشند؛
۲. تهیه طرح‌های پیشنهادی جهت بهبود دسترسی مردم به خدمات مالی و سرمایه (قرضه‌ها، کمک‌های مالی، سرمایه‌گذاری‌ها) از طریق نهادهای محلی؛
۳. شناسایی ظرفیت‌های محیط کار و تجارت جهت تقویت آنها از طریق فعالیت نهادهای حاکمیت محلی و نیز تشخیص روند تقویت آنها؛
۴. تدوین یک استراتژی برای تسریع و ایجاد انگیزه در انکشاف نهادهای تجارتي که قادر به شراکت با سازمان‌های محلی (شراکت‌های عامه- خصوصی) و فراهم‌آوری خدمات تخنیکي و مشاورتي باشند؛
۵. طرح و پیشنهاد یک پالیسی برای آوردن تجارت‌ها و تشبثات کوچک و متوسط در چارچوب اقتصاد رسمی؛
۶. طرح پیشنهادات و توصیه‌هایی در زمینه برنامه ایجاد مستقیم واحدهای اقتصادی توسط نهادهای محلی (آیا اصولاً چنین چیزی باید صورت بگیرد یا خیر، معیارها، واحدهای تطبیقی)
۷. سفارش استراتژی جهت ارائه زیربنای لازم برای کسب و کار و تجارت و روشن‌ساختن روابط آن با عرضه‌کنندگان زیربناها در سطح محلی (وزارت انکشاف شهری، وزارت انرژی و آب)

جدول (۱): موضوعات پالیسی ادارات محلی

طرح کلی موضوعات در طول روند تدوین پالیسی

جدول آتی مشخص کننده موضوعات اساسی می‌باشد که جهت تهیه چارچوب پالیسی جامع و کامل ادارات محلی، لازم است به آنها توجه کافی مبذول گردد. با در نظر داشت وقت اندک میعاد زمانی که پریزنتیشن پالیسی باید تهیه و تقدیم شورای عالی وزیران گردد، لازم است گروه‌های کاری ابتدا مجموعه متسلسلی از معیارهای دسترسی به گزینه‌های پالیسی را جهت رهنمایی و هدایت پالیسی‌سازی تهیه نموده و آن‌گاه روی فورموله‌سازی مشروح طرح‌های پیشنهادی پالیسی کار نمایند.

چارچوب کامل پالیسی

- تطبیق و انکشاف - از کجا شروع خواهیم کرد	- ترتیبات اداری - چگونه باید این کار صورت گیرد	- چارچوب حقوقی و تنظیمی - چه کارهای باید صورت گیرد	- اصول پالیسی چه کارهایی صورت گیرد	
				ساختار دولت
				سیستم‌های انتخاباتی نهادهای نمایندگی
مسئولیت‌ها (وظایف)				
				وظایف و صلاحیت‌ها
				طرح‌ریزی
				بودجه‌سازی و مدیریت مالی
				اداره/ عرضه خدمات
				اطمینان از کیفیت/ عملکرد، اداره/ بررسی و نظارت

منابع (امور مالی)				
				صلاحیت مالی - مصارف
				دادن وجوه از طرف مرکز (بودجه ملی)
				بسیج منابع و اداره
				قرضه
نمایندگی و حساب‌دهی				
				روابط بین ادارات مختلف دولتی
				سهم‌گیری جامعه مدنی
				پیوند دادن حکومت‌داری رسمی و غیر رسمی
ظرفیت و عملکرد				
				ساختارهای نهادی/ اداری
				سیستم‌ها و روندها

				ارتقای ظرفیت منابع بشری
				مبارزه با فساد

جدول (۲): موضوعات پالیسی ادارات محلی

لازم است برای هر سطح توافق صوت گیرد که چه چیزهایی فعلاً وجود داشته، چه خلاءها و مشکلات موجود می‌باشند و نیز در زمینه این که چه بهبودی‌هایی باید به میان آید.

اصول ومبانی پالیسی						
سطح قریه/ محل	سطح ولسوالی	سطح شاروالی	سطح ولایت	سطح مرکز	اصول پالیسی	
						ساختار حکومت
						سیستم‌های انتخاباتی و نهادهای نمایندگی
مسئولیتها (وظایف)						
						وظایف و صلاحیت‌ها
						طرح‌ریزی
						بودجه‌سازی و مدیریت مالی
						اداره/ عرضه

						خدمات
						اطمینان از کیفیت / اداره عملکرد / بررسی و نظارت
منابع (امور مالی)						
						صلاحیت مالی - مصارف
						انتقال وجوه مالی از مرکز (بودجه ملی)
						بسیج منابع و اداره
						قرضه
نمایندگی و حساب‌دهی						
						روابط بین ادارات مختلف دولتی
						سهم‌گیری جامعه مدنی
						پیوند دادن حکومت‌داری رسمی و غیر رسمی

ظرفیت و عملکرد						
						ساختارهای نهادی / اداری
						سیستم‌ها وروندها
						ارتقای ظرفیت منابع بشری
						مبارزه با فساد

چارچوب اصول پالیسی

طرح چارچوب اصول پالیسی نیاز به سه مرحله اساسی دارد:

گام / مرحله	فعالیت‌ها	مثال‌ها
۱- توافق بالایی دورنمای کلی و جهت‌گیری ادارات محلی	تحلیل احکام موجود در: قانون اساسی استراتژی انکشاف ملی افغانستان (بخش حکومت‌داری و دیگر استراتژی‌های سکتورها) توافق روی: یکپارچگی اصول موجود پالیسی افزودن تعریف در صورت لزوم خلاءها و اصول اضافی مورد نیاز	وزارت‌های سکتوری باید جهت اجراءات بهتر صلاحیت‌های لازم را به ادارات محلی خویش اعطاء نمایند. باید برای زنان فرصت‌های سهم‌گیری در تصمیم‌گیری‌ها فراهم گردد.

<p>اصول پالیسی وزارت‌ها بر تفویض صلاحیت‌های اجرایی به ادارات محلی صحنه می‌گذارند.</p> <p>اصول پالیسی وزارت‌ها رهنمای دخیل‌سازی زنان در تصمیم‌گیری‌ها در هر سطح می‌باشد.</p>	<p>تحلیل:</p> <p>استراتژی‌ها و پالیسی‌های وزارت‌ها در ارتباط با فعالیت‌ها و تعاملات آنان در سطح محلی؛</p> <p>پالیسی‌ها و استراتژی‌های مربوط به نهادهای انتخابی نمایندگی در سطح محلی و تعاملات آنان.</p> <p>واضح ساختن:</p> <p>تنظیم پالیسی‌ها و استراتژی‌های وزارت‌ها با اصول پالیسی؛</p> <p>خلاءهای موجود در پالیسی‌ها و استراتژی‌های وزارت‌ها</p>	<p>۲- ترسیم پالیسی‌های موجود حکومت‌داری در زمینه موضوعات محلی</p>
<p>اصول پالیسی برای تفویض صلاحیت‌ها و وظایف به ادارات محلی:</p> <p>وزارت‌ها یک راهکار معیاری را برای تفویض صلاحیت‌ها و وظایف به ادارات محلی اتخاذ خواهند نمود.</p> <p>وزارت‌ها باید تفویض صلاحیت‌ها و وظایف طرح‌ریزی را با اجراءات بودجوی مرتبط سازند.</p> <p>اصول پالیسی رهنمای سهم‌گیری زنان:</p> <p>تمام ادارات عامه دارای پلان</p>	<p>تعریف و توافق روی:</p> <p>یکپارچگی مجموعه اصول پالیسی که تمام وزارت‌ها روی آن بتوانند توافق نظر داشته باشند.</p> <p>تعریف اصول جدید برای سمت و سوی مطلوب در عرصه‌هایی که تا کنون به طور کافی تحت پوشش قرار نگرفته‌اند.</p>	<p>۳- توافق روی اصول پالیسی برای نهادهای حکومت‌داری، روابط و روندهای مربوط در هر یک از سطوح محلی</p>

تبعیض مثبت خواهند بود.		
------------------------	--	--

گروه کاری در زمینه ادارات شاروالی‌ها*

گروه کاری اجراءات، صلاحیت، امور مالی و عملکرد شاروال‌ها و شوراهای شاروالی (روابط ذات‌البینی ادارات شاروالی‌ها با وزارت‌ها در مرکز، و نیز با والی‌ها و ولسوال‌ها و دیگر نهادهای نمایندگی (شوراهای ولایتی، شوراهای ولسوالی و شوراهای قریه)، ادارات ریاست‌های سکتوری در ولایت و ولسوالی به شمول لایحه وظایف این گروه کاری. این لایحه وظایف شامل سهم‌گیری بخش خصوصی، جامعه مدنی، جوانان و زنان نیز می‌شود. این گروه کاری نظریات گروه کاری سهم‌گیری جامعه مدنی، جوانان و زنان را شامل طرح‌های پیشنهادی خویش خواهد ساخت.

گروه کاری اجراءات، صلاحیت، امور مالی و عملکرد شاروال‌ها و شوراهای شاروالی، روابط ذات‌البینی ادارات شاروالی‌ها با وزارت‌ها در مرکز، و نیز با والی‌ها و ولسوال‌ها و دیگر نهادهای نمایندگی (شوراهای ولایتی، شوراهای ولسوالی و شوراهای قریه)، ادارات ریاست‌های سکتوری در ولایت و ولسوالی به شمول لایحه وظایف این گروه کاری

*شاروالی‌ها شامل شاروالی کابل نیز می‌گردد.

این لایحه وظایف شامل سهم‌گیری بخش خصوصی، جامعه مدنی، جوانان و زنان نیز می‌شود. این گروه کاری نظریات گروه کاری سهم‌گیری جامعه مدنی، جوانان و زنان را شامل طرح‌های پیشنهادی خویش خواهد ساخت. شاروالی‌ها شامل شاروالی کابل نیز می‌گردد.

عضویت	ریاست مشترک	کارشناس	گروه کاری در	اسناد حمایتی	اهداف پالیسی
	اداره مستقل ارگان‌های محلی / مسئولان وزارت‌ها	سکتوری به مثابه رابط بین گروه کاری، گروه مشورتی، و دارالانشای پالیسی ایفای وظیفه می‌کند.	گروه کاری در پرتو... عمل خواهد نمود:	دري برای گروه کاری فراهم خواهد شد.	
وزارت‌های	- تیمور انوریار،	- عبدالعزیز	- قانون اساسی.	۱- قانون اساسی	۱- قانون

<p>محترم،</p> <p>کمیسیون‌ها و ادارات مستقل دولتی، والی‌ها و گزینش شده،</p> <p>شاروال‌ها</p> <p>گزینش شده،</p> <p>اعضای گزینش شده شوراهای ولایتی،</p> <p>ولسوال‌ها</p> <p>گزینش شده</p>	<p>نماینده اداره مستقل ارگان‌های محلی.</p> <p>نماینده وزارت انکشاف شهری</p> <p>نماینده ریاست شاروالی کابل</p> <p>نماینده کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی</p> <p>نماینده کمیسیون مستقل انتخابات</p>	<p>بابه کرخیل،</p> <p>کاندید اداره مستقل ارگان‌های محلی.</p> <p>کاندید وزارت انکشاف شهری</p> <p>کاندید ریاست شاروالی کابل</p> <p>کاندید کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی</p> <p>کاندید کمیسیون مستقل انتخابات</p> <p>امر پالیسی</p>	<p>- حکم مقام عالی ریاست جمهوری.</p> <p>- قرارداد افغانستان</p> <p>- استراتیژی کامل انکشاف ملی افغانستان</p> <p>- استراتیژی‌های سکتوری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان شامل سکتورهای حکومت‌داری، اصلاحات اداره عامه و حقوق بشر</p> <p>۱- سکتورهای حکومت‌داری، اصلاحات اداره عامه و حقوق بشر برای سالهای ۲۰۰۸-۲۰۱۳.</p> <p>۲- چارچوب حقوقی</p>	<p>۲- حکم مقام عالی ریاست جمهوری</p> <p>۳- قرارداد افغانستان</p> <p>۴- استراتیژی کامل انکشاف ملی افغانستان</p> <p>۵- استراتیژی‌های سکتوری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان شامل سکتورهای حکومت‌داری، اصلاحات اداره عامه و حقوق بشر</p> <p>۶- تحلیل چارچوب حقوقی</p>	<p>اساسی کشور در زمینه حکومت‌داری: احکام مواد ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۷، ۲۲، ۳۳، ۳۵، ۵۰ و ۵۳</p> <p>۲- قانون اساسی کشور در زمینه حکومت‌داری محلی: احکام مواد ۵۰، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۵۶</p> <p>۳- حکم مقام عالی ریاست جمهوری: ایجاد هماهنگی بیشتر بین نهادهای محلی.</p> <p>- پیشرفت</p>
--	---	---	--	---	---

<p>همزمان در بخش های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی.</p> <p>- چارچوب واحد ادارات محلی</p> <p>- ۴ استراتژی انکشاف ملی افغانستان:</p> <p>- ارائه حکومت داری سالم در سطح محلی. - ایجاد شرایط آتی در ادارات محلی و مشاورالی ها:</p> <p>- شفافیت - حساب دهی</p> <p>- ۱۱ - پلان اجرایی برای تهیه پالیسی</p> <p>- جامعه مدنی و بخش</p>	<p>فعلی</p> <p>۷- نظریات ارائه شده طی مشورهای عامه</p> <p>۸- معلومات مبتنی بر تحقیقات</p> <p>۹- چارچوب استراتژیک و پلان کاری اداره مستقل ارگان های محلی</p> <p>۱۰- یادداشت روند طرح پالیسی</p> <p>۱۱- پلان اجرایی برای تهیه پالیسی</p>	<p>۲- چارچوب استراتژیک و پلان اجرایی اداره مستقل ارگان های محلی</p> <p>۳- تحلیل چارچوب حقوقی فعلی</p> <p>۴- معلومات و داده های مبتنی بر تحقیقات انجام شده در زمینه حکومت داری محلی در افغانستان</p> <p>۵- نظریات دریافت شده طی مشوره های عامه</p>	<p>اداره مشاورالی</p> <p>- ایمل غیاسی - امر نظارت و ارزیابی ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان های محلی</p>		
--	--	---	---	--	--

<p>خصوصی</p> <p>۱۲- معیارات</p> <p>بورد مشترک</p> <p>نظارت و انسجام</p> <p>در زمینه</p> <p>حکومت‌داری</p> <p>محلی</p> <p>کارایی</p> <p>مؤثریت-</p> <p>تساوی و</p> <p>همه شمولی</p> <p>عدالت</p> <p>جنسیتی</p> <p>یکپارچگی</p> <p>ایجاد یک</p> <p>سیستم مبتنی</p> <p>برقانون در</p> <p>سطح تمام</p> <p>ادارات دولتی</p> <p>بهبود عرضه</p> <p>خدمات عامه</p> <p>تقویت ادارات</p> <p>محلی</p> <p>۵- کاهش فقر</p> <p>بر اساس</p> <p>مندرجات</p> <p>چارچوب</p> <p>استراتژیک و</p>					
--	--	--	--	--	--

<p>پلان اجرایی اداره مستقل ارگان‌های محلی:</p> <p>عرضه خدمات زمانی می‌تواند به وجه احسن، مؤثر و مفید، صورت گیرد که این خدمات از طریق نزدیک ترین نهادها برای مردم فراهم گردند. و این امر متضمن حساب‌دهی تصامیم اتخاذ شده در برابر شهروندان مربوطه می‌باشد. واگذاری وظایف و مسئولیت‌ها به ادارات مختلف دولتی مبتنی بر اصول مؤثریت و کارایی کامل</p>					
---	--	--	--	--	--

<p>در عرضه خدمات عامه زمانی می تواند تحقق یابد که این خدمات از طریق نزدیک ترین ادارات به شهروندانی که متضمن حسابدهی به آنان می باشد، صورت گیرد.</p>					
---	--	--	--	--	--

<p>اموری که قبل از ایجاد گروه کاری باید توسط ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان های محلی، صورت گیرد.</p>	<p>حمایت ها</p>	<p>گروه مشورتی</p>	<p>بازده و نتیجه نشست های گروه کاری</p>	<p>آجندای جلسه های گروه کاری</p>	<p>تقسیم اوقات نشست های گروه کاری</p>	<p>حمایت های لجستیکی</p>
<p>ریاست پالیسی اداره مستقل</p>	<p>ارائه حمایت های تخنیکی به</p>	<p>اُسیا فونديشن گروه</p>	<p>جلسه اول: موافقت روی اهداف</p>	<p>جلسه اول: توافقی روی اهداف</p>	<p>نشست اول: ۱۵ تا ۳۰ جون</p>	<p>مکان: سالون کنفرانس- های</p>

ارگان‌های	گروه کاری:	مشورتی را	مشترک	مشترک	نشست دوم:	استراتژی
محلّی تمام	برنامه	با تصویب	پالیسی،	پالیسی، تعیین	۱-۱۰	انکشاف ملی
طرح‌های	حاکمیت	ریاست	تعیین	معیارات برای	جولای	افغانستان
پیشنهادی	محلّی	پالیسی اداره	معیارات برای	برآورد و ارزیابی	نشست سوم:	ترجمه
چهار گروه	افغانستان	مستقل	برآورد	گزینه‌های	۲۰-۱۱	هم‌زمان:
کاری را	این حمایت	ارگان‌های	و ارزیابی	پالیسی، تعیین	جولای	اداره مستقل
تلفیق خواهد	ها را فراهم	محلّی ایجاد	گزینه‌های	حوزه، معرفی	نشست	ارگان‌های
نمود و از	خواهد	می‌کند.	پالیسی،	جدول	چهارم: ۲۱	محلّی
یکپارچگی	ساخت.		تعیین حوزه،	موضوعات	تا ۳۱ جولای	
میان این		عضویت:	معرفی جدول	پالیسی	نشست	ارائه اسناد
طرح‌های	ارائه	نهادهای	موضوعات	ولایحه	پنجم: ۱-	ومواد
پیشنهادی و	پیشنهادات	غیردولتی	پالیسی	وظایف	۱۵ اگست	تحریری به
نیز	تحقیقاتی:	(محلّی، ملی	ولایحه	وظایف		لسان‌های
یکپارچگی	آسیا	و بین المللی)	وظایف	جلسه دوم:		انگلیسی و
آنها با اهداف	فوندیشن	و نهادهای		برآورد و		دری که در
پالیسی تعیین	ارائه خواهد	دولتی محلّی	نشست دوم:	ارزیابی		ستون‌های
شده در اسناد	نمود		برآورد و	وضعیت فعلی		قبلی بدانها
استراتژیک		برگزاری	ارزیابی	پالیسی و		اشاره گردیده
که قبلاً		مشوره‌های	وضعیت فعلی	قانون‌گذاری،		است.
مورد تأیید		مستمر از	پالیسی و	درک کاملی از		
حکومت		طریق روند	قانون‌گذاری،	نقش‌ها،		ارائه
افغانستان		مشورتی	درک کاملی	وظایف،		حمایت‌های
قرار گرفته‌اند،		توسط آسیا	از نقش‌ها،	اختیارات و		تخنیکی به
اطمینان حا		فوندیشن	وظایف،	صلاحیت‌های		رئیس گروه
صل خواهد			اختیارات و	شاروالی‌ها،		کاری
نمود. متعاقباً			صلاحیت‌ها	روابط ذات		
ریاست			و روابط ذات	البینی آنها با		
پالیسی اداره						

<p>مستقل ارگان‌های محلی افغانستان، طرح‌های پیشنهادی را به کمیته تدوین پالیسی ادارات محلی افغانستان ارائه خواهد نمود.</p>			<p>البینی آنها با ادارات محلی و روابط آنها با ادارات مرکز، جدول موضوعات پالیسی ولایحه وظایف</p> <p>جلسه سوم: ارزیابی و برآورد مشکلات</p> <p>ناشی از ترتیبات و ساماندهی‌های موجود، ارائه تحلیل بر اساس تحقیقات و مشوره‌های انجام شده موجود توسط آسیا فونديشن، بحث بالای نقش‌ها، وظایف، اختیارات و صلاحیت‌های</p>	<p>ادارات محلی و مرکز، جدول موضوعات پالیسی وپیشکش لایحه وظایف جلسه سوم: ارزیابی و برآورد مشکلات</p> <p>ناشی از ترتیبات و ساماندهی‌های موجود، ارائه تحلیل بر اساس تحقیقات و مشوره‌های انجام شده موجود توسط آسیا فونديشن، بحث بالای نقش‌ها، وظایف، اختیارات و صلاحیت‌های</p>	<p>ارائه حمایت های سکرتریتی به رئیس گروه کاری (دارالانشای گروه‌های کاری)</p>
--	--	--	---	--	--

			نقش‌ها، روابط، وظایف، اختیارات و صلاحیت‌ها و روابط ذات‌البینی ادارات محلی و روابط آنها با ادارات مرکز، جدول موضوعات ارزیابی و پالیسی و پیشکش لايحه وظایف ارزیابی شدن گروه کاری سوم یعنی گروه کاری سه‌م‌گیری جامعه مدنی، سوم یعنی گروه کاری سه‌م‌گیری جامعه مدنی، زنان و جوانان	شاروالی‌ها، روابط ذات‌البینی آنها ادارات محلی و مرکز، جدول موضوعات پالیسی و پیشکش لايحه وظایف ارزیابی و برآورد گروه کاری سوم یعنی گروه کاری سه‌م‌گیری جامعه مدنی، زنان و جوانان جلسه چهارم: گزینه‌های پالیسی، ارائه تحلیل بر اساس تحقیقات و مشوره‌های	
--	--	--	--	---	--

			<p>موجود انجام شده توسط آسیا فونديشن، نتيجه گيري مباحث نقش- انجام شده توسط آسيا فونديشن، نتيجه گيري مباحث نقش ها، وظايف، اختيارات و مركز، جدول موضوعات پاليسي و پيشكش لايحه وظايف، و روابط آنها با ادارات مركز، جدول موضوعات مدني، زنان و جوانان وظايف. تلفيق گرديدن نظريات گروه كاري جامعه</p>	<p>موجود انجام شده توسط آسيا فونديشن، نتيجه گيري مباحث نقش- انجام شده توسط آسيا فونديشن، نتيجه گيري مباحث نقش ها، وظايف، اختيارات و مركز، جدول موضوعات پاليسي و پيشكش لايحه وظايف، و روابط آنها با ادارات مركز، جدول موضوعات مدني، زنان و جوانان وظايف. تلفيق گرديدن نظريات گروه كاري جامعه</p>		
--	--	--	---	---	--	--

			مدنی، زنان و جوانان	پالیسی		
			نشست پنجم: طرح های پیشنهادی پالیسی آمادۀ ارائه به ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی،			

واضح ساختن قوانین، طرزالعمل‌ها، اجراءات، روابط ذات البینی برای شاروالی‌ها (ولایات، ولسوالی‌ها و قریه‌ها) و روابط آنها با دولت مرکزی در کابل

واضح ساختن نقش شوراهای شاروالی. طرح میکانیزم اختیارات، مسئولیت‌ها و میکانیزم مالی شوراهای شاروالی طرح میکانیزم‌هایی برای تقویت ظرفیت شوراهای شاروالی، حمایت از شریک‌سازی دانش و تبادلۀ معلومات و دانش در میان شوراهای شاروالی. تعیین میکانیزم‌هایی برای تقویت شوراهای شاروالی و قادرساختن آنان برای ایفای نقش‌ها و وظایفی که در برابر مردم دارند. واضح ساختن اندازه و سایز نمایندگی، فهرست جلسات،

طرز السلوك، انجام وظایف، اعتبار تصامیم، صلاحیت، حساب‌دهی، مصونیت، تبعیت قضایی، تخصیص منابع به شوراهای شاروالی. واضح ساختن روابط این نهادهای انتخابی با بخش اجرایی

لایحه وظایف

موضوعات کلی:

۱. تعریف شاروالی به شمول مأموریت، وظایف اصلی و فرعی آن؛
۲. معیارات و آیین‌نامه‌ها برای ایجاد شاروالی‌های جدید به شمول روندها و تصویب صلاحیت‌ها و میکانیزم‌های مربوطه؛
۳. معیارات و آیین‌نامه‌های مربوط به دسته‌بندی شاروالی‌ها بر اساس وظایف اساسی و اختیاری آنها؛
۴. ارزیابی استمرار زیست‌پذیری و حفظ شاروالی‌ها و نیز زمینه‌ها و روندهای الغای وضعیت شاروالی‌ها.

تشکیل و پرسونل:

۱. مدل تشکیلاتی برای هر یک از طبقه‌بندی‌های شاروالی‌ها، همراه با رهنمودهایی در زمینه اتخاذ مدل‌های مناسب با شرایط محل؛
۲. معیارات و رهنمودهای لازم جهت انتقال از یک مدل به مدل دیگر؛
۳. پرسونل اصلی و فرعی برای هر یک از دسته‌بندی‌ها و نیز معیارات مشترک شرایط و وضعیت برای این پرسونل؛
۴. آئین‌نامه‌های انتقال پرسونل و استخدام و ابقای کارمندان کارفهم بر اساس اجراءات خوب، لیاقت مسلکی و تجربه و عدالت جنسیتی، عدم هر نوع تبعیض بر اساس مذهب، لسان و قومیت؛
۵. مصونیت استخدام و نگهداری پرسونل ادارات شاروالی‌ها و ضمانت معشات و مزایای آنان؛
۶. اصول اخلاقی برای کارمندان ادارات شاروالی به شمول پاداش و مجازات و نیز احکام حوزه سهم‌گیری در تطبیق؛
۷. حمایت از جانب دیگر دوایر دولتی در انکشاف ظرفیت‌های اداری، تخنیکی و مدیریتی و نیز ایجاد ساختارهای پاسخ‌ده، شفاف و حساب‌ده در شاروالی‌ها؛
۸. ارائه فرصت‌های آموزشی کافی، مسائل پاداش و جنبه‌های شخصیت کاری کارمندان ادارات شاروالی‌ها به شمول نقش‌ها و مسئولیت‌های دیگر دوایر دولتی.

منابع مالی:

۱. میزان صلاحیت مالی ادارات شاروالی‌ها، همراه با تعریفی روشن از منابع و چشمه‌های عایداتی، در ارتباط با وظایف اساسی و اختیاری این ادارات، تنظیم مناسب مالیات‌های محلی به شمول مالیات بر اراضی، به مثابه منابع عایداتی ادارات شاروالی‌ها؛
۲. زمینه‌ها و روندهای وجوه مالی برای ادارات شاروالی‌ها، به شمول در نظر داشت اولویت‌های محلی همراه با تخصیصات مشخص و محدود به ایجاد انگیزش در تطبیق پالیسی‌های ملی؛
۳. تلفیق تفویض اجراءات ادارات عالی دولتی و منابع لازم برای انجام چنین وظایفی؛
۴. استحصال هزینه خدمات عامه ارائه شده، به شمول میزان صلاحیت‌های داده‌شده به شاروالی‌ها جهت وضع مالیات و تعرفه‌ها؛
۵. نقش‌ها و مسئولیت‌های شاروالی‌ها در جمع‌آوری مالیات و سهم‌های متناظر آنان از مالیات و تعرفه‌های ملی؛
۶. دسترسی شاروالی‌ها به منابع مالی بیرونی به شکل قرضه‌ها و کمک‌های مالی؛
۷. بهبود و تقویت عواید شاروالی و استفاده درست از آنها، از قبیل:
 - مشخص‌سازی اساس مالیّه شاروالی‌ها،
 - اطمینان از برخورداری از مزایای کافی برای تقویت جمع‌آوری عواید شاروالی،
 - ایجاد یک میکانیزم حسابداری برای اداره عواید،
 - تعیین میزان مناسب فیس اداری و مطالبه بها از استفاده‌کنندگان،
 - تقویت و اشاعه استفاده از تکنالوژی‌های معلوماتی جهت تسریع و کمک به ایجاد شفافیت هرچه بیشتر،
 - طرح و ایجاد قوانین لازم جهت اطمینان از استفاده عادلانه از عواید در تمام بخش‌های شاروالی‌ها و ایجاد میکانیزم پیگیری مصارف.

دموکراسی نمایندگی و اشتراکی در سطح محلی:

۱. سهم‌گیری شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، تطبیق و پی‌گیری تصمیم در سطح محل؛
۲. همکاری مسئولان ادارات شاروالی‌ها با تمام دست‌اندرکاران جامعه مدنی، به خصوص نهادهای غیردولتی و سازمان‌های اجتماعی و بخش خصوصی و دیگر طرف‌های علاقه‌مند؛
۳. تنظیم اصول اخلاقی برای سیاستمداران محلی و شرایط اجناس و توان برای ضمانت امنیت و حکومت‌داری سالم؛
۴. حفظ و نشر معلومات و اسناد شاروالی‌ها برای عامه مردم.

نظارت بر ادارات شاروالی‌ها:

۱. مشخص نمودن سلسله نظارت و گزارش‌دهی از ادارات شاروالی‌ها به دیگر ادارات دولتی (ادارات ولایت و مرکز)، به شمول معیارهای معلومات و معیادهای زمانی آنها؛
۲. شرایط برای نظارت مقام‌های محلی، شامل روند قانونی، ایجاد نهادهای مستقل نظارتی برای نظارت بر این پروسه و نیز رسیدگی به شکایات.
روابط میان شاروالی‌ها:

۱. اصول حاکم بر شاروالی‌ها و طرز همکاری‌های ذات‌البینی؛
۲. اصول حاکم، مجراها و مجمع‌ها و روندهای لازم برای حل منازعات ذات‌البینی و حل مشکلات.

اصلاحات اداره عامه در ادارات شاروالی، ارتقای ظرفیت، تعیینات مبتنی بر اصول شایسته‌سالاری، سیستم‌ها و روندها، اندازه‌گیری اقدامات، مبارزه با فساد، اخلاق و ارزش‌ها، حق دسترسی به معلومات، میکانیزم رسیدگی به شکایات عامه، تسهیلات دفتری، تجهیز و نگهداری آنها، تسهیلات مخابراتی و ارتباطاتی و استراتژی آن، معیارهای خدمات عامه، گرایش خدمات مشتری‌گرایانه در خدمات عامه و تفتیش عملکرد.

اداره انتخابات

- طرح نقشه رهنما برای انتخابات شوراهای شاروالی و برگزاری انتخابات آزاد، سری و مستقیم این نهادها طی هر سه سال؛
- آماده نمودن طرح‌های پیشنهادی پالیسی جهت برگزاری انتخابات شوراهای شاروالی و انتخابات شاروال‌ها، آماده نمودن طرح‌های پیشنهادی پالیسی برای انجام تمام ترتیبات لازم، به شمول تعیین حدود حوزه‌های گذرها برای شوراهای شاروالی؛
- روشمند کردن کاهش هزینه انتخابات شاروالی‌ها در آینده تا حد ممکن از طریق منابع خود دولت؛
- معرفی رأی‌دهندگان به مراکز خاص رأی‌دهی؛
- تهیه استراتژی برای تسریع ایجاد یک مرکز دائمی ثبت نمایندگان؛
- مشخص ساختن تغییراتی که باید در قانون انتخابات صورت بگیرد،

- بازنگری کلی حدود قلمرو گذرها به مثابه واحدهای سیاسی و اداری، آماده نمودن یک طرح پیشنهادی پالیسی جهت تطبیق ترسیم و نقشه‌برداری سیاسی و اداری حدود حوزه‌های شاروالی که گذرها در آن به حیث واحدهای اساسی مدنظر قرار خواهند گرفت. نقشه‌های سیاسی و اداری در اختیار تمام ادارات دولتی جهت برگزاری انتخابات، طرح‌ریزی اقتصادی- اجتماعی و تطبیق پالیسی ادارات محلی قرار داده خواهد شد.

تقویت سهم‌گیری سکتور خصوصی، جامعه مدنی، زنان و جوانان در امور حکومت‌داری:

۱. تعیین میکانیزم‌های ساختارمند جهت سهم‌گیری سکتور خصوصی، جامعه مدنی، زنان و جوانان در امور ادارات شاروالی‌ها؛
۲. تعیین روابط شوراهای انکشافی محل و شوراهای انکشافی ولسوالی با ادارات شاروالی‌ها؛
۳. تقویت تولید کالاها و ارائه خدمات مشترک محلی؛
۴. ارتباط‌دهی حکومت‌داری رسمی و غیر رسمی؛
۵. افزایش آگاهی مردم و شهروندان در زمینه مسئولیت‌های آنان در قبال پرداخت مالیات؛
۶. برقراری ارتباط با شوراهای ولایتی جهت بهبود کیفیت کنترل، دخیل‌سازی جامعه مدنی در زمینه نظارت بر اجراءات و عملکردهای حکومت‌داری؛
۷. گسترش، تقویت و ایجاد انجمن‌ها و اتحادیه‌های مسلکی صنفی؛
۸. تطبیق قانون حق دسترسی به معلومات و اطمینان از دسترسی به معلومات دولتی؛
۹. ایجاد میکانیزم رسیدگی به شکایات عامه؛
۱۰. تسهیل فرصت‌هایی برای زنان و جوانان جهت سهم‌گیری در فعالیتهای حکومت‌داری؛
۱۱. قانون تبعیض مثبت برای زنان: در نظر گرفتن کرسی‌هایی برای زنان در ادارات محلی، شوراهای انتخابی و پست‌های انتصابی؛
۱۲. دادخواهی در زمینه تطبیق قانون تبعیض مثبت برای زنان؛
۱۳. آماده ساختن پالیسی برای آغاز ثبت اجتماعی اراضی در تمام واحدهای اداری و ثبت قباله‌جات برای مناطق شهری؛
۱۴. آماده‌ساختن طرح‌های پیشنهادی برای ایجاد یک سیستم عادلانه حل منازعات و اختلافات.

انکشاف اقتصادی محل

۱. شناسایی شیوه‌ها و میتودهایی که ادارات شاروالی از طریق آنها قادر به ارائه تعلیم و تربیه، آموزش و انکشاف منابع بشری مورد نیاز برای تقویت انکشاف اقتصاد محلی باشند؛
۲. تهیه طرح‌های پیشنهادی جهت بهبود دسترسی مردم به خدمات مالی و سرمایه (قرضه‌ها، کمک‌های مالی، سرمایه‌گذاری‌ها) از طریق ادارات شاروالی محلی؛
۳. شناسایی جنبه‌های انکشاف محیط کسب و کار و تجارت که بتوان آنها را از طریق فعالیت‌های ادارات شاروالی تقویت نمود و نیز تشخیص روند تقویت آنها؛
۴. تدوین یک پالیسی برای ایجاد انگیزش در انکشاف نهادهای تجارتي که قادر به شراکت با نهادهای محلی (در شراکت‌های عامه و خصوصی) و فراهم‌آوری خدمات تخنیکي و مشاورتي باشد؛
۵. طرح و پیشنهاد یک پالیسی برای تجارت‌ها و تشبثات کوچک و متوسط در چارچوب اقتصاد رسمي؛
۶. طرح پیشنهادات و توصیه‌هایی در زمینه برنامه‌ایجاد واحدهای مستقیم اقتصادی توسط ادارات شاروالی‌ها (آیا اصولاً چنین چیزی باید صورت بگیرد یا خیر، معیارات، واحدهای تطبیقی)؛
۷. طرح‌های پیشنهادی استراتیژی جهت ارائه زیربنای لازم برای کسب و کار و تجارت و روشن‌ساختن روابط آن با عرضه‌کنندگان خدمات زیربنایی در سطح محلی (وزارت انکشاف شهری، وزارت انرژی، آب و برق).

جدول موضوعات پالیسی ادارات محلی

طرح کلی موضوعات در طول روند تدوین پالیسی

جدول آتی مشخص‌کننده موضوعات اساسی می‌باشد که جهت تهیه چارچوب پالیسی جامع و کامل ادارات محلی لازم است به آنها توجه کافی مبذول گردد. با درنظرداشت وقت اندک میعاد زمانی که پرزنتیشن پالیسی باید تهیه و تقدیم شورای عالی وزیران گردد، لازم است گروه‌های کاری ابتدا مجموعه یکپارچه‌ای از معیارات دسترسی به گزینه‌های پالیسی را جهت رهنمائی و هدایت پالیسی‌سازی تهیه نموده و آن‌گاه روی فورموله‌سازی مشروح طرح‌های پیشنهادی پالیسی کار نمایند.

چارچوب کامل پالیسی

- اصول پالیسی	- چارچوب حقوقی و انتظامی	- ترتیبات نهادی	- تطبیق و انکشاف
- چه کارهایی	- چه کارهای باید	- چگونه باید این	- از کجا شروع

خواهیم کرد.	کار صورت گیرد.	صورت گیرد.	صورت گیرد.	
				تشکیل دولت
				سیستم‌های انتخاباتی نهادهای نمایندگی
مسئولیت‌ها (وظایف)				
				وظایف و صلاحیت‌ها
				طرح‌ریزی
				بودجه‌سازی و مدیریت مالی
				اداره/ عرضه خدمات
				اطمینان از کیفیت، عملکرد اداره/ ارزیابی و نظارت
منابع (امور مالی)				
				صلاحیت مالی مصارف
				انتقال‌های مرکزی (بودجه ملی)
				بسیج منابع و اداره

				قرضه
نمایندگی و حساب‌دهی				
				روابط بین ادارات مختلف دولتی
				سهم‌گیری جامعه مدنی
				پیوند دادن حکومت‌داری رسمی و غیررسمی
ظرفیت و عملکرد				
				ساختارهای نهادی/ اداری
				سیستم‌ها و روندها
				ارتقای ظرفیت منابع بشری
				مبارزه با فساد

جدول (۲): موضوعات پالیسی ادارات محلی

لازم است برای هر سطح روی سیستم ها و زیربناهای موجود فعلی، خلاءها و مشکلات موجود و نیز در زمینه اینکده چه بهبودی‌هایی باید به وجود آید، به توافق دست یافت.

اصول و مبانی پالیسی						
سطح قریه/ محل	سطح ولسوالی	سطح شاروالی	سطح ولایت	سطح مرکز	اصول پالیسی	
						ساختار حکومت
						سیستم‌های انتخاباتی و نهادهای نماینده
مسئولیت‌ها (وظایف)						
						وظایف و صلاحیت‌ها
						طرح‌ریزی
						بودجه‌ریزی و مدیریت مالی
						اداره/ عرضه خدمات
						اطمینان کیفیت/ عملکرد، اداره/ ارزیابی و نظارت

منابع (امور مالی)						
						صلاحیت مالی و مصارف
						انتقال وجوه مالی از مرکز (بودجه ملی)
						بسیج منابع و اداره
						قرضه
نمایندگی و حساب‌دهی						
						روابط بین ادارات مختلف دولتی
						سهم‌گیری جامعه مدنی
						پیوند دادن حکومت‌داری رسمی و غیررسمی
ظرفیت و عملکرد						

						ساختارهای نهادی / اداری
						سیستم‌ها و روندها
						ارتقای ظرفیت منابع بشری
						مبارزه با فساد

چارچوب اصول پالیسی

طرح چارچوب اصول پالیسی نیاز به سه مرحله اساسی دارد:

گام / مرحله	فعالیت‌ها	مثال‌ها
۱- توافق بالای دورنما و جهت‌گیری کلی برای ادارات محلی.	تحلیل احکام موجود در: ۱- قانون اساسی ۲- استراتژی انکشاف ملی افغانستان (بخش حکومت‌داری و دیگر استراتژی‌های سکتورهای) توافق روی:	<ul style="list-style-type: none"> وزارت‌های سکتوری باید صلاحیت‌های لازم را به ادارات محلی خویش جهت اجراءت بهتر به آنان اعطا نمایند. باید برای زنان فرصت‌های سهم‌گیری در تصمیم‌گیری‌ها فراهم گردد
	<ul style="list-style-type: none"> - ارتباط و یکپارچگی اصول موجود پالیسی - افزودن تعریف در صورت لزوم - خلاءها و اصول اضافی مورد نیاز 	

<ul style="list-style-type: none"> • اصول پالیسی وزارت‌ها بر تفویض صلاحیت‌های اجرایی به ادارات محلی صحنه می‌گذارد. • اصول پالیسی وزارت‌ها رهنمای دخیل‌سازی زنان در تصمیم‌گیری‌ها در هر سطح می‌باشد. 	<p>تحلیل:</p> <ul style="list-style-type: none"> • استراتژی‌ها و پالیسی‌های وزارت‌ها در ارتباط با فعالیت‌ها و تعاملات آنان در سطح محلی • پالیسی و استراتژی‌های مربوط به نهادهای انتخابی نمایندگی در سطح محلی و تعاملات آنان <p>واضح ساختن:</p> <ul style="list-style-type: none"> • تنظیم پالیسی‌ها و استراتژی‌های وزارت‌ها با اصول پالیسی • خلاءهای موجود در پالیسی‌ها و استراتژی‌های وزارت‌ها. 	<p>۲- ترسیم پالیسی‌های موجود حکومت‌داری در زمینه موضوعات محلی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • اصول پالیسی برای تفویض صلاحیت‌های و وظایف به ادارات محلی: - وزارت‌ها یک راهکار معیاری را برای تفویض صلاحیت‌ها و وظایف به ادارات محلی اتخاذ خواهند نمود. - وزارت‌ها باید تفویض صلاحیت‌ها و وظایف طرح‌ریزی شده را با اجراءات بودجوی مرتبط سازند. • اصول پالیسی رهنمای سهم‌گیری 	<p>تعریف و توافق روی:</p> <ul style="list-style-type: none"> • مجموعه ارتباط و یکپارچگی اصول پالیسی که تمام وزارت‌ها بتوانند روی آن توافق نظر داشته باشند. • تعریف اصول جدید و سمت و سوی مطلوب در عرصه‌هایی که تاکنون به طور کافی تحت پوشش قرار نگرفته اند. 	<p>۳- توافق روی اصول پالیسی برای نهادهای حکومت‌داری، روابط و روندها در سطح محلی.</p>

زنان:		
- تمام ادارات عامه دارای پلان تبعیض مثبت خواهند بود.		

گروه کاری سهم‌گیری جامعه مدنی جوانان و زنان در حکومت‌داری

گروه کاری سهم‌گیری جامعه مدنی، جوانان و زنان در حکومت‌داری

اهداف پالیسی	اسناد حمایتی لازم به لسان دري برای گروه کاری فراهم خواهد گردید.	گروه کاری درپرتو... عمل خواهد نمود.	کارشناس سکتوری به مثابه رابط بین گروه کاری، گروه مشورتی، و دارالانشای پالیسی ایفای وظیفه می‌کند.	ریاست مشترک اداره مستقل ارگان‌های محلی / مسئولان وزارت‌ها	عضویت
● قانون اساسی کشور در زمینه حکومت‌داری: احکام مواد ۷، ۳۶، ۴۱، ۴۷، ۱۰، ۱۷، ۲۲، ۳۳، ۳۵، ۵۰، ۷۵، ۵۳	● قانون اساسی ● حکم مقام عالی ریاست جمهوری ● قرارداد افغانستان ● استراتژی	● قانون اساسی. ● حکم مقام عالی ریاست جمهوری ● قرارداد افغانستان	● آریه نجات، و داکتر محمدالله بطاش از اداره مستقل ارگان‌های محلی ● نماینده وزارت احیاء و وزارت دهات	● قطب الدین رویدار، نماینده اداره مستقل ارگان‌های محلی ● نماینده وزارت احیاء و انکشاف دهات	● رؤسای ریاست‌های پالیسی، وزارت‌های محترم، کمیسیون‌ها و ادارات مستقل دولت:

<ul style="list-style-type: none"> ● قانون اساسی کشور در زمینه حکومت‌داری محلی: احکام مواد ۵۰، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۵۶ ● حکم مقام عالی ریاست جمهوری: - ایجاد هماهنگی بیشتر بین نهادهای محلی - پیشرفت همزمان در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی. - تنظیم چارچوب واحد ادارات محلی ● استراتژی انکشاف ملی افغانستان 	<ul style="list-style-type: none"> کامل انکشاف ملی افغانستان. ● استراتژی های سکتوری استراتژی انکشاف ملی افغانستان: سکتورهای حکومت‌داری، اصلاحات اداره عامه و حقوق بشر ● تحلیل چارچوب حقوقی فعلی ● نظریات ارائه شده طی مشوره‌های عامه ● معلومات مبتنی بر تحقیقات ● چارچوب استراتژیک و پلان کاری اداره مستقل ارگان‌های 	<ul style="list-style-type: none"> ● استراتژی کامل انکشاف ملی افغانستان ● استراتژی های سکتوری استراتژی انکشاف ملی افغانستان: - سکتورهای حکومت‌داری، اصلاحات اداره عامه و حقوق بشر برای سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۳ ● چارچوب استراتژیک و پلان اجرایی اداره مستقل ارگان‌های محلی ● تحلیل چارچوب حقوقی فعلی ● معلومات و داده‌های مبتنی بر تحقیقات 	<ul style="list-style-type: none"> انکشاف دهات ● نماینده وزارت امور زنان 	<ul style="list-style-type: none"> ● وزارت زراعت و آبیاری و مالداري ● وزارت امور قبایل، اقوام و سرحدات ● وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی ● وزارت فرهنگ و جوانان ● وزارت اقتصاد ● وزارت مالیه ● وزارت امور داخله ● وزارت عدلیه ● وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین ● وزارت صحت عامه ● وزارت فواید
--	---	--	--	--

<p>الف) ارائه حکومت‌داری سالم در سطح محلی. ایجاد شرایط آتی در ادارات محلی و شاروالی‌ها: - شفافیت - حساب‌دهی - سهم‌گیری مردم جامعه مدنی و بخش خصوصی - دموکراسی محلی - مؤثریت - کارایی - تساوی و همه‌شمولی - عدالت جنسیتی</p>	<p>محلی افغانستان. • یادداشت روند طرح پالیسی • پلان اجرایی برای پالیسی سازی • معیارات مورد مشترک نظارت و انسجام در زمینه ادارات محلی</p>	<p>انجام‌شده در زمینه حکومت‌داری محلی در افغانستان • نظریات دریافت‌شده طی مشوره‌های عامه</p>			<p>عامه • وزارت احیاء و انکشاف دهات • وزارت انکشاف شهری • وزارت امور زنان • کمیسیون مستقل انتخابات • کمیسیون مستقل مبارزه با ارتشاء و فساد اداری • ریاست شاروالی کابل • اداره مرکزی جیودیزی و کارتوگرافی • ریاست عمومی احصائیه مرکزی • اداره امور و دارالانشای</p>
---	--	--	--	--	--

<p>-</p> <p>یک پارچگی</p> <p>- ایجاد یک سیستم مبتنی بر قانون در سطح تمام ادارات دولتی</p> <p>ب: بهبود عرضه خدمات عامه</p> <p>ج: تقویت ادارات محلی</p> <p>د: کاهش فقر</p> <p>بر اساس مندرجات چارچوب استراتژیک و پلان اجرایی اداره مستقل ارگان‌های محلی:</p> <p>عرضه خدمات زمانی می‌تواند به وجه احسن، مؤثر و مفید</p>					<p>شورای وزیران</p> <ul style="list-style-type: none"> • کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی • کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی
--	--	--	--	--	--

<p>صورت گیرد که این خدمات از طریق نزدیک ترین نهادها برای مردم فراهم گردد. این امر متضمن حسابدهی تصامیم اتخاذ شده در برابر شهروندان مربوط می باشد. واگذاری وظایف و مسئولیتها به ادارات مختلف دولتی مبتنی بر اصول مؤثریت و کارایی کامل در عرضه خدمات عامه زمانی می تواند تحقق یابد که این خدمات از طریق نزدیکترین ادارات به شهروندان، که متضمن</p>					
--	--	--	--	--	--

حساب‌دهی به آنان می‌باشد، صورت بگیرد.					
---------------------------------------	--	--	--	--	--

حمایت‌های لوجستیکی	تقسیم اوقات نشست‌های گروه کاری	آجندای جلسات گروه کاری	بازده و نتیجه نشست‌های گروه کاری	گروه مشورتی	حمایت‌ها	اموری که قبل از ایجاد گروه کاری باید توسط ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی، صورت بگیرند.
مکان: تالار کنفرانس های وزارت احیاء و انکشاف دهات	نشست اول: ۱۵-۳۰ جون نشست دوم: ۱-۱۰ جولای نشست سوم: ۱۱-۲۰	● جلسه اول: توافق نمودن روی اهداف مشترک پالیسی، تعریف معیارات برای ارزیابی گزینه‌های پالیسی، تعیین	● جلسه اول: موافقت روی اهداف مشترک پالیسی، تعریف معیارات و حوزه برای برآورد و ارزیابی گزینه‌های پالیسی، معرفی	آسیا فونديشن گروه مشورتی را با تصویب ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی ایجاد	ارائه حمایت‌های تخنیکي به گروه کاری: برنامه حاکمیت محلی افغانستان این حمایت‌ها را	ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی تمام طرح‌های پیشنهادی چهار گروه کاری را تلفیق خواهد

<p>اداره مستقل ارگان‌های محلی</p> <p>ارائه اسناد و مواد تحریری به لسان‌های انگلیسی و دری که در ستون‌های قبلی به آنها اشاره شده است.</p> <p>ارائه حمایت‌های تخنیکی به رئیس گروه کاری</p> <p>ارائه حمایت‌های سکرتریتی به رئیس گروه کاری</p>	<p>جولای نشست چهارم: ۲۱- ۲۵ جولای</p> <p>● جلسه دوم: ارزیابی نمودن مشکلات پیچیده ناشی از ترتیبات و سامان‌دهی‌های موجود، ارائه تحلیل بر اساس تحقیقات و مشوره‌های انجام‌شده موجود توسط آسیا فونديشن، بحث بالای جدول موضوعات پالیسی و پیشکش لایحه وظایف</p>	<p>حوزه، معرفی جدول موضوعات پالیسی و لایحه وظایف</p> <p>● نشست دوم: مورد ارزیابی قرارگرفتن مشکلات پیچیده ناشی از ترتیبات و ساماندهی‌های موجود، معرفی نتایج تحلیل تحقیقات و مشوره‌های انجام‌شده، ادامه کار بالای جدول موضوعات پالیسی و لایحه وظایف</p> <p>● جلسه سوم: گزینه‌های پالیسی، تحلیل بر اساس</p>	<p>می‌کند. عضویت: نهادهای غیردولتی (محلی، ملی و بین‌المللی) و نهادهای دولتی محلی برگزاری مشوره‌های مستمر از طریق روند مشورتی توسط آسیا فونديشن</p>	<p>فراهم خواهد ساخت. ارائه پیشنهادات تحقیقاتی: آسیا فونديشن ارائه خواهد نمود.</p>	<p>نمود و از تسلسل و یک پارچگی میان این طرح‌های پیشنهادی و نیز تسلسل و یک پارچگی آنها با اهداف پالیسی تعیین شده در اسناد استراتژیک که قبلاً مورد تأیید حکومت افغانستان قرار گرفته‌اند، اطمینان حاصل خواهد نمود. متعاقباً ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی</p>
---	--	--	---	---	--

<p>افغانستان، طرح‌های پیشنهادی را به کمیته تدوین پالیسی ادارات محلی افغانستان جهت ملاحظه آن کمیته ارائه خواهد نمود.</p>			<p>تحقیقات و مشوره‌های انجام‌شده، نزدیک‌شدن به نتیجه‌گیری نهایی مباحث روی جدول موضوعات پالیسی و لایحه وظایف</p> <p>● نشست چهارم: آماده‌شدن طرح‌های پیشنهادی پالیسی جهت ارائه به ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی</p> <p>پیشنهادات و نتایج کار این گروه کاری</p>	<p>● جلسه سوم: گزینه‌های پالیسی، ارائه تحلیل بر اساس تحقیقات و مشوره‌های انجام‌شده توسط آسیا فونديشن، نتیجه‌گیری بحث روی جدول موضوعات پالیسی و لایحه وظایف</p> <p>● جلسه چهارم: تصویب طرح‌های پیشنهادی برای پالیسی</p> <p>پیشنهادات و نتایج کار این</p>	<p>(دارالانشای گروه‌های کاری)</p>
---	--	--	--	---	---

			شامل نتایج کار گروه کاری دوم خواهد شد.	گروه کاری شامل نتایج کار گروه کاری دوم خواهد شد.		
--	--	--	--	---	--	--

وظایف

بهبود سهم‌گیری بخش خصوصی، جامعه مدنی، زنان و جوانان در حکومت‌داری:

- تعیین میکانیزم‌های ساختارمند جهت سهم‌گیری سکتور خصوصی، جامعه مدنی، زنان و جوانان در امور ادارات محلی؛
- مشخص ساختن و واضح‌سازی نحوه روابط شوراهای انکشافی محل و شوراهای انکشافی ولسوالی با ادارات محلی؛
- برقراری ارتباط بین حکومت‌داری رسمی و غیر رسمی؛
- افزایش آگاهی مردم و شهروندان در زمینه مسئولیت‌های آنان در قبال پرداخت مالیات؛
- برقراری ارتباط با شوراهای ولایتی جهت بهبود کنترل کیفیت، دخیل‌سازی جامعه مدنی در زمینه نظارت بر اجراءات و عملکردهای ادارات محلی؛
- گسترش و تقویت ایجاد انجمن‌ها و اتحادیه‌های مسلکی صنفی؛
- اشاعه تولید کالاها و محصولات مشترک محلی؛
- تطبیق قانون حق دسترسی مردم به معلومات و اطمینان از دسترسی عامه مردم به معلومات ادارات دولتی؛
- ایجاد میکانیزم رسیدگی به شکایات عامه؛
- تسهیل فرصت‌هایی برای زنان و جوانان جهت سهم‌گیری در فعالیت‌های حکومت‌داری؛
- قانون تبعیض مثبت برای زنان: در نظر گرفتن کرسی‌هایی برای زنان در ادارات محلی در شوراهای انتخابی و پست‌های انتصابی؛

- دادخواهی در زمینه تطبیق قانون تبعیض مثبت برای زنان؛
- آماده نمودن طرح پیشنهادی پالیسی برای آغاز ثبت و راجستر اجتماعی اراضی در تمام واحدهای اداری و ثبت قبالات برای تمام مناطق شهری و دهات؛
- آماده ساختن طرح پیشنهادی پالیسی برای ایجاد یک سیستم متعادل جهت حل عادلانه منازعات و اختلافات.

جدول (۱): موضوعات پالیسی ادارات محلی

طرح کلی موضوعات در طول روند تدوین پالیسی

جدول آتی مشخص کننده موضوعات اساسی می باشد که جهت تهیه چارچوب پالیسی جامع و کامل ادارات محلی، لازم است به آنها توجه کافی مبذول گردد. با در نظر داشت زمان بندی کوتاهی که پیشنهاد پالیسی باید تهیه و تقدیم شورای عالی وزیران گردد، لازم است گروه های کاری ابتدا مجموعه متسلسلی از معیارهای دسترسی به گزینه های پالیسی را جهت رهنمایی و هدایت پالیسی سازی تهیه کنند و آن گاه روی فورموله سازی مشروح طرح های پیشنهادی پالیسی کار نمایند.

چارچوب کامل پالیسی

اصول پالیسی. چه کارهایی صورت گیرد؟	چارچوب حقوقی و تنظیمی. چه کارهایی باید صورت گیرد؟	ترتیبات اداری. چگونه باید این کار صورت گیرد؟	تطبیق و انکشاف. از کجا شروع خواهیم کرد.

مسئولیت‌ها (وظایف)				
				وظایف و صلاحیت‌ها
				طرح‌ریزی
				بودجه‌ریزی و مدیریت مالی
				اداره/ عرضه خدمات
				اطمینان از کیفیت/ عملکرد، اداره/ بررسی و نظارت
منابع (امور مالی)				
				صلاحیت مالی- مصارف
				دادن وجوه از طرف مرکز (بودجه ملی)
				بسیج منابع و اداره
				قرضه
نمایندگی و حساب‌دهی				
				روابط بین ادارات مختلف دولتی
				سهم‌گیری جامعه

				مدنی
				پیوندادن حکومت‌داری رسمی و غیر رسمی
ظرفیت و عملکرد				
				ساختارهای نهادی/اداری
				سیستم‌ها و روندها
				ارتقای ظرفیت منابع بشری
				مبارزه با فساد

جدول (۲): موضوعات پالیسی ادارات محلی

لازم است برای هر سطح توافق صوت گیرد که چه چیزهایی فعلاً وجود داشته، چه خلاءها و مشکلاتی موجود می‌باشند و نیز در زمینه این که چه بهبودی‌هایی باید به میان آید.

اصول و مبانی پالیسی						
سطح قریه/ محل	سطح ولسوالی	سطح شاروالی	سطح ولایت	سطح مرکز	اصول پالیسی	
						ساختار حکومت
						سیستم‌های

						انتخاباتی و نهادهای نماینده
مسئولیت‌ها (وظایف)						
						وظایف و صلاحیت‌ها
						طرح‌ریزی
						بودجه‌ریزی و مدیریت مالی
						اداره / عرضه خدمات
						اطمینان از کیفیت / اداره عملکرد / بررسی و نظارت
منابع (امور مالی)						
						صلاحیت مالی - مصارف
						انتقال وجوه مالی از مرکز (بودجه ملی)

						بسیج منابع و اداره
						قرضه
نمایندگی و حساب‌دهی						
						روابط بین ادارات مختلف دولتی
						سه‌مگیری جامعه مدنی
						پیوند دادن حکومت‌داری رسمی و غیررسمی
ظرفیت و عملکرد						
						ساختارهای نهادی / اداری
						سیستم‌ها و روندها
						ارتقای ظرفیت منابع بشری
						مبارزه با فساد

چارچوب اصول پالیسی

طرح چارچوب اصول پالیسی نیاز به سه مرحله اساسی دارد:

گام / مرحله	فعالیت‌ها	مثال‌ها
۱- توافق بالای دورنمای کلی و جهت‌گیری ادارات محلی	<p>تحلیل احکام موجود در:</p> <ul style="list-style-type: none"> • قانون اساسی • استراتژی انکشاف ملی افغانستان (بخش حکومت‌داری و دیگر استراتژی‌های سکتورهای) <p>توافق روی:</p> <ul style="list-style-type: none"> - یکپارچگی اصول موجود پالیسی - افزودن تعریف در صورت لزوم - خلاءها و اصول اضافی مورد نیاز 	<ul style="list-style-type: none"> • وزارت‌های سکتوری باید صلاحیت‌های لازم را به ادارات محلی خویش جهت اجراءات بهتر به آنان اعطاء نمایند. • باید برای زنان فرصت‌های سهم‌گیری در تصمیم‌گیری‌ها فراهم گردد.
۲- ترسیم پالیسی‌های موجود حکومت‌داری در زمینه موضوعات محلی	<p>تحلیل:</p> <ul style="list-style-type: none"> • استراتژی‌ها و پالیسی‌های وزارت‌ها در ارتباط با فعالیت‌ها و تعاملات آنان در سطح محلی • پالیسی‌ها و استراتژی‌های مربوط به نهادهای انتخابی نمایندگی در سطح محلی و تعاملات آنان 	<ul style="list-style-type: none"> • اصول پالیسی وزارت‌ها بر تفویض صلاحیت‌های اجرایی به ادارات محلی صحنه می‌گذارند. • اصول پالیسی وزارت‌ها رهنمای دخیل‌سازی زنان در تصمیم‌گیری‌ها در هر سطح می‌باشد.

	<p>واضح ساختن:</p> <p>- تنظیم پالیسی‌ها و استراتژی‌های وزارت‌ها با اصول پالیسی.</p> <p>- خلاءهای موجود در پالیسی‌ها و استراتژی‌های وزارت‌ها</p>	
<p>● اصول پالیسی برای تفویض صلاحیت‌های و وظایف به ادارات محلی:</p> <p>- وزارت‌ها یک راهکار معیاری را برای تفویض صلاحیت‌ها و وظایف به ادارات محلی اتخاذ خواهند نمود.</p> <p>- وزارت‌ها باید تفویض صلاحیت‌ها و وظایف طرح‌ریزی را با اجراءات بودجوی مرتبط سازند.</p> <p>● اصول پالیسی رهنمای سهم‌گیری زنان:</p> <p>- تمام ادارات عامه دارای پلان تبعیض مثبت خواهند بود.</p>	<p>تعریف و توافق روی:</p> <p>● یک پارچگی مجموعه اصول پالیسی که روی آن تمام وزارت‌ها بتوانند توافق نظر داشته باشند.</p> <p>● تعریف اصول جدید برای سمت و سوی مطلوب در عرصه‌هایی که تا کنون به طور کافی تحت پوشش قرار نگرفته‌اند.</p>	<p>۳- توافق روی اصول پالیسی برای نهادهای حکومت‌داری، روابط و روندهای مربوط در هر یک از سطوح محلی</p>

گروه کاری پلان‌گذاری و امور مالی محلی

گروه کاری در زمینه چارچوب مالی ذات‌البینی حکومتی (امور مالی، تخصیص منابع و پلان‌گذاری)

(امور دفاتر والی‌ها و ولسوال‌ها، نهادهای نمایندگی، (شوراهای ولایتی و قریه، شاروال‌ها و شوراهای شاروالی)، ادارات ولسوالی وزارت‌های سکتوری در لایحه وظایف این گروه کاری شامل می‌باشند.)

عضویت	ریاست مشترک اداره مستقل ارگان‌های محلی / مسئولان وزارت‌ها	کارشناس سکتوری به مثابه رابط بین گروه کاری، مشورتی، و دارالانشای پالیسی ایفای وظیفه می‌کند.	گروه کاری درپرتو... عمل خواهد نمود	اسناد حمایتی لازم به لسان دری برای گروه کاری فراهم خواهد گردید.	اهداف پالیسی
<ul style="list-style-type: none"> • رؤسای ریاست‌های پالیسی وزارت‌های محترم، کمیسیون‌ها و ادارات مستقل دولت • وزارت زراعت و آبیاری و مالداری • وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی • وزارت مبارزه با مواد 	<ul style="list-style-type: none"> • عبدالعزیز باب‌به کرخیل، نماینده اداره مستقل ارگان‌های محلی • نماینده وزارت مالیه • نماینده وزارت اقتصاد 	<ul style="list-style-type: none"> • کاندید اداره مستقل ارگان‌های محلی • کاندید وزارت مالیه • کاندید وزارت اقتصاد 	<ul style="list-style-type: none"> • قانون اساسی. • حکم مقام عالی ریاست جمهوری • قرارداد افغانستان • استراتیژی کامل انکشاف ملی افغانستان • استراتیژی‌های سکتوری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان: سکتورهای حکومت‌داری، اصلاحات اداره عامه و حقوق 	<ul style="list-style-type: none"> • قانون اساسی • حکم مقام عالی ریاست جمهوری • قرارداد افغانستان • استراتیژی کامل انکشاف ملی افغانستان • استراتیژی‌های سکتوری انکشاف ملی افغانستان به شمول سکتورهای 	<ul style="list-style-type: none"> • قانون اساسی کشور در زمینه حکومت‌داری: احکام مواد ۳، ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۷، ۲۲، ۳۳، ۳۵، ۵۰، ۵۳ و ۷۵ • قانون اساسی کشور در زمینه حکومت‌داری محلی: احکام مواد ۵۰، ۱۳۶، ۱۴۲، ۱۵۶ • حکم مقام عالی ریاست جمهوری: - ایجاد

<p>هماهنگی بیشتر بین نهادهای محلّی</p> <p>- پیشرفت همزمان در بخش های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی</p> <p>- چارچوب واحد ادارات محلّی</p> <p>• استراتیژی انکشاف ملی افغانستان</p> <p>الف) ارائه حکومت داری سالم در سطح محلّی. ایجاد شرایط آتی در ادارات محلّی و شاروالی ها:</p> <p>- شفافیت</p> <p>- حساب دهی</p> <p>- سهم گیری مردم جامعه</p>	<p>حکومت داری، اصلاحات اداره عامه و حقوق بشر</p> <p>• تحلیل چارچوب حقوقی فعلی نظریات ارائه شده طی مشوره های عامه</p> <p>• معلومات مبتنی بر تحقیقات</p> <p>• چارچوب استراتیژیک و پلان کاری اداره مستقل ارگان های محلّی</p> <p>• یادداشت روند طرح پالیسی</p> <p>• پلان اجرایی برای تهیه پالیسی</p>	<p>بشر برای سالهای ۲۰۰۸- ۲۰۱۳</p> <p>• چارچوب استراتیژیک و پلان اجرایی اداره مستقل ارگان های محلّی</p> <p>• تحلیل چارچوب حقوقی فعلی</p> <p>• معلومات و داده های مبتنی بر تحقیقات انجام شده در زمینه حکومت داری محلّی افغانستان</p> <p>• نظریات دریافت شده طی مشوره های عامه</p>			<p>مخدر</p> <p>• وزارت اقتصاد</p> <p>• وزارت مالیه</p> <p>• وزارت عدلیه</p> <p>• وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین</p> <p>• وزارت معادن</p> <p>• وزارت صحت عامه</p> <p>• وزارت احیاء و انکشاف دهات</p> <p>• وزارت انکشاف شهری</p> <p>• وزارت</p>
---	--	---	--	--	---

<p>مدنی و بخش خصوصی</p> <p>- دموکراسی محلی</p> <p>- مؤثریت و کارایی</p> <p>- تساوی و همه شمولی</p> <p>- عدالت جنسیتی</p> <p>- یک پارچگی</p> <p>- ایجاد یک سیستم مبتنی بر قانون در سطح تمام ادارات دولتی</p> <p>ب: بهبود عرضه خدمات عامه</p> <p>ج: تقویت ادارات محلی</p> <p>د: کاهش فقر</p> <p>بر اساس مندرجات</p>	<p>• معیارات مورد مشترک نظارت و انسجام در زمینه حکومت داری محلی.</p>				<p>امور زنان</p> <p>• کمیسیون مستقل انتخابات</p> <p>• کمیسیون مستقل مبارزه با ارتشاء و فساد اداری</p> <p>• ریاست شاروالی کابل</p> <p>• اداره مرکزی جیودیزی و کارتوگرافی</p> <p>• اداره امور و دارالانشای شورای وزیران</p>
---	--	--	--	--	---

<p>چارچوب استراتژیک و پلان اجرایی اداره مستقل ارگان‌های محلی:</p> <p>عرضه خدمات زمانی می‌تواند به وجه احسن، مؤثر و مفید صورت گیرد که این خدمات از طریق نزدیک‌ترین نهادهای برای مردم فراهم گردند. این امر متضمن حساب‌دهی تصامیم اتخاذشده در برابر شهروندان مربوط می‌باشد. واگذاری وظایف و مسئولیت‌ها به ادارات مختلف دولتی مبتنی بر اصول مؤثریت و</p>					
--	--	--	--	--	--

<p>کارایی کامل در عرضه خدمات عامه زمانی می تواند تحقق یابد که این خدمات از طریق نزدیک ترین ادارات به شهروندان که متضمن حسابدهی به آنان می باشد، صورت بگیرد.</p>					
---	--	--	--	--	--

<p>اموری که قبل از ایجاد گروه کاری باید توسط ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان های محلی، صورت بگیرند.</p>	<p>حمایت ها</p>	<p>گروه مشورتی</p>	<p>بازده و نتیجه نشست های گروه کاری</p>	<p>آجندای جلسه های گروه کاری</p>	<p>تقسیم اوقات نشست های گروه کاری</p>	<p>حمایت های لوجستیکی</p>
<p>● ریاست پالیسی اداره</p>	<p>● ارائه حمایت های</p>	<p>● آسیا فونديشن</p>	<p>● جلسه اول: موافقت</p>	<p>● جلسه اول: موافقت روی</p>	<p>● نشست اول ۲۸</p>	<p>● مکان: تالار</p>

<p>مستقل ارگان‌های محلی تمام طرح‌های پیشنهادی چهار گروه کاری را تلفیق خواهد نمود و از یک پارچگی میان این طرح‌های پیشنهادی و نیز یک پارچگی آنها با اهداف پالیسی تعیین شده در اسناد استراتژیک که قبلاً مورد تأیید حکومت افغانستان قرار گرفته‌اند، اطمینان حاصل خواهد نمود. متعاقباً ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی</p>	<p>تخنیک‌ی به گروه کاری</p> <ul style="list-style-type: none"> ● برنامه حاکمیت محلی افغانستان این حمایت‌ها را فراهم خواهد ساخت ● ارائه پیشنهادات تحقیقاتی: آسیا فونڈیشن ارائه خواهد نمود. 	<p>گروه مشورتی را با تصویب ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی ایجاد می‌کند.</p> <ul style="list-style-type: none"> ● عضویت: نهادهای غیردولتی (محلی، ملی و بین‌المللی) و نهادهای دولتی محلی ● برگزاری مشوره‌های مستمر از طریق روند مشورتی توسط آسیا فونڈیشن 	<p>روی اهداف مشترک پالیسی، تعیین معیارات برای برآورد و ارزیابی گزینه‌های پالیسی، تعیین حوزه، جدول موضوعات پالیسی و وظایف، برآورد و ارزیابی وضعیت فعلی پالیسی و وظایف، برآورد و ارزیابی وضعیت فعلی پالیسی و پیشکش لایحه وظایف قانون‌گذاری، تمرکز بحث روی موضوعات</p> <ul style="list-style-type: none"> ● جلسه دوم: ارزیابی و 	<p>فعالیت‌های مشترک پالیسی، تعیین معیارات برای برآورد و ارزیابی گزینه‌های پالیسی، تعیین حوزه، جدول موضوعات پالیسی و وظایف، برآورد و ارزیابی وضعیت فعلی پالیسی و وظایف، برآورد و ارزیابی وضعیت فعلی پالیسی و پیشکش لایحه وظایف قانون‌گذاری، تمرکز بحث روی موضوعات</p> <ul style="list-style-type: none"> ● جلسه دوم: ارزیابی و 	<p>جولای نشست دوم: ۱-۱۰ اگست نشست سوم: ۱۱-۲۰ اگست. نشست چهارم: ۲۱ تا ۳۰ اگست</p>	<p>کانفرانس‌های... ترجمه هم‌زمان: اداره مستقل ارگان‌های محلی</p> <ul style="list-style-type: none"> ● ارائه اسناد و مواد تحریری به لسان‌های انگلیسی و دری که در ستون‌های قبلی به آنها اشاره گردیده است. ● ارائه حمایت‌های تخنیک‌ی به رئیس گروه کاری ● ارائه حمایت‌های سکرتریتی به رئیس گروه کاری (دارالانشای گروه‌های
---	---	---	---	--	--	--

<p>افغانستان، طرح‌های پیشنهادی را به کمیتهٔ تدوین پالیسی ادارات محلی افغانستان ارائه خواهد نمود.</p>			<p>پالیسی و لایحهٔ وظایف ● نشست دوم: برآورد و ارزیابی وضعیت فعلی پالیسی و قانونگذاری، تحلیل بر مبنای تحقیقات انجام شده و معرفی مشوره‌ها، ادامهٔ کار روی جدول موضوعات پالیسی و پیشکش لایحهٔ وظایف جمع‌بندی نمودن</p>	<p>برآورد مشکلات ناشی از ترتیبات و ساماندهی‌های موجود، ارائه تحلیل بر اساس تحقیقات و مشوره‌های انجام شده موجود توسط آسیا فوندیشن، بحث بالای جدول موضوعات پالیسی و پیشکش لایحهٔ وظایف جمع‌بندی نظریات گروه‌های کاری اول و دوم ● جلسهٔ سوم:</p>	<p>کاری)</p>
--	--	--	---	--	--------------

			<p>نظریات گروه‌های کاری اول و دوم</p> <p>● جلسه سوم: تحلیل بر اساس تحقیقات و مشوره‌ها، باطنی‌سازی نظریات گروه‌های کاری اول و دوم</p> <p>جمع‌بندی کارهای گروه‌های کاری اول و دوم و باطنی‌سازی آنها</p> <p>جمع‌بندی نظریات گروه‌ها،</p>	<p>جمع‌بندی نمودن گزینه‌های پالیسی، ارائه تحلیل بر اساس تحقیقات و مشوره‌های موجود انجام شده توسط آسیا فونديشن، نتیجه‌گیری مباحث در زمینه جدول موضوعات پالیسی ولایحه وظایف</p> <p>● جلسه چهارم: فورموله‌سازی پیشنهادات پالیسی</p>	
--	--	--	---	--	--

			تکمیل تقریبی کار روی جدول موضوعات پالیسی و لایحه وظایف، گزینه‌های پالیسی • نشست چهارم: طرح های پیشنهادی پالیسی آمادۀ ارائه به ریاست پالیسی اداره مستقل ارگان‌های محلی		
--	--	--	--	--	--

لایحه وظایف

بررسی تخصیص منابع برای ادارات محلی: ولایات، ولسوالی‌ها و قریه‌ها بر اساس وظایفی که انتظار می‌رود این ادارات انجام دهند. پیشنهاد گزینه‌هایی برای چارچوب کاری عادلانه مالی ذات‌البینی ادارات دولتی

بهبود ادارهٔ مصارف عامه

- تهیهٔ طرزالعمل‌هایی برای تخصیص مساویانهٔ عواید به ۳۴ ولایت و شاروالی کابل؛
- ایجاد سیستم‌های شفاف و قابل پیش‌بینی در دادن وجوهات ذات‌البینی به ادارات دولتی؛
- تعیین ولایات به حیث واحدهای اول بودجوی؛
- طرح قوانین جهت اطمینان از این که مصارف محلی در چارچوب سیستم مدیریت مصارف عامه صورت می‌گیرد؛
- گسترش ادارهٔ درست و معقول دارایی‌ها جهت کاستن و جلوگیری از استفادهٔ نادرست و غیر کارآمد از منابع؛
- تثبیت طرزالعمل‌هایی برای تطبیق پروژه‌های زیربنایی؛
- بذل توجه به سیستم‌های بودجهٔ ادارات؛
- ایجاد میکانیزم ردیابی و تشخیص مصارف عامه؛
- طرح پالیسی تفتیش برای ادارات محلی.

تجهیز نظام‌های طرح‌ریزی و بودجه‌ریزی در یک سیستم فشردهٔ انکشاف محلی

- قریه
- ولسوالی
- شاروالی
- ولایت
- ملی

تخصیصات مالی دولت مرکزی به ادارات محلی:

- اشاعهٔ پلان‌گذاری و بودجه‌سازی به تمام ولایات؛
- ارتباط دادن پلان‌ها و بودجه‌های ولایتی با پلان‌گذاری و بودجه‌سازی مرکز؛

- نهادهای سازی روند پلان گذاری و بودجه سازی ولایتی.

جدول (۱) موضوعات پالیسی ادارات محلی

طرح کلی و ترسیم موضوعات در طول روند تدوین پالیسی

جدول آتی مشخص کننده موضوعات اساسی می باشد که جهت تهیه چارچوب پالیسی جامع و کامل ادارات محلی، لازم است به آنها توجه کافی مبذول گردد. با در نظر داشت وقت اندکی که پالیسی باید تهیه و تقدیم شورای عالی وزیران گردد، لازم است گروه های کاری ابتدا مجموعه یک پارچه ای از معیارات دسترسی به گزینه های پالیسی را جهت رهنمایی و هدایت پالیسی سازی تهیه کنند و آن گاه روی فورموله سازی مشروح طرح های پیشنهادی پالیسی کار نمایند.

چارچوب کامل پالیسی

اصول پالیسی چه کارهایی صورت گیرند؟	چارچوب حقوقی و انتظامی چه کارهایی باید صورت گیرند؟	ترتیبات نهادی/ اداری چگونه باید این کار صورت گیرد؟	تطبیق و انکشاف از کجا شروع خواهیم کرد؟
تشکیل دولت			
سیستم انتخاباتی نهادهای نمایندگی			

مسئولیت ها (وظایف)				
				وظایف و صلاحیت ها
				پلان گذاری
				بودجه سازی و مدیریت مالی
				اداره/ عرضه خدمات
				اطمینان از کیفیت/ عملکرد، اداره/ واریسی و نظارت
منابع (امور مالی)				
				صلاحیت مالی- مصارف
				انتقال و ارائه جوه از مرکز (بودجه ملی)
				بسیج منابع و اداره
				قرضه
نمایندگی و حساب دهی				
				روابط بین ادارات مختلف دولتی

				سهم‌گیری مدنی جامعه
				ارتباط حکومت‌داری رسمی و غیر رسمی
ظرفیت و عملکرد				
				ساختارهای اداری نهادهی/
				سیستم‌ها و روندها
				ارتقای ظرفیت منابع بشری
				مبارزه با فساد

جدول (۲): موضوعات پالیسی ادارات محلی

لازم است برای هر سطح روی سیستم‌ها و زیربنای موجود فعلی، خلاءها و مشکلات موجود و نیز در زمینه این که چه بهبودی‌هایی باید به وجود آید، به توافق دست یافت.

اصول و مبانی پالیسی						
سطح قریبه/ محل	سطح ولسوالی	سطح شاروالی	سطح ولایت	سطح مرکز	اصول پالیسی	

						ساختار حکومت
						سیستم‌های انتخاباتی و نهادهای نماینده
مسئولیت‌ها (وظایف)						
						وظایف و صلاحیت‌ها
						پلان‌گذاری
						بودجه‌سازی و مدیریت مالی
						اداره/ عرضه خدمات
						اطمینان از کیفیت/ عملکرد، اداره/ وارسی و نظارت
منابع (امور مالی)						
						صلاحیت مالی - مصارف
						انتقال وجوه

						مالی از مرکز (بودیجه ملی)
						بسیج منابع و اداره
						قرضه
نمایندگی و حساب‌دهی						
						روابط بین ادارات مختلف دولتی
						سهم‌گیری جامعه مدنی
						ارتباط بین حکومت‌داری رسمی و غیر رسمی
ظرفیت و عملکرد						
						ساختارهای نهادی / اداری
						سیستم‌ها و پرونده‌ها
						ارتقای ظرفیت

						منابع بشری
						مبارزه با فساد

چارچوب اصول پالیسی

طرح چارچوب اصول پالیسی نیاز به سه مرحله اساسی دارد:

گام / مرحله	فعالیتها	مثالها
۱- توافق بالای دورنمای کلی و جهت گیری ادارات محلی	<ul style="list-style-type: none"> تحلیل احکام موجود در: قانون اساسی استراتژی انکشاف ملی افغانستان (بخش حکومت داری و دیگر استراتژی های سکتورهای) توافق روی: - ارتباط و یک پارچگی اصول موجود پالیسی - افزودن تعریف در صورت لزوم - خلاءها و اصول اضافی مورد نیاز 	<ul style="list-style-type: none"> وزارت های سکتوری باید صلاحیت های لازم را به ادارات محلی خویش جهت اجراءت بهتر به آنان اعطاء نمایند. باید برای زنان فرصت های سهم گیری در تصمیم گیریها فراهم گردد.
۲- ترسیم پالیسی های موجود حکومت داری در زمینه	<ul style="list-style-type: none"> تحلیل: استراتژی ها و پالیسی های وزارت ها در ارتباط با فعالیتها و 	<ul style="list-style-type: none"> اصول پالیسی وزارت ها بر تفویض صلاحیت های اجرایی به ادارات محلی صحنه می نهد.

موضوعات محلی	تعاملات آنان در سطح محلی	<ul style="list-style-type: none"> • اصول پالیسی وزارت‌ها رهنمای دخیل‌سازی زنان در تصمیم‌گیری‌ها در هر سطح می‌باشد.
<p>۳- توافق روی اصول پالیسی برای نهادهای حکومت‌داری ، روابط و روندها در سطح محلی</p>	<p>تعریف و توافق روی:</p> <ul style="list-style-type: none"> • مجموعهٔ ارتباط و یکپارچگی اصول پالیسی که روی آن تمام وزارت‌ها بتوانند توافق نظر داشته باشند. • تعریف اصول جدید و سمت و سوی مطلوب در عرصه‌هایی که تا کنون به طور کافی تحت پوشش قرار نگرفته‌اند. 	<ul style="list-style-type: none"> • اصول پالیسی برای تفویض صلاحیت‌های و وظایف به ادارات محلی: - وزارت‌ها یک راهکار معیاری را برای تفویض صلاحیت‌ها و وظایف به ادارات محلی اتخاذ خواهند نمود. - وزارت‌ها باید تفویض صلاحیت‌ها و وظایف طرح‌ریزی را با اجراءات بودجوی مرتبط سازند. • اصول پالیسی رهنمای سهم‌گیری زنان: - تمام ادارات عامه دارای پلان تبعیض مثبت خواهند بود.

